

عبور از بحران

سال
۶۰

کارنامه و خاطرات
هاشمی رفسنجانی



کارنامه و خاطرات

هاشمی رفسنجانی عبور از بحران

سال

۱۳۶۰

به اهتمام:
یاسر هاشمی



معارف انقلاب



به اهتمام:
یاسر هاشمی

www.KetabFarsi.com

www.KetabFarsi.com

فینبخت ها

کارنامه و خاطرات ۱۳۶۰

عبور از بحران

به اهتمام: یاسر هاشمی



دفتر نشر معارف انقلاب

تهران ، صندوق پستی : ۴۶۴۸-۱۹۳۹۵

هاشمی رفسنجانی

کارنامه و خاطرات ۱۳۶۰

عبور از بحران

به اهتمام : یاسر هاشمی

طرح و پردازش : دفتر نشر معارف انقلاب

ویراستار : قادر ناستانی

حروفچینی و صفحه آرایی : سیده فاطمه بنی هاشمیان

همکاران : انتشارات همشهری

علی امینی - عبدالحمید شبیری نژاد

لیتوگرافی ، چاپ و صحافی : مؤسسه فرهنگی هنری طاهر - لیلا

تعداد : ۵۰۰۰ نسخه

چاپ سوم : ۱۳۷۸

قیمت کتاب جلد سخت ۲۳۵۰ تومان

قیمت کتاب جلد معمولی : ۲۱۵۰ تومان

حق چاپ محفوظ است

ISBN 964-91543-3-7 • ۷-۳-۹۱۵۴۳-۹۶۴ شابک

هاشمی رفسنجانی ، اکبر ، ۱۳۱۳

کارنامه و خاطرات : تصویرها ، اسناد ، گاه شمار ، رویدادها / هاشمی رفسنجانی :

به اهتمام یاسر هاشمی - تهران : دفتر نشر معارف انقلاب ، ۱۳۷۸

۱ هاشمی رفسنجانی ، اکبر ، ۱۳۱۳ - خاطرات ۰۲ ایران - تاریخ - ۱۳۶۰

فهرست سال ۱۳۶۰

۷	حرف اول
۲۷	مقدمه ناشر
۲۹	فروردین
۷۷	اردیبهشت
۱۲۱	خرداد
۱۶۷	تیر
۲۱۱	مرداد
۲۵۱	شهریور
۲۹۷	مهر
۳۳۹	آبان
۳۷۹	آذر
۴۱۷	دی
۴۵۱	بهمن
۴۸۷	اسفند
۵۱۵	روایت هجران
۵۴۷	نمایه



حرف اول

بسم الله الرحمن الرحيم

اخيراً برای یادآوری بعضی از حوادث مهم سالهای اول بعد از پیروزی انقلاب، به یادداشت‌های روزانه آن روزها مراجعاتی داشتم. آنها را برای خودم که در متن کار بودم، جالب و آموزنده یافتم. و فکر کردم احتمالاً برای دیگران هم، چنین است؛ چه آنها که خودشان در آن زمان در حوادث حضور داشتند و چه آنها که بعداً آمده و یا خواهند آمد.

مراجعات فراوانی هم از طرف کسانی که به نحوی، از این یادداشتها مطلع شده بودند، دارم که تأکید بر انتشار این اسناد تاریخی دارند. دو سه بار گوشه‌هایی از این نوشته‌ها به مناسبت‌هایی، در رسانه‌ها منتشر شده مانند خاطرات جنگ یا موضوعات دیگر که مورد توجه قرار گرفت و شاید انتشار همان چند صفحه، باعث هجوم درخواستها و اصرارها شد. با چند نفر از دوستان اهل نظر مشورت کردم که به اتفاق، تأکید بر چاپ و نشر این یادداشتها داشتند.

و بالاخره از رهبر عظیم‌الشان انقلاب، آیت‌الله خامنه‌ای نظر خواستم و معظم‌له با مطالعه دوره یک ساله از این یادداشتها، تشویق و تأکید بر انتشار فرمودند و با دریافت نظر ایشان، که خودشان هم از نزدیک شاهد و یا در متن حوادث بوده‌اند، بر تردید پیروز شدم.



توفیق ثبت بخشی از خاطرات و حوادث مهم تاریخی دوران انقلاب اسلامی را از الطاف الهی می‌دانم؛ کاری ساده و آسان برای اینجانب بود، اما مطمئناً برای تدوین تاریخ پربار انقلاب، می‌تواند سرمایه خوبی باشد.

متأسفانه، دو سال و ۳۸ روز از تاریخ بعد از پیروزی انقلاب را یادداشت نکرده‌ام. شاید آن غفلت حسرت آور، معلول روحیه‌ای باشد که در دوران مبارزات پیش از پیروزی انقلاب داشتیم و رسوبات آن تا مدتی بعد از پیروزی وجود داشته است.

قبل از انقلاب، یادداشتهای سیاسی، ممکن بود به دست عوامل رژیم بیفتد و مورد سوء استفاده آنها و دردسر برای انقلابیون بشود و خیلی‌ها به همین دلیل، از نوشتن مطالب و خلق مدارک، خودداری می‌کردند.

حوادث این دو سال و دو ماه بسیار مهم است و اگر یادداشتهای دقیقی از دست‌اندرکاران دست اول امور انقلاب وجود داشته باشد، خیلی روشنگر است.

مسائل مربوط به شورای انقلاب، بازگشت و ورود امام، سقوط رژیم پهلوی، تشکیل دولت موقت، تشکیل حزب جمهوری اسلامی، تدوین پیش‌نویس قانون اساسی، تشکیل اولین مجلس خبرگان، اقامت امام را حل در قم، تشکیل کمیته‌های انقلاب و امداد امام و تشکیل جهاد سازندگی و سپاه و بسیج و دادگاههای انقلاب، درگیریهای درون دولت موقت و شورای انقلاب، تعطیلی دانشگاهها و تأسیس ستاد انقلاب فرهنگی، تحرکات گروههای ملی‌گرا و ضدانقلاب، شروع ترورها و شورشها، تسخیر لانه جاسوسی، استعفای دولت موقت، مسئولیت اجرایی شورای انقلاب، تجدید ساختار شورای انقلاب، اختلافات و درگیریها میان مسئولان کشور، اولین انتخابات مجلس و شکل‌بندی مجلس اول، کودتای نوژه، آغاز جنگ تحمیلی با تجاوز وسیع عراق، مواضع کشورها و دولتها و احزاب، وضع جنگ در زمان فرماندهی بنی‌صدر، مشکلات همکاری سپاه و ارتش و خیلی موضوعات دیگر فرازهای مهمی از تاریخ اسلام و ایران‌اند که سزاوار بررسی و تحلیل‌اند.

اینجانب، اکنون متأسفم که چرا در همان زمان، روزانه یک صفحه کارنامه و خاطرات، برای این همه موارد تاریخی و تاریخ ساز ننوشته‌ام که اکنون مجبور باشم، خاطرات را از سال ۶۰ شروع کنم.



سال ۶۰ را با بحرانهای شدید سیاسی، نظامی، امنیتی و اقتصادی آغاز کردیم. با مراسم ۱۴ اسفند ۵۹ برای بنی صدر در دانشگاه تهران، اختلافها شدیدتر شد و فضای سیاسی را متشنج و دولت را مواجه با اشکال کرد و در جبهه‌ها تحرکی نبود و نیروهای عراقی، مواضع خود را برای ادامه اشغال تحکیم می‌کردند. افکار آقای بنی صدر که اختلاف میان ارتش و سپاه به وجود آورده بود، امکان تحرک مناسب، برای عقب راندن اشغالگر را از دسترس بیرون برده بود. بین مجلس و رئیس جمهور، اختلاف شدید بود و نیروهای ضدانقلاب که پشت سر آقای بنی صدر موضع گرفته بودند، به آتش اختلاف دامن می‌زدند. امنیت کشور در مرزها و به خصوص در کردستان، سیستان و بلوچستان، آذربایجان، دشت آزادگان و مرکز آسیب داشت.

با سلب کفایت سیاسی از بنی صدر و عزل او، به اوج بحران رسیدیم. شورش وسیع مسلحانه ۳۰ خرداد، ترور آیت‌الله خامنه‌ای، فاجعه ۷ تیر و شهادت هفتاد و دو تن و یک تن، ترور و شهادت جمع زیادی از استوانه‌های بسیج‌کننده انقلاب و کسالت زجر دهنده امام امت نمونه‌هایی از آثار بحران است و علائم یأس در بسیاری از نیروهای انقلاب به چشم می‌خورد. وضع من که بسیاری از بهترین هم‌زمان دوران انقلاب و همراهان و همکاران را در کنار خود نمی‌دیدم، قابل توجه است؛ با احساس مسئولیتهای بسیار سنگین و تعدد جبهه‌های کاری و محدودیت امکانات و ابزار کار.



در سال ۵۹ هم اختلاف و مشاجرات سیاسی داشتیم و بحران‌های سال ۶۰ نتیجه طبیعی همان اختلافات است. تفاوت بین سالهای ۵۹ و ۶۰ در موضع‌گیری‌های روشن‌تر امام است که در اثر واضح شدن اهداف دو طرف اختلاف و یأس ایشان از ایجاد وفاق بوجود آمده بود و کار توضیحی ما هم تأثیر زیادی در تصمیم امام برای اتخاذ مواضع صریح داشت. در این مدت در ملاقات‌ها و پیامها و نامه‌ها بخشی از واقعیت‌ها را به عرض امام رسانده بودیم.

در این خصوص دو سند مهم منتشر نشده قابل توجه است. دو نامه تاریخی که در فاصله یک سال به امام نوشته‌ایم (۵۸/۱۱/۲۸ و ۵۹/۱۱/۲۵) اهمیت این دو سند از این جهت است که بسیاری از مسائل مهم تاریخی سال ۵۹ را نشان می‌دهند. نامه اول به امضای آیات بهشتی، خامنه‌ای، اردبیلی، باهنر و من است و نامه دوم فقط امضاء من را دارد و توضیحی درباره نامه اول و شرایط بعد از نامه اول و هر دو نامه به خط من است. نکته قابل توجه اینکه، قرار بود در ملاقات

دسته جمعی مان در بیمارستان قلب، من نامه را به امام تقدیم کنم. من با دیدن حال امام و شنیدن حرفهای ایشان منصرف شدم و مجال مشورت با همراهان هم نبود.

وقتی که از اتاق بیرون آمدم، دوستان از من بازخواست کردند و نمی دانم با توضیحات من قانع شدند یا نه؟ و پس از آن تاریخ یاد آن تصمیم تک روانه رنجم می داد و سرانجام با مشاهده ادامه مجادلات و احساس نیاز به انجام وظیفه "النصيحة لائمة المسلمين" پس از مشورت با دوستان با نوشتن نامه ای دیگر و تقدیم دو نامه به امام از رنج ملامت وجدان راحت شدم، بخشی از مضامین این دو نامه را در یک جلسه تاریخی شفاهاً به خدمت امام عرض کرده بودیم؛ در آن تاریخ امام برای رفع اختلافات یا اتمام حجت، جمعی از شخصیت های مؤثر دو طرف را به دفترشان احضار کردند و با حالت جدی و تأثر، نصایح مهمی فرمودند. من اجازه گرفتم و مطالب صریحی مطرح کردم، که از طرف دوستان و بخصوص شهید بهشتی مورد تشویق و تحسین فراوان قرار گرفت!.

در سال ۵۹ با عبور از بخشی از مشکلات، دولت شهید رجائی تشکیل شده بود. سرعت حوادث ما را مجبور به انتخابی دیگر کرد. رجائی به مسئولیت ریاست جمهوری می رود و با دولت شهید باهنر احساس هماهنگی بین همه ارگانها می کنیم: (مجلس و دولت و قضا و ارگانهای انقلابی). با فاجعه ۸ شهریور این وضع مطلوب از دست می رود.

بالاخره با انتخاب آیت الله خامنه ای به ریاست جمهوری، علیرغم نفاقت شدید ناشی از سوء قصد منافقان، دوره آرامش و استقرار را در نیمه دوم سال ۶۰ تجربه می کنیم. در این شرایط است که امکان توجه به جبهه ها و دفاع را به دست می آوریم.

خوشبختانه، تحرک مطلوبی با عملیات کوچک ولی الهام بخش دارخوین آغاز می گردد و عملیات تهاجمی نیروهای رزمنده، برای عقب راندن بعثیان روند تکاملی خود را ادامه می دهد که پس از عملیات ثامن الائمه و بیت المقدس و سپهر فتح المبین، بخش عظیمی از خاک مقدس کشورمان، آزاد می شود و غنایم فراوانی، به دست می آید و نیروهای متجاوز بعثی آن چنان متهدم می شوند، که برای راست کردن کمر، احتیاج به زمان طولانی و امکانات فراوان داشتند و نتوانستند، نیروهای اشغالگرشان در خرمشهر را هم حمایت کنند.

خوانندگان عزیز، در مورد این مسائل، نکات قابل توجهی در این کتاب می خوانند، البته تا آنجا که به کار من مربوط می شود و یا به دلیلی، من در مسیر آنها قرار گرفته ام.



خوب است، به نکاتی در مورد مطالب این سلسله خاطرات یا کارنامه توجه شود:

۱- از روز اول سال ۱۳۶۰ (تاکنون) بدون استثناء برای هر روز مطالبی نوشته‌ام.

۲- این نوشته‌ها، همگی در تقویمهای مربوط به همان سال و در صفحه همان روز درج

شده است.

۳- گاهی مطالب مورد نظر، بیش از یک صفحه بوده که معمولاً در صفحات دیگر همان

تقویم، که جای خالی داشته، نوشته شده؛ با توضیح در ارتباط تاریخی مطلب.

۴- معمولاً هر شب، بعد از کارهای روزانه، خاطرات را یادداشت می‌کردم. مواردی هم

هست که با تأخیر یک یا چند روز، انجام می‌شد، که معمولاً یادآوری تأخیر هم شده و در این

صورت، ممکن است نوشته‌ها ناقص تر باشد.

۵- چون مطالب، آخر شب و با خستگی نوشته شده، قلم رسا نیست و آثار خستگی را نشان

می‌دهد و گاهی اختصارها و نارسائی‌های نابجائی دارد.

۶- طبیعی است، همه مطالب مربوط به موضوعات، درج نشده است و چه بسا مطالبی که از

قول اشخاص، یا در مورد افراد و یا خودم آمده، ناقص باشد و گاهی باعث نقص کار؛ البته سعی

کرده‌ام که اصل مطلب یا بخش مهم موضوع را ولو با اشاره بنویسم. در عین حال ممکن است،

اشخاصی که مطلب به آنها مربوط می‌شود، اشتباهی یا نقص مهم، یا نیاز به توضیح تشخیص دهند

که اگر تذکر بدهند، ممکن است در چاپهای بعد جبران شود. به همین جهت در چاپ اول، کمتر از

میزان مورد تقاضا، چاپ می‌شود که با تذکرات خوانندگان رفع نقص شود.

۷- در هنگام تنظیم نهائی یادداشتها، اصلاحات جزئی لفظی یا معنوی انجام شده، ولی

اصل براین بوده که کمترین تغییر باشد؛ البته متن اصلی، محفوظ است و ممکن است، در شرایطی

دیگر، بدون تغییر چاپ شود.

۸- از چاپ بعضی از مطالب که جنبه اسرار کشور یا افراد را دارد، خودداری شده و برای

این منظور، با چند نفر از دوستان اهل نظر و راز دار مشورت شده است.

۹- خوشبختانه، با تلاش فرزندانم یاسر، تمامی یادداشتها، در رایانه ضبط شده که از حوادث

روزگار، مصون‌تر بماند.

۱۰- بنا دارم، جلد بعدی را، پس از دریافت نظرات و انتقادات خوانندگان، منتشر کنم که

بی‌شک از این طریق، از اشکالات کار کاسته خواهد شد.

۱۱- می‌دانم که انتشار خاطراتی این چنین، در زمان حیات خود صاحب اثر و حیات

بسیاری از افراد و خانواده‌های مذکور در کتاب، خالی از مشکل و آثار منفی هم نیست، ولی فکر می‌کنم که نتایج مثبت و سازنده آن، خیلی بیشتر باشد.

۱۲- از خوانندگان محترم، تقاضا دارم که ما را از تذکرات و انتقادات و ارسال اسناد و عکسها و ... که مکمل کار است، محروم نکنند و امیدوارم این کار، باعث رواج انتشار آثاری از این قبیل باشد.

۱۳- معمولاً در یادداشتها، اشاره به مصاحبه‌ها، سخنرانیها و مدارک مشخص دیگری شده که مجموعه آنها در پاورقی‌ها، یا به صورت مستقل، چاپ و منتشر می‌شود. کسانی که نیاز به توضیح بیشتر داشته باشند، می‌توانند به آنها مراجعه کنند.

۱۴- با توجه به محدودیت فضای یادداشت و وقت اینجانب، کاستی‌ها و مبهم‌گوییها و نیامدن بسیاری از مطالب قابل ذکر، توجیه پذیر است و استحقاق غمض عین و چشم پوشی دارد.

۱۵- معمولاً در یادداشتها، عناوین و القاب شخصیتها نیامده و نخواستیم در موقع تنظیم نهائی، از این جهت تغییری بدهیم.

اکبر هاشمی رفسنجانی

۱۳۷۷/۱۰/۲



آیت الله هاشمی رفسنجانی سال ۱۳۶۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
مَعْرِفَتِ بَرَدِ دَرِیَّ عَظِيمِ اَشْرَافِ اِمَامِ حَسَنِ دَوَامِ ظِلِّهِ الطَّيِّبِ

چه خوب بود و ضرورت بردن داشتن این مطلب در این اثر ابط نبود. اما حاشیاهای پیرایه
کتاب در این تذکره ادب را گناه تشخیر داریم و نه کردار او را و طبعاً دلالت بر اختلاف میراث
دیگر معنویت دارد زیرا با اصفیاء بنظر شریف میراثیم.

۱- با تکلیف نطفی و تجریدیه انسیم دیدیم پذیرفتن مسئولیت تاریخی (ازاد و محرمین)

در ضمن شرایطی فراختر خواهر سقط است را آن را همراه دارد و در مغایرت از ذرات زمین و گامی
استعداد و اظهار نظر کردن آن بر دست است و در وقت راهی از برادر است علیه سید.

۲- به ارشاد با تشخیر و احکام و طیفه پشتراند و در کتاب ایران و پیرایه شریف زماغان
خطیرترین مسئولتها را پذیرفتیم و با اطمینان به اعتماد عمومی که از جانب شاهان میگردید تا امروز
باشند کار و تصمیم خلیفان پذیرا داریم و هنوز هم همان امر و تکلیف و اعتماد داریم.

۳- پشتراندیم در روز و بعد از آن و امروز معتقد بودیم و میسیم که نظام اسلامی در ایران بدون
پشتراند از روشنگریات مذهبی و سیاسی تعصیبی دوام ندارد و بهین جهت با مشورت
و جانبی و جلب برانفتن گرفتن معده صلابت غیر مستقیم با همه گرفتار است و از همان روزهای

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

محضر مقدس رهبر و استاد عظیم الشان امام خمینی دام ظلّه العزیز

چه خوب بود ضرورتی برای نوشتن این مطالب در این شرایط نبود، اما مع الاسف پس از بحث و بررسی، تذکر ندادن را گناه تشخیص دادیم و تذکر دادن را وظیفه و لذا برخلاف میل و احساس و به حکم عقل و مسئولیت، موارد زیر را به اختصار به نظر شریف می‌رسانیم:

۱ - با تحلیل منطقی و تجربه می‌دانستیم و می‌دانیم، پذیرفتن مسئولیتهای بزرگ (مخصوصاً اجرائی) در چنین شرایطی، خواهی نخواهی سقوط اعتبار انسان را به همراه دارد و در مقابل، انزواگزیدن و گاهی انتقاد و اظهار نظر کردن، آسایش و اعتبار می‌آورد و انسان را خالی از هوا و دلسوز جلوه می‌دهد.

۲ - به امر شما و با تشخیص و احساس وظیفه، پیش از ورود شما به ایران و پس از تشریف فرمایتان، خطیرترین مسئولیتهای را پذیرفتیم و با اتکاء به اعتماد عمیقی که از جانب شما احساس می‌کردیم تا امروز با پشت کار و تصمیم خلل ناپذیر ادامه دادیم و هنوز هم به همان امر و تکلیف و اعتماد تکیه داریم.

۳ - پیش از پیروزی و بعد از آن و امروز معتقد بودیم و هستیم که نظام اسلامی در ایران بدون پشتوانه‌ای از تشکیلات مذهبی - سیاسی تضمین دوام ندارد و به همین جهت با مشورت با جنابعالی و جلب موافقت و گرفتن وعده حمایت غیرمستقیم از شما، با همه گرفتاریها از همان

روزهای اول پیروزی، مسئولیت تأسیس 'حزب جمهوری اسلامی' را به عهده گرفتیم و در ماههای اول موفقیت‌های چشمگیری به دست آوردیم.

۴ - دشمنان و مخالفان، به عمق و عظمت اقدام پی بردند و برای تضعیف حزب و رهبران حزب دست به کار شدند. غرب و شرق در خارج و راستی و چپ‌ها و بعضی از خودمانی‌ها در داخل، عملاً در این خصوص هماهنگ گردیدند؛ کار را با ترور اشخاص و شخصیتها شروع کردند و هنوز هم کشتن‌ها و پخش شایعات و رواج دادن اتهامات ادامه دارد.

۵ - تبلیغات گمراه کننده آنها موقعی کارگر شد که بعضی از نزدیکان و متسبان به بیت جنابعالی با آنان همصدا شدند. گرچه تأییدات گاه بیگانه شما و روابط رسمی ما با حضرتعالی از اثر این اقدامات می‌کاست و در مقابل سکوت ما به خاطر مراعات مصلحت انقلاب و نداشتن فرصت بررسی و دفاع هم از عوامل جرأت و پیشرفت آنان بوده و هست.

۶ - موفقیت 'حزب جمهوری اسلامی' در انتخابات مجلس خبرگان و تدوین قانون اساسی که امید غیرمذهبی‌ها را به کلی از بین برد، از عوامل تشدید مبارزات مخالفان ما است.

۷ - حذف 'حزب جمهوری اسلامی' از جریانات انتخابات ریاست جمهوری که با مندمات حساب شده‌ای پیش آمد، مخالفان را جری و امیدوار کرد و تلاشها را مضاعف کردند. خیلی بعید است که انتشار نامه آقای میرزا علی آقا تهرانی که در آن ما را متهم به قدرت طلبی از طرق نامشروع و خیانت و به طور مبهم به همکاری با امریکا و امیران نظام می‌کرد و در ظرف یک هفته در سراسر کشور، حتی روستاها و خارج کشور پخش گردید، بی‌ارتباط با جریانات قبل و بعد و همراه حذف حزب از انتخابات باشد.

۸ - چند روزی که کسالت جنابعالی اعلام نشده بود، نامه‌ها و تلگرافهایی از طرف افراد و گروهها در جراید خطاب به شما منتشر شد که از شما تقاضا داشتند، نظرتان را نسبت به اظهارات آقای تهرانی بیان فرمائید و شما بی‌خبر از تقاضای مردم بودید و مردم بی‌اطلاع از بیماری شما و سکوت شما را دلیل بر رضایت می‌گرفتند و تبلیغ می‌کردند. و ما نه می‌توانستیم خبر بیماری جنابعالی را به مردم بدهیم و نه روا می‌دانستیم که به طرف مقابل مثل ایشان حمله کنیم و حتی همان مختصر جوابمان به اندازه انکار تهمت، بر روحمان سنگینی می‌کرد، زیرا دشمنان می‌خندیدند و تحریک می‌کردند و مردم خون دل می‌خوردند و مأیوس می‌شدند.

۹ - پخش شایعاتی حاکی از خشم امام نسبت به حزب جمهوری اسلامی و به ما در چنین شرایطی اوج گرفت و هیچ چیز نبود که بتواند کذب شایعات را ثابت کند و بلکه اظهارات برادر و نوه و داماد و افرادی دیگر از نزدیکان شما محیط را برای پذیرش شایعات آماده‌تر کرد.

۱۰ - در تمام مدت غیبت صفرای شما، حتی یک خبر از رسانه‌های جمعی پخش نشد که نشان ارتباط و علاقه شما به ما باشد و حتی از ذکر نام ما پنج نفر در خبر آمدن شورای انقلاب به قم برای انتقال شما به تهران که مسئولیت آن را به عهده گرفته بودیم، جلوگیری شد. و در مقابل به کرات اخبار و صحنه‌هایی حاکی از ارتباط رقبای حزب جمهوری اسلامی با شما پخش گردید. حتی در چنین شرایطی که مردم به خاطر بیماری شما سخت تأثیر پذیر بودند، شایعه سازان ما را از عوامل کسالت شما معرفی می‌کردند و ما غیر از سکوت اقدامی نداشتیم.

۱۱ - دستور جنابعالی در خصوص حمایت از رئیس جمهور منتخب که کاملاً بجا و لازم بود و ما خود بدان معتقد و پایبندیم، مورد سوء استفاده در جهت پیشبرد اهداف خاصی قرار گرفت و می‌گیرد و ما در شرایطی نبوده و نیستیم که بتوانیم جلو سوء استفاده را بگیریم، زیرا هرگونه اظهار و عمل مستقلی برای جلوگیری از انحراف به عنوان کارشکنی و تخلف از دستور امام و قدرت طلبی معرفی می‌شود و متأسفانه این خطر به طور جدی وجود دارد که انتخابات مجلس شورای ملی، تحت تأثیر همین جو ناسالم منجر به انتخاب شدن افرادی که تسلیم رئیس جمهورند بشود و از داشتن مجلسی مستقل و حافظ اسلام در مقابل انحراف احتمالی مجریان، محروم گردیم.

۱۲ - طرح "کنگره وحدت" برای انتخابات که تبلیغات یک جانبه، آن را مصداقی برای اجرای دستور امام در مورد همکاری با رئیس جمهور، ادعا می‌کند و حمایت بی‌پرده و صریح برادر و بعضی از منسوبان بیت شما از آن، این ادعا را تقویت می‌نماید، وسیله‌ای برای به مجلس رفتن افرادی خواهد شد که به عاقبت آن خوشبین نمی‌توان بود و مخصوصاً با توجه به اینکه رئیس جمهور بارها گفته است که اگر مجلس با من هماهنگ نباشد، ایران منفجر خواهد شد و یا من کنار می‌روم که می‌خواهند مجلس تابع ایشان باشد و نه ایشان تابع مجلس.

۱۳ - در شرایطی این چنین که هرگونه تلاش ما برای جلوگیری از انحراف در محتوای اسلامی انقلاب، اتهام قدرت طلبی به همراه دارد (چیزی که با همه وجود از آن تنفر داریم) چگونه می‌توان انتظار داشت که ما در جهت حفظ راه انقلاب نقش خودمان را ایفاء نمائیم.

۱۴ - از اینکه تحت تأثیر عوامل خارج از اراده و خواست خود مسئولیت کمتری به عهده داشته باشیم، ممکن است تاخیرسند نباشیم، ولی از اینکه انقلاب اسلامی به این آسانی و سادگی برخی از وسائل (هر چند ناچیز) تضمین محتوای اسلامی خود را از دست بدهد، نمی‌توانیم نگران و ناراحت نشویم.

۱۵ - ای کاش افرادی که اثر قابل توجه در برانگیختن این جریانات داشته و دارند، بتوانند مسئولیت عظیمی را که تا به امروز بر دوش ما بوده، به عهده بگیرند و یا لاقلاً ما مطمئن شویم که خود جنابعالی به صلاحیت آنان ایمان دارید و به عواقب آن خوشبین هستید که تشخیص و درک شما - که صحت آن را آزموده‌ایم - می‌تواند برای ما، مایه آرامش باشد.

۱۶ - خلاصه: علائم تکرار تاریخ مشروطه به چشم می‌خورد. متجددهای شرق زده و غرب زده علیرغم تضادهای خودشان با هم در بیرون راندن اسلام از انقلاب همدست شده‌اند (نمونه جلسه‌ای که از مذهبی‌های چپ‌گرا و محافظه‌کاران غرب‌گرا یا ملی‌گرا برای همکاری در مقابله با حزب جمهوری اسلامی در انتخابات اخیر تشکیل شده بود).

احتمال اینکه روال موجود مانع تشکیل مجلس شورای اسلامی احتمالی گردد که جنابعالی بدان دل بسته‌اید و امیدوارید بتواند نارسائی‌ها و کمبودهای رئیس‌جمهور را جبران کند، قابل توجه و تکلیف‌آور است.

ما به امید اینکه رهبریهای پیامبرگونه آن امام عزیز و عظیم، بتواند نگرانیهای ما را از آینده مرتفع کند، در این موقع - که اگر خیلی سرنوشت ساز نبود، مزاحمتان نمی‌شدیم - بخشی از گفتنی‌ها را به عرضتان رساندیم و بقیه را به زمانی موکول می‌کنیم که جنابعالی آماده شنیدن باشید.

والسلام علیکم ورحمةالله وبرکاته

محمد حسینی بهشتی - عبدالکریم موسوی [اردبیلی] - سیدعلی خامنه‌ای - محمد جواد باهنر - اکبرهاشمی

۱۳۵۸/۱۱/۲۸

امام دهر در جملہ عقاید عزیز و معظم

نظر فرموده در دعوات عامی مہربانہ کما نظر گذاردہ زیادہ فلسفی و فنی و ذہنی کاغذ پر کی
طرح دیکھنے مطالبی کے لئے کہ داریم بدست آئی ہے ناچار چرنا سیکھتے ہو کہ کوشش را در طلبہ تقبی
یہ ہم گت عنوان : «التصیر لاکر المرئین» در این نامہ نیز وسیع خواہتر سیکھ
توجہ فرمائید در دعوات عامی جواب لطف کنند

یکی از پیشین از اشتہات ریاست جمہوری نامہ در کتب آن در شرح
از آن قلم برداش نامہ است کما در بارش آن ملک سیر پروردہ ملاحظہ
مع تعجب نامہ گردید خواہتر داریم اول آن نامہ را ملاحظہ فرمائید

شرح علی را

۱- احکام مینماید کہ روح الطیاء ملاحظہ فرمائید : ۱- سر ماہ جانب صورت کتب لغت و لغت
و بعد در دست ماہ در طرح و کتب مطابقت من جملہ فوہ از اینکہ جانب ماہ موضع گیری سبب
در ثابت تلقی کنند (برجود آمدہ من فائز کہ اینک حارس بار باشد)
۲- سلیقات سکر مخالفان (کہ در لغت ہر سہ و اسیون ماہ در سہا در دل مخالف و اعلیٰ
سمن صیغہ سنج و تضایح کلی و عام جانب ماہ در سکوت و ملاحظہ است ما کہ علی موضع
گیری ماہ در دست مکررہ ایم و موضع ہر دو در رہ کہ صیح و ضل مکتہ ماہ طرف ما
بر قدرت اختلاف داریم و در طرف باقتاد یا مقصر یا حاضر یا بہ اند

بسم الله الرحمن الرحيم

امام و رهبر و مرجع تقلید عزیز و معظم

به نظر می‌رسد در ملاقاتهای معمولی، به خاطر کارهای زیاد و خستگی جنابعالی، فرصت کافی برای طرح و بحث مطالبی اساسی که داریم به دست نمی‌آید، ناچار چیزهایی که تذکرش را وظیفه تشخیص می‌دهم تحت عنوان: "النصيحة لائمة المؤمنين" در این نامه بنویسم؛ خواهش می‌کنم توجه فرمائید و در ملاقات بعدی جواب لطف کنید:

۱ - یکسال پیش پس از انتخابات ریاست جمهوری نامه‌ای به خدمتتان نوشتیم که نسخه‌ای از آن، ضمیمه این نامه است. شما در بیمارستان قلب بستری بودید و ملاحظه حال شما مانع تقدیم نامه گردید، خواهش دارم، اول آن نامه را ملاحظه نمائید و سپس این یکی را.

۲ - احساس می‌کنم که روابط و ملاقاتهای ما با جنابعالی، صورت تشریفاتی به خود می‌گیرد و محدودیت‌هایی در طرح و بحث مطالب - من جمله خوف از اینکه جنابعالی موضع‌گیری سیاسی و رقابت تلقی کنید - به وجود آمده و من خائتم که این حالت خسارت بار باشد.

۳ - تبلیغات متمرکز مخالفان - که از مقام رسمی و تریبونهای رسمی در ژل مخالف و اقلیت سخن می‌گویند - و نصایح کلی و عام جنابعالی و سکوت و ملاحظات ما که علل موضع‌گیریها را روشن نکرده‌ایم، وضعی به وجود آورده که خیلی‌ها خیال می‌کنند ما و طرف ما بر سر قدرت اختلاف داریم و دو طرف را متساویاً مقصر یا قاصر یا... می‌دانند. ما برای حفظ آرامش نمی‌توانیم مطالب واقعی خودمان را بگوئیم و جنابعالی هم صلاح ندانسته‌اید که مردم را از ابهام و تحیر در

آورید.

خود شما می دانید که موضع نسبتاً سخت مکتبی امروز ما، دنباله نظرات قاطع شما از اول انقلاب تا به امروز است، بعد از پیروزی معمولاً ما مسامحه‌هایی در اینگونه موارد داشتیم و جنابعالی مخالف بودید، اما نظرات شما را با تعدیلهائی اجرا می کردیم؛ شما اجازه ورود افراد تارك الصلوة یا متظاهر به فسق را در کارهای مهم نمی دادید، شما روزنامه آیندگان و... تحریم می کردید، شما از حضور زنان بی حجاب در ادارات مانع بودید، شما از وجود موسیقی و زن بی حجاب در رادیو تلویزیون جلوگیری می کردید؟ همین ها موارد اختلاف ما با آنها است. آیا رواست که به خاطر اجرای نظرات جنابعالی ما درگیر باشیم و متهم و جنابعالی در مقابل اینها موضع بی طرف بگیرید؟ آیا بی خط بودن و آسایش طلبی را می پسندید؟ البته اگر مصلحت می دانید که مقام رهبری در همین موضع باشد و سربازان خیر و شر جریانات را تحمل کنند، ما از جان و دل حاضر به پذیرش این مصلحت هستیم، ولی لااقل به خود ما بگوئید. آیا رواست که همه گروه دوستان ما به اضافه اکثریت مدرسین و فضلاء قم و ائمه جمعه و جماعات و... در یک طرف اختلاف و شخص آقای بنی صدر در یک طرف و جنابعالی موضع ناصح بی طرف داشته باشید؟ مردم چه فکر خواهند کرد؟ و بعداً تاریخ چگونه قضاوت می کند؟

۴ - ما جایز نمی دانیم که میدان را برای حریف خالی بگذاریم و مثل بعضی از همراهان سابق، قیافه بی طرف بگیریم و به اصطلاح جنت مکان و بی آزار و زاهد جلوه کنیم، به خاطر حفاظت از خط اسلامی انقلاب در صحنه می مانیم و از مشکلات، مخالفتها و تهمت‌ها نمی هراسیم و به صلاحیت رهبری جنابعالی ایمان داریم، ولی تحمل ابهام در نظر رهبر برایمان مشکل است. مگر اینکه بفرمائید، همین ابهام صلاح است. احتمال اینکه این ابهام در رابطه با خطوط سیاسی و فکری جاری و خطی که در ارتش تعقیب می شود، آثار نامطلوبی در تاریخ انقلابمان بگذارد، وادارم کرد به عنوان وظیفه روی این مطالب، صراحت و تأکید داشته باشم و امیدوارم مثل همیشه این جسارت را بیخشید.

۵ - قبل از انتخابات ریاست جمهوری، به شما عرض کردیم که بینش آقای بنی صدر مخالف بینش اسلام فقهاتی است که ما برای اجرای آن تلاش می کنیم و اکنون هم بر همان نظر هستیم و شما فرمودید ریاست جمهوری مقام سیاسی است و کاری دستش نیست؛ امروز ملاحظه می فرمائید که چگونه در کار کابینه و... می تواند کارشکنی کند و چگونه با استفاده از مقام، مجلس و دولت و نهادهای انقلابی را تضعیف می کنند و ما فقط می توانیم دفاع کنیم؛ چون تضعیف متقابل را با گفتن نواقص رئیس جمهور صلاح نمی دانیم و همان دفاع هم مشاجره تلقی می شود و بحق

مورد مخالفت جنابعالی فرار می‌گیرد و آتش بس می‌دهید و خودتان هم دفاع لازم را نمی‌فرمائید که: اختلاف دویینش است که یک طرف مصداق اسلامش غضنفرپور و سلامتیان و سعید سنجایی و طرف دیگر رجائی و گنابادی و منافی و موسوی و... می‌باشند.

۶- در خصوص جنگ و فرماندهی ارتش، مطالب و احتمالات زیادی داریم. فرماندهی به خاطر ناهماهنگی و وحشت از نیروهای خالص اسلامی، مایل است نیروهای غیراسلامی را در ارتش حاکم کند. که منافع مشترک پیدا کرده‌اند. و نیروهای خالص دینی را یا منزوی و یا منفصل نماید. خلبان شیروودی که سبیل ایمان و شجاعت و تلاش است، در پادگان ابوذر به من می‌گفت که امروز ایمان می‌جنگد نه تخصص و می‌خواهند دست مؤمنان را کوتاه کنند، ایشان همراه و هم‌رزم خلبان شهید کشوری و خلبان شهید آشوری است. وحشت داشت و به من گفت پیامش را به شما بگویم و ضبط هم شده؛ احتمال اینکه مدیران جنگ به علل سیاسی طالب طولانی شدن جنگ باشند، وجود دارد و این احتمال تکلیف‌آور است. احتمالاً آقای بنی صدر به منظور تضعیف دولت و شاید - بعضی‌ها هم باشند - برای اجرای منویات امریکا و... مخصوصاً کمبود مهمات و اسلحه قابل توجه است. در این مورد لازم است، جنابعالی سریعاً فکری بفرمائید و بهتر است در یک جلسه طولانی و محرمانه با دوستان مورد اعتماد ارتشی نظیر صیاد شیرازی، نامجو، سلیمی، شیروودی و... با حضور ماها در خدمتان بحث و تصمیم‌گیری شود.

۷- ما 'حزب جمهوری اسلامی' را با مشورت با شخص جنابعالی و گرفتن قول مساعدت و تأیید غیرمستقیم - من شخصاً در مدرسه علوی با شما در این باره مذاکره کردم - تأسیس کردیم و با توجه به اینکه قانون اساسی، تعدد احزاب را پذیرفته فکر می‌کنیم یک حزب اسلامی قوی برای تداوم انقلاب و حکومت اسلامی ضرورت دارد و جنابعالی هم روزهای اول در تهران و قم مکرراً تأیید فرمودید - ممکن است فعلاً فراموش کرده باشید - و اکنون اعتبار حزب از نفوذ شما تغذیه می‌شود - غیر مستقیم - ولی رنگ حمایت از روزهای اول کمتر شده. میل داریم لااقل در جلسات خصوصی نظر صریحی بفرمائید. اگر مایلید ما حزب را کنار بگذاریم، ما را قانع کنید و اگر لازم می‌دانید که حزب بماند باید جور دیگری عمل بشود و اگر همین گونه که عمل می‌فرمائید، مصلحت است ما را قانع کنید تا ما هم دوستان حزبی را قانع کنیم.

۸- اینجانب که جنابعالی را مثل جانم دوست دارم و روی زمین کسی را صالح‌تر از شما سراغ ندارم، گاهی به ذهنم خطور می‌کند که تبلیغات و ادعاهای دیگران شما را تحت تأثیر قرار داده و قاطعیت و صراحت لازم را - که از ویژگیهای شما در هدایت انقلاب بوده - در موارد فوق‌الذکر ضعیف‌تر از گذشته نشان می‌دهید، بسیاری از مردم هم متحیرند که چرا امام قاطع و

صریح در این مسائل سرنوشت‌ساز صراحت ندارند. خدای نخواستہ اگر روزی شما نباشید و این تحیر بماند، چه خواهد شد؟ واقعاً و حقاً ما انتظار داریم در مقام رهبری و مرجع تقلید اگر تعدیلی در شیوہ حرکت ما لازم می‌دانید صراحتاً امر بفرمائید کہ مطیعیم؛ ما انتظار نداریم کہ نصایح ذووجوہی از رسانه‌های جمعی بشنویم، احضار کنید و امر بفرمائید.

۹ - آخرین مطلب - کہ در ترتیب مطالب جایش اینجای نامہ نیست - اینکه ما پس از پیروزی آقای بنی صدر برای اینکه ایشان خیالش از جانب ما راحت باشد، ایشان را بہ ریاست شورای انقلاب برگزیدیم و بہ جنابعالی پیشنهاد نیابت فرمادہی کل قوای ایشان را دادیم کہ سریعاً تصمیم بگیرند و کار کنند، اما ایشان بہ اینها ہم قانع نشد و مرتباً کمبودها را متوجہ ما می‌کرد و می‌گفت: 'من می‌خواهم کار کنم ولی نمی‌گذارند' در مرکز قدرت بود و دیگران را مقصر معرفی می‌کرد و امروز ہم می‌بینید نقش اقلیت مخالف را. پس چه باید کرد؟ با سپاس و معذرت.

اکبر ہاشمی

۱۳۵۹/۱۱/۲۵

نظر مریخی بویافته در بایده مافز - را کنی که درم مارا نام کنه دار لازم شده
که فوسر سانه باید جور در نظر خود در این گونه که علم سوزانده تعلی است
ما را نام کنه نامیم در نشان جزایا را نام کنه

۸- انبات که جنابی را شرح بود است و در زمین کسی را صلح بر آورد تا سماع نه درم
گابریه بنم خطور میکنه که مکتوبات و ادعای سراسر امان شادانکت مایه زود داده و در
دعوات لازم را (که در در تکیه های شادانه است انقداب بوده) در سواد درون آن ذکر
صنعت از گذشته شان میدینه (باید از درم هم میخیزد که اول امام ماطع و مرجع
در این مایه سر درشت ساز عراعت ندانند) خدا بخوانسته از او در نماز باشد و در
تکرمانه چه خواهد شد؟

واقعا و حقا ما استوار در امر در مقام پیری در مرجع تقلید دارنده می در شوره حرکت
ما لازم به اندیشه مرا حقا از نوبتانه که بطبیع ما انتظارند در امر که نفعی خود و جوهرند
رسانند همبر تشیع و اصف در گشته دار نوبتانه
۹- آفرین طلب در در برت طلب جابتر انجای نامه نیست) اینک ما بر نوبت
سزنی صدر را اینک از آن جابتر در جانب ما رفت باشد در این را بر نوبت
خوبتر در در انقلاب - از درم یکی بعد همیشه در زمانه هر قدر در این را در امر
از این تقسیم بفرند و کار کنه، در این شان به انهم هم مانع نشد و در شاکه بود که را سوره
بگرد و تکلف در این میواج کار کنه ولی کلمه دارند) در در از قدرت بود در در این را
بفهم سوزن بگرد و در در این می غیبه نعت اولیت صاف را بر چه باید کرد که باید کرد و در

کتاب ۲۵، ۱۱، ۹۹

www.KetabFarsi.com

مقدمه ناشر

ما زنده به آنیم که آرام نگیریم موجبیم که آسودگی ما عدم ماست

انقلاب اسلامی ایران، در میان وقایع قرن بیستم، از جایگاه بسیار با اهمیتی برخوردار است. این انقلاب، هنگامی به وقوع پیوست که در سرتاسر جهان، کشوری نبود که بتواند بدون وابستگی به یکی از بلوکهای غرب سرمایه‌دار یا شرق سوسیالیست، حرکتی انجام دهد. انقلاب اسلامی در ایران، نگاه سیاستمداران، استراتژیستها، مسلمانان و بسیاری از مردم جهان را متوجه خود ساخت؛ که چگونه کشوری بدون اتکاء به قدرت خارجی، توانسته است، حکومتی را پایه‌ریزی کند که اساس آن استقلال و نفی هرگونه سلطه بیرونی است؟

پس از گذشت دو دهه از پیروزی انقلاب، هنوز این سؤال مورد بحث محافل مختلف علمی و سیاسی است. نکات مهم بسیاری وجود دارد که روشن نشده و مورخان هنوز نتوانسته‌اند، تاریخ انقلاب اسلامی را - آنگونه که هست - به تصویر بکشند.

نوشته‌ای که پیش روی شماست، بخش کوچکی از دهها جلدی است که دفتر نشر معارف انقلاب با نام هاشمی رفسنجانی قصد انتشار دارد و نکات بسیار با اهمیتی از تاریخ پرافتخار انقلاب اسلامی را روشن می‌سازد. بدیهی است نقشی که آیت‌الله هاشمی رفسنجانی از ابتدای نهضت اسلامی، تا کنون داشته‌اند، همواره نقشی تأثیرگذار و محوری بوده است و در حال حاضر یکی از معتبرترین راوی‌های تاریخ انقلاب اسلامی می‌باشند. ایشان به سبب اینکه در مرکز قدرت سیاسی حاکمیت بوده و ارتباطات بسیار نزدیکی با رهبری انقلاب داشته‌اند، توانسته‌اند نکات ریز و مهمی را در همان روزهای پرحادثه انقلاب، مکتوب نمایند.

اهمیت خاطرات و اسناد مربوط به آن شامل مصاحبه‌ها، سخنرانی‌ها، نطق‌های پیش از دستور در مجلس، پیامها و بالاخره مکاتبات و عکسهای ایشان برای مورخان، سیاستمداران و علاقه‌مندان به تاریخ انقلاب اسلامی، واضح است. او هر روز صفحه‌ای را به عنوان خاطرات

می‌نگارد که در آن حوادث و وقایع - آنگونه که هست - ثبت می‌شود؛ این خاطره نویسی هنوز هم ادامه دارد. در این خاطرات علاوه بر امور خصوصی و خانوادگی، رخداد‌های سیاسی نیز ملحوظ شده است. دیدارها، ارتباطات رسمی و غیررسمی و مسائل منتشر نشده تاریخ انقلاب از بخشهای جالب توجه خاطرات است.

مسئولینهای مهمی چون عضویت شورای انقلاب سرپرستی وزارت کشور، ریاست مجلس شورای اسلامی، نمایندگی حضرت امام خمینی (ره) در شورای عالی دفاع، جانشینی فرمانده کل قوا، فرماندهی جنگ عراق و ایران، امامت نماز جمعه تهران، ریاست جمهوری، ریاست شورای عالی انقلاب فرهنگی و ریاست مجمع تشخیص مصلحت نظام، ریاست تعداد زیادی از شوراهای عالی تصمیم گیرنده دیگر و سفرهای حساس داخلی و خارجی و ملاقات‌های سرنوشت ساز با شخصیت‌های کلیدی جهان و فکر و ذهن جستجوگر و وقاد و نقاد نویسنده این سلسله خاطرات و به تعبیر دیگر، این کارنامه متنوع و جامع، به این اثر تاریخی، اهمیت و اعتبار خاصی می‌دهد.

هدف دفتر نشر معارف انقلاب، از انتشار این مجموعه، فراهم آوردن زمینه‌های شناخت بخشهایی از تاریخ معاصر ایران است که می‌تواند مورد استفاده پژوهشگران، تذکره نویسان و صاحب نظران دین و سیاست باشد.

در تنظیم خاطرات، برای آشنائی خوانندگان با اوضاع و احوال آن زمان، بخشی به عنوان زمینه‌ها، رویدادها و شأن بیان خاطرات آمده است. مواردی که نیاز به توضیح بیشتر دارد، در پاورقی‌ها توضیح داده شده. در پایان کتاب، بخش نمایه شامل نام افراد درج گردیده است. دفتر نشر معارف انقلاب به همراه این کتاب کتابهای تکمیلی مربوط به سال ۱۳۶۰ شامل سخنرانی‌ها، خطبه‌های نماز جمعه، نطق‌های پیش از دستور در مجلس شورای اسلامی، مصاحبه داخلی و خارجی، پیامها، اسناد و عکسها را نیز منتشر نموده است و در پاورقی ارجاعات لازم به کتابهای دیگر منتشر شده از سوی دفتر نشر معارف انقلاب داده شود، اما در برخی موارد سخنرانی یا مصاحبه‌ای پس از جستجوی فراوان یافت نشده است، بنابراین درخواست شده است، کسانی که نوار یا متن سخنرانی یا مصاحبه را در اختیار دارند، به دفتر نشر معارف انقلاب ارسال نمایند.

از خوانندگان محترم درخواست داریم، هرگونه سند، عکس، نوار سخنرانی پیش از انقلاب و مواردی از این قبیل از آقای هاشمی رفسنجانی در اختیار دارند، برای بهره‌گیری از آن با دفتر نشر معارف انقلاب، مکاتبه فرمایند.

دفتر نشر معارف انقلاب

تهران - زمستان ۱۳۷۷

فروردین ۱۳۶۰

www.KetabFarsi.com



بسم الله الرحمن الرحيم

شنبه ۱ فروردین

۱۲ جمادی الاول ۱۴۰۱ - ۲۱ مارس ۱۹۸۱

هنگام تحویل سال، آقایان خامنه‌ای و موسوی اردبیلی^۱ در منزل، مهمان من بودند. اتفاقاً سال گذشته هم، همین آقایان به اضافه آقای بهشتی^۲ مهمان من بودند. آقای موسوی اردبیلی از ملاقات صبح دیروزشان با امام، صحبت کردند و درباره برنامه رسیدگی و محاکمه عاملان حادثه چهارده اسفند دانشگاه^۳ حرف زدند. به طور کلی در بحثهای عمومی، مطالب مفیدی مطرح شد. با هم پیامهای نوروزی را شنیدیم؛ پیامهای امام، بنی صدر، رجائی، بهشتی و من. پیامها خشک و تقریباً کم محتوی بود و چون همگی از حفظ و بدون یادداشت ایراد شده

۱ - در فروردین ۱۳۶۰ آیت الله خامنه‌ای مشاور نظامی امام خمینی و امام جمعه تهران و نماینده مجلس، آیت الله بهشتی رئیس دیوان عالی کشور، آیت الله هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی و آیت الله سید عبدالکریم موسوی اردبیلی دادستان کل کشور بودند.

۲ - روز پنج شنبه چهارده اسفند ۱۳۵۹ مینگی به مناسبت سالگرد درگذشت دکتر محمد مصدق از سوی سید ابوالحسن بنی صدر رئیس جمهور در دانشگاه تهران برگزار شد. در این میتینگ هنگام سخنرانی بنی صدر، موافقان و مخالفان وی به شدت با همدیگر درگیر شدند. به دنبال این درگیری جوین، امام خمینی را حدود حکمی، از آیت الله موسوی اردبیلی دادستان کل کشور خواستند، موضوع را به دقت پیگیری کند و عاملان بلوا را محاکمه نمایند.

آیت الله هاشمی رفسنجانی درباره حادثه ۱۴ اسفند گفتند: حادثه دانشگاه در شرایط خاص زمانی که با آن کیفیت به خصوص، و حوادثی که در اطراف کشور داشت، اتفاق افتاد، یک مساله ساده و تصادفی نیست و مجلس شورای اسلامی یقیناً در این شرایط نمی تواند برخورد سطحی و احساسی با مسأله داشته باشد. مجلس امروز امید مردم است و در نظام جمهوری اسلامی باید پایگاه اعتماد و آرامش خاطر مردم باشد.

بود، الفاظش هم خیلی روان نبود. پیام امام جاذبه دیگری داشت. آخر شب، پاسداران خودمان و پاسداران میمانها به دیدن ما آمدند و هر یک از ما دو هزاروپانصد تومان عیدی به آنها دادیم.

صبح، گروهی از افراد گزینش سپاه پاسداران آمدند و درباره کیفیت گزینش سپاه مطالبی گفتند؛ خیلی جالب نیست، احتمال نفوذ افراد ناباب زیاد است.

آقای کمال طباطبائی و جمعی دیگر از بستگان، دکتر هادی، خانواده شهید مطهری و سپس آقای مهدیان آمدند. با دکتر هادی درباره برنامه سال جدید صحبت کردیم و آقای مهدیان از تهدیدی که افکار افراطی برای سرمایه گذاری و در نتیجه رشد تولید ایجاد کرده است، صحبت داشت. مطلب درست است. بی برنامه‌گی و ابهام وضع مالکیت خیلی مضر است! باید امسال مجلس تکلیف مالکیتها و کارهای تولیدی را روشن کند.

علی (اخوی زاده) از جبهه سرپل ذهاب آمد، خیلی خوشحالم کرد و خبر از روحیه خوب داوطلبان در جبهه می داد. علی خودش از داوطلبان است و مایل است دوباره به جبهه برود. چقدر بچه‌ها خوب و با گذشت شده‌اند!

سرشب اخوی محمد و خانمش آمدند و درباره وزارت امور خارجه و اظهارات سفیر لیبی صحبت‌های زیادی داشتیم. شام نداشتیم، پاسدارها چیزی تهیه کردند و خوردیم.

یکشنبه ۲ فروردین

۱۵ جمادی الاول - ۲۲ مارس

برای بازدید از جبهه و گذراندن ایام نوروز با رزمندگان، و بررسی راههای فعال کردن جبهه‌ها که را کد است، با قرار قبلی، ساعت هفت و نیم صبح به اتفاق عفت، فاطمه، یاسر، مهدی^۱ و چند پاسدار با هواپیمای کوچک جت فالکن، عازم خوزستان شدیم. در فرودگاه، آقای زابلی قاضی شرع بندرعباس را دیدیم که به آنجا می‌رفت. آقای بنی‌صدر هم عازم فسا بود. ساعت نه و نیم صبح وارد اهواز شدیم. استاندار خوزستان، امام جمعه اهواز، فرمانده لشکر سپاه و جمعی از مردم در فرودگاه به استقبال آمده بودند. مصاحبه کوتاهی با تلویزیون اهواز کردم. خانواده به همراه آقای یحیوی به منزل خانواده شهید علم‌الهدی رفتند و به خانم رجائی

۱ - بانو عفت مرعشی همسر آیت‌الله هاشمی رفسنجانی و خانم فاطمه هاشمی و آقایان مهدی هاشمی و یاسر هاشمی فرزندان ایشان هستند.

پیوستند. من، استاندار و امام جمعه با اتومبیل به ماهشهر رفتیم.

در ماهشهر در مرکز ستاد عملیات جنگ با فرمانده لشکر ۷۷ خراسان، سرهنگ جوادی - که به تازگی به جای سرهنگ فروزان، جبهه اروند را اداره می‌کند - و نمایندگان نهادهای انقلابی، وضع جنگ و آوارگان را بررسی کردیم. سرهنگ کهتری، توضیحات خوبی دادند. مهمترین هدف سفر، اطلاع روشن‌تر از وضع جبهه است. گزارشها، هم امید می‌دهد و هم نگرانی ایجاد می‌کند. در تهران هم این‌گونه گزارشها را داریم. با بازدیدها و مذاکره با نیروهای صف، گزارشها را ارزیابی می‌کنیم. بعد از ناهار و نماز، ساعت دو بعدازظهر با هلیکوپتر به آبادان حرکت کردیم. هلیکوپترها برای اینکه از دید رادارهای دشمن مخفی بمانند، از چند متری زمین، حرکت می‌کردند؛ خیلی جالب بود. سخت‌ترین نقطه هدف سفر، همین آبادان است. شهر در محاصره است و حضور مسئولان در بین نیروهای ایثارگر و داوطلب در چنین نقطه‌ای باعث تقویت روحیه است. آن هم در روزهای تعطیلی عیدنوروز و تشخیص نیازها و نقاط ضعف و قوت، می‌تواند کارساز باشد.

کنار بهمنشیر و نخلستانهای آبادان، در محل چوئبده پیاده شدیم. با اتومبیل به طرف آبادان حرکت کردیم، از کنار مخازن فراوان سوخته شده (تانک فارم آبادان) گذشتیم. ثروت هنگفتی از دست رفته و بیش از نصف مخازن نابود شده است. مقداری با ماشین در شهر گشتیم. وارد مرکز سپاه آبادان شدیم. پاسدارها خیلی ابراز احساسات کردند. سپس با همراهان به گشت در شهر پرداختیم و داخل پالایشگاه و خیابانهای شهر را گشتیم. امام جمعه آبادان آقای جمی هم به ما ملحق شدند. ستاد عملیات را دیدیم. سرهنگ شکرریز، توضیحاتی از روی نقشه داد. به جبهه رفتیم، در ایستگاه هفت، نزدیک خرمشهر، سپاهیان ارومیه و شیراز مستقر بودند. چند سنگر خمپاره را دیدیم و من گلوله‌ای در خمپاره گذاشته و پرتاب کردم؛ بچه‌ها خیلی با ایمان و با روحیه بودند. مرتب صدای انفجار گلوله‌های دشمن به گوش می‌رسید و ما روی زمین دراز می‌کشیدیم. در اتاقکهای محل زندگیشان نشستیم و عکس گرفتند. می‌خواستم نزدیک پل بروم، نگذاشتند.



گلوله ای در خمپاره گذاشته و پرتاب کردم

پالایشگاه آبادان خیلی خراب نشده ولی آسیبها کم نیست^۱. شهر آبادان، خالی از سکنه غیر نظامی است. فقط چند هزار نفری [در شهر] مانده‌اند. در زیر زمین بزرگ کمیته ارزاقی، نماز مغرب و عشا را خواندیم و برای حضار سخنرانی کردم^۲، جواب سئوالاتشان را دادم و سپس به هتلی برای دیدن [نیروهای] سپاه خرمشهر رفتیم، با حال و جالب بودند. ساعت یازده شب به مرکز اداره جنگ رفتیم و شام سربازی خوردیم و همان جا خوابیدیم. دشمن که گویا خبر ورود من را شنیده بود، تحرک هوایی شدیدی در آن شب داشت و ضدهوایی ساختمان ما فعال بود.

دوشنبه ۳ فروردین

۱۶ جمادی الاول - ۲۳ مارس

ساعت پنج صبح با صدای آتشبارهای ضدهوایی ساختمان، بیدار شدم^۳. پس از نماز و صبحانه برای عیادت مجروحان جنگ به بیمارستان شرکت نفت رفتیم. دیشب یک شهید و یک مجروح آورده بودند. روحیه بیماران و وضع بیمارستان خوب بود. ساعت هشت ونیم به دیدن فدائیان اسلام در هتل آبادان رفتیم؛ اکثر مجروحان از [نیروهای] فدائیان بودند که بخشی از جبهه ذوالفقار را اداره می‌کردند. در مجموع آنچه که از رشادت و ایثار مدافعان این جبهه سرنوشت‌ساز شنیده بودم کمتر از حقایق ملموس صف و میدان آبادان و خرمشهر است. من قبل از انقلاب و پس از پیروزی انقلاب بارها به این جزیره آمده بودم و مقایسه آن رونق و آبادی با این خرابی و غربت به شدت آزرده خاطرم کرد. گرچه مردانگی و مقاومت نیروهای انقلاب امید آفرین است و نوید آینده‌ای درخشان می‌دهد.

۱- پالایشگاه آبادان در سال ۱۲۹۱ هجری شمسی با ظرفیت ۲۵۰۰ بشکه در روز شروع به کار نمود. در جنگ جهانی دوم به بزرگترین پالایشگاه دنیا تبدیل شد و با تولید ۲۵۰۰۰ بشکه در روز بزرگترین هواپیمای معروفیت جهانی پیدا کرد. در سال ۱۳۵۶ ظرفیت روزانه آن به ۶۰۰ هزار بشکه در روز رسید و بیش از ۵۰ درصد نیاز داخل کشور را تأمین می‌کرد.

۲- متن این سخنرانی پس از جستجوی فراوان، متأسفانه پیدا نشد. از خوانندگان محترم که در این سخنرانی حضور داشتند یا اطلاعاتی در این زمینه دارند، درخواست می‌شود با صندوق پستی ۱۹۳۹۵/۴۶۴۸ تهران - دفتر نشر معارف انقلاب مکاتبه نمایند.

۳- در هفته اول فروردین سال ۶۰ تحرکات کوچکی در جبهه‌های مختلف پدید آمد، از جمله رزمندگان اسلام در جبهه گیلان غرب موفق شدند، یکی دیگر از ارتفاعات منطقه چغالوند را به تصرف خود در آوردند.

در جبهه آبادان نیز در روز دوم فروردین (روز حضور آیت‌الله هاشمی در آنجا) با آتش خمپاره اندازه‌های رزمندگان یک تانک و یک سنگر اجتماعی دشمن در بهمشیر منهدم و یک انبار مهمات منفجر و به آتش کشیده شد و سه سنگر اجتماعی و یک سنگر انفرادی و یک سنگر آرپی جی با اجرای آتش تفنگ ۱۰۶ فدائیان اسلام در بخش غربی خرمشهر منهدم گردید. (روزنامه جمهوری اسلامی، ۵ فروردین ۱۳۶۰)

سپس با هلیکوپتر به ماهشهر برگشتیم و از آنجا با اتومبیل به اهواز آمدیم. ظهر به دشتهای وسیع و هموار ولی بایر خوزستان رسیدیم. آب فراوان و هرز آن، مایه حسرت شد.^۱ بعد از نماز، ناهار و استراحت به پادگان حمیدیه نزدیک سوسنگرد رفتیم. قرارگاه لشکر ۱۶ قزوین را بازدید کردیم و در مسجد پادگان برای سربازان صحبت کردم.^۲ آنها شعارهای داغی به نفع خط امام دادند. فکر می‌کنم، فرماندهان از عکس‌العملهای بعدی آقای بنی‌صدر وحشت داشتند.^۳ از سد در حال احداث بر روی کرخه بازدید به عمل آوردیم. این سد به پیشنهاد مهندس سبزواری برای انحراف آب به سوی مراکز ارتش عراق، ایجاد می‌شود. می‌گویند، در سرنوشت جنگ اثر مهمی خواهد داشت. مراحل آخر کار بود. می‌خواستند، دریچه بزرگ را نصب کنند. نتوانستیم این مرحله جالب را تماشا کنیم.

با دو ساعت تأخیر به فرودگاه رسیدیم. هواپیما منتظر بود. با عجله، مصاحبه کوتاهی با تلویزیون اهواز انجام دادم. شب وارد تهران شدیم. احتمال خطر هم بود، چون شبها هواپیما با مشکل بر فراز تهران حرکت می‌کند. احتمال شلیک دفاع خودمان زیاد است. وحشتی نداشتم و به خیر گذشت. بعضی از همراهان پس از رسیدن به خانه، در اثر غذای اهواز یا پذیرایی داخل هواپیما، دچار دل درد و اسهال شده بودند.

سه شنبه ۴ فروردین

۱۷ جمادی الاول - ۲۳ مارس

آقای کریمی مسئول بنیاد مستضعفان آمد و درباره وضع بنیاد مطالبی گفت که تأسف بار

۱ - در سالهای ریاست جمهوری آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، با احداث سدهای متعدد از جمله سد بزرگ کرخه و سد مارون و چهار سد بزرگ بر روی رودخانه کارون برنامه استفاده کامل از سی میلیارد متر مکعب آبهای جاری استان فعال گردید و با تکمیل این سدها از هدر رفتن آب جلوگیری خواهد شد. تفصیل سدهای ساخته شده در استان خوزستان در گزارشات ویژه وزارت نیرو آمده است.

۲ - خوانندگان محترم که متن این سخنرانی را در اختیار دارند یا اطلاعاتی در این زمینه دارند با صندوق پستی ۱۹۳۹۵/۴۶۴۸ تهران - دفتر نشر معارف انقلاب مکاتبه نمایند.

۳ - در آن زمان، گروههای سیاسی به دو طیف خط امام و لیبرال معروف بودند. نیروهای خط امام شامل حزب جمهوری اسلامی، جامعه روحانیت مبارز، هیأت‌های مؤتلفه اسلامی، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و طیف لیبرال شامل نهضت آزادی، طرفداران بنی‌صدر و ... بود و اختلافات شدیدی را بروز می‌دادند. بعدها این اختلاف، با پیوستن سازمان مجاهدین خلق به طیف لیبرال به اوج خود رسید و موجب تغییرات عمیقی در نظام حاکمیت شد. اشاره آیت‌الله هاشمی به وحشت فرماندهان پادگان حمیدیه از عکس‌العمل بعدی بنی‌صدر به این خاطر است که در آن زمان، بنی‌صدر جانشینی فرمانده کل نیروهای مسلح را نیز عهده‌دار بود.

است. گویا بنیاد، حدود شصت میلیارد تومان به بانکها بدهکار است. این بدهکاری از صاحبان اموال مصادره یا توقیف شده به جای مانده است. وامهای بی حساب با اعمال نشود گرفته‌اند و همین اموال را گرو گذاشته‌اند که امروز بعضی کمتر از آن مبلغ وام ارزش دارد. شرکتهای مصادره شده ساختمانی و پیمانکاری نمی‌توانند به کارشان ادامه دهند و کارکنان آنها بیکارند و حقوق می‌گیرند. توقیفها و مصادره‌های بی‌نظم دادگاهها مرتباً بر مشکل بنیاد اضافه می‌کند. بالاخره باید چاره‌ای کرد. به نظر می‌رسد این شرکتها و اموال گرو گذارده شده و مخصوصاً هتلها و ساختمانهای لوکس - که بعضی بیش از ارزش واقعیشان بدهی دارند - مشکل بزرگی باشد؛ مخصوصاً با توقعهای زیادی که بدون تشریح واقعیتها، در مردم ایجاد شده است. خبر آتش گرفتن چند اتاق در کمیته مرکزی و انفجار مقداری فشنگ و شایعاتی که در این باره ایجاد شده، مسأله روز است^۱، گرچه مهم نیست، ولی ضدانقلاب شایع کرده که دشمن بمب‌گذاری کرده و مجلس قدیم منفجر شده است. خبر رسمی این است که اتصال سیم برق آتش‌سوزی ایجاد کرده است.

عصر سرهنگ وحید دستجردی، رئیس شهربانی آمد و سوابق یکی از سرهنگ‌های شهربانی را آورد، که چند روز پیش دفتر رئیس جمهور، به خاطر مصاحبه‌اش در مورد حادثه دانشگاه، ضمن نامه رسمی، خواستار اخراج ایشان شده و ایشان را از ریاست پلیس تهران برداشته‌اند. (سرهنگ وحید دستجردی) خبر درستی از آتش‌سوزی کمیته نداشت.

آقای نظری زاده کرمانی کاندید وکالت بندرلنگه آمد، از انحلال دوره اول انتخابات نگران بود. شب بستگان عفت، مهمان ما بودند. فیلم «شاه دزد» را دیدیم، جالب بود.

با آقای خامنه‌ای، تلفنی صحبت کردم؛ صحبت از زیاده طلبی آقای بنی صدر در مورد اختیارات شورای عالی دفاع، پس از برگشت به قانون اساسی و همچنین افشار آقای فلاحی^۲ برای تحویل گرفتن اسناد دبیرخانه شورا بود.

۱ - آتش‌سوزی چند اتاق در طبقه دوم ساختمان کمیته مرکزی تهران صبح روز سه‌شنبه ۶ فروردین رخ داد و پس از دو ساعت خاموش شد. حریق ساعت ۶/۴۰ با امداد ایجاد و در حدود ساعت ۹ خاموش شد. در این حادثه مقداری از گلوله‌های سبک منفجر شد که صدای آن در آغاز آتش‌سوزی برای تعدادی از ساکنان اطراف، ایجاد نگرانی کرد. (روزنامه جمهوری اسلامی ۵ فروردین ۱۳۶۰)

۲ - شهید ولی الله فلاحی در آن موقع، جانشین رئیس ستاد کل نیروهای مسلح بود. وی در مهرماه همین سال در سقوط هواپیمای سی ۱۳۰ به شهادت رسید و در کنار آرامگاه آیت‌الله مظلومی در بهشت زهرا مدفون شد.

چهارشنبه ۵ فروردین

۱۸ جمادی الاول - ۲۵ مارس

آقای مهدی سلامت از ضعف مدیریت مهندس سالور مدیر عامل معادن زغال سنگ زرند و مخصوصاً از انتقال کارکنان از کرمان به زرند گلایه داشتند، باید رسیدگی کرد. بچه‌ها تلاش کردند که برای دیدن کاخ سعدآباد، اجازه تحصیل کنند. بالاخره با اصرار بچه‌ها رفتیم. کاخها در حال تبدیل به موزه بودند، ولی امروز کارشان تعطیل بود و فقط مقداری وقت در فضای باغ صرف کردیم. دو سال پیش شورای انقلاب تصویب کرده که کاخها را با اجناس قیمتی داخل آن تبدیل به موزه کنند. مجریان مسامحه کردند و به کندی عمل شده و گویا فعلاً دو ساختمان آماده تحویل است. باغبانها از اینکه حکم استخدامیشان ابلاغ نشده، شکایت داشتند، ولی از اینکه هزار تومان بر حقوقشان پس از انقلاب اضافه شده، راضی بودند. سربازان مأمور نگهبانی طمع داشتند که یک روز در میان، مرخص باشند. در محوطه بیرون کاخ، با بچه‌های کمیته عکس گرفتیم.

امروز تلفن منزل خراب است، ارتباط کم است و در نتیجه فرصتی برای مطالعه دارم. طرف عصر فرصتی پیش آمد که به فیشهای تهیه شده از نهج البلاغه در خصوص «سیاست و حکومت» مراجعه کنم و برای هزاره نهج البلاغه، مقاله‌ای که از من خواسته‌اند «نهج البلاغه و سیاست» بنویسم.

اوائل شب آقای غیوران آمد و مطالبی راجع به دفتر هماهنگی^۱ و صنایع نظامی و کنترل قیمتها داشت. سپس آقایان حسنی و زمانی^۲ آمدند و از جریان تصادف در راه خوزستان که چشم آقای رضا فتاحی آسیب دیده، صحبت کردند و از زمانی خواستم که گزارشهای رسیده در تعطیلی را بیاورند. خواستند که نوار خاطرات دوران مبارزه را - که نیمه تمام مانده - پرکنم^۳. قرار شد جمعه بیایند. اواخر شب آقای محسن طباطبائی آمد و از پرونده تخلف مالیاتی که برایش ساخته بودند، نگران بود. قرار شد تذکر دهم، که حق مراعات شود.

۱ - دفتر هماهنگی عنوان دفاتری بود که در سراسر کشور فعالیت می‌کرد و هدف آن بسط و تبلیغ نظرات آقای ابوالحسن بنی‌صدر رئیس جمهور بود. بعدها این دفاتر منحل شدند.

۲ - علی اصغر آقا زمانی رئیس دفتر آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در زمان ریاست مجلس شورای اسلامی بود. وی در حادثه بمب‌گذاری دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی در هفتم تیر سال ۱۳۶۰ به شهادت رسید.

۳ - خاطرات آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در سالهای پیش از انقلاب اسلامی در دو جلد به چاپ رسیده است: هاشمی رفسنجانی، دوران مبارزه، زیر نظر محسن هاشمی، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۷۶

پنجشنبه ۶ فروردین

۱۹ جمادی الاول - ۲۶ مارس

اول وقت به عفت کمک کردم که جواب مصاحبه [مجله] «راه زینب» را بدهد. به آقای اعلی‌الاریجانی مدیر عامل صداوسیما تذکراتی دادم و از پخش بعضی از برنامه‌ها تشکر کردم. قرار شد از تهیه کنندگان تشکر شود.

برای عیادت مجروحان جنگ به بیمارستان امداد شماره دو رفتیم. خبرنگار از خبرگزاری پارس و فیلم بردار از صداوسیما هم آمده بود. بیمارستان بزرگ است و بیش از پانصد تخت خواب دارد. اکثر تختها خالی بود. جالب است که در جریان جنگ این همه تخت خالی بیمارستانی داریم. نزدیک یکصد و پنجاه مریض آنجا [بستری] بودند که از همه آنها عیادت کردم. حدود نصفشان مجروح جنگ یا جنگ زده بودند. روحیه‌ها خوب بود. دکترها و پرستارها، خوب کار کرده بودند. کمبود مهمی در بیمارستان به چشم نمی‌خورد و بعضی از قلمهای دارو کمیاب بود که باید تهیه شود. انجمن اسلامی بیمارستان مسجدی ساخته بود ولی بودجه نداشتند، کمک خواستند، صد هزار تومان حواله اوقاف کردم؛ خدا کند که پردازند.

از منزل امام تلفن شد و برای روز شنبه قرار ملاقات با امام گذارده‌اند. امام را خیلی دوست دارم، از خبر ملاقات خوشحال شدم. در جبهه و بیمارستان خیلی‌ها از من خواسته‌اند، صورت امام را از طرف آنها ببوسم، ان‌شالله می‌بوسم، بهانه خوبی است.

موقعی که با آسانسور از طبقه بالا، پائین می‌آمدیم، آسانسور خراب شد و مدتی حبس بودیم. رئیس بیمارستان، دکتر صدقیانی هم بود، خیلی ناراحت شده بود. از بیرون، مسئول آسانسور را پیدا کردند، آمد و درست کرد.

شب گروهی از کاشان آمدند و خواستار رفتن به کاشان و سخنرانی در نماز جمعه بودند، نپذیرفتم. آقای سرهنگ اعلی‌اکبر [مصحفی رئیس پلیس و آقای نقی‌لو معاون پلیس آمدند و گزارشی از وضع شهربانی دادند و گفتند، طرحی هست که شهربانی فعال‌تر شود. چند عکس گرفتند، ولی دوربین خراب بود و عکسها خراب شد.

آقای بیژن آمد، اردویی از جوانان کردستان آورده‌اند و از ارتش انتظار دارند که کمک کند، قرار شد تعقیب کنم.



امام را خیلی دوست دارم ، از خیر ملاقات خوشحال شدم .

جمعه ۷ فروردین

۲۰ جمادی الاول - ۲۷ مارس

امروز از خانه بیرون رفتم و ملاقات زیادی هم نداشتم. ابتدا چند نفر از بستگان آمدند. یکی از بازرسی وزارت کشاورزی بود. از وضع وزارتخانه تحقیقاتی نمودم. سپس آقای سید یعقوب خلخالی آمد و از روحیه آقای شریعتی، کاندیدای مجلس شورای اسلامی از بونین زهرا - که به خاطر ابطال انتخابات آنجا به وسیله هیأت شش نفری شورای انقلاب - از آمدن به مجلس محروم شده است، صحبت کرد.

آقایان [محسن] رضائی و [رضا] سیف‌اللهی از اطلاعات سپاه آمدند و گزارشی از وضع ضدانقلاب و کودتاچیان دادند و در خصوص تحویل گرفتن مرکز اسناد اسلامی^۱ اصرار داشتند. آقای خامنه‌ای، مخالف تحویل آن است. می‌گویند ابتدا سازمان اطلاعاتی درستی باید ایجاد شود و سپس این مرکز تحویل گردد. درباره طرح جدید سازمان اطلاعات نیز صحبت‌هایی داشتند.

بعد از ظهر، ملاقات مهمی نداشتم و بیشتر وقت را صرف نوشتن مقاله‌ای درباره «سیاست در نهج البلاغه» نمودم. هشت صفحه نوشتم و فعلاً نیمه تمام است. تلفنی با آقای خامنه‌ای صحبت کردم. قرار شد فردا یا من به زیارت امام بیایند.

شنبه ۸ فروردین

۲۱ جمادی الاول - ۲۸ مارس

هشت و نیم صبح به اتفاق آقای خامنه‌ای به زیارت امام رفتیم. در دفتر امام، دکتر [ابراهیم] یزدی^۲ و استانداران ایلام و همدان را ملاقات کردیم. در زیارت امام، گزارش خوزستان را تقدیم داشتم و از امام خواستم که به مسؤلیت فرماندهی کل قوا، توجه بیشتری بفرمایند و از عدم تحرک در جبهه‌ها - که نیروهای ما را به ستوه آورده است - شکایت کردم و اینکه به ارتش، در آبادان، توپ ۱۷۵ داده نمی‌شود که بتوانند حمله به شهرها را تلافی کنند^۳.

۱ - مرکز مورد نظر، محلی بود که برای جمع‌آوری و طبقه‌بندی اسناد مربوط به - زمان اطلاعات و امنیت کشور (سازوگ) تشکیل شده بود. این مرکز بعدها منحل و به وزارت اطلاعات واگذار شد.

۲ - دکتر ابراهیم یزدی عضو هیئت آزادی در آن زمان، نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی و همچنین از سوی حضرت امام، سرپرستی مؤسسه کیهان را عهده‌دار بود.

۳ - آن روزها، نیروهای مردمی و نیروهای سپاه پاسداران در مورد تحرک در جبهه‌های جنگ با یوانحسین سی‌صدر که حاشینی (ادامه پاورقی در صفحه بعد)

از امام درباره راه حل مشکل تعیین تکلیف زمین و تجارت و صنایع و... در مجلس کمک خواستم؛ راهنمایی مؤثری فرمودند.

آقای خامنه‌ای از اینکه طبق قانون نمی‌توانند در ارتش نظارت مؤثری داشته باشند، از خود سلب مسؤلیت کردند و از امام خواستند که خودشان توجه بیشتری در هدایت جنگ و ارتش، مبذول دارند. امام از ایشان خواستند که اطلاعات کافی در اختیار امام گذارده شود که بتوانند تصمیم مقتضی را بگیرند. آقای خامنه‌ای، بار دیگر ضرر عزل سرهنگ اصیاد شیرازی را گوشزد کردند، ولی امام مطلب را بی‌اهمیت تلقی کردند.

آقای افخرالدین حجازی^۱ و پسر مدیر شرکت فیات از ایتالیا - که مسلمان شده است - به زیارت امام آمدند و از نیازهای دانشجویان اسلامی خارج از کشور، مطالبی گفتند.

سپس با احمد آقا صحبت‌هایی داشتم. احمد آقا می‌خواست بفهمد که بالاخره با آقای بنی‌صدر چه خواهیم کرد. گفتم ایشان اگر قانع باشد که رئیس جمهور در حد قانون اساسی باشد و از مقام ریاست جمهوری، علیه ارگانهای قانونی، سوء استفاده نکند، می‌توانیم ایشان را تحمل کنیم و سیاست کلی ما حرکت در جهت اسلام است و هر کس که صلاحیت اسلامی داشته باشد، می‌تواند همکار ما باشد. از اینکه نیروهای انقلابی نسبت به ایشان بد بین هستند، نگران بود. گفتم لازم است موضع روشنی اتخاذ کنند.

در مراجعت از خانه امام به مجلس با آقای (محمود) دعائی^۲ همراه بودیم. از مشکلات مالی روزنامه اطلاعات صحبت داشت، بنا است پنج ریال به قیمت اضافه کنند.

سفیر جدید فلسطین^۳ برای ملاقات به مجلس آمد و پیشنهاد همکاری بیشتر با ما داشت. از ایشان خواستم انقلابی‌تر حرکت کنند و با ارتجاع سازش نکنند. از وضع جنوب لبنان، خائف بود.

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

فرمانده کل نیروهای مسلح را عهده‌دار بوده اختلاف داشتند. این اختلاف موجب شده بود که مشکلات هدیده‌ای در جنگ پدید آید. نیروها احساس رکود و خستگی می‌کردند و برای تحرک مورد نظرشان، نه اختیار داشتند و نه امکانات.

۱ - افخرالدین حجازی نماینده اول مردم تهران در مجلس شورای اسلامی.

۲ - سید محمود دعائی نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی و سرپرست موزه اطلاعات.

۳ - صلاح الرواوی.

یکشنبه ۹ فروردین

۲۲ جمادی الاول - ۲۹ مارس

قرار بود جلسه علنی مجلس شورای اسلامی داشته باشیم. اول صبح، هیأت رئیسه تشکیل شد، ولی عده نمایندگان حاضر، به نصاب یکصد و هشتاد نفر نرسید و نتوانستیم جلسه رسمی علنی داشته باشیم؛ به طور غیر رسمی درباره مناطق جنگی صحبت کردیم. مجلس یک هفته دیگر تعطیل شد. تا عصر در مجلس ماندم و کارهای متفرقه را انجام دادم.

از روزنامه آزادگان تلفن کردند که چاپخانه، به دلیل مقروض بودن، از چاپ روزنامه خودداری کرده است. قرار شد با بنیاد مستضعفان صحبت کنم و حل نمایم.

آقای [حسین] انصاری [راد] نماینده نیشابور از عملکرد استاندار خراسان، حزب جمهوری اسلامی، دادگاه، جهاد و سپاه شکایت داشت؛ گویا به دلیل اینکه ایشان را با بنی صدر می‌پندارند، با ایشان ناسازگارند.

نمایندگان خرمشهر از مشکلات آوارگان جنگی شکایت داشتند. خبر سوء قصد به جان آقای ربانی شیرازی در شیراز و نجات ایشان رسید^۱. با ایشان، در بیمارستان نمازی تلفنی صحبت کردم و تلگرافی هم برایشان مخابره نمودم^۲.

خبری داشتم که دکتر تقی زاده نماینده آقای بنی صدر در لندن، به سفارت عراق رفته و

۱ - روز نهم فروردین آیت‌الله عبدالرحیم ربانی شیرازی (عضو فقهای شورای نگهبان و نماینده امام در استان فارس)، توسط موتور سوار وابسته به گروه فرقان با کلت مورد اصابت گلوله قرار گرفت. ایشان از ناحیه گردن معرّوج شد و مورد عمل جراحی قرار گرفت. (روزنامه کیهان ۱۰ فروردین ۱۳۶۰)

۲ - تلگراف مورد اشاره به این شرح است:

بسمه تعالی

حضرت آیت‌الله ربانی شیرازی

نجات معجزه گونه جنابعالی از سوء قصد خائنانه ضد اسلام، موجب خوشحالی و سپاسندی است. ضدانقلاب برای شکست انقلاب اسلامی ایران توسل به ترور - این رذیله‌ترین حربه خود شده است؛ به خیال اینکه با از میان برداشتن چهره‌های دانش و مبارزه و استقامت انقلاب را از پشتوانه‌های عظیم محروم سازد ولی نجات حابعالی، یکبار دیگر ثابت کرد که خداوند حافظ اسلام و انقلاب و حامی مستضعفان است.

اکبر هاشمی رفسنجانی



استقبال از هیئت میانجی توسط ابوالحسن بنی صدر (رئیس جمهور) و محمد علی رحانی (نخست وزیر)

مدتی آنجا بوده است؛ قاعدتاً بی ارتباط با هیأت میانجی نیست^۱. خبر را به آقای رجائی دادم که در شورای عالی دفاع، حساب دستشان باشد.

عصر به جلسه شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی رفتم. درباره مسائل روز، چند ساعتی بحث کردیم. روی برنامه‌های اقتصادی - به منظور تعدیل ثروت و رفع تبعیضات اقتصادی - بحثهایی شد و تصمیماتی اتخاذ گردید.

بعد از نماز مغرب و عشاء، جلسه مشترک نمایندگان و مسئولان اجرایی هوادار حزب تشکیل شد. آقای بهشتی و من صحبتهایی کردیم سپس چند نفر درباره وضع آوارگان جنگ، صحبت کردند؛ من جمله آقای امصطفی امیر سلیم مسئول بنیاد جنگ زدگان.

آخر شب، تلفنی با [فرزندم] محسن که در بلژیک تحصیل می‌کند^۲، صحبت کردیم. از کار سفارتخانه و فعالیت انجمن اسلامی و نفوذ انقلاب در دانشجویان اسلامی عرب و ضعف ضدانقلاب، راضی بود.

۲۳ جمادی الاول - ۲۰ مارس

دوشنبه ۱۰ فروردین

اول صبح، مقداری در تکمیل مقاله "نهج البلاغه و سیاست" کار کردم و سپس به مجلس رفتم. پس از مطالعه گزارشها و امضای نامه‌ها، جواب نامه رئیس مجلس الجزایر "رابع بیطاط"

۱ - هیأتی از طرف اعضای سازمان کنفرانس اسلامی در طائف برای مذاکره با طرفین جنگ عراق با ایران و اجرای آتش بس و صلح انتخاب گردیدند. آنها در چندین مرحله به تهران و بغداد سفر کردند و پیشنهادات هر دو کشور را اخذ نمودند.

اعضای هیأت میانجی عبارت بودند از: احمد سکونوره رئیس جمهور گینه، حبیب شطی دیرکل سازمان کنفرانس اسلامی، یاسر عرفات رئیس کمیته اجرایی سازمان آزادیبخش فلسطین، حاج داود رئیس جمهور گامبیا، ضیاءالرحمن رئیس جمهور بنگلادش، ضیاء الحق رئیس جمهور پاکستان، بولنت الودسو نخست وزیر ترکیه، تنکو احمد وزیر خارجه مالزی و مصطفی نیاس وزیر خارجه سنگال.

۲ - مهندس محسن هاشمی فرزند ارشد آیت الله هاشمی رفسنجانی در سال ۱۳۴۰ در قم متولد شد. بعد از اتمام تحصیلات متوسطه به بلژیک رفت و درجه لیسانس مهندسی مکانیک را دریافت کرد. سپس درجه فوق لیسانس مهندسی مکانیک را از دانشکده پلی تکنیک دانشگاه مونترال کانادا اخذ نمود و مدتی در دوره دکترای همین رشته تحصیل کرد و در سال ۱۳۶۵ به ایران بازگشت و مسئولیت یکی از پروژه‌های موشکی صنایع سپاه را عهده دار گردید. وی تاکنون در سمتهای زیر به فعالیت پرداخته است:

سرپرست پروژه موشکی شهاب ۲ - عضو هیأت مدیره صنایع دفاع - رئیس بازرسی ویژه رئیس جمهور - رئیس دفتر رئیس جمهور - عضو هیأت امنای جهاد دانشگاهی - رئیس مؤسسه فرهنگی دفتر نشر معارف انقلاب - رئیس دفتر ریاست مجمع تشخيص معضلات نظام - مدیرعامل شرکت راه آهن شهری - مترو -



ملاقات باياسر عرفات

را تهیه کردم و ایشان را به ایران دعوت نمودم. آقای دکتر اعلی اکبر ولایتی^۱ نامه اعتراضی به رادیو تلویزیون در خصوص برخورد نادرست با مجلس نوشته بود، تأیید کردم. آقایان (یاسر) عرفات، هانی الحسن و همراهان - که با هیأت میانجی "کنفرانس اسلامی طائف" به ایران آمده بودند - به ملاقاتم آمدند. از خطر حمله اسرائیل به جنوب لبنان، نگران بودند. ایشان را تسلیت دادم و گفتم این حمله به ضرر آمریکا است، منطقه را منفجر می‌کند و بیش از همه، آمریکا خسارت می‌برد. از ایشان (یاسر) عرفات^۲ خواستم انقلابی تر عمل کنند. ایشان به فرودگاه رفت. هانی الحسن تنها ماند و مطالب مفیدی از وضع عراق و ضعف صدام و نظر هیأت داد؛ مثل اینکه کم کم دارند موضع ضد عراقی می‌گیرند. از اینکه بعضی از انقلابی‌های ایران، مخالف عرفات شده‌اند، نگران بود.

بعد از ظهر، مصاحبه مطبوعاتی و (رادیو) تلویزیونی انجام دادم^۳ و برای شرکت در اردوی انجمنهای اسلامی سیستان و بلوچستان به کرج رفتم. در باغ مصفاای ابروانی در حدود پانصد نفر جوان، مرد و زن با شور و با حال و طرفدار روحانیت بودند، برایشان سخنرانی کردم^۴ و جواب سئوالاتشان را دادم و در اردوی بسیج هم شرکت کردم. سرودی خواندند و تشویقشان کردم. سپس به مرکز تربیت معلم - که پانصد معلم ممتاز جمع شده بودند^۵ و سمینار جالبی داشتند - رفتم. شامشان آشر رشته بود، صرف کردیم و سخنرانی نمودم و تا ساعت ده شب جواب سئوالهای آنها را دادم. خیلی با روح و انقلابی بودند. سرود خیلی جالبی با مطلع «روحانی مبارز، آیم بسویت» خواندند.

سه شنبه ۱۱ فروردین

۲۳ جمادی الاول - ۲۱ مارس

اول صبح، خاطرات دیروز را نوشتم و پیامی برای سمینار (وحدت اسلامی) دانشجویان و

۱ - دکتر ولایتی در آن زمان، نماینده مجلس شورای اسلامی و عضو هیأت رئیسه مجلس (کارپرداز) بود.
 ۲ - در این مصاحبه مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی، ایشان درباره هیأت میانجی، دیدار با یاسر عرفات، شروط ایران برای صلح، اختلافات گروههای سیاسی در داخل کشور، توایح مربوط به بازسازی و مسکن و تقسیم زمین، فساد و احزاب به سئوالات خبرنگاران پاسخ داده‌اند. متن کامل این مصاحبه در کتاب "هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های ۱۳۶۰".
 ۳ - خوانندگانی که از این سخنرانی اطلاع بدهند یا در محل سخنرانی حضور داشته‌اند، اطلاعات خود را به صندوق پستی ۱۹۳۹۵/۴۶۴۸ ارسال نمایند.

دانش آموزان استان کرمان، تهیه کردم^۱.

ساعت نه و نیم صبح به مجلس رفتم. پس از مطالعه گزارشها، مصاحبه‌ای با مجله "شاهد" ارگان بنیاد شهید درباره زندگی خودم و (همچنین) مصاحبه‌ای با روزنامه آلمانی "دی سایت" انجام دادم^۲.

هیاتی از اریتره آمدند و درباره وضع انقلاب اریتره صحبت کردند. از همکاری اخیر کشورهای اسلامی راضی بودند. از کنفرانس اخیر طائف نتیجه خوبی گرفته بودند. سیاست نه شرقی و نه غربی را با پیروی از ما، می‌خواهند ادامه دهند؛ چون رژیم مارکسیستی اتیوپی با آنها می‌جنگد، کمونیستهای اریتره منزوی شده‌اند و مسلمانها و ملیون، نهضت را اداره می‌کنند. نامه آقای "ناصر محمد احمد" رهبر نهضت را آورده بودند.

بعد از ظهر آقای ایرج اصفهانی (دزفولی) نماینده آبادان و نماینده سپاه آمدند. برای تهیه بولدوزر و لودر جهت جبهه آبادان اقداماتی کرده و در کارشان اختلال کرده بودند، کمک کردم که رفع اختلال شود.

سپس در جلسه دفتر سیاسی حزب جمهوری اسلامی شرکت کردم. درباره اوضاع بعد از چهارده اسفند دانشگاه بحث شد و تحلیلی از رابطه خط امام با امام و اوضاع جنگ و هیأت میانجی "کنفرانس اسلامی طائف" مطرح گردید.

اول شب به مرکز حزب رفتم. اردوی فسا و کازرون آمده بودند. با آنها نماز جماعت خواندم و مقداری برایشان صحبت کردم^۳. در جلسه شورای مرکزی حزب شرکت کردم.

بعد به نخست وزیری رفتم. شورای سرپرستی صداوسیما و آقایان بهشتی، باهنر، رجائی و بهزاد نبوی بودند. تا بعد از نیمه شب درباره مسائل جاری کشور، وضع اقتصادی، سوخت،

۱ - در این پیام آمده است: سازندگی کشور اسلامی ایران و تجدید بنای جامعه اسلامی سخت نیازمند نیروهای مؤمن، مکتبی، ماسواد، عامل و مخلص است و این نزدیکی جز شما جوانان مسلمان و انقلابی نمی‌تواند باشد، به امید هیچکس و هیچ جا بحر خدا و خودتان نباشید. مجلس شورای اسلامی کاملاً آماده تدوین و تصویب قوانین انقلابی و اسلامی برای تأمین نیازهای قانونی و حقوقی انقلاب اسلامی است و عهده‌دار نظارت بر حسن اجرای مقررات و منعت عملکرد معریان قانون است.

این پیام در روزنامه جمهوری اسلامی مورخه ۱۶/۱/۶۰ صفحه ۸ به طور کامل درج شده است.

۲ - کتاب "هاشمی رفسنجانی - مصاحبه‌های ۱۳۶۰" زیر نظر محسن هاشمی - دفتر نشر معارف انقلاب - ۱۳۷۷.

۳ - خوانندگانی که به متن این سخنرانی یا نوار آن، دسترسی دارند، با صندوق پستی ۱۹۳۹۵/۴۶۴۸ دفتر نشر معارف انقلاب مکاتبه نمایند.

جنگ و انتخاب نماینده طرف دیگر در کمیته حکمیت^۱ درباره اختلافات بحث کردیم. ساعت یک بامداد به خانه رسیدم. خبر ترور ارونالد ریگان رئیس جمهور آمریکا، اول صبح دریافت شد^۲. حادثه عظیمی است و باید منتظر عواقب آن بود.

چهارشنبه ۱۲ فروردین

۲۵ جمادی الاول - ۱ آوریل

امروز تعطیل بود، از خانه بیرون نرفتم. باران سنگینی بارید و مزاحم انجام راهپیمایی شد. ساعت نه صبح، احمد آقا خمینی تلفن کرد. ایشان بایستی پیام امام را در مراسم راهپیمایی قرائت کند، نگران بود که تکلیف چیست، دنبال مرجعی می‌گشت که رسماً اعلام لغو راهپیمایی کند که تکلیف قرائت پیام هم معلوم شود. در تماس با ستاد نماز جمعه، مسئولان را پیدا کردم و گفتم با دفتر امام تماس بگیرند و تکلیف را معین کنند. دو ساعت بعد اعلام شد که به خاطر شدت بارندگی راهپیمایی پایان یافت؛ ولی بعداً معلوم شد که مردم فداکار و پُر استقامت، زیر رگبار باران در خیابانها مانده و به میدان آزادی رسیده‌اند و میدان را ترک نکرده‌اند. آقای (احمد) جنتی هم سخنرانی کرده و قطعنامه هم قرائت شده است.

پیام امام را از رادیو شنیدم. در اخبار بعد از ظهر خوانده شد^۳. خیلی متین و جالب و حساب

۱ - کمیته حل اختلاف یا کمیته حکمیت به منظور رفع اختلاف میان نیروهای خط امام و بنی صدر و طرفدارانش که در آن موقع معروف به لیبرالها بودند، تشکیل شد. در این کمیته سه نفره، یک نماینده از طرف حضرت امام (آیت‌الله محمد رضا مهدوی کنی)، یک نماینده از طرف ابوالحسن بنی صدر رئیس جمهور (آیت‌الله شهاب‌الدین اشراقی) و یک نماینده از طرف آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، آیت‌الله بهشتی و شهید محمد علی رجائی - رئیس مجلس، رئیس دیوان عالی کشور و نخست وزیر - (آیت‌الله محمد یزدی) در صدد بودند، اختلافات موجود را بررسی و عوامل اختلاف انگیز را معرفی کنند.

۲ - خبرگزاری فرانسه (AFP) از واشنگتن گزارشی داد، یک مرد جوان سفید پوست که به طرف رونالد ریگان در لحظه‌ای که وی از هتل هیلتون واشنگتن پس از ایراد سخنرانی خارج می‌شد، شلیک کرد. براساس اظهارات دو نفر از مقامات امنیتی، یکی از گلوله‌ها به فسه سه ریگان رئیس جمهور آمریکا اصابت کرده بود.

۳ - امام خمینی در پیام ۱۲ فروردین ۱۳۶۰ پس از مقدمه، تذکراتی در هفت بند به ملت شریف ایران داده بودند که خلاصه هفت بند به این ترتیب است: به تمام گروهها و سازمانها و احزاب و دستجات سیاسی در سراسر ایران اعلام می‌شود که اگر سلاح خود را تحویل دهند و اظهار ندامت نمایند، به آنان تأمین داده می‌شود و می‌توانند برادروار در کشورشان زندگی کنند، لزوم وحدت و پرهیز از اختلافات، نگرانی از روحانیت که با شایعه سازبها و تهمت‌ها نزد ملت مشوه جلوه داده شوند، تذکر به پاسدارانی که از مأموریت قانونی خود تجاوز می‌کنند و در امور نهادهای دیگر دخالت می‌نمایند، لزوم کمک به کشاورزان و کشاورزی به عنوان اساس اقتصاد کشور و در نهایت درخواست از ملت مبنی بر عدم اعتنا به شایعات و اکادیمی که از سوی مخالفین انقلاب، با هدف مایوس ساختن ملت ساخته و پرداخته می‌شود. (صحیفه نور، جلد ۸ صفحه ۳۳۳، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی ۱۳۷۳ - چاپ دوم)

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ محمدرضا مهدوی کتی دامت افاضاته جنابالی را به نمایندگی خویش تعیین نمودم تا با نماینده‌ای که جناب آقای بنی صدر و نماینده دیگری که جناب حجت الاسلام آقای بهشتی و جناب حجت الاسلام آقای هاشمی رفسنجانی و جناب آقای رجایی تعیین می‌نمایند موارد تخلفات از حقوق قانونی هر یک رسیدگی بنمایند و نیز در زمان جنگ که زمانی استثنائی است به اقوال و اعمال هر کس که موجب اختلاف و تشنج در کشور می‌شود رسیدگی بنمایند و نیز در همین زمینه، مطبوعات و رسانه‌های گروهی را مورد بررسی قرار دهید تا هر کس و هر چه به حسب رأی اکثریت متخلف و تخلف به شمار آید، در مرتبه اول به آنان تذکر دهید تا در اصلاح خود بکوشند و در مرحله بعد به وسیله رسانه‌های گروهی به مردم شریف کشور معرفی و در تمام موارد فوق به دادستان کل کشور گزارش دهید و دادستان کل کشور شرعاً موظف است تا با بیطرفی کامل، پس از طی کردن مراحل قانونی، موافق موازین شرعی و قانونی با آنان عمل نمایند. انتظار می‌رود که آنچه را به عهده آقایان گذاشته شده است که یک تکلیف شرعی است، قاطعانه و بدون غمض عین عمل نمایند. لازم به تذکر است که برای اتحاد بیشتر بین نمایندگان هیچ کدام از سه نماینده در خارج از جلسه، حق بازگو کردن نظر خود و اظهار مخالفت با رأی اکثریت را که موجب تضعیف هیأت گردد نداشته و در صورت تخلف که موجب جنجال است، دادستان کل کشور با خود نماینده متخلف چون سایرین عمل خواهد نمود. لازم است نمایندگان و افرادی که آنان را تعیین می‌نمایند و همه نویسندگان و گویندگان برای حل محضلات جامعه دست در دست یکدیگر دهند و در حدود قانونی وظایف خویش برای پیشبرد مقاصد عالی اسلام تلاش نمایند.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته
روح الله الموسوی الخمینی



شہباز الدین اشرفی



محمد عرفانی



محمد رضا میندوی کسی

شورای حکمیت

شده بود. امام در این پیام به تخلف روزنامه‌های میزان و انقلاب اسلامی^۱ از فرمان آرامش اشاره داشتند و اشاره به دستوری کردند که به دادستان کل کشور، در مورد تعقیب متخلفان همین دو روزنامه داده‌اند. انصافاً آقای بنی‌صدر در استون کارنامه روزنامه انقلاب اسلامی مورخ ۶۰/۱/۱۱ وقاحت را از حد گذرانده و به همه حتی رهبر، اهانت نموده^۲. پیدا است که اینها تشنج را طالبند.

در پیام امام در مورد جنگ و هیأت میانجی هم مطالبی آمده که سیاست آقای بنی‌صدر را محکوم می‌کند. آقای بنی‌صدر در کارنامه دیروز نوشته، مایل است به جنگ خاتمه بدهد و صلح کند، ولی شعارهای راهپیمایی امروز و اظهارات امام یقیناً راه را برای ایشان بسته است. عفت و فاطمی به دعوت مسئولان بنیاد شهید به دیدار هزار و هفتصد نفر از خانواده‌های شهدای خوزستان به هتل استقلال رفتند و تا آخر شب با آنها بودند. در غیاب آنها محمود محی‌الدینی، نصرت، بچه‌هایش و رضا آیت‌اللهی آمدند. محمود از رکود و باندهازی در شرکت نفت می‌گفت و اظهار می‌داشت، باند حاکم است و می‌خواست فکری بکنیم.

آقای اشراقی داماد امام تلفن کرد و برای عده‌ای از تصفیه شدگان وقت گرفت که بیایند در رابطه با لایحه بازسازی با من صحبت کنند. ایشان درباره ایده‌هایش در ارومیه و نیاز به همکاری سپاه صحبت کردند^۳. آقای جعفر مطهری از تجار بازار آمد و از آقای جلال‌الدین فارسی در اهتمام به ملی‌گرایی و تأیید راه دکتر محمد مصدق و محکوم کردن آیت‌الله

۱ - روزنامه میزان ارگان نهفت آزادی ایران به رهبری مرحوم مهندس مهدی بازرگان و مدیریت دکتر رضا صدر و روزنامه انقلاب اسلامی با صاحب امتیازی سید ابوالحسن بنی‌صدر و مدیریت محمد جعفری و سردبیری سید جمال‌الدین موسوی در تهران منتشر می‌شدند و به حکم دادستانی کل کشور به اتهام ایجاد اختلاف و تشویش و ناامنی در جامعه، توقیف گردیدند.

۲ - کارنامه رئیس جمهور عنوان ستونی بود در روزنامه انقلاب اسلامی که در صفحه اول آن چاپ می‌شد و در آن، بنی‌صدر کارهای روزانه خود را به همراه عقاید و ایده‌ها به مردم گزارش می‌کرد. در روزنامه انقلاب اسلامی سه شنبه ۱۱ فروردین شماره ۵۰۳ بنی‌صدر به ذکر کارنامه روزهای پایانی اسفند ماه پرداخته و در آن به مجلس شورای اسلامی، دیوان عالی کشور، حزب جمهوری اسلامی و رهبر کبیر انقلاب اسلامی تاخته است. در این کارنامه، اقدام مجلس در طرح دوفوریتی وزارتخانه‌های بدون وزیر که انتخاب سرپرست این وزارتخانه‌ها به نخست وزیر (شهید رجایی) واگذار شده، مورد حمله قرار گرفته است.

بنی‌صدر در این کارنامه رقیبان خود را به چماق‌داری و بی‌اعتنایی به قانون اساسی متهم ساخته است. همچنین با این مطلب به رهبر انقلاب نیز توهین نموده است: از رهبری سنتی کاری ساخته نیست، چرا که طی دو قرن، عرصه‌های اندیشه و عمل را از او گرفته‌اند و هنوز نیز می‌گیرند و این رهبری گاه مقاومتکی کار پذیرانه می‌کند و تسلیم می‌شود.

۳ - مرحوم آیت‌الله اشراقی داماد حضرت امام، از سوی ایشان مأمور رسیدگی به وضع کردها در استانهای آذربایجان غربی و کردستان بودند.



جمهوری اسلامی ایران
مجلس شورای اسلامی
دفتر رئیس

شماره ... لا

تاریخ ۱۳۶۰ / ۱ / ۲۴

پیوست ...

بیت

هیئت محترم بررسی اختلافات

محترماً - جناب آقای بنی صدر در کارنامه خود که در روزنامه انقلاب اسلامی شماره ۰۳ مورخ ۱۱/۱/۶۰ صفحه ۶ ستون دوم منتشر شد، نوشتن آن که من همه مردم حاضر در مراسم ۱ اسفند در انشگاه مراغیر مسلمان و... معرفی کرده ام، در صورتیکه این ادعا تحریف صریح اظهارات اینجانب است با ارسال متن اظهاراتم در جمله طنسی یکشنبه مورخ ۱۷ اسفند ماه ۶۰ که در صفحه ۶ اسطرتا ۲۳ تا ۳۲ مذاکرات طنسی مجلس شورای اسلامی و متن نوشته جناب رئیس جمهور و خواهشمند است رسیدگی فرمائید و برای روشن شدن افکار مردم مسلمان ایران نظر خود تسان را ابراز دارید.

اکبرهاشمی رفسنجانی

۲۴
۱۳۶۰ / ۱ / ۲۴

کاشانی، ناراحت بود. سخنرانی ایشان را در قزوین - که مورد اعتراضشان بود - آورده بود.

پنجشنبه ۱۳ فروردین

۲۶ جمادی الاول - ۲ آوریل

دیشب برف فراوانی آمده و درختها کاملاً پوشیده از برف شده و هوا هم سرد است. خدا کند که سرما نزده باشد، احتمال سرما زدن سر درختها هست. اگر سرمازده باشد، در این شرایط، مشکل عظیمی برای کشور و دولت فراهم می‌آورد. من به خاطر ندارم که در سیزده فروردین، چنین برفی آمده باشد.

دیروز در تایلند معاون فرمانده کل قوا علیه نخست وزیر و فرمانده کل قوا کودتا کرده و امروز صبح خبرها حاکی از مقاومت نخست وزیر است^۱. ماهیت کودتا هنوز برایم معلوم نیست.

ساعت نه صبح به زیارت امام رفتم. چیزهایی که در ارتباط با جنگ و هیأت صلح می‌دانستم، گفتم. امام ضمن اینکه مایلند، جنگ زودتر تمام شود، صلاح نمی‌دانند که ما کوتاه بیایم و از اینکه شرط شود، بعد از صلح نباید به ملت عراق، علیه صدام کمک کنیم، نگرانند؛ اگر این مضمون بخواهد در قرارداد بیاید، نگرانی دارند، مخصوصاً با توجه به انتظارات مردم عراق.

امام با انتخاب آقای محمد یزدی از طرف ما در هیأت حکمیت موافق بودند. با آقای موسوی اردبیلی، تلفنی صحبت کردم. گفتند امام جازم‌اند که آقای بنی صدر باید دفترشان را تصفیه کنند و با گروههای ضدانقلاب، علناً و صراحتاً باید مخالفت کنند و اجازه تعقیب مسئولان چهارده اسفند، ولورئیس جمهور را داده‌اند و تأکید داشتند که هیأت حکمیت، سریعاً عمل کند.

ظهر، برای ملاقات خانواده‌های شهدای خوزستانی به هتل استقلال رفتم. نماز جماعت با آنان خواندم و ناهار با آنها خوردم و برایشان سخنرانی کوتاهی کردم؛ خیلی گرم و پرشورند. با آقای رجائی هم تلفنی صحبت کردم. قرار شد آقای یزدی را به عنوان نماینده اعلام کنیم. اعلام شد. شب خانواده شهید علم‌الهدی اهوازی، مهمان عفت بودند و شب را خوابیدند.

۱ - ژنرال سانت معاون فرمانده کل قوای تایلند در روز اول مارس ۱۹۸۱ علیه نخست وزیر کودتا کرد و این کودتا پس از سه روز درگیری حویس به شکست انجامید.

از خانه شهید مطهری تلفن کردند که تلفنی تهدید شده‌اند. یکی از پاسداران خودم را برای محافظت، به خانه آنها فرستادم.

احمد آقا خمینی، تلفن کرد و گفت، امام می‌گویند، گویا قطب زاده^۱ وضع مالی بدی دارد، فکری شود و احمد آقا پیشنهاد می‌کرد، شغلی به ایشان محول شود. ولی اطلاع می‌گوید، ایشان دفتری دارد و سکرتر لوکس و مخارج دفترش زیاد است؛ از کجا می‌آورد؟!

جمعه ۱۴ فروردین

۲۷ جمادی الاول - ۳ آوریل

امروز صبح، خبر شکست کودتای تایلند داده شد. در لبنان صهیونیستها و امپریالیسم و احزاب اکتائب شرارت کرده‌اند و جمع زیادی از مردم کشته و زخمی شده‌اند.^۲ ساعت نه صبح به منزل آقای بهشتی رفتم. مسئولان وزارت کشاورزی، برنامه و بودجه، جهادسازندگی و نخست‌وزیر جمع بودند. در خصوص هماهنگ کردن کار جهاد و وزارت کشاورزی بحث بود. بناست در روستاها «مراکز خدمات» ایجاد شود که کم‌کم قسمت عمده وزارت کشاورزی از مرکز به روستاها منتقل شود. با کار جهاد، تداخل دارند. راه حل موقتی پیدا شد. قرار شد شوراهای روستا، توسط جهاد ایجاد و هدایت شوند و مجری جهادی طرحهای کشاورزی هم باشند.

همراه آقای رجائی به نماز جمعه رفتیم. جمعیت فوق‌العاده‌ای بود، در خیابان طالقانی هم تا میدان فلسطین نشسته بودند. با آقای رجائی در راه بحث کردیم. قرار شد تعطیل سفارتخانه‌های کم‌اثر، با فعال و اصلاح کردن سایر سفارتخانه‌ها همراه باشد و تلاش شود تا آخر هفته، چند کار مؤثر درباره وزارت خارجه، اعلان شود. گفتند، بناست بخشنامه کنیم که تمام عکسها در ادارات، به جز عکس امام، جمع شود و نماز جماعت بخوانند و خانمها حجاب را مراعات کنند.

۱ - صادق قطب زاده در اوائل انقلاب، گویا عضو شورای انقلاب هم بوده، همچنین پست وزارت امور خارجه را نیز داشته است. وی در زمان حضور حضرت امام در پاریس با استفاده از سوابق و امکانات مبارزان خارج از کشور، برای نشر افکار امام تلاش می‌کرد. قطب زاده بعدها به اتهام طرح کودتا بر علیه نظام جمهوری اسلامی با همکاری عده‌ای از نزدیکان آقای شریعتمداری، محاکمه و به اعدام محکوم شد.

۲ - حزب اکتائب وابسته به فالاترزیستهای لبنان است. این حزب در فروردین سال ۶۰ به همراه نیروهای دولتی ارتش لبنان و حمایت ارتش اسرائیل با ارتش آزادیبخش فلسطین در بیروت درگیر شدند، در این درگیریها ۶۹ نفر کشته و ۲۳۶ نفر زخمی شدند.



حاج سید احمد خمینی - اکبر ہاشمی رفسنجانی - محمد ناقر حکیم - سید صادق حکیم - محمد علی رحابی



عصر آقای محمد هاشمی از رفسنجان آمد. درباره محدودیتهای بیجای بازرگانی، مثل ممنوعیت ورود پمپ شناور و برنج حرف داشت. تا حدی صحیح است. باید فردا با وزارت بازرگانی تماس بگیرم.

چند نفر آواره عراقی و خوزستانی هم آمدند و مشکلی داشتند، امید است رفع شود. آقای خامنه‌ای هم آمدند و درباره وضع جنگ و هیأت صلح و مطالب جاری، بحثهای مفیدی داشتیم.

اعلامیه تعیین نماینده در هیأت اختلافات را تهیه کردم و به صداوسیما دادم^۱.

شنبه ۱۵ فروردین

۲۸ جمادی الاول - ۲ آوریل

ساعت هشت به مجلس رفتم. گزارشها را مطالعه کردم. چند نفر از سفرای بازنشسته سابق آمدند و از لایحه بازسازی که سفرای سابق را محکوم به انفصال کرده، شکایت داشتند. قرار شد به کمیسیون، تذکر دهم و شکایتی تقدیم داشتند.

آقای اسداله بیات از نیاز زنجان به امام جمعه و روحانی متشخص و مبارز صحبت کرد. از اقدامات منفی دو نماینده زنجان، وضع خانواده موسوی، انقلابی و درخط بودن ارگانهای دولتی و نهادهای انقلابی و سخنرانی کج مهندس امهدی بازرگان در روز دوازده فروردین سخن گفت.

آقای خواجوی پیشنهاد قانون سلب صلاحیت نمایندگان مجلس را آورد. به کمیسیون آئین نامه فرستادم.

بعد از ظهر دو نفر از طلاب تبریز آمدند؛ راجع به محتوای درسهای طلبگی مشورت داشتند. سپس بهادران، فرماندار زرین شهر و مهندس حافظیان آمدند. از حسن جریان کارخانجات منطقه لنجان، ذوب آهن، سیمان، از کار شکنی‌های گروهکها و از نیاز به کمک کردهای [هوادار] محمود عثمان عراقی، سخن گفتند.

مسئولان روزنامه آزادگان - که تعطیل شده - آمدند؛ برای رفع مشکل، کمک می‌خواستند. قرار شد با آقای کریمی رئیس بنیاد مستضعفان، درباره اعطای امکان چاپ در چاپخانه متعلق

۱ - در این اعلامیه، آیت‌الله محمد یزدی از طرف آقایان بهشتی، هاشمی و روحانی به عنوان نماینده در هیأت حل اختلاف معرفی گردید.

به بنیاد، مذاکره کنم.

گزارشهایی از وضع اردوگاه آوارگان جنگ در بوشهر و همدان خواندم و جواب تبریکهای عید نوروز تهیه شد. خبر حمله هواپیماهای ما به عمق خاک عراق و انهدام چهار پایگاه هوایی با سروصدا پخش شد. امید است که مؤثر باشد.

یکشنبه ۱۶ فروردین

۲۹ جمادی الاول - ۵ آوریل

امروز اولین جلسه علنی مجلس شورای اسلامی در سال جدید تشکیل شد. دودوازدهم بودجه مطرح بود. پنج ساعت وقت صرف کردیم. موافقتها و مخالفنها صحبت کردند. بحث ادامه دارد. اکثر صحبتها سیاسی بود و کمتر مربوط به بودجه و مخصوصاً دودوازدهم. در تنفس ظهر، آقای خامنه‌ای در مورد شرح مذاکراتش با امام و مطالبی که در ملاقات فردا می‌خواهند با امام مطرح کنند، صحبت کردند. از مخالفت دفتر امام با ملاقات روز جمعه و حتی عدم اعلان آن در اخبار گفتند. بعد از ظهر با آقای رجائی، تلفنی صحبت کردم و راجع به تسریع آوردن بودجه سالانه به مجلس تأکید کردم. به آقای محمد رضا مهدوی کنی وزیر کشور تلفن کردم و راجع به آوردن لایحه تمدید وقت قانون انتخابات و لغو دو مرحله‌ای انتخابات، صحبت شد. با آقای کریمی رئیس بنیاد مستضعفان، درباره روزنامه صبح آزادگان، و با آقای مهندس (محمد رضا نعمت زاده) وزیر صنایع درباره تقاضای حاج کاظم حاج طرخانی در مورد شرکت بستان ایران تلفنی صحبت کردم. به خاطر خستگی در جلسه شورای حزب و جلسه مشترک نمایندگان مجلس و مسئولان اجرایی حزب جمهوری اسلامی شرکت نکردم و زودتر به خانه آمدم.

دوشنبه ۱۷ فروردین

۱ جمادی الثانی - ۶ آوریل

اول صبح برای ادامه کار مجلس، در موضوع دودوازدهم بودجه، به مجلس رفتم. در موضوع بودجه، مهندس عزت‌اله اسحایی^۱، فواد کریمی^۲ و دیگران صحبت کردند. مطالبی که

۱ - نماینده مردم تهران در دوره اول مجلس شورای اسلامی.

۲ - نماینده مردم اهواز در مجلس شورای اسلامی.

درباره بودجه کاخ ریاست جمهوری - شانزده میلیون تومان برای اصلاح ساختمان، بودجه عظیم اداری و بودجه سری ریاست جمهوری - گفتند، مؤثر واقع شد.

آقای خامنه‌ای عازم کردستان شدند. از فرودگاه سندی فرستادند در مورد اظهارات آقای بنی صدر در خدمت امام، در جواب اعتراض امام به عدم واگذاری توپ یکصد و هفتاد و پنج به آبادان^۱. (این اسناد در اصل شکایت سرهنگ شکرریز فرمانده واحد مستقر در آبادان است). آقای بنی صدر گفته بودند که از این توپها کم داریم و گلوله‌های آن هر یک ده هزار دلار است و دلار را هم به نرخ آزاد بیست تومان حساب کرده بودند که قیمت هر گلوله دویست هزار تومان می‌شد.

این سند می‌گوید سی و هفت اراده توپ و گلوله زیاد در انبار داریم و قیمت هر گلوله هشتصد و پنجاه دلار است. گزارشی از مرز ترکیه با ایران، توسط اکامل عابدین زاده [نماینده خوی رسید که نقل و انتقالات مشکوکی در آنجا دیده می‌شود. نسخه‌ای از آن را برای امام فرستادم.

آقای حسین احسینی [واعظ رامیانی] نماینده مینودشت [رامیان] که پای پسر سربازش قطع شده بود، برای انتقال ایشان از ارومیه می‌خواستند از هواپیماهای ارتشی استفاده کنند که تماس برقرار شد. آقای محمد مجتهد شبستری آمد و بیش از یک ساعت درباره ماهیت اختلاف ما (خط امام) با لیبرالها (آقای بنی صدر و نهضت آزادی و...) توضیحاتی می‌خواست و گفتیم، مسأله بر سر «اسلام فقه‌پرهیزی» است. آنها این فقه را قبول ندارند و ما راهی در حکومت اسلامی جز با اجرای همین فقه (با کار بیشتر و اجتهاد زنده) نمی‌بینیم و نمونه‌های زیادی آوردم که این در حقیقت، خواست امام است و ما سیر شده‌ایم.

قرار بود، در جلسه شورای عالی قضائی شرکت کنم، رفتم کسی نبود، به خانه آمدم. [مرا به] این جلسه، آقای محمد علی امجدی کرمانی دعوت کرده بودند که درباره وضع روحانیون ناصالح بحث و تصمیم‌گیری شود.

۱ - نوبتهای ۱۷۵ از مؤلفانین سلاجهای تهاجمی در دوران دواع مقدس بود و در جبهه آبادان بیروها به این سلاح نیاز داشتند و حیا بیگیری هم کرده و بی صدر اجازه استفاده از آنها را می‌داد. دوربرد بود توپ ۱۷۵ از امتیازات این توپ است.

سه شنبه ۱۸ فروردین

۲ جمادی الثانی - ۷ آوریل

جلسه علنی مجلس، کار تصویب دودوازدهم بودجه را تمام کرد. به علت طولانی شدن بحثها، نمایندگان خسته شده بودند و اداره مجلس مشکل بود، به خاطر نصاب شکننده، مجلس مکرراً از رسمیت می افتاد.

تصویب تبصره‌ای در لغو مصرف کردن بقیه یکصد و شصت میلیون ریال در تعمیر کاخ رئیس جمهور (باشگاه سابق افسران) جالب بود، ولی تبصره را شورای نگهبان به دلیل اینکه برای ادامه کار بودجه‌ای در نظر گرفته نشده، لغو کرد. تبصره‌ای هم مبنی بر حذف بودجه‌های سری، تصویب شد. (در هیأت رئیسه در خصوص اینکه شورای نگهبان حق مخالفت با چنین مواردی را دارد یا نه، بحث و تردید جدی بود، به خاطر نیاز دولت به این مصوبه، بحث را به آینده موکول کردیم.)

شب در نخست وزیری با حضور آقایان بهشتی، باهنر، رجائی و بهزادنبوی، درباره مسائل مهم کشور، جنگ و صلح، وزارت خارجه، بسیج اقتصادی و آموزش و پرورش جلسه مشورتی داشتیم. دیر وقت به خانه آمدم و تازه عفت از کمبودها و غلط کاریهای بعضی از مسئولان در کرج و رفسنجان، از قول شخصی، مطالبی داشت که چون مغرضانه گفته بودند، ناراحت کننده بود.

چهارشنبه ۱۹ فروردین

۳ جمادی الثانی - ۸ آوریل

صبح زود، عفت در ادامه حرفهای شب گذشته، جروبحث داشت. با عصبانیت از خانه بیرون رفتم. مشکل اینجاست که به انقلاب علاقه مند است و روزها در ملاقاتها و برخوردهایش - که از کمبودهای کشور انتقاد می شود و خوب نمی تواند دفاع کند - ناراحت می شود و لحظات کوتاهی که من به خانه می آیم، این گونه مطالب را که رنجش می دهد، می خواهد با من طرح کند و ناراحتی ایجاد می شود. امروز در مجلس بی حوصله و کم تحمل بودم.

کار مجلس، امروز به دلیل نقص کار کمیسیون، در دعوت از پیشنهاد دهندگان و نقص طرح دوم از لحاظ عدم پیش بینی بودجه اجرای طرح، مشکل بود.

بعد از جلسه آقای فرج الله واعظی نماینده ابهر، آقای مجتبی گلگیرساز را آورد و از عدم

همکاری سپاه گله داشت. این فرد [مجتبی گلگیرساز] چند روز قبل خودش را معرفی کرد که عضو گروه تروریستی به نام «فدائیان امام زمان» است که مأمور ترور من بوده. او را به سپاه معرفی کردم، ولی تاکنون در معرفی گروه پیشرفتی [حاصل] نشده است. ایشان را با مأموران سپاه مواجه کردم. به نظرشان آدم صادقی نیست. قرار شد تعقیبش کنند تا مطلب روشن شود. شب مسئولان سپاه و اطلاعات به خانه آمدند و اطلاعاتی از عملکرد ضدانقلاب دادند و از مأموریت آقای اشراقی در تأمین کردها و نیز در رابطه با افکار آقای بنی صدر و نهضت آزادی و از حرکت‌های ضدانقلابی در بعضی محافل روحانیت و از مشکلات فرماندهی سپاه در رابطه با فرماندهی [کل نیروهای مسلح] آقای بنی صدر نگران بودند.

پنجشنبه ۲۰ فروردین

۲ جمادی الثانی - ۹ آوریل

نزدیک ساعت ۹ صبح به مجلس رفتم. پس از مطالعه گزارشها، آقای حیدری نماینده بوشهر آمد و از نابسامانیهای شرکت نفت در جزیره خارک گفت، وضع وزارت نفت خوب نیست، وزیرمان [مجید تندگویان] و معاونش مهندس بوشهری اسیر عراق است، بعضی مدیران تحت تأثیر مهندس [علی اکبر] معین فر^۱ خیلی با دولت آقای رجائی انسجام ندارند. باید فکری کرد.

سپس آقای [علی اکبر] ناطق‌نوری آمد و قصد استعفای از جهاد سازندگی داشت که با مذاکره منصرف شد. از تصادف خطرناکی که در جاده رفسنجان - یزد داشته تعریف کرد، الحمدالله به خیر گذشته. از روحیه سمینار دانشجویان و دانش‌آموزان اسلامی کرمان هم خیلی تعریف می‌کرد و از بی‌انسجامی حزب جمهوری اسلامی گله داشت. حق با ایشان است، حزب جمهوری اسلامی هنوز شکل و عمل حزب واقعی را به خود نگرفته است.

مصاحبه‌ای با تلویزیون در مورد آقای سید محمد باقر صدر کردم^۲. سپس ملاقاتی با سفیر ایتالیا - که خواستار توسعه روابط اقتصادی بود - [انجام دادم] از اینکه بعد از انقلاب شرکت‌های ایتالیائی کارهایی در ایران انجام داده‌اند، تشکر کردم و از اینکه هلیکوپترهای شنوک ما را

۱. علی اکبر معین فر وزیر نفت دولت موقت و عضو کمیسیون نفت دوره اول مجلس.

۲. کتاب هاشمی رفسنجانی - مصاحبه‌های ۱۳۶۰.

تحويل نداده‌اند، انتقاد کردم. گفت مسأله حل شده است^۱. بعد از ظهر نمایندگان جهاد دانشگاهی آمدند و از خبر باز شدن دانشگاهها در این سال، نگران بودند. می‌گفتند هنوز برنامه درستی برای دانشگاهها تنظیم نشده است و از کم کاری ستاد انقلاب فرهنگی ناراحت بودند. پیشنهادهایی هم داشتند که قرار شد تنظیم کنند و بدهند، من هم قول رسیدگی دادم.

سپس آقای گل‌سرخ‌ی کاشانی آمد. اقرار به اشتباه از موضع‌گیری گذشته خود، در رابطه با آقای شریعتمداری و حزب خلق مسلمان^۲ داشت. مشکلاتی در کار مرغداری و طرح پرورش ماهی داشت که به ایشان کمک کردم.

به مرکز پاسداران منزل امام رفتم، با آنها نماز خواندم و سخنرانی کردم^۳ و مطالبی درباره توپ یکصد و هفتاد و پنج و مرز ترکیه به خدمت امام فرستادم و شب را در منزل آقای بهشتی، مهمان بودیم.

جمعه ۲۱ فروردین

۵ جمادی الثانی - ۱۰ آوریل

صبح اول وقت، آقای محسن طباطبائی آمد. از اینکه یک بازرس دارائی به خاطر معاملهای در سال پنجاه و شش، ایراد مالیاتی به ایشان گرفته و مبلغی از ایشان مطالبه می‌کنند، شکایت داشت.

سپس دکتر محمد علی امین آمد. از آقای صادقان فرماندار کرج، که به دست و پای پولداران می‌پیچید، شکایت داشت و از اینکه دادگاه انقلاب پرونده آقای فاتح پدرزن مرحوم ایشان را مطرح کرده، ناراحت بود و چون ادعا کرد که درختهای سیب باغ شاهپور غلامرضا را بریده‌اند، قرار شد، فردا من از مجلس کسی را برای تحقیق بفرستم.

آقایان خلیلی و مصطفی میرخانی از هواداران یا اعضاء جنبش مسلمانان مبارز - امت - آمدند و خیلی صحبت کردند. غرضشان این بود که به امتی‌ها اعتماد کنیم و آنها را بکار بگیریم

۱ - هلیکوپترهای شنوک تاکنون تحويل نشده است.

۲ - حزبی بود که در مقابل حزب جمهوری اسلامی توسط هواداران آقای شریعتمداری تشکیل شد. اوج فعالیت این حزب در اشغال سه روزه مرکز صداوسیما تیریر بود.

۳ - کتاب هاشمی رفسنجانی - سخنرانیهای ۱۳۶۰ - زیر نظر محسن هاشمی - دفتر نشر معارف انقلاب - ۱۳۷۷.

و پیشنهاد جلسه مشترکی با دکتر احیاب‌الله ایمان داشتند. نگران حرکت لیبرالها بودند و یا آن را بهانه‌تصمیم همکاری کرده بودند.

مهندس حسین سالاری آمد و مطالبی راجع به نواقص و کم‌کاریهای وزارت نفت داشت که قرار شد، تعقیب کنم. بعد از ظهر در بیمارستان ولی عصر - اختصاصی سپاه - از مجروحان جنگ عیادت کردم. یک‌دست از طیب و پرستار و مریض، سپاهی و بسیجی بودند. روحیه‌ها و عملکردها خیلی خوب است؛ ای کاش عملکرد همه بیمارستانها چنین بود.

سپس به منزل بچه‌های مرحوم اخوی حاج قاسم رفتم، مدت‌ها بود که فرصت رفتن به خانه آنها را نکرده بودم، بچه‌ها خیلی خوشحال شدند و نزدیک ساعت دوازده به خانه برگشتم.

شنبه ۲۲ فروردین

۶ جمادی الثانی - ۱۱ آوریل

جلسه علنی نداشتیم. ساعت نه صبح تا دوازده ونیم در کمیسیون آئین‌نامه شرکت کردم. روزه داشتم و وقت ناهار صرفه‌جوئی شد.

پاکتی آوردند که در آن یک صورت حساب جعلی به عنوان حساب من، در یکی از بانکهای اروپا بود که مبلغ کلانی موجودی نشان می‌داد. خوشبختانه من در خارج از کشور ابداً و اصلاً حساب بانکی و غیربانکی ندارم. ظاهراً این جعل، توطئه‌ای برای بدنام کردن روحانیون مسئول است. خوشبختانه جاعل، فامیل واقعی من را نمی‌دانسته و به اسم مشهور من جعل کرده است. باید تحقیق کنیم و به موقع توطئه افشا شود. راستی که ضدانقلاب چه بی وجدان و بی اخلاق است!

مصاحبه‌ای با مجله سپاه پاسداران [پیام انقلاب] درباره شخصیت شهید مطهری کردم.^۱ افطار را در مجلس بودم و شب را هم در مجلس ماندم. خسته بودم؛ زود خوابیدم تا تلافی خستگی شود.

یکشنبه ۲۳ فروردین

۷ جمادی الثانی - ۱۲ آوریل

از صبح اول وقت، سرکار بودم. ساعت ۷ صبح جلسه هیأت رئیسه و ساعت هفت ونیم

۱ - در سند جعل شده از نام علی اکبر هاشمی رفسنجانی استفاده شده بود، در حالی نام شش‌نامه‌ای ایشان میرزا این است. بر توطئه در این فروردین توسط ایشان افشا شد. ۲ - کتاب: هاشمی رفسنجانی - مصاحبه‌های ۱۳۶۰.

رئیس مجلس خواستار شناسایی جاعلان این سند شد.

رفسنجانی: من هیچوقت در خارج از کشور

حساب بانکی نداستم

وی همچنین از مردم خواست که در مقابل رویه‌های گوناگون دشمنان برای ضرب زدن به انقلاب هوشیاری خود را حفظ کنند.

خواستنه شود که به همین بانک که در لین ور قبه آن اشاره شده مراجعه و سعی کنند جاعل سند بهما شود.

این ورقه اینقدر کار می‌کردند که از شهرت « معروف » من استفاده کردند و نام و مشخصات دقیق من را نمی‌دانستند.

رئیس مجلس شورای اسلامی همچنین تاکید کرد نباید از مسئولان سفارت ایران در سوئیس

در پی انتشار سندی صهیبر داشتند حایم از سوی مجتهد الاسلام رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی در یکی از بانک‌های خارج از کشور، وی در گفت و گویی ضمن تکذیب این مقاله خواستار شناسایی عاملان جعل این سند شد.

وی گفت: قاعدتا این یک توطئه‌ای است برای همسین منظورها، اما آنچه که باید گفت این است که من بطور کلی در خارج از کشور هیچ وقت حساب بانکی نداشتن و ندارم و من در همین مساجد کوتاه اعلام می‌کنم هر جایی در هر بانکی که در خارج از کشور دارم پولش (اگر هست) بماند بملوی خود بانکها و مال خود آنها.

وی افزود: اینگونه توطئه‌ها با وجود نوبسودنش شکست خورد اما سعی این‌دفعه به این شکل درست کردند و دفعه قبل « ورقه » لیرا در این رابطه درست کرده بودند. حتی اینها در تهیه



Ziraat Bank of Iran

Account Number	Account Name	Branch	City
211-000-(24)	Mehdi Moshiri	Tehran	IRAN

KOPIE

PAYE

(Handwritten signature)

جلسه علنی داشتیم. بعد از جلسه مراجعان آمدند.

یکی از مراجعان از قضاوت آقای شیخ محمد هاشمیان در رفسنجان شکایتی داشت. از کارگران پالایشگاه تهران هم فردی آمد و از خطر توطئه گران در آنجا تذکرانی داد. بعد از ظهر، دکتر هادی آمد و خواستار جزوه محرمانه خبرگزاری پارس بود. عصر در جلسه شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی شرکت کردم. آقای بهشتی شرحی از ملاقاتشان با امام دادند و آقای خامنه‌ای هم در مجلس از ملاقات خودشان تعریف کردند. از مجموع گزارشها چنین بدست می‌آید که امام به خطر لبرالها و خط آنها در ارتش توجه کرده‌اند و به فکر چاره افتاده‌اند.

درباره انقلاب فرهنگی و سرنوشت دانشگاهها، بحث مفصلی کردیم. اطلاع یافتیم که حاج احمد آقا خمینی، مصاحبه مطبوعاتی انجام داده و برخلاف مصاحبه‌های گذشته، ایشان با خط امام نسبتاً هماهنگی نشان داده و موضع‌گیری حسین آقا اخوی زاده‌اش را محکوم کرده و توضیحی از معنای خط سوم [داده است].

شب در جلسه مشترک نمایندگان و مسئولان اجرایی حزب جمهوری اسلامی، شرکت کردم. وزیر بازرگانی - آقای کاظم پور اردبیلی - حرفهای خوبی زد. مسأله دولتی کردن بازرگانی خارجی مطرح بود. شب در خانه، یکی از کارکنان سایت بهشهر آمد و گزارشی داد.

دوشنبه ۲۴ فروردین

۸ جمادی الثانی - ۱۳ آوریل

صبح زود، خانم دکتر منصوریان - که اموال شوهرش توقیف شده و در پاریس است - آمده بود و کمک می‌خواست که مشکل رفع شود. دادگاه تجدید نظرش مانده است.

ساعت هشت صبح به مجلس رفتم. آقای محمد مهدی کرمی نماینده دشت آزادگان درباره نیازهای جنگ‌زدگان و مشکلات تذکره ایرانیان مقیم کویت مطالبی داشت. آقایان قاسمی و کریمی^۱ نمایندگان ساری و نوشهر آمدند و راجع به مشکلات منطقه مطالبی بیان داشتند که

۱ - سایت بهشهر مکاتبی بود که آمریکائی‌ها برای کنترل و حاسوسی اتحاد جماهیر شوروی در شمال ایران درست کرده بودند. پس از پیروزی انقلاب، آمریکائی‌ها فرصتی پیدا نکردند تا این سایت را به طور کامل از کار اندازند.

۲ - حجت‌الاسلام عمادالدین کریمی بیژنی‌نژاد و حجت‌الاسلام عبدالوهاب قاسمی نمایندگان مردم نوشهر و ساری در مجلس شورای اسلامی بودند. این دو عزیز در واقعه بمب‌گذاری در دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی به شهادت رسیدند و در قم مدفون شدند.

ارتباطشان را با وزیر کشاورزی برقرار کردم.

با آقای اعلیٰ قدوسی^۱ در مورد تعویض دادستان قم و پرونده (حسن) بهروزیه صحبت کردم. قرار شد آقای بهروزیه به جای اجرای حکم بازداشت، خودشان به دادستانی مراجعه کنند. ایشان متهم به تقلب‌اند و هنوز اعتبارنامه‌اش تصویب نشده است. [آقای قدوسی] گفتند، با خواست امام تصمیم گرفته‌اند دادستان قم را عوض کنند.

دو ساعت کمیسیون آئین‌نامه داشتیم. بعد از ظهر مصاحبه مطبوعاتی داشتم^۲ و سپس با نمایندگان انجمنهای اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران که طرحی برای انقلاب فرهنگی آورده بودند و به کم‌کاری ستاد انقلاب فرهنگی و برداشت ناقص آنها از انقلاب فرهنگی انتقاد داشتند، [ملاقات کردم].

چند نفر از پرسنل شهربانی آمدند و به کارهای سرهنگ وحید [دستجردی]، رئیس جدید شهربانی، معترض بودند، ولی منطقی درستی نداشتند.

اول شب، در مجلس صدای توپهای ضدهوایی بلند شد، ولی بعداً گفتند که حمله‌ای نبوده و بی‌جهت توپها را شلیک کرده‌اند.

سه شنبه ۲۵ فروردین

۹ جمادی الثانی - ۱۴ آوریل

به مجلس رفتم. جلسه علنی داشتیم و دو فوریت اصلاح قانون انتخابات؛ مرحله اول انتخاباتی که کاندیداهایش به مجلس نرسیده بودند، به خاطر اشکالات [موجود] در ادامه آن انتخابات باطل شد.

بعد از ظهر به جلسه دفتر سیاسی حزب جمهوری اسلامی رفتم. مسائل مهمی مطرح بود: موضع‌گیری در مقابل کارشکنی لیبرالها، تحلیل مصاحبه حاج احمد آقا خمینی و تغییر موضع به نفع خط امام، انتخابات و مسافرت به شرق به دعوت کره شمالی.

شب در نخست وزیری، جلسه مشورتی هفتگی با آقایان بهشتی، خامنه‌ای و باهنر داشتیم؛ در این جلسه خط کلی دولتی کردن بازرگانی خارجی و اتاق بازرگانی و استفاده از نیروهای نزدیک به خط امام مطرح شد. حکم آقای [محمد] یزدی را به عنوان نماینده ما در هیأت

بررسی اختلاف نوشتیم. خبری از پیروزی در جنگ در شوش داشتیم و موضوع کلاه برداری پنجاه و شش میلیون دلاری در رابطه با خرید اسلحه مطرح گردید که از وزارت دفاع کسب اطلاع شد، معلوم شد صحت دارد، ولی اموال شرکت کلاه بردار و همین پولها را در بانک توقیف کرده اند؛ البته به ادعای آقای اجواد افکوری وزیر دفاع. بنا شد گزارش کاملی بدهند. خبرهایی از تحرک ضدانقلاب در امور تخریبی در کردستان رسیده بود که از سرهنگ وحید دستجردی رئیس شهربانی استوال شد؛ معلوم شد گزارشها اغراق آمیز است. بیش از صد نفر از نمایندگان طی نامه‌ای، قاطعیت دستگاه قضائی در برخورد با ضدانقلاب و لیبرالها را تأیید کردند.

چهارشنبه ۲۶ فروردین

۱۰ جمادی الثانی - ۱۵ آوریل

جلسه علنی برگزار شد و مقدمات انجام کار انتخابات میان دوره‌ای، کامل گردید. تکمیل مجلس ضرورت دارد، باید وزارت کشور سرعت به خرج دهد. عده‌ای از نمایندگان استان گیلان - آقایان رضائی، یوسفی، ناصری، انصاری و فرض پور - با وقت قبلی آمدند و مطالبی [بیان] داشتند که مهمترین آنها تعدیل شیوه برخورد با ضدانقلاب از قبیل مجاهدین خلق و... و عدم سخت‌گیری نسبت به آنان، دادن امکانات بیشتر به وفاداران به جمهوری اسلامی ولی مخالفان دولت، مثل پیمانی‌ها و مخالفان در مجلس، لیبرالها و نهضت آزادی بود. خواهان تعویض مسئول سپاه، دادستان انقلاب و استاندار گیلان بودند. به آنها گفتم ضدانقلاب سیاستش این است که تشنج ایجاد کند و برخورد به وجود بیاورد، در هر مرحله به آنها امتیاز بدهیم، قدمی جلوتر می‌گذارند و برخورد به وجود می‌آورند. اقلیت اگر می‌خواهد از همه امکانات اکثریت، در ادارات و مؤسسات و امکانات تبلیغی برخوردار باشد، باید ملزم شود که از این امکانات، علیه اکثریت حاکم استفاده نکند و روش اقلیت فعلاً این است که در دستاوردهای انقلاب، خودش را شریک و سهم معرفی کند و کمبودها را به حساب اکثریت گذارد و خودش را در موضع منتقد و طلبکار معرفی کند و اقلیت می‌خواهد از امکانات اکثریت برای همین منظور استفاده کند. قرار شد بحث، بیشتر شود و حد و مرزی برای حقوق معین گردد.

طلبه‌ای اهل نیجریه که در قم تحصیل کرده و آماده برگشت به نیجریه است، آمد. پیشنهاد

کمک ایران برای تبلیغ شیعه و انقلاب ایران، در نیجریه داشت. قرار شد، با دفتر هماهنگی تبلیغات (اسلامی) ارتباط برقرار کند.

بعد جلسه هیأت رئیسه داشتیم و برنامه هفته آینده مجلس تنظیم شد. آقای مخلصی، داماد آیت الله طالقانی آمد. ایشان را وزیر صنایع از کار برکنار کرده است، قرار شد رسیدگی کنم. شب در جلسه واحد روحانیت حزب جمهوری اسلامی شرکت کردم. آقای بهشتی سخنرانی کردند و من جواب سئوالات آقایان را دادم. مخالفت روحانیون ارتجاعی با انقلاب و تحریکات در رابطه با شیعه و سنی و مخالفت آقای مفتی زاده، بررسی شد. وضعیت فرمز اعلام شد ولی زود وضعیت عادی شد و خبری نبود.

پنجشنبه ۲۷ فروردین

۱۱ جمادی الثانی - ۱۶ آوریل

ساعت هشت صبح به مجلس شورا رفتم. پس از بررسی گزارشات، آقای لطیف صفری، نماینده اسلام آباد غرب به دفترم آمد و مطالب زیادی از آنجا گفت. هدف اصلی اش گلایه از این بود که مسئولان برای کارهای منطقه از بومیان استفاده نمی کنند. این مطلب را بلوچستانی ها و بختیاری ها و... هم می گویند؛ ضدانقلاب هم روی آن کار می کند.

سپس مصاحبه ای با مجله کیهان ورزشی داشتم^۱. آنها هم احساس می کنند که جمهوری اسلامی، توجه لازم را به ورزش نکرده است. آقای محمدی خمینی، هم مباحثه ای من در قم - که قاضی بوده است و بازنشسته اش کرده اند - آمد و شکایت داشت. مرد خوبی است؛ باید به قضا برگردد.

رؤسای آموزش و پرورش همه نواحی تهران آمدند و تأکید داشتند که در تصویب لایحه بازسازی و احزاب تسریع کنیم که بتوانند در مدارس با ضدانقلاب مبارزه کنند. بعد از ظهر، مصاحبه ای با مجله راه زینب و متصدیان نمایشگاه انقلاب، به مناسبت سالروز شهادت مطهری داشتم^۲.

سپس آقای علی اسلامی (پهلوی) فرزند شاهپور علیرضا (پهلوی) همراه نماینده مینودشت آقای حسینی، آمد. در آن زمان از خانواده پهلوی بریده است. ظاهراً مسلمان خوبی شده.

حرفهایش جالب بود. مالک سه روستا در ترکمن صحرا با ششصد هکتار زمین است که به اظهار خودش و آقای حسینی، کشاورزان از او راضیند و طالبند که به محل برود. بعد از انقلاب به محل نرفته و روستائیان سهمی به او پرداخته‌اند. کمی نگران بود و می‌گفت می‌خواهم درسم را تمام کنم و با کار شخصی زندگیم را اداره کنم. تازه از پاریس برگشته. مادرش در پاریس است. اجازه می‌خواست به منطقه برود؛ گفتم مانعی ندارد.

شب در مدرسه شهید مطهری به دعوت شورای عالی تبلیغات اسلامی جلسه داشتیم. آقایان مشکینی، خامنه‌ای، مهدوی کنی، باهنر، بهشتی، معادینخواه، امامی کاشانی و حقانی حضور داشتند. برای اینکه درسهایی در توضیح معارف و مطالب مهم اسلامی با فیلم تهیه شود - که بشود همه را در اختیار علاقمندان گذاشت - موضوعهایی طرح شد و هر کسی موضوعی انتخاب کرد و من 'فلسفه تاریخ' را انتخاب کردم. اعتراضاتی به روش و کم کاری هیأت بررسی اختلافات داشتیم که به آقای مهدوی کنی اکتفا گفتیم.

جمعه ۲۸ فروردین

۱۲ جمادی الثانی - ۱۷ آوریل

صبح اول وقت، سرهنگ وحید دستجردی آمد و گزارشی از کار شهربانی و انتصابات جدید داد و من اعتراضاتی را که به ایشان می‌شود - مخصوصاً در مورد تعویض رئیس شهربانی کرج و رئیس آموزشگاه کرج و اینکه گاهی خط لیرالیم دیده می‌شود - مطرح کردم. ایشان دفاع‌هایی داشت که اکثراً قابل قبول بود. در مورد تلاش بیشتر برای تأمین امنیت تأکید کردم. ایشان خائف بود از شایعه‌ای که درباره ادغام شهربانی و ژاندارمری شنیده بود که من نشنیده بودم.

یک نفر مجروح جنگ آمد که اذان و اقامه در گوش نوزادش بخوانم و از نارضایتی در محیط شاهین دشت صحبت می‌کرد. خانمی از کارمندان ارتش آمد که شکایت از نامساعد بودن محیط اخلاقی برای کارکنان زن در اداره‌اش داشت.

احمدآقا مرعشی و بستگان دیگر آمدند و ناهار اینجا بودند و خواهان کمک دولت به پسته کاران رفسنجان بودند که به خاطر مزاحمتها و رقابت آمریکا و محاصره اقتصادی، صدور پسته کم نفع و یا بی نفع شده و از نابسامانی وضع قضائی شهر بابک، حرف می‌زدند. قدری در حیاط خانه، با بچه‌ها و پاسدارها پینگ پنگ بازی کردم. آقای محمدیان، قاضی

شرح نیشابور هم آمد و از نماینده نیشابور، شکایت داشت.

شنبه ۲۹ فروردین

۱۳ جمادی الثانی - ۱۸ آوریل

کمیسیون آئین نامه داشتیم. ظهر به دفترم رفتم. پس از نماز، نمایندگان که از طرف مجلس به شیراز رفته بودند - برای بررسی علل درگیری خوزستانی ها و شیرازی ها - آمدند و گزارشی دادند. آقای محمد انصرااللهی نماینده آبادان گزارش تحلیل گونه ای داد.

در شیراز، الوات و اعضای گروه های فاسد، با توطئه، باعث ناراحتی مردم می شوند و گروه ها را تحریک می کنند که در همین رابطه، یک مسلمان متعبد که به سوء اخلاق چند مهاجر اعتراض می کند، در درگیری شهید می شود و سپس عکس العمل مردم، منجر به زخمی و بازداشت شدن جمع زیادی از طرفین می شود. اهمال مسئولان امنیتی هم از علل توسعه درگیریها است.

از اردوگاه اجنگزدگان ادر فسا و ضعف مدیریت هم گزارشی دادند. فرار شد مصاحبه کنند. خوب عمل کرده اند. بعد از ظهر مصاحبه ای با کیهان به مناسبت سالگرد شهید مطهری داشتم^۱ و بیانیه روز ارتش را تهیه کردم.

ساعت شش بعد از ظهر آقای مهندس امهدی بازارگان آمد. درباره اختلافات جاری و مشکلات موجود و جنگ و صلح و خیلی چیزهای دیگر، یک ساعت مذاکره کردیم. به ایشان گفتم تا ما قدرت تصمیم گیری و انتصاب داشتیم، سعی کردیم، آقایان را در صحنه داشته باشیم، حتی بعد از استعفای ایشان و تجدید شورای انقلاب. ولی بعد از تشکیل مجلس، ما دیگر تصمیم گیر نبودیم و نیروهای تندتر خط امام، حاضر نبودند که محافظه کاری کنند و لیبرالها را در پستهای کلیدی بپذیرند و فعلاً تنها دوره دولت انقلابی خط امامی هاست. نهادهای انقلابی و مجلس و شورای قضائی و حزب الله حکومت لیبرالها را تحمل نمی کنند. بهتر است آقایان اگر حسن نیت دارند، دست از تضعیف بردارند و همکاری کنند.

ایشان گفتند که نهضت آزادی در صدد اسقاط دولت و تشکیل دولت نیست، ولی من گفتم آقای بنی صدر در صدد است و شما از ایشان حمایت می کنید و ایشان جوابی نداشتند که

شماره : ۹۵
تاریخ : ۱۳۲۰
پوست : شماره



جمهوری اسلامی ایران
هیئت سه نفری حل اختلاف

بسمه تعالی

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی جناب

حجه الاسلام آقای هاشمرفسنجانیزیدتوفیق‌العالی

محترماً " نامه مورخ ۱۳۶۰/۱/۲۲ در ارتباط با روزنامه

انقلاب اسلامی مورخ ۱۳۶۰/۱/۱۱ بررسی شد و چون تاریخ آن

قبل از رسمیت هیئت بوده ، نظر هیئت بر آن شد که برای

حفظ آرامش موضوع سکوت بماند . بدیهی است هیئت خود را

موظف میداند که پس از تاریخ رسمیت یافتن (۱۳۶۰/۱/۱۲)

بوظائف خود عمل نموده و درباره تغلفات اقدام جدی

معمول دارد .

شهاب‌الدین اشراقی

محمد رضا مهدوی کنی

محمد یزدی

محمد علی

۱۳۲۰

البته هیئت کم لطفی کرده زیرا اظهارات جناب بنی صدر بعد از فرمان امام بوده و نقض فرمان است
حضرت بنی صدر به روزنامه "ا" که بوده و عقرب زخم
السلامه است

بدهند.

یکشنبه ۳۰ فروردین

۱۲ جمادی الثانی - ۱۹ آوریل

ساعت هفت صبح در جلسه هیأت رئیسه شرکت کردم. هشت دقیقه دیر رسیدم و هشتاد تومان جریمه شدم. علت تأخیر این است که بچه‌ها را همراه می‌برم و به مدرسه و به محل کارشان می‌رسانم و چاره‌ای هم نیست. نمی‌شود با ماشین مستقل بروند و امنیت هم ندارند که همیشه با وسائل نقلیه عمومی بروند. بچه‌ها هم گرفتار مشکلات من شده‌اند.

بیشتر درباره کیفیت مطرح کردن شرکت در اتحادیه بین‌المجالس بحث کردیم. جلسه علنی داشتیم. در فرصت تنفس با آقای محمد یزدی، درباره کم‌کاری و ضعف عملی هیأت بررسی اختلافات بحث کردیم و اینکه وظیفه اصلی‌شان را که رسیدگی به کار روزنامه‌ها، مخصوصاً روزنامه «انقلاب اسلامی» - که به تشنج دامن می‌زند - انجام نمی‌دهند و پرونده گروگانها - که ربطی به آنها ندارد - وقتشان را می‌گیرد. ایشان تا حدودی قبول کرد و پذیرفت که اگر بخواهند به تخلفات احتمالی گذشته رسیدگی کنند، از مسائل روز غافل می‌مانند و مخالفان همین را می‌خواهند.

بعد از جلسه، دو نفر از روحانیون مازندران آمدند و شکایت روحانیت مازندران را از استاندار ابلاغ کردند. عصر، جلسه «گروه ملی» بود، حدود هشتاد نفر بودیم و انتخابات به عمل آمد و کار تمام شد و دو نفر برای شرکت در بین‌المجالس در مانیل، انتخاب شدند.

سپس، در شورای امرکزی | حزب جمهوری اسلامی شرکت کردم، بحث درباره دولتی کردن تجارت خارجی بود که فقط مهندس طاهری موافق نبود.

شب، در جلسه مشترک مسئولان اجرایی و نمایندگان حزب شرکت کردم. دستور جلسه، انتقاد از حزب و روزنامه بود که تقریباً تمام انتقادات وارد بود و همه حاکی از ضعف تشکیلات و عدم انسجام و انضباط حزبی بود. آقای بهشتی قدری دفاع کردند و من هم انتقادهای را پذیرفتم، ولی گفتم اکثریت حضار، به وظایف حزبی عمل نمی‌کنند و فقط توقعات از ما چند نفر مؤسسان حزب است.

شب، مهمان آقای لاهوتی^۱ بودیم؛ از امام و ماها شکایت داشتند که چرا در جریان حادثه کوچصفهان از ایشان حمایت نشده است. باید با ایشان صحبت و احساساتش را آرام و تنظیم کرد. بچه‌ها در بحث شرکت داشتند.

دوشنبه ۳۱ فروردین

۱۵ جمادی الثانی - ۲۰ آوریل

اول وقت به دفتر حزب جمهوری اسلامی رفتم و از کارگروه «کلید قرآن»، (فیش‌هایی که در تنظیم موضوعات قرآن در زندان تهیه کرده‌ام)^۲ بازدید کردم. آقای دعاگو نبود. به بعد موكول شد. حدود صد هزار فیش در زندان در مدت دو سال و نیم نوشته‌ام که زمینه کار بزرگ و مادرست برای کسانی که بخواهند درباره قرآن تحقیق کنند، ولی هنوز کار زیادی باید بشود. پیش از ظهر، کمیسیون آئین‌نامه داشتیم. اعزام دو نفر به بین‌المجالس در مانیل به مشکل برخورد کرده بود. آقای محمد خاتمی مایل به رفتن نبود. نفر بعدی هم انتخابش مشکل بود. بعضی‌ها آقای محمد منتظری را می‌خواستند و بعضی آقای امامی کاشانی را. جلسه سیزده نفره دوباره تشکیل شد و از آقای خاتمی خواستم بپذیرند که مشکل حل شود. خوشبختانه پذیرفتند و مشکل حل شد.

در هیأت، خاتمی را از طرف خبرگزاری پارس به عنوان خبرنگار گذاشته بودند. مخالفت شد. مناسب نمی‌دانند که یک خانم همراه گروهی مرد به سفر برود و به جای او مردی گذاشتند. عصر، گروهی روستایی از قزوین آمده بودند و از دخالت آقای صدر حاج سید جوادی^۳ در

۱ - حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ حسن لاهوتی - هم‌روز - آقای هاشمی رفسنجانی در مسجد و تکریم مسجد لاهوتی در مشهد از آقای هاشمی رفسنجانی می‌پرسد.

۲ - آقای هاشمی روحانی جهت جبران حمله پژوهش در قرآن و علوم فقهی، در آذربایجان دوره‌های آموزش در زندان در تمام پهنای (۵۴ - ۵۷) از قزوین و دست آمده ساخته نموده و یک دوره کامل قرآن را به روش پیش برده‌ای موضوع می‌کند.

۳ - پیروزی انقلاب اسلامی به علت اشتغال در مسائل و مشکلات اجرایی انقلاب، فرصت برای تکمیل و تنظیم و دست‌نویس برایش پیدا نکردند. از این رو او نامه‌ای را در آغاز به رسم آن فرستاد و گروه‌های جدیدی و کلاس‌ها خودداده در مشهد و سایر نواحی اسلام حوزة عمده فقهی و کمالی در مشهد و سایر نواحی ایجاد کرد. در این باره نیز در مشهد و سایر نواحی قرآن و تفسیر موضوعی قرآن را اجرا دادند. خود فرستاده است البته ایشان در مقدمه کتاب خود بر راجع (روشنی او در ارائه مذهب و موضوعات قرآنی) چگونگی تحریر و خروج آنها از زندان را شرح داده‌اند.

۳ - سید صدر حاج سید جوادی به ریخته مرده قزوین در دور اول مجلس شورای اسلامی و وزیر دادگستری دولت موقت.

پرونده قتل که اتفاق افتاده، شکایت داشتند.

نمایندگان گروهی از کارکنان ما کروویو مازندران که به اتهام ارتباط با ضدانقلاب منتقل شده بودند، آمدند و شکایت داشتند. با وزیر پست و تلگراف و تلفن آقای دکتر قندی صحبت کردم. قرار شد رسیدگی نمایند.

پاسداری از مجلس برای عقد ازدواجش آمد که با آقای اسدالله ایبات عقد را خواندیم. با سی هزار تومان مهریه. آقای اسیدسجاد حاجبی نماینده میانه آمد و از فعالیتهای خرابکارانه حزب خلق مسلمان در آذربایجان، شکایت داشت و چاره می جست.

آقای رجائی نخست وزیر تلفن کردند و خبر آوردن لایحه بودجه به مجلس را دادند. قرار شد هفته بعد روز سه شنبه وزرا ناهار را در مجلس صرف کنند که با نمایندگان برای کارهای شهرستانها تماس داشته باشند.

www.KetabFarsi.com

اردیبهشت ۱۳۶۰

www.KetabFarsi.com



سه شنبه ۱ اردیبهشت

۱۶ جمادی الثانی - ۲۱ آوریل

جلسه علنی داشتیم، آقای رجائی لایحه بودجه را آوردند و مطالب نسبتاً خوبی گفتند. حرکت هیأت مجلس به بین‌المجالس مانیل به اشکالاتی برخورد کرده بود که با پیگیری حل شد. با هواپیمای کوچک به دویی رفتند که از آنجا به مانیل بروند.

بعد از جلسه به دفترم آمدم. خانواده آنجا بودند. خوشحال شدم. با آنها ناهار خوردم و برای لحظاتی حالت دفتر کار، به محیط خانوادگی شبیه شده بود؛ مراجعه زیاد داشتم. آنها هم منتظر سعید بودند که آمد و آنها را برد.

آقای کیایی، مسئول پاسداران مجلس آمد. با سپاه اختلاف دارند. مجلس می‌خواهد ایشان بماند، ولی آقای جبروتی مسئول حفاظت سپاه مانیل نیست. گویا حقوقش را توقیف کرده‌اند. قرار شد صحبت کنم. ریشه همان اختلاف لیبرالیسم و خط امام است.

نمایندگان استان مازندران آمدند. آقای نوروزی، نماینده گنبد را که به خاطر تأیید شدن آقای نورمقیدی با ملاقات با امام و آقای منتظری، از مجلس استعفا داده بود، آوردند. گله داشتند که چرا مؤولان به نمایندگان توجه نمی‌کنند.

از طرف مجله آینده سازان، مصاحبه کوتاهی درباره شهید مطهری کردند. به دفتر حزب رفتم. با آقای دعاگو مقداری درباره شیوه کار گروه کلید قرآن کار کردم.

در جلسه دفتر سیاسی حزب شرکت کردم. من و آقای بهشتی تحلیلی از وضع موجود و اینکه چه باید کرد، گفتیم که ضبط شد. گروهی از خمین آمده بودند که تقاضای ابقای قاضی شرع دادگاه انقلاب خمین، آقای قوامی را داشتند. پول پاسدار شهیدی را آورده بودند که وصیت کرده بود در اختیار دولت آقای رجائی بگذارند. قرار شد وصیت نامه‌اش در نماز جمعه خوانده شود؛ جالب است.

شب در نخست وزیری جلسه داشتیم؛ آقای محمدایزدی، گزارشی از کار هیأت بررسی اختلافات دادند و معلوم شد، کمی در جهت محکوم کردن متخلفان که همان لیبرال‌ها بودند، پیشرفت کرده‌اند؛ ولی ضعیف.

شورای سرپرستی صداوسیما برای رفع اختلافات خود، آمده بودند. روح اختلاف این

است که آقای لاریجانی مدیر عامل، می‌خواهد با تیم خودش کار کند و کمتر توجه به خواست اکثریت شورا می‌کند. تا ساعت دوازده شب، مذاکره داشتیم. به نقطه حل روشنی نرسیدیم، ولی جو کمی تلطیف شد.

آقای بهشتی از حيله حقوقدانان و یک قاضی برای آزاد کردن روزنامه میزان ارگان نهضت آزادی از توقیف و شکست توطئه و تعقیب قاضی، صحبت کردند.

چهارشنبه ۲ اردیبهشت

۱۷ جمادی الثانی - ۲۲ آوریل

ساعت هشت و نیم صبح از منزل بیرون رفتم. فائزه را به کلاسش رساندم و به مجلس رفتم. گزارش‌ها را مطالعه کردم. تیمسار افضلی فرمانده نیروی دریایی تلفن کرد که کار فوری دارد. آمد ولی کار مهمی نداشت. اطلاع داد که مؤسسه فیات ایتالیا مایل است که ایران ناسیونال را که از انگلستان تغذیه می‌شود - از نظر بعضی نیازهای فنی و قطعات، با فیات تغذیه کند و همچنین کارخانه تراکتورسازی تبریز را؛ قرار شد با مسئولان صنایع صحبت کند.

از قصد و تمایل فرماندهان به حذف اداره سیاسی ایدئولوژیک ارتش صحبت می‌کرد و اینکه حکم اخیر امام، مبنی بر انتصاب آقای صفائی به ریاست این اداره، این توطئه را خنثی کرده، و صحبت از تجدید سازمان ارتش می‌کرد و اهداف انحرافی فرماندهان موجود، منجمله آقای بنی‌صدر در تضعیف عامل ایمان. مدعی بود که باید سپاه را مبنای ارتش قرار داد و ارتش را رفته رفته در سپاه منحل کرد. شاید می‌خواست مرا بیازماید. گفتم که در خود ارتش، نیروهای سالم و مجرب و مسلمان و قابل تربیت فراوان است.

کمیسیون آئین‌نامه داشتیم. ظهر کارپردازان مجلس آمدند. دکتر علی‌اکبر ولایتی از عدم رسمی شدن نیروهای اسلامی جدید، که در مجلس کار می‌کنند شکایت داشت. آقای امرتضی اکثریتی در استخدام افراد، محتاط است.

بعد از ظهر، کمیسیون طرحهای انقلاب با هیأت رئیسه، جلسه مشترک برای فعالیت کردن مجلس داشتند، ولی نه طرحی داشتند و نه برنامه، ائتلاف وقت بود.

عصر، سفیر کره شمالی آمد، دعوت نامه رئیس مجلس کره را آورد و خیلی اصرار داشت که در اماه آوریل یا می به کره بروم. قول قطعی ندادم. مشکل، عضویت آنها در جبهه شرق است؛ با توجه به سیاست نه شرقی و نه غربی ما.

سپس مسؤولان تربیت بدنی آمدند. خبر و هدف تعطیلی بعضی از قسمتهای تربیت بدنی را گفتند؛ تقویت می خواستند. مسلمانند و دلسوز، ولی لیبرالها با اینها مخالفت می کنند. خانواده شهیدی از کرمانشاه آمدند. دخترشان را به پاسداری دادند و من عقد خواندم. مردم مسلمان و انقلابی. به خاطر خستگی در جلسه شورای مرکزی حزب و جلسه روحانیت شرکت نکردم و به خانه آمدم. خانم آقای مطهری به خانه آمد. درباره مصاحبه‌ای که بنا است با جراید درباره سالگرد مرحوم شهید مطهری داشته باشد، مشورت کرد. خانواده مسلمان و جالبی‌اند. آخر شب نادر، فرزند شهید [مهدی] عراقی آمد و درباره توطئه گروهکها و برنامه مقاومت سپاه جوانان محل مطالبی داشت. پاسداری آمد و برای تهیه فیلمی مستند از جنگ سپاه کمک می خواست.

پنجشنبه ۳ اردیبهشت

۱۸ جمادی الثانی - ۲۲ آوریل

امروز هم جلسه علنی داشتیم و نسبتاً خوب گذشت. بیشتر وقت را جواب سئوالات گرفت. قانون اساسی به نمایندگان حق داده است که از وزرا سؤال کنند و وزرا را مکلف کرده است که ظرف ده روز بیایند و جواب بدهند و هر سؤال و جواب، نیم ساعت وقت دارد و نمایندگان زیاد سؤال می کنند. مخصوصاً مخالفان؛ و شاید هم از این وسیله برای مطرح کردن خویش استفاده می کنند. کثرت سئوالات، لوایح و طرحهای یک فوریتی و دوفوریتی، مانع مراعات این مهلت ده روزه و باعث اعتراض نمایندگان می شود.

امروز در جلسه، برخورد تندی با آقای عمادالدین کریمی نماینده نوشهر و آقای [علی] گلزاده غفوری^۱ داشتم. تقصیر از آنها بود ولی من نمی بایست از جا در می رفتم. خداوند به من کمک کند که بر خودم مسلط باشم و بتوانم از آنها هم عذرخواهی رسمی کنم. آقای کریمی اخطار قانونی بی موردی داد و می خواست پنجشنبه را تعطیل کند، که در این صورت از کاربرد

۱ - شهید مهدی عراقی از اعضای مؤثر هیأت‌های مؤتلفه اسلامی بود. وی در سالهای پیش از انقلاب کمکهای شایانی به نهضت اسلامی کرد و امام خمینی همواره از این شهید به نیکی یاد می کردند. شهید عراقی به همراه فرزندش حسام در سال ۵۸ به دست گروه فرقان ترور شدند و به شهادت رسیدند. کتاب لاهاشمی رفسنجانی، دوران مبارزه - جلد اول، صفحه ۱۹۹، درباره همکاریهای شهید عراقی در پیشبرد نهضت اسلامی، به ذکر مطالبی پرداخته است.

۲ - نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی که به علت غیبت بدون عذر موجه، طبق آئین نامه مجلس شورای اسلامی منعفی شناخته شد.

مجلس خیلی کاسته می‌شود. آقای غفوری شعاری صحبت کرد که من را ناراحت کرد. بعد از ظهر، جلسه هیأت رئیسه داشتیم. کارهای هفته آینده را مرتب کردیم و تصمیم گرفتیم تا مبلغ سه هزار تومان به نمایندگان بی‌بضاعت اجاره خانه پردازیم و برای تهیه منزل سازمانی برای نمایندگان تصمیم گرفتیم.

آقای امرتضی الویری خبرگیر افتادن بقایای گروه فرقان^۱ و ضارب آقای عبدالرحیم اربانی شیرازی و اعتراف آنها را داد. گروهی از دانش آموزان دبیرستان‌های دخترانه شهرستان به شهر، سیصد نفر، به مجلس آمده بودند که ناهار را در مجلس خوردند. در حیات مجلس با آنها نماز جماعت خواندم و کمی هم برایشان صحبت کردم^۲. شعارهای خوبی می‌دادند. شب خانواده اخوی مرحوم حاج قاسم مهمان ما بودند؛ حرف‌های بیهوده مطرح شد، خوشم نیامد؛ زودتر رفتم خوابیدم، چون بعد از ظهر استراحت نکرده بودم، خسته هم بودم. عفت و جمعی از خانمهای دوستش، امروز برای ملاقات خانم امام رفته بودند ولی به خاطر ازدحام زیاد مردم در کوچه و خیابانهای اطراف خانه امام نتوانسته بودند، خود را به خانه برسانند و در منزل آقای دعاگو اتراق کرده و برگشته بودند.

جمعه ۴ اردیبهشت

۱۹ جمادی الثانی - ۲۴ آوریل

ساعت هشت صبح، آقایان دکتر وحید، الشریف و مهندس حاتم‌زاده به منزل آمدند و از هر دری سخنی داشتند. از اشتباه در عدم تجویز ریاست جمهوری برای روحانیت گفتند که منجر به ریاست جمهوری بنی‌صدر گردید و فتوکی نامه‌ای را ارائه دادند که قبل از انتخابات ریاست جمهوری به امام نوشته بودند و در مورد منع انتخاب روحانیت، اعلام خطر کرده بودند. اسم من و آقای خامنه‌ای و آقای ربانی شیرازی را برای ریاست جمهوری برده بودند. نامه جالبی است. امروز اعلام خطرشان معنی و مصداق پیدا کرده است. مهندس حاتمی پیشنهاد کاندید کردن الشریف برای انتخابات میان دوره‌ای اصفهان را داد ولی الشریف و دکتر وحید موافق

۱ - گروه فرقان، تشکیلاتی به ظاهر مذهبی که توسط طلبه‌ای به نام گودرزی با دیدگاههای افراطی، اواخر دوره پهلوی شکل گرفت. افراد این گروه رفته رفته به علت برداشتهای خاص از اسلام انقلابی، شعار اسلام منهای روحانیت را مطرح کردند و در این زمینه اقدام به ترور علمای بزرگی همچون آقایان استاد مرتضی مطهری، دکتر محمد مفتاح و هاشمی رفسنجانی نمودند که ترور آقای هاشمی توسط این گروه نافرجام بود. در سال ۱۵۹۱ اکثر اعضای این گروه دستگیر شدند و تشکیلات آن از میان رفت.

۲ - کتاب هاشمی رفسنجانی - سخنرانیهای ۱۳۶۰.

نبودند.

آقای دکتر وحید، متأسفانه مریض و افسرده است. گویا هنگام شروع جنگ عراق و ایران در عربستان سعودی بوده و رگبار تبلیغات آنجا ایشان را دچار مرض افسردگی کرده است. درباره جذب آقای ربانی شیرازی اصرار داشتند و می‌گفتند دکتر مظفر ابقاشی بازنشسته سیاسی شده و به درد نسل امروز نمی‌خورد. الشریف و حاتمی از حزب زحمتکشان هستند.

آقای محمدزاده اهوازی آمد. راجع به تولید فیلمی برای زنده نگه داشتن جنایات شاه از زندگی او و خانواده‌اش و اصلاح دادگاه‌های انقلاب و جذب روحانیون مخالف، پیشنهادهایی داشت. نگران از نارضایتی روحانیون است.

ظهر را برای تفریح بچه‌ها به باغ ایروانی در کرج که در اختیار سپاه است، رفتیم. اردوی دخترانه مدرسه خسروی هم آنجا بودند، نماز جماعتی با آنها خواندیم و ممنون شدند. ظاهراً مذهبی و انقلابی‌اند.

عصر سری به هلیجرد زدیم^۱. هشت سال قبل، شرکت دژساز که من هم چند سهم در آن دارم، آنجا را خرید، ولی کاری نشده و تقریباً درختهای موجودش هم خشک شده، با اینکه خیلی خرج شده. سپس به باغ اردوی رفاه رفتیم. نسبتاً مرتب بود و بچه‌ها در استخر شنا کردند و جای را مهمان باغبانان بودیم. سرشب به خانه آمدیم.

شنبه ۵ اردیبهشت

۲۰ جمادی الثانی - ۲۵ آوریل

اول وقت به مجلس رفتیم. فرماندار و فرمانده سپاه پاسداران ارومیه آمدند و از وضع آنجا و درگیری استاندار با آقایان حسنی و ذکیانی گفتند و چون در این مورد، در شورای تأمین بحث است، پیشنهاداتی داشتند.

جلسه آئین‌نامه داشتیم. حق استعفای نمایندگان را مشروط به تصویب مجلس کردیم. آقایان مهندس مهدی بازارگان، دکتر کاظم اسامی و اعلی‌الگلزاده غفوری ناراحت شدند، زیرا این قانون جلوی کارشکنیهای اقلیت را تا حدودی می‌گیرد^۲.

۱ - هلیجرد زمینی است در حدود ۴۰۰ هکتار که در ابتدای انقلاب کرج، فرویز واقع شده. بحث مهمی از این زمین، بعدها به بهشت سکینه و انجمن خیریه معنولین کهریزک، جهت فعالیتهای عام المنفعه واگذار شد.

۲ - آن روزها، افرادی از نمایندگان مخالف، برای استفاده از تریبون بخش مستقیم مجلس، از طریق استعفاء موج تبلیغات منفی

بعدازظهر کاردار سفارت انگلستان به دیدنم آمد. خواهان توسعه روابط بود، مترجم خوبی نداشتیم و خیلی حرف زده نشد.

آقای سیدعیسی طباطبائی از لبنان آمد و از اختلافات خود با آقای سید صادق موسوی شیرازی و عدم امکان همکاری صحبت داشت و از مشکلات زندگیشان در لبنان.

سپس آقای حسام الدین امامی مفسر مطبوعات آمد و از کم کاری و بی خطی کیهان و اطلاعات و ضعف تبلیغات شکایت کرد و پیشنهادهای مفیدی داشت.

با مهندس بازرگان قرار داشتیم، ولی به خاطر مراجعات زیاد انجام نشد. ایشان آمدند ولی فرصت کافی نبود. شب در منزل آقای ناطق نوری مهمان بودیم. رفقای معمم، آقایان بهشتی، باهنر، خامنه‌ای، [عبدالمجید] معادیخواه، صفائی، حمیدزاده، حقانی و... بودند و درباره روحانیت مبارز و شاخه روحانیت حزب و مناظره پیشنهادی آقای بنی صدر، مشورتهایی شد و تصمیماتی اتخاذ شد.

یکشنبه ۶ اردیبهشت

۲۱ جمادی الثانی - ۲۶ آوریل

اول وقت جلسه هیأت رئیسه داشتیم و سپس جلسه علنی. در جلسه علنی تأسیس وزارت معادن و فلزات تصویب شد.

ظهر معلولان بیمارستان قدس آمدند و از کیفیت اداره دکتر شیبانی و خانم مفیدی شکایت داشتند. بعدازظهر آقایان مهاجری و آقازاده آمدند و درباره فعال کردن فراکسیون حزب جمهوری مجلس شورای اسلامی مطالبی بحث شد و تصمیماتی اتخاذ شد. سپس به جلسه شورای مرکزی حزب رفتیم. شب در جلسه مشترک مسئولان اجرایی و نمایندگان مجلس حزب شرکت کردم. مقداری از وقت در انتقاد از حزب و روزنامه جمهوری اسلامی گذشت.

آقای آیت به خط روزنامه اعتراض داشت، آقای امیرحسین موسوی دفاع کرد. آقای دکتر [حسن] عباسپور نکاتی از لایحه بودجه را توضیح داد و نمایندگان را توجیه کرد.

شب با [فرزندم] محسن، در بلژیک تلفنی صحبت کردم. حالش خوب بود. کتاب و پوستر و نوار می خواست. محسن به خاطر عدم امنیت بعد از ترور من توسط فرقان و تهدید شدن او در

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

علیه خط امام راه می انداختند.

محیط تحصیل و عدم تمایلیش در به همراه داشتن محافظ، برای ادامه تحصیل به خارج رفت. در شیراز در کنکور پذیرفته شده بود و مشغول تحصیل بود. اکنون تمایلی به زندگی در غرب ندارد و به انقلاب اسلامی سخت وفادار است و در آنجا با گروهی از دوستانش به نفع جمهوری اسلامی فعالیت دارد.

دوشنبه ۷ اردیبهشت

۲۲ جمادی الثانی - ۲۷ آوریل

اول وقت آقای محمد درویش با آقای باقری، دامادش به منزل آمدند. درویش عازم جزیره کیش برای کاری بود. آقای باقری که در (واحد) سیاسی ایدئولوژی دانشکده افسری است، از محیط اسلامی و حزب اللیبی دانشکده و سرهنگ نامجو^۱ راضی است. بعد از انقلاب، دو دوره دانشجوی گرفته‌اند که مسلمان و انقلابی‌اند، و گفت سال سوم که از دانشجویان قبل از پیروزی انقلابند، خیلی جالب نیستند و این روزها کارشان تمام است و به جبهه خواهند رفت. امیدوار بود که پس از گزینش امسال، محیط دانشکده یکپارچه اسلامی و انقلابی شود.

به زیارت امام رفتم. با امام درباره مسافرت به کره شمالی و مناظره با گروهها در تلویزیون مشورت کردم. امام موافق با هر دو بودند؛ ولی از اینکه خود ماها با آنها در تلویزیون ظاهر شویم، راضی نبودند و نظرشان این بود که افرادی غیر معمم و نه خیلی مشهور شرکت کنند. گزارشی داشتند که سفارت شوروی مورد تهدید گروهکیاست. سفارش کردند که مواظبت شود، حادثه آفرینی نشود. در مورد ادعاهای شرکتیهای امریکائی نسبت به ایران فرمودند: زیر بار زور نرویم و مشروعیت حقوق ادعایی غیر حق را نپذیریم. قرار شد پیامی برای سالگرد شهادت مرحوم مطهری بدهند.

پیش از ظهر، جلسه کمیسیون آئین نامه داشتیم. بعد از ظهر در جلسه پاسداران محافظ مجلس شرکت کردم و به سئوالشان پاسخ دادم.

مصاحبه‌ای با روزنامه اطلاعات به مناسبت سالگرد شهادت آقای مطهری داشتم^۲. درباره کیفیت فیلم برداری جلسات مجلس و پخش آن، مذاکراتی داشتیم.

۱ - سرهنگ موسی نامجو رئیس دانشکده افسری که بعدها به عنوان نماینده امام در شورای عالی دفاع منصوب شد، در سقوط هواپیمای سی - ۱۳۰ ارتش جمهوری اسلامی به همراه سرتیپ و لاجر، سرهنگ و کوری و برادر پاسدار کلاهدور، به وسیله شهادت یافتند.
۲ - کتاب هاشمی رفسنجانی - معجزه ۱۳۶۰.



مرتضی مطهری - هاشم صباغیان - مهدی بازرگان - هاشمی رفسنجانی - بنی‌الله سجادی

مهندس بازرگان آمد و بحث مفصلی در مورد موضع گیری های نهضت آزادی در مقابل دولت، قانون و اوضاع جاری کشور داشتیم. از اینکه برخلاف عقیده خودشان با بنی صدر، علیه رجایی همکاری دارند، جواب درستی نداشت و از اینکه دولت از نیروهای آنها استفاده نمی کند، گله داشت. این را به عنوان انحصار طلبی حزب جمهوری اسلامی مطرح می کرد که جواب کافی شنید. بحث به وقت دیگری موکول شد. مجاهدین خلق در تهران آشوب به پا کردند و جمعی از آنها دستگیر شدند.

سه شنبه ۸ اردیبهشت

۲۳ جمادی الثانی - ۲۸ آوریل

در منزل، نامه های مردم را خواندم و سپس به مجلس رفتم. جلسه علنی داشتیم. در سخنرانیهای قبل از دستور آقای محمدعلی اهادی [نجف آبادی]، از [فخرالدین] حجازی، اسیدعلی اکبرپوروش و اهرآچ اخاچاطوریان به خاطر عدم مراعات مصالح سیاست خارجی در نطقهای قبل از دستور، انتقاد کرد و آقای حجازی جواب گفت و جو مجلس کمی متشنج شد.

سپس آقای محمد منتظری از فتنه مجاهدین خلق یاد کرد و آیات محارب را بر آنها تطبیق کرد و تقاضای شدت عمل نمود و در مورد محاکمه امیران نظام بحث و اخطار کرد که مبادا مامحه شود. سندی را خواند که عباس امیران نظام روزهای اول پیروزی به دستور آقای بازرگان، نخست وزیر، راه را برای فرار خارجیان و اخراج ثروتها و اسناد بازگذاشته^۱ و متهم به

۱- حجت الاسلام محمد منتظری در این نطق خود، درخواست کرده بود که محاکمه آقای امیر نظام کافر نیست و باید بفره عدای دولت موقت نیز محاکمه شود. روز در جلسه محاکمه به عنوان مذاکره حضور داشت. حجت الاسلام محمد منتظری در حقه انحصار دفتر حزب جمهوری اسلامی به شهادت رسید.

۲- این سند به این شرح خوانده شد: تیمسار پیروزی مدیرکل هواپیمائی کشوری - جناب آقای نخست وزیر در مقابل مقامهای سفارت انگلستان و سفارت آمریکا در ایران موافقت فرموده اند که برای خروج اتباع خود و سایر کشورهای خارجی توسط هواپیمائی نظامی و کشوری دولت مزبور هر چه رودتر اقدام نمایند. لازم است برای انجام هر چه بهتر این کار به مسئولین مربوطه دستور داده شود که در این دره کمکهای لازم را با توجه به شرایط زیر برای این گونه پروازها در اختیار مأمورین انگلیسی و آمریکایی بگذارند: ۱- عبور از کلیه راههای ورودی و دره های فرودگاه محرز باشد. ۲- تأمین مأمور کافر برای انجام مسافرت یک، هزار نفر مسافر در روز. ۳- فراهم کردن تجهیزات لازم برای حمل اشیاء مسافران این پروازها از در پایبوت دولتی. ۴- کمک به تنظیم برنامه پروازها و اطمینان دادن به مأموران سفارت که تمام هواپیمائها بر طبق برنامه سفارت انگلستان و سفارت آمریکا اجازه پرواز خواهد داشت. به نمایندگان سفارتخانه مزبور اطلاع داده شده است که برای انجام این منظور با شعا تماس گرفته و مذاکره نماید. معاون نخست وزیر عباس امیران نظام.



صحنه ای از تشنج مجلس

خیانت عظمایشان کرد. گفت: امهدی بازارگان، هاشم اصباغیان و دکتر ابراهیم ایزدی هم باید محاکمه شوند. از خیانت فریور معاون تسلیحاتی وزارت دفاع گفت، حیدری پاکسازی شده را به عنوان مسئول به خطر افتادن پنجاه و شش میلیون دلار که در خرید اسلحه کلاه سرش رفته افشا کرد. از اینکه بعضی فرماندهان ارتش، می‌خواهند پاکسازی شده‌ها را برگردانند، انتقاد کرد.

مهندس بازارگان، خواست دفاع کند؛ اجازه دادم ولی برخوردارند آقای معین فر با آقای قاسمی و فحاشی معین فر جلسه را متشنج کرد^۱ و اکثر نمایندگان به عنوان اعتراض جلسه را ترک کردند و من برای خواباندن فتنه، تنفس دادم و درگیریهای زیادی در حال تنفس روی داد. آقای حسینی نماینده نائین بیهوش شد، بعد از آرامش، جلسه برقرار شد و خوب پیش رفت؛ بحمدالله.

ظهر وزرا مهمان مجلس بودند که با نمایندگان تماس داشته باشند و نمایندگان کارهایشان را انجام دهند.

عصر در جلسه دفتر سیاسی حزب جمهوری اسلامی شرکت کردم و درباره فتنه مجاهدین خلق و کیفیت مقابله با آنها مذاکره شد و تصمیماتی گرفتیم؛ مخصوصاً در تقویت تبلیغات که نقطه ضعف ما است.

شب در نخست وزیری با آقایان بهشتی، رجائی، ابهزادانبوی و اخوی محمد، جلسه مشورتی داشتیم و تصمیماتی در همین زمینه گرفتیم.

خبر شهادت خلبان شیروودی در غرب ما را داغدار کرد^۲. خلبان شجاع، مکتبی و مهمی بود. شب که به خانه آمدم خیلی خسته بودم. عنت از اینکه باز در گفته‌های امام^۳ ستایش از بنی صدر

۱ - هنگامی که سعادت الاسلام محمد متطری گفت: در دادگاه فقط امیر نظام است که باید محاکمه شود افراد دیگری نیز در این کشور باید محاکمه شوند (احداثت نمایندگان) از قبیل... در این هنگام مجلس به شدت متشنج شد و سخنان شدیدی بین بعضی از نمایندگان رد و بدل شد، در این حالت عده‌ای از نمایندگان در اعتراض به حرف معین فر جلسه را ترک کردند که آقای هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس گفتند: آقایان تلافی به جلسه برگردید، جلسه را ترک نکنید، ایشان توییح خواهند شد.

۲ - ستوان یکم خلدان علی اکبر فرزان شیروودی در آخرین مأموریت جهادی خود در باامداد روز هشتم اردیبهشت ۶۰ در سرپل ذهاب به شهادت رسید.

۳ - امام خمینی در دیدار با انجمنهای اسلامی درباره بنی صدر فرمودند: رئیس جمهور یک شخصی است پس بنی صدر همدانی، یک ملا، همدان، حال هم که هست از آن بال و کوبان داره است و از خود مرده است. (مجموعه نور، جلد هشتم، صفحه ۱۳۸۹، روزان مدارک فرهنگی و انقلاب اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۳)

شده، ناراحت بود و می‌گفت خانم شهید مطهری هم ناراحت است، ولی من توضیح دادم که ستایش مهمی نبوده. ولی نظری هم این است که همین مقدار هم در این شرایط زیاد است. کاملاً روشن شده بنی‌صدر در کنار ضدانقلاب است. حاضر نیست منافقتی را که می‌خواهند جنگ داخلی را شروع کنند، محکوم نماید. با اینکه امام از او خواسته‌اند. ولی امام با توجه به مصالح کلی انقلاب، حرکت می‌فرمایند.

چهارشنبه ۹ اردیبهشت

۲۴ جمادی الثانی - ۲۹ آوریل

اول وقت، خاطرات روز قبل را نوشتم. آقای مهدی رهنما آمد. از اینکه آقای فدوسی در اثر فشار مخالفانش و پرونده‌ای که برایش ساخته‌اند، عذر ایشان را از کار در دادستانی انقلاب خواسته بودند، گله داشت. خدمات خود را در رابطه با کشف خلافهای شرکتهای نفتی توضیح داد.

حاج احمد آقاخیمینی تلفن کرد و خواست که کاری برای آقای محمود بروجردی که اخیراً از معاونت پارلمانی وزارت خارجه کناره رفت، در نظر گرفته شود و نیز برای آقای اعلی اکبر محتشمی؛ توصیه داشت که با آقایان علما، رابطه بهتری برقرار شود. پیش از ظهر جلسه کمیسیون آئین‌نامه داشتیم و بعد از ظهر جلسه هیأت رئیسه. در هیأت رئیسه اطلاع شعبه سی و پنج دادرسی در مورد شکایت و اعلام جرم آقای بنی‌صدر علیه آقای رجائی و بهزاد نبوی در مورد حل قضیه گروگانها مطرح شد، چون اطلاع مجلس در مورد جرائم عادی رئیس جمهور و وزرا لازم است، نه جرائم سیاسی و تردید پیش آمد که این گونه موارد را مجلس رسیدگی می‌کند یا دادگستری؛ قرار شد از شورای نگهبان توضیح خواسته شود، سپس اگر لازم بود به اطلاع مجلس برسد.

نامه آقای ابهزاد نبوی مطرح شد که تقاضای جلسه غیر علنی رسمی مجلس برای توضیح درباره گروگانها داشت. در دستور هفته آینده گذاشتیم.

با استناداری کرمانشاه درباره خبر حمله لشکر هفت زرهی عراق به نیروهای ما در بازی دراز صحبت کردم. به حمدالله دفاع نیروهای ما قوی بوده ولی فشار دشمن هم زیاد است.

پنجشنبه ۱۰ اردیبهشت

۲۵ جمادی الثانی - ۲۰ آوریل

جلسه علنی مجلس داشتیم. نطقهای پیش از دستور خوب بود و اکثراً علیه فتنه مجاهدین خلق و من هم مشروحاً درباره شهادت خلبان شیروودی، روزکارگر، فتنه مجاهدین و تعویق انتخابات میان دوره‌ای صحبت کردم^۱.

از آقای وزیر کشور خواستم که بیاید توضیح دهد. آقای مهدوی‌کنی آخر وقت آمدند و توضیح دادند و در مجموع روشن شد که آقای بنی‌صدر مخالف انجام انتخابات است، ولی بهانه همه جا در یک روز را مطرح کرده که به هدف خودش برسد. تذکرگروه لیب‌الهای مجلس به وزیر کشور در همین خصوص که تابع سیاست بنی‌صدر است، نیز خنثی شد. آقای بنی‌صدر، برخلاف دستور قانون اساسی، هنوز مصوبه مجلس را بعد از بیست روز امضاء و ابلاغ نکرده است.

آقایان مهندس بازرگان، یزدی و صباغیان از اهانتی که به آنها شده بود، طبق ماده شصت و شش آئین نامه هر یک به مدت یک ربع ساعت دفاع کردند، ولی مطلب مهمی نداشتند. بعد از ظهر فرماندار خرم‌آباد آمد. شکایت از فشار حزب‌اللهی‌های استان داشت. استعفا داده و معتقد بود، آنها بد عمل می‌کنند، مدعی بود عده زیادی از مسئولان استعفا داده‌اند. آقای صاحب‌الزمانی، خبر تصادف شدید آقای حسین نوری امام جمعه همدان را داد و برای انتقال ایشان به تهران هلیکوپتر خواست.

مصاحبه‌ای با رادیو و تلویزیون به مناسبت سالگرد شهادت استاد مطهری داشتم^۲. آقایان سید صادق موسوی و بادامچی آمدند. آقای موسوی امتیاز و تأیید بیشتر در لبنان خواست و من شروط به اتفاق همه جناحهای موجود کردم.

شب در مدرسه سپهسالار، جلسه‌ای برای تبیین و تدریس معارف اسلامی داشتیم. آقایان اموسوی اردبیلی، امامی، حقانی، خامنه‌ای و عبدالمجید معادیخواه بودند. آقای موسوی اردبیلی وضع کلی پرونده چهارده اسفند دانشگاه را توضیح داد. ادله برای محکومیت سیاسی و جنائی آقای بنی‌صدر در مورد گارد و فساد دفتر رئیس جمهور و کتک زدن مردم در دانشگاه کافی است. ولی هنوز ملاحظات سیاسی مانع اقدام است و پرونده نواقصی دارد و

۱ - کتاب هاشمی رفسنجانی - نطقهای پیش از دستور - زیر نظر محسن هاشمی - دفتر نشر معارف انقلاب - ۱۳۷۷.

۲ - کتاب هاشمی رفسنجانی - مصاحبه‌های ۱۳۶۰.



عبادت از معلولان جنگ

قضات لیبرالی در جریان کارند که سنگ اندازی می کنند.

معلوم شد که آقای بنی صدر هم، اعلام جرمی علیه آقای رضا صدر در زمان وزارت دارد. عفت و خانواده شهید مطهری، امروز به قم برای مراسم سالگرد شهادت رفته بودند. آخر شب برگشت. خیلی خسته و عصبی بود.

جمعه ۱۱ اردیبهشت

۲۶ جمادی الثانی - ۱ ص

صبح زود از دفتر امام تلفن زدند. آقای صانعی اطلاع داد که دیشب در پادگان حشمتیه تیراندازی بوده و اکنون پادگان در محاصره سپاه و کمیته است. با سپاه تماس گرفتم، معلوم شد حقیقت دارد. هنوز حقیقت ماجرا معلوم نیست، قرار شد تحقیق کنند و اطلاع دهند.

از ستاد ارتش پرسیدم گفتند مهم نیست. دیشب ناشناسی به داخل پادگان تیراندازی کرده و از داخل جواب داده اند. کمیته و سپاه خیال کرده اند که در داخل خبری است، پادگان را محاصره کرده اند. صبح که روشن شده رفع محاصره گردیده است.

ولی آقای (محسن) رضائی مسئول اطلاعات سپاه قضیه را ریشه دار می داند و بنا است، بعد از رسیدگی گزارش نمایند.

برای عبادت معلولان جنگ و انقلاب از خانه بیرون رفتم. خانه محوی فراری (پسر خاله شاه) را که منزل بسیار بزرگ و مجللی است، مرکز جاتیازان معلول کرده اند. شصت نفر بودند که تقریباً همگی قطع نخاع داشتند و از کمر یا گردن به پائین فلج بودند. خانم (فاطمه) اکروی از طرف بنیاد شهید آنجا را اداره می کند. خوب اداره می شود و راضی بودند.

نماز را با آنها به جماعت خواندیم. روی صندلیهای چرخدار در جماعت حاضر شدند و ناهار را با آنها خوردیم. چلو کباب داشتند.

عصر و شب به عروسی دختر آقای مهدوی کنی وزیر کشور دعوت داشتیم. عفت همراه سعید، فاطمی، خانم مفتاح، خانم باهر، خانم معادینخواه و دختر امام رفتند. ولی من وقتی که آماده رفتن شدم، فائزه و حمید آمدند، لذا ترفتم. تمایلی هم نداشتم که در زمان جنگ، در این گونه برنامه ها شرکت کنم. احمد آقا خمینی هم قرار بود اول شب به منزل ما بیاید، انصرافش را اطلاع داد.

شنبه ۱۲ اردیبهشت

۲۷ جمادی الثانی - ۲ می

اول وقت خانم افشار آمد. دو سردخانه او مشمول بند «ج» شده و دولت تصرف کرده است، چون بدهی بانکی آن بیش از حد مجاز است. در رژیم قبل دوست نزدیک مقدم رئیس ساواک بوده و گویا یک بار با وساطت آقای موحدی رئیس بانک پارس، برای نجات من از زندان کمک کرده و اکنون از من توقع کمک دارد؛ ولی اصولاً کاری برخلاف مقررات نمی‌کنم.

سپس به مجلس رفتم، آقای جلیلی از کرمانشاه آمد و به اینکه علمای آنجا می‌خواهند مدرسه علمیة جدیدی بسازند، معترض بود و می‌گفت چرا از مدرسه بروجردی که در اختیار ایشان است، استفاده نمی‌کنند؟

کمیسیون آئین نامه داشتیم. ظهر آقای نصراللهی نماینده آبادان آمد و از کمیبود آمبولانس و موتور سیکلت در جبهه آبادان برای سپاه گفت. با آقای رفیق دوست صحبت کردم، قرار شد تأمین شود.

آقای خواجهی آمد. خواهان افراد بیشتری برای مشاورت حقوقی بود؛ ولی تاکنون کار مؤثری نکرده‌اند. انتظار این است که اقدامات وسیع و سریعی در اصلاح قوانین گذشته بشود. بعد از ظهر از انجمن اسلامی هلیکوپتر سازی آمدند و صحبت از برنامه‌ای می‌کردند که بنا است هیأت مدیره‌ای از غیر مکتبی‌ها، شرکت عظیم و کارهای فنی هوایمانی را اداره کنند و از نماینده‌ای که از طرف کمیسیون دفاع مأمور تحقیق است، گله داشتند.

آقای صادق طباطبائی آمد و از انتقاد آقای محمد منتظری در مجلس از ایشان گله داشت و جوابهایی هم می‌داد؛ ایشان در رأس شرکتی واسطه خرید اسلحه برای ارتش است. از اینکه آقای رجائی و آقای خامنه‌ای در شورای دفاع گفته‌اند ایشان در اروپا سکرتر ایتالیائی استخدام کرده، گله داشت و می‌گفت صحت ندارد. اطلاعاتی در مورد ۵۶ میلیون دلار فریب خوردن در خرید اسلحه داد.

آقای صدری افشار همراه حمید مرعشی آمد. از اینکه ستاد انقلاب فرهنگی و دکتر عارفی از ایشان و امثال ایشان در امر ترجمه استفاده نمی‌کنند، گله داشت. گویا ایشان متهم به توده‌ای بودن شده است و رفقای دیگرش را نیز برای این کار معرفی می‌کرد.

آقای مهندس بازرگان آمد و از انحصار طلبی جریان حاکم (حرف غلط همیشگی مخالفان)

صحبت داشت و از من می پرسید، از ما چه می خواهید؟ و من گفتم کار شگنی نکنید، کافی است. سه جلسه طولانی با ایشان صحبت کرده ام؛ چیز مهمی بدست نیامده. سفیر فلسطین آمد و در مورد هجوم اسرائیل و کتاب اعلام خطر می کرد و کمک سیاسی می خواست و از اینکه به خاطر جنگ نمی گذاریم داوطلبان به فلسطین بروند، بی گله نبود. سفیر لیبی آمد، از نتایج سفر قذافی به مسکو گفت و خواهان همکاری بیشتر بود و هواپیمای ۱۳۰-۵ می خواست و از ابقای ایاذ ثابت صحبت می کرد، که قرار است اخراج شود.

یکشنبه ۱۳ اردیبهشت

۲۸ جمادی الثانی - ۲ می

ساعت هفت صبح جلسه هیأت رئیسه داشتیم. در آن جلسه سخنرانی پربروز حسین آقا خمینی^۱ در مشهد مطرح شد و اینکه به همه مطبوعات اطلاع داده شده که حرفهای او را نویسند.

جلسه علنی امروز کاری از پیش نبرد. لایحه عدم اجرای حکم تخلیه مساکن مسنأجره، تصویب نشد. اشکال شرعی به نظر می رسد. مجلس نشان داد، مواردی که پای احکام شرعی در میان باشد سخت و انعطاف ناپذیر است.

لایحه ملی کردن اموال خانواده پهلوی هم به مانع برخورد. چون احتمال اینکه ملی کردن در بعضی از کشورها مستلزم مطالبه غرامت شود به میان آمد و کمیسیون و دولت و موافقان نتوانستند.

ظهر احمد آقا خمینی و آقای صانعی ناهار را مهمان من بودند. در مورد حسین آقا و صحبت های مشهد بحث شد باید به هر نحو که شده سعی کنیم که محفوظ بماند. برخورد را صلاح ندانستیم و راه ارشاد را پیشنهاد کردیم و از اداره تلویزیون، سخت گله داشتند.

امام جمعه شاهین شهر و استاندار اصفهان آمدند و از مشکلات شاهین شهر و فولاد شهر که جدید الاحداثند و مردم متفرقه را در خود جای داده اند، می گفتند و راه حل می خواستند. قرار شد کمک کنیم.

سروان شریف النسب آمد. او توصیه می کرد که تیمسار ظهیرنژاد را جذب کنیم، زیرا آدم

۱ - حاجت الاسلام حیر حمیدی فرزند شهید معظّم خمینی، نوه امام خمینی می باشد.

سالمی است و نگذاریم بنی صدر ایشان را جذب کند. عصر در شورای مرکزی حزب جمهوری شرکت کردم. بحث روی شرکت در مناظره تلویزیونی متمرکز بود. اکثریت می گفتند، شرکت نکنیم به خاطر حضور حزب توده و فدائیان و چون جناح لیبرال نمی آیند. تقصیر از آنها است و حربه از دستشان گرفته می شود. آقای بهشتی طرفدار شرکت بودند و خودشان هم آماده شرکت در بحث. چون امام ترجیح می دهند که خود ماها نباشیم، این هم مانعی به حساب می آید.

شب در جلسه مشترک نمایندگان مجلس و مسئولان اجرایی حزب شرکت کردم. میزگردی درباره بودجه بود. سپس تحلیلی درباره وضع موجود به استناد نتایج سنجش افکار اداره آمار کردم. موقعیت خوب خط امام و نقاط ضعف و قوت را توضیح دادم. این آمار، خط امام را محبوبترین می داند.

دوشنبه ۱۴ اردیبهشت

۲۹ جمادی الثانی - ۲ می

خاطرات دیروز را و پیامی هم برای سمنار بزرگداشت شهید مطهری در دانشگاه نوشتم. آقای ابوالفضل رهنما نماینده دادستان انقلاب در وزارت نفت آمد و مطالبی درباره کمبودهای وزارت داشت.

ساعت هشت صبح به مجلس رفتم. آقای احمد توکلی مشورتی با من داشت، در خصوص کسالت مفاصل و اینکه کار زیاد ایشان را از پای درمی آورد که می خواهد از سمتهای اضافی مثل منشی گری و عضویت در شورای سرپرستی صداوسیما استعفا بدهد. قرار شد رفته رفته تخفیف بدهد.

با آقای دکتر ولایتی در خصوص جواب نامه شعبه ۳۵ بازپرسی دادگستری مشورت شد. شعبه طی نامه ای جریان پرونده شکایت آقای بنی صدر از آقایان رجائی و نبوی و اعلام جرم علیه آنها در مورد گروگانها را اطلاع داده است.

آقای بهرامی ساوجی آمد که با آقای باهنر اوزیر آموزش و پرورش در مورد اصلاح پرونده ایشان که مشمول پاکسازی شده، صحبت کنم. به نظر می رسد به ایشان ظلم شده و به خاطر مطالب بی اهمیتی پاکسازی شده است و لابد خیلی های دیگر هم چنین وضعی دارند که ما نمی دانیم.

سپس به کمیسیون آئین نامه رفتم. بحث کمیسیونها بود. آقای اغلامحسین اکریاسچی از صداوسیما آمد و نگران وضع آنجا بود. حق هم دارد. گفت مسئولان جدید خوب عمل نمی کنند.

بعد از ظهر مصاحبه مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی داشتم^۱. رد شدن لایحه «متوقف ماندن حکم دادگاهها در مورد تخلیه محلیهای مسکونی استیجاری در مجلس» سوالات و اعتراضات زیادی به دنبال داشته و در جهت منافع مستکبران تلقی شده است.

آقای طلاچیان آمد و نگران ابهام وضع در صورت خلأ رهبری امام بود و پیشنهادهائی ارائه داد. راستی مطلب هم مهم است.

با سفیر کره جنوبی ملاقاتی داشتم و دعوت نامه رئیس مجلس کره را برای بازدید از کره جنوبی آورده بود. برای اینکه از کره شمالی عقب نمانند.

عصر در جلسه واحد دانشجویی حزب جمهوری اسلامی درباره دو سال بعد از پیروزی سخنرانی داشتم و جواب سوالات ایشان را دادم^۲.

سه شنبه ۱۵ اردیبهشت

۳۰ جمادی الثانی - ۵ می

اول وقت آقایان ضیائی و دکتر فاضلی که هر دو پیشنهادند آمدند. یکی می خواست که رفع توقیف از اموال توقیف شده پولداری شود و دیگری می خواست که زمینهای مصادره شده دیگری، بین مردم تقسیم شود!

جلسه علنی داشتیم و طرح بنیاد جنگ زدگان مطرح بود؛ ناتمام ماند و به جلسه بعد موکول شد. فوریتیها مشککش این است که در جلسه علنی، پیشنهاد جدید پذیرفته می شود. پیشنهادها زیاد می شود و وقتگیر.

بعد از ظهر، فرمانده هوانیروز و جمعی از افسران مکتبی آمدند و از مکتب زدایی درون ارتش نگران بودند. راه علاج را مکتبی بودن فرماندهان تا سطح تیپ می دانستند. چون آقای بنی صدر جانشین فرماندهی کل قوا است اینگونه مراجعات به ما زیاد است.

عصر در دفتر سیاسی حزب جمهوری شرکت نکردم تا کارهای عقب مانده را انجام دهم و

۱. کتاب هاشمی رفسنجانی، مصاحبه های ۱۳۶۰.

۲. کتاب هاشمی رفسنجانی، سخنرانیهای ۱۳۶۰.

آیت الله سید محمد حسین یوسفی آیت الله اکبر خاظمی رؤسجامی . آیت الله سید علی خامنه ای



گزارشها را بخوانم. قسمتی از پرونده دوره مبارزه ام را از ساواک شاه آورده بودند، خواندم. جالب است. نکات مهم تاریخی دارد^۱.

نماینده حزب جمهوری اسلامی بنگلادش آمد و خواهان کمک برای تبلیغات اسلامی و پذیرش طلبه از بنگلادش در قم بود. ایشان می گفت، احساسات مردم بنگلادش با جمهوری اسلامی ایران است.

شب، در جلسه مشورتی با حضور آقایان بهشتی، خامنه‌ای و رجائی در نخست وزیری شرکت کردم. آقای خامنه‌ای که به تازگی از کردستان برگشته‌اند، گزارشی از آنجا دادند و پیشنهاد کارهای تولیدی و ایجاد شغل و رفتن مسئولان سطح بالا به منطقه به منظور نشان دادن حضور دولت، داشتند.

آقای رجائی، برای پاسخگویی تلویزیونی رفت و ما هم فرصتی پیدا کردیم که در مورد موضوعات زیادی که کمتر فرصت مشورت و تبادل نظر پیدا کرده‌ایم، صحبت کنیم. پس از صرف شام به خانه آمدم. خبر دادند که روز یکشنبه آقای بنی صدر در خانه خواهرش دو ساعت با سعود رجوی ملاقات داشته است. همکاری رئیس جمهور با سران گروهی که در صدد مبارزه مسلحانه با جمهوری‌اند و تحت تعقیب مقاماتند، عجیب و غیر قابل تحمل است، مخصوصاً که امام فرموده با آنها درگیر شود.

چهارشنبه ۱۶ اردیبهشت

۱ رجب - ۶ صی

اول وقت آقای علی مرعشی و همسرش از رفسنجان آمدند، برای رفع اشکال استخدام خانم اسدی. با آقای باهنر صحبت کردم. مطلب مهمی نبود، رفع می شود. سپس به مجلس رفتم و پس از مطالعه گزارشها و انجام کارهای اداری در کمیسیون آیین نامه شرکت کردم. بحث درباره تنظیم کمیسیونهای مجلس است.

آقایان کیاوش و دکتر ولایتی را برای بازرسی و رفع مشکل اختلاف میان دکتر شیبانی و معلولان انقلاب به هتل قدس فرستادم.

بعد از ظهر، در جلسه شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی، شرکت کردم. بحث انتخابات

۱ - کلیه اسناد ساواک مربوط به دوران مبارزه آیت الله هاشمی. روحانی در زمان پیش از انقلاب در کتاب هاشمی روحانی، دوران مبارزه آیت الله هاشمی، ۱۳۷۶ به طور کامل چاپ شده است.



مناظره تلویزیونی پیرامون آزادی ، هرج و مرج ، زورمداری

میان دوره‌ای بود. روی چند نفر از کاندیدها موافقت شد، ولی تمام نشد. با ائتلاف با گروه‌های اسلامی خط امام دیگر هم موافقت شد. بحث مناظره تلویزیونی پیش آمد و موافقت شد که آقای بهشتی در بحث «آزادی، هرج و مرج، زور مداری» شرکت کنند؛ نگرانی عده‌ای این بود که آوردن نماینده حزب توده و اکثریت فدائیان در تلویزیون در کنار آقای بهشتی، بزرگ کردن آنها و زمینه‌ای برای اتهام نفوذ کمونیسم است و قرار شد که با اظهارات مناسب در همان مناظره جلوی این ضرر گرفته شود.^۱

بحث تلاش سوریه برای تشکیل جبهه اسلامی غیر خط امام برای عراق، از افرادی مثل سرتیپ نقیب، خالصی زاده و بارزانی مطرح شد و اینکه سوریه از جبهه سوسیالیستها و ناسیونالیستها طرفی نبسته و به این راه افتاده و اکنون نقیب و ... در تهران هستند و می‌خواهند از ایران تأیید بگیرند و قرار شد با احتیاط حرکت کنیم و تأیید نکنیم و تکیه ما بر همان مسلمانان راستین و احزاب ادعوت و جماعت العلماء باشد. شایعه مرگ صدام مطرح شد، ولی سندی نداشتیم. قرار بود احمد آقا خمینی در جلسه شورا شرکت کنند. معلوم شد، آقای بهشتی با ایشان قرار قطعی نگذاشته‌اند.

پنجشنبه ۱۷ اردیبهشت

۲ رجب - ۷ می

جلسه علنی داشتیم و بحث طرح بنیاد جنگ زدگان تمام نشد. چون یک فوریتی است و پیشنهاد مجاز است، پیشنهاد زیاد داریم.

اظهارات آقای اعلی گلزاده اغفوری و خانم اعظم اطالقیانی که شعارگونه و تحریک کننده بود، من را عصبانی کرد و به آنها پرخاش کردم. باید این حالت پرخاش را ترک کنم، خوب نیست و مضر است. دوستان هم بعضی تحسین و بعضی انتقاد کردند. حق با منتقدین است ولی شدت علاقه به پیشرفت کار مجلس و علم به موزیانه برخورد کردن بعضی‌ها و انگشت گذاشتن روی نقاط حساس دروغین، آدم را عصبانی می‌کنند.

بعد از ظهر جلسه هیأت رئیسه داشتیم. برنامه هفته آینده را تنظیم کردیم یکی از لوايح در

۱ - در این مناظره‌های تلویزیونی علاوه بر آیت‌الله بهشتی از حزب جمهوری اسلامی، حبیب‌الله پیمان از جنبش مسلمانان مبارز، نورالدین کیانوری از حزب توده ایران، احسان طبری از حزب توده ایران، فرخ نگهدار از سازمان فدائیان خلق اکثریت و همچنین آیت‌الله معباح یزدی از اساتید حوزه علمیه قم و عبدالکریم سروش از اساتید دانشگاه شرکت داشتند.

دستور، تعیین تکلیف امضای حکمهایی است که در اختیار شاه مدفون بوده است. بعضی در اختیار ریاست جمهوری است. از لوایح سیاسی بحث‌انگیز است. با آقای رجائی هم صحبت کردم. پیشنهاد من این است که تقسیم شوند و هر قسمت به ارگان مربوطه واگذار شود. قسمتی را هم قانون اساسی تعیین کرده است.

آقای یارمحمدی از بی‌نظمی سپاه پاسداران جدید محافظ مجلس، شکایت داشت و می‌گفت عده‌ی لازم هشتاد نفر است ولی فقط چهل نفر آمده‌اند و تعویض آنها بدون موافقت مجلس انجام شده و سرپرست ندارند. معتقد بود که فرمانده سپاه تهران بنی‌صدری است، و عمداً چنین کرده است. با مرکز سپاه صحبت کردم، نماینده‌ای فرستادند، او هم چنین چیزی را قبول داشت، ولی مسئول سپاه مجلس را خواستیم، معلوم شد این گمان درست نیست، هشتاد نفر هستند و مسئول هم دارند و گردانی هستند که چندین ماه در جبهه بوده‌اند و شهید و مجروح زیاد دادند.

آقای لاریجانی، مدیر عامل صداوسیما آمد و درباره فیلمبرداری از مجلس بحث کردیم. مشکلاتی در کار است اگر بخواهیم خوب فیلمبرداری کنیم، باید نور زیاد باشد که مجلسیان را اذیت می‌کند. دنبال چاره‌ای هستند و راه‌حلهایی در دست اجراست. از اختلافات مسؤولان سازمان نگران بود و می‌خواست پیشنهاد تعویض مدیر عامل را بدهد. ایشان را منصرف کردم، قرار شد برای رفع اختلافات کمک کنم و ایشان هم برای نیروهای اصیل مذهبی که کنار گذاشته شده‌اند، تلاش کنند.

جمعه ۱۸ اردیبهشت

۲ رجب - ۸ می

اول وقت، آقای ابریشمی آمد؛ می‌خواست در اختلاف با همسایه‌اش کمک بگیرد که معمولاً بدون تحقیق دخالت نمی‌کنیم.

سرهنگ وحید دستجردی رئیس شهربانی آمد و گزارشی از فعال شدن پلیس و آگاهی داد. گفت از مقدار سرقت بانکها و... کم شده و شکایت داشت که آقای بهشتی گفته‌اند "شهربانی چیها" حاضر نیستند، وظایف خودشان را در مورد مبارزه با آشوب طلبان انجام دهند. من هم همین مطلب را تأیید کردم و گفتم باید این روحیه را از پلیس بگیرید. مایل بود که کمیته‌ها را از کلاترپها بیرون کنند. گفتم این کار مشروط به فعال شدن و قابل اطمینان شدن

شهریانی است. خواست به دادستانی انقلاب سفارش کنم که به مأموران شهریانی به خاطر جرایم قبل از انقلاب، فشار نیاورند.

رئیس کلانتری قلهک به خاطر رسیدگی به ضعف و قصور پاسبانهای محافظ خانه من که دقت کافی ندارند آمد، دو روز پیش دو پرتقال به طور مرموز کنار در خانه گذاشته شده که یا تهدید است و یا کار آزمایشی گروهها.

ظهر آقای لاهوتی مهمان ما بود و بحثهایی درباره نقاط ضعف جناح لیبرال شد و تردیدی که بعضیها در کیفیت فرماندهی جنگ دارند؛ تعدیل شده است. بعضی گله‌ها شخصی است.

عصر احمد آقا خمینی آمد. قرار شد یکشنبه به جلسه شورای حزب بیاید. گفت امام دستور داده‌اند که مطبوعات با افرادی که تحریک کننده حرف می‌زنند، مصاحبه نکنند. از کار تلویزیون شکایت داشت و پیشنهادهایی هم داشت. درباره راه همکاری با آقای بنی‌صدر صحبت شد. قبل از ملاقات من با آقای بنی‌صدر، ملاقات داشته. می‌گفت آقای بنی‌صدر کم به خود آمده و دارد آماده همکاری با دولت می‌شود.

شب مهمان دکتر وحید دستجردی بودیم با عفت و بچه‌ها. بحثها بیشتر در اطراف سیاست دفع نیروهای میانه بود و توصیه به ملایمت می‌شد.

شنبه ۱۹ اردیبهشت

۲ رجب - ۹ صی

به مجلس رفتیم. پس از مطالعه گزارشها به کمیسیون آئین‌نامه رفتیم. آقای احمد توکلی که قبل از پیروزی انقلاب ممنوع الخروج بوده، برای گرفتن گذرنامه جهت سفر برای معالجه درد مفاصل احتیاج به نامه من به اداره گذرنامه داشت که نوشتم.

در کمیسیون آئین‌نامه روی تعداد کمیسیونها بحث بود. کمی پیشرفت کردیم. ظهر با مسئول گزینش آموزش و پرورش درباره نحوه گزینش صحبت کردم.

عصر گروه فیلمبرداران مجلس آمدند و پس از بحث زیاد شیوه‌ای مورد توافق قرار گرفت. رفتند که آزمایشی عمل کنند و شیوه‌های دیگری هم در مراحل بعد.

نمایندگان انجمن کارگردانان سینما آمدند و از اینکه پس از انقلاب کار درستی در جهت رشد تولید داخلی فیلم انجام نشده و هنوز فیلمهای مبتذل خارجی مرسوم است و تولیدکنندگان در مضیقه‌اند، از فرهنگ و هنر و بنیاد مستضعفان شکایت داشتند. قرار شد پیشنهادشان را

بدهند و من هم کمک کنم.

سفیر ژاپن برای خداحافظی آمد، ضبط صوتی هدیه آورده بود. خوشم نیامد و نخواستم هم رد محبت کنم. درباره تصمیم شرکت ژاپنی در خصوص عدم تداوم در کار پتروشیمی بحث شد. می‌گفت شرکت به خاطر جنگ و تعطیل کار ضرر می‌بیند. گویا بنا است آقای سادات معاون وزارت نفت به ژاپن برود و آنجا در این باره بحث شود.

نمایندگان انجمن اسلامی شرکت واحد آمدند و از شیطنت دفتر هماهنگی رئیس جمهور و مردم در شرکت و تحریک برای ایجاد اعتصاب، صحبت داشتند.

آقایان محسن رضائی و محمد زاده آمدند و پیشنهادی برای محافظت روحیه سپاه پاسداران در خط امام و ولایت فقیه داشتند و تصمیمی اتخاذ شد که در اساسنامه عمل شود. شب مهمان آقای شهیدی، داماد آقای رسولی بودیم و درباره تنظیم امور روحانیت و اصلاح شاخه روحانیت حزب و روحانیت مبارز بحث شد.

یکشنبه ۲۰ اردیبهشت

۵ رجب - ۱۰ ص

خاطرات روز گذشته را نوشتم و به مجلس رفتم. قبل از شرکت در جلسه علنی، در جلسه کمیسیون تحقیق شرکت کردم. برای بحثی درباره اعتبار نامه آقایان بهروزیه و محمودی. آقای حسینی طباطبائی زابلی از توطئه مفتی زاده در بلوچستان اخباری داشتند. در جلسه علنی، طرح تشکیل بنیاد امور جنگ زدگان تصویب و طرح شوراها تقدیم شد. در تنفس آقای هادی غفاری خبر از کشف مقداری آهن در کوههای شمیران داد که از پیش از پیروزی انقلاب آنجا بوده. مطلب قابل توجهی است.

ظهر آقای اشیر فضل الله محلاتی به دفتر آمد. از عدم سازش بین شورای فرماندهی و فرمانده سپاه پاسداران صحبت کرد و تقصیر را متوجه شورا می‌دانند.

امام جمعه گنبد آقای عمادی آمد و از مسئولان عمده مازندران شکایت داشت. فرار شد کمکش کنم.

عفت تلفن کرد و پیشنهاد فروش ماشین پژوی اتوماتیک خودش را داشت که من هم موافقم. قرار شد آقا جلال اقدام کند. از پیش از انقلاب داشته‌ایم. تعمیرش مشکل است. آقای امامی کاشانی برای گرفتن قطعه زمینی از اراضی مجلس برای شورای تبلیغات و دفتر

مدرسه مطهری آمد و مذاکراتی کردیم.

عصر در جلسه شورای مرکزی حزب شرکت کردم. درباره مناظره آقای بهشتی با گروهها و حوادث شهرکرد و ملی کردن بازرگانی خارجی و سفر نخست وزیر و محمد اخوی به قم و استعفای آقای میرسلیم از سرپرستی بنیاد جنگ زدگان، به خاطر عدم تصویب معافیت مخارج از قانون محاسبات بحث داشتیم.

شب، آقایان رضائی و محمدزاده آمدند و درباره تصمیمات اخیر دولت و شورای قضائی در خصوص برخورد با گروه‌های ضدانقلاب بحثی داشتند. سپاه معتقد است که نباید به آنها مشروعیت سیاسی بدهیم و با توجه به وجود جنگ و کارشکنی‌ها، با آنها برخورد قاطع بشود و سرکوب شوند. حرکت وزارت کشور را ضعیف می‌دانند. آنها را قانع کردم که اول باید اتمام حجت شود و راه فعالیت آزاد و سیاسی باز باشد و اگر آنها نخواستند به قانون احترام بگذارند و طغیان کردند - که ظاهراً قانون ما را نخواهند پذیرفت - در این صورت خشونت جایز می‌شود و بهانه‌ها و مظلوم‌نمائیها را از دستشان می‌گیریم و مردم می‌فهمند که آنها توطئه کردند؛ ولی مشکل عمده رابطه رئیس جمهور با آنها است.

دوشنبه ۲۱ اردیبهشت

۶ رجب - ۱۱ ص

اول وقت به دفتر بخش ایدئولوژی حزب رفتم و مننداری از کارهای گروهی را که به سرپرستی آقای دعاگو، روی کلید قرآن کار می‌کنند، بررسی کردم. کار بزرگی است با این نیروهای کم و کم تجربه پیشرفت ندارد؛ باید افراد قوی‌تری با آنها همکاری کنند. ساعت نه و نیم به مجلس رفتم. آقای عمادالدین کریمی نماینده نوشهر نیم ساعت برای درد دل از کمبودهای حوزه انتخابیه اش توضیح داد. از مسئولان آموزش و پرورش گله داشت که در خط نیستند. به هر جا که گفته اثری نکرده. آقای دکتر باهنر مشکلات زیادی دارد با این کار وسیع و حساس.

کمیسیون آئین‌نامه داشتیم. بحث روی تعداد کمیسیونها بود. کمیسیون طرحهای انقلاب حذف شد، چون کارایی ندارد و لزومی هم ندارد، برای اینکه افرادی که در کمیسیونهای دیگر فکرشان را ارائه می‌دهند؛ اگر دارند.

ظهر، افسری از پناهندگان عراقی آمد که در جبهه جنوب می‌جنگد. می‌گفت نزدیک

چهارصد عراقی در جبهه می‌جنگند و راضی بود. ولی معتقد بود افراد غیر خالص اسلامی زیادند. و گروه ایاد سعید ثابت که با پول، از میان رانده شدگان عراقی استخدام شده‌اند، به خاطر اینکه چهارگشته داده‌اند، متفرق شده‌اند. معتقد بود ایاد سعید بعثی است، از طرف صدام در حوزه‌های حزیی مسئول بوده است. از اینکه گمرک مانع ورود اتومبیل او به ایران است، و از کاغذبازی ادارات شکایت داشت. همسرش را صدام پس از فرار او اعدام کرده و بقیه خانواده‌اش به ایران آمده‌اند. از حزب الدعوة است.

با آقای رجائی درباره پیشنهادات هیأت صلح غیر متعهدها^۱ صحبت کردیم. پیشنهاد ایجاد منطقه غیر نظامی در خاک ایران همراه با خروج نیروهای عراقی داده‌اند. بعضی از نظامی‌ها و آقای بنی‌صدر مایلند با تعدیلی بپذیرند.

عصر در جلسه شاخه دانشجویان حزب، درباره سیر تحول مدیریت بعد از انقلاب، سخنرانی داشتم و جواب سئوالاتشان را دادم.^۲

چون روزه بودم، زودتر به طرف منزل حرکت کردم، ولی کمی دیر رسیدم. عفت هم روزه بود و افطار خوبی درست کرده و منتظر من بود. در راه چند دانه انجیر که آقا جلال خریده بود، خوردم. عفت که فکر می‌کرد سیر شده‌ام و از غذای خوب او کم می‌خورم از افطار کردن در راه، خوشش نیامد و حق هم با اوست، چون خودش هم افطاری را به تأخیر انداخته بود.

شب احمد آقا مرعشی آمد و برای آقایان برخوردار و احمدی (قاضی) توصیه خواست و از آقای فهیم گله داشت.

سه شنبه ۲۲ اردیبهشت

۷ رجب - ۱۲ می

مجلس جلسه رسمی غیر علنی داشت. آقای بهزاد نبوی درباره بیانیه الجزایر^۳ و کیفیت حل مسأله گروگانها و جریان کلاه‌گزاری در معامله ۵۶ میلیون دلاری خرید اسلحه، توضیحاتی داد.

۱ - هیأت صلح سازمان کشورهای غیرمتعهد مرکب از ایزیدور ما کالیمر وزیر خارجه کوبا، ناراسیما راتو وزیر خارجه هند، گوما وزیر خارجه ژامبیا، واروف فدومی رئیس دایره سیاسی سازمان آزادیبخش فلسطین و طرزی، نماینده ساف در سازمان ملل روز بیستم اردیبهشت وارد تهران شدند. این هیأت با مقامات مختلف کشور از جمله بنی‌صدر رئیس جمهور دیدار و پیشنهادات خود را ارائه داد. ۲ - کتاب هاشمی رفسنجانی - سحراییهای ۱۳۶۰.

۳ - بیانیه الجزایر میان ایران و آمریکا با وساطت الجزایر صادر شده بود. براساس این بیانیه اختلافات مالی و سپرده‌های ایران در کماهی آمریکا و اختلافات قضایی گجاندته شده بود.

توضیحات جالب و افشاگر بود و لیبرالها را خشمگین کرد. تمام وقت مجلس را گرفت و نوبت جواب سئوالات و دفاع کسانی که طبق ماده ۶۶ آئین نامه یک ربع ساعت، وقت می خواستند نرسید. قرار شد بعداً جلسه غیر علنی دیگری داشته باشیم. در مورد [کلاهبرداری] ۵۶ میلیون دلاری سرهنگ افراخته هم توضیحاتی داد. فریور بازداشت شده، کریم میناچی (برادر زاده میناچی)، بهنام سفیر ما در اسپانیا و رئیس بانک ملی پاریس پایشان در میان است. جالب اینکه لیبرالها که خود مسئول جریانند، می خواستند دولت را مسئول قلمداد کنند. دولت برای احتراز از ایجاد تشنج توضیحات لازم را نداده است.

ناهار را به مناسبت حضور آقای [آیت الله سیداسدالله] مدنی امام جمعه تبریز، مهمان آقای [سیدسجاد] حججی بودیم. آقایان [بهزاد] نبوی، [حسن] [صانعی]، [توسلی] و [سیدحسین] موسوی تبریزی هم بودند.

عصر برای کارهای زیادی که داشتم در جلسه دفتر سیاسی حزب شرکت نکردم. گزارشها را خواندم. شب در نخست وزیری با آقایان رجائی، بهشتی، باهنر، خامنه ای و نبوی جلسه داشتیم. از سپاه آمدند و راجع به برخورد با گروه های محارب مذاکراتی شد. سپس مسئولان صداوسیما آمدند و درباره اختلافاتشان بحثهای زیادی شد، ولی کم نتیجه. اختلافات عمیق نیست ولی سلیقه ها و تمایلات و روابط مایه آن است. نیم ساعت پس از نیمه شب به خانه آمدم.

چهارشنبه ۲۳ اردیبهشت

۸ رجب - ۱۳ می

ساعت هشت و نیم صبح به مجلس رفتم. پس از انجام کارهای اداری و مطالعه گزارشات در جلسه کمیسیون آئین نامه شرکت کردم. ساعت ۱۱ صبح احمد آقا خمینی تلفن کرد که امروز بناست دستوری از امام، در اخبار ظهر پخش شود که هر گونه آهنگ موسیقی را گرچه همراه سرود، ممنوع می کند؛ از من می خواست به همراه آقای بهشتی به خدمت امام بروم و از امام تقاضا کنم که مانع پخش این دستور شوند.

من به دلیل لزوم حضور در کمیسیون و به دلیل شبهه شرعی در جلوگیری از اجرای نظری که امام و مرجع تقلید داده اند - و شبهه شرعی از این جهت که اگر فتوا است، چرا اطاعت نکنیم - و به دلیل عدم مساعدت استخاره و به خاطر احتمال ضعیف تأثیر ما در اراده امام، در صورت

رای قطعی امام، از رفتن خودداری کردم؛ ولی آقای بهشتی رفتند و نتیجه هم گرفتند و منتشر نشد. صحیح هم این است که اگر نظر امام است، بدون اعلام رفته رفته اجرا گردد. بعد از ظهر جلسه هیأت رئیسه داشتیم و برنامه هفته بعد را تنظیم کردیم و به همین دلیل نتوانستم در شورای مرکزی حزب شرکت کنم.

قرار بود در نخست وزیری با آقای ضیاءالرحمان^۱ رئیس جمهور بنگلادش و حبیب شطی ملاقات کنیم که نرفتم. بعداً معلوم شد، آنها هم نیامده‌اند، زیرا توقع داشته‌اند، این ملاقات در هتل یا خانه سفیرشان انجام شود و آقای رجائی موافقت نکرده‌اند و از طرف ما نسبت به آنها بی‌اعتنائی شد و این خوب نیست، زیرا آنها تقاضا کرده بودند که با من، آقای رجائی و آقای بهشتی ملاقات کنند.

آقایان کیانوری و عموی از رهبران حزب توده آمدند و اطلاعاتی آوردند. معمولاً با دادن اطلاعات با مسئولان رابطه برقرار می‌کنند و از اینکه به آنها اعتماد نمی‌کنیم، اجازه سفر به خارج به آنها نمی‌دهیم و دفترشان را آزاد نمی‌کنیم، گله و شکایت داشتند. معتقد بودند فعلاً زمان برای پذیرفتن صلح و خاتمه دادن به جنگ مناسب است. من گفتم آمریکا هم که موافق صلح است، توجیه می‌کردند که آمریکا برای نجات صدام موافق است، ولی آنها مخالفند که جمهوری اسلامی در اثر جنگ، زیاد ضعیف شود. از احتمال ایجاد فتنه آمریکائی‌ها در سیستان صحبت می‌کردند.

آقای ازهای و مهندس معتمدی آمدند و از اینکه تأییدهای گذشته امام، قیافه واقعی آقای بنی‌صدر را پوشانده است، نگران بودند.

پنجشنبه ۲۴ اردیبهشت

۹ رجب - ۱۲ می

جلسه علنی داشتیم. لایحه لغو عبارت «فرمان همایونی» و جانشین کردن حکم مقام دیگری به جای آن مطرح بود. لیبرالها از اینکه می‌دیدند قدرت آقای بنی‌صدر در بانک مرکزی از دست می‌رود، ناراحت بودند. سعی داشتند مجلس پا نگیرد که گرفت، ولی کار ناتمام ماند.

۱. ضیاءالرحمان رئیس جمهور بنگلادش چند روز بعد از بازگشت به کشورش، مورد سوء قصد قرار گرفت و کشته شد.



حسین نمازی
وزیر اقتصاد و دارایی

محمد علی رجایی
نخست وزیر

محسن نوربخش
رئیس بانک مرکزی

پس از انقلاب طبق مصوبه کمیسیون شماره ۲ شورای انقلاب ، کلیه اختیارات شاه را به رئیس جمهور واگذار نمودند . پس از تشکیل دولت محمد علی رجایی ، بنی صدر ارهمان ابتدا موضع گیریهایی را بر علیه وی برکابینه اتخاذ نمود و ارتمام امکاناتی که در اختیار داشت ، از جمله مصوبه فرمان همایونی کمیسیون شورای انقلاب ، برای تضعیف دولت رجایی ، حداکثر استفاده را می کرد . وی با استفاده از این قانون اختیار عزل و نصب رئیس شهربانی ، فرمانده ژاندارمری و از همه مهمتر رئیس کل بانک مرکزی را از دولت سلب کرده بود ، بطوریکه در حساس ترین روزهای آغاز جنگ ، دولت کنترلی بر بانک مرکزی و همچنین میران ذخایر ارزی مملکت نداشت . لذا مجلس شورای اسلامی قانونی رانحت عنوان حذف عمارت فرمان همایونی در جهت تقویت دولت رجایی تصویب کرد .

آقای بنی صدر طی نامه‌ای، از من نوار سخنان آقای ابهزاد تبوی در جلسه غیر علنی گذشته را خواست که اگر لازم دید به مجلس بیاید و مطالبی بگوید، ولی من مجوزی برای تحویل اسناد سری مجلس نمی‌بینم و هنوز جواب نامه را نفرستاده‌ام. ظهر فائزه و دوستش مهمان ما بودند و در دفتر من ماندند. سپس عفت، اقدس خانم، مهدی و یاسر آمدند. دفتر کار محیط خانوادگی شد و با صفا بود. آمدند که در مراسم عقد دوست فائزه شرکت کنند و پس از عقد به مدرسه رفاه رفتند.

عصر، مصاحبه تلویزیونی به مناسبت سالگرد افتتاح مجلس داشتم^۱. آقای خلیل هدایت آمد و از اینکه دارائی، چک مالیاتی را - که ایشان اواخر زمان طاغوت، به فرمان امام پرداخته بود و پس از انقلاب پرداخته و تا کنون وصول نشده و می‌خواهند ایشان را جریمه کنند - شکایت داشت. به وزیر دارائی نوشتم که مشکل را رفع کند.

آقای حسن بهروزیه نماینده کلیر که اعتبار نامه‌اش هفته آینده در مجلس مطرح می‌شود، آمد. وضع خودش را توضیح داد. سپس مهندس اعزت‌الله سبحانی آمد و از من برای تصویب شدن اعتبارنامه ایشان و حل مشکل مهندس منصور سبحانی که به حکم نماینده دادستان انقلاب، به اتهام همکاری با منافقان، از کار در کارخانه سیمان ممنوع شده، کمک خواست. گروهی از علمای گرگان هم آمدند و از امام جمعه گرگان شکایت داشتند و نامه‌ای از علمای مازندران برای امام داشتند. مایل نیستم در این گونه اختلافات دخالت کنم.

پاسداری هم آمد و عقد ازدواجش را خواندم. شب در مدرسه شهید مطهری، برای تنظیم برنامه کلاسهای اسلام شناسی جلسه داشتیم. آقایان باهنر، خامنه‌ای، جوادی آملی، عبدالمجید معادینخواه، امامی کاشانی و حقانی بودند. ساعت یازده شب به طرف خانه آمدم.

جمعه ۲۵ اردیبهشت

۱۰ رجب - ۱۵ می

تمام امروز در خانه ماندم و تقریباً استراحت نمودم. صبح زود همشیره زاده رضا - که در هندوستان تحصیل می‌کند - آمد. سپس آقای غیوران آمد. ایشان بازرگ و ویژه آقای بنی صدر بوده و کار بازرسی برای دفتر ریاست جمهوری می‌کرده. اخیراً استعفاء داده ولی پذیرفته نشده

۱. کتاب هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های ۱۳۶۰.

است. اطلاعات ناراحت کننده‌ای از داخل ارتش داد؛ در رابطه با فرماندهی بنی صدر گفتم (مطالب خود را) در اختیار آقای رجائی بگذارم که در شورای عالی دفاع مطرح کند. از آقای بنی صدر سخت ناراحت بود.

طرح تقسیم عادلانه آبهای کشور را - که وزارت نیرو تهیه کرده است - مطالعه کردم. مهدی و یاسر همراه پاسداری به کوهنوردی رفتند و عصر برگشتند و راضی و خوشحال بودند. عصر آقای نشاسته پور آمد. برای گرفتن سه منزل مصادره شده، از بنیاد مستضعفان برای اسکان معلولان جنگ از من توصیه می‌خواست که نوشتم. می‌گفت سیصد و چند خانواده معلول را در این گونه منازل اداره می‌کنند.

مقداری هم با پاسدارها در حیاط منزل، پینگ پنگ بازی کردیم. سر شب آقایان لولاچیان و توکلی آمدند. برای تهیه مسکن و امکانات برای حجاج ایرانی عازم عربستان سعودی بودند و گفتند قرار است تمام کسانی را که سال گذشته به خاطر جنگ، از رفتن به مکه محروم شده‌اند، (در حدود ۶۵ هزار نفر) به مکه ببریم. درباره کیفیت کار برخورد با مسئولان عربستان، مشورت کردند.

فائزه و حمید هم آمدند، در صدد تهیه مسکن و تشکیل زندگی مستقلند. با اینکه بالاخره باید بروند، کمی سخت و مشکل است که بچه‌ها از ما جدا شوند، ولی چاره‌ای نیست. عفت هم مایل است که آنها زودتر مستقل شوند و حق هم از نظر منطق و حساب با اوست.

شنبه ۲۶ اردیبهشت

۱۱ رجب - ۱۶ ص

صبح زود خانم و دختر مرحوم غفوری رفسنجانی آمدند. از اینکه تریاک از فرزندشان و منزلشان در رفسنجان گرفته‌اند و یکی را بازداشت کرده‌اند، وحشت زده بودند و کمک می‌خواستند. در رفسنجان این گونه افراد زیادند و این کار، اثر خوبی در ترک تریاک دیگران دارد. قبل از انقلاب بسیاری از خانواده‌ها آلوده به تریاک بودند.

ساعت هشت و نیم، به منزل امام رفتم. با آقایان خامنه‌ای، جنتی و ناطق نوری به زیارت امام رفتم، مطالب زیادی مطرح شد. وقت خصوصی برای ملاقات نمایندگان گرفتم که امام در خلوت، نظرشان را درباره مجلسیان بگویند. از جنجال لیبرالها درباره بودجه و صدور نفت صحبت شد که امام هم کار مفیدی نمی‌دانستند و قرار شد نصیحتشان کنند.

از جنگ صحبت شد. امام اجازه حمله به شهرهای مسکونی عراق را ندادند. کار مشکلی است که عراقی شهرهای ما را بکوبد و آواره جنگی درست کند، ولی خودش مشکل آوارگان را نداشته باشد. مشکل عمده ما آوارگانند.

از لزوم اعلان موضع آقای بنی صدر، در مقابل گروهکهای محارب صحبت شد. امام گفتند باید بکند، ولی او حاضر نیست و اگر فشار بیاوریم، ممکن است تشنج بوجود آید. تعجب این است که مشاور فرهنگی رئیس جمهور، حاج حمزه، عضو مجاهدین است!

ظهر آقای احسن اصناعی تلفن کرد که امام فرموده‌اند، آقای بنی صدر در ملاقاتش پذیرفته که جنجال بودجه را بخواباند و شما هم لایحه حذف فرمان همایونی را مسکوت بگذارید و من گفتم معامله به نفع بنی صدر است و برای ما راه قانونی از نظر آئین نامه مجلس نیست. اگر لازم باشد، خودم امام را می بینم.

برای بنی صدر مسأله بانک مرکزی، حیاتی است و برای دولت هم. احتمال اینکه امام، برای خواباندن تشنج دخالت کنند، وجود دارد. به آقای رجائی هم اطلاع دادم. جواب آقای بنی صدر را در خصوص درخواست سخنان جلسه غیر علنی دادم، در روزنامه‌ها هم می آید. بعد از ظهر با سفیر امارات متحده، معلمان ناحیه ۱۳، خیراندیش نماینده انجمن اسلامی ذوب آهن کرمان، تعدادی دانشجوی سودانی و ملک پور ملاقات داشتم.

سودانی‌ها در مورد بیعت اسلامی سودان می گفتند و خیراندیش از ضعف مهندس سالور مدیر عامل ذوب آهن، سفیر امارات از علاقه خودشان به انقلاب و فرهنگیان از انحراف فکری در مسئول ناحیه.

یکشنبه ۲۷ اردیبهشت

۱۲ رجب - ۱۷ ص

صبح برای اینکه عفت و فاطمی را به دکتر ببرم، دیرتر از خانه بیرون رفتم. مجلس تعطیل بود. ساعت نه و نیم به مجلس رفتم. منتظر ماندند تا سعید آمد و آنها را به چشم پزشک برد. آقای دکتر روحانی در دفتر منتظر من بود و در مورد اختلاف نظر بین کادر مدیران صداوسیما، مشورت کرد. آقای حسین اغشاری و آقای اعلی اجتی با هم نمی سازند و هر دو مسلمان خط

امامی اند. و اثر نامطلوبی در کیفیت صداوسیما و در نتیجه در تمام انقلاب دارد. آقایان الویری و یارمحمدی هم آمدند و درباره شرایط صلاحیت محافظان نمایندگان مجلس صحبت داشتند. قرار شد، تحقیقات سپاه هر یک را تأیید کرد، عضو سپاه و در خدمت مجلس باشد. مسأله امنیت این روزها مهم و حساس است.

ساعت یازده، در سمینار مدیران کل اقتصاد و دارائی در آمفی تاتر وزارتخانه شرکت کردم و درباره تفاوت حقوق شرعی و مالیات و لزوم توجه دادن مردم به اینکه پرداخت مالیات جمهوری اسلامی، وظیفه شرعی است و جنب اعتماد مردم در امور مالی با حسن عمل و کار توضیحی در اینکه مالیات در مقابل خدمات و مخارج دولت است، صحبت کردم^۱ و خواستند که وقتی از امام برای ملاقاتشان بگیرم. قرار شد فردا در جمع دیگر ملاقات کنندگان امام، شرکت کنند.

ظهر آقای صفاقی نماینده آبادان، همراه نماینده جنگ زدگان ساکن ملک شهر اصفهان آمدند و شکایت داشتند که استاندار می خواهد آنها را منتقل کند و آنها راضی نبودند. تلفنی با استاندار اصفهان آقای داودی صحبت کردم. قضیه جنبه سیاسی و حفظ کنترل دولت دارد. قرار شد چند خانوار که صاحب خانه ها اصرار به تحویل خانه خود دارند، منتقل شوند.

نامه جوابیه آقای بنی صدر رسید و اصرار در گرفتن نوار سخنان آقای ابهزاد انبوی در جلسه غیر علنی دارند. جواب تهیه کردم.

عصر در شورای مرکزی حزب (جمهوری اسلامی) شرکت کردم. آقای منصوری خیر سرفت اسناد سری وزارت خارجه با همکاری مشاور آقای بنی صدر و مدیر کل امور کنسولی و بازداشت فضلی نژاد را داد. حتماً هیاهو و تشنج به دنبال دارد.

دوشنبه ۲۸ اردیبهشت

۱۳ رجب - ۱۸ ص

امروز به مناسبت میلاد حضرت علی (علیه السلام) تعطیل است و من در خانه ماندم. اول وقت حاج شعبان علی نقدی از تجار یزد - که در بیست سال پیش که برای منبر یزد بودم و در منزلشان برنامه داشتم - آمد و برای حل مشکل آقای مظلومی که ۳۰۰ تن کنجاله وارد کرده و حالا

۱. خوانندگان محترم که متن این سخنرانی یا نوار آن را در اختیار دارید، مبدوقه پستی ۱۹۴۹۵/۱۶۴۸ دفتر شرمه روف انقلاب مکاتبه نمایند.



کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران
دفتر اول

شماره

تاریخ

هویت

بجای

دستور جمهوری فدرال - بیهوده الحاق بی مورد

پایان مختصر تاریخ ۲۷ بهمن ۱۳۶۰ از تاریخ ۲۷ بهمن ۱۳۶۰ تا تاریخ ۲۷ بهمن ۱۳۶۰
مفاد غیر از که بتواند بود بگویم در هر ۶۹ قانون اساسی و مواد
۴۰۴ قانون اساسی است و نشان از اساسی است که به استناد این ماده

موضوع را در حدی که در این مورد مطرح کردم و بخواهد برای
توضیح آن اساسی مطرح آورده شد. جهت اینکه هر چه در این مورد
موضوع را در حدی که در این مورد مطرح کردم و بخواهد برای
توضیح آن اساسی مطرح آورده شد. جهت اینکه هر چه در این مورد

توضیح آن اساسی مطرح آورده شد. جهت اینکه هر چه در این مورد
موضوع را در حدی که در این مورد مطرح کردم و بخواهد برای
توضیح آن اساسی مطرح آورده شد. جهت اینکه هر چه در این مورد

موضوع را در حدی که در این مورد مطرح کردم و بخواهد برای
توضیح آن اساسی مطرح آورده شد. جهت اینکه هر چه در این مورد
موضوع را در حدی که در این مورد مطرح کردم و بخواهد برای
توضیح آن اساسی مطرح آورده شد. جهت اینکه هر چه در این مورد



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

دفتر رئیس

شماره ۶۴۴ / د.ا.ه

تاریخ ۱۳۹۱/۱۰/۲۰

پوست

بخشی

رئیس جمهور محترم جناب سید ابوالحسن بنی صدر:

باسم تعالی مفضل مورخ ۱۳۹۰/۲/۲۲ آنجناب رسیده است. متناهی طایفه فرامین
مطلوبه‌چیزی که بتواند به جرایم کیفری اصل ۶۹ قانون اساسی
و مواد ۲۴ و ۲ قانون مجازات افساسی احکامی را تصویب
نماید.

موضوع را در جلسه رسمی مجلس هم مطرح کرده بودیم و
برای تدوین اساسی مجلس ارائه شد. هیئت رفیقه همپس از
تقریباً یک ماه از این کارها با کمیسیون مجلس و تصویب کرده است.
جناب عالی بموجب قانون اساسی در صورت تضاد حق اظهار نظرتان
را در مجلس شورای اسلامی مایه. و برای اطلاع از اظهارات جناب
وزیر مشاور هماهنگی‌تان که طسوی از توده جریه تحت ریاست فاضل
است توفیق پیدا خواهد.

رئیس مجلس شورای اسلامی

اکبر طالقانی

می‌گویند ممنوع الورد است، کمک خواست. به وزیر کشاورزی محول کردم. مقداری در حیاط منزل با مهدی و پاسدارها پینگ‌پنگ بازی کردیم.

ظهر حسین آقای مرعشی و بچه‌هایش مهمان ما بودند. عصر آقای الویری با جمعی از بستگانش برای عقد ازدواج برادر آقای نوروزی و دختر خوش صولتان آمدند. اکنون از تلویزیون مدح امام علی (علیه السلام) و برنامه کودکان را تماشا می‌کنم.

سه شنبه ۲۹ اردیبهشت

۱۲ رجب ۱۹۰۰ م

جلسه علنی داشتیم. دستور جلسه لایحه حذف عنوان فرمان همایونی بود. پیش از شروع کار، آقای محمد جواد حاجتی کرمانی به من اطلاع داد که امام در ملاقاتی با سه نفر از نمایندگان سمپات لیبرالها، از لایحه اظهار تارضایتی کرده‌اند و آن را تشنج‌زا خوانده‌اند. (البته دوسه روز پیش آقای صانعی هم به من گفته بودند که امام مایلند از این طریق، تشنجی ایجاد نشود). ولی مجلس راهی برای صرف نظر کردن از لایحه نداشت، جز پس گرفتن دولت. امام گفته بودند که من نمی‌خواهم عملی برخلاف قانون انجام شود.

هنگام تنفس، مطلب را با آقای رجائی در میان گذاشتم. ایشان با آقایان خزعلی، جنتی و نبوی برای کسب تکلیف خدمت امام رفتند. امام گفته بودند که این مطلب فرع بر این بوده که آقای بنی‌صدر با توافق آقای رجائی، رئیسی برای بانک مرکزی تعیین کنند که با دولت هماهنگ باشد؛ چون توجه کرده بودند که این سبک برخورد، تضعیف مجلس است و از ناراحتی شدید مجلسیان (اکثریت) مطلع شده بودند، ادامه کار را بی اشکال دانسته بودند. ولی دیگر مجلس تشکیل نشد و به فردا موکول شد. لابد لیبرالها ناراحت خواهند شد و بی عکس‌العمل نخواهند ماند. خیلی روی این توصیه امام، امید بسته بودند.

عصر، در جلسه دفتر سیاسی حزب شرکت کردم. بیشتر بحثها در اطراف کیفیت معارضه با دفتر هماهنگی و خطبانی صدر بود؛ مناسبانه اکثر اوقات ما صرف همین گونه چیزهاست و این خیلی زیانبار است. به جای کار، وقتمان صرف خنثی کردن معارضه‌ها می‌شود و وقت معارضه‌ها هم همچنین و وقت امام و بسیاری دیگر از نیروها و مردم نیز؛ باید فکری کرد. شب، جلسه مشورتی سه قوه داشتیم. آقایان اسید محمود دعائی و اسید محمد اخاتمی،

مسئولان اطلاعات و کیهان^۱ آمدند و از کمبود امکانات مالی مؤسسه‌ها، ضررهایی در حدود دو میلیون و نیم تومان صحبت داشتند و کمک می‌خواستند. عجیب است که مؤسسه‌ای با بیش از دو بیست میلیون تومان سرمایه، ضرر هم بدهد. نشان ناسالمی سازمان است. قرار شد وامی برای رفع مشکلاتشان از دولت بگیرند.

درباره فعال کردن وزارتخانه‌های نفت و خارجه هم بحث شد، پیشرفتی نکرده‌اند. کارها کند حرکت می‌کنند. در هر سه قوه کند است.

چهارشنبه ۳۰ اردیبهشت

۱۵ رجب - ۲۰ می

جلسه علنی داشتیم و لایحه جنجالی حذف فرمان همایونی که بی جهت لیبرالها به حذف رئیس جمهور معنی کرده‌اند، کلیاتش تصویب شد. و در جزئیاتش ماندیم.

ظهر، نماینده سپاه آبادان آمده و وضع آنجا را خوب توصیف می‌کرد و از کمبود آمبولانس گله داشت. نتوانستیم حاج محسن رفیق دوست، مسئول تدارکات سپاه را پیدا کنیم. چند روز پیش قول تأمین آمبولانس داده ولی عمل نکرده. زود وعده می‌دهد و مثبت است.

اول شب با تلویزیون هلند مصاحبه داشتیم^۲. بیشتر سئوالاتش در اطراف آزادی و دیکتاتوری و اختلافات داخلی ایران دور می‌زد. هنرمندان ایرانی که همراهش بودند، از وضع مسکن و گرانی شکایت داشتند. باید فکری کرد؛ گرانی، مردم و انقلاب را دچار مشکل می‌کند، همه منتظر لایحه مسکن هستند. خدا کند چیز خوبی بشود.

عصر از سازمان پژوهشهای علمی آمده بودند و خبر از جعل سند توسط رئیس جمهور با امضای یک الحاقیه به قانون شورای انقلاب، بدون طرح در شورا می‌دادند که سازمان را به دفتر ریاست جمهوری وابسته کرده و از تلاش آنها برای حاکم کردن خط لیبرالها در سازمان گله داشتند. از غارت اسناد و پرونده‌های کارکنان دولت، توسط گروه پاکسازی دفتر ریاست جمهوری خبر می‌دادند. برادرش را به همین جرم گرفته‌اند و خیلی چیزها دارد کشف می‌شود. شب در منزل آقای هادی غفاری، جلسه نمایندگان مجلس تهران را داشتیم؛ با حضور

۱. پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، مؤسسه کیهان متعلق به سازمان مصباح‌راده و مؤسسه اطلاعات متعلق به سازمان عسکری مسعودی بود که بعد از انقلاب به دستور دانشگاه انقلاب اسلامی توقیف شد و اکنون هر دو مؤسسه زیر نظر نماینده ولی فقیه فعالیت می‌نمایند.
۲. کتاب هاشمی رفسنجانی - مصاحبه‌های ۱۳۶۰.



شهردار تهران، درباره محدود کردن توسعه تهران و ایجاد گورستان و انتقال صاحبان اراضی سیاهدشتک که شورای انقلاب به آنها داده، بحث شد.

پنجشنبه ۳۱ اردیبهشت

۱۶ رجب - ۲۱ ص

در جلسه علنی، ادامه بحث لایحه حذف فرمان همایونی را داشتیم. قسمت اساسی پیشنهادهای مورد نظر دولت تصویب شد. بعضی‌ها با بیرون رفتن از جلسه، مخالفت جدی خودشان را آشکار کردند.

ظفر فاطمه و دوستش در مجلس بودند و عفت و خانم و دختر مرحوم شهید مطهری هم آمدند، برای رفتن به کلاس تعلیم مواضع حزب.

عصر طبق قرار قبلی، جلسه هیأت رئیسه در دماوند در منزل آقای الویری بود. بعد از تنظیم برنامه هفته، درباره مسائل روز بحث کردیم. توطئه ایجاد تشنج توسط لیبرالها و ضدانقلاب یا استفاده از جو مربوط به لایحه حذف فرمان همایونی که آن را لایحه حذف بنی صدر نامیده‌اند، برای مواجه شدن با این توطئه بحثهایی شد و تصمیمهایی اتخاذ گردید.

شب را همان جا خوابیدیم و نزدیک نیمه شب، کمی در تپه‌های اطراف باغ قدم زدیم، به انتظار شنیدن خبر پیروزی امروز نیروهای اسلام بر عراقیها در جبهه دزفول؛ خبر فتح تپه الله اکبر که می‌تواند در جنگ سرنوشت ساز باشد و اسارت صدها عراقی، امید بخش بود و من تا نزدیک ساعت یک بامداد بیدار ماندم تا جزئیات اخبار ساعت ۱۲ شب را بشنوم.

www.KetabFarsi.com

خرداد ۱۳۶۰

www.KetabFarsi.com



جمعه ۱ خرداد

۱۷ رجب - ۲۲ ص

صبح زود از دماوند به خانه آمدم. کارهای جاری را انجام دادم. احمدآقا خمینی تلفنی پیشنهاد کرد که نهادها تبریک پیروزی را به خدمت امام بدهند که فرمانده اصلی کل قواست. اگر این پیشنهاد با اشاره امام باشد، حاکی از تصمیم امام در مورد فرماندهی نیروهای مسلح است و این به علت موضع تشنج آفرین آقای بنی صدر در این چند روز اخیر است، مخصوصاً در رابطه با طرح رفراندوم و «مصدق بازی» اوست که اگر بر فرض محال چنین پیش بیاید، بی شک ریاست جمهوری را هم از دست خواهد داد. آقای بنی صدر سخت در اشتباه است.

همراه عفت، یاسر، مهدی و بچه‌های محمد همشیره زاده، ظهر در باغ اردوی کرج دعوت داشتیم. آقای بهشتی هم بودند. نمایشنامه‌ای به نام «فرمان امام» به رهبری آقای فرخ اجرا شد، جالب بود. تأثیر فرمان امام، قبل از پیروزی انقلاب، به نظامیها در مورد ترک سربازخانه‌ها را نشان می‌دادند. با روح و خوب تهیه شده بود. خیلی گریه کردم، چون تحت تأثیر ایمان و ایثار مردم قرار گرفتم.

این باغ را در زمان اختناق رژیم شاه، همفکران و دوستان تهیه کرده بودند که وسیله‌ای برای تجمع و کارهای مبارزه باشد. امروز هم مورد استفاده است. من هم سهم ناچیزی در آن دارم «هشتاد و پنج هزار تومان».

در راه برگشت به تهران، زندان بزرگ گوهردشت را همراه با عفت و بچه‌ها که همراه هم بودند، بازدید کردم. این زندان را رژیم شاه ساخته و هنوز ناتمام است. اخیراً دادستانی انقلاب، دست اندرکار اتمام آن است. خیلی بزرگ و مدرن است. همه چیز در خودش دارد؛ شبیه شهری است. امید است که در جمهوری اسلامی همیشه خالی باشد.

شب احمدآقا خمینی، بدون اطلاع قبلی به منزل آمد. ضمن حرفهای زیاد، صحبت از استعفای رئیس جمهوری داشت. موضوع حذف لقب آیت الله در صدا و سیما از بسیاری از بزرگان علمی، مشکلی برای دفتر امام شده که به فکر چاره‌جویی بود. از سیاست حذف نیروهای مسلمان، ولی غیرمکتبی، مخصوصاً بعضی از افراد نهضت آزادی انتقاد داشت؛ تا حدی هم درست می‌گوید، باید بعضی از اینها را جذب کرد.

شنبه ۲ خرداد

۱۸ رجب - ۲۲ ص

خبر پیروزی و فتح تپه‌های گامیشان، خبر خوشحال کننده صبح بود که رادیو گفت: نادر عراقی با دوستش آمد و برای بعضی از مسئولان سازمان تربیت بدنی وقت گرفتند و آنها هم آمدند و درباره اسنغای آقای داودی که به خاطر مشکلات داخلی و عدم حمایت آقای رجائی است، صحبت کردند. حمایت بیشتر می‌خواستند تا خط امام در این سازمان تثبیت شود.

جلسه آئین نامه داشتیم. پیشرفت خوبی نداشت. ظهر آقای محمدی، قاضی بازنشسته آمد که آقای بنی‌هاشمی هنوز برای ارجاع ایشان، جواب تحقیق را نداده‌اند و تعجب این است که با این همه نیاز به قاضی مسلمان، چند هفته است که معطل کرده‌اند و این انتقاد به بی‌حالی دوستان شورای عالی قضائی، وارد است که برای فعال کردن قضا، کم کاری دارند.

آقای حق پناه، از اداره سیاسی ایدئولوژیک ارتش آمد و تقاضا داشت از نمایندگان، کسانی برای سخنرانی در ارتش بروند، بنام کمک کم.

بعد از ظهر، مصاحبه‌ای با تلویزیون، درباره سازمان مجاهدین خلق داشتم و از علت انحراف آنها - که همان التواطؤ رهبران اولی است - صحبت کردم. سپس مصاحبه‌ای با روزنامه جمهوری اسلامی.

حسین آقا مرعشی با آقای محمودیان - پدر یکی از متهمان توطئه جعل سند در بانک مرکزی در خصوص دویست میلیون تومان برای خرید اسلحه - آمدند. او دستگیر شده و نادم است و از من رضایت می‌خواستند. گفتم اگر در مصاحبه‌ای حقیقت را به مردم بگویید. من مایل به انتقام‌گیری شخصی نیستم. چهار نفر در این رابطه بازداشت شده‌اند. او می‌گفت معاون حسابداری، سند را جعل کرده و با دست چپ امضاء کرده و ۱۹ عدد فتوکپی گرفته و به کمک دیگران، بخش کرده است.

برادر شهید شیروودی و همکارش خلبان میرزائی آمدند و از احتمال توطئه داخلی در شهادت او می‌گفتند. شب قبل از شهادتش تماس مشکوکی از دو سرهنگ و بنی‌صدر نقل

۱- برادر شهید شیروودی در این عملیات ۵۵ کیلومتر از منطقه سوخته‌گرد و الله اکبر را آواره کردند. یک تپه کامل و سه گردان بانک عراق در صحنه الله اکبر و هلهه شد و ارتفاعات استراتژیک گومشکان در شمال قصر سرین آواره گردید.
۲- کتبی در شهر رفسنجان در ۲۰ صحنه‌ها از ۱۳۶۰.

می‌کردند و مدعی بودند، جهت تیر از جلو که دشمن بوده، نیست و از کنار است. از من حمایت نیروهای خط امام ارتش را می‌خواستند.

شب، در جلسه دوستان روحانی در منزل آقای مقدسیان، مهمان بودیم. خبر افشای گروه خرابکار «پارس» در آنجا از تلویزیون و مصاحبه آقای ری‌شهری را شنیدیم، جالب بود. دوستانی، از مسامحه شورای قضائی در اصلاح قضا، گله داشتند.

یکشنبه ۳ خرداد

۱۹ رجب - ۲۲ می

به مجلس رفتم. روزه هم بودم. لایحه حذف فرمان همایونی به خوبی تمام و تصویب شد. ولی من به خاطر وضع روحیم، دوسه بار عصبانی شدم. روزهایی که عصبانی هستم، کار اداره مجلس مشکل است.

با آقای باغانی، صحبت کردم که در کار اتمام یا انجام فهرست موضوعی قرآن، کمک کنند. ظهر با آقای لاجوردی دادستان انقلاب تهران، درباره متهمان جعل سند بانک مرکزی، تماس گرفتم. قرار شد، اگر مصاحبه کردند و حقیقت را گفتند و مردم را روشن کردند، تخفیف داده شود. انتقام جوئی نداریم. کشف حقیقت و مصلحت انقلاب مطرح است.

با آقای خیر، سرپرست سازمان برنامه و بودجه، درباره تبصره بیجایی که دولت را، از نیروهای صالح مکتبی جدید محروم می‌کرد، صحبت کردم. قرار شد فکری کنیم.

آقای اعلی‌الاریجانی، مدیرعامل صداوسیما، آمد و درباره اجرای قراردادهای خرید

۱ - محمد رضا شاه با استفاده از نفوذ خود وزیر پا گذاشتن قانون اساسی مشروطه که وی را فاقد مؤلفیهای اجرائی می‌دانست، قوانین مختلفی را به تصویب مجلس فرمایش رسانده و در پی روز اختیارات اجرائی بیشتری کسب می‌کرد، به عنوان مثال تقریباً عزل و نصب بسیاری از مقامات مملکت را تحت عنوان تفهید احکام به وسیله فرمان همایونی با تصویب مجلس آن زمان، به دست گرفته بود.

پس از انقلاب طبق مصوبه کمیسیون شماره ۲ شورای انقلاب، کلیه اختیارات شاه را به رئیس جمهور واگذار نمودند. پس از تشکیل دولت محمد علی رجائی، بی‌سدر از همان ابتدا موضع گیریهایی را بر علیه وی و گابینه اتخاذ نمود و از تمام امکاناتی که در اختیار داشت، از جمله مصوبه فرمان همایونی کمیسیون شورای انقلاب، برای تضعیف دولت رجائی، حداکثر استفاده را می‌کرد. وی با استفاده از این قانون اختیار عزل و نصب رئیس شهربانی، فرمانده ژاندارمری و از همه مهمتر رئیس کل بانک مرکزی را از دولت سلب کرده بود، به طوری که در حساس‌ترین روزهای آغاز جنگ، دولت کثرتی بر بانک مرکزی و همچنین میزان ذخائر ارزی مملکت داشت. لذا مجلس شورای اسلامی قانونی را تحت عنوان حذف عبارت فرمان همایونی در جهت تقویت دولت رجائی تصویب کرد. این قانون که در تاریخ ۱۴ خرداد ۶۰ از تصویب نهایی مجلس گذشت، شامل یک ماده و سه تبصره می‌باشد و در آن حاکمیت دولت بر بخشی از دستگاههای اجرائی، تصریح شده است.

وسائل فنی - که از گذشته با آمریکا داشته‌ایم و نیاز داریم - مشورت کرد و گفتم مانعی ندارد، مذاکره شود، قسمت عمده پول آن را پرداخته‌ایم و اگر ما منصرف شویم، خسارت زیادی متحمل می‌شویم. دستگاہهای جالب و مفیدی هم هستند، که بهتر است بگیریم. عصر، در جلسه شورای مرکزی حزب شرکت کردم و شب، در جلسه مشترک نمایندگان و مجریان هوادار حزب؛ مسئولان قضائی به انتقادات پاسخ دادند.

دوشنبه ۴ خرداد

۲۰ رجب - ۲۵ می

جلسه علنی داشتیم و کارها به خوبی گذشت. [طرح اصلاح خدمت] خارج از مرکز پزشکان [دندانپزشکان و داروسازان] و کلیات لایحه معاملات مسکن تصویب شد. ظهیر، امام جمعه و نمایندگان مردم پاوه آمدند. سه خواسته داشتند: ۱- اصلاح اصل دوازده قانون اساسی در مورد رسمیت اهل سنت، ۲- جلوگیری از اهانت نسبت به چهره‌های اهل سنت، ۳- کمک به شهرداری پاوه. گفتند، کتابی در مذمت ائمه اهل سنت در منطقه منتشر شده و اسم نویسنده، آقای هاشمی است [و ضدانقلاب شایع کرده که منظور رئیس مجلس است؛ که من رسماً تکذیب کردم. از چه شیوه‌های زشتی، برای تضعیف جمهوری اسلامی استفاده می‌کنند!]. آقایان الویری، پورمحمدی دادستان مسجد سلیمان و بهادری آمدند و درباره اینکه آقای بهادری به هند برود یا در مسجد سلیمان بماند، مشورت می‌کردند. جوان جالبی است. شب، در جلسه وعاظ تهران، در مسجد شهید مطهری، شرکت کردم. حدود پنجاه نفر بودند. جلسه خوبی بود. درباره اهمیت انقلاب اسلامی و اینکه برای اولین بار، حکومت اسلامی شیعی، براساس ولایت فقیه و احکام اسلامی و حاکمیت فقه اسلام به وجود آمده و ریشه

۱- نام این کتاب منافق و منافقین و نام نویسنده (ع. هاشمی) درج شده است. این کتاب که حاوی توهین‌هایی به مقدسات اهل سنت، از جمله عمر خطاب خلیفه دوم مسلمین می‌باشد، توسط افراد ضدانقلاب با هدف ایجاد تفرقه و تواراندن اهل سنت در مناطق کردنشین پاوه و او را اهانت پخش شده بود. آقای هاشمی رفسنجانی، به ستاد مشترک فرهنگی جهاد و سپاه پاوه درباره این کتاب چنین پاسخ دادند:

سمه تعالی - اینجانب علاوه بر اینکه با طرح هرگونه مسائل تفرقه‌انگیز مخالفم و خلاف شرع مقدس می‌دانم، اهانت به چهره‌های تاریخ صدر اسلام را گناه می‌دانم و بنابراین تهمت را جداً تکذیب می‌نمایم و انتظار دارم برادران و خواهران اهل سنت رشیدتر از آن باشند که تحت تاثیر این گونه نوطه‌ها، قرار گیرند. اکبر هاشمی رفسنجانی

اختلافات ما و لیبرالها همین جا است که آنها فقه ما و ولایت فقیه را قبول ندارند و پس از تدوین قانون اساسی درگیریهای جدی شروع شد؛ نمونه‌هایی از اظهارات بنی‌صدر و بازرگان و دیگران را نقل کردم.^۱

شام در همان مجلس صرف شد و دیر وقت به خانه آمدم. تلویزیون مناظره آقایان بهشتی، پیمان و کیانوری و افرخ نگهدار، عبدالکریم سروش و آیت‌الله مصباح را پخش می‌کرد. تا ساعت یک و ربع بامداد بیدار ماندم.

سه شنبه ۵ خرداد

۲۱ رجب - ۲۶ می

به خاطر کم خوابی شب، بعد از نماز تا ساعت هشت و نیم خوابیدم. جلسه علنی داشتیم. لایحه معاملات مسکن، به خاطر بودجه، سکوت ماند. بحث بودجه، مذاکراتش نامحدود است. برای مخالفان دولت میدان بازی است که اعتراض سیاسی خود را تعقیب کند. آقای گلزاده غفوری تند صحبت کرد و آخر کار هم با مظلوم نمایی کارش را تمام کرد. می‌خواهند هم مجلس را تضعیف کنند و هم دولت را. ظهیر، هیأت دولت، مهمان مجلس بودند، وسیله خوبی است برای رفع مشکل نمایندگان در کارهای ارجاعی مردم. عده‌ای از علمای اهل سنت ترکمن دشت هم بودند و خواستار اجازه تدریس طلاب سنی در مدارس خودشان بودند. می‌خواستند آنها را با عنوان دیپلم استخدام کنیم. شب با آقای باهنر و آقای رجائی صحبت کردیم و راهی در نظر گرفتیم؛ آزمایشی و سپس مدتی کار آموزی و سپس دیپلم و استخدام.

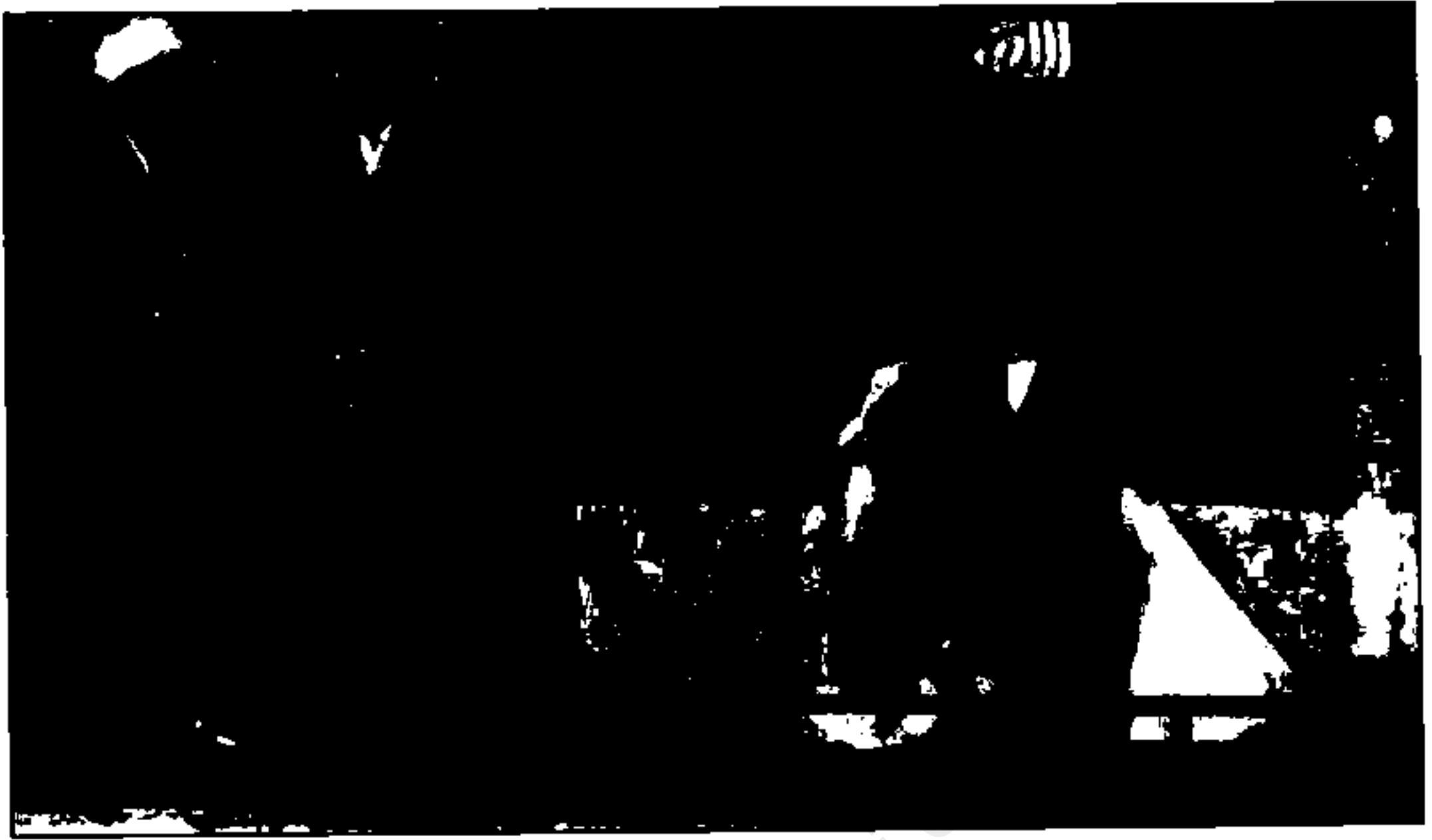
بعد از ظهر، مصاحبه‌ای با روزنامه کیهان داشتم، به مناسبت سالگرد افتتاح مجلس^۲. سپس

۱ - در این سخنرانی آقای هاشمی رفسنجانی به نقش روحانیت در تاریخ ایران اشاره کرده و در مقام مقایسه گفتند: در هیچ عصری روحانیت مانند الان در صحنه نبوده و اسلام قهارتی در این زمان پیدا شده است؛ ولایت فقیه می‌بایست همواره در صحنه‌های سیاسی، اجتماعی و غیره حضور داشته باشد.

آقای هاشمی سپس به مسأله اختلاف افغری که گروهها و اشخاص با روحانیت داشته و دارند پرداخته و اظهار داشتند: حتی در زمان مجلس خبرگان نیز اختلاف آن چنان وجود نداشت، اما به محض اینکه اصل ولایت فقیه در مجلس خبرگان به تصویب رسید، سرزاسازگاری با روحانیت آغاز شد. آنها گمان می‌کردند که روحانیون، همانند دوران گذشته، پس از اینکه انقلاب به پیروزی رسید، دنبال کار خودشان می‌روند و دیگر نقشی در سیاست نخواهند داشت.

۲ - کتاب هاشمی رفسنجانی - مصاحبه‌های ۱۳۶۰.

کتاب هاشمی رفسنجانی - سخنرانیهای ۱۳۶۰.



ملاقات نمایندگان مجلس با امام (به مناسبت سالگرد افتتاح مجلس)

آقای دکتر [عبدالله] جاسبی آمد و از ابهام مسئولیت و اختیارات کارش به عنوان مشاور اقتصادی دولت، گله داشت. شب با آقای رجائی صحبت کردم، ایشان هم توضیح نتوانست بدهد. کار ایشان با برنامه و بودجه و سازمان امور اداری و استخدامی و بسیاری از وزارتخانه‌های دیگر تداخل دارد.

شب در نخست وزیری، با آقایان رجائی، خامنه‌ای، باهنر، ابهزاد انبوی و اخوی محمد، جلسه مشاوره داشتیم. درباره خیلی از مسائل تصمیم گرفتیم. قرار شد با لیبی، سیاست دوستانه ولی منظم و منضبط داشته باشیم.

چهارشنبه ۶ خرداد

۲۲ رجب - ۲۷ می

اول وقت، آقای علی هاشمی مسئول تدارکات جهاد استان گیلان آمد، که برای تهیه ماشین آلات سنگین برای جهاد، راهنمائیش کنم. ساعت نه صبح برای ملاقات نمایندگان مجلس با امام، به منزل امام رفتم. به مناسبت سالگرد افتتاح مجلس، این ملاقات انجام می‌گرفت. قرار بود ملاقات خصوصی و در بسته باشد، ولی امام ترجیح دادند که باز باشد و مطالب پخش شود و چه خوب شد. اول، من مقداری صحبت کردم. گزارش از کار و وضع مجلس دادم و از امام برای راهنمایی و تقویت مجلس استمداد کردم^۱.

امام، سخنرانی تاریخی مهمی کردند^۲. آن چنان مهم که اهل نظر گفتند، انقلاب جدیدی است. نسبت به مخالفان خط امام آن چنان کوبنده [بود] که عده‌ای باور نمی‌کردند، پخش می‌شود. لیبرالها و مخصوصاً بنی‌صدر و نهضت آزادی را خوار و ضعیف کردند. به آنها فضول و غلط کردی گفتند^۳ و تصمیمات مجلس را غیر قابل خدشه معرفی کردند. روحانیت و خط امام

۱ - کتاب "هاشمی رفسنجانی - سخنرانیهای ۱۳۶۰".

۲ - در این سخنرانی تاریخی و سرنوشت ساز - که در صفحه ۱۲۱ جلد ۸ مجموعه صحیفه نور به چاپ رسیده است - امام خمینی، قاطعانه از موضع مجلس و دولت شهید رجائی دفاع کردند و تلویحاً بنی‌صدر و تعدادی از نمایندگان مجلس - فراکسیون اقلیت - را تهدید به مقابله فرمودند. سخنان امام خمینی آن چنان با اهمیت و قاطع بود که لیبرالها و دشمنان خط امام را به شدت مرعوب ساخت و منجر به عزل بنی‌صدر از جانشینی فرماندهی کل قوا و سپس از ریاست جمهوری شد.

۳ - دقیقاً جمله حضرت امام به این صورت بود: نمی‌شود از شما پذیرفت که ما قانون را قبول نداریم، غلط می‌کنی قانون را قبول نداری، قانون تو را قبول ندارد.... شماها به بن‌بست رسیدید، می‌گویید خوب، چه بکنیم، بگذارید اسلام نباشد تا ما باشیم، بگذارید ایران نباشد. شما ایستاده‌اید تا پای اینکه ایران نباشد، دست بردارید از فضولی‌ها، برای خدا کار کنید، برای خدا آرامش بگیرید.

و پاسداران را خیلی صریح تقویت کردند. خدا حفظشان کند. قبل از شروع ملاقات ما، اعضای شورای عالی قضائی، خدمت امام بودند به جز آقای ربانی اشیرازی، احمدآقا هم بود. من هم در قسمتی از جلسه شان رسیدم، بحث بر سر موضع ما با مخالفان و لیبرالها بود، مطالب خوبی گفته شد و تصمیمات خوبی گرفته شد. قرار شد هیأت سه نفری، صریحاً تخلفاتشان را بگویند. دادگاهها هم قویاً عمل کنند و حتی در مورد تعطیل روزنامه‌های ضدانقلاب.

امام گفتند، مجلس محکم روی موضع قانونیش بماند و گفتند بنی صدر به خاطر اطرافیان نابکارش، خودش را حذف می‌کند. احمدآقا هم خوب کمک می‌کرد. ظهر به خانه آمدم. عفت، یاسر و مهدی هم بودند. ناهار خیلی خوب و با صفا بود و یاسر حضور من را در ناهار خانه، جبران نمودن دو شب شام خواند. عصر جلسه علنی داشتیم. پنج ساعت بحث بودجه بود. مخالفان خیلی بی محتوا صحبت کردند، موافقان خیلی خوب جواب دادند: خلخالی و انصاری. لیبرالها در مجلس خیلی سرشکسته بودند، به خاطر حرفهای امام، حرفهای امام در جو مجلس هم خیلی اثر داشت. اگر نبود، بحث بودجه خیلی جنجالی و تشنج زا می‌شد. مخالفان خلع سلاح شده بودند و موافقان آرام.

پنجشنبه ۷ خرداد

۲۲ رجب - ۲۸ می

جلسه علنی داشتیم. ادامه بحث بودجه، آقایان (دکتر حسن آیت، اعلی اکبر) مناطق نوری، (احمد) سلامتیان و (عباس) مظفر، صحبت کردند. بیشتر صحبتها سیاسی بود و هر کس در خط خود و علیه مخالف خود، صحبت می‌کرد؛ بودجه بهانه‌ای شده است، برای تصفیه حسابهای سیاسی. آئین نامه ناقص است، باید اصلاح شود. هیأت رئیسه تشکیل شد و برنامه هفته آینده را تنظیم کردیم.

بعد از استراحت، به سوی قم حرکت کردیم. در مدرسه فیضیه در جلسه با شکوهی از طلاب به مناسبت پایان سال تحصیلی، شرکت کردم و سخنرانی نمودم^۱ و به سئوالات [آنان] پاسخ دادم. فکر می‌کنم خیلی مفید باشد. مطالبی که گفتم، می‌تواند در تمام دوران تعطیلی که طلاب

به اطراف کشور برای تبلیغ می‌روند، الهام بخش باشد. اهمیت انقلاب اسلامی و محتوای دو خط مهم موجود: خط امام و لیبرالیسم.

در دفتر مدرسه، حاج آقا مجتبی عراقی از انتشارات مجلس برای کتابخانه قم (کمک) خواست، قبول کردم.

چند طلبه کرمانی، زمینی برای مسکن می‌خواستند، قرار شد تهیه کنم. تعدادی قطعه زمین از پیش از انقلاب داشته‌ام که معمولاً به طلاب نیازمند، می‌بخشم. سرشب، به دیدن آیت الله العظمی گلپایگانی رفتم. مهربان برخورد کردند. تذکراتی درباره مراعات اخلاق در مجلس، تصفیه قوانین گذشته از مطالب خلاف، تصمیم در مورد مسائل مبهم، رسیدگی به تخلفات نهادهای انقلابی و احتیاط در روابط بالایی دادند. از اینکه من گفته بودم، در خانه ایشان ردپای ضدانقلاب را دیده‌ام، گله کردند؛ که درباره همه آنها توضیحات قانع کننده‌ای دادم.

شب را در منزل آقای منتظری خوابیدم. ایشان قرص مسکن خورده بودند و خواب آلود بودند و از ضعف کار قوه قضائیه گله و انتقاد داشتند و اطرفیان‌شان از حذف گروه نوری از صداوسیما، خوشحال بودند و از بیانات اخیر امام. چون هوا گرم بود و کولر هم نداشتند، شب را کنار پنکه خوابیدم و خیلی دیر به خواب رفتم.

جمعه ۸ خرداد

۲۲ رجب - ۲۹ صی

صبحانه را در خدمت آقای منتظری، در منزل ایشان صرف کردیم. آقایان محسن رضائی و ارضا سیف‌اللهی آمدند و درباره کیفیت عملکرد پس از بیانات امام، بحث کردیم. پس از خدا حافظی به منزل آیت‌الله العظمی انجمنی مرعشی رفتم. از اسپانیا برگشته بودند. برای معالجه چشم رفته بودند. بحث به کتابخانه ایشان منجر شد. از کتابخانه ایشان دیدن کردم. کتابخانه جامعی است، بیش از صد هزار کتاب، و کتب خطی قدیمی ارزشمند، دستگاه فیلم و میکروفیلم غنی دارد. کتابخانه شخصی ایشان بوده که وقف کرده‌اند و نگران اداره آن بعد از خودشان بودند. من پیشنهاد کردم که وابسته به مجلس شورای اسلامی کنند.^۱

۱ - در برنامه اول توسعه، با مساعدت آقای هاشمی رفسنجانی، کتابخانه جدیدی در کنار کتابخانه قدیمی ساخته شد که از مجهزترین کتابخانه‌های موجود در سطح کشور است. بعد از ارتحال حضرت آیت‌الله نجفی مرعشی، فرزند ارشد ایشان، مدیریت این مجموعه گرابها را برعهده دارد.

سپس به مرکز حزب جمهوری اسلامی رفتیم و با اعضا، مقداری صحبت کردیم. نسبتاً خوب کار می‌کنند. گفتند روزی چهارهزار تومان کتابهای هدفی می‌فروشند و نوارهای خوب هم روزی سیصد عدد پر و منتشر می‌کنند. کلاسهای خوبی دارند. همانجا با تلویزیون، درباره سفرم به قم و پانزده خرداد مصاحبه کردم.^۱

به طرف تهران حرکت کردیم. در بین راه، خطبه‌های نماز جمعه را گوش دادم و مستقیماً به دانشگاه تهران رفتم و در نماز جمعه شرکت کردم. به خانه آمدم. عفت با بچه‌ها و حسین آقامرعی به پارک ارم (خرم سابق) رفته بودند. آنجا به خاطر سوء رفتار مسئولان با مردم، درگیری پیش آمده بود. تلفنی از خانه خواسته بودند که کسی برود و وضع را ببیند. آقای رحمانی پاسدار رفت و آمد و عفت خیلی ناراحت بود و هنوز ناراحت است. اگر این گونه که می‌گوید باشد، حق با اوست، باید آنها ادب شوند. ان شاء الله رسیدگی خواهم کرد.

شنبه ۹ خرداد

۲۵ رجب - ۲۰ می

جلسه علنی داشتیم و بحث بودجه بود. سخنرانیها طولانی بود و اداره آسان و کمتر نیاز به دخالت داشتم. تا آخر جلسه ماندم. چون شنبه بود و عده‌ای دیر آمدند؛ به خاطر رفتن به سفر، سه ساعت جلسه دیر تشکیل شد. عصر جبران کردیم و اسامی غائبان را دادیم و در اخبار صداوسیما خوانده شد. مؤثر افتاد بعضی‌ها را گله‌مند کرد.

عصر، مصاحبه‌ای با کیهان و امید انقلاب و مجله دیگری در خصوص پانزده خرداد و مجلس داشتم.^۲ آقایان محسن رضائی و محمدزاده آمدند. درباره کیفیت حرکت بعد از بیانات امام بحث کردیم. شب را در مجلس خوابیدم. برای استراحت بیشتر، فرصتی شد برای مطالعه بسیاری از گزارشات و مکاتبات که روی میز، جمع شده بود.

شب، خبر دادند که از بیرون به یکی از پادگانهای ارتش تیراندازی شده است. این عمل چند هفته پیش هم اتفاق افتاده بود. لابد برنامه‌ای است که باید عوامل و اهداف آن را کشف کرد.

خبر رسید که باند تروریست بندرعباس که اخیراً چند ترور انجام داده بودند، به

دام افتاده‌اند؛ جالب است و خبر رسید که چندتن از اشرار بلوچستان که در ترور روحانی متعهد اهل سنت زابل «حسین بر» و کشتن ژاندارمها دست داشتند، دستگیر شده‌اند.

یکشنبه ۱۰ خرداد

۲۶ رجب - ۲۱ می

چون در مجلس خوابیده بودم، پیش از شروع جلسه علنی، کارهایی انجام دادم. از ساعت هفت صبح، جلسه علنی داشتیم. چهاردوازدهم بودجه، مطرح بود و نوبت دفاع دولت. تا ساعت یک بعدازظهر طول کشید. ظهیر، آقای لطیف صفری نماینده اسلام آباد غرب، آمد و حکمی می‌خواست که به استناد آن، در کارهای منطقه دخالت کند. برای اصلاح امر، حکم کلی ندادم. حکمی برای رسیدگی به جنگ زده‌ها دادم.

بعدازظهر، نماینده اخوان المسلمین - ابراهیم صالح - با آقای ابراهیمی از دفتر آقای منتظری آمدند. پیشنهاد مذاکره سری با شخصیت‌های عربستان سعودی، برای تفاهم با آنها و جدا کردن آنها از صدام داشت. می‌گفت کشورهای عربی، اگر از ایران مطمئن شوند، از صدام می‌برند و او بدون آنها نمی‌تواند زندگی کند؛ حتی اردن. گفتم از ملاقات در ایران، ابایی نداریم. چند نفر از رهبران کردهای مسلمان عراق هم آمدند و از مشکلاتی که توسط بارزانی‌ها در راه جهاد آنان، ایجاد می‌شود و اینکه ادارات ایرانی، رسبیت برای اینها قائل نیستند، گله داشتند. آقای نصری و آقای علیخانی هم آمدند و درباره انتخابات بوئین زهرا مشورت کردند. در جلسه شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی شرکت کردم. بحث بیشتر درباره قوه قضائیه بود. شب در جلسه مشترک نمایندگان مجلس و مسئولان اجرایی هواداران حزب، شرکت کردم و تحلیلی از بیانات اخیر امام در خصوص تقویت مجلس و محکوم کردن لیبرالها ارائه دادم. وزیر بازرگانی، لایحه ملی کردن تجارت خارجی را تشریح کرد.

در خانه آقای توسلی با جمعی از دوستان دفتر امام، مهمان بودیم.

دوشنبه ۱۱ خرداد

۲۷ رجب - ۱ ژوئن

عید مبعث بود و کاری نداشتم. دو روز خاطره نویسی عقب بودم. با استفاده از حافظه نوشتم. شب را به علت مهمان بودن بچه‌ها در منزل شهید مطهری، برای جشن عروسی پسرشان و غفلت‌شان از شام، من شام نخورده خوابیده بودم، راحت‌تر از شبهای دیگر؛ بهتر این است که

شبها شام نخورم یا خیلی سبک بخورم؛ به دلیل اینکه ظهرها غذای خوبی نمی خورم، گاهی شبها غذای سنگین مصرف می شود و این خوب نیست.

صبح اول وقت، سرهنگ وحید رئیس شهربانی آمد. از محکوم شدن سرتیپ البرزی به سه ماه زندان و انفصال دائم، ناراحت بود، گفتم به علت عدم صلاحیت دادگاه، ممکن است نجات یابد. از مخالفت های آقای زواره ای، گله داشت.

حبیب فرزند علی آقاصفریان، دایی زاده که در جنگ، پایش قطع شده، آمد. سربازی بوده در دزفول. پای مصنوعی برای او ساخته اند، ولی به علت عدم وجود نایلون روی پا، هنوز تحویل او نداده اند و می گفت عده زیادی منتظر پا هستند. در هتل پارک، اتاقی به ایشان داده اند و اداره اش می کنند. دیپلم است و از این قبیل افراد فراوانند؛ باید فکراساسی برای معلولان جنگ کرد.

نزدیک ظهر، برای عرض تبریک به دیدن امام رفتم. فوق العاده ازدحام بود. در خیابان، پیاده شدم. در محاصره و فشار مردم که ابراز احساسات می کردند، قرار گرفتم. تا نجات از دستشان، خیلی خسته شدم. مردم چقدر مهربانند و وفادار.

آنجا، خبر شدم که منوچهر مسعودی، مشاور رئیس جمهور را به اتهام فساد، بازداشت کرده اند. احمد آقا می گفت، آقای بنی صدر می گوید به عنوان مشاور من اعلام نشود. با آقای رجائی، تماس گرفتم و ایشان به آقای لاجوردی گفت. قرار شد که موقتاً اعلام نشود. تلکس آمد که آقای احمد اسلامیان نماینده اصفهان را که برای افتتاح دفتر هماهنگی مردم با رئیس جمهور، می خواسته سخنرانی کند، حزب الهی ها مجروح کرده اند و مراسم را به هم زده اند و او با چادر فرار کرده است. بهتر بود بی چادر فرار می کرد که در تاریخ به اینگونه ثبت نشود!

از سپاه قائم، آمده بودند و شکایت داشتند که ارتشیان تانک هایی را که سپاه گرفته و به پشت جبهه آورده، می خواهند بگیرند.

عصر، با بچه ها به پادگان سعدآباد، برای تمرین تیراندازی رفتیم و برای سپاهیان سخنرانی کردم^۱. شب از سپاه برای مشاوره به خانه آمدند.

۱ - متن کامل این سخنرانی در دسترس نمی باشد. افرادی که در این جلسه سخنرانی حضور داشتند و با اینکه نوار این سخنرانی را در اختیار دارند، تقاضا می شود با دفتر نشر معارف انقلاب صندوق پستی ۱۹۳۹۵/۴۶۴۸ مکاتبه نمایند.

سه شنبه ۱۲ خرداد

۲۸ رجب - ۲ ژوئن

جلسه علنی درباره چهاردهم بودجه داشتیم. حرکت آقای سلامتیان در اول جلسه عصبانیم کرد. عصر هم، جلسه ادامه داشت.

آقای ملک پور، نماینده زرتشتیان شکایت داشت که دختر زرتشتی را در یزد که می‌گویند مسلمان شده، به خانه آقای صدوقی برده‌اند - و مدعی بود اسلام آوردن واقعیت ندارد. ولی قاعدتاً این ادعا درست نیست، قرار شد تحقیق کنم.

ظهر، معلمان و مربیان فنی خلبانی آمدند. از وضع استخدامی خود شکایت داشتند. عصر آقای جمی امام جمعه آبادان آمد و از خط حرکت در مقابل بنی صدر می‌پرسید. از فرمانده لشکر هفتادوهفت خراسان - که فرمانده اروند هم هست - شکایت داشت.

عصر، در جلسه دفترسیاسی شرکت کردم. درباره حرکت بعد از بیانات امام، علیه لیبرالها بحث شد. روزه بودم و برای افطار به مجلس رفتم.

پس از افطار با آقایان موسوی خوئینی‌ها، دکتر ولایتی و الویری، برای اجرای برنامه «ارتباط مستقیم با مسئولان» به تلویزیون رفتیم. از ساعت ده تا دوازده در برنامه شرکت کردیم. ابتدا شرحی از وضع مجلس دادیم و سپس جواب به سئوالات و در ضمن برنامه، فیلمهایی که تهیه کرده بودند، پخش می‌شد. یک سؤال پخش کرده بودند که به ما اطلاع ندادند و بی جواب ماند که بد شد. روز بعد، اعتراض کردم. می‌گویند اشتباه از مسئول سوئیچینگ بوده که ده روز حقوقش را زده‌اند.

چهارشنبه ۱۳ خرداد

۲۹ رجب - ۳ ژوئن

در جلسه علنی، با آقایان فواد کریمی، احسن آیت و عبدالحمید دیالمه که اعتراض آئین‌نامه‌ای داشتند، تند برخورد کردم و بالاخره امروز کار چهاردهم بودجه تمام شد. از خانه آیت‌الله صدوقی، سؤال کردیم. معلوم شد این دختر مسلمان شده و از خانواده‌اش که مسلمان نیستند، جدا شده و به خانه آقای صدوقی پناه برده است. آقای ملک پور، هنوز تعقیب می‌کند.

بعد از ظهر، جلسه هیأت رئیسه داشتیم. برنامه هفته بعد را تنظیم کردیم. کار زیاد است و وقت کم. آخر وقت، آقایان رضائی و محمدزاده از سپاه آمدند و درباره خط حرکت سیاسی، با

مخالفتان به‌نهایی کردیم. پیشنهاد کردند، گروهی خط دهنده و هدایت‌گر سیاسی انتخاب شوند. موافقت کردم، قرار شد افرادی را پیشنهاد دهند.

شب، هم در جامعه روحانیت مبارز دعوت داشتم و هم در منزل آقای دکتر ایدالله اسحاقی برای جلسه نمایندگان تهران و هم در منزل آقای خامنه‌ای برای تهیه پول برای مخارج حزب و روزنامه.

اول وقت به خانه آقای خامنه‌ای رفتم؛ چون خودشان نبودند، نماندم. آقای بهشتی نیامده بودند، خود آقای خامنه‌ای با مدعوین مذاکره کرده‌اند و حدود ده میلیون تومان، تعهد یا نقد گرفته‌اند. شصت میلیون تومان نیاز داریم.

در جلسه روحانیت، هدفشان این بود که اعتبار مخدوش شده جامعه روحانیت مبارز تهران را با ائتلاف مجدد با نیروهای انقلابی روحانی که به خاطر روابط جامعه و آقای بنی‌صدر از جامعه کنار گرفته بودند، به دست آورند. انصافاً خیلی کوتاه آمدند. آقای عبدالمجید معادینخواه و دکتر احسن روحانی، سخت‌گیری می‌کردند، برای تجدید اعتبار جامعه، بالاخره نسبتاً موفق شدند. قرار شد از نو جامعه را تجدید سازمان کنند. آقای بهشتی هم رسیدند. شام را همان جا خوردیم و به منزل آقای سحابی نرسیدیم، لابد سخت گله‌مند می‌شوند و حمل بر علل سیاسی می‌کنند، ولی من مایل بودم بروم، آقای اشیر فضل‌الله محلاتی مانع شد. به خاطر اهمیتی که برای جلسه جامعه قائل بودند، خودشان قرار شد، عذر من را بگویند.

پنجشنبه ۱۴ خرداد

۱ شعبان ۳۰ زونن

در جلسه علنی، بحث در مورد اصلاح موارد اعتراض شورای نگهبان به مصوبات لایحه حذف «فرمان همایونی» و طرح بنیاد جنگ زدگان بود. آئین‌نامه برای این کار وضع مبهمی دارد. به زحمت، توانستیم آن را در دستور کار قرار دهیم و تمام وقت جلسه امروز را گرفت. اعتراضات شورای نگهبان خیلی کوچک و کم‌اهمیت بود. ای کاش که در آینده این گونه چیزها نباشد.

ظهر، گروهی از شعرا و خطبای عرب خوزستان به ملاقاتم آمدند برای تبلیغ انقلاب اسلامی عازم کشورهای عربی هستند، سرودی خواندند و سخنانی گفتند. جالب بود. من هم برایشان

صحبت کردم و روی تقدم اسلام بر نژاد و زبان و وحدت مسلمین صحبت کردم^۱. مشکلاتی در کارشان است که از من خواستند حل کنم، عده زیادی هستند، نمی دانم طراح برنامه کیست. عصر، گروهی از مبارزان مسلمان متعهد فلسطینی، آمدند که خط اسلامی مبارزه فلسطین را تشکیل داده اند و حمایت می خواستند.

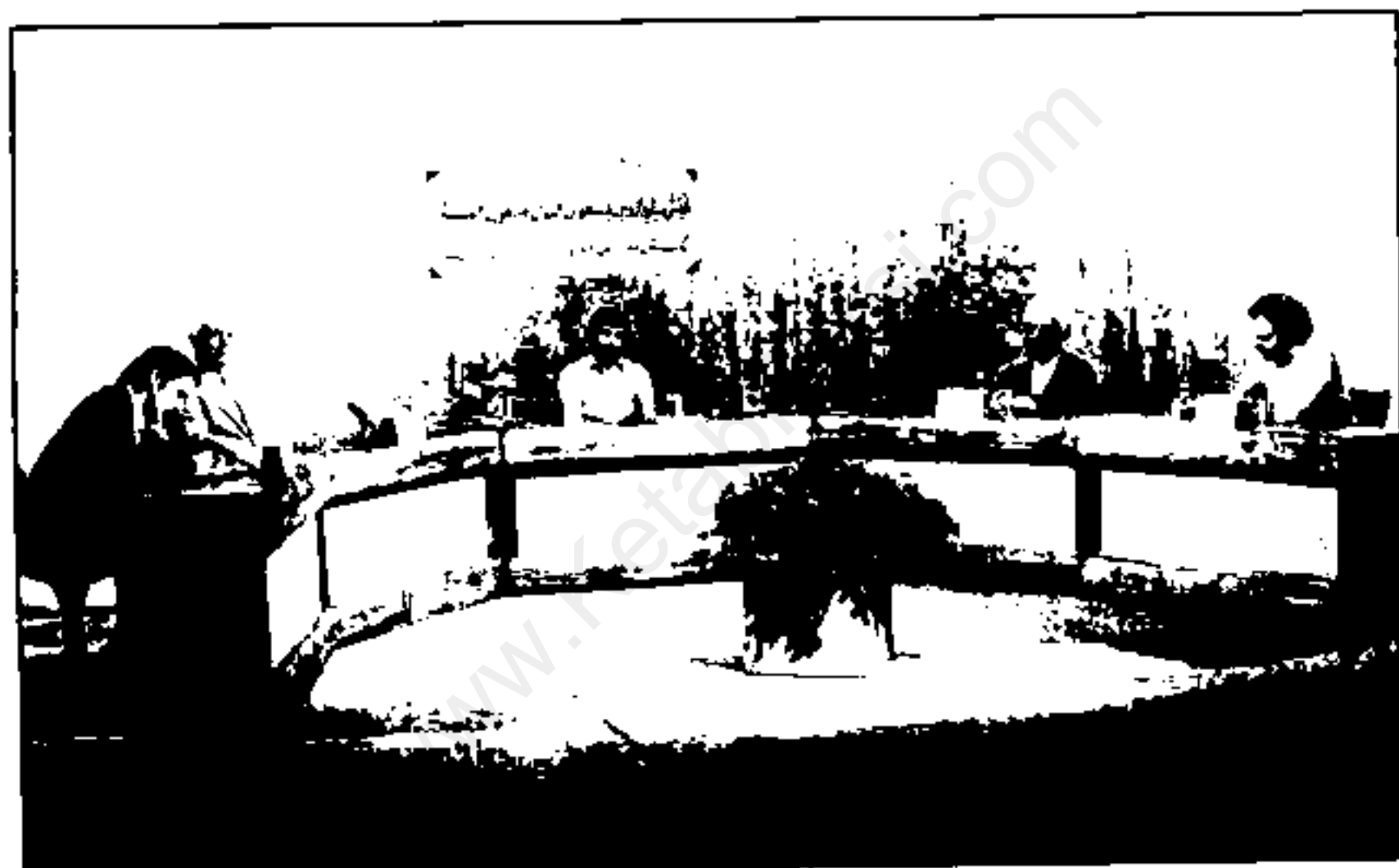
سپس، در جلسه واحد کارگران حزب، شرکت کردم و دو ساعت با آنها برنامه داشتم. جالب بود و بلافاصله، نمایندگان انجمنهای اسلامی سازمان بیزیستی آمدند؛ نیم ساعت هم برای آنها صحبت کردم^۲، راستی که چقدر نیروی اسلامی داریم!

اول شب، در نخست وزیری با احمدآقا خمینی و آقای رجائی، جلسه ای داشتیم. احمدآقا مطالب مهمی داشت. حسابی همراهی می کنند؛ مسأله گروه مسلح مستقل چمران، مسأله بنی صدر و راه حلبایی داشت. از وضع رفاهی بد شهر قم می گفت و توصیه امام را در خصوص رسیدن به وضع قم و جنگ زدگان، معتقد است که امام باید صریحاً با بنی صدر برخورد کنند. شب، به دعوت خانم اعظم طالقانی در منزل برادرش که جلسه خانوادگی طالقانی ها بود، شرکت کردم؛ بحثهای زیادی شد.

جمعه ۱۵ خرداد

۲ شعبان - ۵ زونن

تقریباً تمام وقت، در منزل ماندم و فقط برای نمازجمعه بیرون رفتم. اول وقت آقای ری شهری تلفن کرد و گفت آقای بنی صدر به آقای غفوری، استاندار مشهد گفته است که من مثل همین قله دماوند به رأی العین می بینم که عمامه آقای ری شهری را به گردنش انداخته اند و در خیابانها می گردانند. مشورت می کرد، درباره کیفیت جواب و این حرف مال کسی است که مطمئن است، کودتائی در پیش است که لیبرالها و تصنیه شده های ارتش حاکم می شوند. در غیر این صورت، درباره قاضی شرع دادگاههای ارتش، چه کسی چنین رفتاری خواهد داشت. ظهر، همراه عفت به نمازجمعه رفتیم. برای پانزده خرداد، جمعیت عظیم و غیرقابل انتظاری جمع شده بودند. ضدانقلاب از این جمعیتها ناراحت و مأیوس می شود. عصر مقداری از مناظره ایدئولوژیک را تماشا کردم. توده ای ها و فدائی ها، خیلی بی منطق و ضعیف حرف



مناظره ایدئولوژیک

می زدند؛ حتی نتوانستند "تضاد" را تعریف کنند. وقتی که "تضاد" را که جوهر دیالکتیک است، نتوانند تعریف کنند، چگونه اثبات می کنند؟!

مقداری هم با بچه ها و پاسدارها پینگ پنگ بازی کردم و جواب چند مراجعه را نوشتم. شب، رئیس واحد حفاظت سپاه پاسداران، آقای صلاح‌مندی آمد و پیشنهادات اصلاحی برای کار حفاظت داشت. به نظر می‌رسد، مرد خوبی باشد. در خط امام است و همراهی داشت. دعوت به حضور در جلسه‌ای در مسجد محمدی می‌کرد، وعده حتمی ندادم.

شنبه ۱۶ خرداد

۳ شعبان - ۶ زون

صبح اول وقت، برای اولین بار پس از پیروزی انقلاب، برای دیدن وضع کتابخانه به مجلس شورای قدیم رفتم. یک ساعت تمام قسمت‌ها را بازدید کردم. کتابخانه مجهزی است و کتاب خوان کم دارد. روزی به طور متوسط، ده نفر مراجعه می‌کنند، پانصد هزار کتاب دارد و بیش از بیست نفر، کار می‌کنند. سپس از کتابخانه شماره ۲ در محل مجلس، بازدید کردیم. اینجا فعال‌تر و با انضباط‌تر است و با امکانات کمتر، ولی اینجا هم، مراجعه‌کننده کم دارد. چند نفر از کارمندان مجلس را احضار کردم و در خصوص اتهامات به یکی از کارمندان، در خصوص نوشتن نامه‌های خلاف عفت، به یکی از کارمندان زن مجلس، تحقیق کردم. تقصیر ثابت شد.

آقای عبدالحمید دیالمه آمد و مطالبی گفت که خود را از اتهام انجمنی اجنبیه بودن تبرئه نماید، قبول کردیم. آقای دکتر احسبی آمدند، مذاکره کردیم، در خط امام است و پیشنهاد مراودت بیشتر با آقای بنی‌صدر می‌کرد. از عواقب اختلافات خائف بود. می‌خواست ترتیبی برای مشروعیت غیبت ایشان، از مجلس برای شرکت در ستاد انقلاب فرهنگی داده شود.

عصر، ملاقاتی با سفیر شوروی داشتم. می‌خواست از کلیه اختلافات داخلی ما با خبر شود که چیزی به دست نیاورد. تشبیه به اختلاف شوروی با چین و یوگسلاوی و... کردم و از اینکه مسئولان ایرانی، شوروی را دشمن انقلاب ایران، می‌گویند، ناراحت بود. گفتم تجاوز شما به افغانستان چنین روحیه‌ای می‌دهد و از ایشان خواستم به تجاوز خود خاتمه بدهند و افغانستان را به حال خود بگذارند. خواست، قضیه را با نفوذ آمریکا در جنوب خلیج فارس، مربوط کند،

جواب دادم.

با خبرگزاری لیبی هم، مصاحبه طولانی داشتم^۱. چند نفر از طلاب قم هم آمدند و زمین می‌خواستند. شب در جلسه دوستان هوادار حزب در منزل آقای میرشکاری، شرکت کردم. آقایان خامنه‌ای و باهنر هم بودند و فیلم روز پاسدار را دیدیم که جالب و حزب‌اللهی و ضدلیبرالی بود.

یکشنبه ۱۷ خرداد

۴ شعبان - ۷ ژوئن

روزه گرفتم؛ آخرین روزه از شش روز، روزه قرضی که دو سال پیش به علت نفاقت بعد از تیر خوردن^۲ و عمل جراحی نگرفته بودم. جلسه علنی داشتیم. لایحه معاملات اماکن مسکونی، مطرح بود. لایحه مشکلی است. محدودیت‌هایی که پیشنهاد شده، از نظر جمعی مخالف اسلام است.

دو فوریت طرح قانونی شدن مصوبات مجلس، بدون امضاء رئیس جمهور، پس از تأیید شورای نگهبان و گذشتن پنج روز نیز تصویب شد. این طرح هم بدون سروصدا نیست^۳. ظهر، خبر تعطیل موقت روزنامه‌های انقلاب اسلامی، میزان، آرمان ملت، مردم و جبهه ملی از طرف دادستان انقلاب اسلامی تهران، پخش شد. اقدام جسورانه‌ای است^۴. قرار نبود تعطیل شوند، مخصوصاً در آستانه انتخابات. تحقیق کردم معلوم شد شورای عالی قضائی هم

۱ - کتاب هاشمی رفسنجانی - مصاحبه‌های ۱۳۶۰.

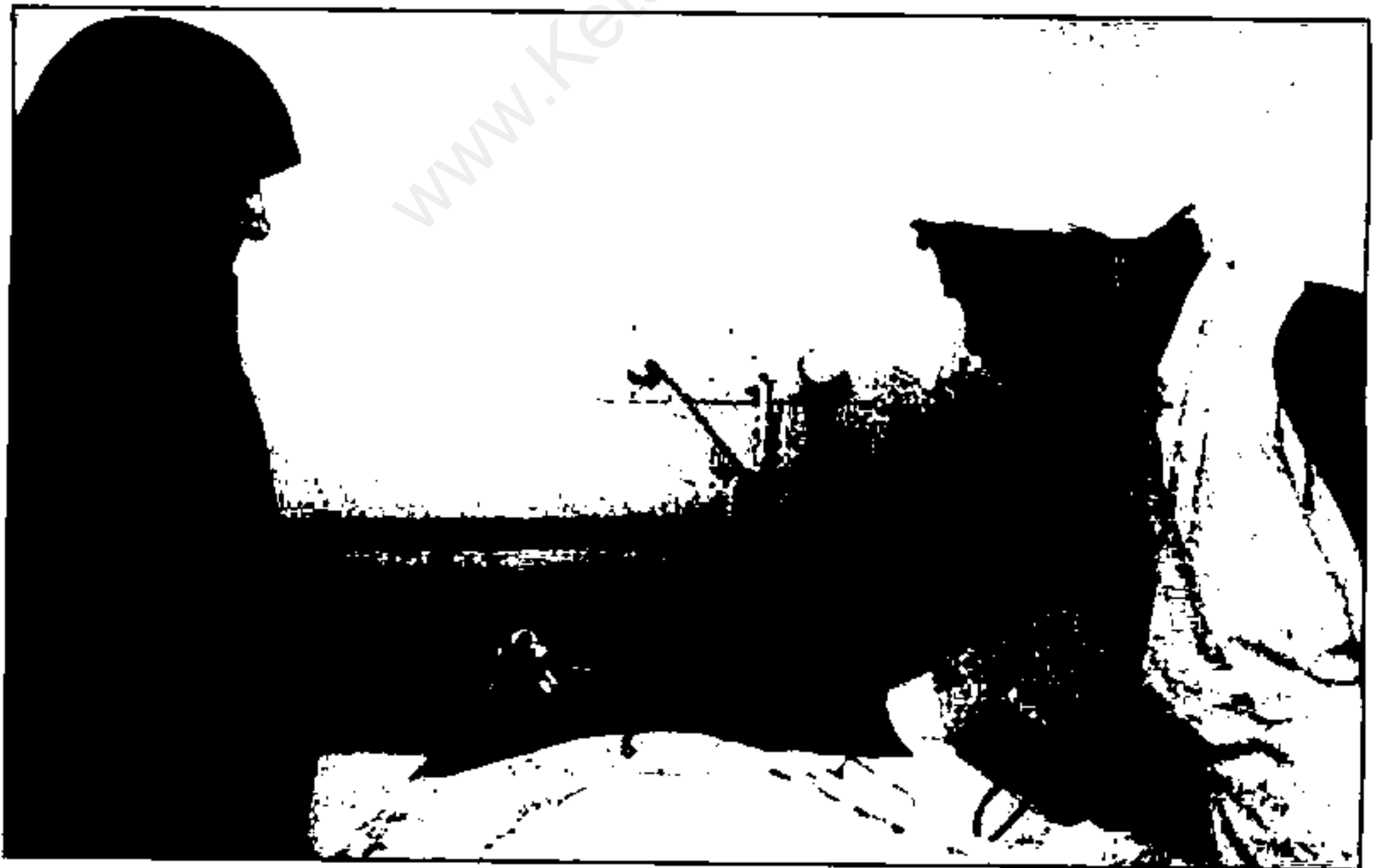
۲ - آقای هاشمی رفسنجانی در خرداد ماه سال ۱۳۵۸ توسط تروریست‌های گروه فرزان مورد سوء قصد واقع شد و با رشادت و اقدام به موقع همسرشان - بانو عفت مرعشی - از این ترور، جان سالم بدر بردند.

۳ - این طرح به خاطر امتناع آقای بنی‌سدر رئیس جمهور از امضاء و ابلاغ برخی از مصوبات مجلس، تهیه و تصویب شد. او مدعی بود، می‌تواند، مصوبات مجلس را قبول و ابلاغ نکند که با تصویب شورای نگهبان - که قانون اساسی را تفسیر می‌نمود - مشکل حل گردید.

۴ - متن کامل حکم دادستانی به این شرح است:

بسمه تعالی - امت قهرمان و متعهد ایران، نظر به اینکه روزنامه‌های آرمان ملت، انقلاب اسلامی، جبهه ملی و میزان با نشر مقالات تشنج‌زا و مخل به مبانی اسلامی و حقوق عمومی جامعه نوپا و انقلابی مردم مسلمان ایران، بالاخص در زمان جنگ با ایجاد جو مسموم و اختلاف‌انگیز، موجب اعتراض و شکایت اقشار مختلف مردم شده‌اند و هیأت سه نفره حل اختلاف نیز تخلف آنها را محرز دانسته است، لذا تا اطلاع ثانوی روزنامه‌های فوق‌الذکر توقیف و موضوع تحت رسیدگی و پیگرد قانونی می‌باشد. ضمناً تشریحات نامه مردم و عدالت که در حال توطئه خرنده علیه جمهوری اسلامی و مبانی مقدس اسلامی می‌باشند، نیز تا اطلاع ثانوی توقیف می‌باشند. دادستان انقلاب جمهوری اسلامی مرکز - سیداسدالله لاجوردی.

خرداد ۱۳۵۸ ترور توسط گروه فرقان



عیادت دکتر مفتاح از آیت الله هاشمی رفسنجانی در بیمارستان
این عکس همسر آیت الله هاشمی رفسنجانی را در کنار تخت بیمارستان نشان می دهد

جانب قبره سلم جبا بر معونه را شکی عزیز

رحم در پس که به بر رخسار آن آرد شده ز بهارستان پیام دار به رخسار آن کج بودی از زلف
 مدسره که زلف است در این تاریخ تا آخر زلف بسته به حواء آن بایر نه بند که کرم
 چون زلف زلف است بر یکا و دیگر بر قدرت با بند ملت ما زلف است چنانچه عظیم است
 سه روز شام زلف بدون نقد است این با این حدیث را عتبه نه میگویند بعد از
 مادر آرد کند میگویند کیفیت آن در سدی مطهر و شکر آرد کند بر چند آرد آرد
 شد در زبان یافته باشند و زلف بهر آنجا که برای بر قدرت و جانی که در آن
 بین این چشم بخورد ملت با تمام قرآ بایر در تمام سدی است و زلف کند و زلف آرد
 با کمال رقت بعد از این جانی که از زلف آرد کند و بهر آنجا که بر قدرت
 با سدر این نقد در زبان بر زلف آرد زلف نقد است از زلف نقد است
 در دست و آرد زلف که زلف زلف آرد اگر چه خود آن را زلف آرد
 معنی است بر زلف سدی خود آرد بهر وجه زلف زلف آرد زلف آرد
 خود زلف مایه زلف سدی در بهر آنجا که زلف نقد است سدی این
 دولت میکنیم بایر است جانی که زلف سدی و از زلف نقد است
 شو دولت هر چه است زلف سدی زلف سدی زلف سدی زلف آرد
 بر زلف سدی بر یک میگویم که در راه چرخ تا نزدیک شاد است بر زلف
 دولت داد بهر خدمت این در از قدر آرد زلف سدی زلف سدی
 عید و عید بهر سدی زلف سدی

جناب حجت الاسلام مجاهد متعهد آقای هاشمی عزیز

مرحوم مدرس که به امر رضاخان ترور شد از بیمارستان پیام داد به رضا خان بگویند من زنده هستم مدرس حالا هم زنده است ، مردان تاریخ تا آخر زنده هستند بدخواهان باید بدانند هاشمی زنده است چون نهضت زنده است. آمریکا و دیگر ابرقدرتها بدانند ملت ما زنده است . اجتماعات عظیم این دو، سه روز شاهد زنده بودن انقلاب است . اینان باین تلاشهای احمقانه نمی توانند انقلاب اسلامی ما را ترور کنند نمی توانند شخصیت انسانی، اسلامی مطهری و هاشمی را ترور کنند . هرچند ترورها حساب شده و سازمان یافته باشند و از لابلای آنها جای پای ابرقدرتها و جنایتکاران بین المللی به چشم بخورد . ملت با تمام قوا باید در مقابل دسیسه ها مقاومت کنند توطئه ها را بشکنند با کمال مراقبت انقلابی ، این جنایتکاران را شناسایی کنند و به دادگاههای انقلابی معرفی کنند . پاسداران انقلاب و رؤسای آنان موظفند از این شخصیتهای ارزنده انقلابی حفاظت کنند و رفت و آمدهای مشکوک را تحت نظر بگیرند اگرچه خود آنان راضی نباشند . ملت بزرگ اسلامی مصمم است به نهضت اسلامی خود ادامه دهد و اجازه دخالت خیانت کاران را در کشور خود ندهد . ماملتهای بزرگ اسلامی را به همکاری در این نهضت اسلامی ایران دعوت می کنیم باید دست جنایت کاران از ممالک اسلامی و از عموم مستضعفین قطع شود و وعده الهی به همت اقشار ملت های اسلامی تحقق یابد . من به آقای هاشمی فرزند برومند اسلام تبریک می گویم که در راه هدف تا نزدیک شهادت به پیش رفت و سلامت و ادامه خدمت ایشان را از خدای تعالی خواستارم .

والسلام

علیه و علی عباد الله الصالحین

روح الله الموسوی الخمينی

تصویب کرده است.

عصر در جلسه شورای مرکزی حزب شرکت کردم. بحث در مورد تعطیل روزنامه‌ها بود. اکثریت موافق بودند و چند نفری هم مخالف؛ منجمله من. خبر صدور اعلامیه آقای بنی صدر رسید. معلوم شد، تصمیم گرفته‌اند از رادیو تلویزیون پخش نشود، چون تحریک کننده است، درباره همین روزنامه‌هاست^۱. شب، در جلسه مشترک نمایندگان و مجریان هوادار حزب، شرکت کردم. مقداری درباره علل گرانی بحث شد. سپس درباره تعطیل روزنامه‌ها؛ آقای بهشتی عمل را توجیه کردند و سه نفر آقایان الویری، انصاری، زرندی و دکتر روحانی مخالفت کردند، آقای لاجوردی دادستان انقلاب، دفاع کرد و اکثریت حضار، ایشان را تأیید کردند و قرار شد عقب نشینی نشود. شب به خانه آمدم، غفت عصر امروز با خانم امام ملاقات داشتم، برای ترتیب ملاقات پرستارهای اهوازی که برای مجروحان جنگ، زحمت کشیده‌اند.

دوشنبه ۱۸ خرداد

۵ شعبان - ۸ ژوئن

امروز به خاطر تعطیل روزنامه، احتمال حوادثی حتی در مجلس می‌دادم. جلسه عملی داشتیم. اتفاق مهمی نیفتاد. لیبرالها جلسه‌ای برای خود داشتند و چند نفری نامه‌ای اعتراض آمیز نوشتند و تذکر دادند. رئیس جمهور، مطالب اعتراضیه خودش را در نشریه‌ای بنام «پیام رئیس جمهور» منتشر کرد، حتی کارنامه و اعلامیه‌ها را. دعوت به راهپیمایی کردند. جمعیت زیادی جمع نشد، فقط حدود پانصد نفر که در مقابل گروه کوچکی از حزب الهی‌ها متفرق شدند. خواستند بازار را هم تعطیل کنند، شکست فاحشی خوردند.

در همدان هم، که رئیس جمهور به شهر خودش پناه برده بود، حمایت درستی از ایشان نکردند. در شیراز، دکتر ابراهیم ایزدی از حزب الهی‌ها کتک خورده و من در مجلس این کار

۱ - بنی صدر در این اعلامیه، توقیف روزنامه‌ها را حرکتی در جهت تلاش برای حذف رئیس جمهور قلمداد کرد و خطاب به مردم اعلام نمود: رئیس جمهور شما همچنان در انجام رسالت شعلیری که شما ملت مسلمان ایران به عهده او گذارده‌اید، استوار ایستاده است و پیام و کارنامه خود را به هر شکل از جمله نوار و اعلامیه به اطلاع شما خواهد رساند و به دعوت شما که هر روز او را به مقاومت و استقامت می‌خوانید، صمیمانه لبیک می‌گویید.

را تقبیح کردم.

امام، امروز سخنرانی تند و جالبی فرمودند و سنگ تمام گذاشتند؛ از اقدام دادستان حمایت کردند، مخالفان را تهدید کردند، تأکید روی اعتبار قوانین و تعبیرات دیکتاتور و محمدرضا پهلوی در مورد مخالفان قانون. فکر می‌کنم زمینه اظهار و اقدام را از مخالفان کاملاً گرفتند و آنها را مات کردند.

احمدآقا، با موافقت امام، مقدمات تغییرات اساسی را در فرماندهی ارتش فراهم می‌کند و آقای خامنه‌ای را که در جبهه جنوب‌اند، برای این (منظور) به تهران خواسته است.

بعد از ظهر، گروهی دویست نفری از خانمهای نرس و پرستار بیمارستانهای خوزستان، به دیدن من آمدند. برایشان صحبت کردم^۱. شعار حزب الهی می‌دادند. جالب است.

عصر، در شورای قضائی جلسه مشورتی با حضور اعضای شورا و نخست وزیری داشتیم. وضع جاری را بررسی کردیم و خط حرکت آینده را ترسیم نمودیم و به نیروهای سپاه و کمیته‌ها برای احتیاط، آماده باش دادیم. بنا بود مناظره بنی صدر و... درباره بودجه پخش شود. با پیشنهاد خودش و استقبال ما به تأخیر افتاد.

تا آخر شب، اتفاق مهمی گزارش ندادند. خیلی خوب می‌گذرد و مخالفان فکر نمی‌کردند، این اندازه بی پایگاه و ضعیف باشند.

سه شنبه ۱۹ خرداد

۶ شعبان - ۹ ژوئن

جلسه علنی داشتیم. پیش از دستور، درباره اظهارات امام علیه لیبرالها و حمله اسرائیل به نیروگاه اتمی در حال ساخت عراق، صحبت کردم^۲.

طرح تعیین مهلت، برای امضای مصوبات مجلس، از طرف رئیس جمهور، مطرح بود. لیبرالها عقب نشینی کرده بودند و مخالفت نکردند.

ظهر، خانمهای طلبه و دانشجوی شیرازی و محصلان انجمن اسلامی بیجار، در محل کتابخانه مجلس، با من ملاقات کردند. حزب الهی ناب‌اند.

امام جمعه سابق همدان با رؤسای نهادها و شخصیتهای همدان هم، به ملاقاتم آمدند،

۱- کتاب هاشمی رفسنجانی - سخنرانیهای ۱۳۶۰.

۲- کتاب هاشمی رفسنجانی - نطقهای پیش از دستور.

برای اینکه اخباری را که این روزها گفته می‌شود، همدانها طرفداری از بنی‌صدر کرده‌اند، تکذیب کنند و به قول خودشان از دیانت و حیثیت مردم همدان، دفاع کنند.

آقای خامنه‌ای، با اصرار احمدآقا از جبهه برگشته بودند، برای تدبیر در امر ارتش، در شرایط موجود.

عصر، در جلسه دفتر سیاسی در محل کار آقای بهشتی، شرکت کردیم. همه بحثها در اطراف کیفیت برخورد با وضع موجود - که از ناحیه آقای بنی‌صدر پیش آمده بود - مقدار زیادی از وقت‌های گرانبها را صرف اختلافات می‌کنیم. خدا رحم کند.

شب، در جلسه مشورتی قوای سه‌گانه در نخست وزیری، شرکت کردم. آقای دکتر عارفی وزیر علوم هم بود و درباره ستاد انقلاب فرهنگی و افتتاح دانشگاهها بحث کردیم. آقای عارفی، معتقد بود، ستاد کاری اساسی نکرده و آقای باهنر هم جواب درستی نداشت. قرار شد، هفته آینده با شرکت همه طرفها، تصمیم روشنی درباره دانشگاهها بگیریم.^۱

خبری از آماده شدن بنی‌صدر، برای خروج از کشور رسید و گویا در همین رابطه، دونفر از دفتر ایشان بازداشت شده‌اند.

امروز، آقای بنی‌صدر در کرمانشاه مانده و با عشایر سنجایی، جلسه محرمانه داشته، معلوم نیست می‌خواهند چه بکنند.

آخر شب، خبری از شهادت جمعی پاسدار و ارتشی در اطراف مهاباد رسید که متأثر شدیم. در داخل تهران، حزب اللهی‌ها میدان حرکت آشوبگرانه ضدانقلاب و بنی‌صدریان را تنگ کرده‌اند و حزب کمونیست و رنجبران و مجاهدین خلق از بنی‌صدر حمایت و دعوت به راهپیمایی کرده‌اند. دفتر هماهنگی، با تأیید این گروهها، کاری از پیش نبرد و کسی شرکت نکرد، جز افرادی از خودشان.

۱ - در سالهای آغازین انقلاب اسلامی، دانشگاههای سراسر کشور به محلی برای جولان عناصر مسلح ضدانقلاب و گروهکهای چپ و مارکسیستی و نقاطی تبدیل شده بود و درگیریهایی فکری و جناحی به شدت در آن رواج داشت. برای پایان دادن به حضور این عناصر ضدانقلاب و همچنین تدوین و تصحیح مواد درسی دانشگاهها، انقلاب فرهنگی اعلام شد و ستاد انقلاب فرهنگی وظیفه نظارت اصلاح دانشگاهها را عهده‌دار گردید. پس از رفع و اصلاح موارد مذکور دانشگاهها در سال ۱۳۶۱ بازگشایی شد.

چهارشنبه ۲۰ خرداد

۷ شعبان - ۱۰ زونن

جواب نامه‌هایی که به منزل از طرف ارباب رجوع رسیده بود، دادم. ساعت هفت صبح به مجلس رسیدم. جلسه علنی داشتیم. مهدی هم که مدرسه‌اش تعطیل بود، بامن به مجلس آمد. طرح مهلت محدود برای امضای مصوبات مجلس از طرف رئیس جمهور، مطرح بود. لیبرالها با تأخیر در حضور در تالار و سپس با غیتهای حساب شده، کارشکنی می‌کردند و من با اینکه عصبانی بودم خودم را کنترل کردم. پیشنهادها بررسی می‌شد و دائماً احتیاج به نصاب یکصد و هشتاد نفر داشتیم. کنترل مجلس مشکل بود. بالاخره طرح تصویب شد و بحثها هم معمولاً به ضرر رئیس جمهور بود و نطقهای پیش از دستور هم؛ مگر اظهارات آقای امجد جواد اجتی کرمانی که حمله به دو طرف و دعوت به وحدت بود که از طرف نمایندگان سخت مورد انتقاد قرار گرفت.

ظهر، احمد آقا خمینی به مجلس آمدند که با آقای خامنه‌ای، درباره آینده ارتش مشورت کنند و تصمیماتی اتخاذ کردند.

بعد از ظهر، بیشتر به کارها و مطالعه گزارشها و جواب نامه‌ها پرداختم. مسئولان روزنامه آزادگان آمدند و از فقر و کمبود و خسارت روزنامه، شکایت داشتند. راه چاره‌ای می‌جستند که قرار شد با وزرات ارشاد و بنیاد و حزب مذاکره شود.

مصاحبه‌ای هم با مجله عروة الوثقی، درباره اوضاع جاری داشتم^۱. اول شب به منزل آمدم ولی برای مشورت در امری فوری، به منزل آقای بهشتی دعوت شدم. احمد آقا هم حضور داشت. امام از ما خواسته بودند که درباره فرماندهی کل قوا، نظربدهیم. امام تصمیم به عزل آقای بنی صدر از این سمت را گرفته‌اند. نظر این شد که فعلاً خود امام، فرماندهی را به

- کتاب هاشمی رفسنجانی - مصاحبه‌های ۱۳۶۰.



امام تصمیم به عزل آقای بنی صدر از این سمت [فرماندهی کل فوا] را گرفته اند

عهده داشته باشند، تا در آینده با فرصت، فکری بشود و عزل ایشان با عبارتی موهن اعلام شد.^۱ آقای بنی صدر، در کرمانشاه است و گویا به دستور امام تحت نظرند که از کشور فرار نکنند. ستاد ارتش هم قبل از عزل، ضمن اعلامیه ۵۳۰ تقریباً ایشان را بی سمت اعلام کرده بود. بیشتر اعتماد آقای بنی صدر به ستاد ارتش بود. گویا ایشان این اعلان را غیرقانونی اعلام داشته‌اند؛ لابد عزل امام را هم قانونی نمی‌دانند!

پنجشنبه ۲۱ خرداد

۸ شعبان - ۱۱ ژوئن

پس از جواب نامه‌های ارباب رجوع منزل، به مجلس رفتم. در بین راه اخبار ساعت هفت صبح را گوش دادم. موضوع مهم، عزل آقای بنی صدر از فرماندهی نیروهای مسلح بود. شور و هیجان زیادی در حزب الله به وجود آورده. سخنرانان پیش از دستور مجلس هم، لبه تیز حملات خود را متوجه آقای بنی صدر کرده بودند.

مخصوصاً آقای امهدی نصیری لاری^۲، عدم کفایت سیاسی ایشان را مطرح کرد و خیلی خوب صحبت کرد؛ آقای دکتر اکاظم اسامی، اعتراض کرد که اهانت به رئیس جمهور شده است.

لایحه معاملات مسکن مطرح بود و تمام هم نشد. ظهر با نخست وزیر و شورای عالی قضائی و سپاه و دادگاه انقلاب جلسه مشورتی در محل شورای عالی قضائی داشتیم. اوضاع جاری را بررسی کردیم و تصمیماتی اتخاذ شد.

تظاهرات پراکنده‌ای در تهران و شهرستانها به نفع بنی صدر انجام می‌شود که عمدتاً توسط مجاهدین خلق است. بنی صدرها خیلی ترسیده‌اند و احتمال فرارشان قوی است.

۱ - امام خمینی در تاریخ ۲۰ خرداد ۱۳۶۰ با این حکم، بنی صدر را برکنار کردند:

بسم الله الرحمن الرحيم - ستاد مشترک نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران آقای ابوالحسن بنی صدر، از فرماندهی نیروهای مسلح برکنار شده‌اند.

و در ۲۱ خرداد این حکم را صادر فرمودند:

بسم الله الرحمن الرحيم نیکسار ولی فلاحی رئیس ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران تا تعیین تکلیف فرماندهی نیروهای مسلح ستاد مشترک، مجاز است با استفاده از اختیارات مقام رهبری، مأموریت‌ها و وظایف محوله را انجام دهد.

(صحیفه نور - ج ۸ - صفحه ۴۲۲) روح الله الموسوی الخمينی

۲ - شهید امهدی نصیری لاری، نماینده مردم لارستان در مجلس شورای اسلامی بود که در فاجعه انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی در هفتم تیرماه ۱۳۶۰ به شهادت رسید و در سیرجان مدفون گشت.

يک نظر اين است که مانع فرارشان نشويم، زيرا به کلی از اعتبار ساقط می‌شوند و چیزی بر مدنی و بختيار و پهلويها نمی‌افزایند. نظر امام، اين بوده که نگذاريم بگريزند؛ ولی ديشب از احمد آقا نقل شد که امام هم، ديگر مخالفتی ندارند.

عصر، جلسه هیأت رئیسه داشتيم. برنامه هفته آینده را تنظيم کردیم. تقاضای جلسه غیر علنی برای بحث در سرنوشت رئیس جمهور، مطرح شد. نظر اين شد که چند روزی تأخیر بیندازيم تا با اعمال خودشان زمینه را مساعدتر کنند.

عصر آقایان محسن رضائی و محمدزاده از سپاه آمدند و تحلیلی از وضع جاری ارائه دادند و انتقاداتی از عدم انسجام و هماهنگی مسئولان، در برخورد با جریان بنی‌صدر و عدم همکاری صداوسیما، داشتند.

آخر شب، آقای رضائی تلفنی اطلاع داد که خبری می‌گوید، آقای بنی‌صدر هواپیمای بزرگی را خواسته، آماده داشته باشند و می‌گفت احمدآقا هم از امام کسب تکلیف کرده و امام هم مخالفتی ندارند. خودم از احمدآقا پرسیدم، ایشان تأیید کرد.

آخر شب احمدآقا مرعشی و حسین آقا آمدند. اخبار زلزله وحشتناک گلباف کرمان را بیشتر از من داشتند^۱.

جمعه ۲۲ خرداد

۹ شعبان - ۱۲ ژوئن

اول وقت، سرهنگ وحید دستجردی رئیس شهربانی آمد و گزارشی از وضع شهرها داد. مجموعاً اوضاع را خوب توصیف کرد و حرکات مخالفان را ضعیف و پراکنده، می‌گفت؛ حمله به دفاتر هماهنگی زیاد است و فرماندهان نظامی و انتظامی خیلی از این تغییر راضیند، از دوگانگی راحت شده‌اند و تکلیفشان روشن شده، تضاد گذشته رنجشان می‌داده. حرف درستی است.

سپس آقای مصطفی میرخانی آمد و از طرف دکتر پیمان، تقاضای ملاقات و تفاهم داشت و خودش هم از اینکه در میان همفکران قدیمی اش نیست، ناراحت بود و چاره‌جویی می‌کرد. آقای بهشتی، تلفن کردند و درباره مسائل جاری تبادل نظر کردیم. احمد آقا خمینی، تلفن

۱ - این زلزله در ساعت ۱۰/۵۶ صبح روز پنج‌شنبه ۲۱ خرداد ما شدت ۶/۷ تا ۶/۹ درجه در مقیاس ریشتر و به مدت دو ثانیه روی کرمان و کرمانشاه مطلقه گلباف کرمان اعلام شد.

کردند و پیشنهاد مراقبت بیشتر در شهرستانها کردند و از احتمال تظاهرات مخالفان در قزوین و استقبال عظیم مردم کاشان می‌گفتند.

یاسر بهانه‌گیری دارد و می‌خواهد به باغی یا کوه یا جای دیگری، برای سرگرمی برود. عفت و فاطمی به خانه اقدس خانم مرعشی، برای دیدار بایستگان رفسنجانی می‌روند. من می‌خواهم در خانه استراحت کنم؛ اگر بگذارند.

فاطمی و سعید، عصری برگشتند و از کثرت جمعیت نماز جمعه امروز می‌گویند؛ مردم شعار علیه آقای بنی‌صدر می‌دادند و مسئولان آنها را نهی می‌کردند.

آقای فتوحی همسایه، معاون فروهر، آمد و از اختلافش با فروهر صحبت می‌کرد؛ مدعی بود که یکی از قضات زندان اوین رشوه می‌گیرد. قرار شد دلیلی و سرنخی برای تعقیب ارائه دهند.

عصر گروهی از معلولان و آسیب دیدگان جنگ آمدند و جریانهای اعجاب انگیزی از فداکاری و شجاعت رزمندگان، نقل می‌کردند.

مادر شهیدی آمد که خود کارگر کارخانه‌ای در اصفهان است و پسرش از شهدای بمباران زندان «دولتو»^۱ و مسئول سابق اطلاعات سپاه در کردستان است. خیلی صبور و بردبار و مقاوم است.

شب، آقای لاهوتی آمد و بحث زیادی درباره‌ی موضع ایشان داشتیم. ایشان از موضع امام، ما، مردم، صداوسیما و مجلس انتقاد داشت.

آخر شب آقای محسن رضائی خبر داد که سی نفر می‌خواهند دولت را استیضاح کنند.

شنبه ۲۳ خرداد

۱۰ شعبان - ۱۳ ژوئن

برای اینکه در رابطه با آقای بنی‌صدر، در مسأله ریاست جمهوری و طرح عدم کنفایت سیاسی، نظر امام را بدانم، اول وقت به منزل ایشان رفتم. اعضای ستاد انقلاب فرهنگی و

۱. دولتو، زندانی بوده متعلق به حزب دموکرات کردستان که در آن بسیاری از نیروهای سپاهی، ارتشی و جهادی که به اسارت این گروهک درآمده بودند، نگهداری می‌شدند. در اوائل اردیبهشت سال ۱۳۶۰ به دنبال تپانی حزب دموکرات با ارتش بعث عراق، جنگنده‌های بعثی به ملور وحشیانه این زندان را بمباران کردند و اسیران بی دفاع را به خاک و خون کشیدند. در این حادثه ۱۲۰ نفر از اسرا به فیض عظمای شهادت نائل آمدند.

آقایان قدوسی و ربانی و خلیها بودند. امام هم مثل من نظرشان این بود که ترجیح دارد، آقای بنی صدر تابع قانون شود و رئیس جمهور بماند، اما به ظن قوی، ایشان تسلیم قانون نخواهد شد؛ لذا ما باید اتمام حجت کنیم، حتی ایشان را دعوت به مذاکره کنیم، اگر تسلیم نشد، چاره‌ای نیست باید به قانون عمل کرد. ایشان از عواقب کار هم، نگران نبودند. آقای بنی صدر را قدرتی نمی‌دانند. به آقای قدوسی هم گفتند: اخطار کنید، اگر نتیجه‌ای نگرفتیم، نوبت برخورد می‌رسد و قرار شد، مجلس روی همین روال حرکت کند.

مصاحبه‌ای کردم و خلاصه‌ای گفتم^۱. سپس به مجلس رفتم. از بخشی از کادر اداری مجلس، اداره تلکس و اداره قوانین بازدید کردم؛ و به خواسته‌های کارکنان گوش دادم. گزارشها را خواندم.

تظاهرات پراکنده‌ای علیه وله آقای بنی صدر در تهران و شهرستانها رخ می‌دهد. چند نفری هم تابه حال تلف شده‌اند.

ظهر به خواست آقای قدوسی، با ایشان و آقای خامنه‌ای در اتاق من جلسه‌ای داشتیم. آقای قدوسی می‌گفتند: دوستان اجرائی در سپاه و جاهای دیگر از اینکه تصمیمات توسط حزب یا شخص آقای بهشتی، گرفته می‌شود و آنها در جریان نیستند، گله دارند؛ ولی واقعاً این نیست. اشتباه کرده‌اند.

اصل مسأله، همین توقیف روزنامه‌هاست که شورای عالی قضائی، بدون مشورت و بلکه بر خلاف نظر دیگران، اقدام کرده است.

عصر، پرونده خودم را که در ساواک در جریان بازداشتها جمع شده، مطالعه کردم. آقایان پرورش و یارمحمدی آمدند و راجع به نظر امام توضیح خواستند.

۱ - آقای هاشمی رفسنجانی در این مصاحبه به خبرنگار خبرگزاری پارس گفت: صلاحیت رئیس جمهور زیر سوال قرار گرفته است. اگر من بتوانم با تقاضا یا توضیح، مجلس را هم از طرح بحث درباره کفایت سیاسی ایشان منصرف کنم، فکر می‌کنم مصلحت این باشد. البته مسأله بستگی دارد به اینکه، ایشان چه مقدار آماده باشند که تابع قانون باشند. ... بعد از عزل آقای بنی صدر از سمت جانشینی فرماندهی کل قوا، در مجلس فشار شدیدی وارد می‌آید که مسأله کفایت سیاسی ایشان مطرح شود.

... معمولاً امام در کارهایی که مربوط به خودشان نیست، دخالت نمی‌کنند و چون این مسأله از وظایف مجلس است، مایلند که مجلس مستقلاً کار خودش را انجام دهد.

کتاب هاشمی رفسنجانی - مصاحبه‌های ۱۳۶۰.

با آقای عباس ادوزدوزانی (وزیر ارشاد) در مورد تقویت مالی روزنامه آزادگان - که دچار مشکل است و آگهی می‌خواهد - صحبت کردم.

یکشنبه ۲۴ خرداد

۱۱ شعبان - ۱۴ زون

روزهای پر حادثه‌ای است. کتاب تاریخ ایران به سرعت ورق می‌خورد و حوادث مهم تاریخی روی می‌دهد و تاریخ به سرعت حرکت می‌کند.

جلسه علنی داشتیم. پیش از دستور آقای غضنفرپور نماینده لنجان و یار متعصب بنی‌صدر به جای نطق پیش از دستور، اطلاعیه آقای بنی‌صدر را خواند. اطلاعیه خیلی بدی است که صداوسیما نخوانده و جراید نوشته‌اند و اثر بسیار شدیدی روی امام و نمایندگان و مردم در طرد سریعتر رئیس جمهور دارد. نمایندگان صبورانه تحمل کردند.

غضنفرپور و سلامتیان از مجلس بیرون رفتند و در درب مجلس با یک فرد سپاهی برخوردی داشتند که به اسلحه کشی رسید.

امام که از رادیو شنیده بودند، از خوانده شدن اطلاعیه از تریبون مجلس، انتقاد کرده بودند. آقای خامنه‌ای - که خدمت امام بوده‌اند - گفته‌اند که آئین‌نامه مجلس را نمی‌شود نقض کرد و امام قانع شده‌اند، به شرط اینکه جواب داده شود.

فرماندهان لشکرها و پایگاههای هوایی خدمت امام رسیدند، همراه آقای خامنه‌ای؛ و امام مطالب مهمی، در جهت تقویت خط امام و تضعیف لیبرالها و به خصوص بنی‌صدر، فرمودند.^۱

لایحه معاملات مسکن را تصویب کردیم. محدودیت‌هایی ایجاد شد. ظهر، با گروه صدوپنجاه نفری از کشاورزان سیستان که برای تشکر از دریافت زمین و وام و امکانات به مجلس آمده بودند، ملاقات کردم و با آنها صحبت کردم.

استاندار هرمزگان و نمایندگان استان آمدند و از اینکه آقای نظری زاده کرمانی، کاندیدای نمایندگی مجلس، برای برگرداندن شیخ خالیدی امام جماعت سنی‌های بندرلنگه از دویی تلاش می‌کند، ناراضی بودند. ایشان قهر کرده. می‌گفتند، بهتر این است که برنگردد.

شماره نوبت چاپ ۲۵۲

بسمه تعالی
مجلس شورای اسلامی
دوره اول - سال دوم

۱۳۶۰ - ۱۳۶۱

برادر آقای هاشمی رفسنجانی
ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

هان فرعون علا فی الارض و جعل اهلها شعبا صدق ال. العلی العظیم.

با توجه به تخلفات متعدد و مکرر آقای بنی صدر رئیس جمهوری از قانون اساسی و وظایف قضائیتی، بخصوص عملکرد چندماهه اخیر ایشان و اقدامات تحریک آمیز که شخص ایشان داشته اند و هم دفتر و روزنامه ایشان که در اثر توهین و تضعیف ارگانهای رسمی کشور، درگیر بها و حتی تلفات جانی و خسارات مالی بوجود آمده است درخواست طرح عدم کفایت سیاسی ایشان در مجلس شورای اسلامی به نید دو فوریت را داریم.

طرح قانونی عدم کفایت سیاسی رئیس جمهور

ماده واحده - مجلس شورای اسلامی رای به عدم کفایت سیاسی رئیس جمهور میدهد. رهبر طبق اصل ۱۱۰ فرمان مقتضی را صادر خواهند نمود.

غورگوری خلخالی - سیدحامد حمیدی - محمود هندی - صباح رنگ - سیدمحمد خوشی ها - دوسی عازری - احمد هندی - حسن روحانی - زرفانی - عباس مطهر - علی آقا محمدی - عبداللہ بن کریمی - محمد حسن طینی - دکتر لوراسانی - مرزاپور - مردوسی پور - چراغزاده - سیدجواد شرافت - نواد کریمی - عبدانگیزه شریعی - محمدحسین آبی - طناطقی نژاد - محمد کنفی - بوته خراسانی - بهاءالدین علم الهدی - نصیری لاری - عسگر اولادی - مهدی شاه آبادی - رضوی اردکانی - دکتر زرگر - منوچهر سنگی - اروستان - دوی نعمت آبادی - سیدنظرالدین رحیمی - رحمان سنگی - رحیمعلی طاهری - محمد بزوی - عالیپور راده - جعفر شمعونی - سیدمحمد کاروش - علی محمد بنیادی - هراسی - محمدعلی حبیری - اسماعیل فدائی - دیالیه - جهانبان - رشیدیان - علی اکبر ناطق قوری - سعادتخواه - احمدی - علی ملکانی - ابدالله بیابان - هاشمیان - ابوج صغری دزفولی - احمد علیزاده - محمدعلی عطار - علی اصغر باغانی - محمدتوروزی - سیدمحمد حسینی - غلامحسین وائری - دکتر ولایتی - شمس الدین حسینی - سیدپور - عباس عباسی - شاهرزادی - محمودی - مهدی کریمی - صاحب الزمانی - دهرمان رحمانی - الویری - مهاجرانی - تعلیلی - محمد تقی بشارت - داتش آشتیانی - کره باغی - سیدابوالفضل موسوی تبریزی - احمد علیزاده - کریمی - نژادی - صفانی - شاهر آبی - حبیبی - رحیمی - محمد منتظری - رحمان الهی - فقیرتالله نبوی - هاشمی سجانی - عبدالواحد موسوی صادق - فاضلی - انواری - موسوی خراسانی - محسن مجتهد شبیری - جبارچی - بداله دهقان - ابوالحسن حسینی - حق شناس - احمد کاتانی - محمدعلی حادی - پاک نژاد - محمدحسین رحیمی - علی اکبر دهقان - فخرالدین موسوی - حمیدی - محمدامامی کاتانی - زینلی - آیت شیرازیان - شاهرچی - هادی غفاری - تاج کردون - ناخاری - عباسی - میرپورنسی - عبدمنعمانی - بیتا اوشانی - فخرالدین جمجاری - حسین کرمانی - ملک پور - مصطفی تبریزی - محمدعلی موحیدی - عبداله لاهی - طالبانی - محمد حسین صادقی - محمد رضا عباسی - پرورش - بارمحمدی - مرتضی محمودی - عباسعلی ناطق قوری - فاضلی - محمد صلح حائری - کبان آرنی - سیدحسین حسینی رابانی و چند اعضای نامبران.

عصر، در جلسه شورای مرکزی حزب و شب، در جلسه مشترک نمایندگان و مسؤولان اجرائی هوادار حزب شرکت کردم. بحث در کیفیت، برخورد با بنی صدر و گروههای محارب دیگر بود و مخصوصاً پیشنهاد سلب کفایت سیاسی آقای بنی صدر. در مجلس، امروز یکصد و هفت نفر از نمایندگان، کتباً تقاضای رسیدگی به صلاحیت سیاسی آقای بنی صدر را کردند و خواستار طرح آن با قید دو فوریت هستند. من صلاح ندیدم که فوراً مطرح شود؛ اولاً باید پخته تر شود و زمینه مردمی آن درست شود؛ ثانیاً آئین نامه در کیفیت عملکرد مجلس نداریم؛ ثالثاً امام هم گفته اند عجله نشود و فرصتی به آقای بنی صدر، برای اصلاح خودش بدهیم.

دوشنبه ۲۵ خرداد

۱۲ شعبان - ۱۵ زون

چهار دقیقه، دیر به مجلس رسیدم. برای اولین بار، تأخیر داشتم. پیش از دستور آقای امحمد علی حیدری نهاوندی، مختصری جواب اطلاعیه بنی صدر را داد و یکی از نمایندگان در مخالفت، صحبت کرد و آقای اعلی اکبر معین فر، نامه آقایان مهندس امهدی بازارگان، دکتر ایدالله سبحانی و دکتر کاظم اسامی را خواند که اعتراضاً به مجلس، نخواهند آمد و من جواب آنها را خوب دادم؛ اگر جواب نمی دادم مجلس متشنج می شد. طرح الحاق دادگاههای انقلاب به دادگستری، مطرح است و اجازه عمل به فتاوی امام در کیفر مجرمان و قصاص، که زمینه ساز اجرای قصاص اسلامی است. خبر رسید که امام، در ملاقات علمای مازندران، مطالب مهمی علیه ملی گرایان و بنی صدر

۱. در این جلسه مهندس علی اکبر معین فر، نامه اعتراض آمیز از طرف بازارگان، سبحانی و سامی قرائت کرد که در آن به توهین و تهدید و عدم تأمین در محوطه در ورود و خروج مجلس، اختلالگری در اجتماعات، سانسر و محرومیت در صداوسیما و توقیف روزنامه های آزاد اعتراض کرده و اعلام نموده بودند که به عنوان اعتراض، از شرکت در جلسات مجلس، جز در مورد بودجه و جنگ خودداری خواهند کرد.

آقای هاشمی رفسنجانی پاسخ داد: من مورد اعتراض به حق نمایندگان واقع می شوم که چرا تریبون مجلس را در اختیار کسانی می گذارم که اعلامیه آشوب مجلس را از اینجا بخوانند، اما بدانید که ما از موضع قانونی حرکت می کنیم. اگر داستان با استفاده از حق قانونی شود، روزنامه ای را توقیف می کند، من هم با حق قانونی خود به نمایندگی اجازه می دهم که اینجا حرفش را بزند و با حق قانونی، اگر اهانتی به مجلس باشد، از مجلس دفاع کنم و با وظیفه قانونی حتی با نماینده ای که اینها را می گوید و این نسبت ناروا را به مجلس می دهد، که مجلس در جهت اختلاف حرکت کرده - باید این تذکر را بدهم. (روزنامه جمهوری اسلامی، ۶۰/۳/۲۵)

(صفحه ۸)



گفته‌اند. جبهه ملی و گروه‌های محارب اعلان راهپیمایی علیه حکومت کرده بودند و امام با این بیانات، باعث شدند که جرأت آمدن به خیابان را نکنند و در عوض مردم حزب اللهی به خیابانها ریختند و شعارهای تند، مبنی بر عزل و محاکمه و اعدام بنی‌صدر و ملی‌گرایان دادند. بیش از پانصد هزار نفر، بدون مقدمه در خیابانها جمع شدند و تا غروب، تظاهرات می‌کردند. آخر وقت، جمعیت عظیمی مقابل مجلس آمدند و خواستار ملاقات با من شده بودند، به ملاقاتشان رفتم، خیلی پرشور برخورد کردند و شعارهای جالبی داشتند و خواستار سلب کنایت سیاسی بنی‌صدر در مجلس بودند. به آنها گفتم: امضای صدوهفت نفر نماینده به شما اطمینان می‌دهد که مجلس نظراتش با شما موافق است و با قدردانی از آنها، خواستم متفرق شوند. با نظم و شعار پراکنده شدند.^۱

نزدیک غروب، صدای انفجار مهیبی آمد. بعداً معلوم شد، در حیاط کاخ مسکن بنی‌صدر، انفجار رخ داده. ممکن است، کار خودشان باشد و ممکن است از مخالفانشان، بعداً روشن خواهد شد.

عصر، مصاحبه‌ای با مجله پیام انقلاب داشتم.^۲ گروهی از نظامیان آمدند و پیشنهادهایی در جهت تأمین خط مکتبی در ارتش داشتند.

جلسه هیأت رئیسه داشتیم؛ در مورد کیفیت طرح سلب کنایت سیاسی بنی‌صدر. شب، در دادگستری، جلسه مشورتی قوای سه‌گانه با سپاه و... بود که در کیفیت حرکت سیاسی و تبلیغات و دستگیری سران مخالفان محارب و مسائل روز تصمیم‌گیری‌هایی شد.

احمدآقا تلفن کرد و گفت: امام می‌فرمایند، زودتر مجلس در مورد آقای بنی‌صدر، تصمیم بگیرد. امروز بنی‌صدر، جواب مغرورانه‌ای به اظهارات امام داده، معلوم است، نمی‌خواهد به راه بیاید.

مهندس بازرگان، با اعلامیه‌ای خود را نجات داده است. خانم امام و دختران و عروسشان، مهمان عفت بودند.

۲- کتاب هاشمی رفسنجانی - مصاحبه‌های ۱۳۶۰.

۱- کتاب هاشمی رفسنجانی - سخنرانیهای ۱۳۶۰.

سه شنبه ۲۶ خرداد

۱۳ شعبان - ۱۶ ژوئن

عفت تب داشت. از خانه بیرون رفتم. مجلس جلسه علنی داشت. دو فوریت طرح، در عدم کفایت سیاسی رئیس جمهور و آئین نامه آن و ادامه بحث الحاق دادگاه انقلاب به دادگستری مطرح بود و جلسه، حساس و سیاسی بود. به حمدالله موفق شدم، خوب کنترل کنم. حزب اللهی ها، اطراف مجلس جمع شده بودند و تظاهرات می کردند و خواستار سرعت عمل در عزل آقای بنی صدر بودند. در موقع تنفس، با آنها صحبت کردم. شعارهای تند علیه آقای بنی صدر می دادند.

بعد از ظهر هم، برای جواب سئوالاتی که از وزرا شده، جلسه داشتیم، خیلی سئوال شده که فرصت جواب، به دست نیامده و این برخلاف قانون اساسی است. چون من خسته بودم، اداره جلسه را به آقای پرورش سپردم و اشکالی در تنظیم دستور جلسه بود که کار متوقف ماند و جلسه تعطیل شد.

عصر، شورای فرماندهی سپاه پاسداران آمدند و پیشنهاد می کردند که شورای فرماندهی کل قوا که پس از عزل آقای بنی صدر، احتمالاً تشکیل می شود، مرکب باشد از دو نظامی و یک سپاهی؛ سرهنگ نامجو، سرهنگ فکوری و محسن رضائی را پیشنهاد می کردند. قرار شد با امام صحبت کنیم.

عصر و شب، در نخست وزیری جلسه ای با ستاد انقلاب فرهنگی داشتیم. درباره برنامه دانشگاهها و تعیین مسئولیتها - که فعلا بین ستاد انقلاب فرهنگی و جهاد دانشگاهی و وزارت علوم مشکلاتی هست و تداخل وظایف و اختیارات پیش آمده - بحث شد؛ متأسفانه ستاد، هنوز برنامه مشخصی برای کار دانشگاهها ندارد.

عصر، خبر رسید که آقای بنی صدر، قصد فرار یا رفتن به غرب یا جنوب - احتمالاً برای توطئه - دارد. سپاه از طرف امام، مأمور شد که جلوی سفر ایشان را بگیرد. ولی آقای بنی صدر از محلی که بود به جای دیگری منتقل شده و دیگر از زیر نظر بیرون رفته، گفته می شود در اطراف ساوه است.

آخر شب، با آقایان رجائی و بهشتی، جلسه مشورتی داشتیم و مقداری در اطراف انتخابات ریاست جمهوری، بعد از آقای بنی صدر بحث کردیم، شام را همان جا صرف کردیم.

دیر وقت به خانه آمدم. متأسفانه عفت هنوز تب دارد و آمپول نوالژین تزریق کرده بود. خبر

پیروزی سپاه و ارتش در دهلاویه خوشحال کننده است؛ ولی گویا خیلی مهم نیست.

چهارشنبه ۲۷ خرداد

۱۳ شعبان - ۱۷ ژوئن

ساعت شش، از خانه بیرون رفتم؛ برای اینکه قبل از جلسه - که بسیار حساس بود - مشورت‌هایی بشود. دستور جلسه بحث در آئین‌نامه رسیدگی به صلاحیت سیاسی رئیس جمهور بود. با اینکه مرخصیها را لغو کرده بودم، در اثر غیبت جمعی از لیبرالها، اکثریت ضعیفی داشتیم. تا عصر ساعت پنج‌ونیم، جلسه ادامه داشت. آئین‌نامه تصویب شد.

ماده‌ای در آئین‌نامه با پیشنهاد آقای محمد مجتهدشستری و موافقت من اضافه شد که مشکلی بار آورد. به موجب این ماده رای دوسوم نمایندگان، برای سلب کفایت سیاسی لازم می‌شود. عده‌ای از نمایندگان تند مجلس، با اینکه اکثریتشان رأی به این پیشنهاد دادند، ناراحت شدند؛ چون احتمال ضعیفی وجود دارد که عده‌ای رأی ممتنع بدهند و یا اینکه بیش از یکصد و چهل نفر، پیشنهاد عدم کفایت سیاسی را امضا کرده‌اند، احتمال اینکه رأی لازم را نیاوریم، بوجود آمده؛ می‌خواستند جلسه را به هم بزنند، من مقاومت کردم؛ شاید موافقت من با این ماده از اشتباهات سیاسی من است. خداوند به خیر گرداند، اعوذ بالله.

عصر جلسه هیأت رئیسه داشتیم و برنامه هفته آینده را تنظیم کردیم و در همین موضوع هم خیلی بحث داشتیم. آقای کیاوش که خیلی عصبانی بود، به آقای قیصر کارمند مجلس، تندی کرد و او قهر نمود و تقاضای بازنشستگی نوشت و رفت.

شب آقای محسن رضائی آمد و خبر داد، کسانی از مخالفان که در گذشته، قصد کودتا داشته‌اند، این روزها فعال شده‌اند و با آقای بنی‌صدر هم تماس گرفته‌اند و زمان را مناسب می‌دانند. سپاه در تعقیب آنان است. آقای بنی‌صدر یک روز است که مفقودالاثراست. احتمالاً در رابطه با همین توطئه باشد. توطئه‌گران از سلطنت طلبان و ملی‌گرایانند و بعضی از اطرافیان آقای بنی‌صدر. با این همه زحمت و خستگی، آخر شب به خانه آمدم.

پنجشنبه ۲۸ خرداد

۱۵ شعبان - ۱۸ ژوئن

امروز تعطیل است و در خانه استراحت می‌کنم، بنا داشتم، برای رسیدگی به وضع زلزله زدگان گلباف کرمان، به آنجا بروم، ولی به خاطر حساسیت وضع مرکز، از این سفر صرف نظر

کردم.

اول وقت، آقای محمدزاده امتیازدار فیلم حضرت محمد (ﷺ) آمد و از اینکه سیمای جمهوری می‌خواهد، بدون موافقت ایشان فیلم را از تلویزیون نمایش دهد، شکایت داشت. امام فتوایی دارند که حق امتیاز را برای مؤلفان و... از اعتبار انداخته و چاره‌جویی می‌کرد؛ مدعی است چهارده میلیون تومان خرج کرده و بیش از هفت میلیون تومان هنوز وصول نکرده است.

افسری آمد و از اینکه دخترش را از وزارت خارجه اخراج کرده‌اند، شکایت داشت. برای عرض تبریک به خدمت امام رفتم. در خصوص فتوای فوق‌الذکر هم صحبت شد. ایشان در مواردی که باعث خسارت کلی به سیاست مملکت نباشد بر همان فتوایتند، ولی اگر عدم مراعات این حق باعث خسارت و سلب اعتماد نیروهای سازنده و خسارت در امور مهمه باشد، مراعات این حق امتیاز را لازم می‌دانند. با مدیر عامل صداوسیما صحبت شد. می‌گویند خیلی بیش از مخارجش سود برده و حق قانونی پخش فیلم را می‌پردازیم.

درباره شورای فرماندهی نیروهای مسلح، با امام صحبت شد. نظرشان این است که فعلاً به همین وضع بماند، تا شخص یا اشخاص مناسبی پیدا شوند. پیشنهاد احمد آقا را دادم. ایشان گفتند احمد در هیچ کاری، نباید وارد شود.

آقایان فلاحی و فکوری را آنجا ملاقات کردم. نگران بودند ولی می‌گفتند، اگر ارتش در جریانات سیاسی دخالتی نکند، بهتر است و از این جهت عزل بنی‌صدر را خوب می‌دانستند. بعد از مدتی حسین آقا خمینی را ملاقات کردم. بی‌روحیه بود. آقای محسن رضائی تلفن کرد و گفت در آذربایجان غربی، دموکراتها شرارت را توسعه داده‌اند و بعضی جاها را گرفته‌اند و حمایت از بنی‌صدر می‌کنند.

بنی‌صدر، همچنان مقفودالاثراست و امام نظرشان این است که نباید از مملکت خارج شود و گفتند، کسی را خدمت ایشان فرستاده و وحشت از اعدام خودش داشته و امام او را دلداری داده‌اند.

اول شب، همراه آقای بهشتی، به دیدن سپاهیان خوزستانی که از خوزستان آمده بودند، به

پارک خرم رفتیم. آخر شب، احمد آقا خمینی تلفن کرد و از اینکه پیام مهم امام^۱ از تلویزیون پخش نشده، شکایت کرد و گفت پیام را در اجتماع مردم در امجدیه خوانده و مردم شعارهای پرشوری علیه بنی صدر و لیبرالها داده‌اند. از آقای لاریجانی توضیح خواستم. گفت برای پاک کردن شعارهای تند، وقت زیادی صرف شد و به برنامه نرسید؛ بعداً پخش می‌شود.

جمعه ۲۹ خرداد

۱۶ شعبان - ۱۹ زون

اول صبح، خانم دکتر منصوریان برای عیادت عفت آمد. قرار گذاشت که فردا عفت را برای عمل در بیمارستان بستری کند. راجع به رفع مشکلی که با دادگاه انقلاب دارد از من کمک می‌خواست.

مقداری به اوراق و اسنادی که بعد از انقلاب در خانه جمع شده رسیدگی کردم و تصفیه و تنظیم نمودم.^۲

آقای رضایی از اطلاعات سپاه آمد و اطلاعاتی در مورد فعالیت ضدانقلاب و اسنادی که از لانه جاسوسی، علیه آقای بنی صدر به دست آمده، گزارشی داد. فعالیت‌های ایشاپور، بختیار، اشرف، رضا پهلوی، فرح پهلوی، احسن انزلی، اویسی و امحسن ایزشکپور و فعالیت‌های عوامل داخلی آنها را در جزوه‌ای تنظیم کرده بودند که با هدایت آمریکا می‌خواسته‌اند، هماهنگ کنند، ولی نتوانسته‌اند.

ظهر به نماز جمعه دانشگاه رفتم، آقای خامنه‌ای در توضیح جرایم و اشتباهات آقای بنی صدر بیانات خوبی داشتند. ظهر عفت و بچه‌ها در خانه نبودند، تنهایی، غذایی که خودم پختم، صرف کردم و خوابیدم.

۱ - پیام امام به مناسبت پانزدهم شعبان (میلاد حضرت مهدی عج): صحیفه نور - جلد هشتم، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۳، صفحه ۴۹۱

۲ - کلیه اوراق و اسناد مربوط به آیت‌الله هاشمی رفسنجانی توسط دفتر نشر معارف انقلاب جمع‌آوری شده و تاکنون دهها جلد از این اسناد شامل اسناد ساواک، سخنرانیها، خاطرات، مصاحبه‌ها و... به چاپ رسیده است. همچنین در سال ۱۳۷۱ دفتر نشر معارف انقلاب، بنا به پیشنهاد روسای دانشگاه ولی عصر، دانشکده علوم پزشکی، پیام نور و تربیت معلم رفسنجان، تصمیم گرفت مرکز فرهنگی در این شهر ایجاد نماید و کلیه اسناد، هدایا، عکسها، اشیاء تاریخی، و نظایر آن به نمایش عموم گذاشته شود. در این مرکز فرهنگی انجیل امضاء شده توسط رونالد ریگان در ماجرای مک‌فارلین، اسلحه‌ای که عوامل فرقان با آن آقای هاشمی را ترور کردند، ماشین تایپ دوران مبارزه روحانیون پس از واقعه ۱۵ خرداد و صدها برگ سند ساواک در مورد آقای هاشمی رفسنجانی، همچنین کفش و عیای اهدائی امام خمینی نگهداری می‌شود.



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

دولت و نس

شماره ۱۵۶۱/د

تاریخ ۲۷/۲/۱۳۶۰

موضوع

بجناب

جناب آقای مهد ابوالحسن بن صدیق رئیس جمهور

موضوع قانون آذین نامه بررسی عدم تکلیف - ماسر رئیس جمهور که

در جلسه مورخ ۲۷/۲/۶۰ مجلس شورای اسلامی تصویب

شده و مورد تأیید شورای محترم همکاران قرار گرفته به پیوست ارسال

میگردد.

رئیس مجلس شورای اسلامی

اکبر قاسمی

با زنگ تلفن احمد آقا، از خواب بیدار شدم و همان موضوع فیلم را مطرح می‌کرد. خانم گلناری تلفن زد و گفت سروان آزرین از پادگان ابوذر می‌گوید، تصمیم جدید مبنی بر مرخص نکردن سربازان که مدت خدمتشان تمام شده ایجاد ناراحتی کرده. با اینکه در زمان بنی صدر، تصمیم گرفته شده بعد از ایشان ابلاغ شده و به پای دیگران نوشته می‌شود. پیشنهاد شده که برای تأمین نیروی جبهه‌ها، تصمیم عاقلانه این است که به هر نفر سرباز ماهی دوهزاروپانصد تومان غیر از امتیازات و حقوق - مأموریت جنگی بدهند؛ این بهتر از احضار سربازان قدیم است.

عصر، مقداری با پاسدارها پینگ پنگ بازی کردم. اول شب، مسئولان مدرسه نیکان آمدند و گزارشی از وضع مدرسه دادند و کارنامه مهدی را آوردند. با معدل هفده ونیم قبول شده؛ خوب است.

سپس، آقای فخرالدین حجازی آمد و گزارش از سفر هند داشت و گلایه از عدم پخش گزارش ایشان از رادیو. مسئولان سپاه آمدند و گزارشی از موفقیت سپاه در بندرعباس در قلع و قمع تروریستها داشتند و برای طرح کردن اسناد لانه جاسوسی، درباره بنی صدر در مجلس، مشورت کردند.

شنبه ۳۰ خرداد

۱۷ شعبان - ۲۰ زونن

اول وقت، عفت برای یک عمل جراحی کوچک به بیمارستان ایرانمهر رفت و بستری شد و من به مجلس رفتم. طرح «عدم کفایت سیاسی آقای بنی صدر» در دستور بود. آقای مهندس سبحانی به عنوان اولین مخالف، می‌خواست ایراد آئین‌نامه‌ای به دستور کار بگیرد که موفق نشد، سپس مخالفان و موافقان صحبت کردند. مخالفان حرفی برای گفتن نداشتند. خودشان را هم مخالف بنی صدر قلمداد می‌کردند و هم مخالف عزل او. موافقان هم با اینکه حرف حسابی زیاد داشتند، خوب صحبت نکردند.

جمعیت عظیمی از حزب الهی‌ها در بیرون مجلس جمع شده بودند و خواستار سرعت کار بودند. هنگام تنفس و بعد از ظهر با آنها صحبت کردم.

گروه‌های مجاهدین خلق و پیکار و رنجبران و اقلیت فدایی و... تدارک وسیعی برای ایجاد آشوب و جلوگیری از کار مجلس دیده بودند و به نحوی اعلان مبارزه مسلحانه کرده‌اند. از

ساعت چهار بعد از ظهر به خیابانها ریختند و تخریب و قتل و غارت و آشوب را در تهران و بسیاری از شهرستانها آغاز کردند.

کم کم نیروهای سپاه و کمیته‌ها و حزب اللهی‌ها به مقابله برخاستند. من در مجلس بودم. صدای تیراندازی از چندین نقطه شهر به گوش می‌رسید. خبر از جراحات و شهادت عده‌ای نیز می‌رسید. جمعی از نمایندگان در دفتر من جمع شده بودند.

نزدیک غروب، آقای ارضا زواره‌ای مسئول ستاد امنیت آمد و نوار ضبط شده از ارتباطات تلفنی مرکز فرماندهی مجاهدین خلق با رابطهای آشوب خیابانی را آورد که برنامه وسیع تخریب و آشوب آنها را مشخص می‌کرد.

اوائل شب، آشوبگران شکست خوردند و متفرق شدند، بدون اینکه کار مهمی از پیش ببرند؛ به جز تخریب چند ماشین و مرگ و جرح چند نفر از طرفین. شب را در مجلس ماندم. اولین جلسه شورای ریاست جمهوری به خاطر عدم دسترسی به رئیس جمهور (متواری است) با حضور آقایان بهشتی و رجائی و من - در دفتر من - تشکیل شد. برای امضای آئین‌نامه مصوب مجلس و ضمناً درباره مسائل جاری و آینده ریاست جمهوری هم، تبادل نظر کردیم. از غفت در بیمارستان، تلفنی احوالپرسی کردم. حالش خوب بود.

خبر رسید، خانم بنی صدر را هم بازداشت کرده‌اند. نظر دادیم ایشان را آزاد کنند و در خانه تحت نظر داشته باشند.

یکشنبه ۳۱ خرداد

۱۸ شعبان - ۲۱ ژوئن

چون شب در مجلس خوابیده بودم، اول وقت مشغول مطالعه گزارشات شدم. در خیلی از شهرها هم، آشوب مختصری توسط گروهکها ایجاد شده بود که با دخالت مردم سرکوب گردید. در تهران شانزده نفر کشته و یکصد و پنجاه و شش نفر مجروح، از حوادث دیروز گزارش شده است.

جلسه علنی در ساعت هفت و نیم صبح شروع شد و بحث عدم کفایت سیاسی رئیس جمهور ادامه یافت. امروز موافقان طرح خیلی خوب صحبت کردند، مخصوصاً آقایان موسوی خوئینی‌ها، سیدعلی خامنه‌ای و مخالفها بعضی منصرف شدند و بعضی غیبت داشتند و بعضی در موافقت صحبت کردند و رئیس جمهور هم که مخفی است، برای دفاع نیامد.



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

دفتر دس

شماره ۱۲۸۰ / ۱۰ / ۱۳۶۰ هـ

تاریخ ۱۳۶۰ / ۲ / ۲۱

بیتنا

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

محضر شریف حضرت آیت العظمی امام خمینی ادام الله ظله

مختصراً "بمعرض میرساند" راهی مجلس شورای اسلامی در جلسه مورخ ۱۳۶۰ / ۲ / ۲۱

پس از بحث و بررسی با حضور یکصد و نود نفر مشروح زیر :

آراء موافق : یکصد و هفتاد و هفت نفر

راهی مخالف : بیست و یک نفر

آراء منقطع : دوازده نفر

در مورد آقای سید ابوالحسن بنی صدر بر این قرار گرفت که "آقای ابوالحسن بنی صدر برای

ریاست جمهوری اسلامی ایران کفایت سیاسی ندارد

بموجب اصل ۱۱۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مراتب برای انتخاب تصمیم

بخدمت امام عظیم الشان گزارش میگردد .

بسم الله الرحمن الرحيم

رئیس مجلس شورای اسلامی

اکبر هاشمی رفسنجانی

التهان

بزرگواران! اثریست قاطع غایتیست محکم مظهر شرف و سبیدی غنی بایند

در ادب و حسن بنی صدر بر این است جمهوری اسلامی ایران کفایت سیاسی ندارد

ایشان را در ریاست جمهوری سبیدی ایران غزل نمودم اول تیرماه (۱۳۶۰)

بسم الله الرحمن الرحيم

بعد از ظهر رأی گرفتیم، عده حاضر ۱۹۰ نفر، رأی در موافقت با عدم کفایت سیاسی ۱۷۷ و مخالف یک رأی متعلق به آقای اصلاح الدین ایبانی نماینده خاف و ممتنع ۱۲ رأی. عده‌ای از مخالفان هم نیامده بودند.

با اعلان رأی مجلس، تظاهرات پرشوری از طرف تماشاچیان و حزب اللهی‌های اطراف مجلس انجام شد و با اصرار آنها، من چند کلمه‌ای با آنها از بالکن مجلس صحبت کردم.^۱ متأسفانه خبر شهادت آقای دکتر چمران در جبهه دهلاویه، حلاوت رأی موافق مجلس را از کامران بیرون برد و اعلان خبر شهادت را تا آخر شب برای اینکه خبر مجلس، تحت الشعاع قرار نگیرد، به عقب انداختیم.

عصر، گروهی از عشایر خوزستان با من ملاقات کردند و از خدمات جمهوری اسلامی، برای احقاق حق کشاورزان، تشکر داشتند.

با آقای اولاف پالمر معاون دبیرکل سازمان ملل و فرستاده ویژه ملاقاتی داشتم. پیشنهادی برای خاتمه دادن به جنگ داشت. امتیازی نمی‌خواست. بیرون رفتن بی قید و شرط نیروهای عراق را نپذیرفت، ولی از ما قبول مذاکره می‌خواست، من از موضع قدرت با ایشان صحبت کردم.

نامه اعلان رأی مجلس برای امام تهیه شد. آن را اول شب به دفتر امام بردم و تحویل آقای صانعی دادم. عده‌ای هم آنجا جمع بودند و اظهار خوشحالی می‌کردند.

امروز علیرغم تهدیدهایی که از طرف گروهکها شده بود - که در صورت عزل بنی صدر شهر را به آتش می‌کشند - کوچکترین حرکتی نکردند؛ شاید به علت قاطعیت دادگاه انقلاب - که امروز صبح پانزده نفر از عوامل آشوب را سریعاً محاکمه و مجازات کرده است - و به علت حضور حزب الله.

تیر ۱۳۶۰

www.KetabFarsi.com



دوشنبه ۱ تیر

۱۹ شعبان - ۲۲ ژوئن

اعتبار نامه نماینده‌های کلیبر و گلپایگان در دستور بود. خبر شهادت دکتر چمران را اعلان کردم. خبر اعدام هشت نفر از گروهکهای ضدانقلاب، وحشی در قلب مخالفان انداخته است.

ظهر آقای عباس واعظ طبسی از مشهد آمده بود و با آقای خامنه‌ای به دفتر من آمدند. ایشان برای معالجه در اروپا و کارهای دیگر، قصد مسافرت به خارج را داشت. قرار شد که به وقت دیگر مોકول شود. راجع به اراضی آستان قدس مطالبی داشتند. عصر آقای خزاعی نماینده رشت آمد و برنامه تشییع جنازه و مجلس فاتحه دکتر چمران تنظیم شد. گزارشها را خواندم و مقاومتهای پراکنده کم اثری از طرف مخالفان به نام حمایت از آقای بنی صدر می‌شود، ولی خیلی ضعیف است و مردم جواب می‌دهند. امام، سریعاً به نامه مجلس جواب دادند و آقای بنی صدر را عزل کردند و سخنرانی موعظه گونه کوبنده‌ای علیه مخالفان، من جمله بنی صدریان و نهضت آزادی نمودند و حمایت لطینی

۱. متن نامه مجلس و پاسخ امام (ره) به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم

محضر شریف حضرت آیت الله العظمی امام خمینی ادام الله ظله

محترماً به عرض می‌رساند، برای مجلس شورای اسلامی در حثه مورخ ۱۳۶۰/۳/۳۱ پس از بحث و بررسی با حضور یکصد و نود نفر به شرح زیر:

آراء موافق: یکصد و هفتاد و هفت نفر.

رأی مخالف: یک نفر

آراء ممتنع: دوازده نفر

در مورد آقای سید ابوالحسن بنی صدر براین قرار گرفت که آقای ابوالحسن بنی صدر برای ریاست جمهوری اسلامی ایران، کفایت سیاسی ندارد.

به موجب اصل ۱۱۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مراتب برای اتخاذ تصمیم به خدمت امام عظیم‌الشان گزارش می‌گردد.

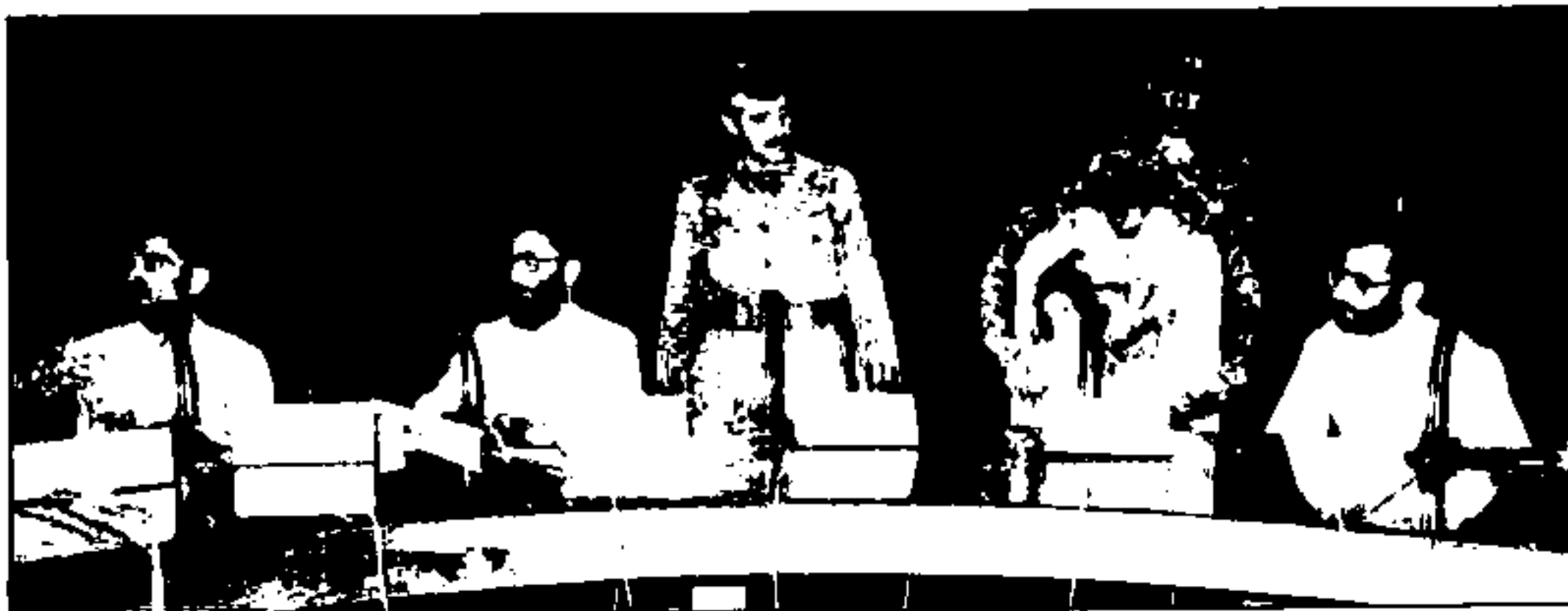
رئیس مجلس شورای اسلامی

اکبر هاشمی رفسجانی

پاسخ امام:

بسم الله الرحمن الرحيم

پس از رأی اکثریت قاطع نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی، مبنی بر اینکه آقای ابوالحسن بنی صدر برای ریاست جمهوری ایران کفایت سیاسی ندارند، ایشان را از ریاست جمهوری ایران عزل نمودم. اول تیرماه (۱۳۶۰) روح الله الموسوی الخمينی



شورای عالی دفاع

دکتر کمال خرازی - جای خالی دکتر چمران - آیت الله خامنه ای - آقای محمد علی رجائی



دکتر مصطفی چمران

از مجلس^۱ عصر برای اصلاح سرزودتر به خانه آمدم.

شب با حضور آقایان بهشتی، خامنه‌ای، احمدآقا و اواعظ‌اطبسی در منزل من جلسه مشورتی داشتیم. درباره رئیس جمهور آینده، سرپرست صداوسیما، نخست وزیر، اعضای شورای عالی دفاع، شورای فرماندهی کل قوا و درباره مراقبت بیشتر پزشکی از حال امام، مشورتی شد؛ مفید بود.

اطلاع دادند که ضد هوایی‌های نخست وزیری را جمع می‌کنند. اقدام مشکوکی به نظر رسید. آقای خامنه‌ای، تماس گرفتند، تأیید شد. ایشان ممانعت کردند. خبر فتح ما در آبادان و باز شدن جاده آبادان - ماهشهر، بعد از بیست ماه از اخبار خوب بود. مرگ آقای محمدتقی کمالی نیا، نماینده قوچان در ریزش ورزشگاه خیابان حافظ، سخت متأثرمان کرد.

سه شنبه ۲ تیر

۲۰ شعبان - ۲۳ ژوئن

اول وقت، جنازه شهید چمران را به مجلس آورده بودند، برای تشییع. به خانواده‌اش تسلیتی گفتم. در جلسه علنی اعتبارنامه آقای بهروزیه نماینده کلیر مطرح بود. اعتبارنامه تصویب نشد. جلسه را برای شرکت در تشییع جنازه شهید، تعطیل کردیم. جنایه آقای محمدتقی کمالی نیا نماینده قوچان را هم که دیروز در حادثه ریزش سقف ورزشگاه نصیری کشته شده بود، آوردند. جمعیت عظیمی برای تشییع، جمع شده بودند. من چند کلمه‌ای صحبت کردم و جمعیت حرکت کرد^۲. به دفترم برگشتم.

خبرنگار لوموند - اریک رولو - آمد و مصاحبه‌ای درباره عزل آقای بنی صدر و انتخابات

۱. اشاره به سخنان امام خمینی در جمع اعضای بسیج جمعیتی شهر، دفتر تبلیغات قم و گروهی از پرسنل پایگاه چهارم نیروی هوایی که فرمودند: «این مجلس، یک مجلس است که در مقابل این امور انحرافی ایستاده است. این مجلس در دست هیچ حریفی نیست، در دست هیچ گروهی نیست، اکثریت این مجلس انحصار مستغنی هستند که خودشان فکر می‌کنند و خودشان عمل می‌کنند. آنها انحرافات را در نظر می‌گیرند و رضای خدا را در نظر می‌گیرند. و با رضای خدا می‌خواهند راه را به آخر برسانند و بعد که انحلال یک همچو معنی را می‌خواهید، می‌داید چه می‌کنید؟ عاقل هستید شما آدم‌های تحصیل‌کرده متدین، شما را عاقل کردند نیامین؟... (صحیفه نور - جلد ۸ - سازمان ملل و فرهنگ انقلاب اسلامی، جلد دوم)

۲. کتاب: هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌ها، سال ۱۳۶۰.

ریاست جمهوری و... انجام داد!

عصر در جلسه فاتحه شهید دکتر چمران که از طرف مجلس برگزار می شد، در مسجد شهید مطهری، شرکت کردم. آقای خامنه‌ای سخنرانی داشتند.

اول شب، در شورای عالی ادفاع به عنوان نماینده در شورای موقت ریاست جمهوری^۱، شرکت کردم. آقای فلاحی، وضع جبهه‌ها و طرحهای آینده را گفت؛ رضایت بخش است. و تصمیماتی گرفتیم.

آخر شب، در جلسه مشورتی هفتگی با آقایان خامنه‌ای، بهشتی، باهنر، رجائی و بهزادنبوی شرکت کردیم و تصمیماتی گرفتیم و جلسه شورای ریاست جمهوری را هم تشکیل دادیم. درباره کار آینده، انتخابات ریاست جمهوری و... تصمیماتی اتخاذ شد. شب را در نخست وزیری خوابیدم.

چهارشنبه ۳ تیر

۲۱ شعبان - ۲۲ زونن

صبح زود به دفترم آمدم. جلسه علنی داشتیم. ساعت ده صبح جلسه را تعطیل کردیم، ولی جلسه هیأت رئیسه تا بعد از ظهر، ادامه داشت. برنامه هفته آینده را تنظیم کردیم. برای حفاظت نمایندگان - در حالی که احتمال ترور زیاد است - تصمیماتی گرفتیم.

عصر نماینده شورای اسلامی پزشکان آمریکا با نماینده فلسطین در ایران آمد. اظهار حمایت مسلمانان خارج، از انقلاب ایران را داشت.

رئیس صلیب سرخ جهانی آمد و درباره اسرای ایرانی و عراقی، گزارشی داشت. از رفتار ما با اسرای عراقی راضی بود و از رفتار عراقیها با اسرای ما ناراضی؛ از وضع زندانهای داخلی گفت و ایرادهای جزئی و کوچکی داشت، ولی به طور کلی، راضی بود.

از عفت - که عمل جراحی کرده - احوالپرسی کردم. شب زودتر به خانه آمدم. به علت خستگی در جلسه ستاد امنیت شرکت نکردم.

۱ - کتاب هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های ۱۳۶۰.

۲ - مطابق قانون اساسی در نبود رئیس جمهور شورای موقت ریاست جمهوری تشکیل می شود. بعد از عزل بنی صدر، آیت الله هاشمی رفسنجانی، آیت الله موسوی اردبیلی و آقای محمد علی رجائی طبق قانون، شورای موقت ریاست جمهوری را تشکیل

شب مصاحبه دادستان و حاکم شرع دادگاه انقلاب تهران را درباره مبارزه با ضدانقلاب از تلویزیون دیدم^۱. جالب نبود. تند، کم محتوا و بی توجیه حرف زدند.

پنجشنبه ۴ تیر

۲۲ شعبان - ۲۵ ژوئن

اول وقت، دو روز نوشتن خاطرات را که تأخیر انداخته بودم، جبران کردم. سپس به فرودگاه رفتم و با هواپیمای کوچک فالکن، همراه پاسداران، قاطی، مهدی و یاسر، به طرف کرمان به منظور رسیدگی به وضع زلزله زدگان گلباف کرمان، حرکت کردیم. ساعت ده در فرودگاه کرمان بودیم. جمع زیادی از عناصر انقلابی شهر، به استقبال آمده بودند. سخنرانی کوتاهی پس از خیرمقدم گفتن آنان انجام دادم^۲.

با دو هلیکوپتر با همراهان به گلباف رفتیم. شهر کوچکی با حدود پانزده هزار جمعیت، که تقریباً تمام ساختمانها یا به کلی ویران شده و یا غیر قابل سکونت. خوشبختانه اغلب خانهها در حیاط خودشان، درخت دارند و لذا چادرهایی در همان محیط نصب شده و مردم به آسانی، اسکان یافته‌اند.

مردم زیادی در اطراف من جمع شدند و شعارهای سیاسی - من جمله علیه بنی صدر - می‌دادند. کمکهای مردم، خیلی زیاد است. اعلان کرده‌اند، دیگر کمک نفرستند، به جز پول برای ساختن منازل. در محل ستاد کمک‌رسانی، برای مردم صحبت کردم^۳. چند نفری شکایات جزئی داشتند که اکثراً غیر واقع بینانه بود.

ناهار را در منزل آقای مرتضی فهیم، قاضی شرع و کاندید وکالت مجلس که فردا باید رأی‌گیری شود، بودیم؛ مخصوصاً چنین برنامه‌ای چیده بودند که تبلیغی به نفع ایشان باشد! عصر، در استانداری با مسئولان جلسه‌ای داشتیم و درباره وضع استان و نیازها و برنامه سازندگی گلباف، بحثهای مفیدی شد و من هم کلیاتی درباره مسائل مطروحه گفتم. سپس، از انبار ستاد کمک‌رسانی، دیدن کردم. اجناس زیادی جمع شده بود و انبارها مملو بود. مردم

۱ - دادستان انقلاب تهران آقای سیداسدالله لاجوردی و حاکم شرع دادگاه انقلاب تهران آیت‌الله محمدی گیلانی بودند.

۲ - متن این سخنان پس از جستجوی زیاد، به دست نیامده است. از افرادی که در این سخنرانی حضور داشتند و یا اینکه نوار آن را در اختیار دارند، درخواست می‌شود با صندوق پستی ۱۹۳۹۵/۴۶۴۸ دفتر نشر معارف انقلاب مکاتبه نمایند.

۳ - متن این سخنان پس از جستجوی زیاد، به دست نیامده است. از افرادی که در این سخنرانی حضور داشتند و یا اینکه نوار آن را در اختیار دارند، درخواست می‌شود با صندوق پستی ۱۹۳۹۵/۴۶۴۸ دفتر نشر معارف انقلاب مکاتبه نمایند.

خیلی خوب عمل می‌کنند. مصاحبه‌ای با تلویزیون کرمان کردم^۱. سپس، در جمع اعضای حزب جمهوری اسلامی در محل حزب، شرکت کردم و به خواستهای آنان گوش دادم و سخنرانی کوتاهی در فواید ن حزب و تشکیلات و شرایط و وظائف حزب اسلامی ایراد کردم، نماز را با جماعت با آنها خواندم و جلسه خصوصی با سران حزب کرمان داشتیم. اصرار داشتند که یک فرد روحانی پیرو خط امام به کرمان فرستاده شود. از امام جمعه گله داشتند.

شب، به رفسنجان آمدم، در خانه آقای شیخ محمد هاشمیان مهمان بودیم. والده و جمعی از اقوام و بستگان هم از نوق آمدند.

جمعه ۵ تیر

۲۳ شعبان - ۲۶ ژوئن

از صبح تا ظهر در منزل آقای شیخ محمد هاشمیان در رفسنجان نشستم و جمعی از بستگان و آشنایان به ملاقات آمدند و مطالبشان را مطرح کردند. ظهر در نماز جمعه شرکت کردم. احساسات مردم خیلی خوب بود و به طور اغراق آمیز از من ستایش شد. از این ستایشها خوشم نمی‌آید.

سخنرانی مفصلی در ماهیت اختلافاتمان با آقای بنی صدر کردم و افشاگریهایی نمودم^۲. فکر می‌کنم روشنگر و مفید باشد.

عصر به طرف بهرمان نوق، روستای مسقط الرأس خودم، حرکت کردم. در بین راه اهالی اسماعیل آباد و فردوسیه اجتماع کرده بودند، برای استقبال ناچار برای تشکر صحبت کردم^۳. غروب به سه قریه (بهرمان، نعمت آباد و قاسم آباد) رسیدیم. این سه روستا را که به هم متصل است، سه قریه نام نهاده‌اند. استقبال پرشوری نمودند و شعارها علیه بنی صدر بود. نماز جماعت خوانده شد و من سخنرانی کردم^۴.

ابتدا به منزل والده که منزل پدری ماست، رفتم. شام را در منزل آقای قاسم صفریان مهمان بودیم. جمع زیادی را شام دادند و شام مفصلی بود. آخر شب به کرمان رفتیم. قرار بود

۱- کتاب هاشمی رفسنجانی - مصاحبه‌های ۱۳۶۰.

۲ و ۳- متن این سخنان پس از جستجوی زیاد به دست نیامده است. از افرادی که در این سخنرانی حضور داشتند و یا اینکه با آن را در اختیار دارند، درخواست می‌شود با صندوق پستی ۱۹۳۹۵/۶۶۴۸ دفتر نشر معارف انقلاب مکاتبه نمایند.



درکنار مادر



منزل پدری در میان اقوام و جمعی از اهالی نوب

در منزل آقای سید حسین مرعشی - عضو شورای جهاد - بخواییم. آدرس دقیق نداشتیم، به منزل آقای فهیم رفتیم و حدود ساعت یک بامداد، خوابیدیم.

شنبه ۶ تیر

۲۲ شعبان - ۲۷ ژوئن

صبح زود، آماده رفتن به جیرفت و کهنوج شدیم. به پادگان هوانیروز رفتیم. مقداری با پرسنل صحبت کردیم و سوار هلی کوپتر شدیم. پس از کمی انتظار پرواز برج مراقبت اعلان کرد که هوا برای پرواز مساعد نیست. ناچار برگشتیم. همافران و خلبانها جمع شدند و برایشان سخنرانی کردم و توضیحات کاری و روشنگری که موثر و مفید است. سپس پایگاه را بازدید کردیم و در جمع سربازان هم کمی صحبت کردم.

برای دیدن معادن ذغال سنگ، عازم زرند شدیم. ناهار را در اداره معادن زرند خوردیم، جمعی از مردم در مدخل شهر به استقبال آمده بودند و نماز را در مسجد کارخانه خواندیم و قول گرفتند که ساعت سه در مسجد جامع برای مردم صحبت کنیم.

به معادن باب نیزو رفتیم. لباس کار پوشیدیم و با آسانسور به عمق سیصد و پنجاه متری زمین رفتیم. تونلهای ذغال را که اعجاب انگیز بودند بازدید کردیم. ضمناً به خواسته کارگرها - که اکثراً رفاهی است - گوش دادیم. ساعت سه از چاه بیرون آمدیم.

سروان سجادی فرمانده ژاندارمری، خبر سوء قصد به جان آقای خامنه‌ای را همراه با بشارت نجات ایشان داد. گفت: بمبی در ضبط صوت کار گذاشته و در مسجد اباذر روی میز خطابه ایشان گذاشته‌اند. یک لحظه دنیا در نظرم تاریک شد. همراهان متوجه از دست رفتن تعادل من شدند و شاید به همین جهت، سروان سجادی توضیحات امیدوارکننده‌ای داد و به خود آمدم که پس از عزل بنی صدر، ما بایستی ضوابط امنیتی را بهتر مراعات کنیم. همین نحوه سفر من و حضور غیر محتاطانه آقای خامنه‌ای در مسجد اباذر، از این بی احتیاطی‌ها است.

فوراً به شهر آمدیم و سخنرانی کوتاهی در مسجد جامع زرند در انبوه جمعیت نمودم و به طرف کرمان حرکت کردیم. در بین راه اهالی روستاها اجتماع کرده و ابراز احساسات می‌کردند و کمی برایشان صحبت کردم. مردم خانوک بلندگو هم آورده بودند. در جاده بیشتر صحبت کردم. ساعت شش بعد از ظهر به فرودگاه رسیدیم. هواپیما عیبی داشت. مدتی معطل



شدیم، تا رفع شد و سپس پرواز کردیم. در فرودگاه، مصاحبه‌ای با رادیو کرمان داشتم^۱. ساعت هشت شب به تهران رسیدیم. مستقیماً به بیمارستان قلب رفتم و از آقای خامنه‌ای عیادت کردم. دکترها گفتند هفتاد درصد خطر رفع شده، خونریزی زیاد شده. دست راست ایشان با قطع عصب از کار افتاده است، بعداً باید پیوند شود. عروق و اعصاب ناحیه راست سینه قطع شده، برای قطع خونریزی، ایشان را به اتاق عمل بردند و من به خانه آمدم. عفت هم از بیمارستان به خانه آمده و حالش بد نیست. خیلی خسته بودم، زود خوابیدم. ولی در اثر اندوه و غم و نگرانی از حال آقای خامنه‌ای، مدت طولانی بیدار بودم و سعی می‌کردم، نگرانی‌م را مخفی کنم.

یکشنبه ۷ تیر

۲۵ شعبان - ۲۸ ژوئن

اول وقت، دو روز خاطرات را نوشتم و ساعت شش ونیم به بیمارستان قلب رفتم. حال آقای خامنه‌ای، رضایت‌بخش بود. من را شناختند. کمی راحت شدم. به مجلس رفتم. طرح احزاب را در دستور داشتیم. پنج ماده از آن تصویب شد^۲. ظهر جمعی از علمای کردستان آمدند و از من برای رفع فشار از کردستان و کمک به علما و آزادی چند زندانی کمک می‌خواستند. با توجه به خطرات احتمالی به نمایندگان و محافظان، تأکید زیادی برای محافظت نمودم.

بعد از ظهر، در جلسه شورای مرکزی حزب شرکت کردم. بحثهای مهمی در دستور بود. از بیمارستان قلب خواسته بودند، برای مشورت راجع به مسائل مربوط به معالجه آقای خامنه‌ای، کسی از مسئولان به آنجا برود. پس از جلسه شورا، برای بررسی وضع آقای خامنه‌ای، اول شب به عیادت آقای خامنه‌ای رفتم، حالشان بهتر بود. در وضع محافظت و سایر مسائل بحث شد. شب با احمد آقا خمینی در منزل قرار داشتم، به منزل آمدم. آقای موسوی خوئینی‌ها هم آمد. درباره ریاست جمهوری بحث کردیم.

۱ - کتاب «هاشمی رفسنجانی - مصاحبه‌های ۱۳۶۰».

۲ - مجلس شورای اسلامی، به منظور مشخص ساختن حدود فعالیت احزاب، جمعیتها، انجمنهای سیاسی - صنفی و انجمنهای اسلامی، لایحه‌ای را به تصویب رسانید که به موجب آن هر گروهی که قصد فعالیت آزاد سیاسی را داشته باشد، باید در نشریات، اجتماعات و فعالیتهای دیگر خود از ارتکاب مواردی از قبیل نقض استقلال کشور، دریافت کمک از بیگانگان، نقض آزادیهای دیگران، افترا - نهمت، شایعه، اختفاء اسلحه و ... خودداری ورزد.

از دفتر امام، آقای صانعی تلفن کرد و خبر داد که در دفتر حزب جمهوری اسلامی، بمبی منفجر شده و عده‌ای شهید شده‌اند، وحشت کردیم. جلسه مشترک نمایندگان و مسئولان اجرایی حزب بود.

در تلفتهای بعدی اطلاع رسید که بمب در همان سالن در حال سخنرانی آقای بهشتی منفجر شده. در حالی که نزدیک به یکصد نفر از افراد مؤثر مملکت حضور داشته‌اند و ساختمان ویران شده و همگی زیر آوار رفته‌اند و مشغول بیرون آوردن شهدا و مجروحان هستند. با تلفنها، خبرها در همه شهر منتشر شد. تا ساعت دو بعد از نصف شب بیدار ماندم و مرتباً خبر می‌گرفتم. خبرها وحشتناک بود و حاکی از شهادت دهها نفر و بالاخره خبر شهادت آقای دکتر بهشتی کمرم را شکست اگرچه خبرهای ضد و نقیض روزنه‌ای برای امید باز می‌گذاشت. فقط چند لحظه‌ای خوابیدم.

فاطمی تا صبح بیدار بود و جواب تلفن می‌داد و گریه می‌کرد. عفت هم کم خوابید. طلوع فجر، نماز صبح را خواندم و برای تصمیم‌گیری درباره بحران موجود به نخست‌وزیری رفتم. آقایان رجائی، مهدوی، باهنر، موسوی اردبیلی و بهزاد نبوی هم بودند.

دوشنبه ۸ تیر

۲۶ شعبان - ۲۹ ژوئن

در جلسه طولانی مشورتی، کیفیت اعلان فاجعه، پیامها و اقدامات فوری را مورد مشورت قرار دادیم و تصمیمهایی گرفتیم. گزارشها نشان می‌داد که بیش از شصت نفر شهید و بیش از بیست مجروح داریم. پیامی رادیوئی دادم^۱. به مجلس رفتم، عده‌ای از نمایندگان جمع شدند و سخت متأثر بودند. قرار شد هر چه زودتر مجلس را دایر کنیم. دو روز تعطیل عمومی و یک هفته عزای عمومی اعلام نمودیم.

ساعت هشت و نیم صبح با آقایان |محمد رضا| مهدوی| اکنی|، |اکبر| پرورش|، رجائی و موسوی اردبیلی خدمت امام رسیدیم. امام متأثر بودند و ما را دلداری دادند. رئیس دیوان عالی کشور و دادستان را تعیین کردند و از ما خواستند زودتر کابینه را ترمیم و مجلس را فعال کنیم،

۱ - آیت‌الله هاشمی رفسنجانی بعدها در مقاله‌ای احساسات و نظرات خود را در مورد این فاجعه دلخراش به رشته تحریر در آوردند که در انتهای این کتاب نیز بخش مهمی از آن با عنوان روایت هجران آورده شده است.

۲ - کتاب آ‌هاشمی رفسنجانی - پیامها ۱۳۶۰.



حسرت شهادت دکتور بهشتی کمره رانشکست



که کارها عادی باشد.

قرار شد، آقای رجائی برای ریاست جمهوری کاندیدا شود. من پیشنهاد کردم دولت بماند و آقای خامنه‌ای کاندیدای ریاست جمهوری شوند. امام صلاح ندانستند و معتقد بودند، روحانی نباشد، بهتر است؛ در گذشته هم به همین دلیل نامزد روحانی برای ریاست جمهوری نداشتیم. البته وضع جسمی آقای خامنه‌ای در اثر سوء قصد هم، مانع دیگری بود.

قرار شد، آقای سرهنگ نامجو نماینده امام در شورای عالی دفاع - به جای دکتر چمران - انتخاب شود. به نخست وزیری برگشتم و در جلسه ستاد امنیت شرکت کردیم. درباره کیفیت برخورد با آشوبگران و ضدانقلاب، مشورت شد. بعد از ظهر اعضای شورای عالی قضائی هم آمدند. کمی استراحت کردم و به مجلس برگشتم.

در مجلس، نمایندگان جمع شدند و درباره تشییع جنازه‌ها و حمل اجساد شهدا و تشکیل جلسه علنی، بحثهایی کردیم.

عصر، اعضای شورای مرکزی حزب جمهوری آمدند و برای جبران نیروهای از دست رفته حزب، تصمیماتی اتخاذ شد.

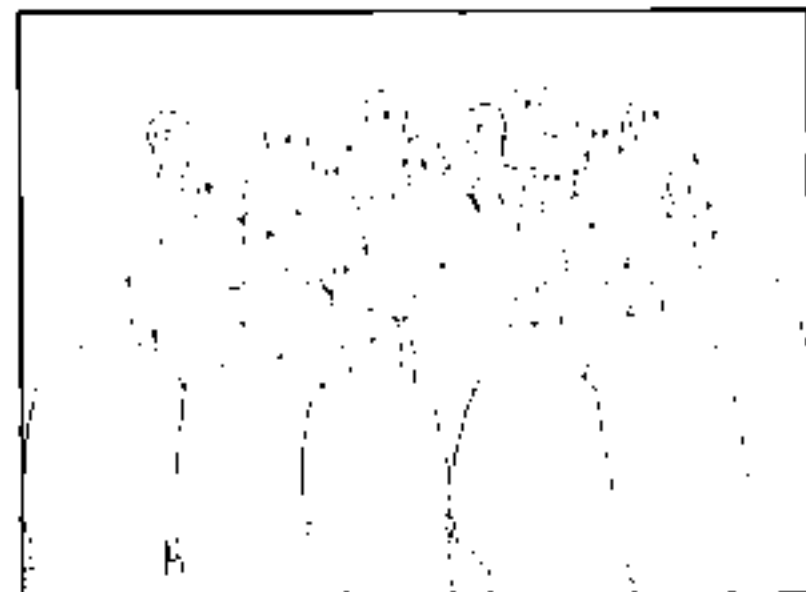
آقای باهنر به جای آقای بهشتی، به عنوان دبیر کل انتخاب شدند. خبری دادند که حادثه انفجار بمب، می‌تواند به دست یکی از عوامل ضدانقلاب که در حزب نفوذ کرده، انجام شده باشد. او فعلاً متواری است. ده دقیقه قبل از انفجار به بهانه‌ای از دفتر حزب به طور مرموز بیرون رفته است.

شب را در مجلس خوابیدم. آقای باهنر هم در مجلس ماند. مهندس امیرحسین اموسوی آمد و جریان مفقود شدن [محمد رضا] کلاهی و احتمال عامل انفجار بودنش را مطرح کرد. به عنوان بستنی خریدن قبل از انفجار فرار کرده است^۱. روزها و ساعات و بلکه لحظات سختی را می‌گذاریم و صبر و متانت و اتکاء به خدا سرمایه مهمی است. حضور مؤثر امام و راهنمایی‌های به موقع، کارگشا است.

۱ - محمد رضا کلاهی فرزند حسن متولد ۱۳۳۸ به شماره شناسنامه ۱۲۵۱ دانشجوی سال اول رشته برق دانشگاه علم و صنعت ایران و دارای دیپلم ریاضی از دبیرستان باعداد بود. وی لحظاتی قبل از انفجار و پس از جاسازی بمب در سطل زباله نزدیک محل سخنرانی دکتر بهشتی، ساختمان را ترک کرد.



- ۱۷ - محمد ناقر سجائی سرپرست سازمان امور اداری
- ۱۸ - حسن سادات سرپرست وزارت نفت
- ۱۹ - حسن شهبانسی سرپرست سازمان بهر سیر
- ۲۰ - فریدون سجایی رئیس سازمان انرژی اتمی
- ۲۱ - محمد رضا عصب زاده وزیر صنایع و معادن
- ۲۲ - محمود احمدزاده وزیر مشاوری و سرپرست صنایع فولاد ایران
- ۲۳ - محمود مقدم سرپرست وزارت نیرو
- ۲۴ - محسن نوربخش رئیس کل بانک مرکزی



- ۱ - جواد فکوری وزیر دفاع
- ۲ - حسن عارفی وزیر علوم و فرهنگ و هنر
- ۳ - حسین طارمی نمانده دولت در مذاو سیما
- ۴ - محمد علی رجایی نخست وزیر
- ۵ - حسن نمازی وزیر اقتصاد و دارایی
- ۶ - هادی مسافی وزیر بهداشت و درمان
- ۷ - احمد امیری سرپرست وزارت راه و ترابری
- ۸ - محمد رضا مهدوی کنی وزیر کشور
- ۹ - محمد میر محمد صادقی وزیر کار و امور اجتماعی
- ۱۰ - محمد سلامی وزیر کشاورزی
- ۱۱ - عباس دوزدورانی وزیر ارشاد اسلامی
- ۱۲ - میر حسین موسوی وزیر امور خارجه
- ۱۳ - محمد جواد باهنر وزیر آموزش و پرورش
- ۱۴ - موسی حیر رئیس سازمان برنامه و بودجه
- ۱۵ - محمد اصغری وزیر دادگستری
- ۱۶ - غلامحسین دلجو سرپرست وزارت پست و تلگراف و تلفن

سه شنبه ۹ تیر

۲۷ شعبان - ۳۰ ژوئن

اول صبح در مجلس، تعدادی از آیات سوره آل عمران، در رابطه با جنگ احد را مطالعه کردم که خیلی شبیه شهدای پریشب بودند، آقای بهشتی، حمزه و دیگران [سپاه اسلام] جلسه هیأت رئیسه داشتیم. معلوم شد، تاکنون بیست و هفت نماینده شهید شده‌اند^۱ و بقیه شهدا تا هفتادوسه نفر از اعضای دستگاه قضائی و دولت، (چهار وزیر و عده‌ای معاون) و اعضای حزب جمهوری اسلامی بوده‌اند. نه مجروح نماینده در بیمارستانها داریم^۲.

مردم از صبح زود برای تشییع جنازه شهدا، در اطراف مجلس جمع شده بودند و عزاداری می‌کردند. آقای محمد رضا بهشتی [فرزند شهید دکتر بهشتی] به دفتر من آمد و پس از بحث زیاد، بالاخره تصمیم گرفته بودند که ایشان را در بهشت زهرا دفن کنند. نه به اصفهان و نه به قم ببرند. تصمیم عاقلانه‌ای است.

ساعت هشت صبح از بالکن مجلس، برای جمعیت انبوه و کم نظیر مردم به مدت یک ساعت سخنرانی کردم^۳. احساسات مردم عجیب بود و جمعیت به طرف بهشت زهرا حرکت کرد. نمایندگان مجلس، با اعجاب از سخنرانی من، تمجید کردند و می‌گویند، تأثیر زیادی در تقویت روحیه نیروهای انقلاب و یأس دشمنان دارد. تسلط برخوردارم با این همه مصیبت و خطر و کار برایشان، مهم بود.

مخبران می‌گویند، پس از پیروزی انقلاب چنین جمعیتی سابقه نداشته. در اثر ازدحام تا غروب، بسیاری از جنازه‌ها منجمله جنازه آیه‌الله بهشتی را نتوانستند به قبرستان برسانند.

۱- از منی نمایندگان مجلس که در جلسه ۷ تیر به شهادت رسیدند، به این شرح است:

۱- دکتر شمس الدین حسینی نماینده بائیر - ۲- عباسعلی باطنی بوری - نور - ۳- محمد حواد شرامت - نوشهر - ۴- دکتر علامرضا دانش - تفرش - ۵- سید فخرالدین رحیمی - ملاوی - ۶- محمد حسین صادقی - درود - ۷- سید نورالله طباطبائی نژاد - اردستان - ۸- عبدالوهاب قاسمی - ساوی - ۹- دکتر عبدالمجید دیلمی - مشهد - ۱۰- عباس حیدری - نوشهر - ۱۱- علیرضا چراغزاده دره‌قوی - رامهرمز - ۱۲- حبیب‌الاسلام طیبی - سغزیر - ۱۳- مریم‌زاد شهریاری - رودرزان - ۱۴- محمد منتظری - نجف آبادی - ۱۵- سید محمد کاظم دانش - اندیمشک و نوش - ۱۶- رحمان اسنکی - شهرکرد - ۱۷- علی اکبر دهقان - تربت حام - ۱۸- غلامحسین حقانی - بندر عباس - ۱۹- دکتر قاسم صادقی - مشهد - ۲۰- عبدالدین کریمی بیژنی نژاد - نوشهر - ۲۱- دکتر سید محمد باقر لوانانی - تهران - ۲۲- دکتر سید رضا پاک نژاد - یزد - ۲۳- سید الله عبدالکریمی - لنگرود - ۲۴- مهدی حسینی لاری - لارستان - ۲۵- محمد علی حیدری - نهاوند - ۲۶- سید محمد تقی حسینی طباطبائی - زابل - ۲۷- علی هاشمی سجانی - اراک

۲- تعدادی از نمایندگان مجروح عبارت بودند از: فردوسی پور، باغانی، مروی، ایرج صفائی دزقوایی، نجفی، ابراهیم تاج گردان

۳- کتاب هاشمی رفسنجانی - سخنرانیهای ۱۳۶۰.

فاطی از بهشت زهرا آمد و خبر داد مردم چند تروریست را در آنجا، با نارنجک و اسلحه بازداشت کرده اند.

اعضای شورای قضائی و آقای مهدوی اکنی به دفتر من آمدند و تصمیماتی درباره انتخابات اتخاذ شد. ظهر آقای رجائی به دفتر من آمد و ناهار را با هم خوردیم و درباره مسائل جاری مشورت کردیم.

مهندس [عزت الله] سعایی آمد و درباره تغییر موضع نهضت آزادی و از تمایل آقایان دکتر ابدالله سعایی و مهندس مهدی بازارگان به مجلس صحبت کرد. قرار شد امنیت و احترامشان را تأمین کنم و آنها فردا به مجلس بیایند و قهر را بشکنند.

عصر از محل انفجار بمب و سالن مغروبه حزب، دیدار کردم. حال عجیبی داشتم. سپس به عیادت مجروحان در بیمارستان طرفه و عیادت از آقای خامنه ای رفتم، حالشان خوب تر شده، ولی اطمینان بخش نیست و به خصوص که نمی دانم، ضربه سنگین روحی و عاطفی خبر شهادت آن همه همسنگر را چگونه تحمل خواهند کرد. خدا رحم کند. هنوز از شهادت دوستان خبر ندارد و توصیه می کردند که تحفظ کنند. سری به منزل آقای بهشتی زدم. زودتر به خانه آمدم. تظاهرات عجیب تمام کشور را - از تلویزیون - تا ساعت دوازده شب، تماشا کردم و تسکین بود.

چهارشنبه ۱۰ تیر

۲۸ شعبان - ۱ جولای

ساعت شش صبح - یک ساعت قبل از جلسه علنی - به مجلس رفتم، زیرا صبح زود، اطلاع رسیده بود که ضد انقلاب، برنامه خرابکاری در مجلس دارد. از سپاه و ارتش و شهربانی، متخصص آمدند و همه جا را تفتیش کردند و مراقبت کامل برای امنیت نمایندگان به عمل آمد. نگران عدم تشکیل مجلس، به خاطر کمبود از حد نصاب لازم بودم. خوشبختانه با یک ساعت تأخیر، نصاب حاصل شد و جلسه علنی رسمیت یافت. موفقیت بزرگی به حساب می آید. چون بیست و هفت نفر نماینده شهید داشتیم و نه نفر مجروح. گرچه جمعی از مجروحان از بیمارستان به مجلس آمدند، برای رفع کمبود و این عمل خود اثر مهمی داشت و دو نفرشان هم از تریبون صحبت کردند. آقایان باغانی و مروی نمایندگان مشهد و سبزوار - اما رسیدن به موقع ده نماینده جدید، مشکل گشا شد. بعضی ها صدای زنگ اعلان رسمیت

مجلس را اعلان شکست ضدانقلاب تعبیر کردند چون هدف آنها از کار انداختن قوای سه گانه بود.

تمام وقت پیش از دستور، صرف صحبت‌هایی شد که همگی درباره شهادت هفتاد و دو نفر از بهترین همفکران و انقلابیون مسلمان در انفجار بمب در دفتر حزب جمهوری اسلامی بود. خیلی بجا و به موقع و مؤثر. بقیه جلسه صرف مراسم تحلیف نمایندگان جدید و اصلاح لایحه معاملات مسکن و ارجاع اصلاحیه انتخابات به کمیسیون داخلی برای تصویب شد. روی هم رفته جلسه بسیار مفید و سازنده‌ای شد.

بعد از ظهر، جلسه هیأت رئیسه داشتیم. درباره دستور هفته آینده و امنیت نمایندگان و کمک مالی به خانواده‌های شهدا، بحث و اتخاذ تصمیم داشتیم.

سپس، جلسه شورای مرکزی حزب جمهوری در دفتر من تشکیل شد؛ درباره ترمیم شورا که هفت عضو در فاجعه انفجار بمب شهید شده بودند و انتخابات میان دوره‌ای بحث کردیم. احمد آقا تلفن کرد و گفت امام، اقامه نماز جمعه تهران را در دوره نقاهت آقای خامنه‌ای به عهده من گذاشته‌اند.

شب در دفتر من، جلسه شورای موقت ریاست جمهوری با حضور آقایان رجائی و اموسوی اردبیلی داشتیم. در مورد تقویت اطلاعات کشور و تأمین امنیت و مطالب جاری کشور بحث کردیم. با آقای منتظری تلفنی صحبت کردم، به ایشان تسلیت دادم و مشورت‌هایی نمودم.

دیر وقت به خانه آمدم. عفت تنها بود، یاسر و مهدی خواب بودند و فاطمی و فائزه هم در خانه نبودند. نامه محسن رسیده بود، خواندم و خوشحال شدم. شام نیمروی تخم مرغ داشتیم، بد نبود. ولی اصلاً میل به غذا نداشتم. خدا را شکر کردم که صبرم تمام نشده، مدتی قدم زدم و به عمق فتنه و مصائب فکر کردم: از دست دادن این همه نیروی ارزنده و کارساز، وضع حال و جسم نامساعد آقای خامنه‌ای که نقش بسیار سازنده، در وضع مشکلات انقلاب ایفاء می‌کردند. کسالت و سالخوردگی امام و شرایط پیچیده جنگ.

پنجشنبه ۱۱ تیر

۲۹ شعبان - ۲ جولای

بعد از آسیب دیدن آقای خامنه‌ای، امام من را مأمور اقامه نماز جمعه فرموده‌اند. برای برگزاری نماز جمعه از تحریرالوسیله^۱ قدری مسائل نماز جمعه را مطالعه نمودم. سپس به ملاقات آقای خامنه‌ای به بیمارستان رفتم. برخلاف انتظار، ایشان را بی حال دیدم. معلوم شد دیشب ریه‌های ایشان را مایعات ناشی از تزریق خون، زیاد ناراحت کرده و تنفس مصنوعی به ایشان می‌دهند، دکترها اطمینان دادند که خطری در پیش نیست و در این گونه موارد، چنین وضعیتی طبیعی است.

ساعت ده به مجلس رفتم. آقای انصاری نماینده نیشابور آمد و در مقابل مزاحمتی که علیه ایشان در نیشابور از طرف بعضی از مردم شد، استمداد می‌کرد، معتقد بود که حزب جمهوری اسلامی محرک است.

آقای دکتر علی اکبر اولابی آمد و درباره کمیسیون پزشکی که برای امام تنظیم شده، صحبت کرد. قرار شد با دکتر احسن عارفی در میان بگذارد.

ستاد نماز جمعه، تماس گرفت و برنامه تنظیم شد. با آقای مهدوی اکنی اوزیر کشور و کمیسیون امور داخلی درباره قانون انتخابات مجلس و ریاست جمهوری بحثها و کارهایی داشتیم.

عصر به جلسه فاتحه حزب جمهوری اسلامی، برای شهدای انفجار بمب در دفتر مرکزی حزب رفتم. گفته شد که تعداد شهدا دو سه نفر بیشتر از هفتاد و دو نفر است، ولی قرار شد به خاطر اعتبار و ارزش عدد هفتاد و دو و شباهت آن با شهدای کربلا و جا افتادن آن، عوض نشود. ملاقاتی با رهبران جمعیت امل لبنان داشتم. اظهار حمایت کردند و کمک خواستند. سپس با کارمندان سازمان پژوهشهای علمی و صنعتی که مشکلات اداری و مالی داشتند ملاقات کردم. شب زودتر به خانه آمدم و برای اینکه، سحر بایستی برای روزه گرفتن، بیدار شویم، شام سبکی خوردم و خوابیدم.

۱. تحریرالوسیله مجموعه فتاوی حضرت امام بوده و معصل تر از کتاب توضیح المسائل به انعکاس نظریات فقهی امام خمینی پرداخته است.

جمعه ۱۲ تیر

۱ رمضان - ۲ جولای

روزه گرفتم؛ ولی بعد از ظهر از طرف مراجع اعلام شد که ثابت نشده، امروز ماه رمضان باشد. عده‌ای صبح زود به خانه آمدند و آقای تحریریان خبر بازداشت آقای میناچی^۱ را داد و کمک خواست. قرار شد صحبت کنم. خانم شهید مطهری هم آمد و اصرار داشت که منزل بعضی از معارف، کانون ضدانقلاب است و چاره‌ای می‌خواست.

سری به بیمارستان قلب زد، برای احوالپرسی از آقای خامنه‌ای. سپس به دانشگاه [تهران] برای اقامه نماز جمعه رفتم. آقای حبیب‌الله عسکراولادی سخنران پیش از خطبه‌ها بود. خطبه‌ها را خواندم و نماز جمعه را اقامه نمودم. به شدت اندوهگین بودم و سعی کردم که اندوهم را مخفی نمایم و مطمئن و امیدوار جلوه کنم. نمی‌دانم چه قدر موفق بودم^۲.

جمعیت به خاطر مسائل جاری، خیلی زیاد بود و من تحلیلی از درگیریهای داخلی، براساس درگیری ایمان با کفر و نفاق دادم. مصاحبه‌ای هم در همان جا با خبرگزاری آلمان در رابطه با شهادت هفتاد و دو نفر نمودم.

بعد از ظهر در خانه استراحت کردم و ساعت پنج بعد از ظهر در جلسه شورای عالی دفاع در ستاد ارتش شرکت کردم. تصمیم گرفتیم، پیشنهاد آتش‌بس ماه رمضان را که توسط [اولاف] پالمه^۳ در ژنو به سفیر ما داده شده بود، رد کنیم. کارهای متراکم ایجاب می‌کند که در روزهای تعطیل هم کار کنیم.

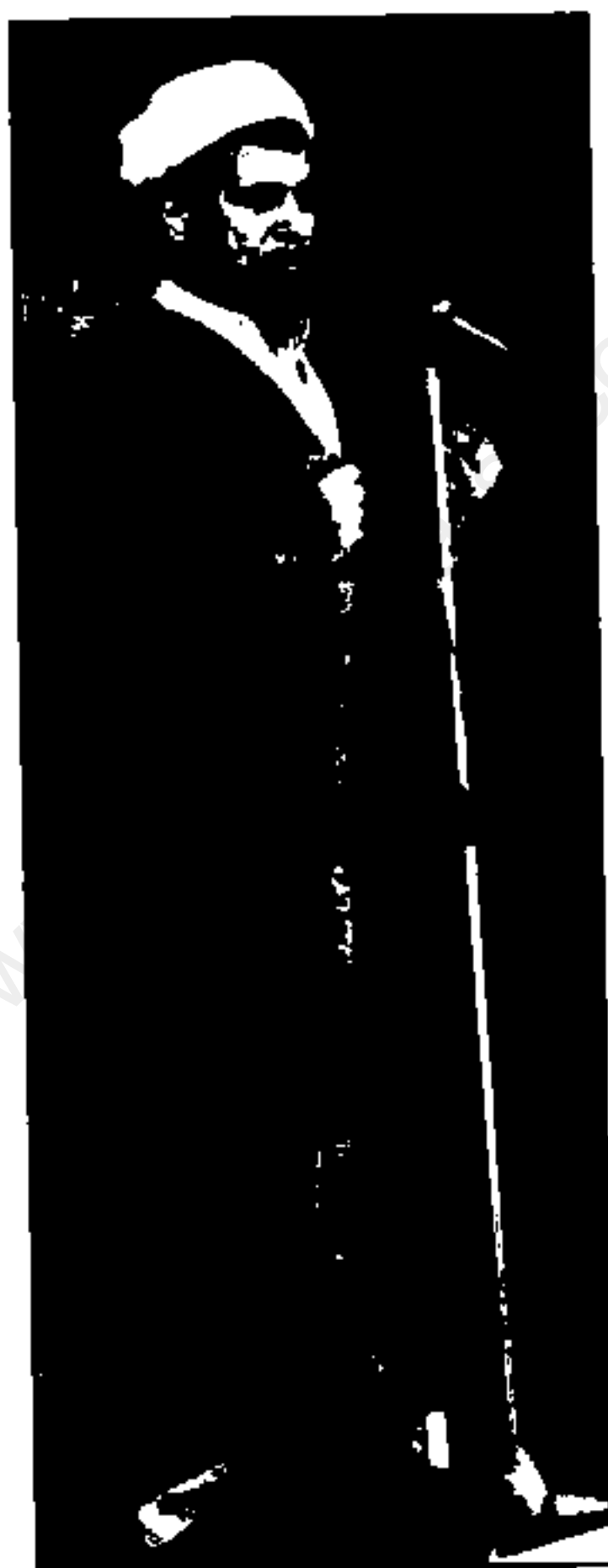
آقای اولی‌الله [فلاحی] از اختلافات بین خودش و آقای ظهیرنژاد فرمانده نیروی زمینی صحبت داشت و چاره‌جویی کرد. مشکلی است که به جنگ ضربه می‌زند. قرار شد جدی برخورد کنیم. گزارشی از وضع امکانات و نیروهایمان شنیدیم؛ مشکلات جدی برای تدارکات داریم.

افطار در منزل شهید بهشتی مهمان بودیم و جمع زیادی از دوستان بودند؛ من جمله دکتر محمود روحانی که گفته می‌شد جزء شهدا یا مجروحان است. معلوم شد در جلسه شرکت نداشته، جلسه را قبل از انعقاد ترک کرده.

۱ - دکتر میناچی وزیر ارشاد در دولت موقت مهندس بازرگان بود.

۲ - هاشمی رفسنجانی - خطبه‌های جمعه - جلد اول - دفتر نشر معارف انقلاب - ۱۳۷۶ - تهران.

۳ - معاون دبیرکل سازمان ملل متحد.



اولین خطبه جمعه

احمد آقا تلفن کرد و گفت امام ، اقامه نماز جمعه تهران را در دوره نقاهت
آقای خامنه ای به عهده من گذاشته اند .

با بعضی از دوستان محرم‌تر، درباره وجود نفوذی‌های فراوان گروهکها در جاهای حساس و خطرهای احتمالی در کمین و ضرورت تقویت محافظت و احتیاط و مراقبت شدید از آقای خامنه‌ای، صحبت کردیم.

شنبه ۱۳ تیر

۲ رمضان - ۲ جولای

جلسه علنی نداشتیم. حدود ساعت نه ونیم به مجلس رفتم. برای کمیسیون آئین‌نامه مدتی انتظار کشیدم. نصاب لازم بدست نیامد. آقای احمدی‌بهشتی نماینده فسا برای پرسش - که محافظ ایشان بوده و به اتهام همکاری با منافقان بازداشت شده - کمک خواست. آقای انصاری نماینده نیشابور هم استعفایش را آورده بود. علت آن فشار بعضی از مردم حوزه انتخابیه‌اش، علیه ایشان به خاطر عدم حضورش در جلسه رأی‌گیری، برای عدم کفایت سیاسی بنی‌صدر می‌باشد. همه جا مردم، این گونه افراد را تحت فشار گذاشته‌اند و محیط بر اینها تنگ شده.

بعد از ظهر مهندس امهدی‌بازرگان، دکتر ایدالله‌اسحایی و دکتر اکاظم‌اسامی آمدند، برای چاره‌جویی در همین زمینه و کم کردن فشار اجتماعی. توقع داشتند امام چیزی بگوید و یا من از آنها تعریف کنم. من گفتم امام راه را باز گذاشته‌اند و پیشنهاد کردم موضعشان را در مقابل ضدانقلاب، صریحاً اعلان نمایند. قرار شد چیزی بنویسند. جنایت هولناک انفجار دفتر حزب جمهوری اسلامی و شهادت این همه نیروهای انقلاب که مورد علاقه آنها هم بوده‌اند، وجدانشان را تحت فشار قرار داده.

سفیر لیبی آمد و موضع لیبی را در تأیید ادامه جنگ با عراق تا سقوط صدام، اعلام داشت و از توجه ما به ایشان شکایت داشت. از طرف ما احساس کم‌اعتمادی می‌کنند و حمایت کشورهای عربی در جنگ، برای ما مهم است، چون مانع می‌شود که جنگ عرب و فارس تلقی شود؛ آن گونه که عراق می‌خواهد.

در جلسه فاتحه‌ای که امام برای هفتاد و دو شهید، در مسجد شهید مطهری گرفته بودند،

۱ - نهفت آزادی با ارسال تلگرامی به محضر امام خمینی، عاملان فاجعه انفجار ۷ تیر را شدیداً محکوم کرد. در این بیانیه آمده است: تشنجات و تجاوزات خیابانی به ضرر جمهوری اسلامی و به نفع بیگانگان است. هر فرد یا گروهی که موجبات تشنج و تجاوز و ارباب را فراهم آورد، آب به آسیاب دشمنان انقلاب اسلامی ایران ریخته است.

شرکت کردم. جمعیت عظیم و پرشوری جمع شده بودند. افطار در منزل همسایه خودمان آقای فقیهی میمان بودیم. از همراهان قبل از انقلاب است.

یکشنبه ۱۴ تیر

۳ رمضان - ۵ جولای

اول صبح آقای محسن رضائی به منزل آمد و گزارشی از وضع مبارزه با گروهکها داد. معلوم شد که عامل انفجار دفتر حزب جمهوری اسلامی، (منافق فراری |محمدرضا| کلاهی) از اتیروهای سازمان |مجاهدین خلق است. از پرونده‌ای که قبلاً انجمن اسلامی دانشگاهش برایش تشکیل داده‌اند، چنین مشخص می‌شود.

جلسه علنی داشتیم. معرفی وزیر خارجه مطرح بود که تصویب شد. آقای مهندس میرحسین موسوی، سردیر روزنامه جمهوری اسلامی، وزیر خارجه شد. از اول کار، آقای رجائی ایشان را معرفی کرده بود. بنی صدر قبول نمی‌کرد. آقایان |دکتر حسن| آیت و احمد کاشانی مخالفت کردند و عکس العمل بدی داشت؛ مخصوصاً از آقای آیت که عضو شورای مرکزی حزب است. عصر، جلسه شورای مرکزی حزب، در دفتر من منعقد شد. درباره انتخابات میان دوره‌ای مجلس بحث شد. روی عده‌ای تصمیم گرفتیم. قرار شد چند نفر هم احتیاطاً داوطلب ریاست جمهوری شوند که در صورت پیش آمدن مشکلی، در بن بست قرار نگیریم. وضع امنیت بد است.

در سالن مجلس، جلسه‌ای مرکب از مسئولان اجرایی و نمایندگان مجلس، باقیمانده هواداران حزب جمهوری اسلامی، تشکیل شد؛ طبق معمول هفتگی که در حزب تشکیل می‌شد. هنوز جمع زیادی هستیم. یادبودی بود و مروری بر علل و آثار فاجعه هفته قبل. افطار را به خانه آمدم. احمد آقاخیمینی تلفن کرد و گزارشی از آقای فلاحی مبنی بر تصمیم حرکت وسیع مجاهدین خلق در خیابانهای تهران با همکاری عراق و کردهای محارب نقل می‌کرد و خبر |ارسال| نامه‌ای از نهضت آزادی به امام را که مجاهدین را محکوم کرده‌اند |ارساند| و پیشنهاد پخش آن را داد.

دوشنبه ۱۵ تیر

۴ رمضان - ۶ جولای

دو روز از خاطرات عقب مانده را نوشتم. جلسه علنی داشتیم و لایحه احزاب مطرح بود.

چند ماده تصویب شد. رئیس دفتر جدید را دعوت به کار کردم^۱. آقای ساداتیان دانشجوی سال سوم برق است. از اعضای حزب جمهوری اسلامی است که یک سال است، به آلمان رفته. بعد از این فاجعه [هفتم تیر] برای جبران کمبود نیروها، تصمیم گرفته است در ایران کار کند. آقای زمانی، رئیس دفتر من که شهید شد، یکی از همین نیروها بود.

برادر شهید زمانی به ملاقاتم آمد. در هندوستان در خانه فرهنگ ایران کار می‌کند. به خاطر مادرش تصمیم گرفته، دیگر به هند نرود.

بعد از ظهر، شورای عالی دفاع داشتیم. تیمسار ظهیرنژاد احضار شده بود. برای بررسی اختلاف نظرهای ایشان و آقای [ولی الله] فلاحی بحث زیادی شد. در رفع اختلاف پیشرفتی نکردیم.

قرار شد، در جبهه عمل کنند و حرکتی را خیلی زود برای سرکوب نیروهای متجاوز بعثی عراق آغاز نمایند. از کمبود مهمات می‌گفت که قول تأمین آن داده شد. بعد از سفر اول سال من به خوزستان و مذاکره با فرماندهان در جبهه و سپس مشاوره‌ها و پیگیریها طرحهای عملیاتی تهیه شده بود، ولی با وجود بنی‌صدر کارها کند بود.

خبر آسیب دیدن و نیمه غرق شدن یکی از ناوهای نیروی دریایی در کنار خارک رسید که آقای فلاحی گفت، در دریا تصادف کرده و مشغول تعمیرند. تلفات جانی نداشته‌ایم.

خبر شهادت مهندس [علی] انصاری استاندار گیلان و جراحات معاونش مهندس [علیرضا] نورانی در اثر ترور ضدانقلاب رسید^۲. تروریسم حاد و وسیعی بدون محافظت درست، در پیش داریم.

نزدیک غروب به عیادت آقای خامنه‌ای به بیمارستان رفتم. حالشان بهتر است. خبر

انفجار دفتر حزب را با شهادت جمعی به ایشان گفتم، ولی گفته شد که آقای بهشتی مجروحند.

قرار شد بعداً همه چیز را به ایشان بگویند. امروز سرهنگ نامجو را احضار کرده بودند و

راهنماییهای در مورد سمت جدیدش نموده بودند. کم کم مشغول به امور جاری خواهند شد.

احمد آقاخمینی هم آمدند. با هم افطار را به منزل ما آمدیم. فرصتی شد که بحثهای زیادی

۱ - رئیس دفتر قبلی ایشان - شهید علی اصغر آقازمانی - در حادثه انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی به درجه رفیع شهادت نائل گردید.

۲ - مهندس علی انصاری استاندار گیلان و مهندس علیرضا نورانی معاون عمرانی استاندار در روز ۱۵ تیر ماه ۱۳۶۰ هنگام صبح، عازم محل کار خود بودند که در یکی از خیابانهای رشت مورد اصابت گلوله تروریستها قرار گرفته و به بیمارستان رازی رشت انتقال یافتند. مهندس انصاری در حین ترور جان سپرد و مهندس نورانی در ساعت ۹ صبح در بیمارستان به شرف شهادت نائل آمد.

کنیم.

آقای اعلی‌الاریجانی مدیر عامل صداوسیما هم آمد و گله از ناسازگاری آقایان اعلی‌اجتی و احسن‌پروحاتی دو عضو شورای سرپرستی داشت.

سه شنبه ۱۶ تیر

۵ رمضان - ۷ جولای

دیر از خواب بیدار شدم. بعد از سحری خوردن، ساعت سه و نیم صبح خوابیده بودم، نزدیک ساعت هشت صبح از خواب پریدم. ساعت هشت بایستی جلسه علنی شروع شود. با نیم ساعت تأخیر به مجلس رسیدم. طرح احزاب در دستور بود، تمام نشد. در مورد شهادت آقای انصاری و معاونش صحبت کوتاهی نمودم.

ظهر، خانم چراغزاده دزفولی، همسر یکی از نمایندگان شهید [نماینده رامهرمز] آمد و در مورد حفاظت نمایندگان و وضع خانواده شهدا مذاکراتی داشت. خانم مؤمنه و خوشفکری به نظر رسید، مقاوم و صبور. دو بچه خردسال دارد. ملت نیرومندی داریم. این انقلاب با این نیروها، می‌تواند به جایی برسد.

آقای محمدی گرگانی، نماینده گرگان آمد. از اهانت مردم خط امام گرگان نسبت به خویش گله‌مند بود و چاره‌جویی می‌کرد. از فشاری که روی مجاهدین خلق وارد می‌شود، نگران بود و اظهار می‌داشت، تروریسم را وسیعتر می‌کند و نابود نمی‌شوند، ولی راه و چاره‌ای ارائه نداد. قرار شد بعداً صحبت کنیم. از افراد سطح بالای مجاهدین بود، در زندان با هم بودیم ولی اخیراً می‌گوید، دیگر عضویت ندارد.

عصر، آقای شیخ حسن صفار آمد و از حمایت نیروهای انقلابی شبه جزیره‌العرب از انقلاب ایران گفت و از مشکلاتی که توسط برخی عناصر اداری ایرانی، برای انقلابیون عرب ساکن ایران ایجاد می‌شود، گله داشت و چاره می‌خواست.

آقای مصطفی میرخانی آمد و قراری برای ملاقات با دکتر [حبیب‌الله] پیمان گذاشت و برای آزاد کردن عزت‌الله خلیلی که در رابطه با مجاهد بودن فرزندانش بازداشت شده، کمک خواست.

چند نفر از نمایندگان برای حفاظت مراجعه کردند. مسأله مهم روزاست و حق دارند. تلگرامهای تسلیت شخصیتهای داخلی و جهانی و گزارشها را خواندم.

عصر به دیدن آقای خامنه‌ای رفتم. مقداری درباره وضع موجود و امور خارجی صحبت کردیم. حالشان بهتر است. دست راستشان را گچ گرفته‌اند. دوماه باید در گچ بماند. افطار را با نخست وزیر و روحانیت مبارز، مهمان آقای ناطق نوری بودیم. درباره ریاست جمهوری و کابینه بعدی بحث بود. شب دیر به خانه آمدم. بستگان عفت و خودم بودند. مقداری صحبت کردیم و خوابیدیم.

آقای امینیان و قدسی خانم که از بلژیک آمده بودند، از فعالیت خصومت آمیز ضدانقلاب ایرانی و کمکهای انقلابیون در خارج گفتند.

چهارشنبه ۱۷ تیر

۶ رمضان - ۸ جولای

شب خیلی دیر خوابیدم و بعد از سحر هم، خواب عمیقی رفتم. جلسه علنی داشتیم و طرح احزاب مطرح بود. بعد از ظهر جلسه هیأت رئیسه داشتیم. برنامه هفته آینده بودجه است. درباره وضع خانواده‌های شهدای مجلس بحث شد و تصمیم گرفتیم، دوست خانه مسکونی از طرف مجلس برای نمایندگان در زمینی که قبلاً خریده شده بود، ساخته شود.

آخر وقت، در جلسه شورای مرکزی حزب جمهوری، در دفتر آقای دکتر باهنر شرکت کردم. درباره تکمیل کادر بعد از شهادت دوستان و انتخابات ریاست جمهوری و میان دوره‌ای مجلس بحث کردیم.

آقای سرهنگ نامجو، نماینده امام در شورای عالی دفاع، ضمن برخوردی، از تخلفات وزارت دفاع در خرید اسلحه و احتمال رفتن وزیر دفاع صحبت داشت. خانم دکترلی (طب سوزنی) کراهی آمده بود و از تنزل سفارت کره جنوبی به سطح کاردار شکایت داشت.

آقای مهندس وهاب زاده آمد و از اینکه پسرش حمید که در دفتر آقای بنی صدر کار می‌کرده و با مجاهدین خلق بوده و بازداشت شده، ناراحت بود و کمک خواست. از همراهان قبل از انقلاب بود.

خانم شهید دکتر بهشتی آمد و درباره کمبودهای زندگی بعد از ایشان، درد دل داشت. چیزی برای خانواده‌اش به ارث نگذاشته؛ جز خانه و حقوق بازنشستگی.

خانم شهید عراقی و امیر فرزندش آمدند و درباره کار امیر و چیزهای دیگر، حرفهایی داشتند. سحر به تنهایی سحری خوردم. عفت ضعیف است و نمی‌تواند روزه بگیرد، به خاطر



حضور فرماندهان ارشد در شورای عالی دفاع

سرهنگ جوادی - سرهنگ حسن فروزان - تیمار ظهیر نژاد - تیمسار ولی اللہ فلاحي - سرهنگ جواد فکوری - نایب افصلی



سرهنگ موسی نامجو نماینده امام در شورای عالی دفاع

من بیدار شد و سحری تهیه کرد و با من بیدار ماند، که تنها نباشم. بچه‌ها همگی به مسافرت رفته‌اند.

پنجشنبه ۱۸ تیر

۷ رمضان - ۹ جولای

صبح زودتر از هر روز به مجلس رفتم. آقای مرادی دادستان انقلاب رفسنجان آمده بود و به خاطر اینکه ایشان را عزل کرده‌اند، کمک خواست. معتقد است که تفوذ رقبای محلی، مؤثر بوده.

نیم ساعت قبل از جلسه علنی، در دفتر کارم گزارشها را مطالعه کردم. اول جلسه، بحث درباره طرح احزاب بود که تمام شد. اعتبارنامه آقای سید هادی خامنه‌ای نماینده فریمان مطرح و بی اعتراض تصویب شد. آخر وقت بودجه کل مطرح شد که چند روزی وقت خواهد گرفت.

ظهر با نخست وزیر درباره وضع نامطلوب سالن ورود مسافران خارجی که مردم را معطل می‌کنند، مذاکره کردم. از آقای اسدالله الاجوردی درباره چند بازداشتی توضیح خواستم. آقای محمد صادق احاطری شیرازی پیشنهاد داشت، به جای ایشان آقای (محمد) موسوی خوئینی‌ها سخنرانی قبل از خطبه‌های نماز جمعه را ایراد کند، با آقای موسوی اخوئینی‌ها صحبت کردم، آمادگی نداشت.

با آقای موسوی اخوئینی‌ها درباره نخست وزیر آینده صحبت کردیم. بیشتر به آقای باهنر رسیدیم. بعد از ظهر با مسئولان شرکت ایزیران که شرکت دولتی کامپیوتری، متعلق به وزارت دفاع است، صحبت کردم. از اینکه شورای انفورماتیک، مانع فعالیتهای خودکفایانه آنها است، شکایت داشتند. اطلاعات مفیدی دادند.

با عده‌ای که از رئیس شهرباتی و وزیر کشور گله داشتند و پیشنهاد تعویض آنها را می‌دادند، صحبت کردم. حرفهای قانع کننده‌ای نداشتند و ناراضی رفتند. نماینده انجمن اسلامی وزارت نفت آمد و از طاغوتی بودن وضع وزارت نفت، مفصل صحبت داشت. اگر درست باشد وضع بدی است، فرار شد تعقیب کنیم.

از طرح اسفراین - که جهت ایجاد صنایع سنگین توسط شوروی در ایران، بنیاد شده است - تلفنی صحبت کردند و شکایت از مخالفت لیبرالها داشتند.

افطار به خانه آمدم. تنها بودم. فرصتی شد که مقداری روی فیشهای قرآنیم، راجع به آزمایش و تفاق برای خطبه‌های فردا، مطالعه کنم.

جمعه ۱۹ تیر

۸ رمضان - ۱۰ جولای

بعد از صرف سحری نخوابیدم و دو ساعت برای خطبه‌های نماز جمعه مطالعه کردم. علی، اخوی زاده که دو ماه در جبهه غرب با سپاه پاسداران بوده، آمد و خوشحال شدم. قبل از شرکت در نماز جمعه، در بیمارستان قلب از آقای خامنه‌ای عیادت کردم. حالشان بدنیست ولی تا سلامت کامل، خیلی فاصله دارند.

نزدیک ساعت یازده صبح به دانشگاه تهران برای اقامه نماز جمعه رفتم. آقای [محمدصادق] حائری شیرازی سخنران قبل از خطبه‌ها بود. مراجعات نگذاشت به گفته‌های ایشان گوش کنم. خطبه‌های من درباره آزمایش و تفاق و بخش عربی درباره وضع کلی انقلاب بود. پس از نماز به خانه آمدم. بعد از استراحت، غذائی برای افطار پختم، چون عفت و بیچه‌ها نیستند.

بعد از ظهر، در جلسه شورای عالی دفاع در ستاد مشترک شرکت کردم. تیمسار فلاحی می‌گوید آقای ظهیرنژاد فرمانده نیروی زمینی، معتقد به حرکت ارتش نیست و بهتر می‌داند، وضع کنونی محفوظ بماند و نامه‌ای از سرهنگ یعقوب حبشی از افسران ستاد نیروی زمینی خواند که ارتش را در وضع کنونی، قادر به اخراج ارتش عراق نمی‌داند و محتاج به دوسه لشکر جدید التأسیس می‌باشد که به این زودیها، امکان ایجاد آن نیست. گزارشی از وضع مهمات داد که بد نبود. پیشنهاد شد با مذاکره و فشار، باید مانع صدور بی حساب نفت کشورهای نفت خیز شویم به خصوص نفت عربستان سعودی. با این وسعت که بازارهای دنیا را اشباع کرده و دست صادرکنندگان نفت را بسته. که در دستور مطالعه قرار گرفت، عربستان با کمک‌های بی دریغ خود به عراق، عملاً با ما در مخالفت است.

با آقای رجائی درباره نخست وزیر بحث کردیم که من آقای باهنر را پیشنهاد کردم. شب را در خانه بودم.

شنبه ۲۰ تیر

۹ رمضان - ۱۱ جولای

به خاطر بودجه که به موجب آئین نامه، باید حداقل روزی پنج ساعت جلسه علنی داشته باشیم، وقت جلسه را ساعت شش صبح قرار داده بودیم. ولی تا ساعت هشت و نیم صبح، به خاطر کم شدن تعداد نمایندگان، با شهادت جمعی در حادثه انفجار مرکز حزب جمهوری اسلامی، نصاب لازم برای تشکیل جلسه رسمی حاصل نشد. از ساعت هشت و نیم جلسه شروع شد. بحث در کلیات بودجه بود.

اداره جلسه را به آقای پرورش نایب رئیس اول سپردم و برای انجام کارهای عقب افتاده به دفترم رفتم. گزارشات را خواندم و نامه های رسیده را جواب دادم و کارها را انجام دادم. ظهر آقایان [محمد ارجانیان، صفری و فرض پور] به ترتیب نمایندگان زنجان، برازجان و آستارا آمدند. شکایت داشتند که بعد از عزل بنی صدر از طرف مردم به تحریک ارگانها و مسئولان حزب الهی، تحت فشار و اهانت اند. قرار شد برای تلطیف جو کمک کنم. قبلاً هم بعضی از نمایندگان تهران و نیشابور و [اسدالله] عالی پور و محمد شجاعی چنین شکایتی کرده بودند.

عصر آقای موسوی گرمارودی، مشاور فرهنگی آقای بنی صدر آمد و ناراحت بود؛ با ذکر سوابق مبارزات خود و اظهار وفاداری، حضور خودش در کنار بنی صدر را توجیه کرد و کمک خواست و گفت با تأیید آیت الله صدوقی آنجا بوده و کمک به خط امام داشته.

مصاحبه ای با نماینده خبرگزاریها، برای ایتالیا انجام دادم. آقایان محسن رضائی و ارضا سیف الهی آمدند و از پیشرفت کار در کشف ضدانقلاب و بازداشت اطرافیان بنی صدر و پیدا کردن ردپای او که در اختیار مجاهدین است، خوشحال بودند و از تصمیمات قاطع ستاد امنیت در سرکوبی ضدانقلاب راضی تر.

جمعی از اعضای سازمان عمران زمین آمدند و خواستار تسریع در گذراندن لایحه اراضی شهری بودند.

آقای طیب از شبکه دو تلویزیون آمد. بنا دارد از ناآین نامزد شود، کمک می خواست. افطار به خانه آمدم. گزارشی از وضع پلاژ مخصوص ارتشیان در نوشهر رسید. تا حدودی

وظایف اسلامی را مراعات می‌کنند. زن و مرد را در دریا از هم جدا کرده‌اند و محیط پلاژها، زننده نیست، ولی بی‌حجاب هنوز هست. وضع رفاهیشان خوب است.

یکشنبه ۲۱ تیر

۱۰ رمضان - ۱۲ جولای

جلسه علنی، ادامه بحث در کلیات بودجه داشتیم. نیمی از وقت جلسه را من اداره کردم و نیم دیگر را آقای اعلی اکبر پرورش. بعد از ظهر آلبوم نامزدهای ریاست جمهوری را آوردند؛ غیر از چهار نفر آقایان رجائی، عسکراولادی، شیانی و پرورش چهره مشهوری در آنها نیست و انتخابات بی رقیب و کم رونق خواهد بود^۱.

عصر در جلسه شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی شرکت کردم. بحثها در اطراف تکمیل کادر حزب و انتخابات میان دوره‌ای مجلس و ریاست جمهوری بود. افطار به خانه آمدم. بحث درباره آمدن محسن از بلژیک بود. محسن پریشب تلفنی اطلاع داد که امتحانش تمام شده و یک ماه وقت دارد که مایل است در ایران بگذراند. از من خواست که برای او بلیط بگیرم. به او اطلاع دادم که شب، تلفنی تکلیف نهائی را معلوم می‌کنیم، ولی نتوانستیم تماس برقرار کنیم.

این روزها خبرهای مهم، مربوط به بازداشت و کیفر اعضای گروهکهای مجاهدین خلق، پیکار، اقلیت فدائی خلق، رنجبران، جبهه ملی و دیگر اشرا است. هوادارانشان را خیلی ترسانده و فعالیت‌هایشان را کند کرده. گاهی پرتاب نارنجک و کوکتل مولوتف در جاهای غیر حساس به چشم می‌خورد. اسلحه‌ها و امکانات خود را در خیابانها می‌گذارند، عواقب این وضع را خدا به خیر بگرداند. چه خوب بود، چنین وضعی پیش نمی‌آمد، ولی آنها آوردند.

دوشنبه ۲۲ تیر

۱۱ رمضان - ۱۳ جولای

با کمی تأخیر به مجلس رفتم. بحث در جزئیات لایحه بودجه شروع شد و پیشرفت خوبی داشتیم. صبح و عصر جلسه داشتیم.

عصر، در جلسه شورای عالی دفاع، در ستاد مشترک شرکت کردم. آقایان مهندس

۱ - در این انتخابات دو روز قبل از رأی گیری آقایان عسکراولادی و پرورش به نفع رجائی از انتخابات کناره گیری کردند.

امحمد غرضی و مهندس سرداری از برنامه استفاده از آب در مقابل دشمن، شرحی ارائه دادند. کارهای نسبتاً جالبی انجام شده. فرماندهان لشکرهای ۸۱ و ۹۲ و ۱۶ و ۲۱ و ۷۷ نیروی زمینی در جلسه شرکت کردند. ضمن تذکر، کمبود مهمات توپ ۱۵۵ و بعضی از مهمات و سلاحهای دیگر، برنامه آینده نزدیک خودشان را در جبهه‌ها گفتند. تحرک لازم در جبهه‌های جنوب نیست. با اینکه دشمن با اعتراف خود فرماندهان، ضعیف و آماده هزیمت است. عذرشان هم کمبود مهمات و گرما است. ولی چون چند لشکر، قول حرکت دادند، شورا به انتظار حرکت نزدیک، فعلاً اقدامی نکرد، اما اگر تحرک لازم دیده نشد، باید فکری بکنیم. آقایان اولی‌الله [فلاحی و [جوادی] فکوری هم سخت طرفدار حرکت سریع‌اند. کوتاهی را از نیروی زمینی می‌دانند. آینده، حقیقت را روشن می‌کند.

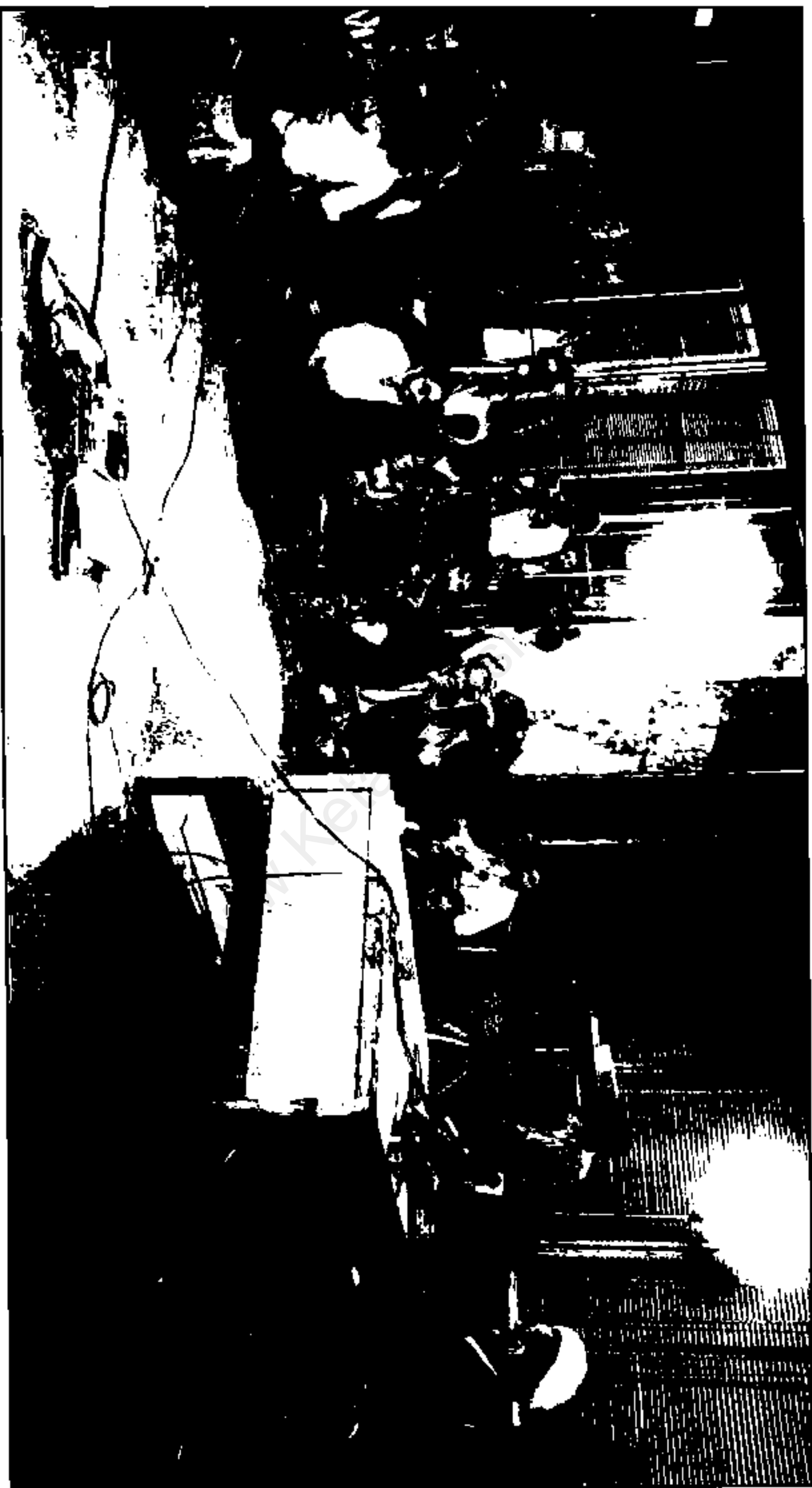
خبرهای مقامات امنیتی، حاکی از پیشرفت در سرکوب ضدانقلاب داخلی و دستگیری عوامل آنها می‌باشد. رد پای بنی صدر هم با گرفتن برادرش پیدا شده. ممکن است به بازداشت او بیانجامد. بعضی معتقدند، در اختیار مجاهدین خلق است. شب با محسن صحبت کردیم، و قرار شد بعد از امتحانش به ایران بیاید. آخر شب، خانم شهید بهشتی آمد و برای رفع مشکلات اداری در تعویض خانه مسکونیش، کمک می‌خواست.

کمی راجع به مشکلات فکر کردم؛ صبر، اطمینان و امید خود و همراهان، توجهم را جلب کرد. فکر کردم با این همه خطر در جبهه‌های شمال و غرب و جنوب و نفوذ و ایذاء ضدانقلاب و از دست رفتن بخشی از کادرهای مهم و کمبودهای ناشی از انقلاب و شرارت استکبار و عوامل داخلی آنها و حال آقای خامنه‌ای و کسالت قلبی امام و شکنندگی سلامت ایشان و اختلافات عمیق، جز لطف و هدایت و افاضه آرامش و صبر، توان ربوبی، نمی‌تواند این وضع را به وجود بیاورد. قبل از خواب سجده شکر به جا آوردم و دعا کردم، برای ادامه این روحیه‌ها که سرمایه تلاش، صبر، آرامش و امید است.

سه شنبه ۲۳ تیر

۱۲ رمضان - ۱۴ جولای

دوروز تاخیر در نوشتن خاطرات را اول وقت نوشتم. سپس به مجلس رفتم. جلسه علنی داشتیم. بحث درباره لایحه بودجه بود. پیشرفت خوبی داشتیم. صبح و عصر جلسه علنی بود. بعد از ظهر، سفیر کره جنوبی برای خدا حافظی آمد و نامه رئیس مجلس کره جنوبی را آورد که از



مصاحبه مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی

من برای دیدار کره جنوبی دعوت کرده بود.

اخيراً وزارت خارجه ما، سفارت کره جنوبی را به سطح کاردار تنزل داده. سفیر خیلی ناراحت بود. علت را پرسید. گفتم: جاسوسی چند عضو سفارت و برقراری روابط بین کره و عراق در حین جنگ ما با عراق و خودداری از فروش اسلحه به ما، پس از اینکه هیأتی از ایران را برای فروش اسلحه به کره دعوت کرده‌اید. قرار شد با دولتش تماس بگیرد و برای رفع علل سردی روابط، تلاش کند. خواست که روابط اقتصادی پائین نیاید.

گروهی از نیروی هوائی آمدند و پیشنهادهائی داشتند برای تعویض کادر ستاد نیرو، پس از سرهنگ [جواد] فکوری که احتمالاً پست فرماندهی نیروی هوائی را برای پست وزارت دفاع از دست بدهد؛ چون قانون اساسی دو شغل را اجازه نمی‌دهد.

مصاحبه‌ای مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی درباره انتخابات، طرح احزاب و نمایندگان مخالف و تحلیلی از مسائل جاری کشور داشتم^۱. افطار آقایان رجائی، موسوی اردبیلی و بهزادنبوی، در مجلس مهمان من بودند. شورای موقت ریاست جمهوری، در دفتر من تشکیل جلسه داد. درباره اوضاع جاری، مبارزه با گروهکهای محارب، اصلاح تبلیغات درباره آنها، مدیران صداوسیما بعد از استعفای آقای اعلی‌الاربعانی و رفقایش و همچنین نخست وزیر آینده، مذاکره کردیم. گزارش وضع جنگ را دادیم. برای نخست وزیری آینده، بیشتر سراغ آقای باهنر رفتیم و برای مدیر عامل صداوسیما آقای [غلامعلی] حدادعادل را در نظر گرفتیم. شب را در دفترم خوابیدم و سحری را همان جا صرف کردم. احمد آقا تلفن کرد و از وضع آب شهر تهران که اخیراً قطع و وصل می‌شود، اظهار نگرانی کرد و احتمال سوء نیت می‌داد. قرار شد تعقیب شود.

چهارشنبه ۲۴ تیر

۱۳ رمضان - ۱۵ جولای

چون شب در مجلس خوابیده بودم، یک ساعت زودتر مشغول کار شدم. گزارشها را خواندم و متن خطبه عربی نماز جمعه را نوشتم و برای ترجمه فرستادم. جلسه علنی درباره بودجه داشتیم. بیشتر وقت جلسه صرف پیشنهادات جدید شد. پیشنهادات خوبی تصویب شد، صبح و

عصر ادامه داشت و لایحه بودجه تصویب شد. به خاطر جو موجود، مخالفان دولت نتوانستند بحثهای ایدایی و وقت‌گیر داشته باشند. مجموعاً بیست و پنج ساعت وقت، بیشتر صرف نشد؛ اگر وضع مثل سابق بود، ممکن بود چند برابر وقت مصرف شود.

انتخابات هیأت رئیسه مطرح شد، مجدداً به ریاست مجلس انتخاب شدم، رقیب نداشتم و ۱۴۰ نفر از یکصد و شصت و هفت نفر که رأی داشتند، به من رأی دادند. ۲۷ نفر رأی ممتنع داشتند. چندین نفری که اعتبار نامه شان تصویب نشده، رأی نداشتند و کارپردازان سابق و چهار نفر از منشیان سابق هم انتخاب شدند.

عصر جلسه شورای مرکزی حزب جمهوری، در دفتر من تشکیل شد. درباره کینیت عملکردها و آقایان دکتر شیبانی، پرورش و عسکراولادی که احتیاطاً خود را کاندیدای ریاست جمهوری کرده‌اند، بحث کردیم. برای انتخابات، وضع خوبی پیش نیامده. آقای رجائی، رقیب جدی ندارد و اینها همگی از یک گروه‌اند و نمی‌شود، رقابت جدی داشته باشند.

به دفتر امام تلفن زدم و قرار گذاشتم، فردا با ایشان ملاقات کنم و در این باره و کارهای دیگر مشورت کنم. همراه آقای باهنر به طرف منزل آمدم. در بین راه بحثهایی داشتیم. آقای باهنر آمادگی پذیرش نخست وزیری را دارد.

حاج احمد آقا هم امروز به دفتر من آمد و نگران بعضی سمپاشیها بود. قرار شد، من اقدامی نکنم. شب دکتر حبیب‌الله ایمان به منزل آمد و برای توضیح موضع خودش، خیلی صحبت کرد و طرفداری از انقلاب نشان می‌داد و آماده همکاری و گله از بی‌اعتنائی ما داشت. من هم خوب روشن کردم که موضع‌گیری خود ایشان در گذشته، این وضع را به وجود آورده.

پنجشنبه ۲۵ تیر

۱۴ رمضان - ۱۶ جولای

دو روز عقب ماندگی در نوشتن خاطرات را جبران و ساعتی هم، تفسیر مطالعه کردم. با توجه به وضع روحی خود و وضع جامعه، آیات راجع به جنگ احد را انتخاب کردم. سپس به زیارت امام رفتم.

حال امام خوب است. در ماه رمضان به خاطر قطع ملاقاتها، استراحت کرده‌اند. با ایشان درباره کاندیداهای ریاست جمهوری و تبلیغات انتخابات و نخست وزیر آینده و جنگ و چیزهای دیگر مشورت کردم. ایشان سفارش اکید در محافظت اینجانب و مسئولان دیگر



هيئت رئيسه مجلس

اسدالله بيات - محمد يزدي - هاشمي رفسنجاني - موسوي خوييني ها - مرتضي الويري
منشي نائب رئيس دوم رئيس نائب رئيس اول منشي

داشتند.

در مجلس، جلسه هیأت رئیسه داشتم. جلسه علنی برای یک هفته نخواهیم داشت. آخرین جلسه هیأت رئیسه سال جاری است. برنامه هفته آینده را مرتب کردیم و قرار شد برای ساختمان منازل مسکونی نمایندگان - که بودجه‌اش تامین شده - مسئول تعیین کنیم و کارهای جزئی دیگر.

بعد از ظهر، با تلویزیون ایتالیا مصاحبه داشتم^۱ و با کاردار سفارت پاکستان، ملاقاتی داشتم که خواستار توسعه همکاری و رفع سوء تفاهمات بود.

آقای اسید محمود ادعائی با فرزند مرحوم خالصی زاده که از مبارزان عراق است، آمدند و درباره کیفیت مبارزه در داخل عراق و هماهنگ کردن مبارزان، بحث کردیم. آقای سید صادق موسوی (شیرازی) هم از لبنان آمده بود و سفارش تبلیغ مناسب، برای روز قدس امسال داشت.

آخر وقت، به ملاقات آقای خامنه‌ای، در بیمارستان قلب رفتم. حالشان بهتر است. دست راستشان را که بی حس است به بالا بسته بودند که خونها در وریدها جمع نشود و ورم کاسته شود. مقداری درباره اوضاع جاری کشور صحبت کردیم.

افطار به خانه آمدم. عفت، منزل آقا جلال - پاسدارمان - مهمان بود. بچه‌ها بودند و اول شب، بچه‌های مرحوم اخوی هم آمدند، محمد اخوی زاده، تأکید بر باز کردن دانشگاهها داشت.

جمعه ۲۶ تیر

۱۵ رمضان - ۱۷ جولای

فرستی برای استراحت به دست آمد و توفیقی برای مطالعه. قبل از رفتن به نماز جمعه، مروری بر مجموعه اخبار و مناسبتهای هفته - که ستاد نماز جمعه برای امام جمعه تهران هر هفته تهیه می‌کند - نمودم.

سپاه پاسداران اطلاع داد که تروریستها احتمالاً با تفنگ دوربین دار، از ساختمانهای مجاور دانشگاه، نسبت به امام جمعه یا شخصیت‌های دیگر حاضر در نماز جمعه، اقدام به ترور

نمایند. از مسئولان خواستم که رسیدگی کنند.

ساعت ده و نیم صبح به دانشگاه رفتم. آقای فخرالدین حجازی، سختران قبل از نماز جمعه بود. بعد از صحبت ایشان، برق قطع شد و تقریباً سه ربع ساعت وقت تلف شد. با تأخیر خطبه‌ها را آغاز کردم و لذا، کوتاه و مختصر، دربارهٔ انتخابات و آزمایش و تفاق صحبت کردم و خطبه عربی را نخواندم. برای اینجا برق اضطراری لازم است.

عصر، جلسهٔ شورای عالی دفاع در ستاد مشترک داشتیم. سرهنگ افضلی فرمانده نیروی دریائی و سرتیپ ظهیرنژاد فرمانده نیروی زمینی اهم شرکت نمودند، افضلی دربارهٔ علت آسیب دیدن ناو میلان و نیمه غرق شدن آن، توضیح داد و گفت چهارده نفر که در انجام وظایفشان کوتاهی کرده‌اند، تحت پیگرد قرار گرفته‌اند. تا دوسه هفته دیگر، ناو اصلاح و مشغول کار می‌شود. از نیازهای نیروی دریائی شرحی داد.

آقای ظهیرنژاد، از اختلاف خود با تیمسار فلاحی، در موضوع عزل سرهنگ ورشوی از فرماندهی لشکر ۲۱ گفت و شکایت به شورا نمود و پس از دفاع آقای فلاحی، قرار شد تفاهم و همکاری کنند. افطار را در ستاد، مهمان آقای فلاحی بودیم؛ آخر شب به خانه آمدم. سویچ اتومبیل من در داخل آن مانده بود. با ماشین اسکورت آمدم، هنوز بچه‌های پاسدار، انضباط لازم را ندارند. تقصیر ندارند، آموزش ندیده‌اند.

شنبه ۲۷ تیر

۱۶ رمضان - ۱۸ جولای

اول وقت، از طرف ستاد ارتش چند نفر کارشناس امنیتی آمدند، برای بررسی وضع امنیتی منزل. پاسدارها گزارش داده بودند که صداهای نامأنوسی شنیده می‌شود. احتمال نقب زدن داده‌اند.

به بیمارستان اختر، برای عیادت چند نفر از مجروحان انفجار بمب در دفتر مرکزی حزب جمهوری رفتیم. دونفر، آقایان صفاتی دزفولی نماینده آبادان و نجفی نماینده شهرضا مانده بودند و بقیه مرخص شده بودند و جمعی از مجروحان جنگ را نیز زیارت کردم. از آنجا به بیمارستان قلب، برای عیادت آقای خامنه‌ای رفتم. حالشان بهتر است، بی نشاط هستند؛ که حق دارند. با شنیدن حادثه وقوع انفجار و شهادت ۷۴ نفر از بهترین یاران و تعویض مکرر خون و عمل مکرر جراحی با آن ضعف بیه و...

نزدیک ظهر به مجلس رفتم. جلسه علنی نداشتیم. به کارهای دفتر رسیدم. گزارشها را خواندم. عصر آقای سید مهدی هاشمی، مسئول نهضتهای آزادیبخش آمد و مشکلات کار خود را در رابطه با ارز و فرودگاه و نداشتن ضوابط مشخص مطرح کرد.^۱

مصاحبه‌ای با مجله صفا، ارگان اداره سیاسی ایدئولوژیک ارتش، درباره شرح حال خودم داشتم. خیلی طولانی بود. مصاحبه‌ای با خبرنگار رادیوی سوئد که بیشتر درباره اعدامها و آقای بنی صدر بود.^۲

حاج احمد آقا خمینی هم آمدند و راجع به پرونده‌ای که برای یکی از آشنایان پیش آمده بود، کمک و رسیدگی عادلانه می‌خواستند.

پاسداری برای خواندن خطبه عقد ازدواج مراجعه کرد. که چون وارد دفتر رسمی نکرده بود. به بعد موکول کردم. دو نفر از کارمندان مجلس هم برای کارشان مراجعه کردند. با آقایان رجائی و باهنر درباره نخست وزیر آینده، تلفنی بحث کردیم.

افطار به خانه آمدم. اخوی محمد و خانواده‌اش مهمان ما بودند. آقای فتوحی آمد و درباره استفاده از منزل مجاور صحبت کرد و پیشنهادی برای ایجاد واحدهای تصفیه سریع نفت داشت.

در اخبار خارج، حمله اسرائیل به لبنان و کشتن بیش از ۳۰۰ نفر و جرح ۸۰۰ نفر؛ فاجعه عظیمی است. دولتهای عربی بی‌عرضگی بروز می‌دهند.

شورش انگلستان که مبارزه رنگین پوستان، دولت را در معرض سقوط قرار داده است، خبر مهم روز است و بریتانیا را دچار مشکل عظیمی کرده.

آقایان کیانوری و عموی از رهبران حزب توده آمدند و خواسته‌هایی داشتند و توصیه‌هایی.

یکشنبه ۲۸ تیر

۱۷ رمضان - ۱۹ جولای

پیش از رفتن به مجلس، منزلی را که برای ما در نظر گرفته بودند، در همسایگی مان دیدم، جالب نیست. می‌گویند از نظر امنیتی مناسب‌تر است.

۱ - سید مهدی هاشمی بعدها به اتهام قتل چند نفر از جمله آیت‌الله شمس آبادی و اتهامات دیگر، معاکمه شد و به اعدام محکوم گردید.
۲ - کتاب هاشمی رفسنجانی - مصاحبه‌های ۱۳۶۰.

ساعت ده صبح، به مجلس رسیدم. دو نفر از طوالتش آمده بودند و طوماری داشتند و از فشارهای سپاه در مورد خلع سلاح، شکایت داشتند.

آقای خانیاں آمد و درباره حل مسأله منزل خودمان - که از ایشان خریده‌ایم و مشاع است و تا کنون تفکیک نشده و سند نداده‌اند، کلنگی است و نمی‌توانیم تجدید بنا کنیم - صحبت کردیم. هشت سال است، خریده‌ایم و هنوز تفکیک نشده. آقای ابوشریف آمد و از اینکه ایشان را بیکار کرده‌اند و دوستانش را از سپاه اخراج می‌کنند، گله داشت و گریه کرد. متأثر شدم، قول کمک دادم.

دو نفر افسر پلیس آمدند، برای اسکورت من معین شده‌اند. خود را معرفی کردند، امروز یکی از آنها برای اولین بار جلوی ما در خیابان حرکت کرد. جالب نیست، در خیابانها جلب توجه می‌کند.

بعد از ظهر، جلسه شورای مرکزی حزب، در دفتر من تشکیل شد. بعد از بحث زیاد، با نخست وزیر آقای باهنر، موافقت شد و تعدادی اسم برای وزرای جدید به ایشان داده شد. افطار در منزل اخوی محمد، مهمان بودیم.

دوشنبه ۲۹ تیر

۱۸ رمضان - ۲۰ جولای

پیش از رفتن به مجلس به عیادت آقای خامنه‌ای رفتم، حالشان رو به بهبودی است و مسائل جاری را با ایشان در میان گذاشتم و مشورت کردم.

آقایان دکتر شیانی و ابوالقاسم سرحدی زاده هم آمدند و خبر سوء قصد به جان آقای عسکراولادی نایب رئیس مجلس و کاندیدای ریاست جمهوری را و نجات ایشان و کشته و زخمی و دستگیر شدن هر سه مهاجم را دادند.^۱

به مجلس آمدم و تلفنی با آقای عسکراولادی در بیمارستان سوم شعبان، صحبت کردم. دستشان مجروح شده و مهم نیست. مهاجمان از مجاهدین خلقتند. یکی از اهدافشان، ظاهراً تأخیر انداختن انتخابات ریاست جمهوری است.

در دفتر کارم، مشغول نصب شیشه‌های ضد گلوله به پنجره‌ها هستم و دفتر نامنظم است.

۱. آقای حبیب‌الله عسکراولادی هنگامی که از مرز خود خارج می‌شد، مورد هدف گلوله قرار گرفت. در این حادثه دست راست آقای عسکراولادی بر اثر اصابت گلوله مجروح شد.

آقای یارمحمدی با نقشه ساختمان دوپست دستگاه منزل مسکونی برای نمایندگان مجلس و آقای دکتر ولایتی با طرح پوستری برای یادبود شهدای مجلس در فاجعه انفجار بمب، در دفتر مرکزی حزب جمهوری، برای مشورت آمدند.

ظہر، آقای نوری معاون وزارت خارجه آمد و پیشنهاد نخست وزیری مهندس امیرحسین موسوی را داد. آقای [فضل الله] محلاتی [نماینده امام در سپاه] آمد و درباره تصفیه یاران ابوشریف از سپاه شکایت داشت و کمک خواست.

آقای ربانی املشی دادستان کل کشور تلفن کرد و تقاضای انگشتر حفاظت، ساخت حافظیان برای آقای رجائی داشت. بعد از به وجود آمدن ناامنی، این نوع چیزها رواج یافته و اکثر شخصیتها گرفته‌اند، من جمله خود من. عصر پاسداری برای اجرای صیغه عقد ازدواج مراجعه کرد. آقای سید محمود قمی آمد. شکایت از بدرفتاری سپاه و کمیته‌ها با بیت ایشان داشت. و کارهای شخصی دیگر.

آقای کامران آمد. درباره اشتغال محمد دوست و صیاد شیرازی صحبت داشت. ساعت پنج بعد از ظهر در جلسه شورای عالی دفاع شرکت کردم، گزارشی از وضع جبهه‌ها که اکثراً را کردند و در انتظار حرکت و طرحی برای طرد دشمن از اطراف آبادان و موضوع مذاکره با پاکستان و کمبود آب رود هیرمند، مطرح شد.

سه شنبه ۳۰ تیر

۱۹ رمضان - ۲۱ جولای

ساعت ۹ صبح به مجلس رفتم، گزارشها را خواندم. شب گذشته به اتومبیل آقای اعلی اکبر اناطق نوری، تیراندازی کرده‌اند که راننده مجروح شده و کس دیگری در ماشین نبوده و آقای دکتر [حسن اروحانی]، عضو شورای سرپرستی صداوسیما هم ماشینشان تصادف کرده و بستری است، ولی صدمه‌ای مهم نخورده. آقای فاضل نماینده بابل آمد و کمک برای محافظت می‌خواست.

آقایان دکتر [یدالله] سحابی و مهندس [مهدی] بازارگان و دکتر [کاظم] سامی آمدند و خواستار آزاد شدن روزنامه میزان بودند. دکتر سامی از اینکه محل حزب جما اینش مسلمانان ایران که به طور غیر قانونی، دو سال در اختیارش بوده و امروز دادگاه انقلاب برای هرماه، پنجاه هزار تومان کرایه می‌خواهد، ناراحت بود و کمک می‌خواست. گفت کیهان، روزنامه‌اش را

چاپ نمی‌کند. به آنها گفتم، موضعتان را باید مشخص کنید. این درست نیست که با گروه‌های محارب بسازید و با آنها همصدا باشید و تقاضای آزادی کنید. از اینکه در جلسه فاتحه خانم آقای شریعتی، به آنها از طرف حزب‌الله اهانت شده، شکایت داشتند و از من می‌خواستند که حزب‌الله را از این اعمال منع کنیم و من گفتم این حرکات حزب‌الله، عکس‌العمل طغیان نیروهای دوست شما است.

عصر دکتر شبانی به مجلس آمد. برای محافظت بیشتر تصمیم گرفته که دوسه روز در مجلس بماند. زیرا توطئه مخالفان این است که با کشتن یکی از کاندیداهای ریاست جمهوری، پانزده روز انتخابات را (به موجب قانون اساسی) به تأخیر اندازند. ترور عسکراولادی که ناکام ماند، براساس همین توطئه است.

آقای بهزادنبوی و دونفر دیگر از کادر رهبری سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی آمدند و درباره بهتر کردن روابط حزب جمهوری و سازمانشان و جلوگیری از تیره شدن روابط، بحثهایی کردیم.

شورای ریاست جمهوری با حضور احمدآقا خمینی او بهزادنبوی، بعد از افطار در دفتر من تشکیل شد و تا ساعت یازده شب ادامه یافت. درباره کابینه و روابط با روحانیت و رادیو تلویزیون و... بحث کردیم. شب را در مجلس در دفترم خوابیدم. این روزها، توصیه زیادی داریم که کمتر در خیابانها رفت و آمد داشته باشیم و کار زیاد هم صرفه جویی در وقتها را توصیه می‌کند.

چهارشنبه ۳۱ تیر

۲۰ رمضان - ۲۲ جولای

اول وقت سرکارم بودم. آخر شب خبر تصرف بیاره را دادند؛ شهر کوچکی از عراق که در مرز به تصرف نیروهای ما در آمده، ولی هنوز کاملاً تأیید نشده و معلوم نیست، مسلط برجاده‌های شهرند یا داخل شهر. به هر حال نقطه عطفی در جنگ است و شروع پیشروی در خاک عراق، مهم است.

خبر از حمله تروریستها به آقای نجفی معاون وزارت آموزش و پرورش رسید که به ایشان صدمه‌ای نخورده، ولی محافظش مجروح شده. تروریسم برای اخلال در امر انتخابات، اوج گرفته است.

اطلاع رسید که نقشه ایجاد انفجاری در مجلس را دارند. دستور مراقبت شدید دادم. آقایان مدرسی زاده و زرینی آمدند و درباره وفاداری قشقائی‌ها و لزوم مراعات آنها، مذاکره کردند. گفتم قبلاً قرار بود که سرانشان بیایند تهران، زیر نظر باشند. اینها می‌گفتند لزومی ندارد، همان جا خدمت می‌کنند.

ساعت ده صبح، در دفتر آقای رجائی در جلسه شورای عالی امنیت شرکت کردم. گزارشات اقدامات ضد تروریسم را دادند. پیروزیهای زیادی بدست آمده. به گروهک پیکار ضربه شدیدی وارد شده و دیگران هم مقاومتشان را از دست داده‌اند، تصمیماتی درباره کیفیت برگزاری انتخابات و برخورد با مخالفان اتخاذ شد. از شورای عالی قضائی، سپاه، اطلاعات، وزیر کشور و نخست وزیر هم حضور داشتند. نماز ظهر را همان جا خواندیم و برای استراحت به خانه آمدم.

عصر به زیارت امام رفتم و از ایشان تقاضا کردم که بیانیه‌ای در تشویق مردم، جهت شرکت در انتخابات بدهند. موافق نبودند. قرار شد فکر کنند و تصمیم بگیرند. برای استفاده از مبلغی از سهم امام، که برای حزب جمهوری رسیده بود و چک به نام امام نوشته شده بود، از ایشان امضا گرفتم. علی‌اخوی زاده را که از جبهه آمده بود، همراه با پاسداران به دستبوسی امام بردم. افطار را در خانه بودم. شب فتوحی همسایه آمد و از اینکه بنیاد مستضعفان فشار آورده که منزلهای توقیفی شهرام سیاح را - که در اختیار ایشان است - بگیرد وحشت داشت و کمک می‌خواست و با اینکه از جبهه ملی بوده، مدعی است با بختیار مخالف است. از طرف بنیاد هم آمده بودند و می‌خواستند، من کمک کنم که خانه‌ها تخلیه شود.

خانم دکتر منصوریان هم شب آمد و خواستار کمک در رفع مصادره اموال شوهرش بود.

مرداد ۱۳۶۰

www.KetabFarsi.com



پنجشنبه ۱ مرداد

۲۱ رمضان - ۲۳ جولای

امروز تعطیل است و بیشتر در منزل ماندم. وقتم صرف مطالعه تاریخ امام علی (علیه السلام) شد. جریان بیعت با امام و جنگهای بصره و صفین و نهروان را از تاریخ حبیب السیر، مرور کردم. بعد از ظهر به بیمارستان، برای ملاقات آقای خامنه‌ای رفتم و ساعتی با ایشان ماندم. حالشان بد نیست، ولی تب قطع نمی‌شود. اطباء امیدوارند با دارو تب را قطع کنند؛ درباره کابینه با ایشان مشورت کردم.

افطار، در نخست وزیری بودم. با آقایان رجائی و دکتر باهنر که کاندیدای نخست وزیری است، درباره اعضای کابینه آینده مشورت کردیم. تا ساعت یک بامداد طول کشید و تقریباً روی اعضای کابینه، با کمی اختلاف نظر توافق کردیم و امید می‌رود، پس از رسمیت آقای رجائی، به سرعت کابینه را تشکیل بدهیم.

خبر رسید که به دنبال کشف یک خانه تیمی، اجتماع امروز عصر منافقین در یک پارک، برای سازمان دادن به فعالیتهای تخریبی در انتخابات فردا، کشف می‌شود و مأموران حدود شصت نفر از آنها را در پارک بازداشت می‌کنند. موفقیت چشمگیری است. دوسه مورد هم کارهای تخریبی گزارش شده بود؛ منجمله، حمله به یک خانه حزب‌اللهی در رشت و شهید و زخمی شدن دونفر.

امروز صبح آقای عبدالله نوری (نماینده امام در جهاد) خبر شهادت حجة الاسلام اسید حسن بهشتی، کاندیدای حزب جمهوری اسلامی برای مجلس در اصفهان را داد. صبح ساعت هفت و نیم، دو نفر به خانه ایشان مراجعه می‌کنند و در درب خانه، ایشان و کودک چهار ساله برادرشان را به گلوله بستند و هر دو را شهید و فرار می‌کنند. تأثر و تنفر عظیمی در اصفهان برانگیخته، نایب امام جمعه بود و محبوب و مبارز و تشیع جنازه کم سابقه‌ای شد. این گونه اعمال برای منزوی کردن دشمن، مؤثر است.

۱ - حجة الاسلام اسید حسن بهشتی رئیس دادگاه انقلاب اسلامی شیراز ساعت ۶ بامداد، مورد سوء قصد قرار گرفت و در بیمارستان به شهادت رسید. مدارین هنگامی که این شهید در برابر روی آنها می‌گشاید، به طرفش نیراندازی می‌کنند. وی ۳۶ سال داشت و پسر عموی شهید آیت‌الله دکتر بهشتی بود.

جمعه ۲ مرداد

۲۲ رمضان - ۲۲ جولای

شب را در نخست وزیری خوابیدیم. از اول صبح، گزارش انجام انتخابات، در سراسر کشور می‌رسید. علیرغم تهدیدها و اظهارات گروهکها، همه جا با شرکت وسیع مردم انجام می‌شود. انتخابات ریاست جمهوری و چند نماینده میان دوره مجلس شورای اسلامی است. چند مورد خرابکاری هم بوده از جمله: انفجار یک اتومبیل در مقابل فرمانداری شهرری و شهادت یک عابر. انفجار بمبی در خیابان فرعی که در کپسول گاز گذاشته بودند و شهادت یک پاسدار و حمله به چند پاسدار در خیابانها که دوسه نفر، شهید شدند.

برخلاف پیش بینی دشمنان، انتخابات خیلی خوب برگزار شد. شرکت مردم، فوق انتظار بود. در بعضی جاها اوراق تعرفه، کم آمد و دو ساعت وقت تمدید شد. چهار کاندیدا بیشتر نداریم، آقایان محمدعلی ارجانی، اعلی اکبر پرورش، عباس اشپانی و حبیب الله اسکراولادی که پیش بینی می‌شود، اکثریت آراء از آقای رجانی باشد. ساعت ده صبح در دانشکده افسری، مقابل مجلس رأی دادم. دانشجویان دانشکده در یک صف طولانی، منتظر دادن رأی بودند.

به دانشگاه تهران، برای اقامه نماز جمعه رفتم. آقای عبدالله جوادی آملی سخنرانی داشت. یک خطبه را درباره استحکام و حرکت تکاملی جمهوری اسلامی و دیگری را درباره برخوردارهای امام علی (علیه السلام) ادا کردم؛ پس از نماز جمعه به خانه آمدم.

بعد از ظهر، در جلسه شورای عالی دفاع در ستاد ارتش، شرکت کردم. آقای فلاحی گزارش جبهه‌ها و آقای فکوری، گزارش رسیدن مهمات را - که نگران کمبود آنها بودیم - و آقای مهندس امیرحسین موسوی، گزارش عادی شدن آب رودخانه هیرمند را - که در جلسه گذشته فکر می‌شد، افغانها آن را منحرف کرده‌اند - دادند.

فرماندهان لشکرها را دعوت کرده بودیم. از خوزستان آمدند. اعتراض کردیم که چرا به وعده‌های حمله، عمل نشده. عذرهایی مطرح کردند و وعده کردند به زودی عمل کنند. افطار را در ستاد خوردیم و جلسه تا ساعت ده شب، ادامه داشت. برخوردارهایی بین آقای ایوسف اکلاه‌دوز، قائم مقام فرمانده سپاه و ارتشیان پیش آمد که مهم نبود. مهندس مهدی چمران هم برای سرنوشت ستاد جنگهای نامنظم چمران، شرکت داشت. قرار شد تابع ارتش باشد.

ساعت ده ونیم شب به منزل آمدم. عفت و بچه‌ها هم جایی دیگر مهمان بودند، فاطمی و سعید برای شب زنده‌داری، در مراسم احیای مرکز دانشگاه امام صادق (علیه السلام) شرکت کردند.

شنبه ۳ مرداد

۲۳ رمضان - ۲۵ جولای

اول وقت، به عیادت آقای خامنه‌ای رفتم. حالشان رضایت‌بخش است و مقداری مذاکره و مشاوره کردیم. آقای اشراقی داماد امام را که سکتۀ مغزی کرده، در همان بیمارستان قلب بستری شده‌اند، عیادت کردم. بیهوش است. خطر، قوی است. خداوند شفا دهد. پیش از ظهر، در دفتر مصاحبه‌ای با مجله سروش درباره بیت‌المقدس داشتم^۱. آقایان احسن اروحانی و اعلی اکبرناطق نوری آمدند و درباره مدیر عامل صداوسیما، منزل و محافظت آقای احسن اروحانی صحبت شد.

آقای [فضل الله] محلاتی و آقای سرفرازی آمدند و درباره همکاری با روحانیت مبارز بحث شد و آقای سرفرازی، پیشنهاد رفتن به کشورهای خلیج فارس، برای هماهنگ کردن تبلیغات دینی آنجا را داشت.

عصر، با سفرای یوگسلاوی، آلمان شرقی و کوبا ملاقات کردم. همگی از روابطشان با ماراوسی و خواستار توسعه آن بودند و درباره همکاری در اتحادیه بین‌المجالس در کوبا، پیشنهادهای داشتند. افطار را در نخست وزیری، با آقایان رجائی، احمدخمینی، موسوی اردبیلی، تیمسار فلاحی و سرهنگ فکوری، صرف کردم. فلاحی از عملکرد دادگاه انقلاب و انجمنهای اسلامی و سلب امنیت شغلی افسران، شکایت داشت و چاره‌جویی می‌کرد. بعد از بحث زیاد، قرار شد آنها با این نهادها گرم بگیرند و تعارضهای زمان بنی‌صدر، که عامل این موضعگیریهاست، جبران شود و با هم کمک به رفع تضادهای کنیم و به آنها اعتماد دادیم. درباره هواپیمای فراری به مصر، توسط خلبان خیرخواه که کودتاچی آزاد شده است، بحث شد. معلوم شد، فریب داده و به دروغ مدعی قتل شدن فرمانهای هواپیما شده و فرار کرده و به مصر پناهنده شده و چهار نفر همراه او، خواهان مراجعت به ایران‌اند. فردا با هواپیما برمی‌گردند.

یکشنبه ۴ مرداد

۲۳ رمضان - ۲۶ جولای

شب را در نخست وزیری خوابیدم. چون آخر شب، خبر دادند که افراد مشکوکی در باغچه مجاور منزل دیده شده‌اند و بچه‌ها هم به همین دلیل در خانه نمانده‌اند. اول وقت، به دفترم رفتم. سحری را در نخست وزیری خورده بودم. گزارشها را خواندم. صبح، جلسه علنی بعد از یک هفته تعطیلی داشتیم. با سه ربع ساعت تأخیر، شروع شد. طرح مطبوعات، کلیاتش تصویب شد. اعتبار نامه نمایندگان کاشمر و سراوان هم تأیید شد و شور اول مهلت دادن ترازنامه به شرکتهای ملی شده هم تصویب شد. ظهر آقای شجاعی نماینده زنجان که متهم به طرفداری از بنی صدر بوده، مراجعه کرد و از اینکه جمعی از مردم زنجان ایشان را عزل کرده و به ایشان اهانت می‌کنند، گله داشت و درباب استعفا به خاطر همین و به خاطر کسالت، مشورت می‌کرد. من نظر مخالف با استعفا دادم و فرار شد مدتی صبر کند، تا وضع عادی شود.

به تعدادی از نامه‌های تبریک و تسلیت که از رؤسای مجالس دنیا رسیده بود، جواب دادم. عصر، در کاخ وزارت خارجه، در جلسه شورای مرکزی حزب، شرکت کردم. درباره مراسم روز قدس و چهلم هفتاد و دو شهید و مسائل جاری بحث شد و کمی هم درباره کابینه. افطار به خانه آمدم. شب آقای مطهری - بازاری - برای حساب وجوه شرعی به منزل آمد. عصر با روزنامه اطلاعات مصاحبه‌ای درباره اسرائیل و فلسطین کردم.^۱

دوشنبه ۵ مرداد

۲۵ رمضان - ۲۷ جولای

ساعت هفت به مجلس رفتم و گزارشها را خواندم و جواب چند نامه را دادم و خاطرات عقب مانده را نوشتم. ساعت هشت به جلسه علنی مجلس رفتم. بحث، درباره لایحه اراضی شهری آغاز شد. مسأله بسیار مهمی است^۲ و پنج ماده از ۱۶ ماده لایحه و اعتبارنامه نماینده سیرجان و نماینده رودسر تصویب شد.

ظهر آقای سازگارنژاد، نماینده سروستان شیراز آمد و از مزاحمت حزب‌اللهی‌ها نسبت به

۱ - کتاب هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های ۱۳۶۰.

۲ - در ماده ۵ این قانون چنین آمده است: کلیه زمینهای موات شهری در اختیار دولت جمهوری اسلامی است و اسناد و مدارک ملکیت گذشته، ارزش قانونی ندارد، مگر آنکه از تاریخ ۲۲ بهمن ۵۷ توسط دولت واگذار شده باشد.

ایشان و اتهام امتی بودن، گله داشت و کمک خواست. عصر با خبرگزاری پارس مصاحبه‌ای درباره اسرائیل و فلسطین به مناسبت روز قدس داشتم^۱. آقای داودی کاندیدای مجلس شورای اسلامی از لنگرود آمد و از انتخابات میان دوره‌ای - که شکست خورده بود - شکایت داشت. ساعت پنج بعد از ظهر، در شورای عالی دفاع در نخست وزیری، شرکت کردم. آقای فلاحی گزارش جبهه‌ها را داد. حمله لشکر ۱۶ موفق بوده و غنائم و اسرای زیادی گرفته‌اند. دشمن را از شمال کرخه کور، عقب رانده‌اند، ولی در دزفول لشکر ۲۱ فتح، عمل نکرده و در آبادان هم حمله لشکر ۷۷ خراسان، بی نتیجه مانده است.

سرهنگ دهقان، گزارشی از خریدهای موفق مهمات داد که از شرقیا و غربیها خریده‌اند و مشغول وارد کردن هستند. ایشان مدعی است، از اول جنگ تا کنون نزدیک بیست میلیارد دلار، مهمات مصرف کرده‌ایم. رقم عظیمی است. احتمالاً اغراق آمیز است.

سرهنگ نامجو و کلاهدوز، گزارشی مبنی بر تقصیر نیروی هوایی، در عدم حمله به مرکز کنفرانس سران ضدانقلاب در کردستان که از طرف استاندار ارومیه خواسته شده بود، دادند و قرار شد پس از بررسی، تنبیه شوند.

آقای ام‌مصطفی امیرسلیم راجع به بازسازی شهرهای جنگ زده، مشورت کرد و نظر خواست و شکایتی از صنایع نظامی به خاطر عدم کارائی، مطرح شد. افطار در مجلس ماندم. اول شب به عیادت آقایان خامنه‌ای و اشراقی رفتم. حال آقای خامنه‌ای بهتر است و حال آقای اشراقی خطرناک. بعضی از برادران دلسوز توصیه نمودند که این همه به بیمارستان بروم، به خصوص که منافقین قبلاً در مریضخانه، نفوذ زیادی داشته‌اند و اسم آن را بیمارستان مهدی رضائی گذاشته‌اند و می‌توانند در آنجا کمین برای ما برقرار کنند، اما با توجه به اشتیاقی که به ملاقات آقای خامنه‌ای دارم و نیز ضرورت مراقبت از ایشان، ترجیح می‌دهم بروم.

سه شنبه ۶ مرداد

۲۶ رمضان - ۲۸ جولای

جلسه علنی داشتیم و طرح قانونی اراضی شهری مطرح بود. دو سه ماده تصویب شد. مجلس تمایل شدیدی به دولتی کردن اراضی شهری دارد، ولی فکر می‌کنم شورای نگهبان

نسبت به خیلی از مصوبات مجلس، مخالفت نماید.

آقای مهندس امهدی بازارگان، برای آقای شیخ علی تهرانی - که در مشهد بازداشت شده - کمک می‌خواست و آقای انواری برای آقای مروارید که به منزلش ریخته‌اند و تجسس کرده‌اند. ظہر طبیبی عراقی، پناهنده به ایران، آمد و کمک خواست.

آقای پویا، صاحب روزنامه انگلیسی زبان "مسلمین" در پاکستان آمد و از اوضاع پاکستان گفت. عصر مصاحبه‌ای متصل با روزنامه جمهوری اسلامی داشتم^۱. مهندس اعزت‌الله سجایی آمد و راجع به فرزندش که در رابطه با مجاهدین خلق بازداشت شده، کمک خواست.

شب در دفتر من، جلسه مشورتی داشتیم. آقایان رجائی، اموسوی اردبیلی، باهنر، نبوی و احمدآقا [برای] افطار آمدند و درباره روز و مراسم تنفیذ ریاست جمهوری آقای رجائی، از طرف امام و تعیین فرمانده کل قوا از طرف امام، بحث کردیم. قرار شد آقای رجائی باشد. درباره اعضای کابینه بحث شد.

ساعت نه ونیم، خبر زلزله شدید کرمان رسید و با استاندار کرمان مرتباً در تماس بودیم. زلزله هفت ریشتر بوده و کرمان و یزد و جنوب خراسان و بندرعباس را لرزانده و تلفات زیاد دارد.

ساعت یازده، خبر فرار یک هواپیمای بوئینگ سوخت رسانی نظامی از فرودگاه تهران رسید. دستور تعقیب و برگرداندن آن را دادیم. ساعت دوازده خبر دادند که وارد ترکیه شده و از دست ماکاری برنمی‌آید و خلبان آن، همان سرهنگ معزی خلبان مخصوص شاه است که هواپیمای شاه را به ایران آورده بوده.

وصیت‌نامه محمد رضا سعادت، عضو کادر مرکزی مجاهدین خلق - که در زندان اعدام شده - مطرح شد، سازمان را محکوم کرده؛ قرار شد پخش شود. وصیت‌نامه جالبی است و ممکن است برای دادگاه انقلاب، خوب تمام نشود.

شب، در دفترم خوابیدم. آقایان رجائی، باهنر و اموسوی اردبیلی هم خوابیدند سحری هم همان جا خوردیم. ضمن سحری بحثیاتی داشتیم و تصمیماتی.

چهارشنبه ۷ مرداد

۲۷ رمضان - ۲۹ جولای

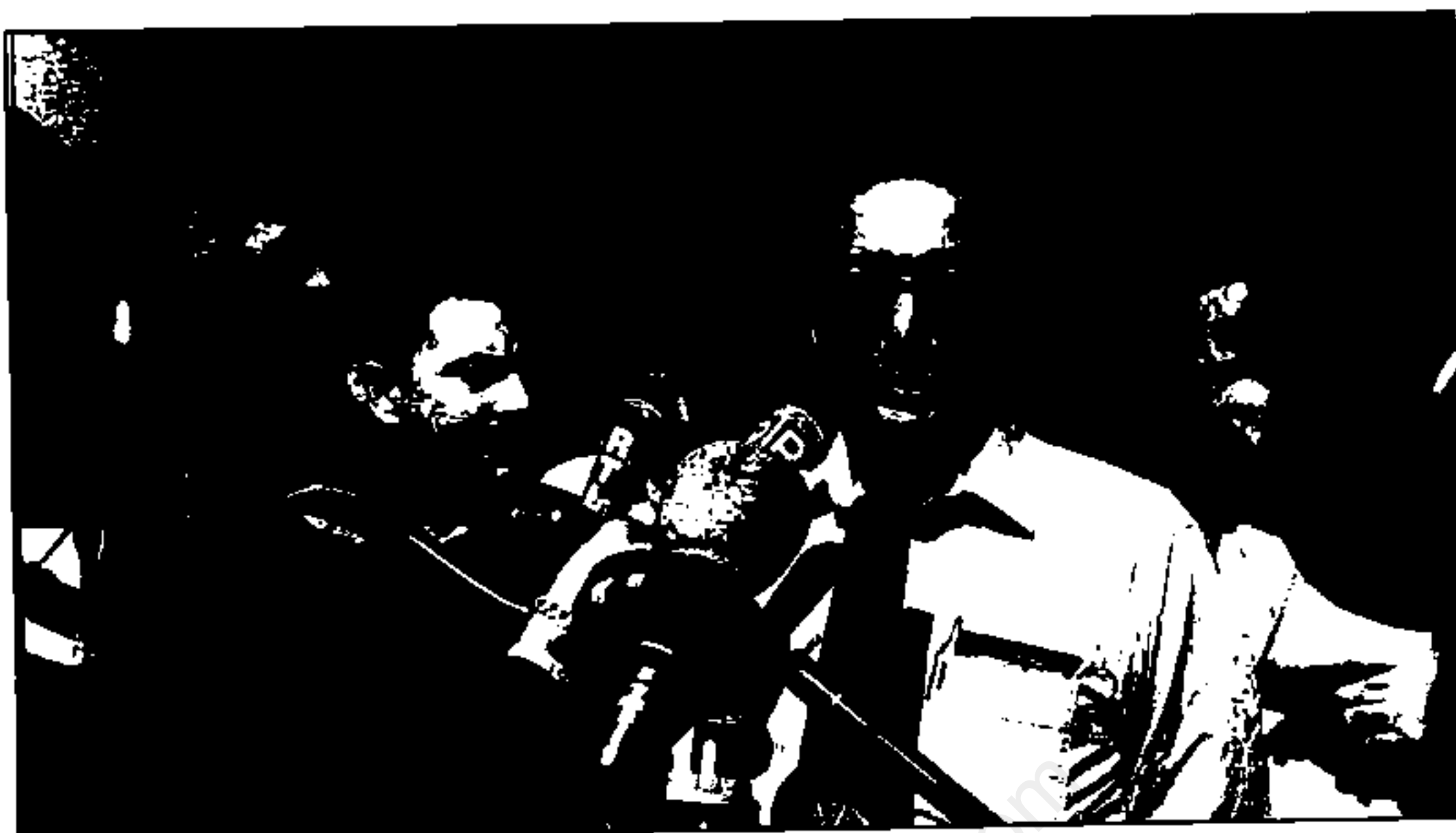
ساعت هشت صبح، جلسه علنی در مورد طرح اراضی شروع به کار کرد. از زلزله کرمان، ابعاد وسیعی گزارش می‌رسد. تاکنون بیش از هشتصد جنازه در آمده که تلفات خیلی بیش از اینهاست.

ساعت یازده گزارش رسید که بنی صدر و مسعود رجوی، سرنشین هواپیمای فراری هستند و امروز صبح به پاریس رسیده‌اند و فرانسه به بنی صدر، پناهندگی سیاسی داده. خبر تلخی است. مأموران می‌گفتند تا حدودی به سرنخهائی در مورد محل اخفای آنها رسیده‌اند. اصلاحیه‌ای درباره لایحه بودجه به دنبال مخالفت شورای نگهبان، در مورد بهره در منبع در آمد دولت به عمل آمد.

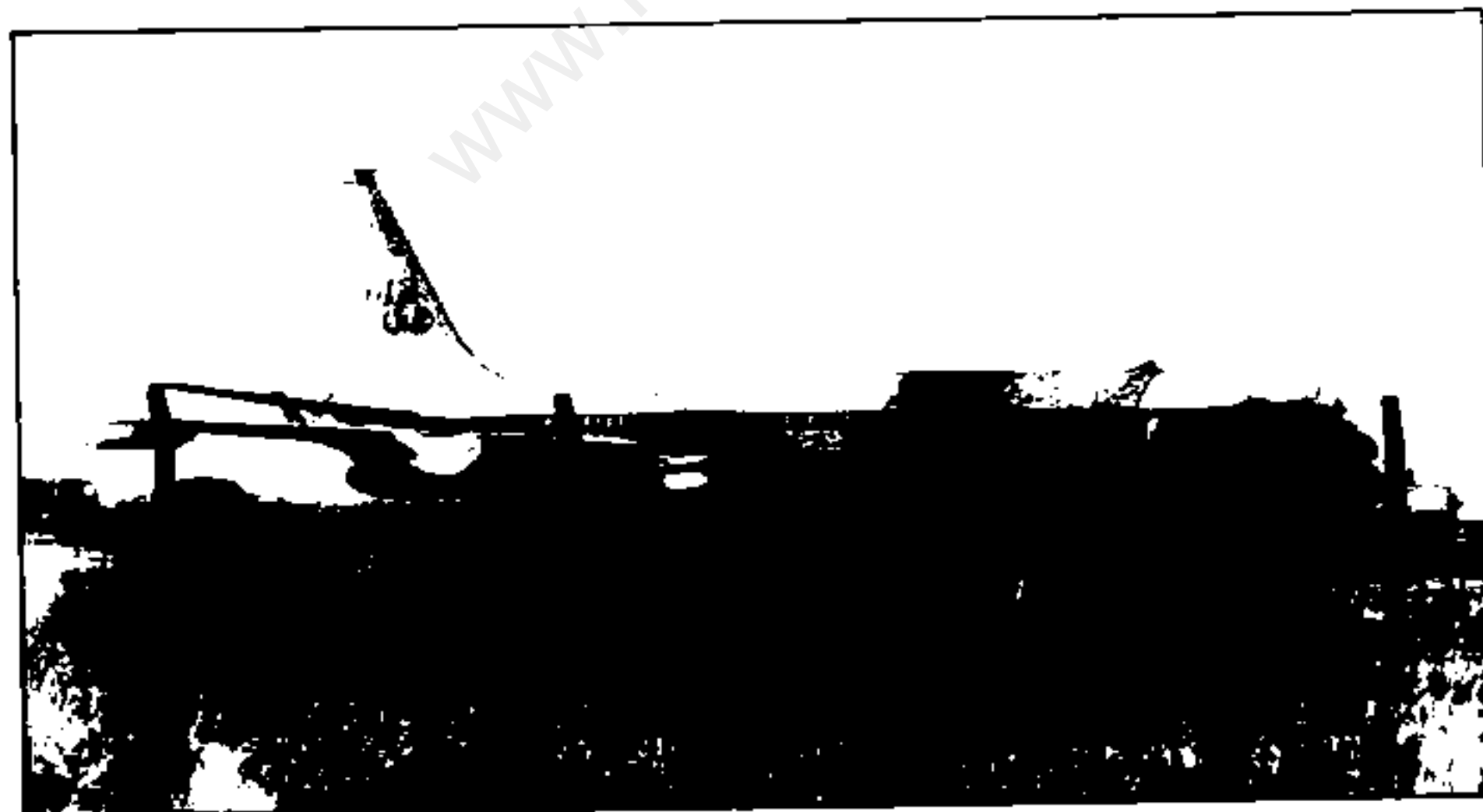
اعتبارنامه آقای فهیم کرمانی، مطرح شد. آقای حجتی کرمانی مخالفت کرد و به کمیسیون تحقیق ارجاع شد. ظهر، خبر ترور و شهادت حجة الاسلام سید رضا کامیاب نماینده مشهد - که تازه انتخاب شده - رسید. از دوستان بسیار فعال و ارزنده بود که از دست دادیم. ظهر گروهی از همافران آمدند و خیلی ناراحت بودند و خواهان تصفیه فوری در نیروی هوائی بودند. با توجه به فرار بنی صدر یا هواپیمایی از این نیرو.

در دفتر آقای رجائی، فوراً جلسه با حضور آقای موسوی اردبیلی و سرهنگ فکوری فرمانده نیروی هوائی تشکیل دادیم. سرهنگ فکوری خیلی ترسیده و تعادل خود را از دست داده ابوداؤ می‌گفت، نیروی هوائی با این دو مورد فرار هواپیما متزلزل شده است. گفتیم زمینه خوبی برای تصفیه ضدانقلاب در نیرو پیش آمده. با مشورت انجمن اسلامی، سیاسی - ایدئولوژی نیرو و دادگاه انقلاب ارتش، تصمیمات مهمی گرفتیم. ستاد فرماندهی و فرماندهان پایگاهها را عوض کردیم. جانشین فرمانده را آقای سرهنگ معینی قرار دادیم. اختیارات آقای فکوری را به معینی دادیم.

به بیمارستان قلب رفتم. آقای خامنه‌ای، حالشان خوب است و موافق این تغییرات بودند. به زیارت امام رفتم. امام هم موافقت کردند. با امام، قرار زمان تنفیذ ریاست جمهوری را گذاشتیم. افطار به خانه آمدم. یکی از سپاهیان آمد و گزارشی از فعالیت دوستانش در خارج، در رابطه با ضدانقلاب داد و در مورد تصفیه رفتای ابوشریف در سپاه، کمک خواست.



ابوالحسن بنی صدر و مسعود رجوی هنگام ورود به فرانسه



گزارش رسید که بنی صدر و مسعود رجوی ، سرنشین هواپیمای فراری هستند...

پنجشنبه ۸ مرداد

۲۸ رمضان - ۲۰ جولای

دوروز تأخیر نوشتن خاطرات را جبران کردم. ساعت هشت صبح، به مجلس رفتم. جلسه علنی و بحث طرح اراضی شهری را داشتیم. پیش از دستور، درباره فرار بنی صدر صحبت کردم. به خاطر سقوط نصاب لازم (۱۸۰ نفر) نتوانستیم جلسه را ادامه دهیم و ساعت ده، جلسه تعطیل شد. نمایندگان از فرار بنی صدر ناراحت‌اند و اعتراض به ضعف کنترل دولت دارند. مقداری از وقت، صرف توجیه وضع موجود شد.

گزارشی رسید که با توطئه بنی صدر، رجوی، قاسملو و حمایت آمریکا، ممکن است، آشوبی در غرب کشور به وجود آید. با حضور آقایان رجائی، موسوی اردبیلی، ایوسف اکلاه‌دوز، امحسن ارضائی و اموسی انامجو جلسه‌ای در دفتر من تشکیل شد و رسیدگی نمودیم و تصمیماتی اتخاذ شد.

بعد از ظهر، ملاقاتی با سفیر کره شمالی داشتم، از توسعه روابطشان با ایران و تنزل روابط ما با کره جنوبی خوشحال بود. برای تعیین وقت سفر من به کره شمالی آمده بود، که در ماه شهریور تعیین شد. اصرار داشت که به کره جنوبی نروم، قول ندادم، آقای رفیعی و خانم تیموری، دو عضو جدا شده از مجاهدین خلق آمدند و درباره مشکلاتی که در راه جذب آنها به خدمت انقلاب وجود دارد، چاره‌جویی می‌کردند.

از سازمان بهزیستی هم آمدند و درباره وزیر جدید بهزیستی، مذاکره کردند. افطار به خانه آمدم. شب آقایان میناچی، تحریریان، حاج طرخانی و نوید آمدند و درباره اوضاع جاری سیاسی و تورم و ... بحثهایی داشتند. ساعت دوازده خوابیدیم.

جمعه ۹ مرداد

۲۹ رمضان - ۲۱ جولای

امروز با اعلان امام، روز جهانی قدس است. امام بعد از پیروزی انقلاب، جمعه آخر هر ماه مبارک رمضان را، "روز قدس" اعلان نمودند. راهپیمایی در سراسر ایران انجام شد. در دانشگاه تهران جمعیت عظیمی حضور داشت. مهندس موسوی وزیر خارجه، سخنرانی قبل از نماز جمعه داشت و امام به مناسبت روز قدس پیام مفصلی داده بودند که حاج احمد آقا خمینی



قرائت پیام امام خمینی توسط حاج سید احمد خمینی

قرائت کرد. من خطبه خواندم و نماز را به جا آوردم!

پیش از نماز، وزارت خارجه اطلاع داد که سفارت شوروی کار فوری دارد و می خواهد مرا ببیند. گفتم ساعت ۲ بعد از ظهر بیایند مجلس. برای دیدن به مجلس رفتم. کاردار سفارت آمد، فارسی هم خوب می داند. گفتم از شوروی به من دستور داده اند، مطلبی سری را به شخص امام بگویم و دیشب از امام وقت ملاقات خواسته، امام گفته اند که به من مراجعه کنند و به من بگویند و گفت مقامات رسمی شوروی، مطلع شده اند که در پاریس، سلطنت طلبها متحد شده و نوطه ای در دست اجرا دارند. اطلاعاتی در اختیار گذاشت. ولی سرنخ روشنی نداد. در ضمن، مراتب دوستی شوروی را اعلان نمود و از اینکه در ایران، علیه شوروی شعار می دهند و به آنها ستمگر می گویند، گله داشت. من توضیحاتی دادم و گفتم ملت ما با مارکسیسم مخالف است. تجاوز به افغانستان، از طرف شوروی، اثر بدی روی مردم گذاشته.

عصر، در شورای امنیت شرکت کردم و گله های ارتش را مطرح کردم و تصمیماتی اتخاذ کردیم. توسط احمد آقا به امام پیغام دادیم و از امام نظر خواستیم. امام با تغییراتی در ارتش، برای اطمینان بیشتر، موافقت کردند.

عصر، شورای عالی دفاع داشتیم. گزارش جبهه ها، صنایع نظامی و مهماتی را که در ایران می سازیم، دادند. رفته رفته، صنایع فعال می شود. افطار را در نخست وزیری ماندیم و جلسه شورا تا ساعت ده شب ادامه داشت.

مسئول بسیج عشایر، گزارشی از وضع عشایر غرب در جبهه ها و سلاحهایی که به آنها داده ایم، روابط با طالبانی ها و توقعات آنها و همکاریشان با کومله و دمکراتها داد.

شنبه ۱۰ مرداد

۳۰ رمضان - ۱ آگوست

امروز جلسه مجلس نداشتیم. در خانه، کارهایی انجام دادم. سلمانی آمد برای اصلاح و سپس برای عیادت آقای خامنه ای به بیمارستان رفتم. افسرده شده اند و ضعیف. آقای اشراقی هم هنوز در اغماء هستند.

نزدیک ظهر به مجلس رفتم. گزارشها را خواندم و کارهای اداری را انجام دادم. احمد آقا

۱ - صحیفه نور، جلد ۸ - سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۳، صفحه ۵۴۷

۲ - کتاب هفتمی رهنمائی، خطبه های جمعه ۱۳۶۰، جلد اول.

تلن کرد و مشورتیایی داشت. عصر مصاحبه‌ای با تلویزیون اسپانیا و مصاحبه‌ای با تلویزیون نروژ داشتم^۱ و ملاقاتی با آقای سنیر هندوستان که آمدن نمایندگان غیر متعهدها، در مورد جنگ با عراق را زمینه سازی می‌کرد.

انجمن اسلامی بانکها آمدند و از ادامه خط بنی صدر در بانکها، شکایت داشتند. کم کم دارند با امحسن انوربخش هم، مخالفت می‌کنند. انجمن اسلامی صنایع نظامی هم، همراه آقای اعلی محمد ایشارتی آمدند و نارضايتها را می‌گفتند.

گزارشهای شهربانی و خبرگزاری پارس را خواندم. ترور و تخریب زیاد است. از تحقیقات سپاه پاسداران هم آمدند و گله از عدم تصفیه افراد ناسالم داشتند. درباره یک کارمند اخراجی هم بررسی کردم، ظاهراً بی تقصیر است؛ باید جلوی این افراط کاریها گرفته شود.

افطار به خانه آمدم. عفت، مهدی و یاسر به رفسنجان رفته‌اند و فاطمی و سعید در خانه بودند. شب آقای دعاگو و شیخ عطار آمدند و برای حزب، مبلغی کمک آوردند و آقای اسید محمود دعاگو برای حفاظت خودشان و کاری در خارج حزب و رسیدن من به کار تنظیم فیشهای قرآن، مذاکره داشت.

یکشنبه ۱۱ مرداد

۱ شوال - ۲ اگوست

بعد از نماز، مقداری مسائل فطریه و نماز عید را مطالعه کردم. ساعت هشت صبح، به دانشگاه رفتم برای اقامه نماز عید. جمعیت عظیمی آمده بودند. راستی که مردم، خیلی خوبند. همه دانشگاه و خیابانهای اطراف، صبح زود مملو از جمعیت بود. نماز را خواندم و دو خطبه ایراد کردم^۲.

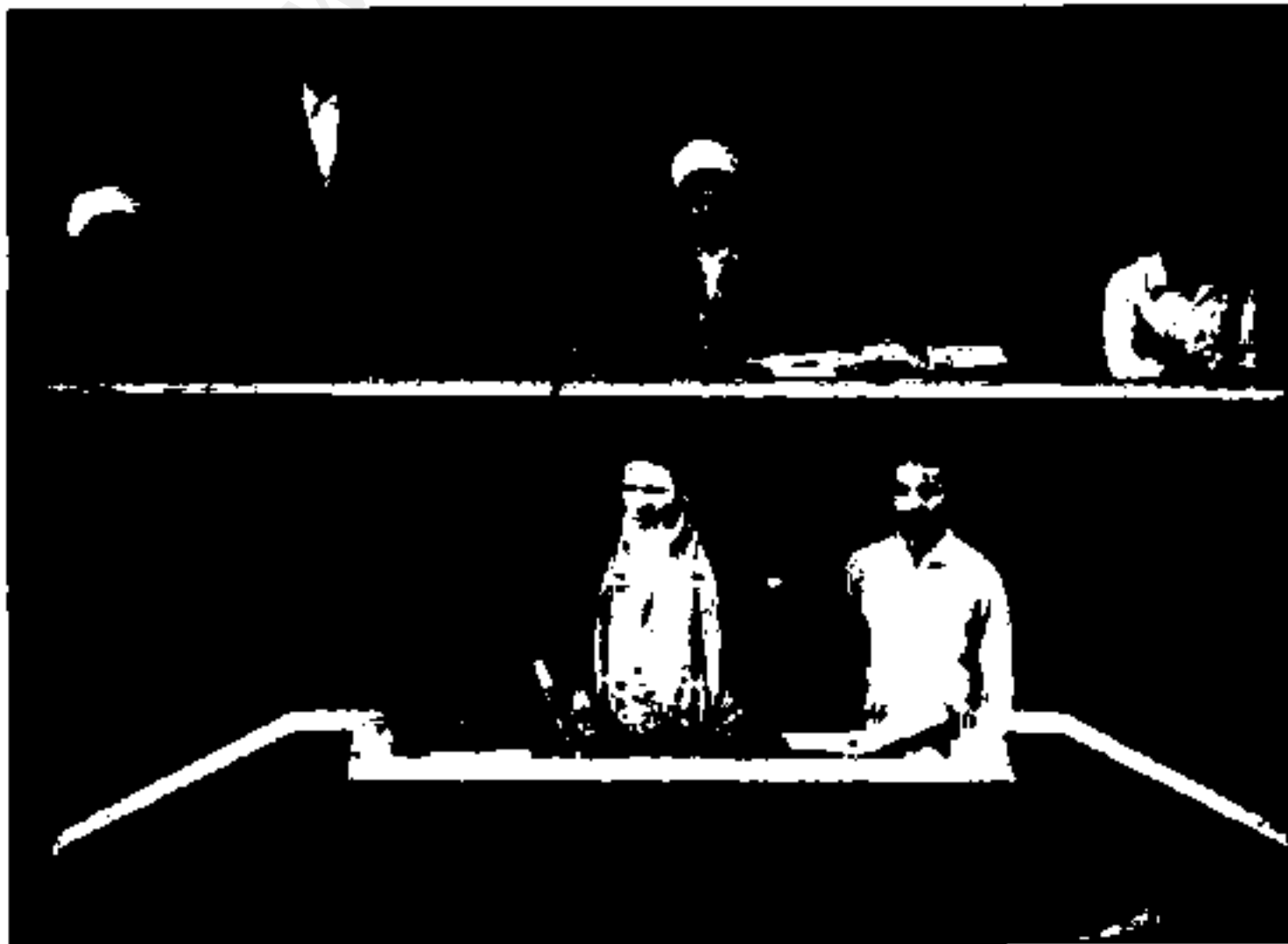
سپس سری به بیمارستان قلب زدم. آقای خامنه‌ای لباس پوشیده و آماده رفتن به منزل امام، برای شرکت در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری آقای رجائی بودند. به شرف آمدم. به خانه برگشتم و سپس به منزل امام در جماران، برای شرکت در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری رفتم. نمایندگان مجلس، وزرا، شورای عالی قضائی، شورای نگهبان، فرماندهان ارتش و سپاه و جمع کثیری از شخصیتهای کشور، حضور داشتند و متفرقه راه نمی‌دادند، به

۱. کتاب هاشمی رفسنجانی - مصاحبه‌های ۱۳۶۰.

۲. کتاب هاشمی رفسنجانی - خطبه‌های جمعه ۱۳۶۰ - جلد اول.



مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری توسط امام خمینی



مجلس شورای اسلامی
مراسم تحلیف ریاست جمهوری آقای محمد علی رجائی با حضور
رئیس دیوان عالی کشور آیت الله موسوی اردبیلی

خاطر ملاحظات امنیتی؛ خیلی‌ها به طور کلی در این اوضاع شروع تروریسم، مخالف تشکیل چنین جلسه‌ای بودند. اما ملاحظات سیاسی و روانی ترجیحی برای تشکیل مجلس داشت. ساعت یازده امام آمدند. حضور آقای خامنه‌ای هم جالب بود. امام، صحبت‌های خوبی کردند و آقای رجائی، اظهارات خوبی داشت. ظهر به خانه آمدم و ناهار را با فاطمی و سعید و فائزه صرف کردیم. جای عفت، محسن، مهدی و یاسر خالی بود. بعد از ظهر، سید محمد باقر حکیم آمد و درباره نیازهای مجاهدان عراقی از من کمک خواست. با آقای سید مهدی هاشمی، تلفنی صحبت کردم و خواستم بیشتر توجه کند. ایشان یکی از مسئولان ستاد کمک به نهضت‌های آزادیبخش است. شهید محمد منتظری هم عضو دیگر بود، که جایش خالی است. آقای حسین یوسفی پاسدار، دختر نوزادش را آورد که در گوشش اذان و اقامه بگویم. خوشبختانه امروز صبح، خانمی مقداری زینت آلات خود را به من داده بود که به پاسدارها بدهم، یک نیم پهلویش را به او دادم. قرار بود در جلسه‌ای در نخست وزیری، برای مشاوره در امر کابینه شرکت کنم. با آقای رجائی تلفنی صحبت کردم. گفتند خیلی ضرورت ندارد.

دوشنبه ۱۲ مرداد

۲ سوال - ۲۲ اگوست

جلسه‌ی علنی داشتیم. یک ساعت زودتر به مجلس رفتم. گزارشها را خواندم. طرح اراضی شهری در دستور بود. بیست و هفت نفر نماینده جدید، مراسم تحلیف به جای آوردند. با حضور آقایان، مجلس نیرومندتر شده است. مراسم تحلیف ریاست جمهوری آقای رجائی را هم داشتیم. رئیس دیوان عالی کشور، شورای نگهبان و هیأت وزرا هم حضور داشتند. بعد از ظهر، گروهی از دانشگاهیان آمدند و راجع به کارکرد ستاد انقلاب فرهنگی اعتراض داشتند و پیشنهاد انحلال آن را و وزارت علوم را برای دکتر گلشنی می‌دادند.

کیانوری و عموی از حزب توده آمدند. گزارشی از فعالیت ضدانقلابی یک گروه کمونیستی به نام اتحادیه کمونیستها و دادن اسلحه به انشعایون کردستان، از دموکراتها برای جنگ با آنها و حرکت ضدانقلاب در مرزهای ترکیه با ایران دادند.

ساعت پنج بعد از ظهر، در شورای عالی دفاع شرکت کردم. گزارش جبهه‌ها را دادند که راکد است. پیشنهاد فرماندهی غرب را برای آقای سرهنگ صیادشیرازی نمودیم که نظامیان را خوش نیامد و گزارشی از عدم پیشرفت کار تعمیر ناو میلانیا و حمله به تأسیسات نفتی تکریت

عراق داده شد. آخر وقت آقای ظهیرنژاد، از پیشرفت تیپ ۸۲ خرم آباد در عین خوش و دهلیز خبر داد.

شب، در دفتر آقای رجائی با آقای باهنر جلسه داشتیم و درباره کابینه بحث کردیم و پیشرفتهائی داشتیم. عصر در نزدیکی نخست وزیری، بمب نیرومندی منفجر شد و باعث مرگ دوسه نفر عابر و جراحت جمعی از عابران و تخریب چند اتومبیل گردید و بمبی هم در کرمانشاه در میدان آزادی منفجر شده و دهها نفر را کشته و ۳۵ نفر را زخمی کرده. مهندس امیرحسین اموسوی وزیر خارجه، شب در جلسه ما شرکت کرد و تحلیلی درباره تروریسم مجاهدین خلق، ارائه داد که خیلی قوی نبود. شب را در همان دفتر آقای رجائی، خوابیدیم.

سه شنبه ۱۳ مرداد

۳ سوال - ۴ آگوست

صبح زود، از دفتر ریاست جمهوری، پس از صرف صبحانه به مجلس رفتم. ساعت هفت و نیم، جلسه علنی شروع شد. خبر شهادت امام جماعت بهبهان و امام جمعه کازرون در اثر ترور رسید و سوء قصد به جان آقای حسنی نماینده ارومیه و نجات ایشان و جراحت فرزند و پاسدارش. نامه آقای رجائی مبنی بر معرفی دکتر باهنر به عنوان نخست وزیر مطرح شد و بحث درباره طرح اراضی شهری بود. آخر وقت، جلسه غیر رسمی غیر علنی برای مشورت در امر نخست وزیری آقای باهنر داشتیم. عده‌ای از دوستان به دلیل روحانی بودن و ادعای کم تحرک بودن ایشان، مخالف بودند و عده‌ای به خاطر عدم مشورت قبلی با آنها.

گروهی از دانش آموزان ممتاز دختر و پسر استان لرستان - که به اسم اردوی شهید مظلوم دکتر بهشتی - به تهران آمده‌اند، به مجلس آمده بودند. با آنها ملاقات کردم، سرودی خواندند و کمی برایشان صحبت کردم. آقای سجادی آمد. دو سند زمین ۴۰۰ متر مربعی برای طلاب قم به ایشان دادم^۱.

عصر مصاحبه‌ای با رادیو تلویزیون در مورد انقلاب سوم و شهادت ۷۲ تن داشتم^۲. سپس در جلسه شورای امنیت شرکت کردم. جلسه پنج ساعت طول کشید. درباره کیفیت مبارزه با

۱ - آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، از زمان پیش از انقلاب، مالک تعداد زیادی قطعه زمین در سالاریه قم بودند که پس از پیروزی انقلاب اکثر آنها را به طلاب و مردم بی‌بضاعت به صورت اهدائی و بلاعوض، واگذار کردند.

۲ - کتاب هاشمی رفسنجانی - مصاحبه‌های ۱۳۶۰.

ضدانقلاب بحث شد و تصمیماتی اتخاذ گردید. شب به خانه آمدم. عفت، مهدی و یاسر از رفسنجان آمدند و فاطمی و سعید در خانه بودند. احمد آقا [خمینی] تلفن کرد و درباره ترکیب کابینه، حرف داشت. آقایان [مرتضی الویری و اسدالله ایبات] تلفن کردند و درباره مراسم چهلم ۷۲ شهید و مخالفت بعضی از رفقا، با نخست وزیری آقای باهنر صحبت کردند. آخر شب، آقایان رجائی و باهنر تلفن کردند و از این مخالفتها نگران بودند. قرار شد فردا فکری بکنیم. آقای اسدالله تجریشی آمد و درباره تقویت کمیته‌ها، پیشنهاد داشت.

چهارشنبه ۱۴ مرداد

۴ سوال - ۵ اگوست

اول وقت به مجلس رفتم؛ برای اینکه قبل از شروع جلسه، وضع آراء نمایندگان را نسبت به نخست وزیری آقای باهنر بسنجم و فکری بکنم که وضع بدی پیش نیاید. عده از دوستان مخالف بودند و قرار شد از مجلس استفسار کنیم. اگر موافق است، مقداری غیر رسمی و غیر علنی بحث کنیم. مجلس موافقت کرد و مخالفان و موافقان صحبت کردند. مخالفان حرف حسابی نداشتند. لیبرالها هم موافق بودند. آقای رجائی هم شرکت کرد و صحبت‌های خوبی نمود. رأی‌گیری کردیم، ۱۳۰ نفر از ۱۶۸ صاحب رأی، موافق بودند و ۱۴ نفر مخالف و ۲۴ نفر ممتنع و ۲۹ نفر هم از آنها که اعتبار نامه‌شان تصویب نشده، با نامه‌ای موافقت خود را اعلام داشتند.

خبر رسید که دکتر [حسن] آیت را ترور کرده‌اند و شهید شده است^۱ و دو پاسدارش مجروح؛ خیلی متأثر شدیم و مردم خیلی عصبانی و حق هم دارند، زیرا هر روز تعدادی از شخصیت‌های نامدار انقلاب ترور و شهید می‌شوند و اگر وضع مدتی دیگر به همین منوال باشد، از نیروهای انقلابی سابقه‌دار کسی نمی‌ماند.

مشکل هم اینجا است که مجاهدین، سالها به عنوان نیروی خودی، در بین ما بوده‌اند و اطلاعات کامل از وضع ما و موقعیت افراد، و راه وصول به آنها را در اختیار دارند. و بعد از

۱ - شهید دکتر حسن آیت نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی و عضو شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی، ساعت ۶/۵۰ دقیقه صبح روز چهارشنبه ۱۴ مرداد ۱۳۶۰ هنگامی که در حال خروج از خانه‌اش بود، مورد حمله قرار گرفت و به شهادت رسید.

وی پس از انقلاب به عنوان نائب رئیس مجلس خبرگان، نقش مؤثری در تصویب مواد مربوط به ولایت فقیه ایفا کرد. شهید آیت همچنین در افشاگری علیه بنو صدر بسیار فعال بود.



شهید دکتر حسن آیت



انقلاب عوامل خود را به طور ناشناس، در خیلی از جاهای حساس نفوذ داده‌اند. امروز همه تلفنها، حاکی از خشم مردم نسبت به ضعف کنترل امنیتی ما بود.

بحث، درباره طرح اراضی شهری بود. بعد از ظهر جلسه هیأت رئیسه داشتیم و بیشتر بحثها درباره تأمین امنیت نمایندگان بود و تصمیماتی گرفتیم. من جمله اینکه به همه پیشنهاد شود که در مجلس یا خانه‌های اطراف مجلس بمانند، تا چند هفته‌ای که از شدت تروریسم کاسته شود. عصر چند عقد ازدواج برای پاسداران انجام دادم. سپس در جلسه شورای حزب جمهوری در دفتر آقای باهنر، شرکت کردم. آنجا هم بحث در امنیت و کابینه بود.

شب، جلسه مشاوره‌ای با شرکت آقایان رجائی، باهنر، موسوی اردبیلی، احمد آقاخیمینی و بنزادنبوی در دفتر من داشتیم. درباره ارتش، سپاه، کابینه و دادگاههای انقلاب بحث کردیم. شب را در دفترم خوابیدم و بقیه هم در همان جا خوابیدند.

پنجشنبه ۱۵ مرداد

۵ سوال - ۱۶ اگوست

امروز جلسه را یک ساعت دیرتر - ساعت هشت - اعلان کردیم که نمایندگان برای آمدن به مجلس مجبور نباشند، در ایحظات خلوت خیابانها بمانند و زمان بیشتری در اختیار داشته باشند که در ساعات مختلف حرکت کنند. بعد از سخنرانیهای قبل از دستور، من درباره ترورها و به خصوص ترور آیت و ضعف عملکرد شهربانی صحبت کردم. مقداری هم در طرح اراضی شهری بحث کردیم. نیم ساعتی هم جلسه را غیر رسمی کردیم و درباره تصمیمات امنیتی و حفاظتی، صحبت شد. یک ساعت، زودتر جلسه را ختم کردیم که جنازه آقای آیت تشییع شود. جنازه را در سالن آورده بودند و مردم در خیابان اجتماع کرده بودند، آقای اعلی اکبر اناطق نوری سخنرانی کردند.

ظهر، جمعی از دوستان آمدند و راجع به گروه گرانی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی صحبت کردند. من سعی کردم آنها را از کارهای اختلاف انگیز، باز دارم.

آقای اسیدکاظمی اکر می نماینده بهار و کبوتر آهنگ هم آمد و راجع به برگشتن به کار اجرایی مشورت داشت. عصر گروهی از پزشکان آمدند و راجع به وزیر بهداشت حرف داشتند.

از عملکرد وزیر فعلی بهداری راضی نبودند. آقایان مدرسی آمدند و راجع به حمایت بیشتر از نهضت‌های آزادیبخش و تبلیغات خارجی، پیشنهاد داشتند.

عصر، کمیسیون آئین‌نامه هم داشتیم و مراسم با شکوهی در بهشت زهرا برای چهلم ۷۲ تن شهید حزب جمهوری اسلامی برگزار شد.

شب، جمعی از دوستان آمدند، برای ترتیب کلاسهای و تدریس یک دوره اسلام‌شناسی که فیلم تهیه شود و برای تدریس در همه جا به کار رود. من هم هشت ساعت، درباره فلسفه تاریخ را پذیرفتم. آقایان جوادی آملی، باهنر، امامی کاشانی، خزعلی، عبدالمجید معادیخواه و مهدوی‌کنی هم پذیرفتند. شب را در دفتر کارم خوابیدم.

جمعه ۱۶ مرداد

۶ سوال - ۷ اگوست

اول وقت، در دفتر کارم مشغول مطالعه شدم. خطبه‌های نماز جمعه را تنظیم کردم. تا ساعت ده ونیم در دفتر ماندم. به دانشگاه تهران رفتم. آقای عبدالمجید معادیخواه، سخنران پیش از خطبه‌ها بود و فرزند شهید آیت هم کمی صحبت کرد. دو خطبه درباره شهادت ۷۲ تن و تروریسم ایراد کردم^۱ و نماز جمعه خواندم و به منزل آمدم. بعد از ظهر خانم شهید مطهری آمد و سفارشهای امنیتی و حفاظتی داشت.

ساعت سه ونیم، به عیادت آقای خامنه‌ای، به بیمارستان قلب رفتم، حالشان بهتر است و همین روزها، بناست از بیمارستان بیرون بیایند.

به جلسه شورای عالی دفاع، در ستاد مشترک ارتش رفتم. فرماندهان همه اشکرها آمده بودند و گزارش عملیات را دادند. آقای صادق طباطبائی که در خارج برای خرید اسلحه به سر می‌برد، آمد و گزارشی از خریدها داد. گزارش برگشتن هواپیمای ربوده شده توسط بنی صدر و رجوی با دو خلبان را دادند. گزارشی هم از تحقیقات داده شد، درباره ربودن هواپیما و گفته شد که مصر هواپیمای ربوده شده را پس نمی‌دهد. ساعت ده ونیم شب، جلسه تمام شد.

شنبه ۱۷ مرداد

۷ سوال - ۸ اگوست

جلسه علنی نداشتیم و به مجلس نرفتم. روحانیت مبارز، جلسه‌ای در کرج - باغ اردوی رفاه - برای بررسی و تصویب اساسنامه داشت، ساعت ده صبح به آنجا رفتم و تا ساعت پنج بعدازظهر کار کردیم و اساسنامه را تصویب کردیم. جامعه روحانیت مبارز، دو تغییر اساسی کرد: اول قرار شد مخصوص روحانیت تهران باشد، نه تمام مملکت. دوم، تغییر اساسی در افراد داده شد و گروهی از روحانیون جوان مبارز شرکت کردند که قبلاً به خاطر موضع‌گیری جامعه، کناره‌گیری کرده بودند و دیگران فهمیدند. بدون این گروه نمی‌توانند کاری از پیش ببرند. عصر در استخر باغ، شنا کردیم و غروب به خانه رسیدیم.

حفاظت سپاه، اخطار کرده بود که امشب در خانه نمانم، برای ملاحظات امنیتی؛ ولی پس از بررسی ضرورتی ندیدم که از خانه بیرون بروم. قرار شد، محافظت شدیدتری معمول شود. شب، سرهنگ دیانتی رئیس کلانتری قلهک آمد. به خاطر انتقادی که در مجلس از کادر شهربانی کرده بودم، توضیحاتی داد. گفتم شهربانی می‌تواند در جریان مبارزه با تروریسم، صلاحیت و ضرورت وجودی خودش را ثابت کند و اگر کوتاهی کند، ارزش و اعتبار خود را از دست می‌دهد و این قابل قبول نیست که در تمام این مدت، مأموران شهربانی، حتی تصادفاً چند مورد ضدانقلاب را به دام نینداخته باشند.

آقای رضایی از اطلاعات سپاه به من اطلاع داد که امروز، تعداد زیادی از کادر عملیاتی مجاهدین خلق بازداشت شده‌اند. امروز حاکم شرع اصطهبانات با دو یاسدارش و یکی از افراد دادگاه انقلاب اراک شهید شده‌اند؛ متأسفانه.

یکشنبه ۱۸ مرداد

۸ سوال - ۹ اگوست

جلسه علنی داشتیم. طرح اراضی شهری تمام شد. ولی فکر می‌کنم شورای نگهبان ایرادهای زیادی بر آن بگیرد.

؛ پرویز املک پور نماینده زردتشتیان، به نحوی در نطق پیش از دستور، از خرابکاران دفاع کرد و دولت را متهم به شدت عمل و خشونت درباره آنان کرده من هم با مطرح کردن ترور آیت، حاکم شرع اصطهبانات، انفجار بانک صادرات ایران در لبنان توسط مجاهدین و حمایت فالانژیست‌ها، حرفهای او را خراب کردم.

ادامه اداره مجلس را به عهده آقای خوئینی‌ها گذاشتم و کارهای دفترم را انجام دادم و نهار را با احمد آقا خمینی، در منزل قرار گذاشتیم و ساعت سه بعدازظهر هم با دکتر عالی، مهندس حریری و مصلحی در منزل. در دو ساعت فاصله بین ملاقات احمد آقا و آنها استراحت داشتم. دکتر عالی و همراهان درباره لزوم مدارا با مجاهدین خلق و مراعات نهضت آزادی و کمتر کوبیدن آنها و حفظ اعتبار آنها حرف داشت.

در مورد مجاهدین، گفتم ما راه را برای افرادی که توبه کنند و دست از خرابکاری و ترور بردارند، باز گذاشته‌ایم؛ ولی اگر بخواهند تروریست و محارب باشند چه کاری جز اجرای قانون اسلام، از ما ساخته است.

در مورد نهضت آزادی، گفتم ما از اول انقلاب همیشه به آنها میدان دادیم و کارها را به آنها سپردیم، ولی آنها به خط امام وفاداری نکردند و جانب بنی‌صدر و مجاهدین را گرفتند و روزنامه میزان و مجلس را به نفع آنها استخدام کردند و اکنون هم به عنوان مخالف سیاسی، بدون حمایت از تروریسم، می‌توانند ادامه حیات دهند و روزنامه داشته باشند. چیزی برای ادعا و گفتن نداشتند.

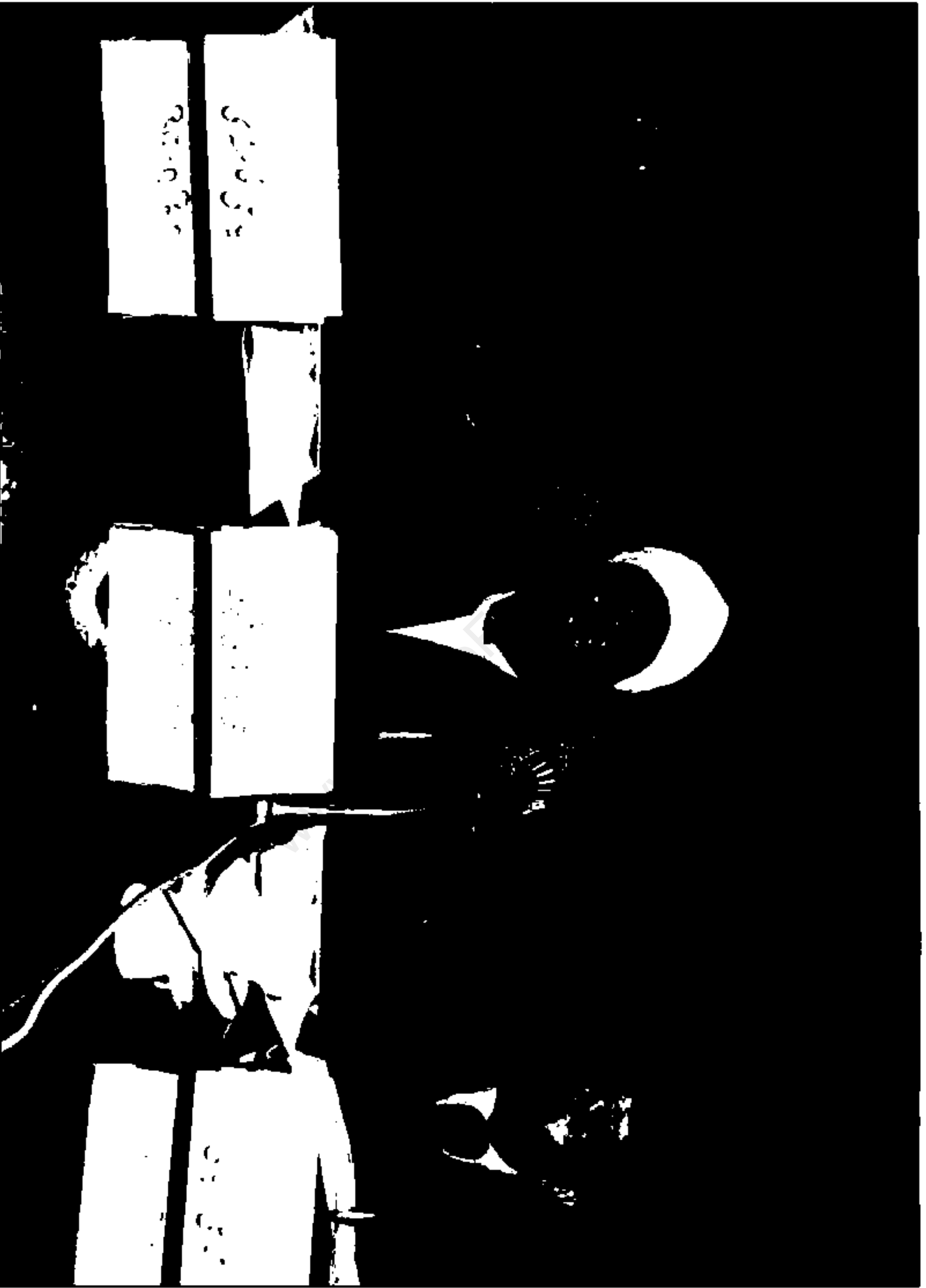
مهندس حریری، متصدی شرکت طاهر، مربوط به اموال خیریه [ابوالفضل] تولیت است^۱ و از طرف دادگاه انقلاب، مورد سؤال قرار گرفته و نسبت به سرنوشت آقایان شانه جی و علی بابائی، خائف بودند.

عصر، در شورای مرکزی حزب در دفتر آقای باهنر شرکت کردم. بعضی از اعضاء، از اینکه نظرشان در کابینه مراعات نمی‌شود، گله داشتند. گفتم من هم گله دارم. ولی حق آقای باهنر و آقای رجائی است و کابینه حزبی نیست و حزب باید دولت را تأیید کند.

در جلسه شورای تأمین هم شرکت کردم. بحث درباره کیفیت رفتار با فشقائی‌ها بود که تصمیماتی اتخاذ شد. با آقای رجائی و باهنر، درباره کابینه هم بحث کردیم. شب را در مجلس خوابیدم.

۱. در مورد فعالیتهای تولیت در نهضت اسلامی به کتاب «هاشمی رفسنجانی، دوران مبارزه، دفتر نشر معارف انقلاب - ۱۳۷۶ صفحات ۱۷۵، ۲۷۲، ۲۸۲، ۲۸۴ مراجعه نمایند.

آقای هاشمی رفسنجانی در خاطرات دوران مبارزه از مرحوم تولیت چنین یاد می‌کند: ایشان امکانات مالی زیادی داشت، بچه هم نداشت. فردی بود روشنفکر و از نظر اعتقادی هم بیشتر جریان مبارزه اسلامی را قبول داشت؛ او آماده شد که خود را وقف مبارزه بکند، به عنوان تأسیس حکومت اسلامی.



پایتخت فرهنگی

حوزه فرهنگی

پایتخت فرهنگی

حوزه فرهنگی

حضور در شورای عالی دفاع

دوشنبه ۱۹ مرداد

۹ سوال - ۱۰ اگوست

اول وقت، کمیسیون آئین نامه داشتیم و چون در مجلس بودم، بدون صرف صبحانه در کمیسیون شرکت کرده، چند عاده درباره کمیسیونها تصویب شد. جلسه علنی شروع شد. ادامه بحث طرح الحاق دادگاههای انقلاب به دادگستری که از شورای نگهبان برگشته بود، مطرح بود. با ایرادهای شورای نگهبان، طرح، محتوای ضعیفی پیدا کرد. چند لایحه را برای تصویب به کمیسیونها تفویض کردیم و برای انتخاب بقیه اعضای گروه بین المجالس هم صحبتها می شد. ادامه اداره جلسه را به آقای موسوی خوئینی ها سپردم و برای انجام کارهای اداری مجلس، به دفترم رفتم.

مراجعات زیادی از نمایندگان، در مورد کارهای امنیتی و شخصی شان داشتم. آقای شیخ حسین هاشمیان هم برای ایجاد تسهیلات، جهت صدور پسته و اسکان رقابت با پسته آمریکا، حرفهایی داشت و کمک می خواست؛ منجمه ۲۵ درصد ارز ترجیحی برای صدور پسته.

خبرهای دیروز، در مورد کشف بیش از چهل خانه تیمی مجاهدین، اثر خوبی در مردم داشت و امروز، اعمال تروریسم ضعیف و کم رنگ بود.

عصر، چند مورد اجرای صیغه عقد ازدواج برای سپاهیان داشتیم. آقای رحمانی - محافظ من - که به جبهه رفته بود، با گردن معیوب برگشته. از سلامتی نسبی اش خوشحال شدم. در چپ شدن اتومبیل در بازی دراز آسیب دیده است.

نمایندگان انجمنهای اسلامی وزارت بهداشت هم آمدند و از وزیر گله داشتند و می خواستند اینان در پست وزارت بهداشت نمانند.

عصر، در جلسه شورای عالی دفاع شرکت کردم. آقای خامنه ای هم برای اولین بار پس از سوء قصد، شرکت داشتند. حضور مجدد ایشان در جلسات، برای ما خیلی روح بخش است. به خصوص با از دست دادن جمع زیادی از همسرمان در این مدت که ایشان در بیمارستان بودند، جای خالی ایشان خیلی ملموس بود و رفتن دهها بار به بیمارستان برای عیادت و مراقبت، با خطری که در هنگامه ترورها داشتیم، مشکل دیگر.

درباره دستوری از امام، در خصوص کیفیت جنگ، صحبت بود که امید است در آینده حرکت جالبی در جبهه به وجود آورد. سرهنگ معین پور آمد و گزارشی درباره نتیجه تحقیقات در موضوع فرار بنی صدر، رجوی، هواپیما و دو نفری که برگشته اند، داد. پیشرفتی در تحقیقات

نکرده‌اند، شش نفر را بازداشت کرده‌اند. هواپیما برگشته، ولی اظهارات دو همافر خیلی راهگشا نیست. ضعیف است و به نظر تردید آمیز. شب به خانه آمدم.

سه شنبه ۲۰ مرداد

۱۰ سوال - ۱۱ اگوست

امروز هم مجلس، درباره طرح الحاق دادگاههای انقلاب به دادگستری بحث داشت. از شورای نگهبان برگشته، اصلاح شد. راجع به شرکت در کنفرانس بین‌المجالس در کویا، صحبت داشتیم و چهار نفر انتخاب شدند^۱. آخر جلسه را به عهده آقای خوئینی‌ها گذاشتم و به دفترم رفتم.

آقای موسوی اردبیلی، تلفن کردند و برای مشورت در موضوع خصوصی، ناهار را به دفتر من آمدند. دوبار از امام، وقت ملاقات خواسته‌اند که امام، موافقت نکرده‌اند. ایشان نگران بودند که امام از ایشان رنجشی داشته باشند و می‌خواستند استعفا بدهند. من گفتم، این تصور ناصحیحی است. خیلی زیاد اتفاق می‌افتد که امام در مورد افراد نزدیک به خودشان، چنین برخوردی دارند؛ قرار شد تحقیق کنم. عصر با آقای شیخ حسن اصنامی، تلفنی صحبت کردم، معلوم شد آقای اردبیلی اشتباه کرده و امام نظر تازه‌ای در مورد ایشان ندارند. ضعف بنیه امام مانع این است که زیاد ملاقات داشته باشند.

شب، در دفتر کارم ماندم و کارهای عقب مانده را انجام دادم و به علت تراکم کارها و ملاقاتهای زیاد، بعد از ظهر نتوانستم در جلسه دفتر سیاسی حزب شرکت کنم.

چهارشنبه ۲۱ مرداد

۱۱ سوال - ۱۲ اگوست

چون شب در مجلس خوابیده بودم، اول وقت سرکارم بودم. متأسفانه ساعت هشت صبح، خبر شهادت حاج آقا بهاء‌الدین عراقی^۲ در کرمانشاه به دست تروریستها و جراحت پدرشان، حاج آقا بزرگ، امام جمعه کنگاور و شهید شدن دو پاسدار رسید. پیش از دستور، راجع به

۱ - این چهار نفر عبارت بودند از ۱ - علی اکبر ولایتی ۲ - مجید انصاری ۳ - غلامعباس زائری ۴ - سرگون بیت اوشاناگوک تپه (نماینده مسیحیان آشوری و کلدانی).

۲ - حجت‌الاسلام بهاء‌الدین عراقی متولد سال ۱۳۰۸ از زمره شاگردان امام خمینی بود وی پس از پیروزی انقلاب به مدت چند ماه، به عنوان حاکم شرع کرمانشاه منصوب شد. همچنین یکی از مدرسین حوزه علمیه امام خمینی و نامزد حزب جمهوری اسلامی برای انتخابات میاندوره‌ای مجلس شورای اسلامی از کرمانشاه بود و به مرحله دوم راه یافت.

تروریستها صحبت کردم^۱. دستور جلسه، مطالب کوچک و متفرقه‌ای بود، منجمله اعتبار نامه آقای پورگل نماینده بندر انزلی که مورد مخالفت دو سه نفر از لیبرالها قرار گرفته بود، که با اکثریت نیرومندی تصویب شد. بعد از ظهر، جلسه مشترک هیأت رئیسه با رؤسای شعب داشتیم، برای ارسال نمایندگان جدید به کمیسیونها. نمایندگان جدیدتر را هم برای شعبه‌ها، قرعه کشی کردیم.

هیأت رئیسه جلسه داشت و تا ساعت هشت شب ادامه داشت. درباره امنیت نمایندگان و مسکن آنها و مستمری خانواده‌های شهدای مجلس و خیلی چیزهای دیگر، تصمیم گرفتیم. شب به خانه آمدم. موکت شور در خانه، موکت‌های خانه را که خیلی کثیف شده بود، می‌شست و وضع خانه نامنظم بود. خبر رسید که تروریستها با آر.پی. جی به مقر اطلاعات سپاه حمله کرده‌اند و ۱۲ گلوله به اطاقها زده‌اند. کسی شهید نشده، ولی چند نفر سطحی مجروح شده، منجمله آقای محسن رضائی. مرحله بدی در کارهای تروریستی است؛ ولی نتیجه‌ای نگرفته‌اند و عده‌ای هم در این رابطه بازداشت شده‌اند. امروز با اجازه دادستان انقلاب، خانه‌های اطراف مجلس را تفتیش کردند. معلوم شد، همسایه‌های مناسبی نیستند، دو جنبشی هم بازداشت شدند و باید آنها را از اینجا به جای دیگر منتقل کرد. بعضی از سلطنت طلبها هستند.

پنجشنبه ۲۲ مرداد

۱۲ شوال - ۱۲ آگوست

اداره جلسه را به عهده آقای موسوی خوئینی‌ها گذاشتم و خودم برای کارهایی، از صبح به منزل امام رفتم. با اعضای فقهای شورای نگهبان، خدمت امام رسیدیم، برای حل معضلات اعمال ولایت فقیه در حل مشکلات حکومت. بعضی از مراجع یا تصمیمات مجلس که به عنوان ضرورت و عناوین ثانویه، جهت حل مشکلات کشور گرفته می‌شود، مخالفت می‌کنند، مثل مسأله زمین و تجارت دولتی و... شورای نگهبان هم روی همین ملاحظات، این گونه مصوبات مجلس را برمی‌گرداند.

با امام، بحث زیادی کردیم و امام به مشکل مجلس و دولت توجه فرمودند و تصدیق کردند که اگر دست ما باز نباشد، حکومت اسلامی کار چشمگیری در حل مشکلات کشور، نمی‌تواند

۱- کتاب آهاسمی رفسنجانی. نطق‌های پیش از دستور - جلد اول.

انجام دهد. قرار شد امام از مقام ولایت خویش، استفاده کنند و حکم کلی در خصوص تجویز اتخاذ تصمیمهای ضروری و انقلابی صادر کنند که آقایان مراجع دیگر و شورای نگهبان، نتوانند مخالفت کنند، اگر صادر بشود، کار بزرگی انجام شده.

سپس با شورای عالی دفاع به خدمت امام رسیدیم. امام گله داشتند که سریعاً عمل نمی‌کنند و جبهه‌ها را زاکد گذاشته‌اند. تیمسار اولی‌الله‌افلاحی گزارشی از وضع نیروهای سپاه و جبهه‌ها و تدبیری برای حرکت در جنگ داد و بحثهای زیادی شد. قرار شد با شرکت فرمانده نیروی زمینی، تیمسار ظهیرنژاد، روز شنبه طرحهای زمانبندی شده، برای اخراج دشمن و تحرک جبهه در محضر امام تصویب شود و فرماندهانی که آمادگی عملی ندارند، کنار بروند. سپس با حضور آقای رجائی و مهندس موسوی وزیر خارجه، دربارهٔ موضعگیری عربستان سعودی در مورد ایجاد دولت کوچک فلسطینی، مشورت شد. با توجه به اینکه ممکن است بنانه‌ای به دست آنها بدهد، که محدودیتی در حجاج ما به وجود آورند. تصمیماتی اتخاذ شد. امام به مسئولان، نصیحتی در مورد اظهاراتشان نمودند که مراعات دیپلماسی را بنمایند. ناهار را به منزل آمدم و ساعت سه و نیم بعد از ظهر کیسیون آئین‌نامه داشتیم. ساعت پنج آقای دکتر احسین افخر آمد و دربارهٔ مبارزه با مواد مخدر، پیشنهاداتی داشت. عصر آقای امحسن رضائی و آقای ارضا سیف‌اللهی از اطلاعات سپاه آمدند و راجع به حادثهٔ حمله به مقر سپاه و پیشرفت مبارزه با تروریسم، توضیحاتی دادند. شب در دفترم خوابیدم.

جمعه ۲۳ مرداد

۱۲ سوال - ۱۴ اگوست

اول صبح، همه کارهای عقب مانده را انجام دادم و برای خطبه‌های نماز جمعه مطالعه کردم. ساعت ده و نیم به دانشگاه رفتم. دو خطبه جمعه را دربارهٔ هماهنگی و رابطهٔ گناه و کفر بحث کردم. ظهر به خانه آمدم. فاطمی و سعید هم آمدند. عصر قرار بود به شورای عالی دفاع بروم، ولی نرفتم. چون دیگر مسئولیت مستقیم ندارم، گاهی به جای آقای خامنه‌ای شرکت می‌کنم و این روزها آقای خامنه‌ای هم می‌توانند شرکت کنند.

آخر شب، آقای نظران اطلاع داد که در شورا، موضوع ربودن ناوچه توپدار فرانسوی ایران و هواپیمای فرندشیپ نیروی دریایی مطرح بوده. رژیم شاه سه ناوچه توپدار از فرانسه خریده بود که فرانسه، پس از مدتی تأخیر، به تازگی تحویل داده. در آبهای ساحلی اسپانیا در راه آمدن به ایران یکی از ناوچه‌ها ربوده شده و ظاهراً به مراکش رفته. بعضی از کارکنان ناوچه با ربابندگان، همدستی و همکاری داشته‌اند. اسپانیا اقدام کرده که ناوچه را پس بگیرد؛ چون اسپانیا مسئول حفاظت در آبهای خودش می‌باشد.

هواپیمای فرندشیپ، در راه حرکت از بندرعباس به چاه‌بهار به طرف مسقط رفته و در فرودگاه مسقط فرود آمده. سیزده سرنشین داشته. گویا خلبان و کمک خلبان، قصد فرار از ایران داشته‌اند و این گونه فرار کرده‌اند.

عصر، آقای دکتر عالی آمد و نامه‌ای و پیامی از آقای علی بابائی آورد. در رابطه با همکاری با مجاهدین تحت تعقیب است. پیغام داده بود که مایل است با من ملاقات کند و حرفهایی برای گفتن دارد و پیشنهادی برای رفع مشکل. قرار شد وقتی برای ملاقات تعیین کنم.

شنبه ۲۴ مرداد

۱۴ سوال - ۱۵ اگوست

امروز جلسه علنی نداشتیم. به مجلس نرفتم. عفت و یاسر و مهدی از رفسنجان می‌آمدند. اتومبیل را برای آوردن آنها به ترمینال فرستادم.

صبح، آقای فتوحی همسایه آمد و از فشار دادستانی برای تحویل گرفتن خانه آقای [شهرام] سیاح که توقیف شده و در اختیار ایشان است، گله داشت. از نتیجه تصمیمات ما در مورد طرحی که قبلاً در مورد ایجاد پالایشگاههای کوچک و فوری داده بود، سؤال داشت. گفتم وزیر جدید باید تصمیم بگیرد. با تعطیل شدن پالایشگاه آبادان، مشکل سوخت داریم و فکر تأسیس پالایشگاههای کوچک و سریع مطرح است.

صبح با شورای عالی دفاع و فرماندهان نظامی، خدمت امام قرار داشتیم که درباره آینده جنگ و تحرک جبهه‌ها، تصمیم بگیریم.

امام، ابتدا از فرار فرندشیپ و ناوچه پرسیدند. معلوم شد هواپیما برگشته و دو نفر خلبان مانده‌اند. امام دستور دادند که مراقبت بیشتر شود و افراد ناپاک تصفیه شوند که این گونه

اعضای شورای عالی سپاه در محضر امام



- | | |
|----------------------------|----------------------|
| ۱۰ - عبدالله محمودزاده | ۱ - مسعود جزایری |
| ۱۱ - سید قاسم الله محمداوی | ۲ - کتغانی مقدم |
| ۱۲ - محمد ابراهیم سنجفی | ۳ - ابراهیم محمدزاده |
| ۱۳ - محسن رضایی | ۴ - اصغر سلیمانی |
| ۱۴ - علی اصغر شیخی | ۵ - محسن رفیق دوست |
| ۱۵ - رضا سیف الهی | ۶ - دکتر احمد فرمد |
| ۱۶ - حمید حاج عبدالوهاب | ۷ - رحیم صفوی |
| ۱۷ - سید احمد خمینی | ۸ - مهدی هاشمی |
| | ۹ - علی شمخانی |



حوادث - که حیثیت ما را مخدوش می کند - پیش نیاید.

در مورد جنگ، فرمودند جبهه ها را متحرک کنند. تیمسار ظهیرنژاد فرمانده نیروی زمینی احتیاط بیش از حد نشان می داد و بیشتر تمایل به عدم حرکتیهای سریع داشت. اصولاً فرماندهان کلاسیک نظامی، با شیوه های مطمئن تر و حساب شده تر، تمایل دارند و سپاهیان با شیوه های انقلابی و سریع و ضربتی؛ ولی اکثریت خواهان حرکت سریع بودیم و ادامه وضع موجود را به صلاح نمی دانستیم. جنگ فرسایشی شده و دشمن انقلاب، همین را می خواهد؛ هم برای ما و هم برای عراق. در خاتمه تصمیم گرفته شد که به همین زودی در دو جبهه کاری شود. زمان هم تعیین شد، باید تعقیب کنیم.

ظهر به خانه آمدم. عفت و مهدی و یاسر هم آمده بودند. عصر هم از خانه بیرون ترفتم، عفت و جمعی از خانمهای دیگر شخصیت های کشور، در جشن عروسی همسایه دعوت دارند. چون جشن در هتل کنتینانتال برگزار می شود، عده ای شرکت نمی کنند و دیگران هم اجباراً منصرف شده و امروز عصر مرتباً بین عفت، خانم مطهری، خانم باهنر، خانم معادیخواه و... تلفن رد و بدل می شود و دو دل شده اند و بالاخره تصمیم گرفتند، نروند. خانواده های امام و رجائی هم نمی روند. امروز فرصت پیدا کردم، مقداری تفسیر قرآن مطالعه کنم؛ و چه شیرین است.

یکشنبه ۲۵ مرداد

۱۵ سوال - ۱۶ اگوست

جلسه علنی داشتیم و بحث درباره کابینه آقای باهنر بود. کابینه نسبتاً جامعی است. مخالفان، بیشتر از خودمانها بودند و بیشتر مخالفتها روی وزیر کشور، آقای مهدوی اکنی و وزیر بهداشت، آقای دکتر منافی دور می زد. مخالفتها به خاطر کمبود امنیت و کمبود امکانات

۱ - کابینه پیشنهادی دکتر باهنر عبارت بودند از: عبدالمجید معادیخواه وزیر ارشاد، حبیب الله عسکراولادی وزیر بازرگانی، محمد عرصی وزیر نفت، محمد علی نجفی وزیر فرهنگ و آموزش عالی، سید حسین نایب گردون وزیر راه و ترابری، سرهنگ سید موسی نامجو وزیر دفاع، دکتر محمود روحانی رئیس بهزیستی، علی اکبر پرورش وزیر آموزش و پرورش، معطفی هاشمی وزیر منابع و معادن، محمد تقی اکنی وزیر برنامه و بودجه، حسن عموری فرد وزیر نیرو، مرتضی سوی وزیر پست و تلگراف و تلفن، -لامنی وزیر کشاورزی، محمد میرومحمد صادقی وزیر کار، محمد رحمان مهدوی کسری وزیر کشور، بهزاد نبوی وزیر مشاور در امور حیوانی، حسین نجازی وزیر اقتصاد، سید محمد اسمعیلی وزیر دادگستری، میرحسین موسوی وزیر خارجه، حسین موسویانی وزیر مشاور و سرپرست جناب فولاد، شهاب گنابادی وزیر مسکن و ماهی و وزیر بهداشت.



جمهوری اسلامی ایران
دفتر ریاست جمهوری

شماره ۱
تاریخ ۱۳۸۵ م: ۷
پست

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی.

بر اساس اصل ۱۲۲ قانون اساسی برادر مجاهد و دانشمند مهندس محمدجواد باهنر را بعنوان نخست وزیر معرفی مینمایم.
امید است با شناختی که اکثریت از ایشان داریم و با توجه به کارآئی‌هایی که در انجام وظائف محوله در سمت‌های از قبیل وزارت آموزش و پرورش از خود نشان داد مانند مورد تأیید اکثریت قاطع نمایندگان محترم قرار گیرند.

رئیس جمهور

محمد علی رجایی
۱۳۸۵ ر: ۶



کابینه آقای محمد جواد باهنر در محضر امام



پزشکی است. دفاع هم خیلی قوی نبود، گرچه مخالفتها هم سطحی و شعارگونه بود. آقای مهدوی اکنی رنجیدند، مخصوصاً از دفاع ضعیف آقای باهنر و حق هم با ایشان است. ایشان مایل نبود در کابینه باشد، به خاطر مشکل انتخاب وزیر کشور، ایشان را با اصرار نگاه داشتند. کاندیداهای دیگر، آقایان بهزادنبوی و اعلی اکبرناطق نوری و ارضا ازوارهای بودند که هر یک به دلایلی مخالفانی داشتند.

بعد از ظهر در جلسه شورای مرکزی حزب جمهوری در نخست وزیری، شرکت کردیم، آقای خامنه‌ای هم برای اولین بار بعد از سوء قصد شرکت کردند. احمدآقا هم اواخر جلسه رسیدند. درباره دیرکل و مسائل جاری کشور و رابطه با لیبی و اعزام هیأتی به لیبی و ناوچه رپوده شده، بحث کردیم.

احمدآقا، مطلبی درباره یکی از اطرافیان بنی صدر که حاضر به همکاری شده، داشت که با آقای امحسن رضائی در میان گذاشت. آقای رضائی و آقای امحسن ارفیق دوست هم برای تحویل گرفتن امکانات اداره سوم از مرکز اسناد اسلامی آمده بودند که با آقای باهنر مذاکره شد، قرار شد تحویل گردد. شب را در مجلس، در دفتر کارم ماندم و مقداری از کارهای عقب مانده را انجام دادم.

امروز، عده زیادی از خرابکاران بازداشت و جمعی مجازات شده‌اند و چندین عمل خرابکاری هم انجام شده است. روحانی سنی سنندجی هم با پسرش شهید شده‌اند.^۱

دوشنبه ۲۶ مرداد

۱۶ شوال - ۱۷ اگوست

شب در مجلس خوابیده بودم. صبح زود ساعت پنج و نیم، کمیسیون آئین نامه داشتیم. ساعت هشت صبح، جلسه علنی شروع شد. امروز بحثهای موافقان خیلی خوب بود. صحبت آقای خامنه‌ای که بعد از سوء قصد، برای اولین بار در مجلس صحبت می‌کردند، اثر زیادی در اقناع نمایندگان داشت. آقای باهنر، خوب دفاع کردند و کابینه رأی خیلی خوبی آورد. فقط یک تشریح شد: آقای مهندس تاج‌گردون نامزد وزارت راه، به خاطر شایعه‌ای نادرست؛ آراء زیادی درباره ایشان ممتنع بود. تا ساعت چهار بعد از ظهر جلسه ادامه داشت.

۱ - نفع الاسلام مصلح سروری امام جماعت مسجد آفازمان سنندج و پسرش در روز شنبه ۲۴ مرداد ۱۳۶۰ توسط جوانی مسلح به اسلحه یوزی ترور شدند و به شهادت رسیدند.

عصر مصاحبه‌ای با پیام انقلاب درباره آقای بهشتی داشتم و مصاحبه‌ای با رادیو درباره زندگی خودم^۱.

آقای محمدزاده هم آمد و از سختگیرانه‌های فرهنگ و هنر و کارشکنیهای تلویزیون در کارش - که تولید و وارد کردن فیلمهای دینی است - شکایت داشت.

عصر، آقای باهنر تلفن کردند و درباره اخباری از منابع مختلف، در خصوص تکون یک توطئه از طرف سلطنت طلبها و تحریکهای مخالفان در شمال غرب صحبت کردند. شب به خانه آمدم و احمد آقا هم در همین موضوع و موضوعات دیگر صحبت داشتند. قرار شد، فردا عصر در این باره و درباره مدیریت ارتش جلسه‌ای داشته باشیم.

سه شنبه ۲۷ مرداد

۱۷ شوال - ۱۸ آگوست

جلسه علنی داشتیم. بحث درباره لایحه بازسازی بود^۲. چون یک فوریتی است و هر نماینده، می‌تواند هرگونه پیشنهادی بدهد، (آئین نامه ناقص است) پیشرفت نداشتیم، فقط یک ماده تصویب شد. بعد از تنفس، اداره جلسه را به عهده آقای خوئینی‌ها گذاشتم و خودم به نخست‌وزیری برای شرکت در یک جلسه مشورت مهم امنیتی - سیاسی رفتم.

این روزها از منابع مختلف، گزارشهایی می‌رسد که دشمنان، بنا دارند حرکت توطئه آمیزی در سطح کودتا یا آشوب در بخشی از کشور بکنند. سلطنت طلبان، محور توطئه‌اند و حوادثی مثل ربودن ناوچه و هواپیماها، مربوط به همین توطئه است.

با حضور آقایان رجائی، باهنر، اموسوی اردبیلی، ابنزادانبوی، اخسروا تهرانی و امحسن ارضائی جوانب موضوع را بررسی نمودیم. احتمال موفقیت برای دشمن ضعیف است و احتیاطاً تصمیماتی اتخاذ شد؛ منجمله آماده باش ارتش و سپاه، بازداشت جمعی از متهمان بزرگ سلطنت طلب، حفاظت بیشتر از امام، خودمان، مجلس، صداوسیما و توجه بیشتر به

۱ - کتاب هاشمی رفسنجانی - مصاحبه‌های ۱۳۶۰.

۲ - قانون ازسازی نیروی انسانی وزارتخانه‌ها و مؤسسات وابسته به دولت در ۵ مهر ۱۳۶۰ به تصویب رسید. کاربرد این مصوبه در مواردی است که تخلی از کس سرزده یا حق از کس ضایع شده و یا ناروایی ایجاد گرفته باشد. براساس این مصوبه، هیأت عالی نظارت بر - برابری نیروی انسانی، هیأت بدوی و هیأت تجدید نظر در هر وزارتخانه و مؤسسه دولتی تشکیل شده و جرائم سیاسی، نظامی، مالی و اداری، تخلفهای انضباطی با اعمال خلاف اخلاق عمومی را مورد بررسی و تحقیق قرار داده و کارکنان مجرم را به مجازاتهایی که تعیین شده، محکوم خواهد نمود.

ارومیه و هماهنگی تبلیغات در جهت هوشیار نگه داشتن مردم. عصر، طبق قرار با احمد آقا به محل استراحت آقای خامنه‌ای در شمال تهران رفتم. درباره نماینده دوم امام در شورای عالی دفاع به جای آقای نامجو که وزیر شده و شورای جانشین فرمانده کل قوا، مشورت کردیم. بیشتر از من می‌خواستند که بپذیرم، ولی با کارهای زیادی که دارم ترجیح می‌دهم، من نباشم. اگر کسی مناسب پیدا نشود، ناچار باید قبول کنم. شب را برای مراعات امنیت، به منزل احمد آقا رفتم. چون منطقه جماران، بهتر از هر جای دیگر محافظت می‌شود. اتفاقاً ساعت سه بعد از نصف شب، صد هواپیماهای منطقه شروع به آتش باری کرد و احمد آقا به تصور اینکه شایعه کودتا، تحقق پیدا کرده و یا به خاطر من به منطقه حمله شده، من را بیدار کرد. اما خیلی زود آتش خاموش شد. معلوم شد شیئی نورانی در فضا دیده‌اند و احتیاط کرده‌اند و امام هم در همان لحظه، برای نماز شب بیدار بوده‌اند. دوباره خوابیدیم.

چهارشنبه ۲۸ مرداد

۱۸ شوال - ۱۹ اگوست

برای اینکه تذاکرات و مشورتهایی با امام داشتم، صبح زود به مجلس رفتم و از آقای موسوی خویننی‌ها خواستم، مجلس را اداره کنند. ساعت هشت و نیم صبح، خدمت امام رسیدم. از ایشان تقاضا کردم که در این ایام به خاطر تواتر گزارشهای انجام توطئه، از پناهگاه موجود در محل اقامت استفاده کنند، ولی ایشان معلوم نیست این پیشنهاد را بپذیرند. به ایشان، پیشنهاد عضویت احمد آقا را در شورای عالی دفاع کردم، نپذیرفتند. ایشان با تصدی هرگونه پستی از طرف احمد آقا مخالفت و انعطاف نپذیر. قبلاً پیشنهاد عضویت در شورای انقلاب داده بودیم که قبول نکرده بودند. قرار بود، امام اعلام اعمال ولایت فقیه در مورد تصمیمات ضروری دولت و مجلس، در خصوص اصلاحات نمایند که هنوز در تردیدند و خوف دارند که مجریان، مثل گذشته افراط کنند و حقوق مردم را ضایع نمایند. قرار شد موارد لازم را به ایشان بگوئیم، اگر ضروری دانستند، در همان موارد اعمال نظر کنند.

ساعت ده صبح به مجلس رسیدم و بعد از تنفس، جلسه را اداره کردم. شش ماده از لایحه بازسازی و چند اعتبارنامه تصویب شد. بعد از ظهر جلسه مشترک هیأت رئیسه و رؤسای شعب

داشتیم که به خاطر نیامدن رؤسای شعب، تشکیل نشد. در جلسه هیأت رئیسه درباره اختیارات و وظائف هیأت رئیسه در خصوص اداره مجلس، بحث کردیم و تصمیماتی اتخاذ شد. در مورد برنامه هفته بعد و همچنین شرکت در بین‌المجالس هاوانا تصمیم گرفتیم.

شب، کارهای عقب مانده را انجام دادم و گزارشها را خواندم و متن فارسی خطبه عربی نماز جمعه را نوشتم که ترجمه کنند. ساعت ۹ شب به خانه آمدم. عفت از کم به خانه آمدن من ناراحت است، ولی برای مراعات امنیت فعلاً چاره‌ای جز این نداریم. امروز و دیروز و تقریباً هر روز تعدادی از تروریستهای مجاهدین خلق و پیکاری و... بازداشت یا مجازات شده و چندین عمل تروریستی، واقع می‌شود.

پنجشنبه ۲۹ مرداد

۱۹ سوال - ۲۰ اگوست

برخورد دکتر اموسی از رگر در مجلس در رابطه با انتخاب دکتر منافی، به عنوان وزیر بهداشتی و بازداشت همسر دکتر فاضل - به اتهام همکاری با مجاهدین، بعضی را عصبانی و بعضی را خوشنود کرد. دستور جلسه بحث در لایحه بازسازی بود و چند اعتبارنامه تصویب شد. بعد از ظهر کمیسیون آئین نامه داشتیم که رسمیت نیافت و مصاحبه‌ای با مجله ایتالیائی داشتم. ملاقاتی با نماینده صلیب سرخ در ایران داشتم که از اجازه نیافتن برای ملاقات زندانیان در دو ماهه اخیر شکایت داشت. دیداری داشتم با سفیر فلسطینی که از ما استمداد می‌کرد و مشکلات خودشان را شرح می‌داد.

شب، جلسه‌ای مشورتی در دفتر من با حضور آقایان رجائی، باهنر، اموسوی اردبیلی و ابنزاد انبوی تشکیل شد و تا ساعت یازده ونیم شب ادامه داشت. درباره تصفیه نفت که مشکل کمبود سوخت داریم، رفتار با نیروهای میانه غیر مخالف، شیر مکتبی و کمک به فلسطینیها و سازمان امل لبنان و... بحث کردیم و تصمیماتی گرفتیم.

امروز، یکی از مراکز مهم تروریستهای مجاهدین خلق کشف و محاصره شد و پنج ساعت درگیری ادامه داشت و بالاخره با دادن شش شینید و چند مجروح، شانزده نفر دستگیر و دو نفر از آنها کشته شدند. گویا از افراد سطح بالا و فعال مجاهدین هستند. چند مورد سوء قصد هم

بين المجالس هاوانا (كوبا)



رديف دوم : علي اکبر ناطق بوزي سيد محمود دعائي . عطا الله مهاجراني . مولوي اسحاق مدني سيد محمد خانمي
رديف اول : داکتر موسی زرگر محمد امامی کاشانی سرگون بیت اوشاناک داکتر علي اکبر ولايتي

داشته‌ایم.

قایقی از ژاندارمری هم با یک مکانیسین، امروز منقود شده، گویا فرار کرده. آقای موسوی اردبیلی به خاطر مراعات امنیت، در مجلس ماندند و من هم در دفترم خوابیدم. آقای مهندس غرضی از ژنو تلفنی صحبت کرد. وضع کنفرانس اوپک را گزارش کرد و دربارهٔ قیمت نفت و نظر عربستان سعودی، با اصرار به پایین نگه داشتن قیمت و بالا نگه داشتن سطح تولید گفت. ما نظر دادیم که در صورت توافق همه اعضا روی ۳۵ دلار برای هر بشکه، موافقت کند و اگر اجماع نبود، روی همان ۳۶ دلار بماند.

جمعه ۳۰ مرداد

۲۰ سوال - ۲۱ اگوست

صبح زود به کار پرداختم. گزارش زیادی برای خواندن داشتم، مسأله ربوده شدن ناوچه توپدار فرانسوی، تقریباً حل شده و ربایندگان تسلیم شده‌اند و فرانسه اعلام کرده که ناوچه را تحویل ایران می‌دهد، ایران به این مقدار قانع نیست، دزدان را می‌خواهد تحویل بگیرد، ولی فرانسه حاضر نیست تحویل بدهد.

ساعت ده و نیم برای نماز جمعه به دانشگاه رفتم، در یک خطبه، حرکت تکاملی انقلاب را تشریح کردم، شاه زدائی، آمریکازدائی و منافق زدائی، یا استبداد زدائی، استعمارزدائی و فسادزدائی و در خطبهٔ دوم از موضع بد سعودیها در اوپک و موضوع ناوچه ربوده شده صحبت کردم.^۱ آقای ناخدا افضلی فرمانده نیروی دریائی گزارشی از کیفیت ربوده شدن ناوچه داد. ناهار به خانه آمدم.

عصر ساعت پنج، در جلسهٔ شورای عالی دفاع در ستاد مشترک شرکت کردم. تیمسار فلاحتی گزارش وضع جبهه‌ها را داد. گزارش تحقیقات از متهمان و بازداشتیهای جریان فرار بنی صدر و رجوی را شنیدیم. لیست نیازمندیهای لجستیکی ارتش مطرح شد که هزاران خودرو از انواع بولدوزر تا جیپ بود. گفتیم که وزارت دفاع تهیه کند، اما عملیات نظامی مقرر را نباید موکول به رسیدن اینها کنند. از سد ابتکاری مهندس سرداری در شمال آبادان راضی بودند. ممکن است به زودی اثر قاطعی در جبهه داشته باشد. خرید تانک از کره شمالی، مطرح و

۱. کتاب هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های جمعه، جلد اول.

تصویب شد. شب به خانه آمدم.

شنبه ۳۱ مرداد

۲۱ شوال - ۲۲ اگوست

امروز قرار بود، تمام وقت، صبح و عصر، جلسه کمیسیون آئین نامه داشته باشیم. ولی فقط تا ظهر کمیسیون ادامه یافت. هنگام ناهار آقای زواره‌ای آمد و از اینکه آقای مهدوی کنی ایشان را از سمت معاونت وزارت کشور، کنار گذاشته، ناراحت بود. با آقای باهنر صحبت کردم. ایشان گفت، آقای مهدوی می‌گوید با آقای زواره‌ای توافق و تفاهم ندارند و قرار شد من با آقای مهدوی صحبت کنم.

عصر آقای سیدمحمد شیرازی آمد و گله داشت که از طرف مسئولان به بیت آیت‌الله شیرازی توجهی نمی‌شود. من از موضع گیریهای بیت در مقابل دولت، اظهار نارضایتی کردم. عذرهایی داشت که خیلی مهم نبود.

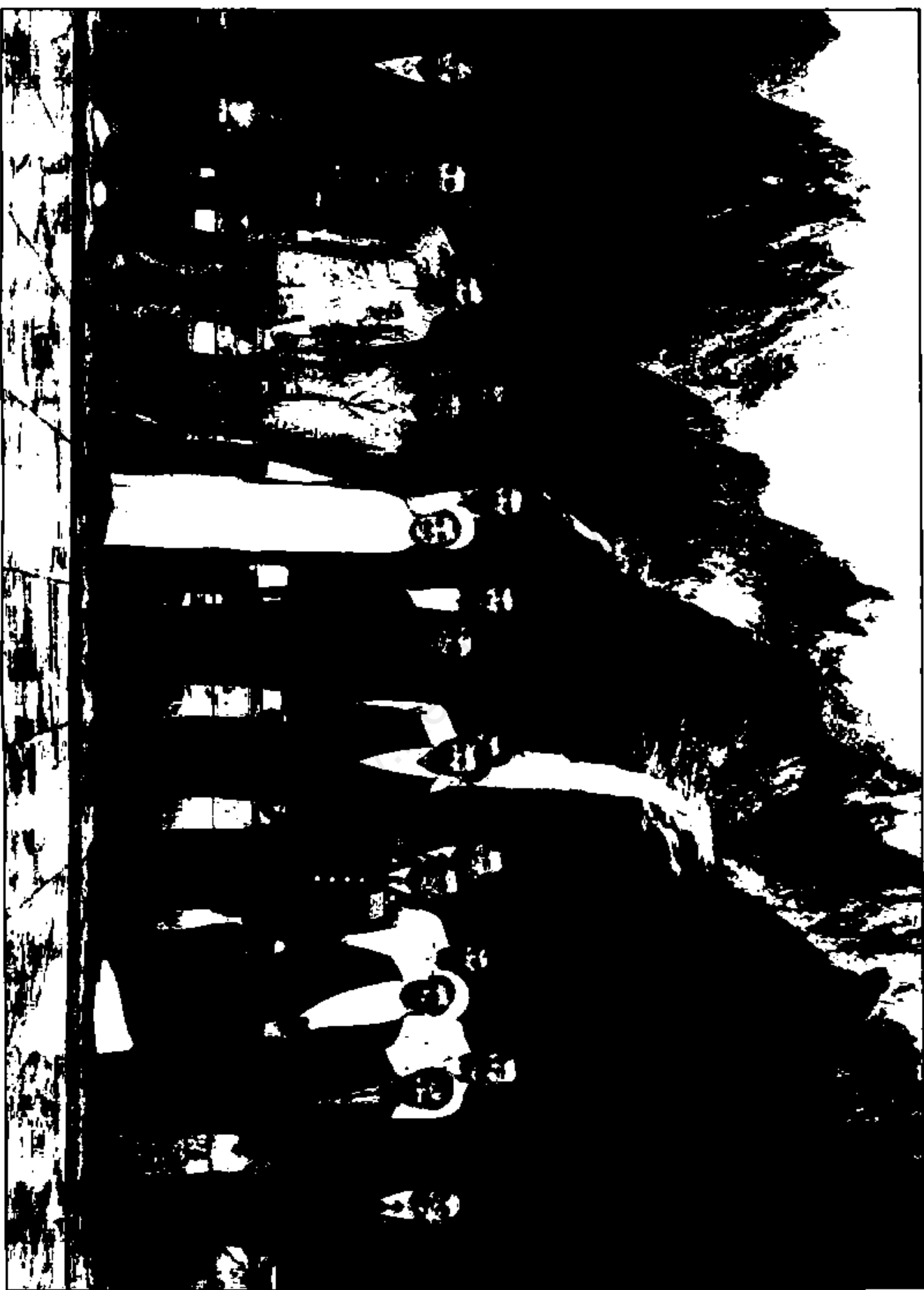
اول شب به خانه آمدم. شب آقای رجائی تلفن کردند و از اینکه مجلس بناست دو هفته تعطیل تابستانی داشته باشد، ناراضی بودند و می‌گفتند با کار زیادی که داریم، تعطیل مجلس درست نیست. قرار شد با دوستان مجلس صحبت کنم. امروز هم تعدادی دستگیری ضدانقلاب داشتیم و چند سوء قصد و ترور.

آقای مهندس امهدی بازارگان در مورد کمک کردن به فتح ... بنی صدر - که بازداشت است - صحبت کرد. امروز خبرگزاریها گزارش دادند که همسر بنی صدر با پسر هشت ساله‌اش وارد پاریس شده؛ هنوز معلوم نیست چگونه از ایران خارج شده است.

آخر شب، خانواده محمد صادق برادر شهید محمد صالح تلفن کردند که او را در فرودگاه هنگام حرکت به بیروت بازداشت کرده‌اند، از من کمک خواستند. تماس گرفتم گفتند به خاطر اینکه چندی پیش در یمن جنوبی، خودشان را نماینده امام معرفی کرده‌اند، وزارت خارجه می‌خواهد او را تنبیه کند. پیشنهاد کردم که او را با تعهد آزاد کنند، خودشان این ادعا را قبول ندارند.

شهریور ۱۳۶۰

www.KetabFarsi.com



محسن رفیق دوست - اسد اللہ بیات - موسیٰ سامجو - کیم ایل سوہنگ - آیت اللہ ہاشمی رفسنجانی - احمد توکلی - علی رضا یار محمدی

یکشنبه ۱ شهریور

۲۲ سوال - ۲۳ آگوست

در مجلس، اعتبارنامه نمایندگان تبریز مطرح بود که از آقای امیر محسن اموسوی تصویب شد و از آقای ارجمان [دادمان] رد گردید.

آقای محمد یزدی، به عنوان نایب رئیس مجلس به جای آقای عسکراولادی انتخاب شدند. آقای عسکراولادی وزیر بازرگانی شده است و آقای رحمانی به جای آقای [عبدالمجید] معادینخواه، در کمیسیون آئین نامه، اعتبارنامه آقای فهیمی نماینده کهنوج مطرح شد، معلوم شد در زندان است، از دستور خارج گردید و اعتبارنامه آقای (مرتضی افهیم کرمانی که آقای حاجی کرمانی اعتراض داشت. دلیل اعتراضش عملکرد آقای فهیم در دادگاه انقلاب اسلامی کرمان است.

ظهر، با گروهی از نمایندگان انجمنهای اسلامی و دانش آموزان در مجلس ملاقات داشتم و با آنها صحبت کردم^۱. بعد از ظهر، در جلسه شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی شرکت کردم؛ درباره معاونان وزارت کشور و سفر هیأت حزبی به لیبی و... بحث بود.

اول شب، با آقای باهنر نخست وزیر، جلسه مشورتی داشتیم و درباره سخنگوی دولت مشورت کردیم. قرار شد همان آقای بهزاد نبوی باشد، با حدود و قیودی؛ و درباره استاندارها و معاونان وزرا و وزیر راه نیز مذاکره و تصمیم داشتیم. سپس جلسه مشترکی با آقایان رجائی، باهنر و مهدوی کنی، در همین خصوص داشتیم. آقایان محسن رضائی و رضاسیف اللهی آمدند و عجله داشتند، برای تحویل گرفتن مرکز اسناد اسلامی و بیرون کردن مدیر فعلی. آقای باهنر جواب مساعدی نداد و ناراحت شدند. شام را در منزل آقای باهنر، در ساختمان نخست وزیری خوردیم و از چند اتاق که برای سکونت من، در نظر گرفته بودند، دیدن کردم، خوب است. به خاطر ملاحظات امنیتی و کم کردن رفت و آمد، در خیابانها این را اختصاص داده اند. شب را در مجلس خوابیدم.

دوشنبه ۲ شهریور

۲۳ سوال - ۲۴ آگوست

ساعت شش صبح، جلسه کمیسیون آئین نامه داشتیم و ساعت هشت صبح، جلسه علنی

شروع شد. آقای امرتضی افهیم کرمانی از خود دفاع کرد و به آقای (محمد جواد) حجتی کرمانی حمله کرد و گفت آقای حجتی با خط امام مخالف است. آقای حجتی سخت ناراحت شدند. رأی علنی گرفته شد و اکثریت نزدیک به تمام، رأی موافق دادند. آقای حجتی هم رأی مخالف نداد. ادامه جلسه، درباره لایحه بازسازی بود.

ظهر با نمایندگان دفاتر حزب جمهوری اسلامی که از شهرستانها آمده بودند و خواهران و برادران و اعضای جهاد سازندگی سیستان (و بلوچستان)، ملاقات کردم و برایشان صحبت نمودم.^۱

سپس با دانشجویان اعضای نهضت‌های آزادیبخش اسلامی - که از سراسر جهان با دعوت سپاه آمده بودند - ملاقات کردم. برایشان سخنرانی کردم و جواب سئوالاتشان را دادم.^۲ به نظر می‌رسید، عناصر خوبی هستند. عصر مصاحبه‌ای با رادیو و خبرگزاری پارس و... درباره مالکیت در اسلام داشتم.^۳

دو نفر از تشکیه شدگان سپاه آمدند و از برخورد خط امامیها، با دوستان ابوشریف - به اصطلاح خط بنی صدر - گله داشتند. با آقای مهدوی کنی، درباره انتخابات میان دوره‌ای صحبت کردم، که تسریع کنند.

امروز به خانه دادستان کل کشور، آقای ربانی املشی از طرف تروریستها حمله شده بود که سه نفر از تروریستها بازداشت شده و عده‌ای فرار کرده‌اند. حمله وسیع بوده، با سه اتومبیل و یک موتورسیکلت، با نارنجک و مسلسل و... ولی به کسی آسیبی نرسیده.

جمعی از تروریستها، امروز بازداشت شدند و چند عملیات ترور بوده. شب به خانه آمدم. پاسداری از جبهه غرب آمد و از کمبودها و نواقص جبهه و کم کاری گله داشت. دیروز عصر هم دو نفر از طلاب از جبهه آمدند و همین گله‌ها را داشتند، جبهه‌ها را کد است و بی تحرک.

سه شنبه ۳ شهریور

۲۴ سوال - ۲۵ اگوست

بحث جلسه علنی مجلس، لایحه بازسازی بود. فقط دو ماده تصویب شد. بعد از جلسه، جمعی از افراد بخش فرهنگی جهاد آمدند و برای آنها صحبت کردم.^۴ هنگام ناهار آقای احمد

۱ و ۲ - کتاب هاشمی رفسنجانی، سخنرانیهای ۱۳۶۰.

۳ - کتاب هاشمی رفسنجانی - مصاحبه‌های ۱۳۶۰.

۴ - کتاب هاشمی رفسنجانی - سخنرانیهای ۱۳۶۰.

ناطق نوری آمد. من به اظهاراتشان در مورد همکاری با مخالفان وزیر بهداشتی اعتراض داشتم، از خود دفاع کرد. قرار شد به وسیله اتحاد میان انجمنهای اسلامی بهداشتی و وزیر که با هم اختلاف دارند، درست شود. فائزه راجع به برادر آقای لاهوتی رئیس اوقاف رشت گفت که می خواهند او را بردارند. رئیس کل اوقاف می گوید، ایشان همکاری نمی کند. ساعت سه و نیم بعد از ظهر، جلسه مشترک هیأت رئیسه و رؤسای شعب، برای تعیین جای نمایندگان جدید در کمیسیونها داشتیم. در جلسه هیأت رئیسه، تصویب شد که دو دستگاه کنترل الکترونیکی برای حفاظت مجلس بخریم، سالن بزرگ مجلس شورای قدیم را تکمیل کنیم، که بعداً به آن مجلس منتقل شویم؛ پنج میلیون تومان پول جنگ زدگان را از حساب مجلس به حساب بنیاد جنگ زدگان منتقل کنیم و قرارهای دیگر.

شب، آقایان محسن رضائی و افضل الله محلاتی آمدند و راجع به فرمانده سپاه و اساسنامه اطلاعات سپاه و اطلاعات مرکزی، بحث و مشورت داشتند. ساعت نه به خانه آمدم. عفت و فاطمی رفته بودند به منزل شهید مهدی عراقی، برای مراسم دومین سالگرد شهادت و دیر وقت آمدند.

چهارشنبه ۴ شهریور

۲۵ سوال - ۲۶ اگوست

امروز، تعطیل رسمی بود. تمام وقت در خانه ماندم. بعد از نماز صبح خوابیدم. پس از صرف صبحانه تا ظهر، تفسیر قرآن و نهج البلاغه و وسائل راجع به "جهاد" مطالعه کردم. گزارشی از طرف نیروی زمینی آوردند که امضاء کنم. این گزارش می خواهد مسئولیت حمله ای که بناست به زودی شروع بشود، از نیرو سلب کند، به طور ناقص و یک طرفه مذاکراتی که منجر به تصمیم شده، آورده است؛ با توضیح امضاء کردم. ظهر بچه ها جمع بودند، عصر عفت و فاطمی به منزل بستگان رفتند و من به مطالعه خود ادامه دادم. یکی از کارکنان قدیم ایرانی سفارت انگلستان آمد و می خواست ثابت کند که انگلیسها در پشت کارهای تروریستی اند، ولی غیر از حدس و گمان مطلبی نداشت.

حاج احمد آقا خمینی، تلفن کرد و درباره فرمانده سپاه پاسداران مشورت کرد. قرار شد آقای عباس دوزدوزانی، وزیر سابق ارشاد اسلامی نصب شود. اخوی محمد مدیر عامل صداوسیما تلفن کرد، در خصوص بهتر ضبط و پخش کردن خطبه های نماز جمعه تذکر دادم.

قرار بود در جلسه شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی شرکت کنم، ولی نکردم. به خاطر ملاحظات امنیتی، کمتر در خیابانها حرکت می‌کنیم. اول شب، مصاحبه یکی از افراد مؤثر مجاهدین خلق را که توبه کرده است، دیدم. جالب و مؤثر بود. بعد از اخبار، فیلم دو سه ساعته ده فرمان را از ویدئوی پاسداران تماشا کردیم. خیلی با قرآن تفاوت دارد. لابد از روی تورات تهیه شده، زیاد جالب نیست.

پنجشنبه ۵ شهریور

۲۶ سوال - ۲۷ اگوست

جلسه علنی داشتیم و بحث در لایحه بازسازی بود. پیشرفت کم است، فقط دو ماده تصویب شد. بعد از ظهر، جلسه کمیسیون آئین نامه داشتیم. گروهی از مسئولان حزب آمدند و از کمبودها و نواقص حزب مطالبی گفتند و پیشنهادهایی داشتند. بعد از شهادت دکتر بهشتی و جمعی از مسئولان حزب، مدیریت حزب، ضعیف شده و به خاطر ملاحظات امنیتی، ماها نمی‌توانیم درست به حزب برسیم. سپس دکتر کوهیار، برادر سرلشکر باقری فرمانده سابق نیروی هوایی آمد و از من برای باقری که به اتهام خیانت در جریان تجاوز آمریکا به طبرستان، در زندان است، کمک می‌خواست. او متهم است که ضد هوایی‌های اطراف تهران را برای ورود هواپیماهای آمریکایی، جمع کرده است و جواب درستی برای عمل خودش ندارد. شب را در دفتر کارم ماندم و کارهای عقب افتاده را انجام دادم. امروز چند ترور و چند دستگیری داشتیم.

جمعه ۶ شهریور

۲۷ سوال - ۲۸ اگوست

در مجلس، جلسه اجامه اروحانیت مبارز برای انتخاب شورای موقت تشکیل شد، و تا ساعت ده صبح ادامه داشت و ۲۱ نفر انتخاب شدیم. سپس به دانشگاه تهران برای اقامه نماز جمعه رفتم. دو خطبه درباره جهاد و مسائل روز خواندم^۱. ناهار به خانه آمدم. سرماخوردگی داشتم و کمی هم تب.

عصر، در جلسه شورای عالی دفاع در ستاد مشترک شرکت کردم، خیلی وضع جبهه‌ها بد

نیست، قرار است به زودی تحرکی در جبهه‌ها به وجود آید، ان‌شاءالله پیروزی داشته باشیم. امروز هواپیمائی که ربایندگانش آن را به مصر برده بودند، به ایران برگشت. خبر رسید که ناوچه‌ها هم در راهند و سفارت شوروی اطلاع داده بود که آماده همکاری نظامی است؛ اسلحه بفروشد و کارخانه اسلحه‌سازی برایمان تأسیس کنند. روی هم رفته، وضع بد نیست.

جلسه‌ای خصوصی، با آقایان خامنه‌ای، باهنر و رجائی داشتیم. آقای خامنه‌ای اطلاع دادند که پروفیسور سمیعی که از آلمان برای معالجه دست ایشان آمده بود، گفته است، دست ایشان ممکن است به حالت اول برنگردد و حرکت کامل پیدا نکند و همین عمل ناقص هم، دو سه ماه دیگر انجام می‌شود. متأثر شدیم. قرار شد هفته‌ای یک جلسه مشورتی، با حضور ایشان داشته باشیم.

امشب، برق تهران قطع شد و مدت یک ساعت، تلویزیون برنامه نداشت. احتمال خرابکاری وجود دارد. ساعت نه به خانه آمدم. عفت و فاطمی در جلسه عروسی دختر آقای مقصودی در مدرسه رفاه شرکت کرده بودند و ساعت ده آمدند. شام، حاضری خوردیم، عفت مشغول ظرف‌شوئی شد و من مشغول نوشتن خاطره دیروز و امروز؛ و می‌روم برای خواب. فاطمی، قرآن مطالعه می‌کند. پیش از انقلاب، همیشه در خانه خدمتکار داشتیم ولی مدتی است که نداریم و کارهای خانه به دوش عفت افتاده؛ رفت و آمد هم زیاد است.

شنبه ۷ شهریور

۲۸ شوال - ۲۹ اگوست

جلسه علنی داشتیم. صبح و عصر، بحث درباره لایحه بازسازی بود. ظهر دانشجویان «امامیه» پاکستان آمدند. ملاقات مفصلی با آنها داشتیم. می‌گفتند، جمعیت نیرومندی در پاکستانند و شیفته انقلاب اسلامی ایران. نشریاتی داشتند که ترجمه نشریات ما بود که به اردو منتشر کرده‌اند و مدعی تیراژ بیست هزار بودند. مبلغ شش هزار تومان برای ساختمان یاد بود ۷۲ تن، شهدای دفتر حزب جمهوری اسلامی دادند. مرا تحت تأثیر قرار دادند.

عصر در دفتر آقای رجائی جلسه‌ای داشتیم. گزارش پیشرفت کار مبارزه با گروه‌های خرابکار را دادند. خیلی خوب بود و مشورتهایی در کیفیت برخورد شد. آقایان رجائی، باهنر، [علی]قدوسی، محسن رضائی، مهدوی کئی، خامنه‌ای، [مرتضی]رضائی، [رضا]سیف‌اللهی، [یوسف]کلاهدوز، [خسرو]تهرانی، [فخرالدین]حجازی و [بهزاد]نبوی بودند.



انجیر در محل نخستین سفر

شب نیز بعد از نماز در همان دفتر با آقایان خامنه‌ای، موسوی اردبیلی، مهدوی، باهنر و رجائی جلسه مشورتی داشتیم. وضع ارز رسیدگی شد. فروش نفت کم است، عرضه بی حساب و ارزان عربستان سعودی، عرضه را بر دیگران - مخصوصاً ما - تنگ کرده. برای خواب به دفتر خود در مجلس رفتم.

یکشنبه ۸ شهریور

۲۹ سوال - ۳۰ اگوست

جلسه علنی داشتیم و لایحه بازسازی مطرح بود. ساعت سه بعد از ظهر، هنگامی که عازم رفتن به جلسه علنی بودم، صدای انفجاری شنیدم. معلوم شد در نخست وزیری بوده. دود و آتش بلند شد. از پنجره دفترم نگاه کردم. گفتند اتاق جلسات دولت است. فوراً خبر رسید که جلسه شورای امنیت بوده و آقایان رجائی و باهنر هم حضور داشته‌اند.

یک ربع بعد، بهزادنبوی آمد که خودش در نخست وزیری بوده، سخت ناراحت و شوکه بود. گفت: آقایان باهنر و رجائی شهید شده‌اند و عده‌ای نجات یافته‌اند. معتقد بود، به خاطر نبودن وسائل آماده آتش‌نشانی و نرسیدن فوری، در دو سه دقیقه اول، اینها شهید شده‌اند و اگر سرعت عمل بیشتر می‌شد، نجات می‌یافتند.

خبرهای متناقض می‌رسید. عده‌ای مدعی بودند که بعد از انفجار، آقایان رجائی و باهنر را در حال انتقال به بیمارستان زنده دیده‌اند و عده‌ای می‌گفتند اشتباه می‌کنند، آنها در آتش سوخته‌اند. رئیس شهربانی سرهنگ وحید، معاون ژاندارمری، سرهنگ ضیائی و معاون نیروی زمینی تیمسار شرفخواه و سرهنگ کتیبه مجروح و بستری بودند. ایوسف اکلاهدوز مسئول سپاه پاسداران و اخسرو اتهرانی سالم در آمده بودند. تهرانی کمی سوخته بود.

آقای موسوی خوئینی‌ها، مجلس را اداره می‌کرد. برق منطقه را به خاطر جلوگیری از سرایت آتش قطع کردند. ناچار مجلس هم تعطیل شد. ساعت پنج، دوباره برق آمد و مجلس کار خود را شروع کرد.

من شرکت کردم و اجمالاً خبر را دادم. وحشت سختی ایجاد کرد. وزرا در دفتر من جمع شدند. این روزها مجلس پناه است. جلسه‌ای در تالار مجلس تشکیل دادند و راجع به نخست وزیر آینده تا ساعت یازده شب، بحث شد و از جلسه وزرا برای خنثی کردن تبلیغات رادیوهای خارجی که می‌گفتند تمام هیأت دولت شهید شده‌اند، فیلم گرفتیم و در اخبار ساعت هشت



شب، پخش شد. من هم مصاحبه‌ای کردم.^۱ لحظات بسیار تلخی گذشت. بعد از قاجعه دفتر حزب و از دست دادن آن همه همسنگر و بعد از دهها ترور شرورانه که تعداد زیادی از نیروهای ارزنده را از ما گرفته تازه داشتیم به تعادل می‌رسیدیم، با تشکیل دولت و تقویت مجلس، که دچار این مصیبت شدیم. مصلحت نبود که از مجلس بیرون بروم همان جا خوابیدم؛ ولی چه خوابی؟!

دوشنبه ۹ شهریور

۱ ذی‌قعدة - ۲۱ آگوست

از طریق احمد آقا، جریانات را به امام گزارش می‌دادیم. نیمه شب دیشب، مطمئن شدیم که رئیس جمهور و نخست وزیر شهید شده‌اند. ساعت شش صبح، اعلامیه‌ای به نام شورای موقت ریاست جمهوری نوشتم^۲ و مراتب را اعلام داشتیم. امروز را تعطیل و تا آخر هفته را عزای عمومی اعلام کردیم. از شورای نگهبان، درباره شورای موقت ریاست جمهوری که یک عضوش را - نخست

۱ - کتاب آهاسی رفسنجانی - مصاحبه‌های ۱۳۶۰.

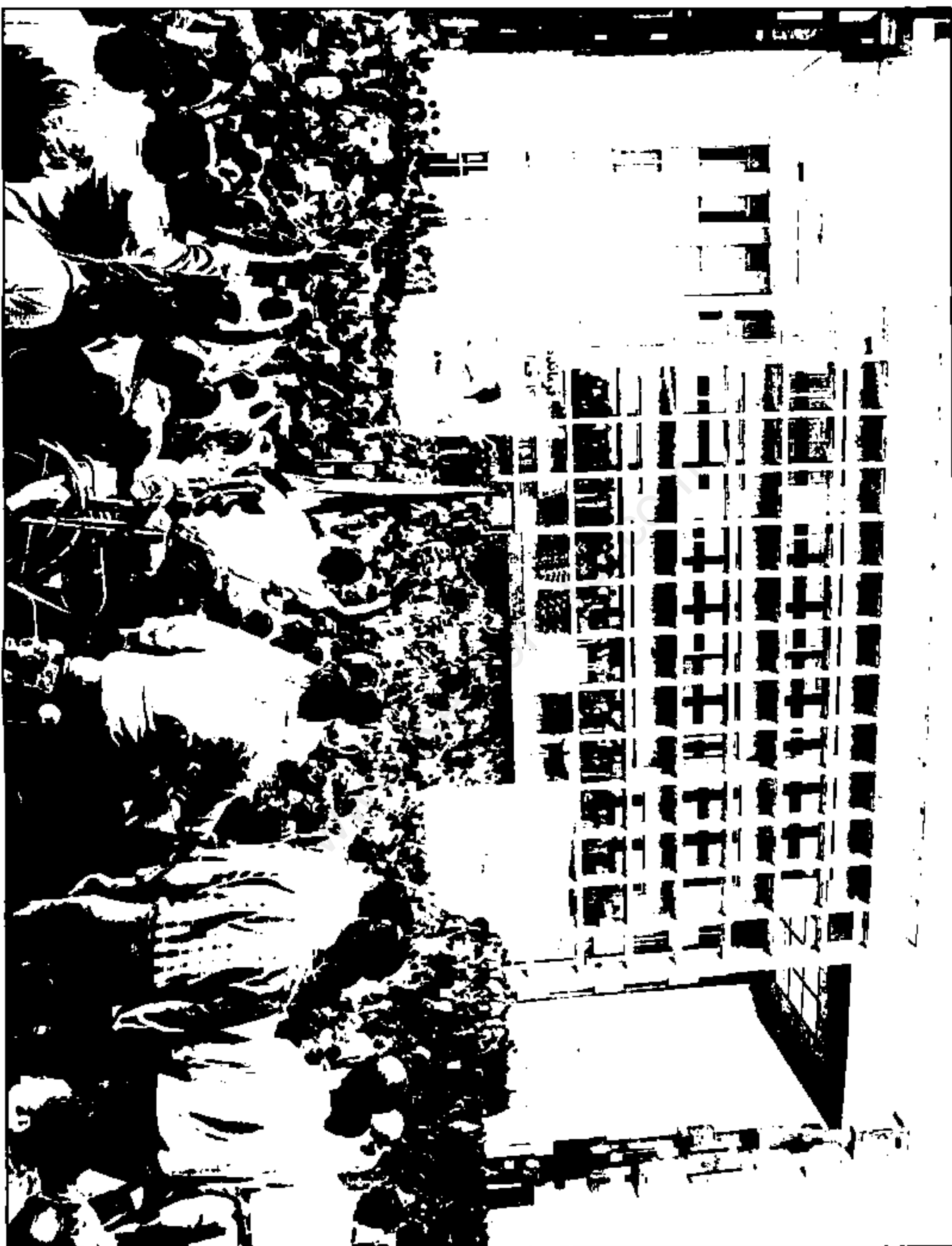
۲ - در این اطلاعیه آمده است:

بسم الله الرحمن الرحيم، من المومنين رجال مدقوا

مردم مسلمان و انقلابی و فداکار ایران! جمهوری اسلامی ایران، بار دیگر، بهترین فرزندان خود را قربانی راه اسلام و انقلاب و مستضعفان جهان کرد. رئیس جمهوری و نخست وزیر به دست ستون پنجم دشمن و نوکران امپریالیزم و حدام، شربت شهادت نوشیدند. اتحاد شوم نفاق چپ و راست، به دست آمریکای جنایتکار، با انفجار بمب آتش زه، در یکی از دفاتر مشورتی ساختمان نخست وزیری، این دو مسلمان انقلابی و مکتبی و فداکار را از ملت قهرمان و ایثارگر ایران گرفت. شهید رجایی رئیس جمهور عزیز و شهید باهنر نخست وزیر محبوب به شهدای انقلاب پیوستند و جمعی از برادران عزیزمان مجروح شدند. انقلابی با ابعاد انقلاب اسلامی ایران، باید پذیرای چنین پیش آمدهای ناگوار و تقدیم چنین قربانیان ارجمند باشند. خداوند سایه امام امت و رهبر عظیم‌الشان انقلاب را تا ظهور حضرت مهدی (عج) بر مستضعفان جهان مستدام بدارد.

از شما ملت مسلمان و ایثارگر، انتظار می‌رود که یک بار دیگر با نشان دادن صبر و استقامت، با حضور در صحنه شکست‌ناپذیری خود و انقلاب را به معرض نمایش بگذارید و دشمنان کوردهل و شقاوت‌مند اسلام را که با همه امکانات خویش به جنگ با این انقلاب برخاسته‌اند، مأیوس نمایید. شورای ریاست جمهوری با اجازه امام امت دوشنبه ۹ شهریور را تعطیل و تا جمعه سیزدهم شهریور در سراسر کشور عزای عمومی اعلام می‌کند و از همه مسئولان و اقشار مختلف به خصوص رزمندگان کشور در جبهه‌ها، انتظار دارد برای تحکیم و استقرار کامل جمهوری اسلامی، به وظایف اسلامی و انقلابی خویش عمل کنند.

پیکرهای مقدس شهدای عزیز و قربانیان اسلام و قرآن را امروز ساعت ده صبح از مقابل مجلس شورای اسلامی، تشییع می‌کنیم، شهادت این فرزندان بزرگوار و فداکار را به پیشگاه امام عصر (عج) و رهبر انقلاب و ملت بزرگ و خانواده‌های عزادار تبریک و تسلیت می‌گوئیم و یکبار دیگر، اعلام می‌داریم که خون شهدای اسلام ضامن پیروزی حق و نابودی کفر و نفاق خواهد بود.



اجتماع مردم در مقابل مجلس

وزیر-نداشت، سؤال کردم. گفتند چون اکثریت هستند، رسمیت دارد. شورای ریاست جمهوری اعلام داشت که وزرا، سرپرستی وزارتخانه‌ها را به عهده دارند. در این مدت کوتاه این بار دوم است که شورای ریاست جمهوری مسئولیت به عهده می‌گیرد.

ساعت ده صبح، تشییع جنازه اعلان کردیم. جمعیت عظیمی بیش از یک میلیون جمع شد. برای جمعیت موجود در مقابل مجلس، عده‌ای از نمایندگان و وزرا سخنرانی کردند: آقایان فخرالدین حجازی، اصادق اخلخالی، اعلی اکبرناطق نوری، اسیدعلی اخامنه‌ای، عبدالمجید معادیخواه، سرهنگ اموسی انامجو. من هم سخنرانی کردم.^۱

جنازه‌ها را به سالن مجلس آوردند، مشاهده کردم. سخت سوخته بودند؛ آقایان باهنر و رجائی را فقط از دندانهای طلای جلو دهان و آسیابشان می‌شد تشخیص داد. علامت دیگری نمانده بود.

مقداری گوشت هم، در کیسه نایلونی اجمع کرده بودند به عنوان فرد دیگری بنام مسعود کشمیری منشی جلسه، (در این باره بعداً مطلب را درست و منصل می‌نویسم).^۲

ابتدا نمایندگان خیال کردند، این نایلون متعلق به جنازه آقای رجائی است. خیلی متأثر شدند و فریاد می‌کشیدند. ازدحام جمعیت، تا شب مانع رساندن جنازه‌ها به قبرستان شد. عصر، در مجلس جلسه حزب جمهوری اسلامی تشکیل شد و آقای اسیدعلی اخامنه‌ای به عنوان دبیرکل انتخاب شدند. درباره نخست وزیر آینده بحث کردیم. اعضای شورای حزب با آقایان مهدوی اکتی او غرضی - که بیشتر مطرح بودند - موافق نبودند و آقای پرورش را پیشنهاد می‌کردند؛ آقای پرورش مایل نبود.

با آقای موسوی اردبیلی، برای مشورت خدمت امام رسیدیم. امام از کم احتیاطی، گله کردند. با صدارت آقای مهدوی کنی، موافقت نمودند. شب را در منزل احمد آقا ماندم. آقای مهدوی، قبول نمی‌کرد و دچار مشکل شدیم. با تلفن در این باره، با خیلی‌ها صحبت کردم. سیاست امام این است که جای نیروهای از دست رفته سریعاً پر شود و پستها فاقد مشول نماند و لذا در همان ساعات اول، علیرغم داغداری و مصیبت اقدام می‌شود.

۱. کتاب هاشمی رفسنجانی - سخنرانیهای ۱۳۶۰.

۲ - مسعود کشمیری کارمند نخست وریری و منشی جلسه شورای امنیت عامل انفجار و فاجعه ۸ شهریور بود. این کار برای این بود که منافقین فکر کنند، نظام نمی‌داند که مسعود کشمیری عامل انفجار بوده و از غفلت آنها، برای دستگیر کردن او استفاده شود.

سه شنبه ۱۰ شهریور

۲ ذیحده - ۱ سپتامبر

پس از نماز، با تلفن مشغول مذاکره و مشاوره درباره نخست وزیر شدم. از وزرا خواستم که جمع شوند و با توجه به استنکاف آقای مهدوی، فکری بکنند. جلسه علنی مجلس هم، کار خود را شروع کرد. من در جلسه، سخنرانی مفصل و مؤثری درباره فاجعه کردم.^۱

سپس در جلسه هیأت دولت شرکت کردم. پس از بحث زیاد، باز آقای (محمدرضا) مهدوی (کنی) اول، آقای (محمد) غرضی دوم و آقای (علی اکبر) پرورش سوم پیشنهاد شدند. قرار شد به طور غیر رسمی از مجلسیان پرسیم، هر کس بیشتر رأی آورد، بپذیرد و پذیرفته شود. از ۱۷۹ رأی، ۱۴۸ رأی به آقای مهدوی و ۲۳ رأی به آقای غرضی و ۸ رأی به آقای پرورش دادند. مشکل حل شد و شورای ریاست جمهوری، (من و آقای (موسوی اردبیلی)، آقای مهدوی را به مجلس معرفی کرد.

فردا باید رأی تمایل بگیریم. عصر هم، جلسه علنی داشتیم. چند اعتبارنامه تصویب شد و چند ماده از لایحه بازسازی. چون در دانشگاه تهران، از طرف امام و مجلس و ... جلسه فاتحه برای شهدا داشتیم، مجلس را زودتر ختم کردم که رادیو مراسم دانشگاه را پخش کند و نمایندگان شرکت کنند. خودم برای مراعات امنیت به توصیه دیگران، شرکت نکردم.

عصر، مصاحبه‌ای با تلویزیون درباره آقایان رجائی و باهنر کردم.^۲ اول شب، آقای مهدوی کنی آمدند و درباره کارهایشان، مشورت کردند. آقای ابهزاد انبوی هم آمد و گزارش از پیشرفت کار تحقیق، درباره عامل انفجار نخست وزیری را داد. تقریباً همه چیز روشن شده. بنامش پس از نتیجه گیری اعلان شود.

خبر رسید که ارتش در جبهه کرخه کور، حمله‌ای موفق داشته و نیروی زمینی از حمله‌ای که قرار بود در جای دیگر بکند، طفره می‌رود. سرهنگ (جواد) فکوری از اهواز تلفن کرد و از من می‌خواست که اصرار کنم، حمله شود. احمد آقا تلفن کرد و گفت ظهیرنژاد اصرار دارد که نشود. آن را موفقیت آمیز نمی‌داند. به خانه آمدم. شب، برادر و پسر آقای باهنر آمدند. تلفنی با خانم رجائی، صحبت کردم و تسلیت گفتم. توطئه ضد انقلاب این است که نگذارد ارکان نظام شکل

۱ - کتاب هاشمی رفسنجانی - نطقهای پیش از دستور - ۱۳۶۰.

۲ - کتاب هاشمی رفسنجانی - مصاحبه‌های ۱۳۶۰.

بگیرد و سیاست امام و ما این است که به سرعت جایگزین بشود که تعادل نظام برقرار باشد و لذا با سرعت، پس از شهادت هر مسئولی، جایگزین انتخاب می‌شود. روزگار سختی می‌گذرانیم؛ صبر ایوب می‌خواهد.

چهارشنبه ۱۱ شهریور

۳ ذیحده - ۲ سپتامبر

جلسه علنی داشتیم. لایحه بازسازی مطرح بود. من در اظهارات پیش از دستور، از تحرک جبهه و پیروزیهای طراح و کرخه کور تشکر کردم^۱. موفقیتهای میدان جنگ، مرهمی برای این مصائب است.

ادامه جلسه را به آقای خوئینی‌ها سپردم و خودم برای مشورت و تکمیل کابینه و انجام وظایف شورای ریاست جمهوری، به منزل آقای اموسوی اردبیلی در کاخ نخست وزیری رفتم. آقایان مهدوی، ربانی املشی و بهزاد نبوی هم آمدند. بهزاد، گزارش کشف توطئه انشجار نخست وزیری را داد. قرار شد آقای ربانی املشی اداستان کل کشور، پرونده جریان تحقیق را زیر نظر بگیرد.

با آقایان مهدوی و اموسوی اردبیلی، درباره کابینه، مخصوصاً وزیر کشور و وزیر راه، خیلی سریع توافق کردیم و کابینه کاملی برای اولین بار در تاریخ انقلاب تصویب کردیم و آقای مهدوی، کابینه را به مجلس معرفی کرد. این کارها در ظرف یکی دو ساعت انجام شد. راستی که هماهنگی چه اندازه کارها را سرعت می‌دهد. در همان منزل آقای موسوی اردبیلی اناهار را خوردم، نماز خواندم، استراحت کردم و اخبار را گرفتم. وضع جبهه خوب است.

بعد از شروع جلسه عصر مجلس، با نامه آقای مهدوی به مجلس رفتم و نامه را خواندم. سرعت عمل، تأثیر خوبی داشت. لایحه بازسازی را هم تمام کردیم.

عصر جلسه هیأت رئیسه داشتیم. تصمیم گرفتیم تعطیل تابستانی مجلس را برای دو هفته، از هفته آینده، شروع کنیم و درباره تصفیه کارکنان و امنیت، تصمیماتی اتخاذ شد. بیشتر وقت جلسه صرف بحث درباره حفاظت من شد که به نظر دوستان، هدف اول دشمن هستیم.

آخر شب، آقایان محسن رضائی و محسن ارفیق دوست آمدند و برای امنیت فردای

۱. کتاب آهاسمی رفسنجانی، نقلهای پیش از دستور - ۱۳۶۰.



جمهوری اسلامی ایران
دقیقاً است جمهوری

شماره
تاریخ
پست

بسم الله الرحمن الرحيم

ریاست مجلس شورای اسلامی

با استمداد از رحمت و عنایت الهی حجتاً لا سلام
والمسلمین جناب آقای محمدرضا مهدوی کنی به عنوان
نخست وزیر کابینه جمهوری اسلامی ایران به حفظ نمایندگان
محترم ملت پیشنهاد میشود تا در صورت موافقت مجلس محترم
اقدام به تشکیل کابینه جدید نمایند .

شورای موقت ریاست جمهوری

عبدالحق اراکی
۳



جمهوری اسلامی ایران
مجلس شورای اسلامی

پیشانی

شماره ۱۱۰۱۱۰۱

تاریخ ۱۳۶۰/۰۹/۱۱

بسم الله الرحمن الرحيم

شورای موقت ریاست جمهوری

مجلس شورای اسلامی در جلسه مورخ یازدهم شهریورماه
یکهزار و سیصد و شصت نسبت به نخست وزیر حجت الاسلام
والمسلمین جناب آقای مهدوی گنی که از طرف آن شورای محترم
به مجلس معرفی شده بودند بشرح زیر رای تمایل داد.

۱۹۶ نفر

مده حضار مجلس

۱۷۸ رای

آراء موافق

" ۱۰

" مخالف

" ۸

" معترض

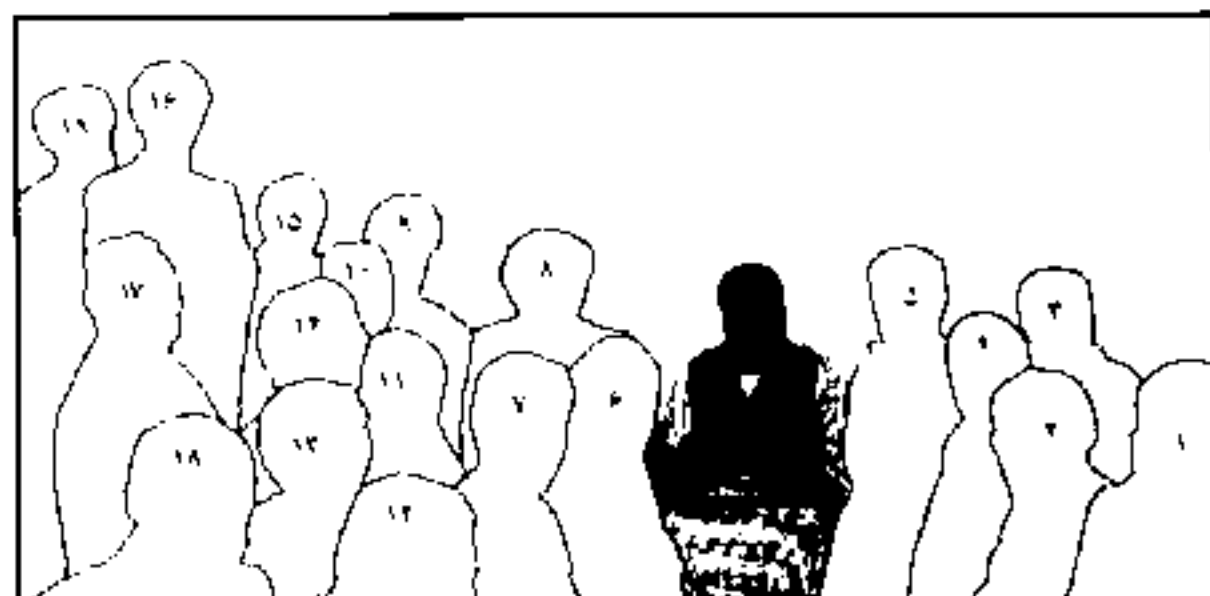
رئیس مجلس شورای اسلامی

اکبر هاشمی
رئیس شورای عالی
انتخابات

کابینه آیت الله مهدوی کنی در محضر امام خمینی



- | | |
|---|--|
| ۱ - محسن بوریجش رئیس بانک مرکزی | ۱۱ - حسین نمازی وزیر اقتصاد و دارائی |
| ۲ - میرحسین موسوی وزیر امور خارجه | ۱۲ - هادی صافی وزیر بهداشت |
| ۳ - علی اکبر پرورش وزیر آموزش و پرورش | ۱۳ - مرتضی نبوی وزیر پست و تلگراف و تلفن |
| ۴ - محمد علی نجفی وزیر علوم و آموزش عالی | ۱۴ - محمد میر محمد صادقی وزیر کار و امور اجتماعی |
| ۵ - حسن غفوری فرد وزیر نیرو | ۱۵ - عبدآ. جاسبی رئیس امور اداری و استخدامی |
| ۶ - هادی نژاد حسینیان وزیر راه و ترابری | ۱۶ - محمود روحانی وزیر مشاور و سرپرست سازمان بهزیستی |
| ۷ - محمد اصغری وزیر دادگستری | ۱۷ - کمال الدین نیکروش وزیر کشور |
| ۸ - آیت الله مهدوی کنی نخست وزیر | ۱۸ - بهزاد نبوی وزیر مشاور در امور اجرائی |
| ۹ - عبدالمجید معادیخواه وزیر ارشاد اسلامی | ۱۹ - حاج سید احمد خمینی |
| ۱۰ - محمد سلامتی وزیر کشاورزی | |



مجلس، پیشنهادی دادند و حرفهای زیادی داشتند. بعضی‌ها، پیشنهاد جمع کردن موکتهای مجلس و نیز چیزهای قابل اشتغال دیگر را دادند، برای جلوگیری از وسعت آتش‌سوزیهای احتمالی، که پذیرفته نشد.

پنجشنبه ۱۲ شهریور

۴ ذیحده - ۳ سپتامبر

شب را در دفترم خوابیده بودم. صبح زود گزارشها را خواندم، نامه‌ها را جواب دادم و امضاء کردم. جلسه علنی مجلس، با نیم ساعت تأخیر به خاطر مراعات امنیت بیشتر و تفتیش سندلیها شروع شد. بحث درباره کابینه بود. مخالف زیادی نداشت، بیشتر مخالفان با وزیر کشور جدید - دکتر نیک روش - مخالفت می‌کردند. من هم دفاع کردم، دفاع مؤثری بود. کابینه با یکصد و هفتاد رأی موافق، چهار رأی مخالف و سیزده رأی ممتنع تصویب شد. عالیتترین نصاب موافق را در تاریخ مجلس و انقلاب داشتیم.

ظهر، دکتر اسید محمد امیلانی آمد و از قدرت طلبی آقایان (آیت‌الله سیداسدالله مدنی و اسید حسین موسوی در تبریز و تصنیف غیر خط امامیها، گله داشت. آقای محمد ارجانیان آمد و از فشار بعضی از مردم در زنجان گله داشت و تهدید به استعفاء کرد. بعد از ظهر، جلسه شورای ریاست جمهوری در دفتر من تشکیل شد. درباره شیوه کار و تقسیم کارها و عمل کارمندان و... تصمیماتی گرفتیم. گزارشها را خواندم و به تسلیتهای بسیاری از شخصیتهای جهان و رؤسای مجالس و... جواب دادم. با کرمانشاه تماس گرفتم و از وضع جبهه پرسیدم. فرمانده لشکر گفت: امروز عصر، وضعیتمان خوب است، کمی پیشرفت کرده‌ایم. در قلاویزان، ضد حمله عراق، پیشرفت را خنثی کرده و در بستان، در خوزستان وضع خوب است.

جمعه ۱۳ شهریور

۵ ذیحده - ۴ سپتامبر

مقداری از وقت را صرف تهیه خطبه‌های نماز جمعه کردم. ساعت ده صبح، برای نماز جمعه به دانشگاه رفتم. آقای جلال‌الدین فارسی سخنرانی داشت و همسر، پسر و دختر شهید رجائی هم صحبت کردند. من هم خطبه‌های جمعه را درباره جهاد و شهادت آقایان باهنر و

رجائی خواندم^۱. نهار را به مجلس رفتم.

عصر در مجلس، شورای عالی دفاع تشکیل شد. سرتیپ فلاحی، گزارش جبهه‌ها را داد. در یکی از جبهه‌ها، دشمن شکست خورده و ما نزدیک سی نفر شهید و یکصد و پنجاه نفر زخمی داشته‌ایم. در جبهه بستان، چهار کیلومتر پیشرفت کرده‌ایم و چهل و دو شهید و دویست و پنجاه زخمی و چهل مفقود داریم و دشمن تلفات سنگینی متحمل شده و در جبهه غرب هم پیشرفت داشته‌ایم و حدود پنجاه شهید و چهارصد زخمی داده‌ایم. دشمن در سه جبهه، بیش از دویست اسیر داده و تلفات زیادی داشته و عقب‌نشینی کرده است. آقای فلاحی از بی‌ رغبتی و ضعف عملکرد فرماندهی در نیروی زمینی، در عملیات بستان شکایت داشت، چون در اصل با این طرح مخالف بوده‌اند.

در مورد برنامه آینده هم بحث شد و قرار شد برای اجرای به موقع آن، فشار بیاوریم. در مورد معافیت افرادی که در جهاد خدمت می‌کنند و کسانی که از گروه‌های غیر ارتشی، در جبهه هستند، تصمیم گرفتیم. در مورد اجازه دادن به لیبی برای خرید نیازمندیهای ما و معامله با شوروی که اخیراً پیشنهاد فروش چند قلم مهمات و اسلحه داده و تأسیس کارخانه ضد هوایی ۲۳ میلی متری، قرار شد تعقیب کنند. شب در مجلس ماندم.

شنبه ۱۴ شهریور

۶ دیلمده - ۵ سپتامبر

از امروز تا دو هفته، مجلس تعطیلات تابستانی دارد. پرونده کامل حمله آمریکا به طیس را که آورده بودند، مطالعه کردم و بسیاری چیزها که از ذهنم بیرون رفته بود، تجدید خاطره شد، ولی مطلب مهم تازه‌ای نیافتم. روی هم رفته به نظر می‌رسد، در رده‌های بالا در ستاد ارتش و نیروی هوایی کسانی با آمریکا همراه بوده‌اند؛ من جمله سرتیپ باقری، فرمانده آن روز نیروی هوایی و تیمسار شادمهر رئیس ستاد آن زمان، اعمال مشکوکی انجام داده‌اند؛ مثل جمع کردن ضد هوایی‌های فرودگاه تهران و دستور تخریب هلیکوپترهای آمریکائی مانده در طیس و... حدود ساعت هشت صبح، صدای رگبار مسلسلها از جلوی مجلس، به گوش رسید و چند دقیقه به طول انجامید. معلوم شد، یک تروریست به طرف ساختمان مجلس تیراندازی کرده

۱. کتاب هاشمی رفسنجانی - خطبه‌های جمعه - جلد اول - ۱۳۶۰.

و محافظان مجلس با آن وسعت جواب داده‌اند. او را زخمی و بازداشت کردند و به بیمارستان بردند. خیلی عمل احمقانه‌ای به نظر می‌رسد؛ مگر اینکه ضمن توطئه‌ای دیگر باشد.

در همان لحظه، خبر رسید که بمبی در دفتر آقای [علی] قدوسی دادستان انقلاب منفجر شده و ایشان و دو سه نفر دیگر مجروح شده‌اند و به بیمارستان منتقل شده‌اند. بمب را در سقف اتاق طبقه پائین که کتابخانه متروکی است، کار گذاشته‌اند و سقف پائین آمده و بالاخره بر اثر ضربه مغزی، ایشان در ساعت دو و ده دقیقه بعد از ظهر، شهید شدند. رحمت خدا به ارواح پاکشان. برای دادگاه انقلاب و قضاء کشور خسارت بزرگی است.

آقایان عبدالکریم اشرفی و منیرالدین حسینی شیرازی آمدند و مایل بودند، من را در جریان نتایج کار سمینارهای متعدد و طولانی امور اقتصادی، که داشتند قرار دهند. قرار شد، بعداً ملاقات کنم. آقایان دکتر علی اکبر اولایتی و علیرضا یارمحمدی هم درباره امنیت مجلس مطالبی داشتند. آقای اهرای خالاتیان^۱ نماینده ارومیه در مجلس هم - که چند روز پیش مورد سوء قصد قرار گرفته بودند - و از بیمارستان مرخص شده بودند، چشمشان آسیب دیده و مشکل تأمین مخارجی را که متحمل شده، دارد.

عصر، آقای زواره‌ای آمد و برای کار آینده خود، مشورت می‌کرد. وسایل و ابزار ایمنی، برای تفتیش محیط، از کاخ نیاوران آورده بودند، ملاحظه کردم.

خبری رسید که توطئه‌ای علیه مجلس، در جریان است. مسئولان اطلاعات سپاه آمدند و خبر را گرفتند که تعقیب کنند. شب به منزل آمدم. خیلی متأثر و ناراحت بودم. خبر ناراحت کننده شهادت سرهنگ وحید دستجردی، رئیس شهربانی - که در انفجار نخست وزیری مجروح شده بودند - هم رسید. متأسفانه، معمولاً هر شب با چنین خبرهایی به رختخواب می‌رویم.

یکشنبه ۱۵ شهریور

۷ دی‌ماه - ۶ سپتامبر

پیش از ظهر، در خانه ماندم. اول وقت سرهنگ [جواد] فکوری فرمانده نیروی هوایی آمد و تذکراتی در مورد جنگ داشت. پیشنهاد برکناری فرمانده نیروی زمینی را می‌داد. در این مورد با تیمسار فلاحی همراهند. این اختلافات قابل توجه است و مزاحم کار؛ از تصفیه نیروی

۱ - اهرای خالاتیان نماینده مسیحیان ارمنی شمال ایران در تاریخ ۶ شهریور ۱۳۶۰ مورد سوء قصد واقع شد که در این حادثه وی و همچنین ۱۱ نفر از عابران مجروح شدند.



دادستان انقلاب شهید علی قدوسی

هوایی گله داشت، این هم جالب توجه است. امروز تشییع جنازه آقای قدوسی و سرهنگ وحید است. عفت و فاطمی که برای تشییع جنازه رفته بودند، می‌گویند مردم شعارهایی علیه مهندس [مهدی] بازارگان هم می‌دادند. ناهار در خانه ماندم، اشکنا داشتیم. ساعت سه بعد از ظهر به مجلس رفتم. مهدی و یاسر را هم بردم.

ملاقاتی با آقای سید منیرالدین حسینی داشتم. نتیجه چند سمینار خود را عرضه کرد. فرهنگ جدید انقلاب اسلامی را در رابطه با امور اقتصادی، تهیه می‌کنند. کارش طولانی خواهد شد و نتیجه فوری ندارد. خیال می‌کردم، طرحهای اقتصادی تهیه می‌کنند.

ساعت پنج و نیم، در جلسه شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی، در مجلس شرکت کردم. بحث درباره قائم مقام دبیرکل بود، که به هفته بعد موکول شد. درباره انتخابات ریاست جمهوری هم بحث کردیم. نظرشان این شد که انتخابات، به موقع خود انجام بشود. دکتر عباس اشیبانی خود را لایق تر می‌دانست. حزب، آقایان خامنه‌ای، عسکراولادی و پرورش را پیشنهاد کرد.

سپس، بعد از نماز مغرب و عشاء، در جلسه مشورتی با حضور آقایان خامنه‌ای، مهدوی‌کنی، [موسوی اردبیلی]، احمد آقا و [بهزاد] نبوی شرکت کردم. درباره رئیس جمهور آینده و انتخابات بحث کردیم. تصمیم شد اعلام انتخابات کنیم.

درباره اسلحه بارزانی‌ها، صحبت شد. قرار شد در صورت جنگیدن با کردهای ضدانقلاب ایرانی، به آنها اسلحه بدهیم. انتخابات مجلس خبرگان نیز قرار شد، تأخیر نیافتد. درباره خیلی از مسائل امنیتی و اداری دیگر هم بحث شد. ساعت یازده شب به خانه آمدم.

دوشنبه ۱۶ شهریور

۸ ذیحده - ۷ سپتامبر

تا بعد از ظهر در خانه ماندم و کارها را با تلفن انجام دادم. ساعت سه و نیم به مجلس رسیدم. گزارشها را خواندم. موج تروریسم رو به زوال است و تسلط دولت بیشتر می‌شود.

کیانوری و عموئی از دبیران حزب توده، به عنوان یک ملاقات فوری و ضروری آمدند و کارشان سعایت علیه آقای بهزاد نبوی بود. حزب توده، تصمیم گرفته ایشان را بد نام کند و یک گزارش جعلی (به ظن قوی) آورده بودند. سیاست تفرقه اندازی دارند، باید فکری کرد و ضمناً تقاضای اجازه فعالیت بیشتر داشتند. آقای دکتر [حسن] احیبی آمد و گزارش کار ستاد انقلاب

فرهنگی را داد و برنامه افتتاح دانشگاهها را. بعضی از دانشگاهها، امسال باز می‌شوند و بقیه به تدریج. قرار است پزشکی را توسعه دهند و از رشته‌های غیر مفید بکاهند. آقای ریاضی از دادستانی انقلاب آمد و گزارشی از وضع آنجا داد.

آقای کنگرلو از سازمان «فجر اسلام» آمد و تقاضای ترخیص کالاهای اطلاعات ظریف را. که برای کارهایی از این قبیل، مدتی قبل وارد کرده و در فرودگاه و گمرک مانده. داشت. بنا شد تحقیق کنم که اینها را چه کسی و برای چه منظوری، بکار می‌برد. آقای صمدیان، رئیس هواپیمائی کشوری با دکتر اموسی از رگر آمدند و وضع فرودگاه را گفت و می‌خواستند از هواپیمای اختصاصی که بناست من را به کره ببرد، برای بردن نمایندگان عازم بین‌المجالس، استفاده شود و به من پیشنهاد آموزش خلبانی می‌کرد. شب را در مجلس خوابیدم. با تلفن با آقایان مهدوی کنی، بهزاد نبوی، موسوی اردبیلی و نظامیان کارهایی انجام شد.

سه شنبه ۱۷ شهریور

۹ دیلمده - ۸ سپتامبر

اول وقت، کارهای اداری عقب مانده را انجام دادم و گزارشها را خواندم. اوضاع خوب است. هیأت دولت، با انسجام مشغول کار شده و ارگانها بر کار خود مسلطند. ترور شهید رجائی و شهید باهنر، مردم را عصبانی کرده و فشار برای حفاظت و اطلاعات زیاد است. ساعت ده، اعضای شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی، با امام ملاقات داشتیم. به دفتر امام رفتم. قبل از ملاقات قرار گذاشتیم آقای خامنه‌ای - دبیر کل - صحبت کنند. احمد آقا هم کمک کرده بود و فیلم و عکاس و خبرنگار، مهیا بود. آقای خامنه‌ای خوب صحبت کردند و امام در جواب، خیلی خوب و بهتر؛ و فکر می‌کنم موقعیت حزب را بالا برد و تحکیم کرد. امام، حزب را تأیید کردند و برای شهدای ما تسلیت خوبی دادند و اثر این شهادتها را توضیح دادند. جلسه صمیمی و با محبت بود.

بعد از زیارت امام، با شورا به منزل آقای دکتر باهنر، برای تسلیت خانواده ایشان رفتیم. احمد آقا هم آمد، سپس من به منزل احمد آقا رفتم. آقایان رضائی و سیف‌اللهی از اطلاعات سپاه آمدند و گزارش پیشرفت کار مبارزه با تروریسم را دادند. پیشرفت، خوب است. و تصمیم

درباره فرماندهی سپاه گرفتیم و مطالبه واگذاری ساختمان ساواک قدیم و کاخ ریاست جمهوری را به سپاه داشتند.

ناهار به خانه آمدم. بچه‌ها جمع بودند و قدسی و اشرف، خواهران عفت هم بودند. عفت خبر مرگ امیر، فرزند محمد همشیره زاده را در اثر خفگی در استخری در نوق داد، که متأثر شدم ولی به خاطر رواج شهادتها، انسان برای این گونه حوادث تسلیت دارد. عصر آقای امحمد اغرضی وزیر نفت آمد و خبر از تمایل خریداران نفت، بعد از پیروزیهای جبهه می داد و از حقوقها و مسافرتها مسرفانه وزارت نفت و نیاز به اصلاح گفت. آقایان فتوحی و موسوی آمدند و خبر از آمادگی فروش مهمات و نیازهای ارتش، توسط شرکتی دادند. می گفتند وزارت دفاع، استقبال نمی کند. قرار شد بررسی کنم. شب همسایه‌ها آمدند و خواهان حفاظت بیشتر برای مسئولان بودند.

چهارشنبه ۱۸ شهریور

۱۰ ذی‌قعدة - ۹ سپتامبر

دو روز عقب ماندگی خاطرات را نوشتم و به مجلس رفتم. گزارشات دو روز را خواندم. با مقامات ارتش، درباره وضع جبهه‌ها تماس گرفتم. قرار بود در یکی از جبهه‌ها، امروز کار چشمگیری داشته باشیم که عمل نشد و به تأخیر افتاد. باید علت آن را توضیح دهند. پیش از ظهر برادر شمس الدین، نایب رئیس مجلس اعلای شیعه لبنان با آقای سید محمد باقر حکیم آمدند. نامه‌ای از برادرش آورده بود، از دولت ایران برای شیعیان لبنان کمک می خواست. لیست نیازها، خیلی زیاد است. فرمانده هوانیروز، سرهنگ سعدی نام هم با جمعی از نظامیان آمدند و از اینکه عده‌ای امرای بی خاصیت، در رده‌های بالا هستند و مانع استفاده از نیروهای مکتبی جوانند، شکایت داشتند و اجازه می خواستند که مثل نیروی هوایی عمل شود و اینها کنار زده شوند. باید رسیدگی کنیم. متأسفانه فشار برای تصفیه در ارتش، زیاد است و درست نیست که این نیروهای دوره دیده و باسواد، از دست بروند.

موضوع مسافرت نمایندگان به کوبا، برای بین‌المجالس و وسیله امن سفرشان و مسافرت خودم به کره، مقداری از وقت را گرفت. بعد از ظهر برای روحانیت مبارز در دفتر من جلسه گذاشته بودند که عده حضار به حد نصاب نرسید و جلسه رسمیت نیافت. من و بیست نفر دیگر به عضویت شورای مرکزی [جامعه] روحانیت مبارز انتخاب شده‌ایم؛ من از همه بیشتر رأی

داشته‌ام.

جلسه شورای مرکزی حزب هم، در کتابخانه مجلس منعقد شد. درباره ریاست جمهوری و جذب آقای محمد اعرضی به حزب بحث شد و باز قرار شد، تعقیب کنیم که امام با روحانی بودن رئیس جمهور موافقت کنند. زیرا کاندیدائی که رأی طبیعی داشته باشد، از غیر روحانیون نداریم. شب در دفتر من با آقای مهدوی کنی و رئیس دفتر شورای موقت ریاست جمهوری، جلسه‌ای تشکیل شد. درباره محل پیش بینی شده برای کاخ رئیس جمهور، باشگاه افسران، صحبت شد. سپاه تهران و ارتش آنجا را می‌خواهند، قرار شد فعلاً تحویل ندهیم. قرار شد، با امام مذاکره کنیم که بپذیرند، رئیس جمهور روحانی بتواند باشد. اکثر دوستان، با نظر امام موافق نیستند و می‌گویند رئیس جمهور روحانی باشد، بهتر است. با احمد آقا صحبت کردم، که با امام صحبت کنند.

پنجشنبه ۱۹ شهریور

۱۱ ذیحده - ۱۰ سپتامبر

اول وقت، کارهای اداری را انجام دادم. سپس مصاحبه‌ای با رادیو تلویزیون سوئد داشتم. بیشتر سئوالها، درباره تروریسم، مجاهدین خلق و از دست دادن نیروها و آینده جمهوری اسلامی بود. مقداری هم درباره برنامه و همراهان سفر به کره شمالی کار کردم. برای ساعت یازده با آقای خامنه‌ای و احمد آقا، در دفتر امام به خاطر بحث در موضوع ریاست جمهوری آینده، قرار گذاشته بودیم. احمد آقا اطلاع داد که امام به طور اصولی با روحانی بودن موافقت کرده‌اند. همراه آقایان خامنه‌ای، خزعلی، مهدی‌اشاه آبادی و احمد آقا به حضور امام رفتیم. قبل از ما هم آقای (موسوی) اردبیلی رفته بودند و همین مطلب را مطرح کرده بودند. امام صریحاً موافقت کردند، ولی گفتند چون اضطرار است و افراد دیگر که مطرحند، رأی طبیعی ندارند، می‌پذیرند.

آقای خزعلی، درباره انجمن حجّیه و صلاحیت دینی آنها صحبت کرد و از امام می‌خواست که امام جلوی موج مخالفت با آنها را - که برخاسته - بگیرند. به بعد موکول شد. در همان دفتر امام با احمد آقا و آقای خامنه‌ای، درباره رئیس جمهور صحبت کردیم. بیشتر آقای

خامنه‌ای مطرح بودند ولی کسالت و ضعف ایشان، تردیدی ایجاد کرده و آقای مهدوی اکنی به عنوان فرد دوم مطرح شد. قرار شد، فعلاً هر دو اسم بنویسند، تا بعداً تصمیم بگیریم. نهار را به خانه آمدم. بعد از ظهر عفت و فاطمی برای بازدید خانم امام، به منزل امام رفتند و خانه‌ای را که در جوار منزل امام، برای سکونت ما در نظر گرفته‌اند بازدید کردند. پسندیده‌اند. وسیله حرکت نمایندگان به کوبا، دچار مشکل شده که امروز حل نشد. شب، آقایان (موسوی اردبیلی و مهدوی تلفن کردند و درباره شخص رئیس جمهور صحبت کردند. به نظر میرسد، حرکتی در کار است که از حزب نباشد، ولی ضعف (بنیه) آقای خامنه‌ای بهانه است. امروز اخبار مهمی از تروریسم ترسید، ولی امروز جمعی از منافقان، تظاهرات مسلحانه در چند نقطه کرده‌اند و به امام، اهانت کرده‌اند که صد نفر از آنها بازداشت شده‌اند.

جمعه ۲۰ شهریور

۱۲ ذیحجه - ۱۱ سپتامبر

صبح جمعه، در خانه بودم. ساعت ده و نیم به دانشگاه، برای اقامه نماز جمعه رفتم. اطلاع یافته بودم، کسی شبیه به حادثه تبریز، قصد سوئی دارد. احتیاط می‌کردم؛ معمولاً در نماز جمعه جلیقه ضد گلوله می‌پوشم.

ناشناس معممی، به عنوان دادن وجوه شرعی، پیش من آمد، البته ایشان قصد سوئی نداشت، ولی کار، خلاف احتیاط بود و ممکن بود، شبیه آنچه در تبریز پیش آمد، پیش آید. در نماز جمعه تبریز شخصی که نارنجک به خود بسته بوده، به آیه الله مدنی بین دو نماز نزدیک می‌شود و به ایشان می‌چسبد و با انفجار نارنجک، خودش کشته و آیه الله مدنی و شش نفر از مردم شهید و عده‌ای زخمی می‌شوند. این شخص از مجاهدین خلق بوده. جنایت بزرگی است و تأثیری عمیق در منشورتر شدن ضد انقلاب دارد. در آن لحظه رئیس شهربانی، گروهی از پرسنل شهربانی را که عازم جبهه بوده‌اند، معرفی می‌کرده.

احمد آقا، تلفنی اطلاع داد که آیه الله اعلی مشکینی را موقتاً برای نماز جمعه تبریز در نظر گرفته‌اند. آقای مشکینی، با روحیه فداکاری پذیرفته‌اند. عصر در مجلس، (جلسه) شورای عالی دفاع داشتیم. از تأخیر عملیات مقرر ناراحت بودند. گفتند سپاه آماده نبوده. سرهنگ معینی پور را به عنوان فرمانده نیروی هوایی تعیین کردیم و سرهنگ اجواد فکوری را مشاور ستاد. سپس جلسه مشورتی داشتیم. احمد آقا هم در هر دو جلسه شرکت داشت. بحث درباره کیفیت

مبارزه با تروریسم و پذیرش توبه بود. ساعت دوازده شب، در همان مجلس خوابیدم. اخبار ساعت دوازده شب را گرفتم.

شنبه ۲۱ شهریور

۱۳ ذیحده - ۱۲ سپتامبر

دو روز عقب ماندگی خاطرات را نوشتم و گزارشها را خواندم. بیانیه‌ای در مورد فوت آقای [شهاب‌الدین] اشراقی داماد امام که دیروز در اثر سکتة فوت کرده و بیانیه‌ای هم برای مجلس ترحیم ایشان و شهید مدنی به نام رئیس مجلس و شورای ریاست جمهوری نوشتم.^۱ دکتر مکرری، سفیر ما در شوروی آمد و شرحی از آنجا گفت و خیلی علیه لیبرالها؛ نگران است که اجازه برگشت به شوروی، به ایشان ندهند. پیشنهاد داشت که برای تجدید صدور گاز به شوروی، امتیاز عبور کشتی‌هایمان را از ولگا بگیریم. آقایان میرزا طاهری و رضاشامیان آمدند و درباره جلب اعتماد آقای مهدوی برای همکاری جهت تقویت محیط زیست، از من کمک می‌خواستند.

رئیس هواپیمائی [ملی ایران] آمد که درباره هواپیمای حامل من به کره شمالی صحبت کند. معلوم شد در اثر اشکالی که در هواپیمای حامل نمایندگان به بین‌المجالس پیش آمده و پس از دو ساعت پرواز به ایران برگشته، ایشان چند ساعت بازداشت شده. دیگران گفتند، این بازداشت اثر خوبی برای مرتب شدن کارها دارد.

آقای خامنه‌ای، بعد از ظهر به دفتر من آمدند. ایشان را برای پذیرفتن ریاست جمهوری، قانع کردم. ایشان معتقد نبود که روحانی رئیس جمهور شود و از طرفی مریض هستند و از یک دست، نمی‌توانند استفاده کنند. کاندیدای مناسبی غیر از ایشان نداریم. عصر هم در جلسه شورای مرکزی حزب، [روی] همین تصمیم تأکید شد.

شب، جلسه مشورتی امنیتی داشتیم. امروز تشییع جنازه آیه الله مدنی در تبریز خیلی با شکوه برگزار گردیده. قرار بود جنازه را برای تشییع به همدان ببرند که هواپیما با اشکال مواجه شده.

۱ - کتاب هاشمی رفسنجانی - پیامهای سال ۱۳۶۰ - دفتر نشر معارف انقلاب - ۱۳۷۷.



مهندس بهزاد نبوی

یکشنبه ۲۲ شهریور

۱۴ ذی‌قعدة - ۱۳ سپتامبر

صبح زود، کارهای جاری را انجام دادم و چون عازم مسافرت به خاور دور بودم، همه کارهای عقب مانده را انجام دادم. توصیه کارها را به دوستان، برای روزهای غیبت نمودم. بعضی از دوستان به خاطر وضع حساس کشور، موافق غیبت من از ایران نیستند، ولی اکثریت موافقتند. بعد از ظهر برای آماده شدن جهت سفر به منزل رفتم. چمدان را بستم و مقداری استراحت کردم. احمدآقا، عازم قم برای شرکت در تشییع جنازه آقایان مدنی و اشراقی بود. تلفنی مطالبی گفتم، از آقای مهدوی تلفنی خداحافظی کردم و به ایشان تأکید کردم، برای نامزدی ریاست جمهوری احتیاطاً اسم نویسی کنند.

آقای مهندس بهزادنبوی، این روزها مورد هجوم شایعه پردازان و تفرقه اندازها شده و حتی متهم به دست داشتن در انفجار نخست وزیری می شود و حزب توده در این شایعه پردازانها، دست دارد. ایشان آمدند منزل و نگران بودند و با هم صحبت کردیم، معلوم است که ضدانقلاب برای ایجاد تفرقه بین حزب جمهوری و مجاهدین انقلاب اسلامی و ایجاد جو سوء تفاهم، دست به این شیطنتها می زند.

ساعت نه شب، برای حرکت به کره شمالی به فرودگاه رفتم. مصاحبه‌ای با صداوسیما کردم.^۱ با یک ساعت و نیم تأخیر، پرواز ساعت ده و چهل و پنج دقیقه انجام شد. چند فروند جت شکاری ما را تا مرز اسکورت کردند. چون به طرف شرق می رفتیم، شب کوتاه می شد. بالاخره، در هواپیما خوابیدم. در فضای چین و پاکستان، پیامی به رؤسای دو کشور مخابره کردیم. همراهان، وزیر دفاع و آقایان احمد اتوکلی، علیرضا ایارمحمدی و اسدالله ایات از مجلس و عده‌ای از وزارت خارجه و سپاه و خبرنگار، مجموعاً سی نفریم. عفت و فاطمی و مهدی و یاسر و سعید هم از افراد خانواده. هواپیمای جت بوئینگ ۷۰۷.

دوشنبه ۲۳ شهریور

۱۵ ذی‌قعدة - ۱۴ سپتامبر

هواپیما پس از هشت و نیم ساعت پرواز، در ساعت دوازده و نیم، به وقت پیونگ یانگ و هفت صبح، به وقت تهران، در فرودگاه پیونگ یانگ پایتخت کره شمالی به زمین نشست.



مداکرات رسمی نامشام کوه شمالي

جمعیت زیادی از زن و مرد، با شاخه‌های گل به استقبال ما آورده بودند. استقبال رسمی بود. گارد تشریفات، رژه رفت و سان دیدیم. رئیس مجلس، معاون رئیس جمهور، فرمانده نیروهای مسلح و جمعی دیگر از شخصیتها، به استقبال آمده بودند. دختر کوچکی، دسته گل تقدیم کرد و خواست من را ببوسد، مانع شدم، لابد رنجید. برای هریک از همراهان، یک اتومبیل در نظر گرفته بودند. همه اتومبیل‌ها بنز آخرین سیستم و ساخت غرب و این برای یک کشور کمونیست عجیب است. جاده و خیابانها، خیلی تمیز و پر درخت و خوش منظره است. شهر بسیار زیبایی است، خانه‌ها یکنواخت و ساخت دولت. خیابانها خلوت و تقریباً بدون اتومبیل شخصی و فقط تراموا و کامیون و اتومبیلهای دولتی دیده می‌شود.

ما را در مهمانسرای بسیار مجلل، در باغی و جنگلی با صفا کنار رودخانه دودونگ بردند. خبرنگارها و خدمه هواپیما را در هتل و جمع ما را در دو ساختمان جداگانه، منزل دادند. دوستان اعتراض کردند و آنها را به ساختمان ما آوردند. چندین ساعت، برای استراحت ما را به حال خودمان واگذار کردند.

اولین جلسه رسمی امروز، در خانه مردم - که کاخ بزرگی است - تشکیل شد. ارتشید آجین او فرمانده نیروهای مسلح، خوش آمد گفت و از انقلاب اسلامی تعریف کرد و من جواب دادم. برای شام به سالن بزرگ دیگری رفتیم. مشروبات الکلی هم روی میزها بود، اعتراض کردیم، برداشتند. جام را که محتوی آب بود، بلند نکردیم. تشریفات زیادی بود. سخنرانی رئیس مجلس و سخنرانی من؛ که هر دو پخش شد. خیلی چیزها راجع به کشورشان پرسیدیم و جواب دادند و بعضی را جواب ندادند.

سه شنبه ۲۴ شهریور

۱۶ ذیحجه - ۱۵ سپتامبر

ساعت ده صبح، به همان محل دیروز برای مذاکره رفتیم. پیشنهاد کردند، شروع به صحبت کنم. سیاست کم کردن روابط با ابرقدرتها و کشورهای استعمارگر و توسعه روابط با کشورهای کوچک و جهان سوم ایران را گفتم و اضافه کردم که به دلیل رضایت از کره شمالی به خاطر موضع درستش در جنگ عراق و سیاست ضد استکباریش، مایلیم با آنها روابط بیشتری داشته باشیم.

معاون ریاست جمهوری، از ایدئولوژی جوچه که انسان را به جای اقتصاد، محور قرار

می‌دهد و روی استقلال تکیه دارد، صحبت کرد و از جنگ افروزی آمریکا و کره جنوبی و دادن آواکس و بمب اتمی به کره جنوبی و فشار روی تروحدت دو کره کیم ایل سونگ و برنامه هفت ساله‌اش گفت. تجاوز عراق به ما را ناروا گفتند.

من از دو نقطه مثبت جوچه که از مارکیست فاصله گرفته و به اسلام نزدیک می‌شود، ستایش کردم و تشابه سیاست آمریکا در خاورمیانه و کره را توضیح دادم و قرار شد با مسئولان هر بخش، وارد مذاکرات جزئی تر شویم.

ناهار را در محل اقامت، صرف کردیم. چهار بعد از ظهر به محل زادگاه کیم ایل سونگ رفتیم. خانه‌ای محقر در روستائی در اطراف پیونگ یانگ. سپس از تپه مجاور آن که محل مطالعه او بوده، دیدن کردیم. چند خبرنگار خارجی هم آنجا دیدیم.

به یک مزرعه نمونه رفتیم که هفتصدهکتار برنج کاری داشت و از تعمیرگاه و ماشین آلاتش دیدن کردیم. خانه‌های مسکونی کشاورزان را دیدیم. محقر و تمیز بود. یک باغ سیب را دیدیم و محصول خوشمزه پیوند سیب و گلابی را خوردیم. از مترو هم دیدن کردیم. ۳۲ کیلومتر مترو دارند، صد متر زیر زمین است. با نبودن ماشین سواری و خلوتی و کیفیت خیابانها، احداث مترو برای ما سوال انگیز بود. در جلسه مهمانی از کیم ایل سونگ توضیح خواستم، معلوم شد شرایط جنگی ایجاب کرده، در حقیقت پناهگاه است و گفت خیلی از کارخانه‌ها و مراکز مهم شان زیرزمین است.

سپس به کاخ کودک رفتیم. آنجا به بچه‌ها فنون مختلف یاد می‌دهند. تعمیر رادیو، عکاسی، تشریح، موسیقی، رقص، تزیینات، ... برنامه هنری برای ما ترتیب داده بودند. هنرشان قوی بود، اما به خاطر دخترهای نیمه برهنه برای ما ناراحت کننده بود، عده‌ای از همراهان جلسه را ترک کردند. من هم اعتراض کردم، آنها عذر خواستند.

چهارشنبه ۲۵ شهریور

۱۷ دیقده - ۱۶ سپتامبر

هشت ونیم صبح، همراه بار رئیس مجلس برای دیدن کارخانه تراکتورسازی رفتیم. سرهنگ (موسی) نامجو و آقای (محسن) رفیق دوست برای دیدن مراکز نظامی رفتند. کارخانه بزرگی است، روزی یک صد تراکتور تحویل می‌دهد. ۴۰ درصد کارکنان زن و ۶۰ درصد مردند. با دو کارگر زن و مرد صحبت کردم و چیزهای زیادی توضیح دادند. درباره ساعات کار و مبلغ

حقوق و هزینه‌های زندگی و تعداد فرزند و ...

سپس، به مزرعه نمونه مورد توجه کیم ایل سونگ رفتیم. هزار و ششصد هکتار زمین داشت و از یک طرح جالب آبیاری دیدن کردیم. از رودخانه دودونگ ۲۳ متر مکعب آب در ثانیه به ارتفاع شصت متر به دریاچه‌ای مصنوعی، پمپ می‌کنند و از آنجا با کانال کشی، اراضی وسیعی در اطراف آبیاری می‌شود و توربین‌هایی کار گذاشته‌اند که برق تولید می‌کنند. گفتند دریاچه، ۱۶۰۰ هکتار وسعت دارد. در ساعاتی کم کاری شبکه برق پمپاژ می‌کنند و در ساعات پیک برق تولید می‌کنند.

ناهار را به شهر بندری نامپور، لب دریای زرد رفتیم. مهمان شهردار و شعبه حزب کارگر شهر بودیم. سپس از کارخانه ساخت ماشینهای سنگین، دیدن کردیم. خیلی از ماشین آلات را از غرب وارد کرده‌اند. خودشان می‌گفتند ۵ درصد ولی ظاهراً بیشتر وارد کرده‌اند. عصر، به ملاقات رهبرشان کیم ایل سونگ رفتیم. کاخ، خیلی مجلل و بزرگ است. چند برابر کاخ نیاوران، تعجب از یک کشور کمونیستی است، خودشان ساخته‌اند. خیلی با ما گرم گرفت. یک ساعت و اندی مذاکره داشتیم. نقطه مشترک، ضدامپریالیسم بودن است. شام منصلی تهیه کرده بودند، همه همراهان آمدند. ضمن صرف شام، بحثهای مفیدی داشتیم. تشریفات نامطلوب را حذف کرده بودند، مثل جام بلند کردن و ... توضیح خوبی در ماهیت آمریکایی تجاوز صدام به ایران دادم که سئوالش را جواب شد. عکس با خانواده من گرفت و در روزنامه‌شان چاپ کردند. مصاحبه‌ای در همان کاخ کردم. درباره رواج فرهنگ غربی در لباس و رفتار خانمهای کره، تذکر دادم. انتظار داشتند مطابق معمول هدایای ارزنده‌ای برده باشیم، ولی ما فقط چند جلد کتاب و مجله داشتیم که روی میزی گذاشتند و فیلم تهیه کردند. شب به مهمانسرا برگشتیم. برای اولین بار توانستیم، تلفنی با تهران تماس بگیریم. با احمد آقا صحبت کردم، خبر مهمی در ایران نبود. در جنگ پروزیهای داشتیم. نماز جمعه را آقای اموسوی اردبیلی خوانده‌اند.

شب، قسمتی از فیلمهایی که از ایران آورده‌ایم، نمایش دادند. از تاریخ انقلاب، هشت حلقه فیلم آورده‌ایم. کیم ایل سونگ گفت، غربیها خیلی از سفر شما می‌گویند. گفتم، می‌خواهند بگویند ما با مارکیستها هستیم.



etabFaru





بانو عفت مرعشی دکتر سعید لاهونی کیم ایل سونگ آبت اللہ اکبر ہاشمی رفسنجانی فاطمہ ہاشمی
مہدی ہاشمی باسر ہاشمی

پنجشنبه ۲۶ شهریور

۱۸ ذیقعده - ۱۷ سپتامبر

بعد از صبحانه، چهار گروه شدیم. عده‌ای برای بازدید مراکز نظامی رفتند و جمعی برای دیدن محلی برای سفارت و عده‌ای برای دیدن بازار و فروشگاهها، ما هم اول رفتیم نمایشگاه ماشین آلات کشاورزی را دیدیم و سپس به دانشگاه اقتصاد رفتیم. کادرها را آموزش می‌دهند و همه مسئولان، سالی یک ماه آنجا مطالب کشف شده جدید را می‌خوانند. ما کتھایی برای هر نوع آموزش درست کرده بودند. رئیس مجلس همه جا، همراه من بود و تبلیغ علیه آمریکا و کره جنوبی و به نفع کره شمالی و شخص کیم ایل سونگ و حزب کمونیست می‌کرد.

سپس، به یکی از پایگاههای نظامی رفتیم، تیراندازی با توپها را دیدیم و تانکهای ساخت کره را مشاهده کردیم. بناست، تعدادی بخریم. به خاطر جنگ این یکی از اهداف مهم سنر است. ساعت دو به مقرر برگشتیم و ناهار و استراحت و سپس به دیدن موزه جنگ رفتیم. موزه عظیمی برای جنگ طولانی خود با کره جنوبی، درست کرده بودند. ما هم باید موزه‌ای برای جنگ با عراق درست کنیم. مخصوصاً سالن فیلم بسیار جالبی داشتند. آثار جنگ را خوب به نمایش گذاشته‌اند.

اول شب، به خیابان برای دیدن فروشگاههای مواد غذایی و کالاهای مصرفی خانگی رفتیم. با فروشنده‌ها و خریداران مذاکره کردیم. قیمتها نسبتاً ارزان است گفتند در سراسر کشور، حتی روستاها همین است. حقوقها و مسکن در حد متوسط زندگی است. شب از طرف رهبرشان کادوهای برای ما و تمام همراهان آوردند؛ برای من یک تابلو و دو کتاب.

جمعه ۲۷ شهریور

۱۹ ذیقعده - ۱۸ سپتامبر

ساعت هشت صبح، برای حرکت از کره به فرودگاه آمدیم. رئیس مجلس ما را بدرقه کرد. بدرقه رسمی بود و با شکوه. از دا خواستند که حرکت را دو ساعت تأخیر بیندازیم، تا آنها بتوانند، طبق معمول ساعت خودشان بیایند، ما نپذیرفتیم که برنامه ما به هم نخورد؛ به خاطر برنامه تنظیم شده در مقصد بعدی.

اجازه رفتن به فضای کره جنوبی ندادند. ناچار به شمال رفتیم و سپس به خاک چین و سپس به جنوب و مقداری راهمان دور شد. بیست و پنج هزار دلار بابت بنزین و کرایه فرودگاه و سرویس‌های دیگر پرداختیم. بنزین هر لیتر دو دلار، با اینکه مهمان یا دعوت بودیم و معمول

نیست از مهمان مدعو بگیرند.

سرزمین چین، طرف جنوب خیلی آباد و پر از مزرعه و آب بند و سد و ... از هوا دیده می‌شد. در هواپیما، دیگران خاطرات می‌نوشتند و من کارهای دیگر داشتم. خدمه هواپیما از کره خوششان نیامده بود. ساعت یک و نیم بعد از ظهر، با هفت ساعت پرواز به کوالالامپور رسیدیم، رئیس مجلس و جمعی دیگر در فرودگاه به استقبال آمده بودند. خیلی گرم گرفتند. به مهمانسرا رفتیم. شهر، پردرخت است و ترافیک شلوغی دارد. هوا گرم است، چون نزدیک خط استواست. باران شدیدی، باریدن گرفت.

عصر، به ملاقات نخست وزیر رفتیم و مذاکرات طولانی داشتیم. درباره جنگ عراق و موضع خودمان، توضیحات قانع کننده‌ای دادیم. شب در هتل هیلتون، مهمان رئیس مجلس بودیم. مهمانی ساده و دوستانه‌ای بود. خواب را به 'گست هوس' آمدیم.

شنبه ۲۸ شهریور

۲۰ ذیحده - ۱۹ سپتامبر

صبح زود بیدار شدم. پس از نماز، خاطرات دو سه روز را نوشتم. برای روزنامه حزب جمهوری، نوار پر کردم. سپس برای دیدار مجلس، به محل مجلس رفتیم. مذاکرات رسمی داشتیم، اصرار برای صلح با عراق داشتند که توضیحات ما درباره تجاوز عراق و لزوم عقب نشینی بی قید و شرط، نسبتاً قانع کننده بود. هدیه‌ای هم دادند؛ یک ساعت و کتاب به من. از سالن مجلس، دیدن کردیم. ۱۷۴ عضو دارد. با ۲۵ نفر، جلسه رسمی می‌شود. ساختمان بزرگی در کنار مجلس است که هر نماینده برای خود، یک اتاق کار مخصوص دارد و معمولاً مذاکرات مجلس را همان جا گوش می‌کنند.

سپس، به مرکز کامپیوتر و آمار کشورشان رفتیم. سیستم کامپیوتر قوی و جامع پیشرفته‌ای دارند. می‌گفتند، ۳۶ هزار پروژه در اینجا، تمام جزئیاتش ثبت است.

دکتر عبدالکریم، با فیلم توضیحات خوبی از وضع اقتصادی کشور داد. می‌گفت تا سال ۱۹۷۰ روند اقتصاد، به سوی فقیرتر شدن ضعفا و غنی‌تر شدن مستکبران بوده و از آن سال بالعکس است. شرکتهای بزرگ خارجی را ملی می‌کنند و به افراد و مردم می‌دهند. هیچ کس بیشتر از پنجاه هزار دلار، نمی‌تواند بخرد.

برای نماز، به مسجد شهر رفتیم. مسجد، نوساز، بزرگ و جامع است. امام جمعه دارد و



دیدار از کشور مالزی

تحصیل کرده مصرند. مردم کم بودند و ترتیب صحبت ما را با همان‌ها هم ندادند. مصاحبه‌ای همان جا با خبرنگاران کردم.^۱

عصر به دانشگاه بزرگ «نشال» که در ایالت مجاور است، رفتیم. یک ساعت با اساتید و کارمندان جلسه داشتیم و دانشجویان را راه ندادند. در برگشت، مراکز و مزارع کائوچو را دیدیم. خیلی جالب بود. می‌گفتند ۴۵ درصد کائوچوی دنیا را مالزی می‌دهد. و پر درآمد است. اکثریت مردم مالزی مسلمانند. اکثر پستهای کلیدی، در دست مسلمانان است. چینیها زیادند. عفت و بچه‌ها برای دیدن مراکز معلولان و یتیم‌خانه‌ها رفتند.

یکشنبه ۲۹ شهریور

۲۱ ذی‌قعدة - ۲۰ سپتامبر

امروز، آخرین روز اقامت ما در مالزی است. اولین برنامه، دیدار از دانشکده تربیت معلم دینی بود. ساعت نه و نیم صبح، وارد کالج شدیم و مورد استقبال جمعی از اساتید و دانشجویان قرار گرفتیم. دو نفر از فارغ التحصیلان الازهر به عربی خوش آمد گفتند و علاقه و ایمان خود را به انقلاب اسلامی، اظهار کردند. سپس توضیحاتی درباره کالج خود دادند که سالانه سیصد نفر دانشجو می‌پذیرد و برنامه‌های درسی و کارهای جنبی و اهداف را، اسلایدهایی هم ارائه دادند. من هم درباره ماهیت اسلامی انقلاب ایران و اثر روحانیت و مسجد و امام در انقلاب و تداوم آن صحبت کردم.

به خاطر تأخیر، قسمتی از برنامه‌ها انجام نشد؛ من جمله بحث آزاد. گفتند این کالج مرکز تبلیغ انقلاب اسلامی ایران است. من مایل بودم برنامه‌ای با دانشجویان داشته باشم، که نشد. در راه برگشت، از مزرعه کائوچو دیدن کردیم و کیفیت گرفتن شیره از درخت کائوچو را نشان دادند و از منزل یک روستائی هندو هم دیدن کردیم. ظهر در مهمانسرای محل اقامت، مصاحبه مطبوعاتی داشتم.^۱ سئوالها درباره جنگ، اشراخ داخلی، اظهارات بنی صدر، منبع تهیه اسلحه، تهمت خرید اسلحه از اسرائیل، دعوت خبرنگاران به ایران، کنفرانس غیر متعهدها در عراق، اهداف و مذاکرات مسافرت به کره و مالزی بود.

ساعت سه بعدازظهر، به فرودگاه آمدیم، برای حرکت به ایران. رئیس مجلس و جمعی از

۱ - کتاب «هاشمی رفسنجانی - مصاحبه‌های ۱۳۶۰».

۲ و ۲ - کتاب «هاشمی رفسنجانی - مصاحبه‌های ۱۳۶۰».

رجال برای بدرقه آمده بودند؛ برای نماز هواپیما را معطل کردم و بدرقه کنندگان را، خبرنگاران هم مقداری دیر رسیدند، چون از راه معمولی فرودگاه آمده بودند، معطل تشریفات شده بودند. ساعت چهار پرواز کردیم. هشت ساعت در راه بودیم. از روی هند و پاکستان، پیامی به رؤسای دو کشور مخایره کردیم.

اخبار ساعت دو بعد از ظهر تهران را، از رادیوی هواپیما، در فضای اقیانوس هند گرفتیم. در هواپیما، مصاحبه رادیو تلویزیونی درباره نتایج سفر انجام دادم و نوار خاطرات را تکمیل کردم. ساعت هشت، به وقت تهران، در فرودگاه مهرآباد بودیم. وزیر خارجه و نظامیان به استقبال آمده بودند. ساعت نه شب، به خانه رسیدیم و تا آخر شب، اخبار می گرفتیم.

دوشنبه ۳۰ شهریور

۲۲ ذیحجه - ۲۱ سپتامبر

پس از انجام کارهای متفرقه و نوشتن خاطرات روز گذشته، برای گزارش سفر به خدمت امام رفتم. گزارشها را دادم و امام توصیه کردند، به مردم در خصوص عدم ایمان کره شمالی به مارکسیسم بگویم، که بخشی از تبلیغات غرب گراها خنثی شود.

از لحظه ورود به تهران، معلوم شد که مسأله کاندیداتوری آقای خامنه‌ای، برای ریاست جمهوری [دچار مشکلاتی شده. در جامعه مدرسین قم، عده‌ای معتقدند که روحانی نباید باشد و آقای مهدوی کنی هم، احتمالاً ممکن است، نخواهند در نامزدی خود به طور جدی بمانند. با امام و احمد آقا در این خصوص صحبت کردم. امام گفتند با آقایان قم و آقای مهدوی کنی [مسأله را حل کنیم که آراء، متفرق نشود و همبستگی محفوظ باشد.

سپس در منزل احمد آقا، از آیه الله محمد صدوقی که از یزد آمده بودند، دیدار کردم. آقای موسوی خوئینی‌ها، گزارش وضع مجلس را دادند و مخصوصاً اقدامات امنیتی و با هم به مجلس رفتیم. تمام روزنامه‌ها و جزوه‌های گزارشی، هفته‌ای که نبودیم را مرور کردم. حوادث مهمی نداشته‌ایم.

با آقایان خامنه‌ای، مهدوی و محمد ایزدی در خصوص انتخابات ریاست جمهوری مذاکره کردم. عصر، عده‌ای از اعضاء جامعه مدرسین، آقایان احمد آذری [قمی، کریمی، راستی و ابطحی آمدند و نماینده سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی هم آمد. پس از مذاکره، همگی در مورد آقای خامنه‌ای توافق کردیم.

قرار بود، در یکی از جبهه‌ها، ارتش اقدام چشمگیری داشته باشد. عمل نشد. آقای موسوی اردبیلی برای پیگیری به آنجا رفته بودند. تلفنی با ایشان و سرتیپ ظهیرنژاد و وزیر دفاع و... صحبت کردم. مدعی کمبودهایی بودند که نسبتاً رفع شده.

شب را در دفتر کارم ماندم. شام، نان و پنیر و خربزه داشتیم. مهمانهای مدرسین قم هم، به همین شام اکتفا کردند. گله لطیفی هم داشتند: که چرا قبل از تصمیم‌گیری در موارد مهم، آنها را در جریان نمی‌گذاریم و آنها در مقابل عمل انجام شده، قرار می‌گیرند. جواب هم روشن بود و هم قابل قبول: کارها به قدری فوری و مستعجل است که فرصت مشاوره نمی‌گذارد؛ شرایط استثنائی و اضطراری و خطرناک کشور و انقلاب را برایشان توضیح دادم.

سه شنبه ۳۱ شهریور

۲۲ ذی‌قعدة - ۲۲ سپتامبر

طلوع فجر بیدار شدم. پس از نماز صبح، به مطالعه گزارشهای هفته‌ای که مسافرت بودم، پرداختم و کارهای عقب مانده را انجام دادم. ساعت هشت صبح، جلسه علنی داشتیم با کمی تأخیر شروع شد. گزارش تحلیلی از سفرم به مجلس دادم. تمام کارهای در دستور، انجام شد. طرح اطلاعات مرکزی مسکوت ماند^۱ و شور اول الحاق دادگاههای نظامی به دادگستری و خط مشی صداوسیما به تصویب رسید. قبل از جلسه و بعد از جلسه، به کارهای نمایندگان رسیدگی کردم که مراجعه زیاد می‌کردند.

با آقای افضل‌الله محلاتی و دیگر اعضای جامعه روحانیت مبارز، در مورد اعلان حمایت از نامزدی آقای خامنه‌ای، صحبت کردم. قرار شد من اعلامیه‌ای تهیه کنم که کردم. جواب پیامهای تسلیت صدراعظم آلمان غربی و رئیس جمهور ایرلند و... را در مورد شهادت آقای رجائی و آقای باهنر دادم.

بعد از ظهر، گروهی از سازمان امل لبنان آمدند و تقاضای کمک داشتند. آقای ارضا از زوارهای آمد و گزارشی از پرونده انبجار نخست وزیر داد. معتقد بود که بازپرس، ضعیف عمل کرده و احتمال این را که توطئه گر اصلی از سازمان سیا باشد، قوی می‌دانست. از سفارت سوریه کسی آمد و گزارشی را از یک توطئه علیه ما در عراق آورد و خواهان حل

۱ - طرح اطلاعات مرکزی، همان (طرح تشکیل وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی) است که در تاریخ ۶۲/۵/۲۷ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید.

بوشهر

دبیر کل محترم سازمان ملل جناب کورت والد هایم
اطهار همدردی آنجانب در شهادت رئیس جمهور و نخست وزیر
جمهوری اسلامی ایران موجب تشکر و دلگرمی است
امید داریم بتوانیم شر نورریسم راز کشور انقلابیمان دور کنیم و انتظار داریم سازمان ملل موضع گیری مناسب را در
مورد دولتهائی که از نورریسم حمایت میکنند بنماید.

رئیس مجلس شورای اسلامی

دبیر کل محترم سازمان ملل جناب کورت والد هایم
اطهار همدردی آنجانب در شهادت رئیس جمهور و نخست وزیر جمهوری اسلامی ایران موجب تشکر و دلگرمی است
امید داریم بتوانیم شر نورریسم راز کشور انقلابیمان دور کنیم و انتظار داریم سازمان ملل موضع گیری مناسب را در
مورد دولتهائی که از نورریسم حمایت میکنند بنماید.
رئیس مجلس شورای اسلامی

مشکل دربارهٔ مسافرت بعضی از وابستگان سوریه به ایران و تسهیل رساندن امکانات ارسالی سوریه به مبارزان عرب در داخل عراق بود.

با آقای مهندس امیرحسین موسوی هم، دربارهٔ سفارتخانه‌ها و مخصوصاً سفارت ما در مالزی و کره شمالی صحبت کردم. شب، شورای موقت ریاست جمهوری را تشکیل دادیم و دربارهٔ کیفیت اعلان انصراف آقای مهدوی کنی از نامزدی ریاست جمهوری بحث کردیم. آقای موسوی اردبیلی گزارش سفر به اهواز را دادند. آقای مهدوی گفتند، نهضت آزادی مایل است از نامزدی ایشان حمایت کنند. صلاح ندانستیم. شب را دیر وقت به خانه آمدم.



۱۳۶۰ هجری



اول وقت به جماران رفتم، برای دیدن منزلی که در جوار منزل امام، احمد آقا برای سکونت من در نظر گرفته؛ به خاطر امنیت و حفاظتی که در آن منطقه وجود دارد، منزل خوبی است و عیوبی هم دارد. قرار شد بعد از تخلیه، به آنجا منتقل شویم. گویا صاحب خانه پزشک نظامی است؛ آنها هم از شلوغی و سروصداهای آمد و رفت حسینیه جماران خسته شده‌اند و انتظار دارند در این معامله سودی هم ببرند.

سپس به مجلس رفتم. گزارشها را خواندم. با ارتش و جبهه تماس گرفتم. کارهای اداری مجلس را انجام دادم. مصاحبه‌ای هم با روزنامه جمهوری اسلامی، در مورد حمایت از ریاست جمهوری آقای خامنه‌ای داشتم^۱. با چند نئزاز وزرا در خصوص اقدامات مربوط به توسعه روابط با مالزی و کره تماس گرفتم. ساعت سه بعد از ظهر، جلسه هیأت رئیسه مجلس داشتیم. درباره امنیت و برنامه هفته آینده و... بحث و اتخاذ تصمیم شد.

در جلسه شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی شرکت کردم؛ بحث در اطراف مدیریت و تشکیلات حزب و انتخابات مجلس و ریاست جمهوری بود. ملاقاتی هم با آقای احمد اجتنی عضو شورای نگهبان داشتم؛ در خصوص نوشتن نامه‌ای به امام، برای درخواست اعمال ولایت فقیه درباره اصلاحات مهم که با عناوین اولیه فقه سازگار نیست، از قبیل اراضی شهری و... قرار بوده شورای نگهبان نامه به امام بنویسد، نوشته‌اند. آقای اجتنی از من خواستند که من بنویسم؛ موافقت کردم.

آقای نظران، دبیر شورای عالی دفاع هم آمد و درباره برنامه جلسه آینده شورامشورت کرد. شب را در مجلس ماندم و در دفتر کارم خوابیدم. از غذای پاسداران که برای سحری خوردن روزه گیران، ذخیره شده بود، استفاده کردم. تروریسم، قدری کاهش یافته، ولی فشار دادگاهها روی آنها زیاد شده. برنامه تظاهرات مسلح تروریستها شکست خورده است.

پنجشنبه ۲ مهر

۲۵ ذی‌قعدة - ۲۴ سپتامبر

خیلی زود، به عادت ساعت کره و مالزی، بیدار شدم. پس از عبادت و قدری ورزش سبک، مشغول کار شدم. گزارشها و روزنامه‌های صبح را خواندم. موج حمایت ارگانهای خط امام از آقای خامنه‌ای بالا گرفته است.

ساعت هشت صبح، جلسه علنی مجلس تشکیل شد. من از راهپیمایی پرشوردانش آموزان در روز گذشته، به مناسبت شروع سال تحصیلی، به دعوت آیت الله منتظری تشکر کردم. چند لایحه را برای تصویب به موجب اصل ۸۵ قانون اساسی به کمیسیونها فرستادیم و چیزهای دیگر هم تصویب کردیم. چون طرح توزیع عادلانه آب در دستور بود و نواقصی داشت، مجلس را زودتر تعطیل کردیم. ساعتی برای انجام درخواستهای نمایندگان صرف کردم.

بعد از ظهر، پس از نماز، آقای اغلامحسین انادی نماینده نجف آباد آمد. روزهای تعطیل را برای کمک، در زندان اوین کار می‌کرده‌اند، از بی نظمی و نابسامانی زندان و بازجویی‌ها، مطالبی گفت. بعد از ظهر مصاحبه‌ای با تلویزیون در مورد انتخابات داشتم.^۱

آقای امجد محمدی اری شهری آمد و گزارشی از دادستانی ارتش و شبکه‌های ضدانقلاب و موفقیت‌های دادگاه داد. با سرتیپ ظهیرنژاد در جبهه، تماس گرفتم و از علت تأخیر عملیات مورد قرار، پرسیدم. با رمز مقرر در این‌گونه موارد صحبت می‌شد. قول داد که عمل شود. آقای ری شهری اصرار دارد که فرماندهان سطح بالای ارتش، عوض شوند ولی امام و ماها مصلحت نمی‌دانیم؛ به خاطر وجود نقاط ضعف گذشته و با سوءظن‌ها نیروهای کاردان را از دست بدهیم و مشکل برای افراد و خانواده‌ها پیش آید. اول شب به خانه آمدم، اخبار مهمی نیست. تلویزیون گوش دادم. احمد آقا هم تلفن کرد. امام بیانیه خوبی راجع به انتخابات داده‌اند.

جمعه ۳ مهر

۲۶ ذی‌قعدة - ۲۵ سپتامبر

امروز صبح، در خانه ماندم. خاطرات عقب مانده را نوشتم. مقداری وقت، صرف مطالعه

۱ - کتاب هاشمی رفسنجانی - مصاحبه‌های ۱۳۶۰.

تفسیر برای خطبه‌های نماز جمعه کردم.

دیشب شهید مطهری را خواب دیدم، حرفهای زیادی داشتیم که یادم نیست، جز این جمله که ایشان گفت: خون شهید را نمی‌گذارند روی زمین بریزد^۱. مادر مجید فیاضی آمد؛ برای فرزندش که بازداشت شده، کمک می‌خواست.

افسر شهربانی اسکورت هم آمد و راجع به ساختن خانه‌های کارمندان شهربانی - که زمین از بنیاد گرفته‌اند و دچار اشکال شده - کمک خواست. قرار شد تحقیق و اقدام کنم. ساعت یازده در دانشگاه، برای اقامه نماز جمعه حاضر شدم. سخنران قبل از خطبه‌ها، آقای اعلی اشمخانی فرمانده اسپاه پاسداران خوزستان بود. قطعنامه‌ای هم برای هفته جنگ قرائت شد. آقای سید محمد باقر حکیم به مناسبت حضور مهاجران عراقی در نماز، سخنرانی کوتاهی داشت و [هاشم آدین] نماینده نهضت مورو (فیلیپین) هم صحبت کرد. من خطبه‌ها را در باره نتایج سفر به کره و مالزی و جنگ و انتخابات ریاست جمهوری ایراد کردم^۲.

ساعت پنج بعد از ظهر، در جلسه شورای عالی دفاع در مجلس شرکت کردم. اکثر جبهه‌ها را کد است. کاری که بنا بود بشود، هنوز نشده؛ قرار شد تعقیب کنم. گزارشی داشتیم که بین بارزانی‌ها و طالبانی‌ها (کردهای عراقی) درگیری است و از ما چاره خواسته بودند.

از سوریه به ما اطلاع داده بودند که دوهزار نفر ایرانی، مرکب از مجاهدین و افراد سلطنت طلب و... در عراق، برای خرابکاری دوره می‌بینند. آقای مهندس [میرحسین] موسوی گزارش سفر به لیبی، همکاری لیبی، سوریه و عدن برای حل مشکل در رابطه با کثرت تولید نفت عربستان سعودی و کمک به ما در تهیه نیازهای جنگی داد. مشکل آوارگان افغانستان هم مطرح شد. بعد از جلسه مصاحبه کردم.

۱ - استاد آیت‌الله شیخ مرتضی مطهری اندیشمند و متفکر بزرگ اسلامی و عضو شورای انقلاب، در اردیبهشت - سال ۱۳۵۸ توسط تروریستهای گروه فرقان، به فیض شهادت نائل آمدند.

۲ - کتاب «هاشمی رفسجانی - خطبه‌های جمعه - جلد اول».

شنبه ۴ مهر

۲۷ ذی‌قعدة - ۲۶ سبتمبر

چند روز از خاطرات مسافرت را که در دفتر وارد نشده بود، وارد کردم. تا ساعت نه ونیم در خانه بودم و بعد به مجلس رفتم. گزارشها را خواندم و کارهای اداری را انجام دادم. باز، کاری که بنا بود در جبهه بشود، انجام نشده. تیمسار فلاحی ابتدا اطلاع داد که شروع شده، کمی بعد گفت، اشتباه شده. گروهی را به جبهه فرستادیم تعقیب کنند.

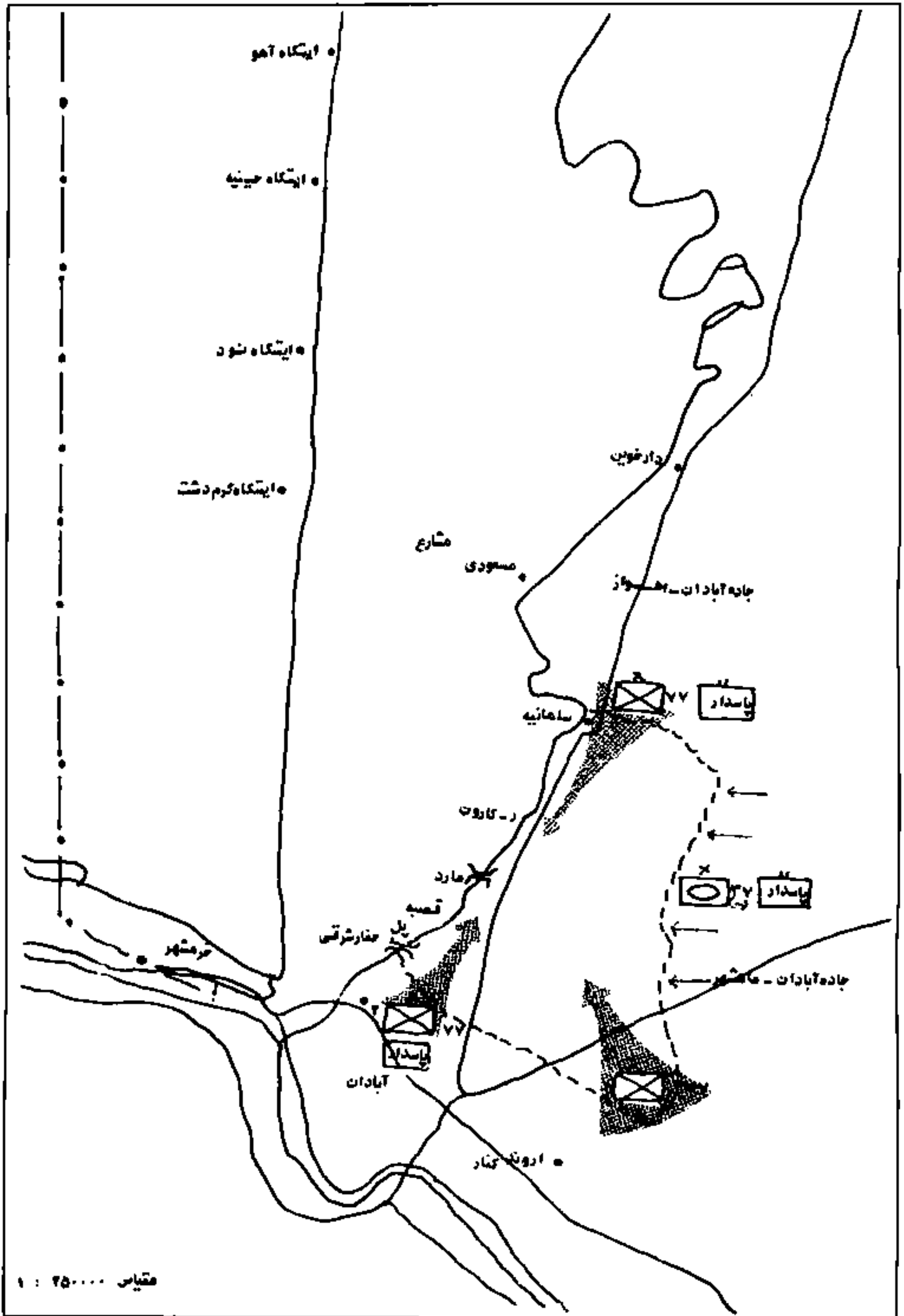
ناهار را در منزل آقای موسوی اردبیلی با حضور آقایان مهدوی (کنی)، خامنه‌ای و احمد آقا بودیم. آقای مهدوی (کنی) پیشنهاد داشت به کلی اعدامها قطع شود و با محاربان ملایمت کنیم که تصویب نشد. پیشنهاد درست کردن زندان قرنطینه و پذیرش توبه و راه برگشت، پذیرفته شد و آقای (موسوی) اردبیلی مسئول اجرا گردیدند. راجع به کمبود ارز بحث شد و قرار شد در فروش نفت جدی باشیم.

ساعت شش به مجلس رفتم. کارها را انجام دادم و گزارشها را خواندم. تروریسم سبکتر شده، ولی هنوز ریشه‌هایش کنده نشده. هر روز تقریباً بیست مورد در سراسر کشور در سطح ترور پاسدار و بسیجی و پرتاب سه راهی و کوکتل و... پیش می‌آید. در مقابل، هر روز جمعی از تروریستها بازداشت و گروهی کیفر می‌بینند و منزوی تر هم می‌شوند. روند حرکت، به سوی نابودی تروریسم است؛ اما مشکل و طولانی.

یکشنبه ۵ مهر

۲۸ ذی‌قعدة - ۲۷ سبتمبر

اول وقت، تیمسار فلاحی از خوزستان تلفن کرد که دیشب، ساعت دوازده، عملیات طرح حمله به نیروهای عراقی در شرق کارون شروع شده و در ساعت اول، دشمن از هر طرف محاصره و در حال انهدام است. این همان چیزی است که در یادداشت‌های گذشته مکرر خوانده‌اید و منتظرش بودیم. یازده ماه پیش، عراق با پل زدن روی کارون به شرق نفوذ کرد و جاده آبادان - اهواز و آبادان - ماهشهر را تصرف کرد و آبادان را محاصره نمود و امروز نیروهای ما با وارد کردن ضربه کاری، آنها را شکست دادند. تا آخر شب، آخرین خبر این است



عملیات ثامن الائمه
هدف عملیات : شکست حصر آبادان

که به کلی تارومار شده‌اند. هزارها اسیر و مقدار زیادی غنائم و تعداد فراوانی کشته و مجروح داده‌اند^۱. ممکن است این پیروزی، مقدمه شکست نهایی عراق و پیروزی کلی سیاسی و نظامی ما بشود.

مجاهدین خلق، که در داخل با عراق همکاری دارند، امروز با ایجاد چند صحنه جنون آمیز با برخورد مسلحانه، تلاش کردند که نشاط و شور این پیروزی را بگیرند، ولی موفق نشدند، چند اتوبوس را آتش زدند و چند نفر را شهید و مجروح کردند و خودشان دهها کشته و اسیر دادند. اکنون رسماً به صورت ستون پنجم دشمن عمل می‌کنند. مجلس جلسه علنی داشت و تعدادی مصوبه و ارجاع به کمیسیونها برای تصویب.

آقای [محمدرضا] امین ناصری، نماینده آستانه اشرفیه آمد و از فشار حزب اللهی‌ها شکایت داشت. عصر، گروهی از نمایندگان - به اصطلاح - لیبرال که در تعطیلی مجلس، به لیبی و الجزایر سفر کرده بودند، آمدند و گزارشی از سفرشان دادند و همان شکایت امین ناصری و پیشنهاد چاره‌ای برای درگیریهای داخلی و کم شدن خشونت داشتند و همه اینها دنبال این مطلب‌اند. بعضی حسن نیت دارند و بعضیها از تارومار شدن مجاهدین خلق نگرانند. گفتم، آنها جنگ داخلی راه انداخته‌اند؛ چه بکنیم؟!.

عصر، شورای مرکزی حزب، جلسه داشت. آقای شریف خانی به عنوان قائم مقام تعیین شد. شب، زودتر به خانه آمدم که اخبار پیروزیهای امروز را گوش دهم؛ خیلی جالب است و اعجاب انگیز.

۱. بنا به نوشته کتاب «کارنامه عملیات سپاهیان اسلام» در عملیات ثامن الائمه تجهیزات منهدم شده دشمن عبارت بود از: حدود ۹۰ دستگاه تانک و نفربر، حدود ۱۰۰ دستگاه خودرو، چندین انبار مهمات، همچنین در این عملیات لشکر ۳ زرهی ارتش عراق شامل تیپ ۸ مکانیزه، تیپ ۶ زرهی و دو تیپ دیگر تحت امر این لشکر منهدم شدند و بیش از ۲۰۰۰ نفر از افراد دشمن کشته و زخمی شدند و ۱۸۰۰ نفر به اسارت نیروهای ایرانی در آمدند. غنایم این عملیات نیز عبارت بود از: ۱۶۰ دستگاه تانک و نفربر، ۱۵۰ دستگاه خودرو، ۳۰ دستگاه بولدوزر، ۵ قبضه توپ ۱۵۲ میلیمتری، ۲ قبضه گازیو شاه، تعدادی تفنگ ۱۰۶ میلیمتری و سلاحهای سبک و سنگین و مقدار زیادی مهمات و سلاحهای انفرادی. (کارنامه عملیات سپاهیان اسلام در هشت سال دفاع مقدس، مرکز فرهنگر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۷۳، صفحه ۱۶).

دوشنبه ۶ مهر

۲۹ ذیحده - ۲۸ سبتمبر

خاطره دیروز را نوشتم و مقداری تفسیر قرآن مطالعه کردم. ساعت هشت صبح، جلسه علنی داشتیم. به مجلس رفتم. قبل از شروع دستور، درباره پیروزی آبادان و عملیات منافقان، سخنان مفصلی گفتم.^۱ ابعاد پیروزی را روشن کردم و به سربازان عراق و کشورهای حامی عراق، اخطار کردم و روشن کردم که بنی صدر، مانع حرکت ارتش بود و عمل خرابکاران، برای از بین بردن آثار روانی سیاسی پیروزی است. دستورهای مجلس به خوبی انجام شد. چند طرح و لایحه را برای تصویب به کمیسیونها تفویض کردیم و چند لایحه را تصویب نمودیم. پس از جلسه، هیأت رئیسه جلسه داشت. برنامه هفته آینده را تنظیم کردیم.

گروه بازسازی، پرونده‌های کارکنان مجلس را مطالعه و اظهار نظر کرده بود. چند نفر را به انفصال، باز خرید و باز نشستگی محکوم کرده بودند. مورد تصویب ما قرار نگرفت؛ تند و افراطی عمل کرده‌اند. قرار شد تجدید نظر کنند.

بعد از ظهر، با شیر بلژیک ملاقات داشتم. مهندس مروت و آقای احمد اتو کلی برای ساختمان خانه‌های نمایندگان مجلس آمدند و پیشنهادات اصلاحی داشتند. بهزاد نبوی آمد و درباره سیاست بازرگانی و همکاری بیشتر، بین حزب و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و ترکیب کابینه، مذاکره کردیم.

شب، در دفتر آقای مهدوی کنی با شورای عالی قضائی و اطلاعات، جلسه مشورتی داشتیم. درباره کارهای جاری مشورت کردیم. با آقای ظهیر نژاد و سرهنگ نامجو در اهواز، تلفنی صحبت کردم. آمار اسرای عراقی در شرق کارون را ۱۵۸۹ نفر و کشته‌ها و غنائم را هنوز آمار ندارند؛ چون در صحنه‌ای به وسعت ۱۴۰ کیلو متر مربع، متفرق‌اند و همه اسرا هم هنوز جمع نشده‌اند.

آقای سید حبیب... طاهری، عضو مجلس خبرگان را که در گرگان ترور کرده‌اند و فک و زبان‌شان آسیب دیده، به تهران آوردند. در بلوای دیروز خرابکاران، ۱۶ خرابکار کشته و سی نفر

۱- یک کتاب و نامبر رفسنجانی - نقلیات پیش از دستور، ۱۳۶۰.

از مردم و پاسداران شهید شده‌اند و بیش از یکصد و پنجاه نفر، دستگیر شده‌اند.

سه شنبه ۷ مهر

۳۰ ذیحجه - ۲۹ سپتامبر

در خانه ماندم. در مجلس کاری ندارم. آقای توکلی‌بینا، مسئول مستغلات بنیاد مستضعفان آمد و گزارشی از کارش داد و مبلغی از خودش، برای کارهای خیر در اختیار من قرار داد؛ برای دادن به جنگ زدگان و تبلیغات اسلامی. عازم مکه است، برای کمک.

متأسفانه، ساعت نه صبح خبر شهادت آقای سید عبدالکریم هاشمی نژاد در مشهد در مقابل دفتر حزب جمهوری اسلامی با نارنجک، رسید. گویا تروریست، نارنجک به خودش بسته، یا در دست گرفته و به ایشان چسبیده و نارنجک منفجر شده. خبر بسیار تلخی است. ایشان از سرمایه‌های انقلاب بودند، خسارت سنگینی است. اطلاعات بعدی نشان داد که تروریست هم کشته شده و دو نفر دیگر مجروح شده‌اند. امام، در صحبت‌های امروز از ایشان تجلیل کردند و گفتند؛ این جنایت برای اخلاص در انتخابات است و برای روز جمعه، در دانشگاه مجلس فاتحه، از طرف ایشان اعلام شد.

اول شب، خبر رسید که هواپیمای حامل تعدادی مجروح جنگی، جنازه و چند نفر از سران نظامی، تیمسار فلاحی رئیس ستاد، سرهنگ نامجو وزیر دفاع، کلاهدوز قائم مقام سپاه و سرهنگ فکوری و... نزدیک تهران [کهریزک] سقوط کرده، عده‌ای شهید و عده‌ای زخمی‌اند. تا آخر شب با مراکز نظامی در تماس ۱۳۰-۰ بودم. خبر روشنی، در علت سقوط و سرنوشت آقایان به دست نیامد. احتمال خرابکاری می‌رود. امکان معمولی بودن حادثه هم هست؛ باید تحقیق شود. تلخی حوادث، فشار و سنگینی زیادی برآیم آورد.

۱ - سید عبدالکریم هاشمی نژاد دبیر حزب جمهوری اسلامی مشهد و از نمایندگان مردم خراسان در مجلس خبرگان از جمله اندیشمندان و متفکران اسلامی بود که توسط تروریست‌های وابسته به سازمان محاهدین خلق به شهادت رسید. وی سال‌های زیادی را در زندان‌های رژیم پهلوی در راه مبارزه با استبداد سپری کرده بود. کتاب معروف او «مناظره دکتر و پیر» از جمله کتاب‌های خوب و آگاه‌کننده‌ای بود که در گرایش جوانان به دین اسلام نقش ارزنده‌ای داشت.

چهارشنبه ۸ مهر

۱ دیماه - ۳۰ سپتامبر

اول وقت با ستاد مشترک تماس گرفتم. حادثه هواپیما هنوز در ابهام است. احتمال شهادت فرماندهان نظامی زیادتر شده، چون جلوی هواپیما سوخته است، ولی خلبان و کمک خلبان زنده‌اند. تیمی برای تحقیق اعزام شده‌اند. با احمد آقا و جاهای دیگر هم تماس گرفتم. قرار شد اعلامیه‌ای که فقط اصل خبر را می‌دهد، پخش شود.

ساعت نه صبح، در دفتر آقای مهدوی اکتی ابا حضور احمد آقا و آقای موسوی اردبیلی و آقای خامنه‌ای جلسه‌ای داشتیم. تحقیقات نشان می‌دهد که به احتمال قوی، خرابکاری نبوده و چهار نفر آقایان فلاحی، نامجو، کلاهدوز و فکوری جزو شهدا هستند. هواپیما حامل ۳۳ جنازه، ۳۲ مجروح و ۲۵ نفر مسافر دیگر بوده است که فقط ۲۳ نفر زنده مانده‌اند. اعلامیه‌ای تهیه شد و امام هم بیانیه‌ای دادند. در مورد جانشین آنها مشورت کردیم و تشییع جنازه‌ها را به فرداموکول کردیم.

ناهار را در دفتر آقای مهدوی ماندم. سپس به دفتر خودم رفتم. گزارشها را مطالعه کردم. متأسفانه، یکی دیگر از دوستان، مجید حداد عادل استاندار کرمانشاه - که خبرنگاران را به جبهه آبادان برده بود - روز سه شنبه با ترکش خمپاره، شهید شد. روز سه شنبه ۶۰/۷/۷ برای ما روز تلخی بود. هاشمی نژاد، مجید حداد عادل و سرنشیان هواپیمای ۱۳۰-۵ از دستمان رفتند. شیرینی پیروزی عملیات ثامن الائمه را از بین برد. برای حل مشکلات جانشین افراد جدید، تماسهایی گرفتیم.

نمایندگان مجلس، که از بین المجالس کوبا آمده بودند، گزارش دادند. نقاط قوت و ضعفی دارند. شب به خانه آمدم. بیشتر وقت اخبار را اعلامیه‌های شهدا، خبر تصرف سی خانه تیمی از ضدانقلاب و بازداشت گروهی از سران آنها گرفت، ولی نمایش اسرای عراقی و فتح شمال آبادان مقداری جبران کرد. کار مهمی است که می‌تواند روحیه نیروهای ما را بالا ببرد و روحیه بعثیها را بشکند.



نیمسار ولی اللہ فلاحی



سرہنگ جواد فکوری



یوسف کلاهدوز



سید عبدالکریم ہاشمی نژاد

پنجشنبه ۹ مهر

۲ دیماه - ۱ اکتبر

امروز صبح، در منزل آقای خامنه‌ای جلسه‌ای داشتیم که جانشینهای سران ارتش را - که در سانحه هواپیما شهید شده‌اند - تعیین کنیم. تیمسار ظهیرنژاد هم شرکت داشت. آقایان (موسوی اردبیلی، احمد آقا و مهدوی کنی هم بودند. آقای ظهیرنژاد وضع جبهه‌ها و طرحهای آینده جنگ را گفت. به ایشان پیشنهاد سمت ریاست ستاد شد. راضی نبود و نوعی حذف تلقی می‌کرد و معتقد بود در نیروی زمینی، نقش بهتری دارد و در ستاد، نیرویش را کد است؛ ولی نظر ایشان پذیرفته نشد. برای ستاد، دولتمردان نظامی لازم است. سرانجام ایشان رئیس ستاد مشترک و آقای صیاد شیرازی فرمانده نیروی زمینی شدند. مسأله هماهنگی سپاه و ارتش، در انتخاب آقای صیاد نقش داشت؛ اختلاف این دو نیرو برای جنگ بسیار ضرر دارد و هماهنگی‌شان کار ساز است. سرهنگ سلیمی (به عنوان) وزیر دفاع معین شدند و احکام لازم تهیه شد. امام امروز حکمها را صادر کردند و نخست وزیر، آقای سلیمی را به شورای ریاست جمهوری پیشنهاد کرد.

تشییع جنازه شهدا، از مقابل دانشکده افسری و مجلس خیلی با روح و با حال و با شکوه تمام انجام شد. ظهر به مجلس رفتم. کارها را انجام دادم و بعد از ظهر مصاحبه‌ای با تهران تایمز^۱ و ملاقاتی با معاون نخست وزیر رومانی که در رأس هیأتی (به خاطر) مذاکره برای توسعه روابط دو کشور، در ایران به سر می‌برد، داشتم. از پیشرفت مذاکرات، راضی بود و از من دعوت کرد که به رومانی سفر کنم؛ پذیرفتم.

ملاقاتی با جمعی از مهندسان خط امامی اصفهان داشتم که از برخوردهای آقای طاهری، امام جمعه اصفهان، شکایتهای غیر قابل توجه داشتند. آقای مرتضی الویری هم آمد و درباره سفرشان به کوبا گفت و در رابطه با طرح اطلاعات مرکزی گفتگو کردیم. خبر دستگیری (مسعود) کشمیری عامل انفجار نخست وزیری را داشت؛ که تأیید نشد. خبرهایی از دستگیری گروهی از افراد فعال تروریستها رسید.

۱. کتاب هاشمی رفسنجانی - مصاحبه‌های ۱۳۶۰ - دفتر نشر معارف انقلاب - ۱۳۷۷.

اول شب با سفیر کره شمالی ملاقات داشتم که برای توسعه روابط، تلاش دارد و خبر از آمدن هیأت‌های کره‌ای می‌داد. دولت کویت، شکایت کرده که هواپیماهای ما، یک مجتمع نفتی را در کویت بمباران کرده‌اند. مسئولان تکذیب کرده‌اند.

جمعه ۱۰ مهر

۳ ذیحجه - ۲ اکتبر

صبح، تا ساعت ده ونیم در منزل ماندم. برای خطبه‌های نماز جمعه مطالعه کردم. امروز انتخابات ریاست جمهوری است و هم در چند شهر، منجمله تهران، انتخابات میان دوره‌ای مجلس شورای اسلامی.

ضد انقلاب اعلان کرده که در انتخابات آشوب به راه می‌اندازند و شرکت در انتخابات را تحریم کرده است، ولی به طوری که اطلاعات می‌رسد، هجوم مردم به مراکز رأی‌گیری، خیلی زیاد است و اثری هم از تروریستها نیست. شهرها، خوب حفاظت می‌شوند.

شایعه توطئه سوء قصد به جان من و سایر مسئولان قوی است و به همین جهت محافظت شدیدتر است. ساعت یازده به دانشگاه رسیدم. فاتحه برای شهیدهاشمی نژاد و شهدای سانحه هواپیما هم از طرف امام و مسئولان، قبل از نماز در دانشگاه برگزار شد. خانم کلاهدوز و فرزندان خردسال کلاهدوز و نامجو، برادر هاشمی نژاد و ایحی ارحیم صفوی، فرمانده عملیات سپاه در خوزستان و آقای فلسفی صحبت کردند.

خطبه‌ها را خواندم. خطبه‌ای در توضیح نظام کیفری اسلام و مخصوصاً اجرای حدود و به خصوص حد محارب. خطبه دوم در مورد شهدای هفته و پیروزی هفته^۱. ناهار را به مجلس رفتم.

ساعت پنج بعد از ظهر، شورای عالی دفاع در مجلس تشکیل شد. گزارش فتح و برنامه‌های آینده جنگ را دادند. فتح مهمی بوده^۲. باید مفصلاً وارد تاریخ شود و در دانشگاه جنگ

۱- کتاب هاشمی رفسنجانی - خطبه‌های جمعه - جلد اول - ۱۳۶۰.

۲- اشاره به عملیات ثامن الائمه، این عملیات با رمز نصر من الله و فتح فریب^۱ در ساعت ۱ بامداد پنجم مهرماه ۱۳۶۰ در منطقه

تدریس گردد. چند نفر از فرماندهان لشکرها از انتصاب آقای صیاد شیرازی به فرماندهی نیروی زمینی ناراضی بودند. فرمانده نیروی هوایی و آقای ری شهری آمدند و تا ساعت ده شب، درباره نیروی هوایی و برنامه عملیات و پاکسازی و اختلافاتشان با نیروی زمینی، مذاکره داشتند.

باز هم کویت اعلام کرده که هواپیماهای ما مرکز نفتی کویت را بمباران کرده‌اند. دروغ است و آمریکاییها قضیه را تعقیب می‌کنند و مسئولان وزارت خارجه ایران! تکذیب کرده‌اند. مصاحبه‌ای با خبرگزاری پارس کردم^۱. شب رادر مجلس خوابیدم.

شنبه ۱۱ مهر

۴ ذیحجه - ۲۲ اکتبر

بعد از نماز صبح، در مجلس مشغول کار شدم و با تلفن کردن به مسئولان دیگر، کارهایی انجام دادم. روزنامه‌های صبح را خواندم؛ خبر مهمی نداشتند. دیروز، انتخابات خیلی خوب برگزار شده است. نتیجه آراء جالب است. امروز، بیشتر حوزه‌ها اعلان شده. رقم آراء از دوره قبل هم بالا زده و شاید ۲۰ درصد بالا باشد و این برای دشمنان، یأس آور است و راستی این علاقه و حمایت مردم از دولت و امام، خیلی جالب است. صبح، با شورای عالی دفاع، فرماندهان نیروها و سپاه، خدمت امام رسیدیم. امام صحبت‌های خوبی کردند و درباره برنامه آینده جنگ هم، با امام مشورت کردیم و خطوط کلی آینده را معین کردیم. ناهار را به منزل آمدم. بچه‌ها نیستند. هر کسی دنبال کار خودش است. امروز شهر بوکان

(ادامه باورفر از صفحه قبل)

عملیاتی شمال آبادان در یک مرحله انجام گرفت. هدف این عملیات تصرف پل‌های دشمن بر روی رودخانه کارون، تصرف و تأمین حاده‌های آبادان - ماهشهر و آبادان - اهواز، به منظور شکست حصر آبادان و اهدام نیروهای دشمن بود. در عملیات تأمین الاثمه علاوه بر حاده‌های مذکور، کارخانه‌های قاپو سازی و شیر پاستوریزه از دست دشمن آزاد شد و رزمندگان اسلام موفق شدند ۱۵۰ کیلومتر مربع از خاک خورستان را نیز آزاد نمایند. (کارنامه عملیات سپاهیان اسلام در هشت سال دفاع مقدس، مرکز فرهنگی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۷۳، صفحه ۱۵).

۱- کتاب هاشمی رفسنجانی - مصاحبه‌های ۱۳۶۰.

که مدتی در اختیار ضدانقلاب کردستان بوده، آزاد شد.^۱ حرکت آقای صیاد شیرازی در کردستان خیلی خوب اثر می‌دهد.

یکشنبه ۱۲ مهر

۵ ذیحجه - ۲ اکتبر

قرار بود، جلسه علنی داشته باشیم. ۱۷۶ نفر بیشتر نیامدند و به خاطر کمبود ۴ نفر از حد نصاب رسمیت، جلسه تشکیل نشد. گروهی که از کوبا برگشته بودند، جلسه‌ای تشکیل دادند، در آن جلسه شرکت کردم و گزارش کارشان را دادند. جلسه کمیسیون آئین نامه، تشکیل شد و نایب رئیس دوم و وقت جلسات بعد را تعیین کردیم.

آقای مهندس امهدی‌بازرگان نامه‌ای از خانواده علی اردلان به من داد. مدتی است او را بازداشت کرده‌اند و تقاضای کمک داشتند.

نمایندگان میناب و بندرعباس، به دفتر من آمدند و برای رفع کمبودهای منطقه، کمک خواستند. مصاحبه مفصلی با روزنامه جمهوری اسلامی داشتم.^۲ عصر در مجلس، جلسه شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی داشتیم. سپس، در دفتر آقای خامنه‌ای، ریاست جمهور تازه انتخاب شده، درباره کیفیت کار جلسات بعد و ترکیب اعضای دفتر و همکاری رئیس جمهور و نخست وزیر، بحث کردیم.

درباره نخست وزیر، مشکلاتی داریم. آقایان پرورش، میرسلیم و غرضی مطرح شدند، ولی به جایی نرسیدیم. آقای مهدوی‌اکنی، اعلان کرده‌اند که کسی را پیدا کنیم و خودشان هم بی‌میل به ماندن نیستند. باید به نظر امام و مجلس و سایر اهل حل و عقد هم توجه کنیم. ساعت نه شب به خانه آمدم و تا آخر شب، به تلویزیون نگاه کردم. فیلم سفر به مالزی من را گذاشتند. حادثه مهم تروریستی نداشتیم.

۱ - شهر بوکان واقع در استان آذربایجان غربی مدت دو سال و نیم در اشغال حزب دموکرات کردستان بود که با رشادت رزمندگان اسلام آزاد شد.
۲ - کتاب «هاشمی رفسنجانی - مصاحبه‌های ۱۳۶۰».

دوشنبه ۱۳ مهر

۶ ذیحجه - ۵ اکتبر

جلسه علنی داشتیم. چند لایحه برای تصویب به کمیسیونها ارجاع شد و دوفوریت لایحه بازرسی کل کشور تصویب شد. چند اعتبار نامه از نمایندگان که در شعبه، رد شده بود، به کمیسیون تحقیق ارجاع شد.

وزیر کشاورزی، برای جواب سؤال آقای عبدالکریم اشرفی نماینده داراب و توضیح درباره پیشرفتهای وزارتخانه آمده بود. یک ساعت توضیح داد. آخر جلسه را آقای موسوی اخوینی ها اداره کرد. من به دفترم رفتم و کارهای اداری را انجام دادم. آقای مهندس میرسلیم و همکارانش در بنیاد جنگ زدگان آمدند و گزارشی از کارهای خود دادند. از انتقادات آقای اسیداحمد زرهانی نماینده دزفول در مجلس، ناراحت بودند. خوب کار کرده اند و مسأله جنگ زدگان را که ممکن بود، باعث انفجار شود - تبدیل به وسیله ای برای حرکت و سازندگی کرده اند. شب را در دفتر کارم خوابیدم. دو مصاحبه در تلویزیون، با افراد مجاهدین خلق که پشیمان شده بودند، انجام گرفت؛ جالب و آموزنده بود. ساعت دوازده خوابیدم.

سه شنبه ۱۴ مهر

۷ ذیحجه - ۶ اکتبر

ساعت هفت صبح تا ساعت ده، جلسه کمیسیون آئین نامه داشتیم. صبحانه راضمن کار در جلسه صرف کردیم. ده ماده پیشرفت کردیم. به دفترم آمدم و کارهای اداری را انجام دادم. نهار را، طبق قرار قبلی، به منزل آقای خامنه ای رئیس جمهور رفتم. درباره نخست وزیر، نماز جمعه، حفاظت و کارهای دیگر، مشورت کردیم و بعد از نماز ظهر به دفترم برگشتم. نماینده آبادان، آقای ایرج اصفاتی دزفولی آمده بود و مطالبی داشت؛ انجام دادم. پس از استراحت، از ستاد جنگهای نامنظم آمدند و شکایت کردند از مدیریت جنگهای نامنظم؛ و پیشنهاداتی داشتند.

احمد آقا تلفن کرد و اطلاع داد که خبر سوء قصد به [انور] سادات رئیس جمهور مصر روی



مهندس مهدی بازرگان سخنران قبل از دستور

تلکس آمده. اخبار تلکس مجلس را خواستم. متصدی تلکس رفته بود و بی‌نظمی داشت. بالاخره ورقه‌ای آوردند. معلوم شد در جریان سان دیدن و تماشای رژه، به او و همراهانش حمله شده و او و چند نفر دیگر کشته و زخمی شده‌اند. گروهی از مردم ما از خوشحالی، شب بر پشت بامها الله اکبر گفتند.^۱

اول شب، مسؤول اطلاعات، آقای خسرو تهرانی و گروهی از دوستانش آمدند و درباره تشکیل اطلاعات مرکزی که سپاه مخالفت می‌کند، بحث کردیم. قرار شد جلسه مشترکی تشکیل دهیم. شب به خانه آمدم. عفت فرشتها را به خانه جدیدی که در جوار بیت امام گرفته‌ایم، برده و خانه بی حال بود و عفت خسته. اخبار مربوط به مرگ سادات را به طور منصل از صداوسیما نقل کردند.

چهارشنبه ۱۵ مهر

۸ دی‌ماه - ۷ اکتبر

جلسه علنی داشتیم، مهندس امیدی بازارگان، اولین سخنران قبل از دستور بود. در قسمتی از اظهاراتش ضمن اظهار تأثر از شهید شدن پاسداران و شخصیتها به دست تروریستها، از اعدامها و سخت‌گیریهای دادگاههای انقلاب هم انتقاد داشت و آمریکایی بودن تروریست‌ها را مردود دانست.^۲ اظهارات ایشان، مورد اعتراض شدید جمعی از نمایندگان قرار گرفت. مجلس را

۱. محمد انور سادات رئیس جمهور مصر به عثت مصالح با اسرائیل و عقد قرارداد کمپ دیوید، مورد غضب اغلب کشورهای اسلامی و سازمان آزادی فلسطین بود. وی توسط ستوان خالد اسلامی از افسران مسلحان مصر، کشته شد.

۲. مهندس مهدی بازارگان در قسمتی از این سخنرانی گفت:

... با کمال تأثر و با توسل به درگاه ذولجلال، باید اقرار کنیم که آتش هولناک در کشور عربیزمان شعله کشیده، خرمن امت و دولت و دین را مورد تهدید قرار داده، کمتر کسی است که در مسدود نمودن آتش برآید، بعضی می‌کوشند، آتش را فروخته‌تر ساخته بر خرمن طرف مقابل بیدارند، همه باعیده می‌شوند. حوزه‌های علمیه از گلهای سرسبز خود خالی می‌شود که اذمان العالم نام فی الاسلام، نغمه لایبده‌اشی برادران آرزیده و غیر قابل حسرتی از مسوولین دولتی و اشگری و ار سپاه و کمیته به شهادت می‌رسند، به همراه خانها اثاث و دارائی‌ها از بیت‌الحائ و از ملت به هدر می‌روند، افرادی بی‌گناه در معابر و منازل کشته و معلول می‌شوند و همچنین نوزها لادن دختر و پسر و کسان وابسته و هوندار یا برکنار که در درگیریهای خیابانی و دادگاههای انقلابی، قربانی تقاضای انحراف و با انتقال می‌گردند. نوزها لانی که هر چه باشد، جگر گوشه گان و پرورش یافته گان امید این مملکت بوده، عاشقوار یا دیوانه‌وار، فداکار یا گناهکار در طاس لعنه‌ای افتاده‌اند. در حالی که هر طرف گروه مقابل را منافق یا مرتجع و

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

متشنج و ترک کردند و به ایشان اعتراض نمودند. کسی از ایشان دفاع نکرد. دوستانش هم وحشت کرده بودند. مجلس را به عنوان تنفس، تعطیل کردم.

پس از نیم ساعت، دوباره کار را شروع کردیم. دستور جلسه، بحث در لایحه بازرسی کل کشور بود. با قید دو فوریت مطرح بود و شورای نگهبان حضور داشت. به خوبی ادامه یافت. ظهر جمعیتی از بازاریان^۱ که جریان مجلس را از رادیو شنیده بودند، به عنوان اعتراض به اظهارات آقای بازرگان، مقابل مجلس آمدند و شعارهای تند علیه ایشان، لیبرالها، بنی صدر، امریکا و منافقان می دادند و همان جا نماز خواندند. جمعی از نمایندگان با آنها صحبت کردند. من هم به میان آنها رفتم. دادستان انقلاب، تصمیم به بازداشت آقای بازرگان گرفته بود، مانع شدم.

عصر، جلسه مشترک هیأت رئیسه و رؤسای شعبه‌ها داشتیم، برای تعیین اعضای جدید کمیسیونها. سپس جلسه هیأت رئیسه داشتیم. دستور هفته بعد را تعیین کردیم و امور امنیتی را رسیدگی کردیم.

بحثی درباره کسانی که گروه تحقیق، پیشنهاد تصفیه آنها را کرده بود، داشتیم. در نظریه‌ها تندی شده بود، نپذیرفتم. معلوم شد، گروه تحقیق که از آموزش و پرورش آمده‌اند، برخورد افراطی و تند دارند. قرار شد، تحقیق بیشتر شود. شب در مجلس خوابیدم. خبر ترور سادات و حوادث مصر در رأس اخبار خارجی است.

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

ضد اسلام و عامل امپریالیسم می خوانند، نه روحانیون ارحمند و مکتبی‌های غیر تمدن‌ان از آمریکا وارد شده‌اند و نه جوانان جانناز در خانواده‌های آمریکایی زائیده و بزرگ گشته‌اند که بتوان مزدورشان خوانند. پس چرا اینان ریختن خون یکدیگر را مباح و بلکه واجب می‌شمارند؟ مصیبت بارتراز همه و حاصل خشونتها و بی‌رحمی‌ها، افزوده شدن ناراضی‌ها و انتقام خواهان و برگشت کنندگان از انقلاب و دین است و حیثیت و حقانیت اسلام که در دنیا لکه‌دار می‌شود....

۱ - ده روز بعد از این سخنرانی، مهندس بازرگان در نامه‌ای به روزنامه کیهان ماجرای راهپیمایی مردم را این چنین شرح داد: هنوز از کرسی خطابه پائین نیامده، سیمهای روابط عمومی مجلس به کمیته اصناف بازار اتصال پیدا کرد و دو وانت جمعیت با پارچه‌های تعارف و تمنا برای تظاهرات طبیعی مردمی^۲ به راه افتاد. تلویزیون نماز سر چهارراه و راه‌اندان را که با نطقهای آتشین و شعارهای علیه افراد ضد قرآن و ضد دین^۳ به طرفه العین درست شده بود، پخش کرد. پس از چاپ این مطلب در روزنامه کیهان، روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ادعای مذکور را تکذیب کرد.

پنجشنبه ۱۶ مهر

۹ دیحجه - ۸ اکتبر

جلسه علنی داشتیم؛ در ادامه بحث از لایحه بازرسی کل کشور. نگران نطقهای تند قبل از دستور، علیه نهضت آزادی بودم؛ کنترل کردم. آقای یار محمدی مطالب تندی تهیه کرده بود، که به خواهش من، از صحبت منصرف شد. آقای رضوانی که تندتر از دیگران است، در اظهاراتش مراعات کرد. حرفهایش را دیروز با مردم، در مقابل مجلس گفته بود. به خیر گذشت. مهندس بازرگان شرکت نکرده بود. احتمال می رفت که دوستانش هم شرکت نکنند، ولی آمده بودند. آقای سازگارنژاد، از اهانت آقای یار محمدی شکایت داشت. در حضور من نزاعشان در گرفت. آقای یار محمدی، یک سیلی پراند که نخورد، ولی خیلی بد بود. در تالار دو طرف صندلی من ایستاده بودند. با خوشرویی به قضیه خاتمه دادم، ولی باید رسیدگی کنم.

بعد از جلسه، آقای محمودی، نماینده گلپایگان آمد و از مزاحمتهای ارگانهای انقلاب، علیه ایشان در گلپایگان شکایت داشت. جزو طرفداران آیت الله گلپایگانی است و می گویند، چرا با بعضی از لیبرالهای مجلس دوستی دارد، ولی خود ایشان این اتهام را رد می کند.

گزارشات را خواندم. خبر مهمی نبود. تروریسم از نفس افتاده است. با آقای اسدالله [لاجوردی] مفصلاً صحبت کردم، خودشان را موفق می دانند و منافقان رارو به شکست و اضمحلال.

عصر، گروهی از اعضای "فجر اسلام" آمدند و درباره کارهایشان مشورت می کردند. قبلاً مشاور و معین آنها شهید مظلوم بهشتی بوده، اکنون از من می خواهند که نقش آقای بهشتی را ایفا کنم.

شب به خانه جدید، در جنب منزل امام آمدم. خانه ای که به من، به عنوان اجاره و اگذار شده. به خاطر ملاحظات امنیتی اینجا را ترجیح داده اند. حدود ششصد متر زمین و شش اتاق و زیر زمین دارد؛ برای ما کافی است. در کوچه بن بست است. دیوار بلند حسینه جماران و سروصدهای همیشگی ملاقات کنندگان امام و برنامه های حسینه، مزاحم است. اما امنیت و هم جواری امام امتیاز است. خانه ملکی خودم در دزاشیب، متروک می ماند که برای بچه ها بازسازی شود. آقایان منتظری، خامنه ای، مهدوی کنی، اموسوی اردبیلی و من در منزل احمد

آقا شام دعوت داشتیم. به خاطر ملاحظات امنیتی، آقایان امشب اینجا آمده‌اند، برای برنامه فردا.

جمعه ۱۷ مهر

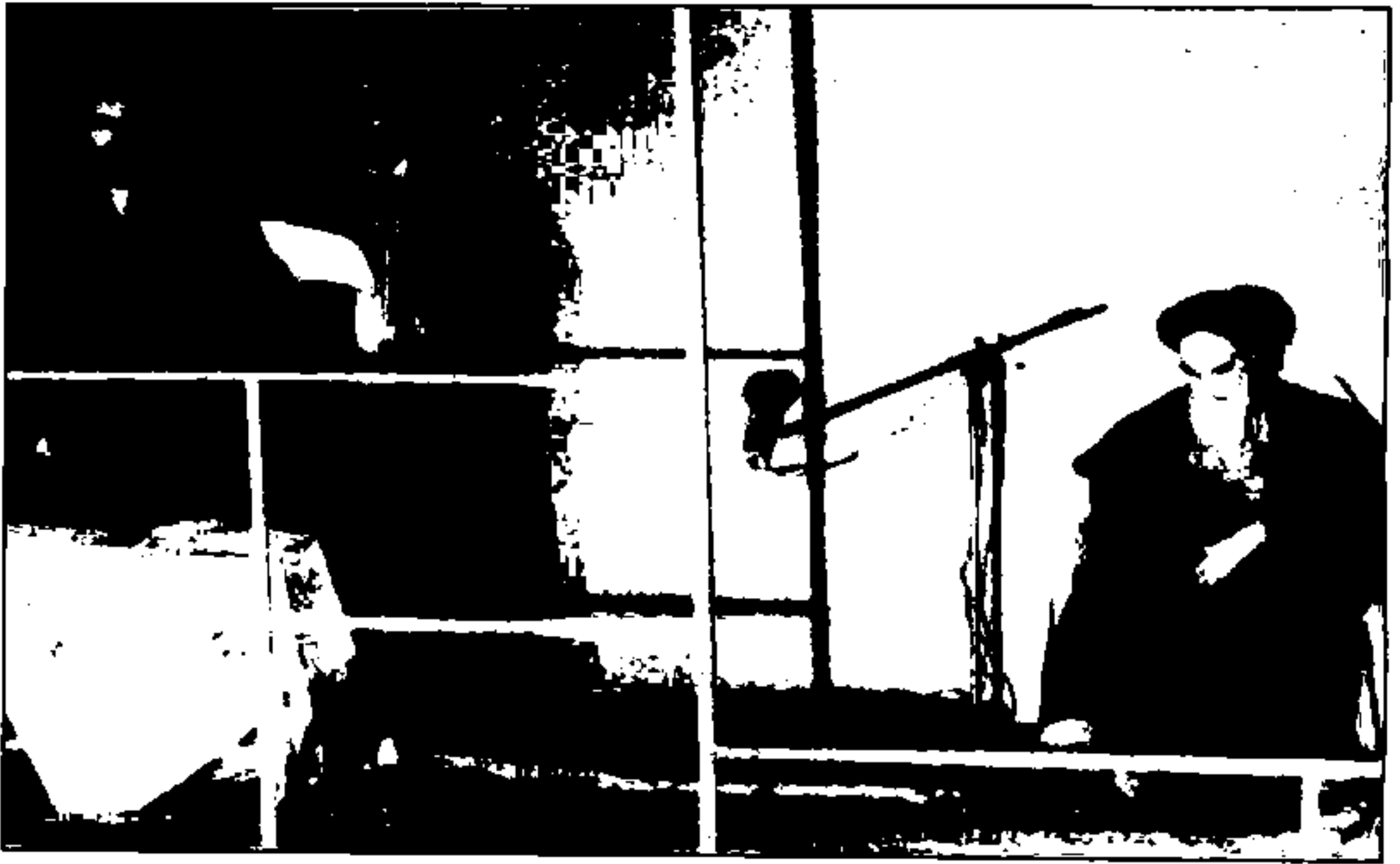
۱۰ دی‌ماه - ۹ اکتبر

مراسم تنفیذ ریاست جمهوری آقای خامنه‌ای توسط امام بود. نمایندگان مجلس، وزرا و شورای عالی قضائی و شخصیت‌های دیگر دعوت شده بودند. در حسینیه جماران، خدمت امام رسیدیم. خیلی با حال بود. آقای خامنه‌ای هم حرف‌های خوبی زدند و امام هم مطالب خوبی گفتند. احمد آقا هم حکم و گزارشها را خواند.

نماز عید قربان و جمعه امروز را، من به عهده آقای محمد ایزدی نایب رئیس مجلس گذاردم. برای معرفی افراد شایسته، بعد از مراسم در دفتر امام با جمعی از شخصیتها و دوستان نشست داشتیم. نهار را به خانه آمدم و آقای خامنه‌ای مهمان بودند. عصر در دفتر آقای رئیس جمهور، شورای عالی دفاع تشکیل شد. گزارش جبهه‌ها را تیمسار ظهیرنژاد و سرهنگ صیاد شیرازی دادند. شیرازی وضع بارزانیها و طالبانیها را گفت. معتقد است کردهای بارزانی نسبتاً با صداقت همکاری می‌کنند و حتی با کردهای ضدانقلاب ایران، می‌جنگند. طالبانیها دورویی می‌کنند و می‌خواهند فریب بدهند. با کردهای ضدانقلاب داخلی همکاری دارند. اخیراً با ما درگیر شده‌اند.

برنامه‌های آینده جنگ، بررسی شد. طرح آقای ظهیرنژاد، سپاه و نیروی زمینی مطرح گردید. به طرح‌های نیروی زمینی اولویت دادیم و طرح تیمسار ظهیرنژاد هم تصویب شد. مسائل دیگر مربوط به جنگ هم مطرح شد.

آقای خامنه‌ای به خاطر نگاهت، نتوانستند تا آخر بمانند. جلسه شش ساعت طول کشید و کارگشا بود. آخر شب که می‌خواستیم به خانه بیایم، خبر آوردند که کمیته‌ها خبر می‌دهند در بین راه دام گسترده‌اند، ولی من این را جنگ روانی تلقی می‌کنم و به خانه آمدم.



مراسم تمفید حکم ریاست جمهوری آیت الله خامنه ای توسط امام خمینی





جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

دفتر دهم

۱۳۵۷/۱۱/۳

سوت -

بخش

محضر شریف حضرت آیه الله العظمی امام خمینی مدظله العالی

چنانکه خاطر مبارک مستحضراست قسمتی از قوانین گـ در
 مجلس شورای اسلامی بتمویب میرسد بلحاظ تنظیمات کلی امور و ضرورت
 حفظ مصالح دفع مفسدی که بر حسب احکام ثانویه بطور
 موقت باید اجرا شود در متن واقع مربوط به اجراء احکام و سیاستهای
 اسلام وجهانی است که تا رع مقدس راضی به ترک آنها نمیشود.
 و در رابطه با اینگونه قوانین به اعمال ولایت و تنفیذ مقام
 رهبری که طبق قانون اساسی هم برای سه گانه راتحت نظر دارنسد،
 احتیاج پیدا میشود.

علیهذا تقاضا دارم مجلس شورای اسلامی را در این موضوع مساعدت

رئیس مجلس شورای اسلامی

اکبر رهاشمی رفنجانسی

وارشاد فرمائید.
 که در تنظیم امور رسیدگی و دستیار که ضرورتی در آن
 نیست و فصلی در آن میشود - و آنچه ضرورتی در آن
 است که در آن است که در آن است که در آن است
 با تصویب بوقت بعد آن، و در آن که در آن است
 و نیز در آن که در آن است که در آن است
 و اجراء آن و با تصویب شود که در آن است
 اجراء در صورتی که در آن است که در آن است
 قانون و تصویب در آن است که در آن است

شنبه ۱۸ مهر

۱۱ ذیحجه - ۱۰ اکتبر

در مجلس، کار مهمی نداشتم. تمام وقت را در خانه ماندم. لازم بود، چون درخانه جدید، بایستی کتابخانه‌ام و سایر کارها را مرتب کنم. آقا جلال و آقا ماشاالله - پاسدار - کتابها و قفسه‌ها را از خانه قدیم آوردند و به من کمک کردند و من کتابخانه را مرتب نمودم. بیشتر وقتم را گرفت. مقداری هم صرف آشنا شدن به مسیر برق و آب و شیر و سوئیچ و پریزها شد.

احمد آقا، دو سه بار به منزل آمد. نامه‌ای را که به امام در خصوص کسب اجازه برای استفاده از ولایت فقیه در اجرا و تصویب قوانین با عناوین ضرورت و به طور کلی عناوین ثانویه نوشته بودم، تعقیب کردم و امام امروز عصر جواب دادند^۱. فکر می‌کنم مشکلات را رفع کند، ان شاء الله.

این مشکلات بیشتر مربوط می‌شود، به موارد زمینهای شهری و کشاورزی و تجارت دولتی و محدود کردن کار سرمایه‌داران، که شورای نگهبان معمولاً قوانین مجلس را در این موارد

۱ - متن کامل نامه رئیس مجلس شورای اسلامی و پاسخ امام خمینی (ره) به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم: محضر شریف حضرت آیت الله العظمی امام خمینی مدظله العالی چنانچه خاطر مبارک مستحضر است قسمتی از قوانین که در مجلس شورای اسلامی به تصویب می‌رسد به لحاظ تنظیمات کلی امور و ضرورت حفظ مصالح یا دفع مفاسدی که بر حسب احکام ثانویه به طور موقت باید اجرا شود و در متن واقع مربوط به اجرای احکام و سیاستهای اسلام و جهاتی است که شارع مقدس راضی به ترک آنها نمی‌باشد و در رابطه با این گونه قوانین به اعمال ولایت و تفهیم مقام رهبری که طبق قانون اساسی هم قوای سه گانه را تحت نظر دارند، احتیاج پیدا می‌شود. علیهذا تقاضا دارد، مجلس شورای اسلامی را در این موضوع، مساعدت و ارشاد فرمائید.

رئیس مجلس شورای اسلامی

اکبر هاشمی رفسنجانی - ۵ مهر ۱۳۶۰

پاسخ امام خمینی (ره):

بسم الله الرحمن الرحيم: آنچه در حفظ نظام جمهوری اسلامی دخالت دارد که فعل یا ترک آن موجب اختلال نظام می‌شود و آنچه ضرورت دارد که ترک آن یا فعل آن مستلزم فساد است و آنچه فعل یا ترک آن مستلزم حرج است، پس از تشخیص موضوع به وسیله اکثریت وکلای مجلس شورای اسلامی با تصریح به موقت بودن آن مادام که موضوع محقق است و پس از رفع موضوع خود به خود لغو می‌شود، مجازند در تصویب و اجرای آن و باید تصریح شود که هر یک از مصدیان اجرا از حدود مقرر تجاوز نمود، مجرم شناخته می‌شود و تعقیب قانونی و تعریض شرعی می‌شود.

روح الله الموسوی الخمينی ۱۹ مهرماه ۱۳۶۰

(صحیفه نور، جلد پانزدهم، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی - صفحه)

«وتو»^۱ می‌کند. راه حل، استفاده از ولایت فقیه است.

امروز، خبر مهمی گزارش نشد. کمی هم فرصت کردم، درسهای شهید مظلوم بهشتی را در توضیح مواضع حزب جمهوری، مطالعه نمایم. خدا رحمتشان کند. خبر نامه «ملک خالد» پادشاه عربستان سعودی [به امام و گله از تظاهرات زوار ایرانی در مکه و مدینه]^۲ و جواب بسیار مهم و انقلابی - اسلامی امام، پخش شد.^۳ امام خیلی خوب با مسائل برخورد می‌کنند. هر چه لازم بوده، امام در این نامه نوشته‌اند. شب، زودتر از اوقات معمول خوابیدم.

یکشنبه ۱۹ مهر

۱۲ ذیحجه - ۱۱ اکتبر

جلسه علنی داشتیم. لایحه بازرسی کل کشور تمام شد.^۴ مراجعات فراوانی از طرف نمایندگان، برای حل مشکلات شخصی و امنیتی و حوزه انتخابیه‌شان داشتیم. بعد از ظهر در دفتر رئیس جمهور، جلسه شورای مرکزی حزب جمهوری داشتیم. آقای خامنه‌ای هنوز گرفتار نفاقت و مخصوصاً مرض کبداند و نمی‌توانند فعالانه در امور شرکت کنند؛ ولی همین مقدار هم نعمت بزرگی است. قسمتی از وقت جلسه، برای بحث درباره کارکنان دفتر ریاست جمهوری صرف شد و قسمتی درباره تعیین نخست وزیر. آقایان

۱. «وتو» (Veto) از ریشه لاتین Vetare به معنای منع کردن آمده است. «وتو» جلوه‌گیری از عمل است و «حق» «وتو» حق یا توانایی جلوه‌گیری است. بنابراین «وتو» قدرت قانونی یک دستگاه مملکتی برای جلوه‌گیری از عمل آن دستگاه یا دستگاه دیگر و یا اعضای آن است.

۲. در حج سال ۱۳۶۰ برخلاف معمول همه ساله، مقامات دولت عربستان سعودی عده‌ای از زائران ایرانی را به جرم فعالیت‌های سیاسی در مراسم حج، دستگیر و زندانی و اخراج کردند. زائران ایرانی در راهپیمایی‌های مختلف علیه آمریکا و اسرائیل شعار می‌دادند که با برخورد خشن پلیس عربستان مواجه می‌شد. در پی ناآرامی‌های زائران ایرانی در مکه، ملک خالد پادشاه عربستان نامه‌ای به امام خمینی (ره) رهبر جمهوری اسلامی ایران نوشت و از فعالیت‌های سیاسی حجاج ایرانی انتقاد نمود. امام خمینی در پاسخ به این نامه تأکید کرد دولت عربستان که در مرکز سیاست اسلامی است، نباید طرفدار آمریکا و اسرائیل باشد.

۳. صحیفه نور، جلد پانزدهم، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، صفحه ۱۰۰.

۴. پیگیری، نظارت و بازرسی در کار مجریان و ریشه یابی نقاط ضعف و تحلیفات از جمله مسائلی است که در اجرای درست قوانین نقش به سزایی دارد. براساس همین استدلال و نیز با توجه به اصل ۱۷۴ قانون اساسی و به منظور نظارت بر حسن جریان امور مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۶۰/۷/۱۹ لایحه تشکیل سازمان بازرسی کل کشور را که مشتمل بر ۱۴ ماده و ۵ تبصره می‌باشد، از تصویب گذراند.

اسید علی اکبر پرورش، محمد اغرضی، امیر حسین اموسوی و امصطفی امیر سلیم مطرحند، یا ادامه کار آقای مهدوی کنی، آقای پرورش، رأی بیشتری از دیگران دارد.

عفت و خانم شهید مطهری، با تأخیر فراوان، برای تسلیت خانم آقای منتظری، درباره شهادت فرزندش محمد به قم رفته بودند، که خانم نبوده است و آقای منتظری از آنها پذیرائی کرده‌اند.

شب به خانه نیامدم و به دفتر کارم رفتم. شام، کوکوی سیب زمینی داشتیم و تلفنی با خانه صحبت کردم. معلوم شد، عفت هم برگشته و از پیامهای آقای منتظری برایم گفت. امروز طومارهای پنجاه متری در سالن مجلس آورده‌اند که مردم به دنبال سخنان آقای امهدی‌بازرگان، خواستار اخراج لیبرالها از مجلس شده‌اند و اینها خیلی ناراحتند و از من گله دارند که چرا کاملاً از آنها حمایت نمی‌کنم.

آقای محمد امهدی گرگانی هم، ضمن اظهار ناراحتی از وضع خودش و فشار حزب اللهی‌های گرگان، پیام دکتر پیمان را آورد که می‌خواهد نشریه "امت" را به خاطر فشار حزب الله، تعطیل کند و می‌خواهد من را ببیند. کارمان با این آقایان مشکل شده، دوستان و هم‌زمان دوران مبارزه‌اند و خود را ذی حق می‌دانند، من هم تحت تأثیر عواطف هستم و از طرفی در این جریانهای اخیر، بدعمل کردند و اوج آن، که کار را مشکل‌تر کرده، وضع روابطشان با ضدانقلاب محارب است که این همه انسانهای بزرگوار انقلابی را شهید کرده‌اند و در جنگ به عنوان ستون پنجم دشمن عمل می‌کنند. در عین حال از نصیحت و خیر خواهی نسبت به آنها دریغ نمی‌کنم. آخر شب، مقداری از گزارشها را خواندم. حادثه مهمی نداشتیم.

دوشنبه ۲۰ مهر

۱۳ ذیحجه - ۱۲ اکتبر

اول وقت، پس از نماز و خواندن گزارشها، به جلسه کمیسیون آئین نامه رفتم که تا ساعت ده صبح ادامه داشت. سپس جمعی از نمایندگان مراجعه کردند و از جواب امام در پاسخ نامه من، مبنی بر اجازه استفاده از حق ولایت فقیه در تقنین مقررات ضروری موقت به

مجلس، خوشحال بودند. کار مهم و راهگشائی است. بیشتر مراجعین، تیپ مشهور به ضد سرمایه داری بودند و اعلان آمادگی بیشتر برای کار می کردند. مصاحبه ای تلفنی با روزنامه کیهان داشتم که درباره نامه امام توضیح دادم.^۱

بعد از ظهر، نمایندگان هوادار یا عضو حزب جمهوری اسلامی در مجلس نشستی داشتند و من هم شرکت کردم. درباره حزب و کارهای مجلس و جواب امام صحبت کردم، سپس با سفیر پولیساریو ملاقات داشتم. از وضع مبارزه مردم صحرا با اسپانیا، موریتانی و مراکش گفت که فعلاً فقط با مراکش می جنگند و در خاک الجزایر ساکنند.

همسر شهید مالکی آمد. از کارهای شخصی اش و کارهای حزب صحبت داشت. از اینکه بعضی ها می گویند، آقای مالکی که معرف "کلاهی" جنایتکار بوده که حزب را منفجر کرد و ۷۴ نفر، منجمله آقای بهشتی را شهید کرد، مسامحه کرده؛ گله داشت.

شب در دفتر آقای مهدوی اکنی ابا حضور آقایان خامنه ای، موسوی اردبیلی، محمد غرضی، مهندس امیرحسین موسوی جلسه داشتیم. کمبود ارز و فروش نرفتن نفت مطرح بود. قرار شد آقای غرضی به الجزایر و لیبی سفر کنند و با آنها درباره فروش نفت و سیاست هماهنگ در قیمت نفت، مذاکره کنند.

بسیاری از اعضای اوپک، با تخفیف چند دلار در قیمت نفت، فروش را زیاد کرده اند. اگر بتوانیم وامی از آنها بگیریم، قیمت را پائین نمی آوریم؛ والا مجبوریم. فعلاً فقط پانصد هزار بشکه صادر می کنیم که می خواستیم دو میلیون و پانصد هزار بشکه صادر کنیم. احمد آقا تلفن کرد و می گفت امام از مصاحبه ها و سروصدای روزنامه ها درباره واگذاری حق ولایت فقیه ناراحتند. مقداری درباره نخست وزیر صحبت کردیم. به جایی نرسیدیم.

سه شنبه ۲۱ مهر

۱۲ ذیحجه - ۱۳ اکتبر

دو روز عقب ماندگی خاطرات را نوشتم و به مجلس رفتم. جلسه علنی داشتیم. مراسم

۱. کتاب "هاشمی رفسنجانی - مصاحبه های ۱۳۶۰".

تحلیف رئیس جمهور در دستور بود. آقای خامنه‌ای، آقای اموسوی اردبیلی، هیأت دولت، جمعی از معلولان و خانواده‌های شهدا حضور داشتند. من، آقای خامنه‌ای و آقای اموسوی اردبیلی صحبت کردیم. در صحبت‌های پیش از دستور از اعتماد امام در خصوص واگذاری حق اعمال ولایت فقیه به مجلس تشکر کردم و نمایندگان را توصیه به مراعات جانب اعتدال و پرهیز از افراط نمودم. به مطبوعات توصیه کردم که شلوغ و چپ‌گرایی نکنند که امام به حسن عملها مطمئن شوند؛ در عمل باید ثابت کنیم. چند لایحه را گذارندیم.

طرح دو فوریتی در خصوص اخراج نمایندگان کثیرالغیبت مطرح شد. یک فوریتی آن به تصویب رسید. جمعی از اعضای انجمن آزادی در حال تنفس بامن صحبت کردند و وقت مذاکره می‌خواستند. معلوم است درباره چه!

ظهر، از سپاه تهران و اطلاعات سپاه آمدند. درباره محافظان و مقدار پیشرفت مبارزه با تروریسم مطالبی گفتند. عصر گروهی از معاونان وزارت بازرگانی و گروهی از تجار و ارباب صنایع آمدند. درباره لزوم روشن شدن سیاست اقتصادی، امنیت سرمایه‌گذاری و یکدستی کابینه، از این جهت حرف داشتند. مجموعاً از چپ رویها انذار می‌کردند.

شب، در دفتر آقای خامنه‌ای جلسه مشورتی با حضور آقایان احمد آقا، مهدوی و اموسوی اردبیلی برگزار شد. پیشرفتهایی در امر نخست‌وزیری داشتیم، ولی تمام نشد. شام را همان جا خوردیم و دیر وقت با احمد آقا به منزل آمدیم. اول شب شایع شد که صدام ترور شده، مردم الله اکبر گفتند؛ بعد معلوم شد شایعه بی‌اساس است.

چهارشنبه ۲۲ مهر

۱۵ ذیحجه - ۱۴ اکتبر

جلسه علنی نداشتیم. کمیسیون آئین نامه با دوازده دقیقه تأخیر تشکیل شد. ساعت هشت و دوازده دقیقه به مجلس رفتم و ۴۰ تومان جریمه شدم. از ساعت ده تا دو بعدازظهر، به کارهای اداری و متفرقه و ملاقاتها و تلفن‌ها پرداختم. سلمانی به دفتر کارم آمد و اصلاح کردم. بعدازظهر جلسه هیأت رئیسه داشتیم. برنامه هفته آینده را تنظیم کردیم. حدود سی طرح و لایحه آماده

طرح در جلسه علنی داریم. گزارش بخشی از آنها از کمیسیونهای فرعی نیامده و به همین جهت، معطل مانده. قرار شد منتظر گزارش کمیسیون فرعی بمانیم. درباره خیلی از کارهای دیگر هم، تصمیم گرفتیم. آقای احسن اهراتی نماینده سبزوار به جای آقای احمد اتوکل نماینده بهشهر که مریض است، در هیأت رئیسه انتخاب شده و امروز شرکت کرد.

بنا بود، پارک هتل را از بنیاد مستضعفان برای سکونت نمایندگان - که جدیداً انتخاب شده‌اند - اجاره کنیم. معلوم شد خرج کادر کارکنان هتل و سرویسها و تأسیسات، حدود یک میلیون تومان در ماه است و بنیاد هم فقط همین را از مامی خواهد دیدیم صرف نمی‌کند. منصرف شدیم. قرار شد خانه‌های اطراف مجلس را بگیریم، با خرید یا اجاره، که هم امنیت را تأمین کند و هم مشکل مسکن را. آقای دکتر ولایتی گزارش خرید یک موتور برق اضطراری برای مجلس را داد.

پنجشنبه ۲۲ مهر

۱۶ ذیحجه - ۱۵ اکتبر

شب در مجلس خوابیده بودم. صبح، پس از مطالعه گزارشها و روزنامه‌ها، در جلسه علنی شرکت کردم. لایحه استخدام پزشکان خارجی مطرح بود که بعضی از نمایندگان آن را مغایر قانون اساسی می‌دانند، خیال می‌کنند که استخدام فرد فرد آنها باید به تصویب برسد، ولی کلیات تصویب شد. حدود سه هزار پزشک خارجی از هند و پاکستان و ... در خدمت ایران‌اند که با کمبود پزشک، باید آنها را نگه داشت. و چند لایحه دیگر هم از تصویب گذشت.

بعد از ظهر، استاندار و مسئولان دیگر استان زنجان آمدند. برای تعیین امام جمعه زنجان و کارهای دیگر استان، از من کمک می‌خواستند. سپس، گروهی از مسئولان سپاه پاسداران آمدند و چون مطلع شده بودند که بناست، احتمالاً آقای مهندس محمد غرضی نخست وزیر شود، نظرشان را ابراز داشتند.

امروز در مجلس، به طور غیر رسمی آمارگیری کردیم. آقایان پرورش، غرضی، مهندس موسوی، ولایتی و میرسلیم برای نخست وزیر رأی آوردند. آقای مهدوی کنی استعفا داده‌اند



مصطفی میرسلیم



محمد غرضی



علی اکبر پرورش



میر حسین موسوی



جمهوری اسلامی ایران
نخست وزیر

آ: ۱۰۵
۱۳۶۰ / ۷ / ۲۲

بسم الله الرحمن الرحيم

برادر عزیز حضرت حجت الاسلام والمسلمین آقای سیدعلی خامنه‌ای
ریاست جمهوری اسلامی ایران

با توجه به مسئولیت سنگینی که قانون اساسی به عهده شما
گذاشته است موضوع ادامه کار بنا استعفاء دولت در جلسه مورخه
۶۰/۷/۲۲ مورد بررسی قرار گرفت و در نتیجه هیئت دولت به
منظور بازگذاشتن دست جناب عالی در انتخاب نخست وزیر و اعضاء
کابینه استعفاء را ارجح و امثلح تشخیص داد، لذا اینجانب —
استعفاء خود را تقدیم میدارم و بوقتنی امل ۱۳۵ قانون اساسی
تا تعیین دولت جدید وظایف خود را کماکان ادامه داده و از درگاه
خداوند متعال برای جناب عالی سلامت و در ایفاء وظایف محوله
موفقیت آرزو دارم .

سرادار شما

محمد رضا مهدوی کنی

نخست وزیر جمهوری اسلامی ایران

محمد رضا مهدوی کنی
۶۰ / ۷ / ۲۲

انداپکس شد

و دبیر قاندد فتوری است جمهوری
نوم ۷۹۶ تاریخ ۳۰/۷/۶۰

که دست آقای خامنه‌ای، برای انتخاب نخست وزیر باز باشد.

آقای خامنه‌ای هم به دلیل اینکه معتقدند، نباید همه رؤسای درجه اول، رئیس‌جمهور، رئیس مجلس، نخست وزیر و رئیس دیوان عالی کشور، روحانی باشد، با ایشان موافق نیستند. مصاحبه تلویزیونی با خبرنگاران یونانی و بلژیکی داشتم. از سیاست خارجی ضدیت با آمریکا و نرمش با شوروی و اعدایا و جنگ و... سؤال کردند^۱. اول شب، جلسه‌ای طولانی با سران نهضت آزادی، آقایان [مهدی] بارزگان، [یداله] سجایی، [ابراهیم] ایزدی، [احمد] صدر و [هاشم] صباغیان داشتیم. از اینکه از سوی حزب اللهی‌ها و رسانه‌های جمعی تحت فشارند، شکایت داشتند و چاره‌جویی می‌کردند. گفتم، اگر موضع صریح در مقابل ضدانقلاب بگیرند، وضع ممکن است بهتر شود.

جمعه ۲۴ مهر

۱۷ دیحجه - ۱۶ اکتبر

تا ساعت ده در خانه بودم و مطالعه می‌کردم. ساعت ده ونیم برای نماز جمعه به دانشگاه رفتم. آقای دکتر ولایتی سخنرانی داشت و من خطبه‌ها را درباره ضمانت اجرایی قوانین و اثر انقلاب اسلامی در منطقه اسلامی ایراد کردم^۲. این روزها در مصر، عربستان، تونس، الجزایر، مراکش و سودان، حرکت‌های مسلمانان برای مطالبه حکومت اسلامی، اوج گرفته است.

ناهار به مجلس رفتم و استراحت هم کردم. گزارشی بود که تروریستها، توسط زن‌ها یا معلولان، در دانشگاه مواد منفجره خواهند آورد. مراقبت‌ها شدید بود. ساعت چهار بعد از ظهر، جلسه شورای عالی دفاع داشتیم. وضع جبهه در این هفته را کد است. چند کیلومتر ما پیشروی کرده‌ایم که دوباره عراقی‌ها پس گرفته‌اند، نزدیک دزفول، دو تانک و چهار نفر بر از ما غنیمت گرفته‌اند و یک نفر شهید و ده نفر مقتود داده‌ایم.

از لندن و بلژیک گزارشی بود که حاکی از تلاش برای فریب و تقلب در معامله اسلحه می‌داد

۱. کتاب آهنگی رفسنجانی - مصاحبه‌های ۱۳۶۰.

۲. کتاب آهنگی رفسنجانی - خطبه‌های جمعه - جلد اول - ۱۳۶۰.

که صندوقهای مشکوکی در کشتی گذارده‌اند و با فشار و قبل از اثبات صحت جنس، می‌خواهند پول بگیرند و ماموران ما را دزدیده‌اند که از آنها امضای تحویل جنس بگیرند، ولی نماینده بانک، آقای مقدم، زرنگی کرده و جریان را اطلاع داده و خبر آخر این است که پلیس انگلیس، دزدها را توقیف کرده است. قرار شد هیأتی را مأمور به نظارت بر خریدها کنیم.

شب، مهمان داشتیم و هم منزل احمد آقا مهمان بودیم. آقای خامنه‌ای و آقای اموسوی اردبیلی بودند. درباره اجازه اخیر امام به مجلس، در خصوص اعمال ولایت و نخست وزیر بحث کردیم و خیلی دیر به خانه آمدیم.

شنبه ۲۵ مهر

۱۸ ذیحجه - ۱۷ اکتبر

تعطیل بود، در خانه ماندم. اول وقت، سه روز تأخیر خاطرات را جبران کردم. بستگان مهمان بودند. منزل شلوغ بود. مقداری مطالعه کردم و حمام گرفتم. قرار بود اول وقت، همراه آقای خامنه‌ای و آقای اموسوی اردبیلی به زیارت امام برویم. من تأخیر کردم. آنها رفتند. سپس من به دفتر امام رفتم. آنها هم جمع بودند.

معلوم شد با امام درباره نخست وزیر مشورت کرده‌اند و نظرات را گفته‌اند. از میان آقایان پرورش، غرضی، موسوی، میرسلیم و ولایتی بیشتر به آقای ولایتی توجه شده. مدتی در دفتر امام نشستیم. جلسه گرم، پر مزاح و با نشاطی بود.

ساعت یازده، من به زیارت امام رفتم. امام نگران بروز اختلاف، در اثر دستور جدید، مبنی بر منع شورای نگهبان از اظهار نظر درباره عناوین ثانویه و محول کردن این حق به مجلس بودند. نگرانی بیجاست.

گفتم: بعضی‌ها معتقدند که این اعمال ولایت فقیه نبوده، تشخیص موضوع است که صلاحیت مجلس بوده و اصلاً حق مجلس بوده و نه حق ولی فقیه یا شورای نگهبان و شما فقط راهنمایی کرده‌اید. کمی امام را از این جهت قانع کردم و توضیحی هم درباره لایحه زمینهای شهری دادم. فکر می‌کنم، مفید واقع شد. درباره نهضت آزادی و توقعات آنها هم صحبت کردم.

امام نظرشان این است که در مجلس بمانند، ولی روزنامه نمی‌خواهند؛ تحت فشار قرار نگیرند. ناهار در خانه بودم. بعد از ظهر عفت با جمعی از مهمانانش با خانم امام ملاقات داشت. نگهبان می‌خواست مانع ورود مهمانان عفت به خانه امام بشود که عفت عصبانی شده و مقاومت کرده ولی موفق می‌شود. اعضای خانواده امام هم از نگهبانان ناراضیند که سخت‌گیرند؛ ولی صحیح همین است که سخت‌گیری شود. منزل امام حساس است.

هواسرد است. احمد آقا یک پوستین و یک عبای نائینی برایم فرستاد و خودش شب آمد و خبر مریضی محمود آقا (بروجردی) داماد امام در مکه را داد. امروز آقای (عبدالمجید) معادینخواه توضیحاتی درباره جریانات مکه و برخورد با سعودیه‌ها داد، جالب و مفید نبوده، باید برای سیاست خارجی فکری کنیم. خیلی بی‌حساب و بی‌نظم است و دوستان هم معتقدند باید اصلاح شود.

یکشنبه ۲۶ مهر

۱۹ ذیحجه - ۱۸ اکبر

امروز هم در منزل ماندم. به خاطر امنیت، برای کارهای غیر مهم از خانه بیرون نمی‌روم. از اول وقت به مطالعه پرداختم و کارها را با تلفن انجام دادم. تلفن سیاسی کار نمی‌کرد. با آقای خامنه‌ای درباره نخست وزیر صحبت کردم. بنام در جلسه عصر شورای مرکزی حزب، آقای علی اکبر ولایتی را مطرح کنند و سپس به مجلس معرفی نمایند.

احمد آقا تلفن کرد و به نقل از رئیس روزنامه اطلاعات، خبر از تصرف شهرشوش توسط عراق داد. تعجب کردم و با مقامات ارتش تماس گرفتم. تکذیب کردند. رادیو اسرائیل دیشب این خبر دروغ را پخش کرده. نقل و انتقال در اردوی دشمن در جبهه دزفول دیده می‌شود.

با وزارت نفت هم تماس گرفتم که بینم آقای غرضی از سفر به الجزایر و لیبی برگشته یا خیر، برای حل مشکل ارز و قیمت نفت سفر کرده. امروز عصر برمی‌گردد. خبر رسید، در جزیره هرمز طوفان عظیمی آمده و نزدیک چهل لنج را غرق کرده و بیش از دویست نفر را کشته و

پنجاه میلیون تومان خسارت وارد کرده است.^۱

دیروز منافقان در شیروان، اتوبوس شرکت واحد را آتش می‌زنند که جمعی از مردم مجروح و دو نفر طفل به کلی می‌سوزند و شهید می‌شوند، حادثه بسیار زشتی است. عفت همراه با همسران شهید باهنر و شهید بهشتی و... به دیدن خانم خامنه‌ای که از مکه برگشته رفتند و اول شب برگشت.

امام ملاقات عمومی داشتند و سخنانی مفید فرمودند. موج حمایت از اقدام امام در خصوص مجاز کردن مجلس، در موارد تقنین ضروری و با عناوین ثانویه از طرف علمای بلاد ادامه دارد. احمد آقا مؤثر است.

دوشنبه ۲۷ مهر

۲۰ ذیحجه - ۱۹ اکتبر

جلسه علنی داشتیم. چند لایحه تصویب شد. نامه رئیس جمهور رسید که آقای دکتر اعلی اکبر اولایتی را برای نخست وزیری معرفی کرده‌اند. گروهی از نمایندگان مخالفند؛ منجمه اعضا و هواداران سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی. و تبلیغات وسیعی برای مخالفت شروع نمودند. اعتبار نامه آقای سید حسن موسوی^۲ تبریزی نماینده هشتگرد مطرح شد. عده‌ای به اعتبار سابقه هواداری ایشان از مجاهدین خلق مخالف بودند، ولی تصویب گردید. چون در دوران مبارزه ماهیت مجاهدین خلق روشن نبوده خیلی از افراد مخلص، با آنها همکاری داشته‌اند و به تدریج جدا می‌شوند، این گونه سوابق قابل توجیه است.

ظهر، آقای شیرازی امام جمعه مشهد آمدند و راجع به واگذاری اعمال حق ولایت فقیه مطالبی داشت و سفارش به مدارا می‌کردند. سپس گروهی از خاورشناسان شوروی که از ایران دیدن می‌کنند، آمدند مقداری از انقلاب ایران تعریف کردند و از اینکه مردم ما مرگ

۱. این نوقان در ساعت ۴/۳۰ دقیقه روز شنبه ۲۵ مهر در بندرعباس و اطراف جزیره هرمز برپا شد و طی آن چندین لنج و قایق ماهیگیری و سید میگو در آبهای اطراف این جزیره طعمه طوفان گردید. (روزنامه کیهان، ۶۰/۷/۲۷)

۲. اسم اصلی ایشان سید حسن پور میرغفاری فرزند میرجبار متولد ۱۳۳۳ - تبریز می‌باشد و نام مستعار ایشان موسوی تبریزی است.

بر شوروی را در کنار "مرگ بر آمریکا" می‌گویند گله داشتند. در نماز جمعه خودشان این شعار را شنیده بودند. من گفتم که تجاوز شوروی به افغانستان، عامل این ناراحتی است و سئوالاتی داشتند که جواب دادم. به نظر می‌رسید که در کسوت خاورشناسان، سیاسی‌اند.

عصر، جلسه‌ای با حضور آقایان محمد یزدی و ربانی املشی و سپس جلسه‌ی مشورتی با مسئولان سپاه، دولت و شورای قضائی داشتیم که درباره‌ی برخورد با ضدانقلاب و زندانیها و اعدامها بحث شد. گزارش دادند که ضدانقلاب ضربه‌ی کاری خورده و حدود ۸۵ درصد از نیروهای تروریستی، بازداشت و بخشی هم مجازات شده‌اند و تصمیم گرفته شد که اعدامها کم باشد و تابع حرکت تروریستی باشد.

سپس آقایان پرورش و فرائی قاضی شرع اصفهان آمدند و از امام جمعه اصفهان و سپاه گله داشتند. شام را در مجلس با آقایان خوردیم و همان جا خوابیدم. عصر در مجلس، جلسه‌ای خصوصی از نمایندگان بود که آقای خامنه‌ای هم شرکت کردند و درباره‌ی نخست وزیری آقای ولایتی مطالبی بحث شد.

امروز، دشمن با هواپیما به بندر ماهشهر حمله کرده و به یک کشتی و تأسیسات مهم پتروشیمی و به چند اسکله و اتومبیل و راه آهن آسیب رسانده. گروهی برای تحقیق در تقصیر دفاع ضد هوائی اعزام کردیم.

سه شنبه ۲۸ مهر

۲۱ ذیحجه - ۲۰ اکتبر

بعد از نماز صبح و خواندن گزارشها، به جلسه‌ی کمیسیون آئین نامه رفتیم. مواد مربوط به شور دوم مطرح بود، پیشرفت داشتیم. ساعت ده به دفترم رفتم. آقای امرتضی افهیم کرمانی آمد و از وضع زندان اوین گفت. از شلوغی و بی‌نظمی و بعضی از خشوتتهای بی‌جا ناراحت بود و چاره‌جویی می‌کرد. راهنمائیهایی در جهت توسعه رفاه زندانیان کردم. قرار شد تعقیب کنند. از جبهه جنوب، کسی آمد و مدعی بود گلوله‌های آربی جی ۷ که از کره شمالی آمده، اثر خوبی ندارد. قرار شد تحقیق کنم. ساعت یازده، جلسه غیر رسمی غیرعلنی برای مشاوره درباره‌ی

نخست وزير داشتيم. مخالفان و موافقان صحبت کردند. فکر مي‌کنم آراء مخالف زياد باشد، ولي احتمال تصويب زيادتر است. آقاي محمد يزدي در مخالفت، صحبت موثري کرد. ممکن است در کم شدن آراء، اثر داشته باشد. من هم در موافقت صحبت کردم.

بعداظهر، آقاي [عبدالمجيد] معاد بخواه وزير ارشاد آمد و راجع به طرحي که براي هماهنگ کردن تبليغات داشت، صحبت کرد. مي‌خواهند تمام ارگانهاي تبليغي را يکتواخت کنند. راجع به هتلهها و ساير کارهاي ارشاد هم گزارشهاي داد.

عصر، آقاي مهندس غرضي که از سفر لبيبي و الجزاير و سوريه برگشته بود، آمد. توسط حافظ اسد رئيس جمهور سوريه، پيامي به سعودي فرستاده که با توسعه صدور نفت ارزان، باعث خسارت کشورهاي ديگر نشوند. در گرفتن وام از لبيبي و الجزاير موفق نبوده. لبيبي گفته است که خودش فقط چهل هزار بشکه نفت در روز صادر مي‌کند؛ قابل قبول نيست. الجزاير هم جواب روشن نداده.

اول شب، فيلمي در رابطه با همکاري سپاه و ارتش در جنگ ديدم. سپس به منزل آمدم. شب احمد آقا به خانه آمد و درباره مسائل جاري، منجمله نخست وزير بحث کرديم. با نظاميها درباره جنگ تماس گرفتم، اخبار مهمي نداشتند.

چهارشنبه ۲۹ مهر

۲۲ ذيقعدة - ۲۱ اكتوبر

نزدیک ساعت ده، به مجلس رسيدم. ابتدا به کميسيون داخلي رفتم که طرح اطلاعات مرکزي مطرح بود. بين سپاه و اطلاعات نخست وزيري اختلاف است. قرار شد جلسه ديگري باشد. در جلسه کميسيون آئين نامه شرکت کردم. شور دوم لوايح، مطرح بود. ناهار را در مجلس بودم. عصر جلسه هيات رئیسه داشتيم.

اول شب مهندس طاهري آمد و توضيحاتي داد، درباره تلاشهاي که مخالفان دکتر ولايتي براي زدن رأي نمايندگان مي‌نمايند. و سپس بهزاد نبوي و دو نفر ديگر از اعضاي کادر مرکزي مجاهدین انقلاب اسلامي آمدند، براي منصرف کردن من از موافقت با نخست وزيري دکتر

ولایتی و بیش از یک ساعت صحبت کردند. نه آنها قانع شدند و نه من. آنها می‌گویند، ضعیف است، چهره نیست یا سابقه افتخار آمیز مبارزه ندارد و من می‌گویم دینامیک و پرکار و پشت کار دار و متقی و مکتبی است. بیشتر روی پرورش و مهندس موسوی تکیه می‌کنند. تلفنی با منزل صحبت کردم و اطلاع دادم که به منزل نمی‌روم. عفت هم به دیدن خانم رجائی که تازگی از حج برگشته، رفته بود.

احمد آقا از قم تلفن کرد. گفت: امام برای مراعات امنیت و حفاظت، با پیشنهاد من در خصوص اجازه رفتن دوستان دیگر، جهت اقامه نماز جمعه به جای من موافقت کرده‌اند و از احتمال رأی نیاوردن دکتر ولایتی، اظهار نگرانی کرد. برای برگزاری مراسم چهلم فوت آقای اشهاب‌الدین اشراقی، شهادت آقای اسدالله مدنی و سالگرد شهادت حاج آقا مصطفی‌احمینی در قم است.

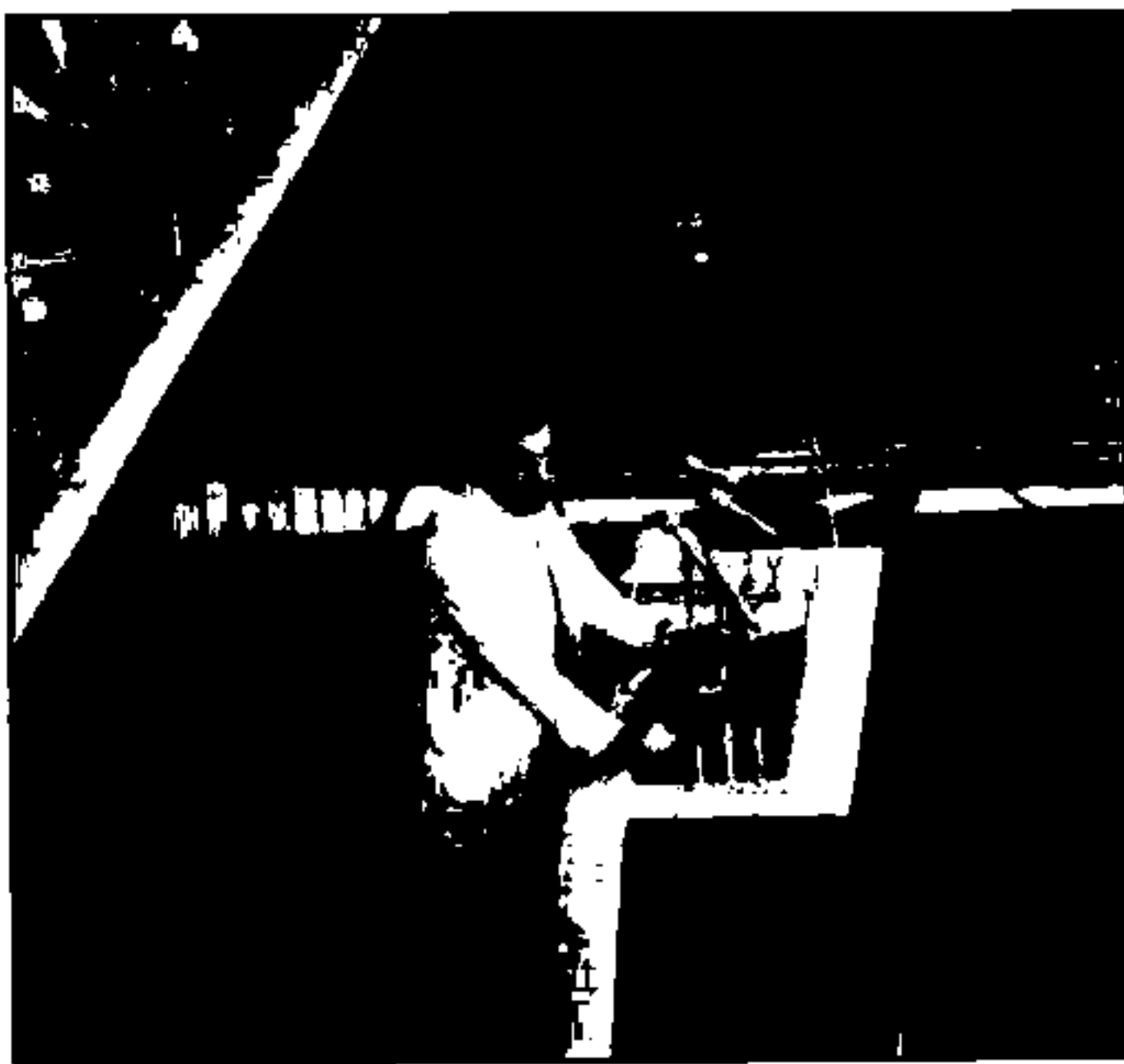
پنجشنبه ۳۰ مهر

۲۳ ذیحجه - ۲۲ اکتبر

شب را در مجلس خوابیده بودم و اول وقت، پس از نوشتن متن بخش عربی خطبه‌های نماز جمعه به فارسی و ارسال آن برای ترجمه به ستاد نماز جمعه و مطالعه گزارشها، به جلسه علنی رفتم.

اولین دستور، رأی‌گیری برای نخست‌وزیری دکتر ولایتی بود. رأی نیاورد. از ۲۰۷ نفر حضار ۷۴ نفر موافق و ۸۰ نفر مخالف و ۱۵ نفر بی‌رأی و ۳۸ نفر ممتنع بودند. رد شد. مخالفان خیلی خوشحال شدند. اما استقلال رأی مجلس را نشان داد و معلوم شد که مجلس در اختیار حزب جمهوری اسلامی نیست. آقای خامنه‌ای، آقای محمدرضا بهشتی را فوراً فرستادند که درباره تصمیم بعدی مشورت کنند. معلوم شد تلفنی با امام هم مشورت کرده‌اند. قرار شد، بعداً تصمیم بگیریم. اعتبار نامه مهندس مهدی طیب و چند لایحه نیز تصویب گردید.

ظهر مهندس اعزت‌الله اسحایی، محمد مهدی جعفری و خانم اعظم اطالقانی آمدند و از اینکه دیروز در فرودگاه به آنها اهانت شده و اتومبیلشان را توقیف کرده‌اند، شکایت داشتند و

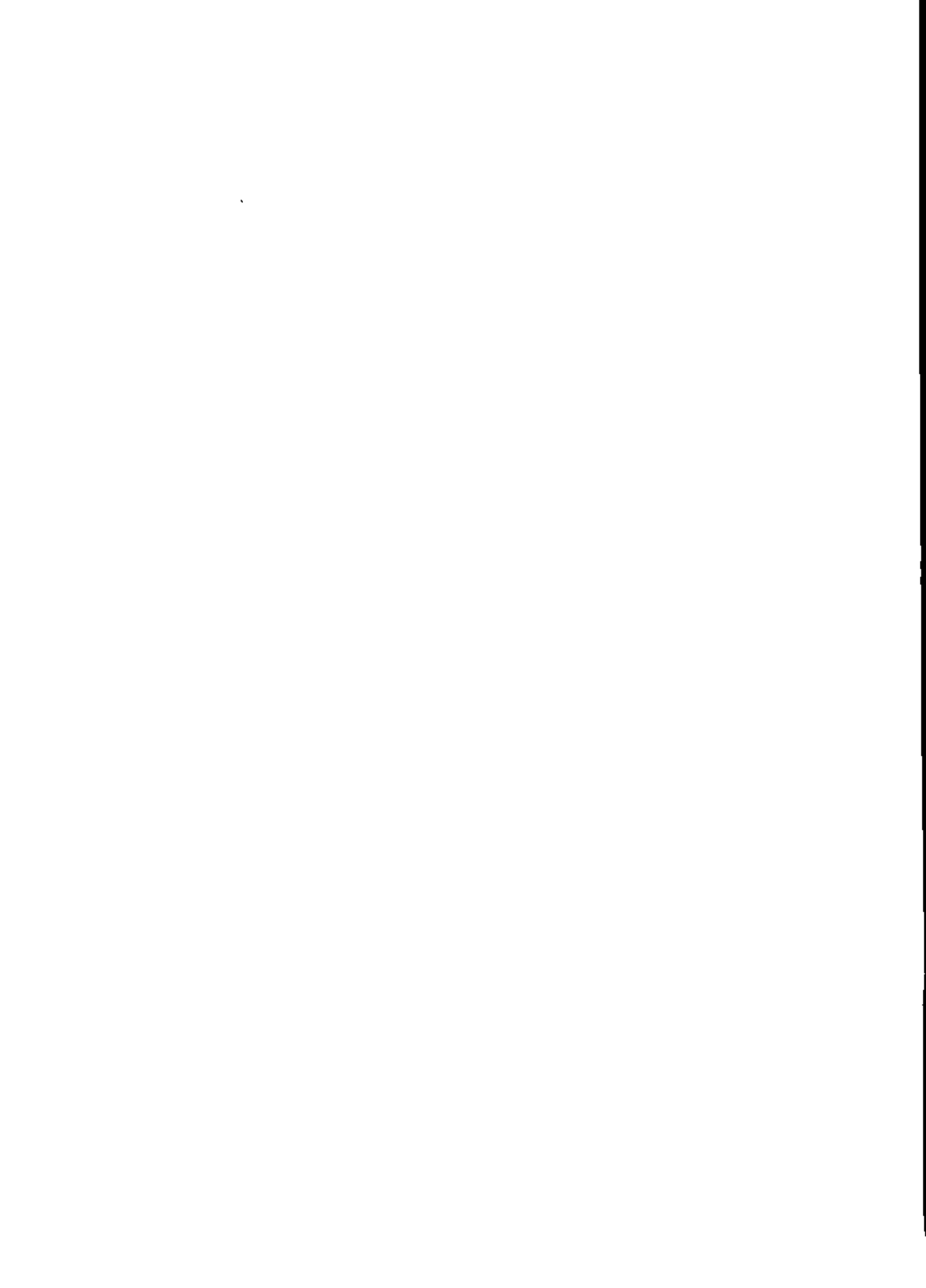


دکتر علی اکبر ولاینی

تهدید به استعفا کردند و گفتند در چنین شرایطی، نمی‌توانند خوب کار بکنند. آقای زواره‌ای هم آمد و از نتیجه رأی ناراحت بود.

بعد از ظهر، گروهی از سران جنبش امل لبنان آمدند و کمک خواستند و ابراهیم‌مراهی با انقلاب اسلامی ایران می‌کردند. چون شیعه هستند، طبیعی‌ترین دوستان ما بودند.

بعد از نماز عصر، مصاحبه‌ای تلویزیونی داشتم^۱ در مورد اعمال ولایت فقیه که اخیراً از طرف امام به مجلس واگذار شده. چند نفر از انشعاییون مجاهدین خلق آمدند و برای نجات دوستانشان از زندان، کمک خواستند. به منزل آقای خامنه‌ای، برای مشورت در امر نخست‌وزیری رفتم و سپس به خانه آمدم.



أبان ١٣٦٠



جمعه ۱ آبان

۲۴ دیماه - ۲۳ اکتبر

عقب ماندگی خاطرات را جبران کردم. برای خطبه‌های نماز جمعه، مطالعه نمودم. قرار بود آقای خامنه‌ای رئیس جمهور قبل از نماز جمعه سخنرانی داشته باشد، نزدیک ظهر به من اطلاع دادند، ایشان شرکت نمی‌کند.

با کمی تأخیر، به دانشگاه رسیدم. نماینده جنبش امل لبنان به عربی سخنرانی کرد و ترجمه شد. من درباره اختیار اخیر امام به مجلس، در مورد اعمال ولایت فقیه، صحبت کردم. قواعد و احکام اولیه و ثانویه و راه علاج هنگام تعارض دو قاعده فقهی و حق تشخیص موضوعات را تشریح کردم^۱. نهار را به مجلس رفتم.

بعد از ظهر، شورای عالی دفاع در مجلس تشکیل شد. گزارش جبهه، حکایت از رکود جبهه‌ها در هفته گذشته دارد. مخصوصاً در ماه شهر و رقایه، ما دو ضربه خورده‌ایم و فرمانده نیروی زمینی، هنوز آماده اجرای طرحهای تصویب شده نیست.

یاسر عرفات، در مسکو به سفیر ما گفته صدام حاضر است پس از آتش بس، ظرف ۴۸ ساعت بیرون برود؛ و چند شرط گفته که قابل قبول نیست.

استانداران مناطق جنگی، در شورا شرکت کردند و مطالبی گفتند. خواستار حرکت بیشتر در جبهه‌ها بودند. سپس با من جلسه خصوصی داشتند و راهنمایی‌هایی نمودند. گزارشی از ترکیه هم، توسط استاندار آذربایجان غربی، داده شد که تمایل به همکاری برای حل مشکل کردها، نشان داده‌اند.

در جلسه شورای حزب، در دفتر آقای خامنه‌ای، شرکت کردم. برای انتخاب نخست وزیر بحث شد. قرار شد آقای محمد غرضی، وزیر نفت، معرفی شود. چون امام گفته‌اند مصلحت حزب نیست که نخست وزیر حزبی باشد، از معرفی آقایان اکبر پرورش و امیر حسین موسوی خودداری شد. آخر شب، به منزل آمدم.

۱. کتاب هاشمی رفسنجانی - خطبه‌های جمعه - جلد اول، ۱۳۶۰.

شنبه ۲ آبان

۲۵ ذیحجه - ۲۲ اکتبر

امروز صبح، در مجلس کار خاصی نداشتم. می خواستم در خانه بمانم و مطالعه کنم. عنت تنها بود و مشغول کارهای مربوط به تهیه جهیزیه فاطمی و فائزه، که می خواهند به خانه شوهر بروند. از من توقع داشت در کارها به او کمک کنم و من کارهای مهمتر و لازم تر برای خودم داشتم. به مجلس رفتم.

در مجلس، بیشتر مسأله نخست وزیری مطرح است. آقای خامنه‌ای، پس از ملاقات امام و موافقت حزب، تصمیم گرفته اند آقای محمد اغرضی را معرفی کنند. ولی موج مخالفت، وسیع است. سپاه، مجاهدین انقلاب اسلامی، (جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، متفرقه‌ها و عده‌ای از حزب جمهوری اسلامی، تماس گرفتند و اظهار مخالفت کردند.

بعد از ظهر، در جلسه کمیسیون داخلی شرکت کردم. طرح اطلاعات مرکزی، مطرح بود. بین سپاه و اطلاعات نخست وزیری، اختلاف بود. نقش سپاه در اسامه‌اش مبارزه با ضدانقلاب است که به همین جهت، می خواهد بخش اطلاعات مربوط به این قسمت از آنها باشد^۱. بالاخره با میانجیگری من توافق حاصل شد. بنام طرح اصلاح شود.

نزدیک غروب، آقای عباس واعظ طبسی^۲ از مشهد آمدند. لایحه‌ای داشتند برای پس گرفتن املاک آستانه قم از دست کسانی که در زمان رژیم گذشته با روابط گرفته اند؛ که اختیارات کامل می خواهند. قرار شد با شورای نگهبان مشورت کنند. من فکر می کنم، خواست ایشان را دادگاه باید انجام دهد.

اول شب، بهزاد نبوی و دوستانش آمدند، برای ابراز مخالفت با نخست وزیری مهندس

۱. طرح اطلاعات مرکزی همان قانون تأسیس وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی است که با هدف تمرکز در امر اطلاعات و نگهداری و نحوه استفاده از آن به تصویب رسید. در این طرح که مشتمل بر ۱۶ ماده و ۱۸ تبصره است آمده است: به منظور کسب و پرورش اطلاعات امنیتی و اطلاعات خارجی و حفاظت اطلاعات ضد جاسوسی و به دست آوردن آگاهیهای لازم از وضعیت دشمنان داخلی و خارجی جهت پیشگیری و مقابله با توطئه‌های آنان علیه انقلاب اسلامی، کشور و نظام جمهوری اسلامی ایران، وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران تشکیل می شود. این قانون در ۲۷ مرداد ۶۲ به تصویب نهایی رسید.

۲. تولیت آستان قدس رضوی.

محمد غرضی، گفتند: چون آقای خامنه‌ای در جلسه هیأت دولت به طور قاطع اعلام داشته‌اند، کسی مخالفت نکرده و آقای مهدوی اکنی بعداً گفته‌اند من اصراری به کناره‌گیری ندارم. شب را در مجلس ماندم؛ امروز عراق به آبادان حمله هوایی کرده و یکصد و پنجاه خانه را با بمباران ویران کرده است؛ پدافند ما ضعیف یا مقصر بوده است.

یکشنبه ۳ آبان

۲۶ ذیحجه - ۲۵ اکتبر

پس از نماز، گزارشها را مطالعه کردم. ساعت هشت صبح به جلسه علنی رفتم. چندین لایحه تصویب شد. عده‌ای نگران معرفی شدن آقای محمد غرضی بودند. در حال تنفس با آقای خامنه‌ای صحبت کردم. قرار شد امروز نامه را به مجلس ننویسند، تا وضع روشن‌تر شود. درست نیست که پیشنهاد ایشان، دوباره شکست بخورد. موج مخالفت با آقای غرضی قوی است. ظییر، گروهی از نمایندگان به دفترم برای کارهای شخصی مراجعه کردند. مصاحبه‌ای با تلویزیون، درباره شهید هاشمی نژاد داشتم^۱. ساعت چهار بعد از ظهر در دفتر آقای خامنه‌ای، در جلسه شورای مرکزی حزب شرکت کردم. درسی از مواضع حزب دادم^۲. سپس بحثها روی نخست وزیر شروع شد. قرار شد آقای دکتر امین انوری بخش رئیس بانک مرکزی مطرح شود؛ چون امام گفته‌اند بهتر است حزبی نباشد که تهمت انحصار طلبی وارد نشود.

سپس، در جلسه‌ای با شرکت آقایان احمد آقا خمینی، موسوی اردبیلی، عباس واعظ طبسی و اسید علی خامنه‌ای شرکت کردیم. با بحثهای زیاد، قرار شد احمد آقا به عرض امام برساند که غیر ممکن است آقای غرضی رأی بیاورد و بهتر است آقای مهندس امیرحسین موسوی را معرفی کنیم. شام را همان جا خوردیم.

آخر شب، همراه احمد آقا به منزل آمدیم. بازداشت شیخ علی آقا تهرانی^۳ مطرح شد. ایشان

۱. کتاب هاشمی رفسنجانی - مصاحبه‌های ۱۳۶۰.

۲. کتاب هاشمی رفسنجانی - درس مواضع حزب جمهوری اسلامی - ۱۳۶۰.

۳. شیخ علی تهرانی از روحانیون ناراضی و ضد انقلاب بود که در طول سالهای جنگ با پناهنده شدن به عراق در رادیو بغداد علیه (ادامه پاورقی در صفحه بعد)

اعتراف کرده که اشتباه کرده و بریده است و حاضر به مصاحبه شده، ولی هنوز می‌خواهد دوپهلو صحبت کند. درباره جنگ و کارهای دیگر هم صحبت کردیم.

دوشنبه ۴ آبان

۲۷ دی‌ماه - ۲۶ اکتبر

پس از نماز و ورزش و استحمام و استراحت، عازم مجلس شدم. ماشین، عفت را به منزل برادرش، برای عیادت فرخنده خانم، خواهرش برده بود، تأخیر داشت و ناچار من، با هیجده دقیقه تأخیر به مجلس رسیدم. کمیسیون آئین نامه داشتیم و ۵۰ تومان جریمه شدم. تا ساعت یک بعدازظهر [جلسه] ادامه داشت.

ظهر در دفتر، چند نفر از آقایان نمایندگان مراجعه کردند و کارشان را انجام دادم. گزارشها را خواندم و به کارهای اداری رسیدم. معمولاً هر روز تعدادی نامه به اشخاص و مراکز مختلف از قبیل شورای نگهبان و دولت و رئیس جمهور و وزراء در مورد ابلاغ قوانین مصوبه و دعوت آنها به جلسات مجلس دارم.

بعدازظهر، در جلسه هواداران حزب جمهوری اسلامی در مجلس شرکت کردم. بحث درباره نخست وزیر آینده بود، گفتم که روی آقایان مهندس [محمد] غرضی و مهندس [میرحسین] موسوی وزیر خارجه بحث بنمائید. مخالفان و موافقان، هریک صحبت می‌کردند. جلسه ادامه داشت و من به خاطر وعده ملاقات با سفیر شوروی، جلسه را ترک کردم.

سفیر شوروی، با عجله ملاقات خواسته بود. از مرخصی برگشته. از طرف رهبران شوروی پیامی برای امام داشت؛ به او گفته شده پیامش را به من بگویند. اطلاع داد که آمریکا در صدد انجام کودتایی در ایران است که در ماههای آذر و دی، قرار است انجام گیرد.

گفتم، قبلاً هم نظیر همین گزارش با همین کیفیت، از طرف شوروی به ما رسید که در ماه

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

نظام جمهوری اسلامی تبلیغات می‌کرد. وی در تابستان سال ۷۴ خود را تسلیم نیروهای ایرانی در مرز عراق کرد و بعدها به علت عدم تعادل روانی آزاد شد.

مهر، کودتا می‌شود. ولی هیچ‌گونه اطلاعی نمی‌دهند که سر نخ باشد و ما بتوانیم تعقیب کنیم. ما می‌دانیم که آمریکا، اگر بتواند کودتا می‌کند، ولی در ایران زمینه کودتا نیست و خطر از تروریسم است.

اشاره به دادن سیستم دفاع از طرف شوروی به عراق کردم؛ منکر شد. خواستار دادن روادید به اطبای بیمارستان شوروی در ایران بود. اخیراً داده نمی‌شود. شب در دفتر، اولین جلسه [جامعه] روحانیت مبارز پس از انتخابات جدید تشکیل شد و هیأت اجرایی انتخاب شد. آقای مهدوی‌کنی [راضی برای ماندن در نخست وزیری شده‌اند. آقای [فضل الله مهدیزاده] محلاتی در این خصوص کار می‌کند. قرار گذاشته بودند فردا صبح به مجلس بیایند. گفتم صلاح نیست، اثریدی دارد؛ پذیرفتند.

سه شنبه ۵ آبان

۲۸ ذیحجه - ۲۷ اکتبر

بعد از نماز و مطالعه گزارشها و نوشتن پیامی برای مسابقات قرائت قرآن^۱، به جلسه علنی رفتم. طبق قرار قبلی با امام و رئیس جمهور، قبل از رسمیت جلسه، از نمایندگان درباره آقای مهندس غرضی، نظر خواهی کردم. از ۱۸۴ نفر صاحب رأی، ۶۰ نفر موافق و ۸۰ نفر مخالف و ۴۴ نفر ممتنع بودند. به آقای خامنه‌ای اطلاع دادم و ایشان مهندس امیرحسین موسوی را به مجلس به عنوان نخست وزیر معرفی کردند. فکر می‌کنم ایشان رأی بیاورند. چند لایحه تصویب کردیم و اعتبار نامه طباطبائی نژاد از اردستان به تصویب رسید. پیشرفت کار مجلس این روزها خوب است. نمایندگان بی جهت وقت نمی‌گیرند.

ظهر، گروهی از نمایندگان آمدند که وسائل مسافرت تبلیغی‌شان به هند را در ایام محرم درست کنم. اغلامعلی شهرکی نماینده زابل آمد و می‌گفت چند دفینه طلا سراغ دارد که ایشان را به وزیر فرهنگ و هنر که مسئول این قسمت است، معرفی کردم. استناد به قول رمالی و... می‌کرد؛ فکر می‌کنم حقیقت نداشته باشد و خیال باشد.



جمهوری اسلامی ایران
دقیقاًست بنوری

بیتالی

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

بپرو عدم موافقت اکثریت نمایندگان محترم با نخست وزیری برادر گرامی
و ارجمند آقای دکتر علی اکبر ولایتی ، اینک مجدداً برابر اصل یکم و بیست
و چهارم قانون اساسی ، برادر عزیز و گرانمایه آقای مبر حسن موسوی بمنوان
نخست وزیر معرفی می گردد .

خواهشمند است مجلس محترم را جهت اخذ رای تمایل در جریان امر قرار
دهید .

سید علی خامنه‌ای
رئیس جمهوری اسلامی ایران



السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ

وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِهَا مِنْكَ مِنْ سَلَامِ اللَّهِ
 أَبَدًا مَا بَقِيَ رُبُّكَ لَيْلٌ وَأَنْهَارٌ وَأَجَلَةٌ اللَّهِ
 أَخْبَرَ الْعَهْدَ مِنْهُ لِيُزَارَ تَكْفُرُ

السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ
 وَعَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ
 وَعَلَى أَوْلَادِ الْحُسَيْنِ
 وَعَلَى أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ

آقای حامنه ای مهندس میرحسین موسوی را به مجلس به عنوان نخست وزیر معرفی کردند

بعدازظهر با فرمانده نیروی زمینی و فرمانده نیروی هوایی صحبت کردم و از مباران سه روز متوالی آبادان و غرق دوکشتی در خورموسی و سقوط یک هلی کوپتر و یک جت جنگی اف - ۴ پرسیدم. باز خواست کردم و تأکید بر انجام برنامه های طراحی شده نمودم. جمعی از مخالفان آقای محمد اغرضی در وزارت نفت آمدند و خواستار عدم وزارت ایشان بودند. شب به منزل آمدم. آخر شب، احمد آقا آمد و از وضع جامعه مدرسین حوزه علمیه اقم نگران بود که ممکن است با سمت جانشینی رهبری آقای (حسینعلی) منتظری مخالفت کنند. و از بی نظمی اداره مبارزه با منکرات می گفت.

چهارشنبه ۶ آبان

۲۹ ذیحجه - ۲۸ اکتبر

پس از نوشتن خاطرات عقب مانده و کمی مطالعه، به مجلس رفتم. کمیسیون آئین نامه داشتیم. کار طرح اخراج نمایندگان کثیر الغیبت و عاجزان از انجام وظایف تمام شد. جلسه غیر رسمی و غیر علنی برای مشورت در امر نخست وزیری مهندس امیر حسین اموسوی تشکیل شد. مخالفان می گفتند امام نظرشان این بوده که نخست وزیر از حزب نباشد. به اصلح بودن آقای مهدوی کتی تکیه می کردند و موافقان هم جواب دادند.

بعدازظهر جلسه هیأت رئیسه داشتیم. برنامه هفته آینده را تنظیم کردیم. درباره شروع کار ساختمان خانه های نمایندگان مجلس با نقشه هائی که مهندس مروت آورده بود، توضیح دادم. ساعت سه بعدازظهر، خبر دادند که از طرف دادستانی انقلاب به خانه آقای (حسن) لاهوتی ریخته اند و خانه را تفتیش می کنند. به آقای (اسدالله) لاجوردی گفتم با توجه به سوابق و مبارزات آقای لاهوتی بی حرمتی نشود. گفت، دنبال مدارک وحید (لاهورتی) هستند. اول شب اطلاع دادند که آقای لاهوتی را به زندان برده اند و احمد آقا هم تماس گرفت و ناراحت بود. قرار شد بگوئیم ایشان را آزاد کنند. آقای لاجوردی پیدا نشد، به آقای اسید حسین اموسوی تبریزی، دادستان کل انقلاب گفتم و قرار شد فوراً آزاد کنند. احمد آقا گفت امام هم از شنیدن خبر ناراحت شده اند. شب را در مجلس خوابیدم.

پنجشنبه ۷ آبان

۱ محرم ۱۴۰۲ - ۲۹ اکتبر

اول وقت بعد از نماز و کمی مطالعه، عفت تلفنی اطلاع داد که آقای لاهوتی رادیشب به بیمارستان قلب برده‌اند. بلافاصله تلفن زد و گفت از دنیا رفته‌اند. تماس گرفتم. معلوم شد صحت دارد. آقای لاجوردی، دادستان انقلاب تهران گفت: آقای لاهوتی اتهامی نداشته‌اند، برای توضیح مدارک مربوط به وحید آمده بودند، که به محض ورود به زندان، دچار سکته قلبی شده و معالجات بی‌اثر مانده است. قرار شد پزشکی قانونی نظر بدهد.^۱

ساعت هشت صبح، جلسه علنی تشکیل شد. من خبر فوت ایشان را دادم و ضمن اعلان خبر، گریه کردم؛ نتوانستم خودم را کنترل کنم. از این حالت عده‌ای انتقاد داشتند و عده‌ای تعریف کردند. درباره نخست وزیر مهندس [میرحسین] موسوی رأی گرفتم. ۱۱۵ نفر از ۲۰۲ نفر صاحب رأی موافق بودند؛ تصویب شد و ابلاغ کردم.

اداره جلسه را به عهده آقای [موسوی] [خوئینی] ها نایب رئیس [مجلس] گذاشتم. به دفترم آمدم. درباره کیفیت دفن آقای لاهوتی، مشورتهایی شد. قرار شد روابط عمومی مجلس اعلان کند. دادستانی می‌خواست بدون اطلاع به قبرستان ببرد، موافقت نکردم.

ساعت دوازده، برای مشورت در امر کابینه در دفتر آقای خامنه‌ای با حضور مهندس [میرحسین] موسوی جلسه‌ای داشتیم. قرار شد ترکیب کابینه کمتر به هم بخورد. روی چند نفر از وزرا بحث کردیم. آقای موسوی اردبیلی هم ملحق شدند. ناهار را همان جا صرف کردیم.

ساعت چهار بعدازظهر، به مجلس رفتم. ساعت سه و نیم بعدازظهر، تشییع جنازه آقای لاهوتی را اعلام کرده بودم. سعید و فاطمی در مجلس بودند. گفتند دادستانی ساعت ۳ بعدازظهر، قبل از آمدن مشایعین، جنازه را حرکت داده، به لاجوردی اعتراض کردم. گفت کمیته خودسری

۱. حجت‌الاسلام والمسلمین حسن لاهوتی اشکوری از زمره روحانیون مبارز و انقلابی بود که سالهای متعددی را در زندانهای ستمشاهی سپری کرده بود و تلاشهای زیادی برای استقرار نظام جمهوری اسلامی انجام داد. مرحوم لاهوتی پس از انقلاب مسئولیتهای مهمی چون نماینده ولی فقیه در استان گیلان، نماینده مردم رشت در مجلس، سرپرست سپاه پاسداران و امامت جمعه رشت را عهده‌دار بود. وی از هم‌زمان قدیمی آقای هاشمی رفسنجانی بود و سعید و حمید لاهوتی فرزندان این فقیه دامادهای ایشان هستند.

شب، جلسه دیگری با احمد آقا، مهندس موسوی نخست وزیر و آقای خامنه‌ای داشتیم. درباره وزیر خارجه و وزیر دفاع تصمیم گرفتیم. تلویزیون فیلمی از مراسم مکه و مخصوصاً تظاهرات ایرانیها و صف طولانی رأی‌دهندگان ایرانی در مکه، در انتخابات ریاست جمهوری را نشان داد. با رادیو تلویزیون مصاحبه نمودم. با احمد آقا به منزل آمدیم.

شنبه ۹ آبان

۳ محرم - ۳۱ اکتبر

تا عصر، در منزل ماندم و استراحت و مطالعه داشتم. احمد آقا هم آمد و در مورد مسائل چندی بحث کردیم. قرار شد فاتحه‌ای برای مرحوم لاهوتی بگیریم. چون خانواده ایشان به خاطر نارضایتی شدید از جریان، حاضر نشد، اعلان فاتحه کند. روابط عمومی مجلس شورا، برای ایشان و دو نفر دیگر از نمایندگان مجلس که اخیراً در تصادف اتومبیل فوت کرده‌اند، آقایان [فتحعلی] صاحب الزمانی و [علی اکبر] اصغری بنایی، یک جا فاتحه‌ای اعلام کرد.^۱

اول شب، با کادر مرکزی انجمن حج‌تیه قرار داشتیم. دیر آمدند، قرار عمل نشد. جلسه‌ای در دفتر ریاست جمهوری با حضور رئیس جمهور، نخست وزیر، بهزاد نبوی و احبیب‌الله عسکراولادی برای بحث درباره اختلافاتی که بین آقایان عسکراولادی و نبوی درباره انحصاری کردن خرید و فروش برنج و سایر موارد تجارت پیش آمده، داشتیم.

ستاد بسیج اقتصادی، تصمیم گرفته دولت خریدار انحصاری برنج از کشاورزان باشد، ولی تصمیم خامی است، نه امکانات انبار و حمل و نقل و نه نیروی انسانی برای خرید و توزیع دارد و نه فکری برای چندین هزار کاسبی که بیکار می‌شوند، کرده‌اند. آقای عسکراولادی وزیر بازرگانی مخالف است. آقای بهزاد به همین دلیل، نمی‌خواهد در کابینه شرکت کند، ناراحت است، فکرمی‌کند این بینش، مانع تحول در امر اصلاح تجارت و خلع ید سرمایه‌داران است.

۱ - مرحوم حجت‌الاسلام فتحعلی صاحب‌الزمانی نماینده مردم اسدآباد همدان در مجلس شورای اسلامی بود که در تاریخ ۳ آبان ۱۳۶۰ در حادثه رانندگی دارفانی را وداع گفت. مرحوم حجت‌الاسلام علی اکبر اصغری نماینده مردم بناب و ملکان (از توابع تبریز) در مجلس شورای اسلامی بود. وی در تاریخ ۲۶ مهر ۱۳۶۰ در حادثه رانندگی در جاده بین تاکستان و قزوین به رحمت ایزدی پیوست.

سپس جلسه‌ای با حضور رئیس بانک مرکزی و سازمان برنامه بودجه داشتیم. می‌خواهند اسکنااس چاپ کنند و پشتوانه اسکنااس [را] باید تأمین کنیم. طلاهای ما، به قیمت هر اونس ۴۲ دلار تقویم شده و قیمت واقعی ۴۳۰ دلار است؛ مجلس باید رسماً قیمت جدید را اعلان کند، ولی صلاح نیست، در جلسه علنی مطرح شود، چون دلیل ضعف اقتصادی به حساب خواهد آمد. تصمیم گرفتیم جور دیگری عمل شود.

یکشنبه ۱۰ آبان

۲ محرم - ۱ نوامبر

شب، در مجلس خوابیده بودم. پس از نماز و مطالعه گزارشها، به جلسه علنی رفتم. تا ظهر چند لایحه را تصویب کردیم. قرار بود، نخست وزیر کابینه را معرفی کند، نامه ایشان نرسید. معلوم شد آقای بهزادنبوی، به همان دلیل اختلاف با آقای عسکراولادی حاضر نیست در کابینه باشد. برای قانع کردن ایشان، تأخیر انداخته‌اند و بالاخره ایشان را به دلیل خطر بروز اختلاف، در میان نیروهای خط امام و به خصوص حزب جمهوری اسلامی و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، قانع کرده‌اند.

بعد از ظهر، در محل ریاست جمهوری، جلسه شورای مرکزی حزب بود. درباره اعضای کابینه و کمبود پول حزب، بحث شد. حزب ماهانه حدود سه میلیون تومان خرج دارد و فقط حدود صد هزار تومان حق عضویت می‌گیرد؛ بقیه مخارج را باید از راه سهم امام و قرض تأمین کنیم. قرار شد، راههای اساسی برای تأمین مخارج فکر شود.

شب در دفتر من، جلسه شورای مرکزی جامعه روحانیت مبارز بود. آقای مهدوی کنی را که اخیراً از نخست وزیری کناره‌گیری کرده و وقت دارد، به عنوان دبیر کل جامعه انتخاب کردیم و اختیاراتی به شورای اجرایی دادیم. شام را آقای مهدوی کنی همان جا با من صرف کردند و آقای [محمد] امامی کاشانی همان جا خوابیدند.

گروهی از مسئولان حسینیہ ارشاد آمدند، برای شروع کار کمک می خواستند. برای اینکه، مدتی پایگاه لیبرالها بوده، اعتبار خود را از دست داده. می خواهند با کمک ماها، تجدید اعتبار کنند. خانم اعظم طالقانی آمد و از بازداشت آقای مخلصی، داماد آقای طالقانی و فراری شدن، مجتبی پسر آقای طالقانی که گویا عضو پیکار بوده و اخیراً کنارگرفته، شکایت داشت. با دعوت انجمن اسلامی دانش آموزان، عازم سودان است.

مهندس [هاشم] صباغیان آمد و برای نجات دوستانشان از حملات حزب اللهی ها، کمک می خواست و به فکر چاره ای بود، برای آمدن مهندس مهدی [بازرگان] و دکتر [یدالله] اسحایی به مجلس که چند روزی است نمی آیند. سپس مهندس [عزت الله] اسحایی آمد و همین حرفها را داشت، به اضافه کمک خواستن، برای آزاد شدن پسرش از زندان که به اتهام همکاری با مجاهدین خلق، بازداشت است.

بعد از ظهر، آقای منصوری از وزارت خارجه آمد و از مسافرت های بی رویه نمایندگان مجلس به خارج و توقعات زیادشان از سفارتخانه ها، حرف زد و از برنامه های وزارت خارجه. اول شب مصاحبه ای با تلویزیون فرانسه داشتیم^۱. سپس، مصاحبه با تلویزیون خودمان در مورد سالگرد تبعید امام به ترکیه و اشغال لانه جاسوسی آمریکا در ایران که با هم تصادم کرده و روز دانش آموز. آخر شب، به خانه آمدم.

چهارشنبه ۱۳ آبان

۷ محرم - ۴ نوامبر

تمام وقت در خانه بودم. چهار روز عقب ماندگی خاطرات را نوشتم و استراحت نمودم. احمد آقا خمینی، ساعت ده صبح آمد و پرونده آقای لاهوتی را که از دادستانی برای اطلاع دادن به امام گرفته بود، آورد. و لیستی از اشیائی که در بازرسی منزل آقای لاهوتی، برده بودند. و گفت در مورد ایشان بهتر بود، باظرافت عمل شود، به خاطر خدمات ایشان در دوران مبارزه. سپس آقای صادق طباطبائی آمد. از خودش در مورد اتهاماتی که معاون وزارت دفاع، در مورد

۱. کتاب هاشمی رفسنجانی - مصاحبه های ۱۳۶۰.

خریده‌های ایشان زده بود، دفاع کرد. ایشان با موافقت شورای عالی دفاع، شرکتی در اروپا تأسیس کرده و برای ما اسلحه می‌خرد. متهم است که گران‌خریده و یا قسمت اعظم را هنوز نخریده؛ ولی اسنادی ارائه داد که خوب کار کرده است.

عصر خانم امام و دخترهایشان، مهمان عفت بودند، احوال امام را پرسیدم. گفتند: دو روز قبل فشارشان بالا رفته و قلبشان ناراحت شده، ولی با رسیدن و مراقبت، حالشان خوب شده. وضع امام حساس است، باید شدیداً مراقبت شوند. از اهواز آقای [محسن] رضایی فرمانده سپاه تلفن کرد. آماده برای حمله می‌شوند.

پنجشنبه ۱۴ آبان

۸ محرم - ۵ نوامبر

قبل از رفتن به مجلس، برای تسلیت به منزل مرحوم لاهوتی رفتم. خانم، حمید و فائزه بودند. ساعت نه ونیم به مجلس رسیدم. با خبرنگاران آمریکائی مصاحبه‌ای داشتم. درباره سیاست داخلی و خارجی و جنگ و تروریسم!

گروهی از مسئولان برنامه ریزی و [تألیف] کتب درسی آموزش و پرورش، به ریاست آقای [غلامعلی] حداد عادل آمدند. با جامعه مدرسین [حوزه علمیه] اختلاف داشتند، بر سر اینکه در کتب درسی، برنامه خاص تعلیمات دینی اهل سنت، چگونه تهیه و توزیع شود. قرار شده چند درسی به صورت ضمیمه اضافه شود، به تعلیمات دینی. این کار معمول است، برای محیط‌های سنی نشین، مثل کردستان و بلوچستان و... مدرسین می‌گویند، این کار را خود اهل سنت بکنند.

آقای دکتر اعلی اکبر اولایتی آمد و از اینکه در جریان کاندیدا توری نخست‌وزیری و ریاست جمهوری، حرفهای نادرستی به ایشان گفته شده، چاره‌جویی می‌کرد. گفتم مجموعاً به نفع بود و فکری هم کردیم. دکتر [محمد] تقی [ابانکی]، وزیر مشاور و سرپرست برنامه و بودجه هم آمد و درباره خط مشی اقتصادی و شورای اقتصاد و کمیسیونهای تخصصی هر رشته، مطالب



شهادای هیئت مؤتلفه

صادق امانی همدانی - مرتضی سکنی آزاد - افضا صفا، همدانی - محمود بیگلری

خوبی مطرح شد. بعد از ظهر، ملاقاتی طولانی با اعضای هیأت‌های مؤتلفه^۱ قدیم که اکثراً عضو حزب جمهوری اسلامی هستند، داشتیم. درباره اقتصاد و امنیت، مطالبی داشتند و گفتند آقای مهدوی کنی، اخیراً دستور داده کمیته‌ها، بدون امضای ایشان، احکام دادستانی انقلاب را اجرا نکنند.

شب، آقای محمدزاده آمد. پیشنهاد همکاری تجاری با کمپانی بزرگ هندی - هندوجا - را می‌داد و فیلم "عمر مختار" لیبیائی را آورد که من بینم. امام جمعه‌نکا هم شب به ملاقات آمد؛ برای امور فرهنگی منطقه. آخر شب، به منزل آمدم.

جمعه ۱۵ آبان

۹ محرم - ۶ نوامبر

پیش از ظهر، در خانه به مطالعه در اطراف "شهادت و عاشورا" پرداختم. عفت و بچه‌ها برای زیارت، عازم شهرستان قم شدند. ساعت یازده، برای اقامه نماز جمعه به دانشگاه رفتم. سخنران پیش از خطبه‌ها، آقای [عبدالمجید] معادیخواه وزیر ارشاد بود. قطعنامه‌ای از طرف هیأت‌های عزادار قرائت شد و من خطبه‌ای راجع به فلسفه قیام کربلا و آثار آن و خطبه‌ای درباره مسائل جاری و لزوم برنامه‌ریزی و دادن اعتماد به بخش خصوصی برای فعال شدن ایراد کردم^۲. اول شب، حمید و فائزه آمدند و شب را پیش من ماندند، چون تنها بودم. مقداری آنها را تسلیت دادم و ارشاد کردم؛ غیر مستقیم گله داشتند که چرا من با صراحت نگفتم که آقای لاهوتی در زندان سخته کرده و فوت شده. برنامه رادیو و تلویزیون، بیشتر عزاداری بود.

از اهواز، آقای محسن رضائی فرمانده سپاه تماس گرفت، درباره جنگ مطالبی گفت. منتظر حمله به عراقیها هستیم، ولی به علی عقب می‌اندازند. باید با پیروزی به جنگ خاتمه

۱ - هیأت‌های مؤتلفه اسلامی از جمله گروه‌های اسلامی است که در سالهای پیش از انقلاب با راهنمایی روحانیون، به مبارزه با رژیم پهلوی می‌پرداختند. این افراد متشکل از گروه‌های کوچک اسلامی بودند که با هم ائتلاف کرده بودند. شهید سید مجتبی نواب صفوی از بنیانگذاران این هیأت‌ها بوده و رهبری مذهبی آنان را عهده‌دار بود. این گروه سیاسی، به مبارزه مسلحانه با رژیم شاه پرداختند و چند ترور سیاسی انجام دادند که تعدادی از دستگیر شدگان تیرباران شدند.

۲ - کتاب "هاشمی و فتنه‌جانی - خطبه‌های نماز جمعه - ۱۳۶۰".

بدهیم. مقداری از گزارشها و نامه‌ها را به خانه آوردم، خواندم و جواب دادم.

شنبه ۱۶ آبان

۱۰ محرم - ۷ نوامبر

امروز تمام وقت در خانه ماندم و گوش به مراسم عزاداری از رادیو و تلویزیون دادم، مقداری وقت هم صرف زیارت عاشورا کردم. تقریباً در خانه تنها بودم. پیش از ظهر آقای ایحیی ارحیم صفوی فرمانده عملیات سپاه در خوزستان آمد و سه طرح جنگی را در جنوب و غرب ارائه داد. حداقل دو هفته تا اجرای اولین طرح، وقت لازم است. از فرصتی که برایشان تعیین کرده بودیم، چند هفته تأخیر دارند.

عصر، تلفنی از آقای خامنه‌ای و آقای امیرحسین اموسوی نخست وزیر احوالپرسی کردم و اخبار کشور را گرفتم. احمد آقا تلفن کرد و گفت، اطلاع داده‌اند گروهی حسینه ارشاد را اشغال کرده‌اند؛ به عنوان اعتراض به لیبرالها و قرار شد فوراً آنها را بیرون کنند و تیبیه. عمل غلطی است، خود آنها مایلند حسینه را تحویل بدهند. عفت و بچه‌ها اول شب از قم آمدند و از ازدحام و شور عزاداری [عاشورا] امسال قم می‌گفتند.

یکشنبه ۱۷ آبان

۱۱ محرم - ۸ نوامبر

اول وقت، دکتر احسن اروحانی آمد که گزارش مأموریت بازرسی جنوب را بدهد. ایشان با هیأتی به جبهه رفته بودند که مسأله بمباران بندر ماهشهر و آبادان و... را که اخیراً عراق انجام داده، و عدم فعالیت پدافند ما را بررسی کنند. در مجموع نظرشان این است که مدافعان ماهشهر، تقصیر یا قصور دارند. در آبادان ممکن است به خاطر نداشتن ابزار پیشرفته و مؤثر، قابل دفاع باشد.

به مجلس رفتم. گزارشها را خواندم و نامه‌ها را امضاء کردم. آقای ناطق نوری آمد و از جلسه‌ای که در زندان اوین، برای زندانیان اخیر گذاشته‌اند، گفت و معتقد بود که اگر از تلویزیون پخش شود، خیلی مفید است. هزاران نفر از جوانهای زندانی، شرکت می‌کنند و به نفع جمهوری

اسلامی و علیه منافقان، شعار می دهند و سرود به نفع جمهوری اسلامی می خوانند و افشاگری می کنند. فریب خورده بودند و تنبه شده اند.

بعد از نماز ظهر، در جلسه ای که دانشجویان دانشکده افسری، برای چهارم شهادت سرتیپ نامجو داشتند، شرکت کردم و برایشان صحبت کردم^۱. ساعت چهار بعد از ظهر، جلسه فوق العاده شورای عالی دفاع داشتیم. آقای ظهیرنژاد رئیس ستاد به انتقال نیرو از آذربایجان به خوزستان، توسط نیروی زمینی اعتراض داشت. اعتراضش را وارد ندانستیم.

در جلسه شورای مرکزی حزب، شرکت کردیم. بحث درباره حرکت و نظام حزب داشتیم و عده ای از نرسیدن سران به اعضا و بی جواب ماندن سئوالات آنها، گله داشتند و قرار شد آقای امصطفی امیرسلیم از بنیاد جنگ زدگان، به وزارت کشور برای معاونت، منتقل شود.

جلسه ای با آقای محمد غرضی وزیر نفت داشتیم. می گوید مشتریها دارند می آیند و فروش بالا می رود و قرار شد که پالایشگاه تصفیه گاز مایع ماهشهر را خاموش کنند که خطر حمله عراق به آن کم شود. سپس جلسه با آقایان اسیدعلی اخامنه ای، (عبدالکریم موسوی اردبیلی و اسدالله الاجوردی داشتیم. درباره وضع زندانها و دادگاهها و... تصمیماتی اتخاذ شد.

دوشنبه ۱۸ آبان

۱۲ محرم - ۹ نوامبر

تا بعد از ظهر، در منزل ماندم. مقداری از آثار شهید مطهری و شهید بهشتی را مطالعه کردم و مقداری هم به عفت کمک کردم. عفت ترضی برای منزل درست می کرد، چون کمک نداشت، من کمک کردم. ناهار را بزقرمه درست کرده بود؛ از غذاهای بومی رفسنجان است. بعد از ظهر در مجلس، مصاحبه ای تلویزیونی با خبرنگاران انگلیسی داشتم^۲. بیشتر انگشت روی نقاط ضعف - به نظر خودشان - می گذاشتند، زندانیها، اعدامها، ... من هم خونسرد، جواب توضیحی می دادم. سپس مصاحبه ای با مجله امید انقلاب ارگان سپاه داشتم^۱.

۱ و ۲ - کتاب هاشمی رفسنجانی - مصاحبه های ۱۳۶۰.

۲ - کتاب هاشمی رفسنجانی - مصاحبه های ۱۳۶۰.

آقای نعمت از طرف بنیاد اسفراین آمد. می خواست به آنها در جهت ادامه طرح کمک کنم. اواخر رژیم شاه، طرحی تصویب شده که شورویها چند کارخانه عظیم ریخته گری فولاد و چدن و... در ایران بسازند، با ظرفیت ۲۵۰ هزار تن در خراسان و کرمان، ولی بعد از انقلاب با آن مخالفت کرده اند و هنوز راه نیفتاده است و گروهی در مقدمات کار فعالیت می کنند.

از طرف سندیکای شرکت واحد هم نماینده ای آمد و تقاضای داشتند. گویا مدیر عامل با سندیکا مخالف است. شب را در مجلس ماندم. تلویزیون، فیلمی از مراسم عزاداری زندانیها نشان داد. جمعی از جوانان کم سن و سال، در حدود هزار نفر که شعار علیه مجاهدین خلق می دادند و تقاضای عفو داشتند و ابراز ندامت می کردند. این گونه چیزها، در تاریخ بازداشت های سیاسی کم سابقه است. به نفع امام و جمهوری اسلامی و مسئولان شعار می دادند. نشان عدم عمق گروهکهاست.

سه شنبه ۱۹ آبان

۱۳ محرم - ۱۰ نوامبر

صبح زود پس از نماز و انجام کارهای اداری و مطالعه گزارشها، به جلسه علنی رفتم. مطلب مهمی در دستور نداشتیم. عضو علی البدل شورای سرپرستی صداوسیما را انتخاب کردیم. آقای اسید حسن شاهچراغی^۱ با رأی اکثریت انتخاب شد. ظهر، جمعی از نمایندگان برای کارهای شخصی و حوزه های انتخابیه، به دفترم مراجعه کردند.

بحثی با آقای موسوی خوئینی ها، نایب رئیس مجلس داشتم که گفته بود اعضای حزب جمهوری اسلامی، افرادی را که از خودشان نیستند، می کوبند و از میدان بیرون می کنند و مثال را در مورد آقایان محمد غرضی و بهزاد نبوی آورده بود. استدلال کردم که برعکس، ما افراد لایق را پروبال می دهیم، برای ازدیاد نیرو و ترویج صلاحیتها و به دلیل عدم تعصب حزبی.

۱ - شهید سید حسن شاهچراغی نماینده مردم دامغان در مجلس شورای اسلامی بود. وی در سالهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی غیر از نمایندگی مجلس در سمتهای ریاست دفتر دادستانی کل انقلاب، نماینده دادستان کل انقلاب در هیأت بررسی عملکرد بنیاد مستضعفان و مدیر مسئول روزنامه کیهان فعالیت داشت. شاهچراغی در سالهای اوج جنگ تحمیلی به جبهه اعزام شد و شربت شیرین شهادت نوشید.

عصر آقای اخسرو اتهرانی مسئول اطلاعات کشور آمد و گزارشی از پیشرفت کارهای ضد اطلاعاتی داد. از عدم فعالیت اطلاعاتی اکثریت سفارتخانه‌های اجانب در ایران گفت. و معتقد است فقط چند سفارت، فعالیت اطلاعاتی دارند.

اول شب، در جلسه شورای عالی اقتصاد در نخست وزیری شرکت کردم، بحث تورم بود. نرخ تورم خیلی بالاست، حدود ۲۰ درصد در پنج ماهه اول سال ۶۰، عوامل تورم و راههای علاج را بررسی می‌کردند. نتیجه گرفتند که تورم جهانی، بالا بردن حقوقهای سطح پائین، عدم اعتماد مردم به آینده اقتصادی و کمی پس انداز، معلوم نبودن تکلیف مالکیتها، معلوم نبودن رشته‌های بخش خصوصی و دولتی، عوامل روانی و تبلیغات اجانب و ضد انقلاب، محاصره اقتصادی و جنگ از عوامل تورم است و دادن اعتماد به مردم، توسعه تولید، بالا بردن دستمزدها، کنترل قیمتها و... برای رفع تورم مفید است.

شب، به خانه آمدم. عفت کله پاچه پخته بود. امروز عصر همراه خانم مطهری به منزل امام رفته بودند. می‌گفت امام هم بنا به اظهار خانم از فیلم دیشب زندان، متأثر شده‌اند.

چهارشنبه ۲۰ آبان

۱۴ محرم - ۱۱ نوامبر

دو روز عقب ماندگی خاطرات را جبران کردم. عفت با خانم شهید باهنر، برای ثبت نام در مدرسه شهید مطهری رفت. در مجلس تا یک بعد از ظهر، کمیسیون آئین نامه داشتیم. بعد از ظهر، سرهنگ محمد سلیمی وزیر دفاع آمد و در مورد دفتر مشاورت نمایندگان امام در شورای عالی دفاع که آقای خامنه‌ای تأسیس کرده‌اند و تحت سرپرستی آقای [محمد] سلیمی است، توضیحاتی داد. قرار شد، سرپرست جدیدی تعیین شود. فعلاً در اختیار من است. هدف، نظارت بر امر ارتش است.

بعد از استراحت، جلسه هیأت رئیسه تشکیل شد. برنامه هفته آینده را تنظیم کردیم. آقای دکتر ولایتی گزارشی داد از وضع دیوان محاسبات که تابع مجلس است؛ و نیاز دیوان برای کار بیشتر و کارمند جدید.

بعد از نماز مغرب و عشا، در دفتر رئیس جمهور با حضور وزیر نفت، نخست وزیر، احمدآقا، رئیس سازمان برنامه و بودجه و رئیس بانک مرکزی، جلسه مشورتی درباره وضع ارزی کشور تشکیل شد. ذخیره ارزی در حدود دو میلیارد دلار است و ارزش طلاها در حدود پنج میلیارد دلار؛ هرماه نزدیک ۱/۵ میلیارد دلار واردات داریم و صدور نفت روزانه حدود پانصد هزار بشکه است؛ حدود ششصد میلیون دلار در ماه. اگر وضع چنین باشد به زودی ذخیره ارزی تمام می شود. آقای احمد غرضی معتقد است که به زودی با ارزان شدن قیمت نفت، ۳۴ دلار، صدور نفت بالا می رود و کمبود ارز جبران می شود. دیگران هم قبول داشتند، ولی احتیاطاً تصمیمات دیگری هم اتخاذ شد. شام را با احمد آقا و آقای خامنه ای صرف کردم؛ تصمیم گرفتیم به کشورهای خارجی کمتر حمله و فحاشی شود. صداوسیما کنترل شود. از اینکه در جبهه ها تحرک نیست، ناراحتیم، ولی در انتظار تحرک، صبر می کنیم.

پنجشنبه ۲۱ آبان

۱۵ محرم - ۱۲ نوامبر

پس از نماز، مشغول کارهای مجلس شدم. (میر غفار سجاد نژاد) نماینده بستان که به اتهامی اعتبارنامه اش در کمیسیون تحقیق است، آمد و چاره جویی می کرد. در جلسه علنی، با حضور شورای نگهبان طرح تعیین تکلیف نمایندگان کثیرالغیبت، مطرح بود. کلیات آن تصویب شد.^۱ قبل از جلسه و هنگام تنفس، طبق معمول به گرفتاریهای نمایندگان پرداختم. ظهر هم تا ساعت دو، گروهی به دفترم مراجعه نمودند.

آقایان (محمد علی امجدی، افضل الله مهدیزاده) محلاتی و محمد اخوی آمدند. گله داشتند که تلویزیون مصاحبه آقای مهدوی کنی دیرکل جامعه روحانیت را پخش نکرده. محمد دفاع کرد و قرار شد، امشب پخش شود و شد.

۱- به موجب این طرح نماینده ای که بیش از یکصد ساعت متوالی، یا دوست و پنجاه ساعت غیر متوالی از اوقات رسمی جلسات مجلس و کمیسیون را بدون عذر موجه در یک غیبت نماید، بدون حق استرداد در مهلت پانزده روزه استعفی شناخته خواهد شد. نمایندگانی که در دوره اول بنا بر اصل فوق استعفی شناخته شده اند. ۱- محمد مهدی کرمی (دشت آزادگان)

۲- احمد سلامتیان (اصفهان) ۳- احمد غضنفرپور (لنجان) ۴- علی گلزاده غفوری (تهران)

ساعت چهار در دفتر آقای خامنه‌ای با حضور نخست وزیر و اعضای ستاد انقلاب فرهنگی جلسه داشتیم، برای اطلاع از پیشرفت کار آنها. آقای دکتر احسن حبیبی گزارش دادند. خوشحال شدیم. برای افتتاح دانشگاهها برنامه‌هایی در جهت محتوای درسی و مدیریت و شرایط استاد و دانشجو تهیه کرده‌اند.

دو لایحه هم برای ادغام دانشکده‌های پزشکی و وزارت بهداشتی و بیمارستانها و توسعه تربیت معلم به دولت داده‌اند، قرار شد لوایح مطرح شود و رفته رفته شروع کار دانشگاهها اعلان شود. حجم دانشکده‌های پزشکی دو برابر و تربیت معلم چند برابر خواهد شد. در دوره تعطیلی دانشگاهها، هزار تألیف و ترجمه شده و جهاد دانشگاهی، خدمات زیادی کرده و نیروهای دانشگاهی، اعم از استاد و دانشجو در جهت عمران و صنایع، خدمات زیادی کرده‌اند و با باز شدن دانشگاهها، مشکل کمبود نیرو خواهیم داشت.

جمعه ۲۲ آبان

۱۶ محرم - ۱۳ نوامبر

تمام وقت، در منزل ماندم. با اجازه امام از آقای موسوی اردبیلی رئیس دیوان عالی کشور، خواهش کردم به جای من نماز جمعه را اقامه کنند و قبل از نماز هم دادستان کل انقلاب سخنرانی داشت. تمامی تریبون نماز جمعه در اختیار قوه قضائیه بود.

پیش از ظهر، مقداری در حیاط قدم زدم و چمنها را آب دادم و مقداری مطالعه کردم و نوشتم. مهدی و یاسر هم با نوه‌های امام و سایر دوستانشان، بازی می‌کردند. عفت کارهای خانه را انجام می‌داد و برای مهمانانش غذا تهیه می‌کرد.

نزدیک ظهر، خانواده مرحوم اخوی حاج قاسم آمدند. ناهار را مهمان ما بودند. بعد از ظهر پس از استراحت، مصاحبه‌ای با مجله عروه الوثقی داشتم^۱. سال گذشته، شهید حسن اجاره‌دار مصاحبه‌ای را با من آغاز کرده بود که شرح حال خودم را همراه با تاریخ مبارزه بگویم، چهار ساعت نوار پر شده بود، که تا سال ۴۵ رسیده بودم و امروز از ساعت چهار تا هشت بعد از ظهر،

۱. کتاب هاشمی رفسنجانی - مصاحبه‌های ۱۳۶۰.

صحبت کردم و چند نوار دیگر پر شد. هم تاریخچه خودم بود و هم گوشه‌ای از تاریخ مبارزات اسلامی ایران و مقداری هم راجع به انجمن حجیه که یکی از مسائل روز است، برای آنها توضیح دادم.^۱

این انجمن در گذشته، به منظور مبارزه با بهائیتها تشکیل شد و مخالف مبارزه بارزیم پهلوی بود. معتقد بود که امکان ندارد، قبل از ظهور امام زمان حکومت اسلامی تشکیل شود و جمع زیادی از جوانان را متشکل کرده بود. بعد از انقلاب اینها وارد بسیاری از کارهای دولتی، مخصوصاً فرهنگی شده‌اند و امروز عده‌ای با آنها مخالفت می‌کنند.

آقای جنتی، عضو شورای نگهبان در نماز جمعه قم سئوالاتی در مورد آنها طرح کرده‌اند و تبدیل به مسأله روز شده.^۲ نباید مزاحم آنها شد. افراد مسلمان و معتقدی هستند؛ ولی انقلابی نیستند. معروف است، شاخه‌ای از آنها ولایت فقیه را قبول ندارند؛ ولی خودشان منکر این اتهامند. شب محمد اخوی و خانواده‌اش، مهمان ما بودند. می‌خواهند تغییراتی در برنامه رادیو تلویزیون بدهند. تغییر مهمی در جنگ و جبهه نداشتیم.

شنبه ۲۳ آبان

۱۷ محرم - ۱۴ نوامبر

پیش از ظهر، در خانه ماندم. عفت به کلاس درس رفته بود. بیشتر به مطالعه پرداختم. اول وقت آقای (سید محسن) دعا گو آمد. ایشان در بخش ایدئولوژی حزب و عصرها در زندان اوین کار می‌کنند و سرپرستی تدوین «کلید قرآن» که مواد آنرا در زندان دوره طاعوت تهیه کرده‌ام، به

۱- کتاب «هاشمی رفسنجانی - دوران مبارزه - دفتر نشر معارف - انقلاب دو جلد، ۱۳۷۶».

۲- هفت سوال به این ترتیب است: ۱- شما قبل از انقلاب، ولایت فقیه را قبول نداشتید و خارج از انقلاب و یا مخالف انقلاب بودید و یا بی تفاوت نسبت به انقلاب، آیا شما خط عوض کرده‌اید یا نه؟ ۲- آیا حاضرید اعتراف کنید که خط سابقتان غلط بوده است؟ ۳- شما سابقاً در رابطه با بهائیت کار می‌کردید، اکنون که بهائیت وجود ندارد، رسالتان در این تشکیلات چیست؟ ۴- علت اصرار شما بر اینکه در مراکز اطلاعاتی نفوذ کنید و اطلاعات را جمع آوری کنید برای چیست؟ ۵- دلیل اینکه اطلاعات جمع شده را به مراکز بهره‌وری و به ارگانهای انقلابی نمی‌دهید، چیست؟ ۶- آیا شما به خودتان اجازه می‌دهید از امکانات دولتی استفاده کنید و در رابطه با استفاده، مجوز قانونی و شرعی دارید یا نه؟ ۷- دلیل اینکه تمام تکیه‌تان روی ضدانقلاب چپ است و از ضدانقلاب راست غفلت می‌ورزید، چیست؟

عهده دارد. صورت جلسه‌های جلسات اقتصادی آقای شهید بهشتی را آورد که من مطالعه کنم و آماده برای اداره جلسات شوم.

رئیس جمهور و هیأت دولت، به زیارت امام آمده بودند. ظهر غذا نداشتیم، از رستوران گرفتیم. عصر در جلسه سمینار مسئولان بنیاد شهید شرکت کردم و سخنرانی نمودم^۱. قرار بود شورای عالی دفاع، جلسه داشته باشد. من شرکت نکردم و از آقای خامنه‌ای خواستم که ایشان اداره کنند و بعداً معلوم شد ایشان هم به خاطر درد دست شرکت نکرده‌اند و جلسه تشکیل نشده است.

اول شب، اطلاع رسید، انبار مهمات سپاه پاسداران در اهواز منفجر شده. چند روز پیش هم چنین اتفاقی در آبادان برایشان افتاده؛ ناشی از بی نظمی است. امروز با مرکز فرماندهی نیروی زمینی در اهواز تماس گرفتم؛ گفتند وضع خوب است و برنامه‌ها درست انجام می‌شود.

یکشنبه ۲۴ آبان

۱۸ محرم - ۱۵ نوامبر

بعد از نماز و صبحانه، عفت به کلاس رفت و من به مجلس. جلسه علنی داشتیم. پیش از دستور درباره مانور نیروهای واکنش سریع آمریکا که در مصر، سودان، سومالی و عمان، مانور می‌دهند و درباره اظهارات نمایندگان سوسیال دموکرات پارلمان آلمان غربی، درباره اعدامهای ایران و اعتراض به تجاوز عراق و محکوم کردن محاصره اقتصادی و تروریسم صحبت کردم و آنها را محکوم نمودم^۲. مورد استقبال نمایندگان قرار گرفت.

طرح تعیین تکلیف نمایندگان کثیرالغیبت تصویب شد و به موجب آن، غیبت غیر موجه یکصد ساعت متوالی و ۲۵۰ ساعت غیر متوالی، استعفاء تلقی می‌شود. پس از تنفس آقای موسوی خوئینی‌ها مجلس را اداره کرد و من به دفترم رفتم.

آقای اسیدمحمد کیاوش نماینده اهواز آمد. در انفجار مرکز حزب جمهوری اسلامی ناقص

۱- کتاب آهاسمی رفسنجانی - سخنرانیهای سال ۱۳۶۰.

۲- کتاب آهاسمی رفسنجانی - نطقهای پیش از دستور ۱۳۶۰.

شده است، برای چند عمل جراحی، می‌خواهد به خارج برود. خیلی صدمه دیده و رنج کشیده و خیلی روحیه‌اش خوب است. ظهر عده‌ای از روحانیون اهل سنت و نمایندگان مردم جوانرود آمدند و با آنها ملاقات کردم. اظهار وفاداری به جمهوری اسلامی می‌کردند و خواسته‌هایی داشتند. جمعی از نمایندگان مجلس، برای کارهای خودشان آمدند.

عصر، جلسه شورای مرکزی حزب جمهوری در مجلس تشکیل شد. درباره اختلافاتی که با سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی به چشم می‌خورد، بحث شد. قرار شد سه نفر از ما و سه نفر از آنها، جلسه مشترکی برای هماهنگی و رفع اختلاف، داشته باشند. شب در دفتر کارم ماندم و گزارشهای دو سه روز را که عقب افتاده بود، خواندم و کارهای اداری مجلس را انجام دادم. در آمل از جنگل حرکت جدیدی از طرف ضدانقلاب به عنوان "سربداران" شروع شده و چند نفر از سپاه و ژاندارمری را شهید کرده‌اند و ضربه‌هایی به آنها خورده و نیروهای دولت آماده مبارزه با آنها در جنگل شده‌اند.

خبر رسید، استاد علامه طباطبائی^۱، فقیه، فیلسوف، مفسر و عارف اسلامی فوت شده است. اعلامیه‌ای از طرف مجلس دادم^۲. شخص بزرگی را از دست داده‌ایم.

دوشنبه ۲۵ آبان

۱۹ محرم - ۱۶ نوامبر

به خاطر داشتن دو فوریتی، جلسه علنی داشتیم. [الایحه تشکیل] پلیس قضائی در شور اول

۱ - علامه سید محمد حسین طباطبائی ۱۲۸۲ هجری شمسی در تبریز به دنیا آمد. در سال ۱۳۰۴ رهپار نجف اشرف شدند و ده سال در آن مرکز بزرگ تشیع به تکمیل معلومات خود در شعب مختلف علوم اسلامی پرداختند.

از جمله تألیفات این دانشمند بزرگ شیعه تفسیر المیزان، شیعه در اسلام و اصول فلسفه رئالیسم را می‌توان نام برد.

۲ - در این اعلامیه آمده است: انالله و اناالله راجعون، علمای بزرگ اسلام که از سرچشمه‌های فیض الهی و معارف قرآنی سیراب شده‌اند، منابع و ذخایر گرانبهای اسلام و امت اسلامند.

مجلس شورای اسلامی ضایعه مؤلمه فقدان عالم ربانی، فیلسوف الهی، عارف مهذب، مفسر کبیر قرآن و شاگرد نمونه امام صادق (علیه السلام)، استاد گرانقدر و بزرگوار علامه طباطبائی را به حضور امام امت، ملت قدرشناس و حوزه‌های علمی و خانواده محترم آن فقید سعید تسلیت می‌گوید.

همچنین از طرف مجلس شورای اسلامی حجت‌الاسلام محمد یزدی نایب رئیس مجلس در مراسم تشییع جنازه آن عارف عظیم‌الشان شرکت می‌نمایند.



علامہ سید محمد حسین طباطبائی



تصویب شد. لایحه توقف احکام دادگاهها، در مورد تخلیه محل مسکونی مورد اجاره به مدت یک سال، تصویب گردید. شورای نگهبان در مجلس بودند. پیش از دستور درباره علامه طباطبائی صحبت کردم. در قم جنازه آقای طباطبائی با شکوه تشییع گردید. آقای یزدی نایب رئیس مجلس، از طرف مجلس شرکت کرد. عصر در مدرسه شهید مطهری از طرف امام و مجلس و مقامات دیگر، مجلس ترحیم بود.

در جلسه، عده‌ای از نمایندگان با توقف احکام دادگاهها، به عنوان مخالفت داشتن با اسلام مخالفت کردند و من با ناراحتی از اینکه اسلام را به نفع اغنیا تفسیر می‌کنند، از لایحه دفاع کردم. آنها از من ناراحت شدند که تلویحاً آنها را متهم به حمایت از اشراف کرده‌ام. بعد از ظهر در جلسه حزبی نمایندگان، شرکت کردم. آقای اسدالله ابادامچیان و آقای احسن اغفوری فرد راجع به مشکلات شهرستانها صحبت کردند.

مصاحبه‌ای با مجله آینده سازان درباره دانش آموزان داشتم^۱. دو نفر از دانشکده افسری آمدند و از آقای سرهنگ خاتمی فرمانده دانشکده، که به جای سرهنگ نامجو آمده، شکایت داشتند و از صیاد شیرازی^۲ نیز که او را گذاشته است.

عده‌ای از مسئولان حزب آمدند و از کم توجهی ما به مسائل حزب، گله داشتند. قانعشان کردیم که مصالح حزب و انقلاب با هم است و لازم است که ما به نیازهای فوری انقلاب، توجه داشته باشیم.

آقای اسماعیل معزی نماینده ملایر آمد. دو فرزندش را به خاطر عضویت در مجاهدین خلق بازداشت کرده‌اند؛ کمک می‌خواست و معتقد است آنها حاضرند توبه کنند. آخر شب به خانه آمدم.

با احمد آقا درباره اینکه امام دستور داده‌اند، ویژه نامه خبرگزاری پارس^۳، فقط به پنج نفر داده شود و به وزرا و نمایندگان ندهند، صحبت کردم؛ گفتند، علت این است که حرفهای

۱- کتاب هاشمی رفسنجانی - مصاحبه‌های ۱۳۶۰.

۲- نام خبرگزاری پارس بعدها به "خبرگزاری جمهوری اسلامی" تغییر یافت.

ضد انقلاب در آن درج می‌شود و نباید خودمان، وسیله انتشار بیشتر آن باشیم.

سه شنبه ۲۶ آبان

۲۰ محرم - ۱۷ نوامبر

تا بعد از ظهر، در خانه ماندم. عشت به کلاس رفت و ظییر برگشت. فرصتی برای مطالعه یافتم. بنامت بخش "معاد" را از موضع حزب جمهوری درس بدهم. کتاب معاد آقای مطهری را مطالعه نمودم. استفاده بردم.

نزدیک ظهر، احمد آقا آمد. و راجع به ارتش و اختلافات سیاسی ایدئولوژیک با انجمنهای اسلامی از یک طرف، با فرماندهان نیروی هوایی و زمینی از طرف دیگر، صحبت داشت و راجع به موضوعات متفرقه دیگر نیز تصمیم گرفتیم. ناهار را در خانه، چیزی نداشتیم، از بیرون آوردند. آقا جلال را فرستاده بودم که چیزهای شخصی مرحوم لاهوتی را که دادستانی هنگام بازداشت ایشان از منزلشان برده بود، بگیرد؛ بعد از ظهر آورد.

به مجلس رفتم، تا هشت شب، چندین ملاقات داشتم. کارها را با تلفن انجام دادم. سپس در دفترم، جلسه شورای مرکزی جامعه روحانیت مبارز تبران، تشکیل شد. تصمیماتی گرفتیم و درباره بهتر کردن وضع زندانیها، مذاکراتی به عمل آمد و تصمیماتی اتخاذ شد. عصر، رهبران حزب توده آمدند و گزارشهایی کم ارزش آوردند و امتیاز می‌خواستند. دوستان و مسئولان بخشهای حزب جمهوری اسلامی هم آمدند و از عدم توجه کافی ما به حزب، گله داشتند. در مجلس خوابیدم.

چهارشنبه ۲۷ آبان

۲۱ محرم - ۱۸ نوامبر

بعد از نماز صبح، کارهای اداری را انجام دادم و گزارشها را خواندم. به جلسه کمیسیون آئین نامه رفتم. مصاحبه‌ای با تلویزیون، درباره مصوبه مجلس در خصوص عدم اجرای حکم دادگاهها، درباره تخلیه مساکن اجاری نمودم. باشت شد، پنج دقیقه دیر به کمیسیون برسم، ۲۵

تومان جریمه شدم؛ هر دقیقه پنج تومان جریمه می‌کنیم. بعد از کمیسیون، هنگام نهار چند ملاقات داشتم. پس از نماز واستراحت، جلسه هیأت رئیسه تشکیل شد. برنامه هفته آینده را درست کردیم و تصمیماتی اداری و امنیتی هم گرفتیم.

بعد از نماز مغرب و عشا، به دفتر رئیس جمهور رفتم. مسئولان سیاسی ایدلوزیک، انجمنهای اسلامی، فرماندهان نیروهای زمینی، هوایی و دریایی، رئیس ستاد ارتش، وزیر دفاع و احمد آقا جمع بودند و اختلافات آنها مطرح بود. آنها را نصیحت کردیم. اختلافات ریشه‌دار نیست. گله مانند است. قرار شد جلسه مرتب داشته باشند. رئیس ستاد آقای ظهیرنژاد چون خواسته‌اش، تأمین نشد، با ناراحتی رفت و خبر رسید که تصمیم به استعفا گرفته؛ اگر استعفا ندهد بهتر است.

ساعت نه، جلسه‌ای در همان جا با آقایان [جلال‌الدین] طاهری اصفهانی، امام جمعه اصفهان و اعلیٰ اکبر پرورش و وزیر آموزش و پرورش و... داشتیم. درباره اختلافات در اصفهان و مخصوصاً اختلاف آنها با حزب جمهوری اسلامی نتیجه‌بخش بود. قرار شد در اصفهان، جلسه‌ای تشکیل دهند و آقایان پرورش و طاهری هم باشند و همکاری نمایند.

شام را مهمان آقای خامنه‌ای بودیم. آقای صادق طباطبائی^۱ و احمد آقا هم بودند. صادق با کروب آلمان، مذاکراتی کرده و پیش نویس قرار دادی، درباره فروش نفت و معاملات تهاتری و پرداخت دیون را آورده بود.

پنجشنبه ۲۸ آبان

۲۲ محرم - ۱۹ نوامبر

پس از نماز و مقداری مطالعه به جلسه علنی رفتم. بعد از تلاوت قرآن، اداره مجلس را به عهده آقای موسوی خوئینیها، نایب رئیس، گذاشتم و به دفتر کارم آمدم. از آبادان، آقای جمی، امام جمعه تلخ کردند و از بمباران هر روزه شهر توسط هواپیماهای عراقی و عدم دفاع مؤثر ما، شکایت داشتند. به نیروی هوایی گفتم؛ معلوم شد کار مؤثری نمی‌توانند بکنند و دیروز یک

۱ - آقای صادق طباطبائی فرزند آیت‌الله سلطانی طباطبائی و برادر همسر مرحوم حجت‌الاسلام حاج سید احمد حمینی.

اف - چهارده از دست داده‌ایم. در فکر هستند، توپهای ضد هوایی با برد بیشتر، در آنجا مستقر نمایند. به انتظار حمله وسیع نیروهای خودمان، این ضعفها را تحمل می‌کنیم.

ظهر، آقای سید حسن طاهری خرم آبادی آمد و راجع به اختلافات حزب اللهی‌های آنجا با مسئولان توضیحاتی داد. طرفدار حزب اللهی‌هاست. و از امام جمعه ناراضی بود.

آقای منتظری، اخیراً ایشان را مسئول امور روحانی سپاه کرده‌اند و آقای [فضل الله] محلاتی که از طرف امام آنجاست و سپاه ایشان را تحویل نمی‌گیرد، ناراحت است. در این باره هم بحث کردیم. از دادستان انقلاب، درباره آقای مانیان پرسیدم. معلوم شد ایشان را بازداشت کرده‌اند. از جبهه ملی است.

بعد از ظهر، گروهی از سران حزب و نمایندگان حزبی آمدند و درس مواضع را در بحث معاد دادم و فیلم برداری شد که در کلاسها بگذارند. قرار است تمام مواضع حزب را به همین گونه، برای کلاسها فیلم برداری کنیم.

بعد از نماز، ملاقاتی با ابوشریف داشتم که به عنوان سفیر ایران، عازم پاکستان است. توضیحی درباره سیاست ما نسبت به پاکستان و افغانستان دادم. آقای مهدی هاشمی مسئول نهضت‌های آزادیبخش آمد و گزارشهایی داد و نگران تصمیمات مجلس، درباره این واحد بود. نمایندگان انجمنهای اسلامی دانشجویان هندوستان آمدند و کمک مالی و تبلیغاتی می‌خواستند؛ قول دادم. نمایندگان انجمنهای اسلامی دانشجویان - دفتر تحکیم وحدت - آمدند و نیم ساعت برایشان صحبت کردم^۱ و جواب سئوالها را دادم. ساعت ده شب، به خانه آمدم.

جمعه ۲۹ آبان

۲۳ محرم - ۲۰ نوامبر

بعد از نماز، سه روز عقب ماندگی خاطرات را جبران کردم. خانواده دکتر وحید دستجردی^۱ و دکتر واعظی آمدند. حسن بوستان عضو انجمن اسلامی گمرک که اخیراً به خاطر درگیری با وزیر دارایی، اخراج شده، شکایت داشت و از کج رویهای مدیران آنجا می‌گفت. اخیراً در

۱ - کذب هاشمی رفسنجانی - سخنرانیهای ۱۳۶۰.



حزب جمهوری اسلامی ایران
کلاس درس مواضع ما

بعضی از وزارتخانه‌ها، درگیریهایی بین انجمنهای اسلامی و مسئولان به وجود آمده. ساعت ده، آقایان محسن رضایی، اعلی‌اشمخانی و ایحی - رحیم اصنوی فرماندهان سپاه آمدند و شرح کارها و پیشرفت جبهه‌ها را گفتند و برنامه جنگ را توضیح دادند. روز حمله را تعیین کرده‌اند. نزدیک است و در انتخاب روز حمله، ذوق به خرج داده‌اند. امید است، موفق شوند.

ساعت یازده، به دانشگاه برای نماز جمعه رفتیم. به خاطر اینکه راهپیمایی بود و خیابانها شلوغ، قدری دیر رسیدم. به دعوت آقای منتظری برای ابراز مخالفت با طرح سعودیها برای فلسطین، مردم سراسر ایران، امروز راهپیمائیهای عظیمی راه انداخته‌اند. میلیونها نفر با شعارهای تند که اهانت به عرفات و سعودی و آمریکا دارد، تظاهرات نمودند. مردم، خیلی آمادگی دارند. قبل از نماز، آقای عبدالله جوادی آملی، صحبت کردند و قطعنامه راهپیمایی خوانده شد. من در خطبه‌ها از حاکمیت قانون و مخالفت با کارهای افراطی بعضی نهادها، صحبت کردم و در خطبه دیگر، طرح سازش با اسرائیل را تحلیل کردم و شناسائی اسرائیل را خطرناک معرفی کردم^۱. ظهر در خانه کسی نبود. ناهار را خودم درست کردم. تا شب تلویزیون تماشا کردم و کتاب "عدل الهی" را مطالعه نمودم^۲.

شنبه ۳۰ آبان

۲۴ محرم - ۲۱ نوامبر

صبح در خانه ماندم. مقداری درباره آیات مربوط به حضرت عیسی (علیه السلام) و کیفیت انتقال ایشان از دنیا مطالعه کردم. ساعت ده خدمت امام رفتم. شورای عالی قضایی هم بودند. خواستار تسریع تصویب مجلس، در لوایح فوری قضایی، برای اصلاح امور دادگستری بودند. امام در مورد حفظ خودمان و رئیس جمهور تأکید کردند. به ستاد ارتش رفتم که از دفتر مشاورت بازدید نمایم. این دفتر را آقای خامنه‌ای موقعی که

۱ - کتاب هاشمی رفسنجانی - خطبه‌های جمعه - جلد اول ۱۳۶۰.

۲ - کتاب عدل الهی از جمله نوشته‌های استاد شهید مرتضی مطهری است.

تاریخ: ۶۰/۷/۲۶

فرمان امام خمینی به حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

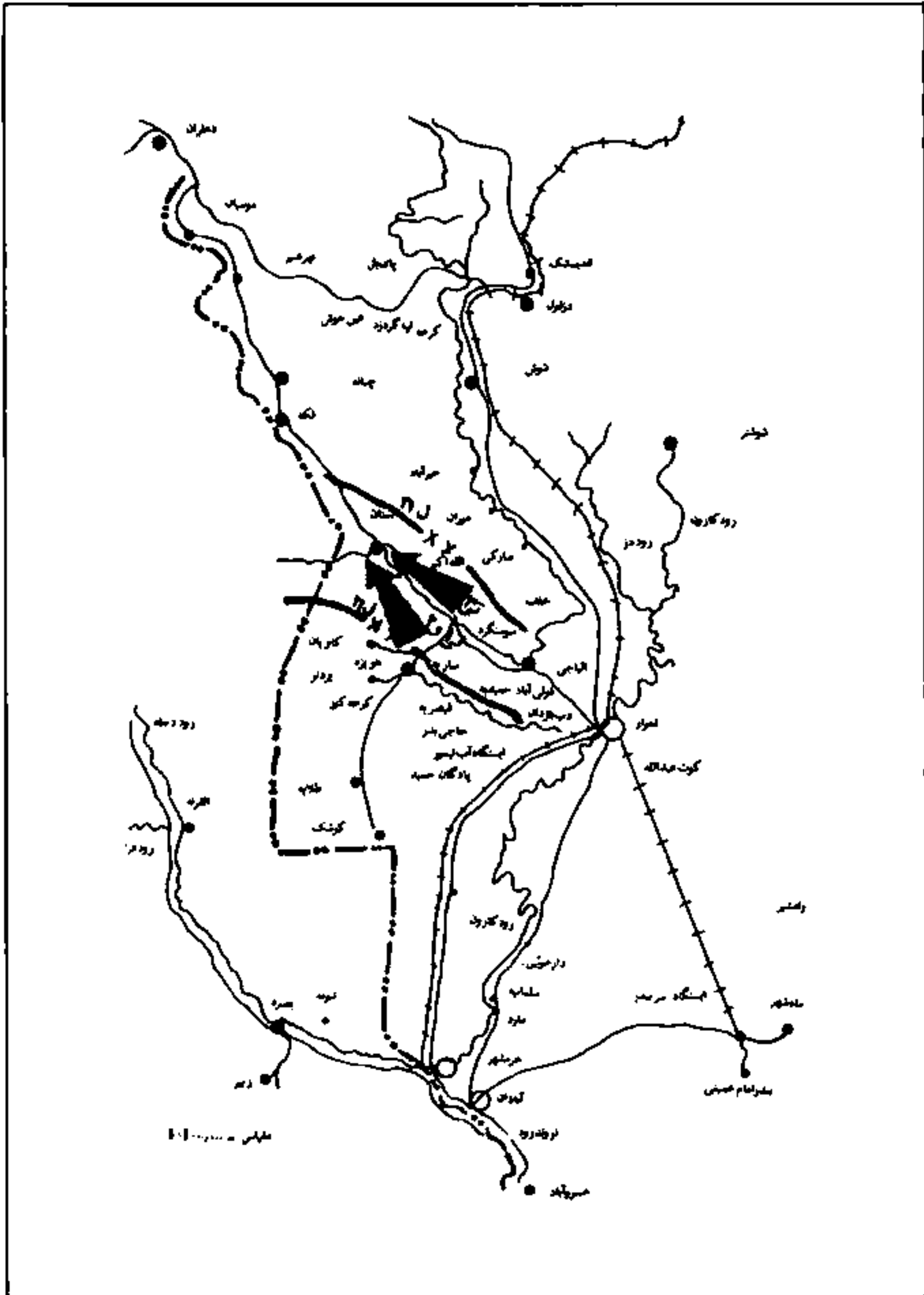
جناب حجت‌الاسلام آقای حاج شیخ علی اکبر هاشمی رفسنجانی دامت افاضانه
بدین وسیله جنابعالی به سمت نمایندگی از طرف اینجانب در شورای عالی دفاع منصوب
می‌شوید که انشاءالله تعالی ضمن انجام وظایف محوله، به ادارات مربوطه دیگر نیز رسیدگی و نظارت
نمائید موفقیت جنابعالی را از خدای تعالی مسئلت دارم.

روح الله الموسوی الخمینی

نماینده امام در شورای عالی دفاع بوده‌اند، تأسیس کرده بودند، برای نظارت بر امور ارتش؛ و من فعلاً باید آن را اداره کنم، چون من نماینده امام شده‌ام. فقط پنج نفر کارمند دارد و دفاع هوایی جماران، زیر نظر این دفتر است. یک ساعت ونیم، به امور دفتر رسیدگی کردم. ظهر به مجلس آمدم. کارهای اداری را انجام دادم. اخبار را خواندم؛ خبر مهمی نداشتیم. تروریسم از وسعت افتاده. ولی گوشه و کنار کشور کارهای کم اهمیتی دارند. بعد از ظهر اسیدکمال الدین نیک روش [وزیر کشور آمد؛ نخست وزیر می خواهد ایشان را عوض کند. با من مشورت داشت. سپس در جلسه شورای عالی دفاع شرکت کردم، وضع جبهه‌ها و خرید ابزار جنگی و دفاع از جزایر لاوان و خارک و... مطرح بود.



آذر ۱۳۶۰



عملیات طریق القدس

هدف عملیات : گرفتن شهر بستان و تأمین تنگه جزابه و تسلط بر شمال رودخانه نیسان

یکشنبه ۱ آذر

۲۵ محرم - ۲۲ نوامبر

جلسه علنی داشتیم. چند لایحه کم اهمیت تصویب شد. لایحه بی اثر کردن تمام اعدای مربوط به اراضی موات شهری که مالکیت آنها ملغی شده، تصویب نشد. عده‌ای از نمایندگان، برای کارهای شخصی و حوزه انتخابیه، مراجعه کردند.

آقای [سید محمد تقی] شاه‌رخ‌ی امام جمعه خرم آباد، پس از مدتی قهر به نماز جمعه رفته و عده‌ای حزب‌اللهی علیه او تظاهرات کرده و جمعی از آنها بازداشت شده‌اند و زد و خورد شده؛ عده‌ای منجمله بازرسی کل کشور، نظر بر این دارند که ایشان نباید به خرم آباد بروند.

آقای [حسن] صانعی از دفتر امام تلفن کرد؛ در این باره و درباره امام جمعه کرمان که قهر کرده مشورت کرد. ایشان هم با نهادهای انقلاب درگیر است. آقایان [محمد مهدی] جعفری نماینده دشتستان و [غلامعلی] شهرکی نماینده زابل آمدند و از فشار حزب‌اللهی‌ها گله داشتند. آقای شهرکی از خطر بسته شدن آب هیرمند، توسط افغانستان و لزوم ادامه کار سد سیستان و ضعف وزیر نیرو گفت.

خانم اعظم طالقانی هم که از سودان برگشته بود، گزارش سفرش را داد و از توجه دانشجویان سودان، به انقلاب و امام گفت. عصر در شورای مرکزی حزب شرکت کردم. وضع مالی حزب مطرح بود. ماهی دو میلیون و هشتصد هزار تومان خرج، هشتصد هزار تومان در آمد و دو میلیون کسری داریم؛ باید فکری کرد. بحثهایی شد و تصمیماتی اتخاذ شد، وضع مالی نسبت به ارقام گذشته، کمی بهتر شده. درباره روابط با مجاهدین انقلاب اسلامی و سیاستهای اقتصادی هم بحث شد. به خانه آمدم. به عفت در مورد درسهایش که اخیراً می‌خواند کمک کردم.

دوشنبه ۲ آذر

۲۶ محرم - ۲۳ نوامبر

عفت و بچه‌ها صبح زود به کلاس رفتند. تنها در خانه بودم. مراجعاتی داشتم و کمک کردم، به مجلس رفتم. کمیسیون آئین نامه داشتیم. بیشتر بحث، درباره کیفیت بحث مجلس درباره قرار

دادها و معاهده‌های خارجی بود که باید مطابق قانون اساسی به تصویب مجلس برسد. بعد از ظهر ملاقاتهای زیادی داشتم. از بنیاد مستضعفان آمده بودند و از خطر نفوذ خط چپ‌گرایی در صنایع و کارشکنی آنها می‌گفتند. از بسیج آمده بودند و آمار کارهای خود را دادند. می‌گویند دو میلیون نفر را آموزش نظامی داده‌اند. ۴۴ هزار نفر اکنون در دو هزار پایگاه مقاومت، مسجد، متشکلند.

اخوی‌ها محمود، احمد و محمد آمدند؛ درباره تقسیم ارثیه مرحوم ابوی درنوق صحبت داشتند. تا کنون به صورت مشاع اداره می‌شده است. اخوی احمد از یوگسلاوی برگشته بود. سرپرستی گروهی را داشته که برای کارهای فنی معادن مس سرچشمه، دوره می‌دیده‌اند. سی نفر بوده‌اند و چهار ماه دوره دیده‌اند. آقای آزادگان از همفکران اجنبی (مسلمانان مبارز - دکتر پیمان - آمد. می‌خواست وسیله‌ای برای جذب نیروهائی که از پیمان بریده‌اند و پناهی ندارند، درست شود. در حال حاضر با سوءظن با اینها برخورد می‌شود. به خاطر اینکه از عوامل نفوذی گروهکها، مثل کلاهی و کشمیری^۱ ضربه خورده‌ایم.

سرهنگ خاتمی، فرمانده دانشکده افسری آمد و از اتهام سوزاندن پرچمهای طاغوتی موزه دانشکده و نابود کردن آثار دیگر، دفاع کرد. شب در مجلس خوابیدم.

سه شنبه ۳ آذر

۲۷ محرم - ۲۴ نوامبر

جلسه علنی داشتیم، با تصویب چند طرح و لایحه. آقای محمد جواد حجتی کرمانی آمد. ضمن ابراز نوعی سرخوردگی از همکاری با اقلیت، ابراز تمایل داشتند، برای همکاری بیشتر با ما. از دوستان و همراهان قدیمی و مخلص انقلاب است و در عین حال تأکید دارد که نباید اقلیت را طرد کرد و از اینکه ماتوضیحات کامل برای روشن تر شدن ایشان با ماهیت اختلاف نداده‌ایم، گله کرد.

۱ - کلاهی عامل انفجار در دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی و کشمیری عامل انفجار در نخست وزیری و شهادت رجائی و اهنر، هر دو از عوامل نفوذی منافقین بودند.



محمد هاشمی بهرمانی احمد هاشمی بهرمانی محمود هاشمی بهرمانی
اکبر هاشمی بهرمانی (رفسنجانی) - مرحوم فاسم هاشمی بهرمانی

جمعی از حزب‌اللهی‌های خرم‌آباد آمدند، برای توضیح جواب اظهارات مخالفانشان و استمداد برای رفع مشکلاتی که در رابطه با بی‌نظمی‌هایشان، برایشان پیش آمده، چند نفر را در رابطه با شلوغی در نماز جمعه بازداشت کرده‌اند.

شب در دفتر رئیس‌جمهور، با نخست‌وزیر و رئیس دیوان عالی کشور جلسه داشتیم. درباره زندانها، بازداشتها، محاکمه‌ها، جنگ و وزارت کشور بحث کردیم. برنامه عملیات آینده را خبر داده‌اند؛ با تأخیر انجام می‌شود. زمان حساس است تأخیرها به ضرر است، ولی کار محکم بهتر است. خرابکارها بمبی در ایستگاه راه آهن تهران منفجر کرده‌اند. خانمی و کودکی شهید شده‌اند و جمعی مجروح؛ از کارهای احمقانه است. ماهیتشان را فاش می‌کند. و چند کار ایذائی دیگر هم داشته‌اند.

چهارشنبه ۴ اذر

۲۸ محرم - ۲۵ نوامبر

در خانه کارهایی انجام دادم. یکی از پاسداران بیت امام آمد و از نواقص مربوط به حفاظت بیت گفت. کمیون آئین نامه داشتیم. پنج دقیقه دیر رسیدم. بیست و پنج تومان جریمه شدم. معمولاً برای مراعات شدن وقت در کمیسیونها جریمه می‌گیرند و اثر خوبی در تنظیم برنامه‌ها دارد. بحث درباره کیفیت رأی‌گیری بود.

ظهر شرکتی که بناست منازل مسکونی نمایندگان را بسازد، برای گفتگو درباره کارش آمد. قرار شده در زمینی در کنار مجلس قدیم - که در زمان رژیم قبل تهیه شده - محله مخصوصی برای نمایندگان ساخته شود؛ برای امنیت و رفاه نمایندگان. شرکت سازنده از بنیاد مستضعفان است.

از طرف وزارت کشاورزی هم آمدند و درباره معامله تراکتور از اتریش توضیح دادند. به خاطر احتمال اینکه در ترجیح تراکتور "اشتایر" اتریش بر ایتالیا ضرر به ما زده باشند، مورد اعتراض قرار گرفته‌اند.

عصر [جلسه] هیأت رئیسه داشتیم. برنامه‌ها را تعیین کردیم و تصمیمهای اداری دیگری

گرفتیم. تا شب در مجلس ماندم و گزارشها را مطالعه کردم. کارهایی با تلفن انجام دادم. در راه خانه موتور اسکورت محافظ من، تصادف کرد و دو نفر از پاسداران و عابری، زخمی شدند.

پنجشنبه ۵ آذر

۲۹ محرم - ۲۶ نوامبر

صبح زود به مجلس رفتم. جلسه علنی داشتیم. قبل از دستور به مناسبت دومین سالگرد تأسیس بسیج مستضعفین، درباره اهمیت نقش بسیج صحبت کردم^۱. اداره مجلس را به آقای موسوی خوئینی‌ها سپردم و به دفترم برای انجام کارهای عقب مانده رفتم. شور اول لایحه دولتی کردن تجارت خارجی مطرح بود و تصویب شد. بیش از ظهر، مقداری برای بحث کلاس عصر مطالعه کردم.

ظهر یکی از علمای گیلان آمد و درباره اینکه دولت برنج را از مردم ارزان می‌خرد، حرف داشت. دولت برنج اعلا را کیلوئی ۱۸ تومان می‌خرد. ایشان می‌گفت، بیست تومان بخریم. آقایان امهدی اطیب و [بیژن نامدار] زنگنه آمدند و درباره لزوم تدوین استراتژی کلی انقلاب اسلامی صحبت کردند.

آقای اسید عبدالحسین دستغیب از شیراز تلفن کردند و تسریع در انتصاب استاندار شیراز را می‌خواستند. عصر کلاس درس مواضع حزب جمهوری اسلامی داشتیم. درباره جاویدان بودن انسان بحث کردم^۲. اول شب آقای اخسروا تهرانی مسئول اطلاعات نخست وزیری آمد و از اطلاعاتی که درباره توطئه‌های قریب الوقوع عمال آمریکا رسیده، گزارشی داد. از طرف دیگر هم این اخبار می‌رسد. به نظر می‌آید، دشمنان داخلی و خارجی در تدارک توطئه‌ای هستند. آخر شب، از اهواز فرمانده سپاه و نیروی زمینی تلفن کردند و با رمز، خبر از یک روز تأخیر در شروع عملیات دادند. این تأخیرها به ضرر است، ولی عجله هم نمی‌شود کرد.

۱. کتاب هاشمی رفسنجانی - تلفظهای پیش از دستور ۱۳۶۰.

۲. کتاب هاشمی رفسنجانی - درس مواضع حزب جمهوری اسلامی ۱۳۶۰.

جمعه ۶ آذر

۳۰ محرم - ۲۷ نوامبر

تمام وقت به جز وقت نماز جمعه، در خانه بودم. پیش از ظهر، مقداری برای تهیه مطالب خطبه‌های نماز جمعه، وقت صرف کردم و مقداری هم به عفت درس دادم. صرف میر می خواند. ابواب ثلاثی مجرد و ثلاثی مزید فیه را به اودرس گفتم. از کلاسهای مدرسه شهید مطهری عقب افتاده؛ جبران کردم.

پاسداری از بیت امام آمد و از کمبودها و نارواینها در امر حفاظت گفت و برای رفع آنها از من کمک خواست، مهم نیست. ساعت دوازده به دانشگاه تهران رفتم. در حاکمیت قانون و مسائل روز، منجمله شکست کنفرانس فاس، سخن گفتم (جمعی سران عرب در فاس مرا کش، جمع شده‌اند و جمعی حاضر نشدند. طرح سعودی [فهد] جزو دستور بوده و موارد اختلاف با ایران. جبهه پایداری هم مخالفت شدید داشتند. کنفرانس نتوانسته به کار خود ادامه دهد، به وقت دیگری موکول شده. و این برای ما فتحی عظیم بود) راجع به نیروی دریایی که فردا هفت آذر است، صحبت کردم!

بعد از ظهر آقای مهدیان آمد و از مسئول روزنامه کیهان آقای محمد اخاتمی، گله داشت. آقای مهدیان بعد از انقلاب کیهان را خرید. کیهان به اندازه تمام دارائیش ۱۶۵ میلیون تومان، مقروض بود. ایشان در مقابل تعهد پرداخت قرضها، آن را تملک کرد. بعداً اموال صاحب کیهان، مصادره شد و در اختیار بنیاد مستضعفان قرار گرفت و امام، سرپرست برای کیهان تعیین کردند و آقای مهدیان مدیر امور مالی شد و فعلاً قهر کرده.

اول شب، احمد آقا آمد و درباره مسائل جاری صحبت کردیم. خانم عرب زاده آمد و راجع به دکتر ممکن، کار داشت. آقای ممکن معاون وزارت ارشاد در زمان آقای میناچی، سمپات مجاهدین و مشاور فرهنگی بنی صدر بوده و اکنون مخفی زندگی می کند. کمک می خواست که وضعش عادی بشود، بنا شد پیرسم. آیت الله منتظری امروز هفته میلاد پیغمبر (ﷺ) را هفته وحدت اعلام داشته‌اند.

شنبه ۷ آذر

۱ صفر - ۲۸ نوامبر

تا ساعت ده صبح در منزل ماندم. نماز و استحمام و صبحانه و استراحت داشتم. درسی از صرف میر به عفت دادم که به کلاس نرفته بود. خدمت امام رفتم. سئوالی در مورد پیوند چشم کردم. دکتر سجادی، متخصص پیوند قرنیه چشم از آمریکا آمده، می پرسد که برداشتن چشم انسانهای در حال مرگ و پیوند آن به انسانهای دیگر، جایز است یا نه. امام منع نکردند، ولی مایل نبودند تجویز آن هم، به ایشان منتسب شود. ایراد اگر باشد، از جهت لزوم دفن اجزا بدن میت و یا عدم جواز تنکیل^۱ مسلمان است^۲.

مطلب دیگر درباره اعزام هیأت تحقیق به لرستان بود که امام به من و آقای خامنه‌ای دستور داده‌اند و بازرسی کل کشور این کار را کرده و نظریه هم داده؛ دیگر لزومی ندارد و امام اجازه دادند که نفرستیم. حال امام خوب بود. دکترها هم آمدند و فشار خونشان را گرفتند.

ظهر سرهنگ بابائی فرمانده پایگاه [هشتم شکاری] خاتم اصفهان آمد که عدم دفاع قوی نیروی هوایی از آبادان را برایم توجیه کند. عصر از اوزارت مسکن و شهرسازی تهران و گروهی دیگر آمدند، برای مشورت درباره خانه‌های فراوانی که بعد از انقلاب، بدون مجوز قانونی ساخته‌اند، یا نیمه ساز است. هم اکنون به خاطر نداشتن سند یا جواز ساختمان کارشان گیر کرده است.

سپس شورای عالی دفاع تشکیل شد. ظهیرنژاد از بی توجهی نیروها به ایشان، گله داشت. از جبهه‌ها خبر درستی نداشت. فرمانده نیروی دریایی، توضیحاتی از عملیات نجات ناو میلانین داد و نیروی هوایی اجازه بمباران شهرهای عراق را می خواست، که ندادیم. شب در مجلس ماندم. نیمه شب با خوزستان تماس گرفتیم. آماده حمله به عراقیها، در جبهه

۱ - تنکیل: برگرداندن، پست کردن

۲ - برای آگاهی از نظرات امام خمینی (ره) درباره پیوند اعضای میت، به کتاب تحریر الوسیله جلد چهارم صفحه ۵۶۶ مراجعه نمایید.



بستان بودند. باران می‌آید. حمله شروع شد^۱ و با امید خوابیدم. آقای صیاد شیرازی از مقرر فرماندهی در جبهه تلفنی خبر داد؛ برای پیروزی دعا کردم.

یکشنبه ۸ آذر

۲ صفر - ۲۹ نوامبر

صبح زود پس از نماز، جوپای وضع جنگ شدم. خبر دادند که پیشرفت کرده‌اند، بستان را گرفته و یک تیپ را منهدم کرده‌اند و تعدادی اسیر و غنائم گرفته‌اند. با دو تیپ دیگر در حال نبردند و دشمن رو به هزیمت است. راه فرار هم ندارد؛ چون پلها را گرفته‌اند. در شمال و جنوب جبهه و غرب هم با تلاق است و شرق هم نیروهای ما^۲. عصر معلوم شد، یک پل بر روی رود نیشان به طرف جنوب، در اختیار عراقی‌هاست و امکان فرار دارند. جلسه علنی داشتیم. آقای [عبدالمجید] معادیخواه وزیر ارشاد، برای توضیحاتی وقت گرفته بود.

لایحه دیوان عدالت اداری مطرح بود. مجلس را به آقای [محمد] یزدی نایب‌رئیس دوم سپردم و برای تعقیب وضع جنگ به دفترم آمدم. خبرها خوب است و جنگ ادامه دارد. می‌گویند ما هم زخمی و شهید داریم. آمار هنوز معلوم نیست. به مراکز بهداشتی برای درمان مجروحان، آماده باش داده شد. به صداوسیما گفتیم که اخبار جنگ را بگویند. احمد آقا هم همکاری می‌کنند.

ظهر، همافر عظیمی آمد و خبر از داشتن تعدادی رادار پیشرفته در انبارهای داد که در اثر مسامحه از آنها استفاده نمی‌شود. قرار شد تعقیب کنیم. عصر شورای مرکزی حزب در مجلس

۱ - عملیات طریق القدس در ساعت ۳۰ دقیقه با امداد هشتم آذر ۱۳۶۰ به مدت چهارده روز در منطقه عمومی غرب سوسنگرد و منطقه عمومی بستان با هدف آزادسازی شهر بستان و تأمین مرز و دسترسی به هورالهویزه و با رمز «یا حسین علیه‌السلام» انجام شد. (کارنامه عملیات سپاهیان اسلام در هشت سال دفاع مقدس، مرکز فرهنگی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۷۳، صفحه ۱۷).
 ۲ - بنا به نوشته کتاب «کارنامه عملیات سپاهیان اسلام» در عملیات طریق القدس علاوه بر آزادسازی بستان، ۷۰ روستای منطقه و ۵ پاسگاه مرزی آزاد شد و تنگه چزابه نیز به تصرف نیروهای ایرانی در آمد. در این عملیات ۱۸۰ دستگاه تانک و نفربر، ۲۰۰ دستگاه خودرو، ۱۳ فروند هواپیما و ۴ فروند هلی‌کوپتر متعلق به دشمن منهدم شد.

تشکیل و درس مواضع دادم^۱ و گزارشی از کار واحد ایدئولوژی و وضع جنگ مطرح بود. بعد از جلسه به خانه آمدم. با جبهه تماس گرفتم. هنوز درگیری ادامه دارد، اخبار جنگ هنوز، خوب بخش شده.

دوشنبه ۹ آذر

۳ صفر - ۳۰ نوامبر

بعد از نوشتن خاطرات و صبحانه و درس دادن به عفت، ساعت ده صبح به مجلس رسیدم. کمیسیون آئین نامه داشتیم. از وضع جبهه جويا شدم. بخشی از اهداف تأمین شده، در بخش دیگر دشمن مقاومت می کند و نیروی تازه نفس وارد جنگ کرده. ما هم نیروی جدید برده ایم. شمال جبهه که بستان است، خیلی خوب است. شهر بستان تصرف شده و تنگه جزایه که تنها راه دشمن از شمال است، فتح شده. پل سابله والوان در جنوب و مرکز جبهه تصرف شده و دشمن با پل شیخ خزعل با جنوب مربوط است.

بعد از ظهر چندین ملاقات داشتم. اعضای شورای مرکزی جهاد سازندگی آمدند و از کمبود بودجه و اختلافشان با وزارت کشاورزی، در مورد مراکز خدمات روستائی می گفتند. فکر می کنند در آینده یا جهاد باید بماند یا (وزارت) کشاورزی.

حمید بهرامی استاندار سابق کرمان و زاهدان آمد. منسوب نهادهای انقلابی است، ولی بی جهت. فرار است سفیر بشود. نمایندگان بندرعباس آمدند و برای تحرک شیلات کمک می خواستند. فرماندار و رؤسای بعضی نهادهای انقلابی کرج آمدند و از امام جمعه و روحانیون کرج شکایت داشتند.

شب در مجلس ماندم. مقداری مطالعه کردم و تلویزیون تماشا کردم. افشاگری منافقین بود و جالب. امروز یک خانه تیمی که دهها قبضه اسلحه و انباری از مهمات داشته، کشف شده است.

۱. رکورد هاشمی رفسنجانی - درس مواضع حزب جمهوری اسلامی ۱۳۶۰.

سه شنبه ۱۰ آذر

۲ صفر - ۱ دسامبر

جلسه علنی داشتیم. درباره شهادت مدرس و پیروزیهایمان در جنگ صحبت کردم. به عراق و نظامیان عراقی اتمام حجت و اخطار کردم^۱. لایحه دیوان عدالت اداری مطرح بود و نه ماده آن تصویب شد.

ظهر با گروهی از دانشجویان اسلامی مالزی، سنگاپور و آفریقای جنوبی ملاقات داشتم، شیفته انقلاب اسلامی اند. آقای ظهیرنژاد رئیس ستاد مشترک اطلاع داد که عراق در بستان خند حمله آغاز کرده، ولی عصر خبر رسید که صحت نداشته. به خاطر عدم هماهنگی ایشان با صیاد شیرازی فرمانده نیروی زمینی، اطلاعات دقیق به ایشان نمی‌رسد.

بعد از ظهر از اهواز از مرکز سپاه و امام جمعه آبادان تلفن کردند و از تبلیغات ضعیف تلویزیون درباره پیروزی شکایت داشتند. با آقای زورق معاون اخوی محمد، تماس گرفتم. معلوم شد دیشب فیلمی از اهواز مخابره شده و با قصور مأمور گیرنده فیلم به دست سیما نرسیده و روز اول را هم صیاد شیرازی | اجازه فیلمبرداری نداده. قرار شد امشب جبران شود و شد. یک ساعت و نیم فیلم نسبتاً جالب پخش شد.

عصر ائمه جمعه استان هرمزگان - اعم از شیعه - آمدند و خواسته‌هایی در جهت عمران و رفاه منطقه داشتند. شب به خانه آمدم و بیشتر وقتم به دیدن فیلم جنگ گذشت. اخبار را معمولاً در بین راه از رادیوی ماشین می‌گیرم.

چهارشنبه ۱۱ آذر

۵ صفر - ۲ دسامبر

با اینکه جلسه علنی داشتیم. با اطلاع قبلی صبح زود به مجلس ترفتم. کارهای عقب افتاده در منزل را انجام دادم. در مصاحبه‌ای با مجله پاسدار انقلاب از جنگ و مجلس و سیاست خارجی گفتم^۲. تا مغرب در خانه ماندم. اکثر وقتم را صرف مطالعه، درباره معاد کردم که

۱- کتاب هفتاد و هفتاد رفسنجانی - علقهای پیش از دستور ۱۳۶۰.

۲- کتاب هفتاد و هفتاد رفسنجانی - معاهده‌های ۱۳۶۰.

موضوع درس در کلاس مواضع حزب است. نوشته‌های شهید مطهری را در باب کیفر اخروی و شفاعت و تجسم اعمال از کتاب "عدل الهی" خواندم و "کشف المراد" را هم مطالعه کردم. چون در فتاوی امام صراحتی بر کفر منکر معاد ندیدم، تلفنی از احمد آقا خواستم که از امام پرسید و امام گفتند: منکر معاد به عنوان منکر ضروری اسلام، کافر است. ظهر آقای محسن رضائی از اهواز تلفن کرد و وضع جبهه‌ها را گفت. معلوم شد عراق نیروهایش را در بستان تقویت کرده، گردانی در محاصره ما دارد و گردانی هم از تانکهای تی ۶۲ که پیشرفته است، به جای گذاشته‌اند.

عصر از آقای ظهیرنژاد، وضع جبهه‌ها را پرسیدم. گفت: امروز دو واحد کماندوئی عراق قتل عام شده که توسط دو نفر از عراقیها که تسلیم شده‌اند، لورفته و حمله هوایی عراق شدید بوده که هشت فروند هواپیمای عراق، سرنگون شده.

دیشب دندان پر شده‌ام، خالی شده و برای امشب وقت گرفته‌ام که الساعه برای پر کردن آن به مطب دکتر فاضل می‌روم و از آنجا به دفتر رئیس جمهور، برای جلسه مشورتی سران سه قوه.

پنجشنبه ۱۲ آذر

۶ صفر - ۳ صابیر

شب، در مجلس خوابیده بودم و صبح زود پس از نماز، گزارشها را مطالعه کردم. آقای صیاد شیرازی از اهواز تلفن کرد و از وضع جبهه‌ها اظهار رضایت کرد. جلسه علنی داشتیم. لایحه دیوان عدالت اداری مطرح بود. بعد از تنفس، اداره جلسه را به عهده آقای امجدی نایب رئیس دوم گذاشتم و برای انجام کارها به دفترم رفتم. کارهای اداری را انجام دادم و مقداری هم برای درس عصر مطالعه کردم؛ راجع به معاد و آخرت و جزای اعمال.

ظهر دکتر احسبی آمد و راجع به طرحهای ستاد انقلاب فرهنگی و انتشار مصاحبه‌های امام در پاریس مطالبی داشت. آقای مرتضی الویری هم آمد و از اعترافات یکی از متهمان منافقین درباره همکاری بعضی از لیبرالهای مجلس با منافقین گفت. ساعت سه ونیم بعد از ظهر، در کلاس درس مواضع حزب شرکت کردم تا مغرب. بعد از نماز مغرب آقای نظران

آمد و راجع به برنامه جلسه شورای عالی دفاع صحبت کرد. شب به خانه آمدم. بعد از شام به دعوت آقای محمد صدوقی به منزل پسرشان رفتم. آقایان محمد صدوقی، محمد اخاتمی، مهدوی کئی، موسوی اردبیلی و احمد آقا بودند. راجع به هیأت امناء و هیأت مدیره مدرسه آقای صدوقی که در قم بناست به زودی افتتاح شود، تصمیم گیری شد.

امروز در ایلام، جبهه میمک، حمله‌ای از طرف نیروهای ایران شده و تلفات فراوانی به دشمن وارد شده و نیروی هوایی مدعی است، نه فروند هواپیمای دشمن ساقط شده و یک خلبان میراژ اسیر شده. با او مصاحبه کردند.

جمعه ۱۳ آذر

۷ صفر - ۴ صامبر

امروز تقریباً تمام وقت، در خانه بودم. صبح آقای محسن ارضائی از اهواز تلفن کرد و از حمله شکست خورده دیشب عراق گفت که دو گردان آنها نابود شده. صبح احمد آقا آمد و راجع به حادثه تلخی که در مشهد برای یکی از نمایندگان پیش آمده گفت. با آقای واعظ طبسی هم صحبت کردم که برای علاج کمک کنند. دکتر معتمدی معاون بهداشت وزارت بهداشتی که اخیراً استعفا داده، آمد و اعتراضاتی به وزیر بهداشتی داشت. نهار بچه‌های مرحوم لاهوتی مهمان ما بودند. عفت کله پاچه پخته بود.

امروز فرصتی پیدا کردم، دوسه جزوه درباره نهضت مسلمانان فیلیپین و نهضت ایرلند شمالی مطالعه کردم. این جزوه‌ها را واحد نهضت‌های سپاه تهیه کرده. عصر از مواضع پدافند هوایی جماران - که زیر نظر دفتر مشاورت است بازدید کردم. از یک مرکز ضد هوایی ۲۳ میلیمتری و یک مرکز توپ ضد هوایی اورلیکن با رادار، تشکیل شده است.

اول شب احمد آقا آمد و راجع به بیانیه‌ای که امام می‌خواهند، راجع به محکومیت افراط کاریها و تجاوز از قوانین بدهند، مشورت کرد. عصر با آقای خامنه‌ای تلفنی صحبت کردم. خبر دادند که دکتر معالج و پرفسور سمیعی آمده و از پیشرفت وضع دست ایشان راضی است. دست ایشان در جریان سوء قصد چند ماه پیش آسیب دیده و فلج شده، اینک رو به بهبودی است.

گویا، عمل احتیاج ندارد. تمام برنامه شب تلویزیون را مشاهده کردم. یک انبار مهم اسلحه و مینامات منافقین کشف شده که دویست ژ - س، هشتاد هزار فشنگ و صدنارنجک و دویست کیلو مواد منفجره و مقداری بی سیم و ده تیر بار داشته است.

شنبه ۱۴ آذر

۸ صفر - ۵ صامبر

تمام وقت در خانه ماندم. قرار بود، عصر جلسه شورای عالی دفاع داشته باشیم. ولی چون فرمانده نیروی زمینی و فرمانده سپاه در جبهه هستند و قرار است در حضور امام، گزارش جنگ را بدهند، قرار شد این جلسه صبح یکشنبه در محضر امام باشد.

با آقای امیرحسین موسوی نخست وزیر، تلفنی صحبت کردم، به خوزستان رفته بودند، از وضعیت جنگ و موفقیتها خوشحال بودند. از کرمانشاه آقای صیاد شیرازی و محسن رضائی تلفنی صحبت کردند. خودشان را برای حمله‌ای در غرب آماده می‌کنند و ضد حمله پریشب عراق در بستان را مهم می‌دانستند که بالطف خدا شکست خورده.

بیشتر وقت را صرف مطالعه و مخصوصاً مطالعه درباره نهضت اریتره و اخوان المسلمین کردم. نظر واحد نهضت‌های سپاه این است که خط غرب‌گرایی این دو نهضت، غالب است. اخبار جنگ حکایت از سقوط چهار هواپیمای عراقی در خوزستان دارد. عراق با شکست بستان در زمین می‌خواهد با نیروی هوایی کاری بکند که تلاشی عبث است. شب، تلویزیون فیلمی از افشاگری یک منافق پشیمان شده داشت. جوان بیست ساله‌ای نقاط ضعف فکری و عملی سازمان مجاهدین خلق را گفت. جالب است.

یکشنبه ۱۵ آذر

۹ صفر - ۶ صامبر

جلسه علنی داشتیم؛ ولی من به خاطر اینکه شورای عالی دفاع در خدمت امام تشکیل می‌شد، شرکت نکردم. آقای موسوی خوئینی‌ها جلسه را اداره کردند و لایحه دیوان عدالت اداری از تصویب گذشت.

در محضر امام، شورای عالی دفاع ساعت ده صبح تشکیل شد. آقایان صیادشیرازی و محسن رضائی که از جبهه آمده بودند، گزارش پیروزی جبهه بستان را دادند. پیروزی مهمی است. یکصد تانک و نفربر سالم، حدود یکصد ماشین بزرگ راه سازی، ماشینهای فراوان دیگر و مهمات و سلاحهای فراوان گرفته ایم. دوهزاروپانصد نفر از دشمن کشته و پانصد نفر اسیر شده اند. راه تدارکاتی میان بر دشمن قطع شده و دشمن نیروی فراوانی برای جبران این شکست جمع کرده است.

متأسفانه ما هم تلفات زیاد داده ایم. یکصدویست و پنج نفر نظامی شهید، چهارصد نظامی مجروح، هفتصد نفر از نیروهای مردمی شهید و یکهزار و هشتصد نفر مجروح داشته ایم. به دلیل اینکه نیروهای پیاده، عامل این فتح بوده اند و فداکارانه به قلب دشمن زده اند، پیروز شده ایم و تلفات زیاد داده ایم. تأکید کردیم که این گونه تلفات در حمله های دیگر، نباید داشته باشیم. برنامه بعدی به همین زودی، در غرب عمل می شود، ولی به وسعت بستان نیست. بین آقایان صیاد و ظهیرنژاد اختلاف است. به طور کلی اختلافات بین ستاد و نیروی زمینی و نیروی هوایی مطرح شد و امام نصیحت کردند، همکاری کنند.

ناهار، آقای خامنه ای و احمد آقا منزل ما بودند. پلو قیمه داشتیم. عصر در جلسه شورای حزب شرکت نکردم، فکر کردم برای مراعات وقت و امنیت بهتر است، این راه طولانی را نروم. بیشتر به مطالعه پرداختم.

امروز شایع کرده اند که من را به گروگان گرفته اند. دو سه روز است که در منزل مانده ام و ظاهر نشده ام، ضد انقلاب از این فرصت برای شایعه پراکنی استفاده کرده. امروز دو هواپیمای دشمن ساقط شده اند. خلبانی از آنها اسیر شده است. دیروز دو هواپیمای مهم اف - چهارده ما، سقوط کرده اند؛ خسارت مهمی است.

ساعت نه صبح به مجلس رفتم. نامه های دو روز گذشته را امضا کردم و کارهای اداری را

انجام دادم و مقداری از گزارشها را خواندم. به کمیسیون آئین نامه رفتم. بعد از ظهر به دفترم آمدم. خانم اعظم طالقانی آمد و در رابطه بابازداشت آقای مخلصى شوهر خواهرش، وحیده خانم و آزاد شدن و مصاحبه خواهر دیگرش مطالبی داشت.

بعد از ظهر، گزارشهای دو سه روز اخیر را خواندم. عراق با زور تبلیغات، تا حدودی اثر پیروزی ایران در بستان را کاسته و با اینکه شکست فاحشی خورده، در بیانیه خود از پیروزی و پیشرفت دم می زند و از شهدای زیاد ما، در این پیروزی استفاده می کند. صدام شخصاً به پشت جبهه رفته و اظهاراتی کرده.

بعد از ظهر گروهی از مدیران هیأت‌های هفت تفری تقسیم زمین آمدند و برای تصویب طرحی در مجلس در مورد تقسیم اراضی کمک می خواستند و نگران تصویب طرح موجود بودند که به مجلس آمده، و امتیاز زیادی به مالکین داده است.

دو نفر از رهبران انجمن حجتیه، آقایان سجادی و رفیعی آمدند و اسنادی از همکاریشان با انقلاب و آماری از خدماتشان در مبارزه با بهائیها دادند. گفتند سه هزار نفر از بهائیها را هدایت کرده اند و جلوی انحراف پنجاه هزار نفر را گرفته اند و توطئه این باند را در ایران خنثی کرده و طرفدار ولایت فقیه هستند و از فشاری که روی آنها می آید و در بعضی از جاها، آنها را پاکسازی می کنند، گله داشتند و از اظهارات من راضی بودند. من تأیید کردم که به آنها باید اجازه خدمت داد.

یکی از مبارزان روحانی عراق آمد و پیشنهاد می کرد که من دخالت کنم و اتحاد گروههای مبارزه عراق را برای رفع اشکالات، بعد از شکست صدام، فراهم کنم. شب در مجلس خوابیدم و فرصتی شد که کارهای عقب افتاده دو سه روز قبل را انجام دادم. امام امروز اعلامیه داده اند و دعوت به مراعات قانون و تنبیه متخلفها نموده اند^۱.

۱- متن کامل این فرمان چنین است: بسم الله الرحمن الرحيم شورای عالی محترم قضائی، دادستان محترم انقلاب اسلامی - اخیراً گزارشهای می رسد که افراد غیر مسئول و احتمالاً از گروههای منحرف و گاهی مقامات مسئول، برخلاف مقررات اسلامی و قانونی متعرض اموال و املاک محترم مردم می شوند و به طور سرخود به تقسیم املاک و معادله اموال اشخاص می پردازند و (ادامه پاورقی در صفحه بعد)

سه شنبه ۱۷ آذر

۱۱ صفر - ۸ صامبر

بعد از نماز، گزارشها را تکمیل کردم. ساعت هشت و نیم، جلسه علنی شروع شد. اصلاحات لایحه اراضی شهری، بعد از اعتراضات شورای نگهبان مطرح بود. با زحمت، پیشنهادات کمیسیون تصویب شد، ولی باز هم ممکن است شورای نگهبان آن را رد کند.

ظهر آقای مقصودی از ستاد نماز جمعه آمد و از خطبه‌های آقایان امامی کاشانی و موسوی اردبیلی گفت و از من می‌خواست که در ملاقات فردای ستاد نماز جمعه با امام شرکت کنیم. در سخنان پیش از دستور، از بیانیه امام تجلیل کردم. بعد از استراحت، کارهای اداری را انجام دادم و گزارشها را خواندم. امروز مسأله ریوده شدن سه هواپیمای ونزوئلا و یک هواپیمای لیبی مسأله روز است. ربایندگان هواپیمای لیبی می‌خواهند به ایران بیایند و لیبی هم موافق است، ولی ایران راضی نیست. سفیر لیبی تلاش می‌کند که ما بپذیریم؛ گویا اعضای امل هستند و آقای موسی صدر راه می‌خواهند.

اول شب آقای [عبدالمجید] معادینخواه آمد و راجع به موضوعی نگران بود و از من کمک می‌خواست. شب به خانه آمدم. آخر شب شورای فرماندهی سپاه آمدند و راجع به مشکلات سپاه مطالبی داشتند. وضع جنگ را گفتند و اطلاعاتی از سرکوبی ضدانقلاب دادند و درباره انجمن حج‌تبه که سپاه با آنها مخالفت می‌کند، مطالبی گفتند و از من برای حفظ موقعیت سپاه، کمک خواستند. نزدیک ساعت دوازده شب خوابیدیم.

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

گاهی به منازل اشخاص بدون مجوز شرعی و قانونی وارد شده، آنان را جلب می‌نمایند و اگر شخص مورد نظر نباشد، بستگان و زن و فرزند او را جلب می‌کنند و گاهی به بهانه‌هایی هنگ آبرو و حیث اشخاص را می‌نمایند. و با این اعمال غیر شرعی، هنگ جمهوری اسلامی و مقامات قضائی را می‌کنند، مقرر فرماید سازمان بازرسی کل کشور یا سرعت عمل رسیدگی کرده به مقامات قضائی گزارش دهند و اگر شکایاتی به دادستانی‌ها رسید با سرعت رسیدگی نمایند و اشخاص یا گروه‌هایی که مرتکب این نحو اعمال غیر شرعی و قانونی می‌شوند، احضار و پس از اثبات جرم به مجازات برسند و لازم است اینجانب را از مسائل مذکور مطلع نمایند. والسلام - ۱۶ آذر ماه ۱۳۶۰ - روح الله الموسوی الحینی.

چهارشنبه ۱۸ آذر

۱۲ صفر - ۹ صامبر

صبح به مجلس رفتم. کمیسیون آئین نامه داشتیم. بعد از ظهر به دفترم آمدم. فرماندارهای مهاباد و ننده آمدند. گفتند تسلط نظامی دولت خوب است، ولی به اقدامات فرهنگی و عمرانی و رفاهی، برای جلب قلوب مردم نیاز است. از استاندار آذربایجان غربی شکایت داشتند. مسئول حزب و بعضی از مسئولان دیگر سیستان و بلوچستان آمدند. از سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، شکایت داشتند که در آنجا با حزب مخالفت می کنند و استاندار می خواستند. عصر هیأت رئیسه داشتیم. به تقاضای دیوان محاسبات، تصمیم گرفتیم اجازه استخدام ۱۹۹ کارمند جدید داده شود و برنامه هفته آینده را معین کردیم. شب جلسه مشورتی با حضور رئیس جمهور، نخست وزیر و رئیس دیوان عالی کشور در دفتر من داشتیم. درباره ادامه جنگ و برنامه بعد از جنگ و متحد ساختن نیروهای اسلامی عراق و محور قرار دادن آقای سید محمد باقر حکیم و رسیدگی به تخلفات دادگاههای انقلاب و رفاه زندانیان، بحث کردیم و تصمیماتی گرفتیم.

هواپیمای لیبیائی را به فرودگاه مهاباد آورده اند. شیعیان لبنان، طرفدار امام موسی صدر، خواهان آزادی ایشان و اعلان خواستهایشان و کثیر رهبر لیبی اند. نتوانستند به توافق برسند، به لبنان رفتند و آنجا پس از پنج ساعت مذاکره، تسلیم شدند. شب در مجلس خوابیدم. تا ساعت دوازده، گزارشات را خواندم.

پنجشنبه ۱۹ آذر

۱۳ صفر - ۱۰ صامبر

اول اذان با صدای بلند و قوی اذان بلندگوی مجلس، بیدار شدم. پس از نماز صبح، مشغول مطالعه درباره معاد برای درس کلاس مواضع حزب جمهوری اسلامی شدم. پس از صبحانه به جلسه علنی رفتم. آقای الویری هم صبح زود آمد و از همکاری حزب و مجاهدین انقلاب اسلامی صحبت داشت. آنها نگران اختلافاتند و مخصوصاً که سازمان متهم به مخالفت با خط امام خواهد شد.



هوایمائی ربوده شده لیبائی در فرود گاه مهرآباد تهران

در جلسه علنی در نطق پیش از دستور، بمباران دیروز مناطق مسکونی شهر ایلام توسط عراق را که ۲۱ نفر شهید و تعدادی زخمی داشته، محکوم کردم^۱. توطئه تبلیغاتی عراق را که می‌خواهد بگوید کشته‌های عراقی در فتح بستان از اسرای عراقی بوده‌اند، فاش نمودم. اساسنامه سپاه پاسداران مطرح بود که کلیات آن تصویب شد. اداره بقیه مجلس را به آقای موسوی خوئینی‌ها سپردم و به دفترم آمدم.

عده‌ای از اساتید دانشگاه اصفهان آمدند و از وزیر علوم شکایت داشتند، ولی حرف حسابی نداشتند. استاندار زنجان و چند نفر دیگر، همراه با آقای اسدالله ایبات آمدند. امام جمعه برای زنجان می‌خواستند و قرار ملاقات با امام برایشان گذاشته شد. عصر کلاس درس مواضع حزب داشتیم، ویژگیهای زندگی آخرت را گفتم^۲. اول شب آقای نظران و اعضای دفتر مشاورت آمدند و گزارشهایی دادند و سپس به خانه آمدم.

عفت همراه با آقای طباطبائی دائیش و برادرش به ضیاء آباد رفته. فاطمی، سعید، مهدی و یاسر بیرون غذا خورده بودند و آمدند و برای من هم یک ساندویچ الویه آوردند. قرار است که امشب یا فردا شب در غرب، عملیات و حمله به عراقیها داشته باشیم. منتظر خبر از جبهه هستیم.

جمعه ۲۰ آذر

۱۲ صفر - ۱۱ صامبر

تمام وقت در منزل ماندم؛ دو روز عقب ماندگی خاطرات را جبران کردم و گزارشها را مطالعه کردم. به مهدی و یاسر در کار انجام تکالیفشان کمک کردم. نماز جمعه را به عهده آقای ربانی املشی گذاشتم.

آقای دکتر احسن اروحانی آمد و گزارش سفر شورای سرپرستی صداوسیما به هند، چین، کره و ژاپن را داد. گفت هند، کره و چین در صنعت تلویزیون ضعیفند و ژاپن خیلی پیشرفته است. از وضع بد سفارت‌تومان در چین که ادامه کار لیرالهاست، گفت و تأکید شد که با ژاپن برای

۱- کتاب هاشمی رفسنجانی - درس مواضع حزب جمهوری اسلامی - ۱۳۶۰.

۲- کتاب هاشمی رفسنجانی - درس مواضع حزب جمهوری اسلامی - ۱۳۶۰.

توسعه امور تلویزیون، همکاری شود.

آقای اعلی اشمخانی قائم مقام فرماندهی سپاه پاسداران، در سخنرانی پیش از نماز جمعه، خبر حمله عظیم نیروهای ما به ارتش عراق در گیلان غرب را داد. منتظر این حمله بودیم که با عنوان "فجر" انجام شد. گفت بیش از هزار کشته، دویست اسیر و مقداری زمین از دشمن گرفته‌ایم. نبرد هنوز ادامه دارد^۱. اول شب هم آقای محسن رضائی از کرمانشاه تلفنی اطلاع داد که قسمت اعظم اهداف حمله تأمین شده و برای تأمین بقیه، نیروی تازه به میدان اعزام شده. اشتباه این بوده که نیروی احتیاط آماده نداشته‌اند و نیروها خسته شده‌اند.

ظهر دفتر امام اطلاع داد که با انفجار بمبی در کوچه مسیر آیت‌الله دستغیب امام جمعه شیراز و دوازده نفر همراهانش شهید شده‌اند. خبر بسیار تلخی است. احمد آقا هم تلفن کرد و قرار شد خبر را ظهر بدهند. از شور و شعف خبر فتح غرب کاست. نشان همکاری عراق و ضدانقلاب است. فیلمی که پخش کردند، نشان داد، اجساد آنها قطعه قطعه شده است. خون این پیر مرد هفتاد ساله مجتهد، اثر عمیقی در منوریت ضدانقلاب دارد. امام و تمام شخصیتها و منجمله خود من، اطلاعیه دادیم^۲. ناهار فاطمی، سعید و حمید اینجا بودند. عصر احمد آقا هم آمد. عفت هم، شب از سفر برگشت و مقداری مرغ و گوشت از آنجا آورد.

شنبه ۲۱ آذر

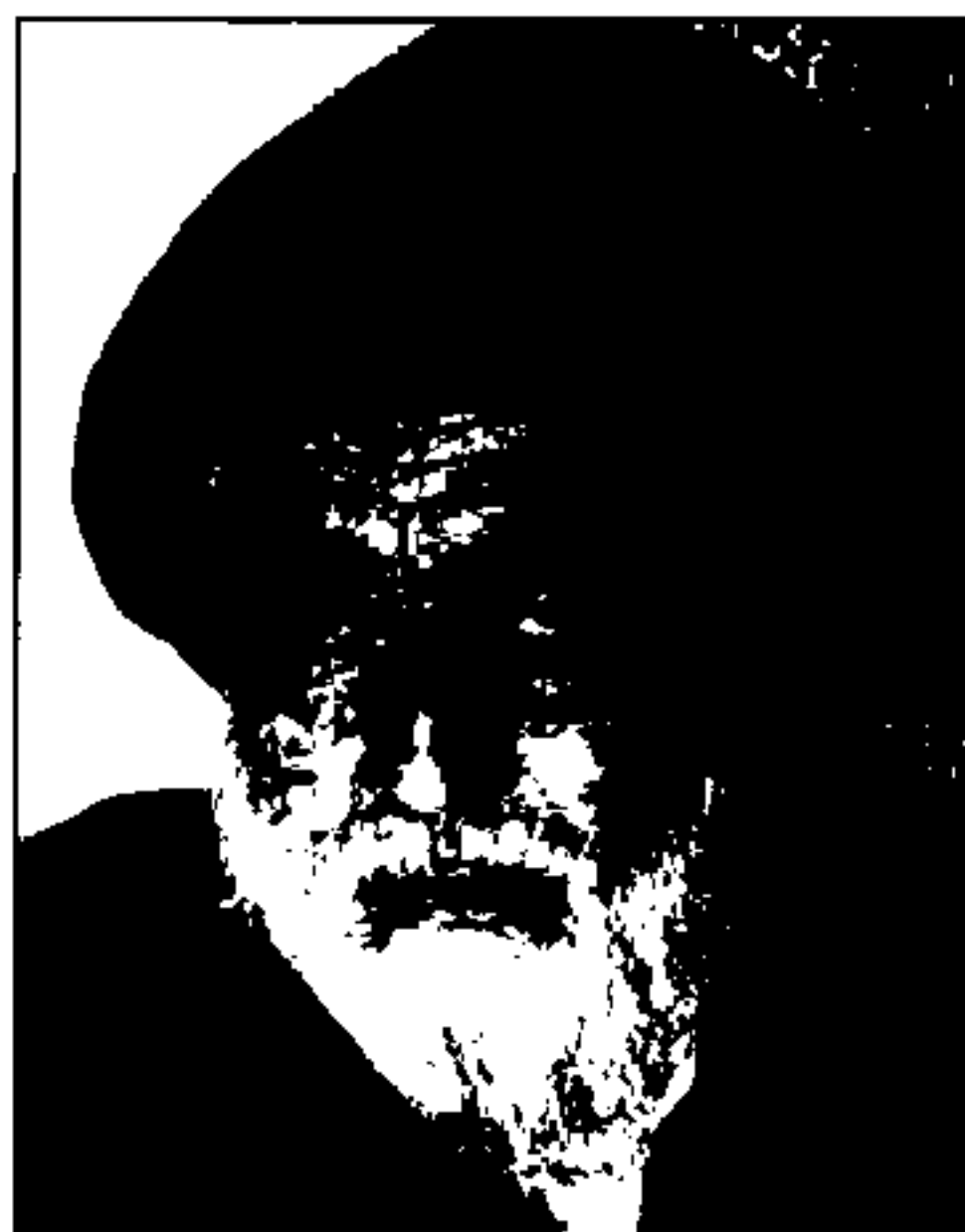
۱۵ صفر - ۱۲ اسفند

پس از نوشتن خاطرات جمعه، و مقداری مطالعه، به ستاد ارتش رفتم. باتیمسار ظهیرنژاد و وزیر دفاع درباره برنامه و اخبار جنگ بحث کردیم. ظهیرنژاد از روی کار آمدن افسران جوان در سمتهای بالا ناراحت است و معتقد است، مغزهای ارتش، با این رویه کنار می‌روند و

۱ - عملیات مطلع الفجر در منطقه گیلان غرب، سرپل ذهاب با هدف آزادسازی بخشی از ارتفاعات با رمز یا مهدی (عج) ادرکنی انجام گرفت. در این عملیات ارتفاعات چرمیان، سرتان، شیاکوه، دیزه کش، برآفتاب، تنگ کورک، تنگ قاسم آباد، تنگ حاجیان، دشت شکمیان، اناره، فریدون هوشیار، دشت گیلان، روستاهای کمار، گور سفید و گورسوار در دشت گیلان غرب از دست دشمن آزاد شد. (کارنامه عملیات سپاهیان اسلام در هشت سال دفاع مقدس، مرکز فرهنگی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۷۳، صفحه ۱۹).
 ۲ - کتاب "هاشمی رفسنجانی - پیامهای ۱۳۶۰".



آیت الله دستغیب سوری شهید محراب
تاریخ شهادت ۱۳۶۰/۹/۲۰



آیت الله مدنی دومین شهید محراب
تاریخ شهادت ۱۳۶۰/۱۶/۲۰



آیت الله اشرفی اصغهبانی پنجمین شهید محراب
تاریخ شهادت ۱۳۶۱/۷/۲۳



آیت الله صدوقی چهارمین شهید محراب
تاریخ شهادت ۱۳۶۱/۴/۱۱

شهدای محراب

می‌گویند این خواست توده‌ای‌هاست؛ مخصوصاً از تصفیه نیروی هوایی. وزیر دفاع هم، از اینکه نیروی زمینی او را در جریان عملیات خودش قرار نمی‌دهد، ناراحت است.

ظهر به مجلس رفتم. گزارشها را خواندم. در جبهه، تحول مهمی نیست. مشغول تحکیم مواضع تصرف شده هستند و در بخشی از اهداف تأمین نشده، درگیرند. عصر شورای عالی دفاع داشتیم. وضع جبهه‌ها رسیدگی شد. تیمار ظهیرنژاد، وقت گرفت برای گشتن اعتراضاتش به نیروهای سه گانه. گزارش خرید توپهای اورلیکن و اصلاح وضع صنایع نظامی، توسط وزیر دفاع داده شد. سقوط دو هواپیمای دشمن و یک هواپیمای خودی و پیشنهاد همکاری با رئیس مجلس اعلای شیعه عراق^۱ و سفر به افغانستان مطرح گردید.

بعد از جلسه، با صداوسیما مصاحبه کردم؛ وضع جبهه‌ها، اثر پروزیها و درباره سروصدای عراق در خصوص کشته شدن اسرای عراقی گفتم^۱. شب در مجلس خوابیدم.

یکشنبه ۲۲ آذر

۱۶ صفر - ۱۳ صابری

پس از نماز، مشغول کار شدم. در جلسه علنی امروز، لایحه دوفوریتی مربوط به بیانیه الجزایر مطرح بود. پس از گروه‌گان‌گیری، اعضای سفارت آمریکا در جریان تسخیر لانه جاسوسی، قضیه از طرف امام به مجلس احاله شد و مجلس چهار شرط برای آزادی آنها گذاشت و دولت مأمور اجرا شد. با میانجیگری الجزایر، قراردادی منعقد گردید و به عنوان بیانیه الجزایر^۲ شناخته شد.

اکنون گروهی از طرف ما و گروهی از طرف آمریکا در لاهه، درباره ادعاها و اختلافات دو طرف به مذاکره و دادرسی نشسته‌اند و دولت از مجلس، اجازه خواسته است که از حقوقدانان خارجی برای دفاع از حقوق ایران، استفاده کند. شرکتها و مؤسسات آمریکایی ادعاهای زیادی، علیه ما اقامه کرده‌اند و ما هم ادعاهای زیادی داریم. تمام وقت، صرف لایحه شد و تصویب گردید.

۱. کتاب هاشمی رفسنجانی - مصاحبه‌های ۱۳۶۰.

بیانی

بسم الله الرحمن الرحيم

کمیسیون ویژه بررسی مسأله جاسوسان آمریکائی بر اساس رهنمودهای امام پیشنهاد
زیرا تقدیم مجلس شورای اسلامی مینماید .

۱- از آنجا که دولت آمریکا در گذشته همواره در مورد داخلی کشور ایران دخالت‌های
گوناگون سیاسی و نظامی کرده است لهذا باید تعهد و تضمین نماید که از این پس هیچگونه
دخالت مستقیم و غیرمستقیم سیاسی و نظامی در امور جمهوری اسلامی ایران ننماید .

۲- آزاد گذاشتن تمامی سرمایه‌های ما و در اختیار قرار دادن این سرمایه‌ها و کلیه اموال
و دارائیهای ایران که در آمریکا و موسسات متعلق بدولت یا اتباع آمریکا در سایر کشورهاست
بمنحوی که دولت جمهوری اسلامی ایران بتواند بهر کیفیتی که بخواهد از آن استفاده کند و دستور
۲۳ آبان ۱۳۵۸ رئیس‌جمهور آمریکا و دستورات پس از آن مبنی بر انسداد دارائیهای ایران
کامل بکن اعلام گردد و بازگشت بشرایط عادی روز قبل از ۲۳ بان در مورد کلیه روابط مالی
فیما بین و رفع هرگونه اثرات ناشی از این دستور از قبیل تهارت‌های انجام شده و انجام کلیه
اقدامات لازم حقوقی و اداری از طرف رئیس‌جمهوری آمریکا جهت ابطال و انقائ احکام توقیف
صادر از طرف دادسراها و دادگاههای آمریکا و تضمین امنیت و تحرک و انتقال آزاد این دارائیها
در قبال هرگونه اقدام اشخاص حقیقی و حقوقی آمریکائی و غیرا آمریکائی در کشور آمریکا .

۳- لغو و ابطال کلیه تصویبات و اقدامات اقتصادی و مالی علیه جمهوری اسلامی ایران و
انجام کلیه اقدامات اداری و حقوقی لازم جهت لغو و ابطال تمامی دعاوی و ادعاهای دولت آمریکا
و موسسات و شرکت‌های آمریکائی علیه ایران بهر صورت و بهر عنوان و انجام کلیه اقدامات اداری و
حقوقی لازم جهت عدم طرح هر نوع دعوی حقوقی یا جزائی و مالی جدید از طرف اشخاص
حقیقی و حقوقی رسمی و غیررسمی دولت آمریکا و موسسات و شرکت‌های آمریکائی و چنانچه هرگونه
ادعائی علیه ایران و اتباع ایرانی در هر یک از دادگاهها در رابطه با انقلاب اسلامی ایران و
تصرف مرکز توطئه آمریکا و دستگیرشدگان در آن مطرح شود و رای به محکومیت ایران و یا اتباع
ایرانی صادر شود دولت آمریکا متعهد و ضامن است پاسخگویی باشد و متعهد و ضامن است که
غرامت و خسارت ناشی از آن را بپردازد .

۴- بازپس دادن اموال شامعدوم با برسمیت شناختن و نافذ دانستن اقدام دولت ایران
در اعمال حاکمیت خود مبنی بر مصادره اموال شامعدوم و بستگان نزدیک وی که طبق قوانین ایران
اموالشان متعلق بمملکت ایران است و صدور حکم رئیس‌جمهوری آمریکا مبنی بر شناسائی و توقیف
این اموال و عمل آوردن کلیه اقدامات اداری و حقوقی لازم برای انتقال کلیه این اموال و دارائیها
به ایران .

جلسه

بر اساس این پیشنهاد دولت جمهوری اسلامی ایران در برابر انجام کلیه شرایط فوق توسط دولت آمریکا تمامی پنجاه مرد و مجرم آمریکائی را آزاد خواهد کرد و در صورتیکه انجام بعضی از شرایط فوق نیاز به زمان بیشتری داشته باشد یا قبول کلیه شرایط از طرف دولت آمریکا در برابر انجام هر شرط تعدادی از مجرمین به تشخیص دولت جمهوری اسلامی ایران آزاد خواهد شد. دولت موظف است پیشنهاد مذکور را برای اعلام بدولت آمریکا و اجرای آن به دوزبان فارسی و انگلیسی تهیه کند که در موارد اختلاف، اصل، نسخه فارسی خواهد بود.

دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است پیشنهاد فوق را پس از تصویب مجلس شورای اسلامی با توجه به استقلال اسلامی و سیاست کلی نه شرقی نه غربی به مرحله اجرا در آورد و در صورتیکه دولت آمریکا به تمام بابخشی از شرایط مذکور تسلیم نگردد دستگاه قضائی حسب وظیفه مقرر خود بانجام وظایف و کيفر مجرمین خواهد پرداخت.

گزارش فوق در جلسه یازدهم آبانماه یکهزار و سیصد و پنجاه و نهم بتصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است.

رئیس مجلس شورای اسلامی

اکبر هاشمی
۱۳۵۷/۱۰/۱۹

عصر جلسه شورای مرکزی حزب بود. خواندن مواضع، اخبار، نماز، گزارش کار تبلیغات، بودجه حزب و وام پنج میلیون تومانی از صندوقها و بحث درموضع حزب در مقابل سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی مطرح بود. شب به خانه آمدم. بچه‌ها همگی جمع بودند و با بلژیک تلفنی صحبت کرده بودند. خبر دادند که محسن صبح روز چهارشنبه وارد تهران می‌شود. خوشحال شدم. محسن دو سال است که در بلژیک درس می‌خواند. دانشجوی مهندسی مکانیک است.

دوشنبه ۲۳ آذر

۱۷ صفر - ۱۴ صامیر

با اینکه کمیسیون آئین نامه داشتیم، امروز صبح به مجلس رفتم. قرار بود با امام ملاقات کنم. کارها را با تلفن انجام دادم. احمد آقا اطلاع داد که روحانیون کرمان به زیارت امام برای گرفتن تأیید امام، جهت ادامه امامت جمعه آقای جعفری آمده‌اند. آقای جعفری امام جمعه کرمان چند روز پیش به دنبال اختلاف با سران نهادهای انقلاب، از امامت جمعه استعفاء داده‌اند و شروع کار را مشروط به تأیید شخص امام کرده‌اند؛ به خاطر مراعات حال مخالفان ایشان و هم به خاطر شیوه اقدام ایشان، امام به درخواست آقایان جواب روشنی نداده و خواسته بودند که من دخالت کنم و مصالحه شود.

با آقایان در دفتر امام، مذاکره کردم. قرار شد سران مخالف از کرمان بیایند و توافق کنیم. سپس دفتر امام اعلان نماید. با امام ملاقات کردم. درباره جنگ، عضویت اعضاء احزاب در سپاه، اینکه معاد از اصول دین است یا خیر و کیفیت و علت کفر منکر آن مذاکره کردم. ناهار را در خانه ماندم.

بعد از ظهر به خاطر قرارهای ملاقاتی که در مجلس داشتم به مجلس آمدم. مهندس غرضی وزیر نفت و معاونان‌شان آمدند و گزارشی از وضع وزارت نفت و کنفرانس اوپک دادند. سفیر نیجریه آمد، گفت اکثریت مردم نیجریه، ۶۰ درصد، مسلمانند. با زبان انگلیسی صحبت می‌کنند و با حروف لاتین می‌نویسند. پیشنهاد کردم برای رسمی کردن حروف عربی

و زبان عربی تلاش کنند. عده‌ای از سیاسی‌ایدئولوژی ارتش آمدند و از آقای صفائی گله داشتند. آقای رضائی از جبهه تلفن کرد و گزارش جبهه را داد. کمی اثر ضعف و احتیاط در اظهاراتش بود. طرح گیلان غرب هم ۶۰ درصد موفق بوده. راجع به انتخاب امام جمعه برای شیراز هم با شیرازیان و احمد آقا صحبت کردم.

سه شنبه ۲۴ آذر

۱۸ صفر - ۱۵ اسفند

شب در مجلس خوابیده بودم، اول وقت مشغول کار شدم. جلسه علنی در ساعت هشت و نیم تشکیل شد. بحث درباره دو وزیر جدید کابینه، آقایان دکتر اعلی اکبر اولایتی برای وزارت خارجه و اعلی اکبر اناطق نوری برای وزارت کشور مطرح بود. من به عنوان موافق ثبت نام کردم؛ مخالفی جز دو نفر نبود. حرفی هم نداشتند. نخست وزیر هم صحبت کرد، رأی خوبی آوردند. آقای ناطق ۱۷۶ رأی از ۱۸۶ رأی و آقای ولایتی ۱۵۵ رأی از ۱۸۶ رأی. پیش از دستور، درباره رأی پارلمان اسرائیل به الحاق بلندیهای جولان به اسرائیل، ارزان شدن قیمت نفت توسط عربستان سعودی، (۷۰ سنت برای هر بشکه) و ام دو میلیارد دلاری کویت به عراق صحبت کردم!

بلافاصله بعد از جلسه، در ساعت دوازده و نیم، جلسه هیأت رئیسه تشکیل شد و برنامه هفته آینده را تنظیم کردیم. علماء، نهادها و نمایندگان استان کرمان، در دفتر من جمع شدند و با دو ساعت بحث و بررسی توافق شد و قرار شد که آقای جعفری نماز جمعه اقامه نمایند.

ساعت چهار و نیم، دادستان انقلاب رشت آقای کریمی و جمعی دیگر آمدند و از استاندار و امام جمعه شکایت داشتند؛ البته آنها هم از افرات کاری اینها شکایت دارند و اینها از محافظه کاری آنها. از ضرورت برخورد قاطع در مورد تروریستهای جنگل گفتند.

آقای اسیدرضا از زواره‌ای آمد و از اینکه دو برادرش بازداشت شده‌اند، نگران بود و اتهام را ناروا می‌داند. حکمی برای رفتن دو نفر به خرامه شیراز برای رسیدگی به اختلاف امام جمعه و

نماینده مجلس صادر کردم. حکمی برای اعزام دو نفر به کهگیلویه، برای رسیدگی به اختلاف بین نماینده مجلس و سپاه.

قرار بود، در جلسه شورای اقتصاد شرکت کنم که موفق نشدم. یکی از کارمندان مجلس را به اتهام همکاری با تروریستها گرفته‌اند که خانمش آمده بود و گریه می‌کرد. قرار شد رسیدگی کنم. شب به خانه آمدم. اشرف خانم، شوهرش و حمید لاهوتی مهمان بودند. حمید لاهوتی همسر فائزه| به عنوان پزشک، دوره سربازیش را در ارتش می‌گذراند.

چهارشنبه ۲۵ آذر

۱۹ صفر - ۱۶ صامیر

امروز فرزندم محسن که در بلژیک دانشجوی است، برای دیدار به ایران آمد. نزدیک دو سال است او را ندیده‌ام. صبح زود عفت و بچه‌ها برای استقبالش به فرودگاه رفتند و ساعت ده صبح به منزل رسیدند. امام هم ملاقات دارند، کوچه شلوغ است. محسن از فعالیت انجمن اسلامی دانشجویان ایرانی در بلژیک و فعالیتهای ضدانقلاب و نفوذ آنها در سفارتخانه و پخش شدن اسرار سفارت توسط آنها و تقاضای دانشجویان، برای پاکسازی سفارت گفت و از اینکه رسانه‌های گروهی غرب، افکار عمومی مردم اروپا را به انقلاب اسلامی بد بین کرده‌اند. نامه‌ای در این خصوص از انجمن آورده. از اینکه محسن، در صراط مستقیم فعالیت دارد، خوشحالم. متأسفانه دشمنان او را شناخته‌اند و باید فکری کرد.

از جبهه، آقای صیاد شیرازی تلفن کرد و گفت امروز صبح، عملیات موفقی داشته‌اند که تلفات فراوانی به دشمن وارد شده و گفت دشمن تحرکی ندارد. تمام وقت در خانه ماندم. بستگان به دیدن محسن آمدند. احمد آقا درباره امام جمعه شیراز مشورت کرد و بالاخره آقای [محمد] یزدی، نایب رئیس مجلس را به طور موقت نصب کردند.

از اخبار مهم بین‌المللی، حکومت نظامی لبنان و انضمام تپه‌های جولان به اسرائیل است و سازمان ملل با ۱۴۱ رأی موافق و ۳۰ رأی ممتنع و یک رأی مخالف، اسرائیل را محکوم کرده. استاد علی داودی از نوق آمد و حاجیه والده پسته برای ما فرستاده. شام را جمعی، مهمان



مهندس محسن هاشمی

ما بودند.

پنجشنبه ۲۶ آذر

۲۰ صفر - ۱۷ دسامبر

امروز تعطیل عمومی بود. پیش از ظهر، تمام وقت در منزل بودم. مقداری درحیاط منزل، قدم زدم و قدری مطالعه کردم. بستگان هم که برای دیدار محسن آمده بودند، مهمان بودند. نهار عفت و بچه‌ها به منزل آقای مئیمی رفتند و محسن به منزل عمویش و من و بعضی از میهمانان در خانه ماندیم. آبگوشت داشتیم. فن کوئیلهای خانه عیب کرده و هوا سرد شده. دو نفر از رجال شمیران به ملاقات من آمدند.

بعد از ظهر به دفتر آقای خامنه‌ای رفتم. نماز مغرب را آنجا خواندم و با آقای خامنه‌ای، درباره‌ی پاره‌ای از مسائل جاری کشور، منجمله سیاسی ایدئولوژی ارتش، برنامه‌ی اتمی شاه که لغو شده، بودجه کشور، ارز خارجی و چیزهای دیگر صحبت کردیم. ایشان دستش درد دارد و ناراحتشان می‌کند.

اول شب، به اقامتگاه آقای موسوی اردبیلی رفتیم. جلسه‌ی مشاوره‌ی هفتگی بود. آقای خامنه‌ای، نخست وزیر و احمد آقا هم بودند. درباره‌ی دستگیری اعضای نهضت آزادیبخش بحرین و ادعای ارتباط آنها با ایران و اخراج سفیر ایران در بحرین و موج محکومیت ایران توسط دولتهای عرب بحث کردیم؛ معلوم شد اگر بخواهیم به موجب قانون اساسی، از نهضت‌های آزادیبخش حمایت کنیم چنین پیشامدهایی اجتناب ناپذیر است، ولی قرار شد دولت کنترل دقیقی داشته باشد و مثل امروز واحد نهضت‌های سپاه، فعال مایشاء نباشد که بدون توجه به سیاست دولت، مسأله سازی شود و رابطه خوب با کشورهای اسلامی، مورد توجه باشد.

آقای امیرحسین موسوی، گزارش از برنامه‌ی مبارزه با تروریست‌های جنگل دادند. بخشی درباره‌ی گران‌تر خریدن برنج از شالیکاران شمال شد و قرار شد اگر اقدامات جدید وزیر مشاور، مؤثر نشد دو تومان به نرخ خرید، در هر کیلو اضافه شود و برنج اعلاء را هم ۲۱ تومان بخریم. آخر شب به خانه آمدم و اخبار شب را از شبکه دوم گوش دادم. امروز خبر مهمی نداشتیم. ضد

حمله عراق در ارتفاعات شیاکوه - که اخیراً تصرف شده - دفع شده است.

جمعه ۲۷ آذر

۲۱ صفر - ۱۸ دسامبر

پیش از ظهر در منزل بودم. مطالعه و کارهای معمولی. ظهر برای اقامه نماز جمعه، به دانشگاه رفتم. خطبه‌ای در آثار ابلاغ پیام خون امام حسین (علیه السلام) توسط زینب (س) و کاروان اسراء، به مناسبت اربعین داشتم^۱ و خطبه‌ای هم در رابطه با الحاق بلندیهای جولان به اسرائیل و پائین آمدن قیمت نفت توسط سعودی و کویت و تبلیغات دشمنان علیه ایران با سوژه کشف گروه براندازی در بحرین و ادعای کشتن اسرای عراقی و پیروزیهای ایران؛ صدام بعد از این پیروزیها بیشترم از صلح می‌زند. گویا مایوس شده است.

سخنران قبل از خطبه‌ها، آقای ناطق نوری بود که به نازگی وزیر کشور شده است. آقای ولایتی وزیر خارجه هم در نماز جمعه قم صحبت می‌کرد. بعد از ظهر احمد آقا آمد و درباره اشکالات سیاست هجوم به دولتهای دیگر از طرف رسانه‌ها و شخصتهای ما، حرف داشت و می‌گفت امام هم این شیوه رانمی‌پسندند و معتقد بود که این شیوه، مانع حرکت سازندگی کشور است و دردراز مدت، ملت را از دولت جدا می‌کند. باید روابط را اصلاح کرد و در محیطی آرام، مشغول سازندگی و رفع کمبودها شد. قرار شد، فردا برای بررسی این مطلب، جلسه‌ای از سران کشور داشته باشیم. برنامه‌های تلویزیون، تقریباً خالی بود. بیشتر مراسم نماز جمعه‌ها و مراسم وحدت فیضیه و دانشگاه [بود]. محسن به منزل دوستانش رفته بود. دیر آمد و عفت دچار نگرانی شده بود و من را ناراحت کرد. تا ساعت دوازده به همین جهت با ناراحتی بیدار ماندیم. به خاطر ناامنی‌های جاری با تلفن او را پیدا کردیم و به منزل آوردیم. خبر مهمی در جبهه‌ها و حرکت ضدانقلاب نداشتیم.

۱ - کتاب 'هاشمی رفسنجانی - خطبه‌های جمعه - جلد اول ۱۳۶۰'.

شنبه ۲۸ آذر

۲۲ صفر - ۱۹ صاببر

به مجلس رفتم. سه روز گذشته، به مجلس نرفته بودم و گزارشهای فراوانی جمع شده بود. کارهای اداری را انجام دادم و گزارشها را مطالعه کردم. مراجعات زیادی هم از طرف نمایندگان، در کارهای شخصی و عمومی بود.

ظهر آقایان خامنه‌ای، موسوی اردبیلی، احمد آقا و ولایتی ناهار را در مجلس، برای مذاکره درباره سیاست خارجی و کیفیت برخورد با دولتها و نهضتها، مهمان من بودند. غذای مجلس عدس پلو بود، بدون خورش و مقداری مرغ هم از رستوران بیرون گرفتیم. پس از بحث طولانی، تصمیم گرفتیم، افرادی را مأمور کنیم که به طور غیر رسمی، با حکام خلیج فارس منجمه عربستان وارد مذاکره شوند و به آنها اعتماد دهند و برای این منظور قرار شد، آقای شمس اردکانی سفیر ما در کویت، برای مشورت احضار شود. در مورد عملکرد نهضتهای آزادیبخش هم، کنترلی به وجود آید که هماهنگ با سیاست دولت باشند.

عصر، آقایان سرهنگ صیاد شیرازی و محسن رضائی از جبهه آمدند، وضع جبهه‌ها را گزارش دادند. در گیلان غرب، پس از چند روز درگیری، حدود سیصد نفر شهید داده‌ایم و پنجاه درصد هدف را به دست آورده‌ایم و برنامه آینده را گفتند. گرفتن شهرک کوچک عراق در مرز و حمله وسیع به عراق در جنوب در آینده نسبتاً دور.

صیاد، طرفدار سرعت در حمله بود، ولی سپاه مخالف عجله بود. برای اولین بار، فرمانده ارتشی را از سپاه انقلابیتر می‌بینم. سپاه به خاطر شهدای زیادش در حمله گذشته، محتاط شده و معتقد شده تا افراد را کاملاً تعلیم نداده، وارد جنگ نشود. شب در جلسه شورای عالی دفاع شرکت نکردم و برای انجام کارهای معوق، در مجلس خوابیدم

یکشنبه ۲۹ آذر

۲۳ صفر - ۲۰ صاببر

پس از نماز مشغول کار شدم. آقای امرتضی الویری آمد و صبحانه را با من خورد و صورتی از مصوبات مجلس را که دولت، مکلف به انجام آنها بوده و انجام نداده، آورد که قبل از دستور،



سرهنگ صباد شیرازی فرمانده نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران



محسن رضائی فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

به دولت درباره آنها تذکر دادم و اخطار نمودم. در مجلس چند لایحه تصویب شد. لایحه مهمی در دستور نداشتیم. ظهر، چند نفر از خارج مجلس و چند نفر از نمایندگان، تا ساعت دو بعد از ظهر، برای کارها مراجعه کردند.

آقای محمد مجتهد شبستری از فشار دانشجویان، برای دخالت بیشتر حوزه در برنامه‌های دانشگاه، نگران بود و تذکر می‌داد. بعد از ظهر، پس از استراحت، در جلسه شورای مرکزی حزب، در دفتر آقای خامنه‌ای شرکت کردم و قبل از جلسه، با آقای خامنه‌ای درباره مسائل خصوصی‌تر، مذاکره کردم. ایشان درباره یکی از کارکنان کاخ ریاست جمهوری، تردید کرده بود. دو چاشنی بمب در کشوی میز او دیده شده. راجع به مسائل سبزوار، ارتش و شورای حزب هم صحبت کردیم. پس از اخبار و نماز درباره برنامه‌های آینده شورا و جلسه مشترک با شورای مرکزی مجاهدین انقلاب اسلامی بحث کردیم. شب به خانه آمدم. شام آقای شیخ حسین هاشمیان، مهمان ما بود و اخبار را از تلویزیون کانال دوم گرفتم. امروز خبر مهمی نداشتیم. امروز با وزارت بازرگانی مذاکره کردم و زمینه قرارداد وسیعی، در زمینه صادرات فرش و پسته و... خرید نیازها فراهم شد. نواقصی در کار مسئولان وزارت خارجه به چشم می‌خورد، بایستی تعقیب شود.

دوشنبه ۳۰ آذر

۲۴ صفر - ۲۱ سامبر

کمیسیون آئین نامه داشتیم. در کمیسیون، بحث کیفیت تعقیب و کیفر نمایندگان مجلس، مطرح بود که در قانون اساسی مصونیت پارلمانی ندارند، ولی نوعی اطمینان خاطر، مطرح است. ساعت یازده، برای شرکت در جلسه شورای نگهبان، کمیسیون را ترک کردم. شورای نگهبان، اعتراضاتی به لایحه اراضی شهری دارند، ضرورت رامی‌گویند، برای هر شهر و منطقه‌ای جداگانه باید تشخیص داد، نه یکباره برای همه جا و روی قیمت گذاری دولت، حرف دارند. با آنها بحث کردم. کمی مؤثر افتاد، ولی تمام نشد. ناهار را با آنها خوردم و درباره اینکه استخدام هر متخصص خارجی ولو طبیب و... نباید نیاز به تصویب مجلس داشته

باشد، در تفسیر قانون اساسی بحث کردیم.

برای استراحت، به مجلس آمدم. ساعت سه و نیم بعد از ظهر، در جلسه گروه پارلمانی حزب جمهوری اسلامی شرکت کردم. ساعت چهار و نیم آقای عسکراولادی و دوستانش آمدند. درباره هیأت‌های مؤتلفه و نیروهای مسلح مربوط به آن و رابطه آنها با حزب، بحث و مشاورت داشتند و از کار آینده. آقای قدیریان مسئول مبارزه با مواد مخدر و آقای ابوالفضل حیدری، مطالب زیادی از وضع زندان اوین گفتند.

مسئولان خدمت پشت جبهه جهاد سازندگی آمدند و آماری از خدمات جهاد در جنگ، از قیل ایجاد سنگر، راه و تعمیر ماشین و... گفتند. نمایندگان صلیب سرخ آمدند و از محدودیت جدی که برای آنها، جهت دیدار با اسرای عراقی به وجود آمده، شکایت داشتند. نمی‌توانند، بدون حضور شاهد ایرانی با آنها ملاقات کنند. گفتم مسئولان ما می‌گویند، افراد شما جاسوسی می‌کنند؛ منکر بودند ولی جا خوردند، قرار شد مذاکره کنیم. شب در مجلس خوابیدم.



دی ۱۳۶۰



سه شنبه ۱ دی

۲۵ صفر - ۲۲ صامبر

پس از نماز، مشغول کار شدم. ساعت هشت و نیم، جلسه علنی شروع شد. چند لایحه از تصویب گذشت. آقای مهندس [محمد] غرضی، گزارشی از وضع وزارت نفت، در اسراف و تبذیرهای آنجا داد. نیاز به اصلاحات فراوان دارد؛ مخصوصاً امتیازات بی جا و تبعیض آمیز کارکنان آنها. پیش و بعد از جلسه، نمایندگان برای کارهای خود مراجعه کردند.

ظهر، مسئولان دانشگاههای اصفهان آمدند و مطالبی راجع به پزشکی و تسریع ادغام دانشکده‌های پزشکی در وزارت بهداشت داشتند. گروهی که به سرپرستی آقای قدرت الله نجفی نماینده شهرضا، برای رسیدگی به وضع محرومان هرمزگان و جزایر خلیج فارس رفته بودند، گزارشی از نیازهای مردم آنجا داشتند و آمادگی نیروهای جهاد اصفهان را برای رفتن به آنجا و کمک به آنها اعلان داشتند و کمک مالی می خواستند. با آقای نخست وزیر صحبت کردم. قرار شد بودجه در اختیارشان بگذارند. شب را در مجلس ماندم و گزارشها را مطالعه کردم و مقدماتی هم برای درس مواضع حزب، مطالعه نمودم.

چهارشنبه ۲ دی

۲۶ صفر - ۲۳ صامبر

پس از نماز، مشغول کار شدم. آقای اسیدرضا زوارهای آمد و مطالبی داشت. در جلسه علنی امروز، لایحه شرایط قضات در دستور بود. نواقص زیادی داشت، آقای ربانی املشی دادستان کل کشور از من خواست، برای رفع نواقص کمک کنم. شور دوم بود. با چند پیشنهاد حذف، اصلاحات به عمل آمد و چند لایحه دیگر تصویب شد.

ظهر، فرماندار اسلام آباد غرب آمد و می خواست که از مسئولان سطح بالا، برای سرزدن به آن منطقه، به آنجا بروند. بعد از ظهر هیأت رئیسه جلسه داشت. برنامه هفته بعد معین شد. به کارهای اداری مجلس، رسیدگی کردیم.

اول شب در دفتر رئیس جمعیور جلسه مشورتی داشتیم، با حضور آقای نخست وزیر، احمدآقا، رئیس دیوان عالی کشور؛ درباره پیشنهاد نیروی دریایی مبنی بر توقیف کشتیهای

حامل اسلحه برای عراق از طریق شیخ نشینهای خلیج فارس بحث کردیم. بنا شد قبل از مذاکره با این دولت‌ها، اقدام نشود. با آقای شمس‌اردکانی سفیر ایران در کویت صحبت کردم که برای مشورت در رابطه با گشایش باب مذاکره با دولت‌های خلیج فارس به ایران بیاید. درباره کیفیت رفتار با زندانیان و محاکمه ضدانقلاب هم بحث شد، قرار شد جلسه‌ای در هفته آینده، با مجریان داشته باشیم؛ در جهت تعدیل رفتار با آنها. شام را با چلوکباب، مهمان آقای خامنه‌ای بودیم و ساعت ده شب به خانه آمدم. شب، آقای (محسن) رضائی تلفن کرد و اطلاع داد که ارتش عراق از شمال رودنیسان، عقب نشسته یا ترسیده‌اند و یا نقشه‌ای دارند.

پنجشنبه ۳ دی

۲۷ صفر - ۲۲ صاببر

امروز، تا بعد از ظهر در خانه ماندم. آقای (محمد محمدی) ری‌شهری، پیش از ظهر به ملاقات آمد و گزارشی از پرونده "کوچک دهقان" معاون لجستیکی، در رابطه با اتهام جاسوسی و فساد در خریدها داد و گزارشی از توطئه یکی از شخصیت‌های منزوی شده و رابطه او با آمریکا و پولهای زیادی که دارد و رابطه‌اش با بعضی از علما و چیزهای دیگر. ناهار، عفت بزقرمه درست کرده بود. غذای محلی خوبی است؛ از کشک و گوشت درست می‌شود. عصر با عفت، فاطمی، مهدی و یاسر به مجلس رفتیم. کلاس مواضع داشتم، درباره ادله "قیامت در قرآن" صحبت کردم^۱. بعد از نماز مغرب مصاحبه تلویزیونی طولانی برای ۲۲ بهمن داشتم و مصاحبه‌ای کوتاه در توضیح کلام امام که فرموده‌اند: «جنگ برای ما نعمت است»^۲. گروهی از علما و ائمه جمعه و جماعت اهل سنت، از سیستان و بلوچستان به ملاقاتم آمدند و تقاضاهائی داشتند؛ منجمله رفع فقر منطقه، منع کارهای افراطی غیر قانونی، مدرسه عالی برای طلاب اهل سنت، تعمیر مساجد، تدریس فقه حنفی به دانش آموزان سنی و...

۱ - کتاب هاشمی رفسنجانی - درس مواضع حزب جمهوری اسلامی ۱۳۶۰.

۲ - کتاب هاشمی رفسنجانی - مصاحبه‌های سال ۱۳۶۰.

که خواسته‌هایشان را عادلانه یافتیم.

سپس، گروهی از جوانان انقلابی و مسئولان نهادهای مازندران آمدند و تقاضاهایی برای قاطعیت در طرح برنج، جلوگیری از تبدیل شالیزارها به باغ، واگذاری طرحهای جنگل به جهاد و توسعه تدریس ایدئولوژی اسلامی و... داشتند. ساعت ده شب به خانه آمدم. بچه‌ها در مجلس شام خورده بودند و من در منزل حاضری خوردم.

جمعه ۴ دی

۲۸ صفر - ۲۵ صاعبر

پس از نماز صبح، مقداری درباره تاریخ پیغمبر (ﷺ) برای خطبه‌های نماز جمعه مطالعه کردم. ساعت ده ونیم، به دانشگاه رفتم. آقای اکبرپورورش سخنران پیش از خطبه‌ها بود و قطعنامه راهپیمایی رحلت پیغمبر (ﷺ) خوانده شد و من دو خطبه را درباره حضرت محمد (ﷺ) و امام حسن (علیه السلام) و امام رضا (علیه السلام) و وجوه اشتراک صدر اسلام با نهضت و انقلاب اسلامی جاری و خطبه عربی را درباره فرصت مناسبی که انقلاب اسلامی، در اختیار جهان اسلام و عرب گذاشته و کفران این نعمت، از طرف بعضی از دول عرب ایراد کردم.^۱ ساعت دو بعد از ظهر به خانه رسیدم.

پس از ناهار و استراحت، از تلویزیون سؤال کردند که آیا اظهاراتی که در خطبه علیه معاویه در رابطه با شهادت امام حسن (علیه السلام) داشته‌ام، پخش کنند یا خیر؟ چون اهل سنت ناراحت می‌شوند، گفتم با رئیس جمهور مشورت کنند. عصر به مطالعه پرداختم. گزارش کمیسیون رسیدگی به خریدهای اسلحه و مهمات، در زمان جنگ را خواندم.

شنبه ۵ دی

۲۹ صفر - ۲۶ صاعبر

امروز قدری در خانه ماندم و باقیمانده وقت را در مجلس گذراندم. پیش از ظهر آقای [عبدالمجید] معادیخواه و اعضای شورای هماهنگی تبلیغات آمدند. درباره طرح تبلیغات

۱ - کتاب هاشمی رفسنجانی - خطبه‌های جمعه - جلد اول - ۱۳۶۰.

متمرکز کشور، بحث کردیم. طرح را به مجلس داده‌اند؛ که ناقص است. اول شب، شورای عالی دفاع داشتیم. درباره وضع جبهه‌ها بحث شد و درباره احتمال دخالت بیشتر کشورهای عربی خلیج فارس^۱ به نفع عراق در جنگ. مصاحبه رادیو تلویزیونی کردم^۱.

رفقای شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی آمدند و برای برنامه مشترک با مجاهدین انقلاب اسلامی، بحث کردیم. شب را در مجلس ماندم. به اخبار گوش دادم و گزارشها را خواندم. مسأله مهم جهانی، مسأله لهستان است^۲. سفیر کره شمالی هم به ملاقات آمد. پیشنهاد داشت سران کره به ایران بیایند. آمدن رئیس مجلس را پذیرفتم. درباره توسعه روابط، بحث کردیم.

یکشنبه ۶ دی

۳۰ صفر - ۲۷ دی

به مناسبت شهادت امام رضا (علیه السلام)، جلسه علنی نداشتیم. پیش از ظهر، در مجلس ماندم؛ به کارهای اداری رسیدم. نهار را در مجلس خوردم و کارها را انجام دادم. امروز بعد از انقلاب فرهنگی، مراکز تربیت معلم، با هفده هزار دانشجو، شروع به کار کرد. شب، کادر مرکزی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی، در دفتر آقای خامنه‌ای، جلسه مشترک برای تفاهم و نزدیکی و همکاری بیشتر و رفع سوء تفاهم داشتند. اخیراً در رده‌های پائین، اختلافاتی بین دو جمعیت دیده شده. آقای خامنه‌ای و سخنگوی آنان و آقای اکبرپورورش صحبت کردند و من جمع‌بندی کردم. آنها چند انتقاد تشکیلاتی به ما داشتند و از صلاحیت حزب به عنوان مرکز نیروهای خط امام، یاد کردند و دوستان ما از ابهاماتی در فکر و رویه آنها گفتند و آنها پاسخ دادند. جلسه خوبی بود.

۱ - کتاب هاشمی رفسنجانی - مصاحبه‌های سال ۱۳۶۰.

۲ - در لهستان معدنچیان اعتصاب کرده بودند و خواستار لغو حکومت نظامی و آزادی رهبران اتحادیه همبستگی بودند. در این کشور اتحادیه همبستگی مردم را به شورش علیه نظام کمونیستی فراخوانده بود و آمریکا و سایر کشورهای غربی و کلیسا نیز از این حرکت، حمایت می‌کردند.

شب به خانه آمدم. با حضور بچه‌ها جلسه گرم خانوادگی داشتیم. محسن این روزها مهمان ماست. همراه مسئولان شرکت نفت به جزیره خارک رفته بود. برایش جالب بود و شب از دیده‌هایش تعریف کرد. بناست اسکله "تی" برای توسعه صادرات راه یفتند؛ از زمان جنگ خوابیده است.

دوشنبه ۷ دی

۱ ربیع‌الاول - ۲۸ صامبر

جلسه علنی داشتیم. صبح زود به مجلس رفتیم. لوایح در دستور عادی بود. دکتر اموسی از رگر، به جای دکتر ولایتی، کار پرداز مجلس انتخاب شد. یک ساعت زودتر دستورات کار مجلس تمام شد. ظهر چند نفر از نمایندگان برای کارهای شخصی و حوزه نمایندگی ملاقات داشتند.

بعد از ظهر، اخوی محمد خبر داد که آقای بشارت نماینده مجلس از سمیرم ترور و شهید شده^۱. خیلی متأثر شدم. معلوم شد، بدون محافظ از مجلس رفته و مورد سوء قصد قرار گرفته. عصر در جلسه بزرگداشت شهید مجتبی استکی^۲ و جعفر زاده که در مجلس تشکیل شده بود شرکت کردم. آقای اقریانعلی ادری نجف آبادی و آقای محمد یزدی صحبت کردند. مطالب خوبی گفتند. جلسه هفتگی گروه پارلمانی حزب بود. از همراهان قابل اعتماد و فعال بودند.

۱ - شهید حجت‌الاسلام محمد تقی بشارت نماینده مردم سمیرم در مجلس شورای اسلامی بود. وی در سالهای بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، نمایندگی امام در گچ‌ساران و جهاد سازندگی، سرپرست بیاد شهید و کعبه کهکلیویه و بویراحمد و نمایندگی مجلس سیرگان را عهده دار بود. و توسط تروریستهای وابسته به سازمان مجاهدین خلق مورد سوء قصد قرار گرفت و به شهادت رسید.

آقای هاشمی رفسنجانی در رابطه با شهادت حجت‌الاسلام محمد تقی بشارت گفت: آقای بشارت از دوستان خوب ما بود، از زمان منبگی همراه بودیم، در جریان مبارزات با هم بودیم، برادر ایشان پیش از پیروزی انقلاب، شهید شد و خودشان از رورهای اول پیروزی، همه جا در میدان بودند، فقدان ایشان برای ما و مجلس و انقلاب یک ضایعه‌ای بود. امیدوارم که خون ایشان و شهادت ایشان اثر خودش را در جریان کمبود حضور ایشان داشته باشد.

۲ - شهید مجتبی استکی نماینده مردم شهرکرد در مجلس شورای اسلامی بود که در انتخابات میاندوره‌ای مجلس به جای برادرش شهید رحمان استکی به نمایندگی انتخاب شد. شهید رحمان استکی نیز در واقعه هفتم تیر در دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی به شهادت رسید. شهید مجتبی استکی در اول دیماه ۱۳۶۰ در مشهد توسط تروریستهای سازمان مجاهدین خلق به لقاءالله پیوست.



مجلس شورای اسلامی ایران

شماره ۲۰ / ۱۳۳۹ / ۵

تاریخ ۱۳۳۹ / ۵ / ۲۰

بجای

جناب سرانجام تدبیر ارجمند
 اسر غفر علیه صلوات الله و برکاته اهل خلق کرده
 با تشکر از کلمات پربندگی - بنامت عبد
 و سیلاب حضرت سید و حضرت را منقسم شمرده و تقابل در این
 بر طرفدار این عبادتگاهان محترم و محترم سر و سر
 کتب این نفع در دست در این محرم
 جان در حال عبودیت پروردگار استواران دستگیران
 از فقه ارزوگ فداگم
 در مجلس شورای اسلامی ایران
 در تهران
 آید

اول شب، در دفتر آقای خامنه‌ای با مسئولان قضائی و اجرایی و اطلاعاتی جلسه داشتیم که تا ساعت یازده و نیم شب طول کشید. بحث درباره کیفیت برخورد با مخالفان جمهوری بود. قرار شد، شدت عمل فقط در مورد تروریستها (مجاهدین، پیکار، چریکهای فدایی خلق، رنجبران، کودتاچیان، خلق مسلمان، کومله و دموکرات) باشد. در مورد سایر مخالفان، آزادی باشد و متعرضشان نشویم؛ مگر در صورتی که با تروریستها همکاری کنند و ضابطه‌ای برای بازداشتها و مسئولان بازداشت باشد، که خود سری نشود. قرار شد، براساس این تصمیم، پرونده بازداشتیها رسیدگی شود و آنها که مستحق آزادی‌اند، آزاد شوند. روی هم رفته، جلسه مفیدی بود. ساعت دوازده، برای خواب به مجلس رفتیم. امام امروز در ملاقاتشان با خانواده‌های شهدای انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری و به مناسبت سالگرد نهضت سوادآموزی، از حزب ستایش کردند^۱. برای حزب جمهوری اسلامی مهم است.

سه شنبه ۸ دی

۲ ربیع‌الاول - ۲۹ صابری

در مجلس خوابیده بودم. صبح زود، پس از نماز، مقداری برای درس کلاس مواضع مطالعه کردم و روزنامه صبح جمهوری اسلامی را دیدم. آقای محمد اغرضی تلفن کرد و برای ملاقات مسئولان اجرایی استان خوزستان، وقت گرفت. درباره امکان فروش پنج میلیون تن نفت به کره شمالی صحبت شد. قرار شد سفیر را بپذیرد.

جلسه علنی داشتیم. پیش از دستور، درباره شهادت آقای محمد تقی ابشارت صحبت کردم و تکیه کردم روی اینکه، این گونه جنایات زمینه روحی تصفیه کامل ضد انقلاب را فراهم می‌کند و مجلس را عمیقاً با مردم منسجم می‌نماید^۲. چند لایحه معمولی داشتیم. قبل از مجلس و

۱ - رجوع کنید به سحیفه نور - جلد پانزدهم، انتشارات سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.

۲ - در این سخنرانی جمله معروف «شهادت آقای ابشارت بیدار باش جدیدی می‌دهد که برپلنگ تیزدندان نمی‌شود ترحم کرد... هیچ راهی جز تصفیه خدمت کشندگان به اجانب نیست» گفته شد. کتاب «هاشمی رفنجایی - نطقهای پیش از دستور ۱۳۶۰ - دفتر نشر معارف انقلاب - ۱۳۷۷».

در حال تنفس، به کارهای نمایندگان رسیدم.

ظهر، گروهی از فرمانداران و مسئولان نهادهای انقلاب، همراه استاندار خوزستان آمدند. از وضع خود راضی بودند و مشکلی نداشتند و از موفقیت در عمران منطقه می‌گفتند و آمادگی برای بازسازی بعد از جنگ. سپس با گروهی از نهضت‌های اسلامی چند کشور، ملاقات کردم که اظهار وفاداری به جمهوری اسلامی داشتند و چند سؤالشان را جواب دادم؛ من جمله [در باره] علت همکاری با دولت سوریه، گفتم [این همکاری] به خاطر نقش آن در مقابل اسرائیل و مواضع انقلابی [سوریه است] ناهار کوشمش پلو داشتیم. بعد از ظهر، محسن رضایی و رحیم صفوی آمدند و وضع جبهه‌ها و برنامه‌های آینده را گفتند. نزدیک نیست.

با مسئولان سازمان فجر اسلام، ملاقات داشتم. کمک می‌خواستند و با مسئولان حزب جمهوری اسلامی در استان اصفهان که تکیه روی نقش مؤثر روحانیت در حزب و مذهبی کردن بیش از پیش احزاب داشتند. بچه‌های خوبی‌اند.

سپس، ملاقاتی با هیأت‌های مؤتلفه که بیشتر از گرفتاریهای کسبه و بازاریها در رابطه با سخت‌گیریهای اقتصادی گفتند و با مسئولان سپاه درباره جنگ. شب به خانه آمدم. احمد آقا و صادق طباطبائی و محسن ارفیق دوست آمدند. درباره خریدهای اسلحه صادق بحث داشتیم. صادق دفاع کرد. وضع بدی پیش آمده.

چهارشنبه ۹ دی

۳ ربیع‌الاول - ۲۰ صابر

پس از نماز و جواب مراجعات و نوشتن چهار روز خاطرات عقب افتاده، عازم مجلس شدم. راننده دیر آمد، با کمی تأخیر به مجلس رسیدم. کمیسیون آئین نامه داشتیم. بیست و یک تومان، بابت هفت دقیقه، جریمه شدم. عصر جلسه هیأت رئیسه داشتیم. برنامه هفته آینده را منظم کردیم. برای تأمین امنیت نمایندگان از شر تروریستها تصویب کردیم که اتومبیل ضد گلوله از منابع داخلی و خارجی برای مجلس تهیه کنیم، کارهای اداری را انجام دادیم.

نامه‌ای از فرمانده نیروی زمینی رسید، اطلاع می‌داد که امشب نیروهای ما در خاک عراق

حمله‌ای دارند. طرح "کربلای ۱" اجرا می‌شود.

اول شب، از دفتر مشاورت و دبیرخانه شورای دفاع آمدند و گزارشهایی داشتند. اطلاع دادند که هیأتی فنی اعلان آمادگی کرده که رادارهایی که در انبار داریم و با رفتن کارشناسان آمریکائی عملیاتی نشده، عملیاتی کنند و نیاز نداشته باشیم که رادار از انگلستان بخریم. گزارشی بود که از مصر چند هزار سرباز به کمک سربازان عراقی به عراق وارد شده‌اند و چیزهای دیگر.

شب، با حضور آقای (عبدالرحیم) ربانی شیرازی، در دفتر رئیس جمهور جلسه‌ای داشتیم. آقای ربانی از نهادهای انقلابی ناراضی‌اند و سفارش به کنترل آنها می‌کنند و به طور کلی روحیه احتیاط و میانه‌روی در امور اقتصادی، سیاسی و اداری دارند. از آینده وضع موجود نگرانند. بحثهای طولانی با ایشان داشتیم. و در اینکه به طرف قانون و ثبات باید برویم، متفق بودیم. شام را مهمان آقای خامنه‌ای بودیم. برای خواب به مجلس رفتم و تا ساعت دوازده شب کار کردم.

پنجشنبه ۱۰ دی

۴ ربیع‌الاول - ۲۱ صابری

پس از نماز، مشغول مطالعه گزارشها شدم. مقداری از گزارشها را که از دیروز مانده بود، خواندم. فرمانده نیروی زمینی، تلفنی اطلاع داد که عملیات کربلای ۱ به علت موانعی انجام نشده. آقای دکتر (علی اکبر) ولایتی وزیر خارجه عازم سوریه بود. تلفنی خداحافظی کرد و مشورت نمود. هدف از سفر، تحکیم روابط با کشورهای عربی است و دادن اطمینان به آنها که ایران نمی‌خواهد، در کارهایشان دخالت کند.

دکتر (عباس) شیبانی هم آمد و از بسته شدن بیمارستان پارس، به خاطر گران گرفتن خدمات بیمارستانی، شکایت داشت. جلسه علنی شروع شد. چند مصوبه داشتیم. اعتبار نامه آقای میرغفار سجادنژاد (نماینده بستان آباد) مطرح بود. آقای (علی) موحدی ساوجی مخالف بود و ایشان دفاع نمود و اعتبار نامه تصویب شد.

به تقاضای جمعی از نمایندگان، آخر وقت جلسه خصوصی داشتیم. عده‌ای از نمایندگان به

هیأت رئیسه، در خصوص عدم تأمین وسایل حفظ نمایندگان از ترور، اعتراض داشتند. توضیحاتی دادیم و تصمیم خریدن اتومبیل ضد گلوله ابلاغ شد و دو نفر برای خرید تعیین شدند. به آنها حکم مأموریت دادم.

آقای [پرویز] ملک پور نماینده زرتشتیان آمد و از اینکه دختری زرتشتی در یزد به خانه شوهری مسلمان رفته، شکایت داشت. تلفنی از آیت‌الله [محمد] صدوقی توضیح خواستم، گفتند با میل خودش مسلمان شده و ازدواج کرده است.

عصر، گروهی از رابطان بخش آموزش حزب جمهوری به ملاقات آمدند و کلاس مواضع داشتیم. درباره عالم برزخ و معاد جسمانی بحث کردم. اول شب مصاحبه‌ای با رادیو و تلویزیون درباره شهید دستغیب و سپاه داشتم^۱. جلسه مشورتی با رئیس جمهور، نخست وزیر، احمد آقا و موسوی اردبیلی در دفتر من درباره جنگ و صلح بود.

جمعه ۱۱ دی

۵ ربیع‌الاول - ۱ رجب ۱۳۸۲

غفت، فاطمی و محسن، دیروز به رفسنجان رفته‌اند و مهدی و یاسر شب به مجلس آمدند و با هم به خانه آمدیم. امروز من مشغول حفاظت و اداره آنها هستم. اول صبح، پس از نماز و نوشتن خاطره دو روز گذشته، مشغول مطالعه گزارشها شده‌ام و بچه‌ها خوابیده‌اند. برف باریده و درختها، دیوارها، حیاط و جماران پوشیده از برف است، خیلی با صفاست. رادیو هم سرود می‌خواند. (تا اینجا را صبح نوشتم)

آقای [محمد] امامی [کاشانی] نماز جمعه را اقامه کردند و آقای [رسول] منتجب [نیا]، [نماینده شوش اندیشمک] سخنرانی قبل از نماز را؛ و در نماز امروز چهار صد نفر از زندانیان تروریست توبه کرده را آورده بودند که یکی از آنها هم صحبت کرد. اقدام جالبی است و در نوع خود بی نظیر.

ضمن استراحت، موفق شدم، مقدار زیادی از جزوه‌های گزارشاتی را مطالعه کنم. سفیر

۱ - کتاب هاشمی رفسنجانی - مصاحبه‌های سال ۱۳۶۰.

سوریه در یکی از این گزارشها آمادگی کامل سوریه را برای همکاری با ایران و روی کار آوردن دولت مطلوب در عراق، پس از صدام، اعلام کرده است.

بهره‌برداری از یک فاز، از پنج فاز ماهواره تحقیقاتی که با رفتن آمریکائی‌ها را کد مانده بود، با حضور نخست وزیر شروع شد و نویدی است برای قدرت فنی ایران؛ و ده نفر کارشناس نفت را به لیبی فرستادیم که نمایش قدرت دیگری است. با عفت و آقای شیخ محمد هاشیمان تلفنی در رفسنجان صحبت کردم. شب صیاد اشیرازی^۱ تلفنی اعلام کرد که امشب عملیات در خاک عراق داریم، عملیات اکر بلائی ۱. از وزیر خارجه در سوریه استقبال خوبی شده. ظهر غذا از بیرون گرفتیم و شب، فائزه غذا درست کرد و علی و ناصر اخوی زاده هم بودند.

شنبه ۱۲ دی

۶ ربیع‌الاول - ۲ ذی‌حجه

تا عصر در منزل ماندم. خبر دادند که ارتش و سپاه، وارد خاک عراق شده‌اند و شهرک کوچکی بنام "تویله" را محاصره کرده‌اند. چون عملیات تمام نشده، اعلان نمی‌شود. بعد از نماز و استراحت، بعد از ظهر به دفتر امام رفتم. رئیس جمهور و نخست وزیر و مهندس احمد اغرضی هم آمدند. درباره عدم برخورد فعال مسئولان وزارت نفت، با متقاضیان نفت اعتراض داشتیم. مواردی خبر می‌دهند که مراجعه می‌کنند، ولی تحویلشان نمی‌گیرند. مسئولان نفت می‌گویند، اکثر اینها دلالتی هستند که سرانجام بازارهای مصرف خودمان را می‌گیرند.

شورای عالی دفاع، همان جا تشکیل شد و پس از شورا من مصاحبه کردم^۱. شام را در منزل احمد آقا مهمان بودیم. آقای موسوی اردبیلی هم بودند و وزیر خارجه هم که تازه از سوریه برگشته بود، آمد و گزارشی از مذاکراتش در سوریه داد. پس از شام به خانه آمدم.

یکشنبه ۱۳ دی

۷ ربیع‌الاول - ۳ ذی‌حجه

به مجلس رفتم. جلسه علنی داشتیم. طرح تدوین استراتژی ملی، وقت زیادی گرفت. در اثر

۱ - کتاب هاشمی رفسنجانی - مصاحبه‌های سال ۱۳۶۰.

بی محتوا بودن، تصویب نشد. دو سه لایحه کوچک تصویب شد. ظهر خیر عملیات تویله عراق بخش شد. نیروهای ما برای تصرف شهرک تویله وارد عراق شده‌اند. نتوانسته‌اند، هدف را تصرف کنند، ولی ضربه‌ای به دشمن وارد آورده‌اند و ۱۲۴ اسیر گرفته‌اند. مرحله جدیدی در جنگ است. عراق و کشورهای حامی‌اش به وحشت افتاده‌اند.

قاضی شرع اهواز هم آمد و برنامه مبارزه با بی‌حجابی در اهواز را گفت و پیشنهاد داشت در جاهای دیگر هم عملی شود. با تبلیغات و همکاری مردم، مانع حضوری حجابها در سطح شهر شده‌اند.

عصر، جلسه شورای مرکزی حزب، در دفتر من تشکیل شد. برنامه منظمی نداشت. درباره هیأت‌های اعزامی برای سالگرد انقلاب، بحث شد. ۲۴۰ تیم اعزام می‌شوند. آقای محمد اغرضی وزیر نفت در جلسه شرکت کرد و توضیحاتی درباره صنعت نفت داد. شب در دفترم ماندم و گزارشهای دو سه روز گذشته را خواندم.

دوشنبه ۱۴ دی

۸ ربیع الاول - ۴ ذی‌حجه

پس از نماز، مشغول مطالعه شدم. صبح آقای بهزاد نبوی آمد. درباره لایحه مجازات اخلاص کنندگان در کویتهای سهمیه بندی کالاها، مشورت داشت. در مجلس کمیسیون قضائی این لایحه را رد کرده و ستاد بسیج اقتصادی، نگران است، اگر در جلسه علنی رد شود، اصل سهمیه بندی مخدوش و ضعیف می‌شود. گفتم احتیاج به اصلاحات دارد. آقای نخست وزیر هم در همین خصوص، تلفنی صحبت کرد. در کمیسیون تدوین آئین نامه شرکت کردم.

بعد از ظهر، سفیر شوروی به ملاقات آمد. خبر از توطئه آمریکا و تجمع نیروهای ضد انقلاب در خاک ترکیه و نفوذ دسته‌هایی از آنها به داخل می‌داد و می‌گفت مشابه آن در بلوچستان پاکستان پایه ریزی شده. گفتم این خبر از منابع مختلف می‌رسد، ولی کسی سرخ مشخصی نمی‌دهد. من از عدم انجام تعهد شوروی در خصوص تحویل روزانه چهل هزار بشکه فراوده‌های نفتی به ایران، گله کردم. قرار شده به خاطر تعطیلی پالایشگاه آبادان و کرمانشاه،

آنها به مافرآورده بدهند و در مقابل از ما نفت خام بگیرند.

گروهی از تربیت بدنی آمدند و از احتمال عزل آقای داودی سرپرست سازمان‌نگران بودند. آقای آخوندی از مرکز جهاد تلفن کرد و از تغییر نماینده امام ناراضی بود. مصاحبه‌ای با تلویزیون درباره هفته وحدت داشتم^۱.

سرهنگ کا کاوند فرمانده پایگاه هوایی بوشهر آمد و مطالبی در خصوص ضعف عملکرد نیروی دریایی و عدم استفاده از امکانات آنها داشت و پیشنهاداتی ارائه کرد. شب به خانه آمدم و تا آخر شب، اخبار گوش دادم. در حال نماز عشاء، در مجلس دچار تب و لرز خفیفی شدم.

سه شنبه ۱۵ دی

۹ ربیع‌الاول - ۵ ذی‌الحجه

به خاطر کسالت، با اینکه جلسه علنی داشتیم، در منزل ماندم. آقای موسوی اخوئینیا و آقای محمد ایزدی، مجلس را صبح و عصر اداره کردند. عصر را برای جواب وزرا به سئوالات نمایندگان، اختصاص داده بودیم. به مطالعه پرداختم و مخصوصاً مطالبی درباره امنیت خلیج فارس و وحشت غریبها از انقلاب اسلامی در منطقه. تلفنی با مجلس و نخست وزیری برای کارها تماس داشتم.

از آقای امیرحسین موسوی خواستم که لوایح برای ارجاع داوری را که امروزیکی از آنها تمام وقت مجلس را گرفت، به مجلس نیاورند. چون شورای نگهبان گفته، در مورد قراردادهای رژیم گذشته که در متن قرارداد، ارجاع به داوری پیش بینی شده و ناچاریم بپذیریم، تصویب مجلس ضرورتی ندارد. محسن برای ملاقات عمه‌اش به قم رفته بود. عصر همه بچه‌ها، جمع شدند. عصر از دفتر مشاورت امام، سرگرد ترابی آمد و گزارشی از ارتش داد. مقداری در حیاط منزل، قدم زدم و برای سخنرانی روز جمعه در جلسه سفر و خطبه‌های نماز جمعه این هفته، فکر کردم. خبر مهمی در داخل نداشتیم. توسعه تظاهرات مسلمانان سودان، امروز مسأله مهم

است!

چهارشنبه ۱۶ دی

۱۰ ربیع الاول - ۶ ذی‌الحجه

محسن، آماده برگشتن به بلژیک، برای ادامه تحصیل شده. ساعت دوازده، پرواز داشت. من و عنت، کمی نگران امنیت او در خارج هستیم، او را شناخته‌اند و در جزوه‌ای او را اسم برده‌اند و اخیراً دو نفر دانشجو در آمریکا و اسپانیا، توسط منافقین شهید شده‌اند. با او صحبت کردم که اگر احساس خطر کرد، به کشور دیگری برای تحصیل منتقل شود و یا به ایران مراجعت نماید. به مجلس رفتم. در کمیسیون آئین نامه، تا یک بعد از ظهر، شرکت کردم.

جلسه هیأت رئیسه تشکیل شد، برنامه هفته آینده تنظیم گردید. تصمیم گرفتیم، خانه‌های اطراف مجلس را با دادن زمین و اجازه ساختمان به صاحبان آنان، بخریم. می‌گویند حدود یک صدوسی خانه است. برای تأمین امنیت نمایندگان و مجلس مهم است. اول شب آقای نظران آمد و برنامه و دستور شورای عالی دفاع را آورد. شب در مجلس ماندم، به اخبار گوش دادم و گزارشها را مطالعه کردم.

حاج احمد آقاخیمینی تلفن کرد و اطلاع داد، امروز عراقیها شیاکوه را که چند روز پیش گرفته‌ایم، پس گرفته‌اند و ما حدود پانصد نفر تلفات داده‌ایم. مقامات نظامی هم این خبر را تأیید کرده‌اند. بسیار تلخ است. سپاه هم تأیید کرد.

پنجشنبه ۱۷ دی

۱۱ ربیع الاول - ۷ ذی‌الحجه

بعد از نماز صبح، خطبه عربی نماز جمعه را نوشتم. آقای امرتضی الویری آمد و مطالبی درباره ارتباط بعضی از نمایندگان با منافقان داد، در حدود کمک مالی. به جلسه علنی رفتم.

۱ - به دنبال تظاهرات وسیع دانش آموزان و دانشجویان در سودان به دلیل عدم رسیدگی به خواسته‌های آنها از طرف دولت، به دستور جعفر نمیری رئیس جمهور این کشور، کلیه مدارس تعطیل و نیروهای نظامی جهت سرکوبی تظاهرکنندگان به حال آماده باش در آمدند. در ناآرامی‌های سودان در زمستان ۷۰، ده دانش آموز جوان خود را از دست دادند و بازار بزرگ خارطوم و بیش از ۱۲۰ مغازه در آتش سوخت.

چند لایحه تصویب شد و اعتبار نامه آقای دکتر مصطفی اکیائی نماینده تویسرکان که مورد مخالفت آقای دانش قرار گرفته بود، تصویب گردید. ظهر گروهی از نمایندگان در دفترم برای کارهایشان مراجعه کردند. آقای امرتضی محمودی نماینده قصر شیرین، از خبر ضربه به ما در شیاکوه نگران بود.

قرار است، فردا در تالار رودکی به مناسبت هفته وحدت سخنرانی کنم. آقای [فضل الله] محلاتی آمدند و گفتند، سپاه به امنیت آنجا مطمئن نیست. کارکنان آنجا را نمی شناسد و مصلحت نمی داند و دیگران هم معتقدند که بهتر است نروم. تا شب نتوانستم با آقای عبدالمجید معادیخواه برای فسخ قرار تماس بگیرم.

عفت، فاطمی، یاسر و مهدی به مجلس آمدند، برای شرکت در جلسه درس مواضع حزب. موضوع درس، وضع انسان در عالم برزخ و ارتباط برزخ با دنیا بود و شفاعت. اول شب مصاحبه‌ای درباره هیأت‌های مؤتلفه داشتم^۱. شب با هم به منزل آمدیم.

آقای عبدی از نخست وزیری آمد و نامه‌ای از تاجر شیعه سوریه‌ای آورد که می‌خواهند با اجازه امام، چهار میلیون دلار سهم امام و خمس را به مصرف جهاد، هلال احمر ایران و شیعیان لبنان و سوریه برسانند و قرار شد نامه‌اش را به امام بدهیم و مطالب دیگری درباره اوضاع شیعیان لبنان و سازمان امل داشت.

جمعه ۱۸ دی

۱۲ ربیع الاول - ۸ رجب

ظهر، برای اقامه نماز جمعه به دانشگاه رفتم. روز شروع هفته وحدت، پیشنهاد آقای منتظری است. ایشان برای رفع اختلاف بین شیعه و سنی، در تاریخ تولد پیغمبر (ﷺ) از ۱۲ تا ۱۷ ربیع الاول را هفته وحدت اعلان کرده‌اند و خوب جا افتاده است. چند نفر از شخصیت‌های اهل سنت، قبل از نماز، حرف‌های خوبی زدند. قطعنامه علمای اهل سنت خوانده شد و جالب بود. جمعی از اسرای عراقی در نماز جمعه شرکت کرده بودند و به نفع جمهوری و امام، شعار



آیت الله منتظری - امام خمینی - آیت الله هاشمی رفسنجانی

می دادند. جمع کثیری از مهمانهای خارجی و علمای اهل سنت هم در اجتماع شرکت داشتند. سخنران قبل از نماز، دکتر احسن ارواحانی بود و من دو خطبه رادر وحدت، شرایط وحدت، همکاری و اشتراک مساعی با غیر مسلمین صحبت کردم.^۱

ناهار و استراحت را بعد از ظهر در خانه انجام دادم. عده‌ای هم برای کارهایشان مراجعه کردند. تلفنی از وضع جبهه پرسیدم. تازه مهمی نداشتیم. عصر، قرار بود در تالار رودکی در مراسم هفته وحدت سخنرانی کنم، با توصیه و اصرار مردم، به خاطر مراعات امنیت، شرکت نکردم، به جای من آقای محمد اخانمی - نماینده اردکان - شرکت کرد. شب بیشتر به مطالعه گزارشها و گوش دادن به برنامه تلویزیون گذشت.

آخر شب، فرمانده سپاه پاسداران و مسئول اطلاعات آمدند و برای تحکیم موقعیت سپاه، کمک می خواستند. گزارش عقب نشینی در شیاکوه و تلفات یک گردان ارتش و یک گردان سپاه را دادند که نزدیک به پانصد نفر شهید و مجروح و اسیر داشته‌ایم، در ۱۶ دی. با احمد آقا تلفنی صحبت کردم و وقت ملاقات برای روز شنبه از امام گرفتم.

شنبه ۱۹ دی

۱۲ ربیع الاول - ۹ و ۱۰

در منزل ماندم. مطالعه و راه رفتن در حیاط منزل و ملاقاتهای خصوصی، و قتم را گرفت. به ملاقات امام رفتم و برای مصرف شدن چهار میلیون دلار از سهم امام و خمس برای جهاد و هلال احمر و شیعیان لبنان و سوریه که توسط یک شیعه لبنانی پرداخت می شود، اجازه گرفتم. بعد از ظهر، به دفتر مشاورت امام، در ستاد مشترک رفتم، آنها اصرار دارند که من بیشتر به آنجا بروم تا ارتشی‌ها به اهمیت دفتر و توجه مسئولان به آن، توجه داشته باشند. به مجلس رفتم. هیأت مأمور رسیدگی به وضع خریدهای اسلحه آمدند و درباره ادامه کارشان مشورت کردند. و به تعقیب نظرانی که داده بودند، اصرار داشتند. از کارخانه شیشه مینا هم آمده بودند و از دخالت مسئولان بانک صادرات، در امور

۱ - کتاب هاشمی رفسنجانی - خطبه‌های جمعه - جلد اول.

کارخانه که دادن وام را معلق به رفتن مدیر عامل کارخانه کرده بودند، شکایت داشتند. بعد از نماز، به دفتر رئیس جمهور رفتم و در جلسه شورای عالی دفاع شرکت کردم. آقای ظهیرنژاد از ضربه‌ای که در شیاکوه خورده‌ایم، انتقاد می‌کرد و ضعفهای نیروی زمینی را مطرح نمود. درباره عملکرد نیروی دریایی، بحث شد و قرار شد هفته آینده بیایند و توضیح دهند. درباره مذاکره با ترکیه در رابطه با اخباری که از منابع مختلف، مبنی بر اجتماع ضدانقلاب سلطنت طلب، در نزدیکی مرزها می‌رسد، قرار شد توضیح بخواهند. در خاتمه جلسه به دیدن پدر و مادر آقای خامنه‌ای که از مشهد آمده بودند، رفتم. سپس با آقای اعلی اکبر اولایتی در حضور آقای خامنه‌ای جلسه‌ای داشتیم که در امور خودش مشورت داشت و برای خواب به مجلس رفتم.

یکشنبه ۲۰ دی

۱۲ ربیع الاول - ۱۰ ذی‌حجه

ساعت هشت و نیم، جلسه علنی شروع شد. چند لایحه در دستور داشتیم. سرماخوردگی و کسالت داشتم. اداره جلسه را به آقای امسوی اخوئینیها سپردم و به دفترم رفتم. آقای ارضا زواره‌ای آمد و اطلاع داد که آقای سید محمد خامنه‌ای، نماینده مجلس مورد سوء قصد قرار گرفته و سطحی مجروح شده، و دو پاسدارش شهید شده‌اند. با بیمارستان تماس گرفتم؛ الحمدالله خطری، ایشان را تهدید نمی‌کند!

تا ساعت دو بعد از ظهر، مراجعه فراوانی از طرف نمایندگان داشتم. بعد از نماز و استراحت و ناهار قرار بود در جلسه هفتگی شورای حزب جمهوری اسلامی شرکت کنم، به خاطر کسالت نرفتم. شب در مجلس ماندم. به رادیو تلویزیون گوش دادم. گزارشها را مطالعه کردم، با کمی تب

۱ - ساعت ۸ صبح روز یکشنبه بیستم دیماه ۱۳۶۰، حجت الاسلام سید محمد خامنه‌ای نماینده مردم مشهد در مجلس شورای اسلامی (برادر آیت الله خامنه‌ای) در تهران، خیابان سهروردی تقاطع استاد مطهری مورد سوء قصد عده‌ای تروریست قرار گرفت. در جریان این حمله دو تن از پاسداران حجت الاسلام خامنه‌ای به شهادت رسیدند و خود ایشان از ناحیه دست مجروح گردید. به دنبال شهادت دو پاسدار همراه حجت الاسلام خامنه‌ای، وی از اتومبیل پیاده و به سوی مهاجمین آتش می‌گشاید که مهاجمین از محل مزبور، با اتومبیلی که از قبل تهیه کرده بودند، متواری می‌شوند.

و درد گلو، زود خوابیدم.

ساعت یازده از خواب بیدارم کردند. نامه‌ای فوری و سری از نیروی هوایی رسیده بود، ولی مطلب مهمی نداشت. احمد آقا تلفن کرد و گفت دادگاه انقلاب ارتش، آقای صادق طباطبائی را به خاطر اشکالات خریدهای ایشان، احضار کرده، می‌خواست که در رسیدگی حق و عدل در نظر باشد. با آقای ری شهری تماس گرفتم، گفت، دهقان معاون لجستیکی، مطالبی گفته که باید از ایشان بازجویی شود.

حاج سید احمد آقا، در مورد اجازه کتبی از طرف امام، در خصوص مصرف چهار میلیون دلار توسط یک ثروتمند شیعه سوری - که اجازه مصرف خواسته بود تردید دارد و می‌گوید، اجازه لفظی کافی است.

دوشنبه ۲۱ دی

۱۵ ربیع‌الاول - ۱۱ زلویه

کسالتم ادامه داشت. در عین حال، در جلسه علنی شرکت کردم و در مورد سوء قصد به جان آقای محمد خامنه‌ای، قبل از دستور صحبت کردم.^۱ گفتم، منافقین به روزگار مافیا، سیا، سازمانهای اشترن و ارگون صهیونیستی افتاده‌اند و چهره‌های محبوب را می‌زنند و از ملت انتقام می‌گیرند که از آنها رویگردان است. چند لایحه تصویب شد. شور دوم لایحه مطبوعات مطرح شد. بعد از تنفس، مجلس را به آقای موسوی خوشبینها واگذار کردم.

گروهی از شخصیت‌های علمی، اجتماعی، انقلابی و اسلامی که به مناسبت هفته وحدت،

۱ - آقای هاشمی رفسنجانی در نطق پیش از دستور در این باره اظهار داشت: گروهی، سعی در نابود کردن چهره‌های شناخته شده و محبوب ملت ایران نموده‌اند. حرکات این قبیل گروه‌ها، مانند حرکات سازمانهای مافیا و سیا و سازمان جاسوس انگلستان و صهیونیستی موساد است. اینها هر جا می‌بینند که چهره‌های موثری در مملکت برای احیای انقلاب اسلامی ایران سرگرم تلاش و کوشش هستند، می‌خواهند این چهره‌ها را از میان بردارند. کار منافقین در ایران به اینجا رسیده که تنها کارشان از میان برداشتن چهره‌های مردمی در مملکت است. آقای محمد خامنه‌ای نزدیک به ۴۰ سال از عمرش را صرف تحصیل و تبلیغ و گفتن حق بسر بردند و آینده عمرشان هم در همین راه خواهد بود، نزدیک به یک میلیون نفر از اهالی مشهد به ایشان رای دادند و این اقدام غیر انسانی آنها را سخت عیبانی کرد. مجاهدین به اصطلاح خلاق به دلیل اینکه مردم آنها را از میان خود طرد کردند، از مردم انتقام می‌گیرند و عقده‌ای در آنها ایجاد شده و با این عقده دست به ترور شخصیت‌ها زده‌اند. کتاب «هاشمی رفسنجانی، نطقهای پیش از دستور - سال ۱۳۶۰ - دفتر نشر معارف انقلاب - ۱۳۷۷».

مهمان ما بودند، به مجلس آمده بودند و در دفترم با آنان ملاقات و مذاکره کردم. بعد از ظهر جلسه هیأت رئیسه داشتیم. برنامه هفته آینده تصویب شد و درباره قانون جدید کارکنان مجلس، بودجه مجلس، منزل نمایندگان و کارهای اداری دیگر تصمیم گرفتیم. عصر مقداری مطالعه گزارشها و انجام کارهای اداری داشتم.

چون قرار شد، نطقهای پیش از دستور نمایندگان شهید مجلس را - که ۳۳ نفرند به خانواده آنها بدهیم، پیام کوتاهی ضبط کردم که قبل از نوار نطق آنان ضبط شود. انجمن اسلامی فارغ التحصیلان فلیپین آمدند و حرفهایی درباره دانشجویان آنجا و مورو داشتند.

سفیر ایران در سوئد، آقای گواهی آمد و از ایذاهای ضدانقلاب و حکام سوئد و مشکلات سفارت در آنجا گفت، نمیخواهد برگردد. آقای اصغر صباغیان آمد. در افغانستان با مجاهدان افغانی ملاقات کرده بود، از استقامت و روحیههای اسلامی آنان و انزوای حکومت کودتای افغانی و روسها گفت. شب به منزل آمدم. از منزل امام گوشت آورده بودند. آخر شب، سرهنگ صیادشیرازی تلفن کرد و گفت در کردستان به پایش تیر خورده و سطحی زخمی شده است.

سه شنبه ۲۲ دی

۱۶ ربیع الاول - ۱۲ ذی قعدة

در خانه ماندم. یکی از کلاسورهای فیشهای "کلید قرآن" را فاطمی از حزب آورده که روی آن کار کنم. کار بزرگی است که قسمت اساسی آن را در زندان انجام داده‌ام. مراحل بعدی را فرصت نمی‌کنم. گروهی از حزب، روی آن کار می‌کنند، ولی نیاز به مدیریت مستقیم خودم دارد، که متأسفانه فرصت نیست. آقای (محسن) دعاگو کمک می‌کنند، ولی کافی نیست. از دفترم در مجلس، اطلاع دادند که در دشت عباس، نیروهای ما پیشروی داشته‌اند. هنوز تأیید نشده. مقداری درباره نظام اقتصادی اسلام، از دفترچه یادداشت‌های منبرهای قبل از پیروزی، برای خطبه‌های آینده نماز جمعه مطالعه کردم.

قرار بود، شب در جلسه مسئولان امور امنیتی، در دفتر ریاست جمهوری شرکت کنم که نرفتم و حاج احمد آقا، تلفنی سؤال کرد، عذرم را گفتم. شب بیشتر به برنامه تلویزیون گوش

دادم. اکثر برنامه‌ها را مراسم هفته وحدت اشغال کرده. فیلم "محمدرسول الله" را برای بار دوم نمایش دادند. صاحب فیلم آقای محمد زاده که امتیاز فارسیش را گرفته، اعتراض دارد و می‌گوید، موجب خسارت او می‌شود؛ ولی امام فتوی می‌دهند که این امتیازات، حق انحصاری نمی‌آورد.

مسعود فرح بخش، خلبان هواپیماهای سپاه آمده بود و از محیط غیرانقلابی خلبانهای آنجا می‌گفت و از لزوم ادغام آن در شرکت آسمان.

چهارشنبه ۲۳ دی

۱۷ ربیع‌الاول - ۱۳ رتبه

با قرار قبلی، همراه هیأت دولت و رئیس جمهور، به زیارت امام رقتیم. آقای خامنه‌ای مقداری دیر آمدند. قبل از رسیدن ایشان، در دفتر امام، تذکراتی به وزرا و در رابطه با مسئولیت‌هایشان داده شد. ساعت نه صبح خدمت امام رسیدیم. مهدی و یاسر هم بودند. آقای بهزاد نبوی هم فرزندش را همراه داشت. به محض شروع برنامه، بچه زد زیر گریه و او ناچار از اتاق بیرون رفت. در محضر امام، جلسه با صفایی برپا شد. آقای خامنه‌ای به امام تبریک گفتند و تقاضای نصیحت کردند. امام هم مقداری صحبت پند آمیز فرمودند!

به خانه برگشتم. اخوی محمد و بعضی از اعضای شورای سرپرستی رادیو تلویزیون و احمد آقا به منزل ما آمدند. اخوی محمد گفت، امام تأکید دارند که موسیقی از برنامه صداوسیما کم بشود. امام سرودها را منع نکرده‌اند و چیزی غیر از سرود هم نداریم. قرار شد، سؤال شود. شب، در منزل آقای موسوی اردبیلی جلسه مشاوره داشتیم. محافظان من هم نبودند، با احمد آقا رفتم. بحث بیشتر در مورد مسائل اقتصادی بود. نخست وزیر می‌گفت، در آینده، ناچار به ریاضت هستیم و کمبود داریم. باید به مردم اعتماد بدیم که بروند سراغ توسعه و سرمایه‌ها را از تجارت به تولید منتقل کنند.

۱- امام در این دیدار فرمودند: مبارک آن روزی است که بتوانیم خودمان را بسازیم و به دنبال آن کشور را. (صحیفه نور - جلد شانزدهم - انتشارات سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی).

آقای محسن رضائی هم آمد. مطالبی درباره طرح عملیاتی آینده جنگ گفت. به نظر می‌رسد، تأخیر داریم. تا آماده شدن همه شرایط، ما باید مدتی صبر کنیم. شب در همان منزل آقای موسوی اردبیلی خوابیدم.

پنجشنبه ۲۴ دی

۱۸ ربیع‌الاول - ۱۲ زانویه

امروز خبر مهمی، در جنگ و غیر جنگ نداشتیم. حمله کوچک ناموفقی داشته‌ایم. صبحانه را به دعوت پاسدارهای آقای موسوی اردبیلی، در اتاق پاسدارها با حلیم، مهمان آنها بودیم. سپس با آقای موسوی اردبیلی، درباره وضع کشور و لزوم به کارگیری نیروهای متفرقه و جذب آنها، صحبت کردیم و هم درباره وضع قوه قضائیه.

امام، همه مسئولان را با مسئولان قضائی دعوت کرده بودند، برای مطلب مهمی. همراه آقای موسوی اردبیلی به بیت امام آمدیم. رئیس جمهور، نخست‌وزیر، اعضای شورای عالی قضائی، دادستان کل انقلاب، لاجوردی، بازرسی کل کشور، فهیم و احمدآقا هم بودند. از امام راجع به گرفتن زیان دیر کرد پرداخته پرسیدم. بحث ناتمام ماند.

امام، مسأله شایعه اخبار مربوط به شکنجه زندانیان را مطرح کردند. آقای فهیم و اعضای بازرسی مواردی را ذکر کردند. امام از آقای اسدالله لاجوردی توضیح خواستند. ایشان گفت: تعزیر می‌کنیم و تعزیر با اجازه حکام شرع است. و توضیح داده شد به خاطر وسعت عمل تروریستی و شلوغی زندانها و عدم امکانات کافی، بروز چنان وضعی اجتناب ناپذیر بوده، ولی دیگر از این به بعد، قابل اجتناب است. قرار شد دیگر مراعات شود. آقایان شیرازی و مروی از بازرسی کل کشورگله داشتند. ظهر به مجلس آمدم و کارهای اداری را انجام دادم. بعد از نماز، استراحت و اخبار، گروهی از انجمنهای اسلامی دانش آموزان همدان آمدند، برای آنها صحبت کردم! آنها هم صحبت کردند. آقای طاهری خرم آبادی آمد و راجع به سپاه و انجمن حجتیه مطالبی داشت.



هاشمی رفسنجانی موسوی اردبیلی

جمعه ۲۵ دی

۱۹ ربیع الاول - ۱۵ ذقویه

پس از نماز، ورزش و صبحانه، مشغول مطالعه شدم و تا ظهر در مجلس، یکسره مطالعه کردم. پیامی برای سمینار جهاد و پیامی برای سمینار انجمن امامیه پاکستان فرستادم که مرا دعوت به شرکت کرده بودند.^۱ گزارشات بازرسی کل کشور را در چند مورد خواندم که کارهای خلاف قانون بعضی نهادها و ارگانهای قضائی و اجرائی را نوشته بودند.

گزارش بانک مرکزی، درباره اقتصاد کشور را خواندم، در اقتصاد، حرکت ضعیفی آغاز شده، ولی در اثر جنگ و محاصره اقتصادی، کمبودها و عقب افتادگیها فراوان است. ساعت چهار بعد از ظهر به منزل آمدم. یاسر اصرار داشت زودتر به خانه بیایم و در انجام تکالیف مدرسه به او و مهدی کمک کنم. به آنها کمک کردم.

احمد آقا آمد و خبر داد که امام، ده میلیون تومان از پول سهم امام، به حزب جمهوری اسلامی کمک کرده اند. دو سه روز پیش هم، طلب پنج میلیون و دویست و پنجاه هزار تومانی که از حزب داشتند، بخشیدند. این دو خبر، برای حزب، جالب و مفید است. شب، مقداری هم با دکتر حمید لاهوتی صحبت کردم. سه روز خاطرات را که عقب افتاده بود، نوشتم.

شنبه ۲۶ دی

۲۰ ربیع الاول - ۱۶ ذقویه

به مجلس رفتم. صبحانه را در مجلس خوردم. پیش از ظهر و بعد از ظهر، گزارشها را مطالعه کردم و کارهای اداری را انجام دادم. قرار بود رئیس جمهور به مجلس بیایند که لغو شد، به علت اینکه نخست وزیر برای بودجه می آید، گفتم از دستور هفته حذف شود. عصر مصاحبه ای با مجله آینده سازان ارگان انجمنهای اسلامی و مجله سروش کردم.^۲

سپس، در دفتر آقای خامنه ای در شورای عالی دفاع شرکت کردم. اختلافات ستاد مشترک با نیروها و مخصوصاً نیروی زمینی مطرح بود. آقای ظهیر نژاد، معترض است که نیروها گزارش

۱ - کتاب هائشمی رفسنجانی - پیامهای سال ۱۳۶۰.

۲ - کتاب هائشمی رفسنجانی - مصاحبه های سال ۱۳۶۰.

درست به ستاد نمی دهند و حقوق اختیارات محوله از طرف امام به او را، مراعات نمی کنند و آنها دفاع کردند و چیزی ثابت نشد و آنها هم اعتراضاتی داشتند.

وزیر خارجه گزارش داد که انگلستان، اظهار تمایل به انجام قراردادهايش را دارد و می خواهد سفارتش را فعال کند و حاضر شده کشتی خارک را که خریده شده و تحویل نمی داده، تحویل دهد. از فرمانده نیروی دریائی، درباره ضعف عملکرد، سؤال شد و او دفاع کرد و برنامه ای برای دفاع از جزایر خلیج فارس، مطرح گردید. تا ساعت یازده شب، جلسه ادامه داشت و من پس از جلسه، مصاحبه کردم. سخنگوی شورای عالی هستم.

آقای خامنه ای، به خاطر درد دستشان زودتر جلسه را ترک کردند. اخیراً خانم دکتر لی پزشک طب سوزنی کره ای، دارد با سوزن، دست ایشان را معالجه می کند و مدعی است، پس از ده روز دستشان خوب می شود. اگر موفق شود، جالب است. به خاطر نگرانی از وضع جسمی ایشان، به هر وسیله متوسل می شویم. ساعت یازده و نیم با آقای خامنه ای، شام سوپ خوردیم، مقداری مذاکره کردیم و سپس، ساعت دوازده شب برای خواب به مجلس رفتیم. در جلسه شورای عالی دفاع، معلوم شد تلفات ما در شیاکوه کم بوده است.

یکشنبه ۲۷ دی

۲۱ ربیع الاول - ۱۷ ژانویه

آقای بهزاد نبوی، متن ادعا نامه ای علیه آمریکا، در مورد خساراتی که ایران از ناحیه کودتای ۲۸ مرداد، متحمل شده، فرستاد که مطالعه کنم و اگر خوب باشد، امضاء نمایم و به هلند بفرستم که در دعاوی علیه آمریکا، در رابطه با بیانیه الجزایر مطرح شود. خواندم، بد نبود. دادم به دکتر [عباس] شیبانی، امضاء کرد و فرستاد.

جلسه علنی داشتیم. آقایان [احمد] غضنفرپور، [احمد] سلامتیان و [محمد] مهدی [کرمی] به



سخنگوی شورای عالی دفاع

خاطر غیبت زیاد، مستعنی شناخته شدند^۱. دو سه نفر از [محمد مهدی] اکر می دفاع کردند. مؤثر نشد و آقای اعلیٰ اکبر [معین فر و دکتر] بدالله [سحابی] از غضنفر پور دفاع کردند، ولی بی اثر. آقای اعلیٰ گلزاده [غفوری] خواسته بود که یک هفته مهلت بدهیم که دادیم. سپس طرح مطبوعات، شور دوم، مطرح شد. پیشرفتی نداشتیم. طرح خوبی تهیه نشده، خیلی ها مایلند مسکوت بمانند. پیش و بعد از جلسه در حال تنفس، نمایندگان مراجعاتی داشتند.

ظهر آقای [محمد هادی] عبدخدائی، رهبر بخشی از فدائیان اسلام آمد و پیشنهاد داشت که فدائیان در اختیار حزب جمهوری اسلامی یا من فرار گیرند. گروههای دیگرشان هم، چنین تقاضائی کرده اند. این گروهها احساس بی حرکتی و بی سامانی می کنند.

ساعت پنج، در جلسه شورای مرکزی حزب در دفتر آقای خامنه ای شرکت کردم. خبر ده میلیون تومان کمک از طرف امام به حزب و بخشیدن پنج میلیون و دویست و پنجاه هزار تومان طلب گذشته امام را دادم، خوشحال شدند. آقای دکتر ولایتی گزارش سفر سوریه را داد و بحث درباره پیگیری و کنترل حزب، برافراد حزبی شاغل در دولت را داشتیم و تصمیماتی اتخاذ شد.

بعد از جلسه با آقای خامنه ای، درباره سفر آقای صادق طباطبائی به خارج، برای حل مسأله تانکها و تعقیب بیمه، بحث کردیم. قرار شد موافقت کنیم. درس مواضع آقای بهشتی از تلویزیون را دیدم.

دوشنبه ۲۸ دی

۲۲ ربیع الاول - ۱۸ ژانویه

صبح، بعد از نوشتن چند روز خاطرات عقب مانده، به مجلس رفتم. کمیسیون آئین نامه داشتیم. کار آئین نامه تمام شد. بعد از نماز ظهر و ناهار، استراحت کردم. گزارشها را خواندم.

۱. این نمایندگان مشرف ماده ۱۶۶ آئین نامه داخلی مجلس مستعنی شناخته شدند. در آئین نامه آمده است: نماینده ای که پیش از یکصد ساعت متوالی در دویست و پنجاه ساعت غیر متوالی از اوقات رسمی جلسات مجلس و کمیسیون را بدون عذر موجه در یکسال غیبت نماید، بدون حق استرداد در مهلت پانزده روز مستعنی شناخته خواهد شد. ضمناً این افراد به ترتیب نمائنده لبنان، اسفهان و دشت آزادگان بودند.

اخبار را گرفتم. کارهای اداری مجلس را انجام دادم.
 دکتر مصلحی، فرزند آقای آیت‌الله اراکی آمد. ایشان در بیمارستان قلب‌بستری هستند و
 راجع به مشکلات کار، در پیاده کردن بیانیه الجزایر گفت. مدعی بود که احتمالاً دست مرموزی
 نمی‌گذارد کارها پیش برود و کار شکنی می‌شود. چند نمونه گفت که خیلی دلالت نداشت.
 ایشان را به آقای بهزاد نبوی معرفی کردم که به حرفهایش رسیدگی کنند. حقوقدان است. مدتی
 هم برای اجرای بیانیه به لاهه رفته است. شب در مجلس ماندم و مقداری به تلویزیون نگریستم.
 افشاگری گروهکها بود و خبر کشف مرکز انتشارات و چاپ گروه رنجبران (مسلح کمونیست).

سه شنبه ۲۹ دی

۲۲ ربیع‌الاول - ۱۹ ژانویه

جلسه علنی داشتیم. ادامه بحث در لایحه مطبوعات که سرانجام به خاطر نواقصش،
 مسکوت ماند. ساعت ده و نیم، جلسه مشترک هیأت رئیسه و رؤسای شعب، برای تعیین
 کمیسیون نمایندگان جدید تشکیل شد. ظهر در دفترم به مراجعات فراوان نمایندگان پاسخ
 دادم. چند ملاقات داشتم.

فرمانده دانشکده افسری، سرهنگ حاتمی آمد و از کارشکنی انجمن حجیه و سیاسی
 ایدئولوژیک شکایت داشت. چند مصاحبه با مجلات مختلف داشتم.

بعد از نماز مغرب به دفتر آقای خامنه‌ای رفتم، جلسه مشاورت هفتگی سران، آقایان
 نخست وزیر، رئیس دیوان عالی کشور، عباس واعظ‌اطبسی هم بودند. مسائل کلی کشور،
 منجمله حل مشکل ازدواج و پاک کردن محیط اخلاقی جامعه مطرح شد. موضوع متعه^۱ به
 عنوان راه، مورد بحث قرار گرفت و اینکه چرا از این راه که اسلام دارد و در دنیا منحصر به فرد
 است، استفاده نشود. زمینه روانی آن آماده نیست. باید آماده کرد. بحثهایی درباره اقدامات

۱. متعه، نوع خاصی از عقد نکاح است که در آن زن برای مدت معینی در مقابل مهر معین به زوجیت مردی در می‌آید.
 برای مطالعه در مورد نظرات فقهی امام خمینی (ره) درباره متعه (ازدواج موقت) به کتاب تحریر الوسیله، جلد سوم، صفحه ۵۱۵،
 دفتر انتشارات اسلامی - ۱۳۶۸ مراجعه نماید.

اقتصادی داشتیم. شام راهمان جا خوردیم و من در همان جا خوابیدم. و مقداری با آقای [عباس واعظ] طبسی صحبت کردیم. قرار شد مشکل سبزوار را با آقایان [علی اصغر باغانی و حسین اهراتی] نمایندگان شهر در رابطه با اختلاف آنها و آقای علوی با فرماندار و رئیس آموزش پرورش حل کنند. ایشان اطلاع داد که زمینی در مشهد در اختیار حزب گذاشته‌اند و سینمایی هم کنار آن زمین خراب شده، که من با تخریب سینما مخالف بودم، ولی کار گذشته است.

چهارشنبه ۳۰ دی

۲۲ ربیع‌الاول - ۲۰ ژانویه

صبح زود، در دفتر آقای خامنه‌ای با آقای [عباس واعظ] طبسی مذاکرات را ادامه دادیم. راجع به راه افتادن دانشگاهی که ایشان در مشهد، برای علوم دینی ساخته‌اند و سرعت عمل در ساختن و تکمیل فلکه اطراف صحن مطهر و خیلی چیزهای دیگر. خانم دکتر لی از اهالی کره جنوبی - که پزشک طب سوزنی است برای معالجه آقای خامنه‌ای آمد. برای معالجه دست ایشان، از روش طب سوزنی استفاده می‌کند. منظره سوزن گذاردن را تماشا کردم. تقریباً سی سوزن در دستها و پاها و کتف‌های ایشان فرو کرد و مدت هشت دقیقه به همان حال گذاشت. مدعی است که ظرف ده روز درد می‌خوابد و ظرف نه ماه خوب می‌شود. آقای خامنه‌ای می‌گویند، در این پنج روز که کار کرده، درد تخفیف یافته.

ساعت هشت، به مجلس رفتم. جلسه علنی داشتیم. تفسیر قانون بود، چندسئوال از وزارت بهداشتی را جواب دادیم. قسمت آخر اداره جلسه را به عهده آقای موسوی خوئینی‌ها گذاشتم و به دفتر رفتم. ظهر به مراجعات پاسخ دادم و گزارشها را خواندم. پس از استراحت عصر، دو مصاحبه خیلی مفصل با کیهان و اطلاعات داشتم^۱. یک ساعت و ربع با کیهان و دو ساعت و نیم با اطلاعات. مصاحبه گر اطلاعات آقای جلال رفیع هم زندان دوره طاغوت بود و جلسه گرمی داشتیم.

۱ - کتاب هاشمی رفسنجانی - مصاحبه‌های سال ۱۳۶۰.



مصاحبه‌گر | روزنامه اطلاعات، آقای جلال رفیع هم زندان دوره طاغوت بود...

شب، به دفتر آقای خامنه‌ای رفتم. ستاد انقلاب فرهنگی و نخست وزیر و وزرا بودند. راجع به ادغام وزارت بهداشت و دانشکده‌های پزشکی، به منظور تربیت بیشتر پزشک، بحث بود و طرح آنها تصویب شد. قرار شد دولت به مجلس بفرستند.

سپس جلسه‌ای با مسئولان سپاه برای بحث در حدود وظایف مسئولیتها و اختیارات سپاه داشتیم. آنها اطلاعات کار فرهنگی و بسیج را می‌خواهند. ساعت دوازده شب، کارها تمام شد. شام تخم مرغ خوردیم و من برای خواب به مجلس رفتم. اخبار ساعت دوازده شب را گرفتم.



بہمن ۱۳۶۰



پنجشنبه ۱ بهمن

۲۵ ربیع الاول - ۲۱ زتویه

صبح زود به مطالعه تفسیر برای جلسه درس مواضع حزب، درباره نبوت، پرداختم. سپس به جلسه علنی رفتم. ادامه بحث در لایحه دیوان محاسبات بود. بخشی از آن تصویب شد. باقیمانده به جلسه بعد افتاد.

آقای اسماعیل معزی نماینده ملایر که پسرش جزو منافقان بوده و [اعدام شده، تعرضاً از مجلس استعفا داده بود. دیروز در هیأت رئیسه، قرار شد استعفاى ایشان را مطرح کنیم. ممکن است با کمک به نجات پسر دیگرش که از منافقان است و در درگیری مجروح شده و در بیمارستان است، ایشان را در مجلس نگه داریم. امروز استعفایشان را خواندم؛ تا پانزده روز دیگر، وقت پس گرفتن را دارد.

ظهر، در دفترم به مطالعه تفسیر و بحثهای نبوت پرداختم. عصر، درس مواضع را گفتم^۱. قبل از مغرب، اعضای حزب جمهوری از جهاد همدان آمده بودند، با آنها ملاقات کردم و برایشان صحبت نمودم^۲.

اول شب، برای شرکت در سمینار فرماندهان سپاه پاسداران به ایادگان^۳ خلیج رفتم. برایشان یک ساعت صحبت کردم؛ آخر صحبت، مصیبت خواندم^۴. جلسه با حالی بود. بچه‌های خوبی هستند؛ و نیروی عظیمی.

شب به خانه آمدم. اخوی زاده محمد آمد و کار داشت. سپس آقای حسین مرعشی مسئول جهاد کرمان آمد. مطالبی درباره ضعفهای حزب داشت و تذکراتی درباره عملکرد حزب [جمهوری اسلامی، شاخه] کرمان داد. تقاضای فعال کردن آن را داشت.

جمعه ۲ بهمن

۲۶ ربیع الاول - ۲۲ زتویه

برای نماز جمعه به دانشگاه رفتم. خطبه‌های نماز، درباره عدالت اجتماعی و اعتراض به

۱ - کتاب هاشمی رفسنجانی - درس مواضع حزب جمهوری اسلامی ۱۳۶۰.

۲ و ۳ - کتاب هاشمی رفسنجانی - سخنرانیهای ۱۳۶۰.

اعمال حق و توی آمریکا در مورد پیشنهاد مجازات اسرائیل، به خاطر انضمام غیر قانونی بلندیهای جولان به اسرائیل بود^۱. قبل از نماز وزیر کار و سید محمد فضل الله از علمای لبنان صحبت کردند و پیام دانشجویان دانشکده افسری پلیس، خوانده شد.

بعد از ظهر هم مطالعه و استراحت و استماع اخبار و پیاده روی در حیاط منزل داشتم. اول شب احمد آقا آمد و درباره اینکه خواهرش در قم، کلاسهای تعلیم بیسوادان تشکیل داده، و اکنون مورد تعرض حزب اللهها قرار دارد، چاره جویی داشت.

مشورت کرد، در مصاحبه‌ای بگوید که نهضت آزادی در تصمیم رفتن امام از عراق به پاریس نقشی نداشته است^۲. اخیراً آنها گفته‌اند که ما کمک کرده‌ایم و جریان رفتن امام را گفت که فقط خود احمد آقا و امام در این خصوص تصمیم گیرنده بوده‌اند و حتی فرانسه هم اطلاع نداشته و غافلگیر شده است^۳.

چکی به مبلغ هفت هزار و پانصد تومان، بابت اجاره خانه فاطمی برای سه ماه دادم؛ سعید هنوز شغلی و درآمدی ندارد.

شنبه ۳ بهمن

۲۷ ربیع الاول - ۲۲ زلویه

پس از نماز و صبحانه، مقداری مطالعه کردم. امام، مبلغ ده میلیون تومان به حزب جمهوری اسلامی داده بودند، تحویل گرفتم و همراه خودم به مجلس بردم و آقای ساداتیان آنها را به حساب بانکی حزب ریخت. پیش از ظهر در مجلس کارهای اداری را انجام دادم و گزارشها را خواندم. پس از نماز ظهر، چند مراجعه داشتم و بعد از استراحت، مصاحبه‌ای با مجله جهاد

۱ - کتاب هاشمی رفسنجانی - خطبه‌های جمعه - جلد اول - ۱۳۶۰.

۲ - امام خمینی در وصیت نامه سیاسی الهی خود ضمن اشاره به این ادعای نهضت آزادی ایران، نوشته‌اند: از قرار مذکور بعضیها ادعا کرده‌اند که رفتن من به پاریس به وسیله آنان بوده، این دروغ است. من پس از بازگرداندنم از کویت با مشورت احمد پاریس را انتخاب نمودم زیرا در کشورهای اسلامی احتمال راه ندادن بود. آنان تحت نفوذ شاه بودند ولی پاریس این احتمال نبود. (متن کامل وصیتنامه سیاسی الهی امام خمینی «قدس سره» صفحه ۹۵).

دانشگاهی^۱.

سپس ملاقاتی [داشتم] با مسئولان جهاد سازندگی که در خاتمه سمینار به مجلس آمده بودند؛ آنها نگران آینده جهاد بودند، من به آنها اطمینان دادم. بعد از نماز مغرب، شورای عالی دفاع تشکیل شد. در جبهه‌ها تحرک نداشتیم. برای عملیات مهمی آماده می‌شوند. اخبار می‌گویند، عراق برای صلح دست و پامی‌زند. سازمان ملل خواسته میانجیگری کند. ما بر همان حرفها و شرایط سابق هستیم. خروج عراق، محاکمه متجاوز و پرداخت غرائم جنگ؛ اینها سیاست امام است.

در مورد رفتن خانواده اسرای ایرانی به عراق و آمدن خانواده‌های اسرای عراقی به ایران، موافقت شد و قرار شد، اعلان کنیم. راجع به خرید توپ ضد هوایی اورلیکن از سوئیس و خریدهای دیگر هم بحث شد. در پایان با رادیو تلویزیون مصاحبه کردم^۲. سپس برای استراحت و تماشای تلویزیون به دفترم رفتم. شام را خوردم و همان جا خوابیدم و با تلفن کارهایی انجام دادم.

یکشنبه ۴ بهمن

۲۸ ربیع‌الاول - ۲۴ ذی‌حجه

پس از نماز، مشغول مطالعه شدم. به جلسه علنی رفتم. نخست وزیر، لایحه بودجه را تقدیم کردند و سخنرانی در توضیح برنامه‌ها داشتند. من پیش از دستوره حمایت پلیس فرانسه از منافقان در حمله به مراسم نماز جمعه دانشجویان اسلامی در پاریس - در جمعه گذشته - حمله کردم و راجع به وتوی آمریکا در خصوص تشکیل مجمع عمومی سازمان ملل صحبت کردم^۱. آقای اعلی‌الگلزاده غفوری که بنا بود برای دفاع از غیبت خود بیاید، نیامد و مستعفی شناخته شد. نامه‌ای و نواری فرستاده که قابل طرح در مجلس نبود.

۱ و ۲ - کتاب هاشمی رفسنجانی - مصاحبه‌های سال ۱۳۶۰.

۲ - کتاب هاشمی رفسنجانی - نطقهای پیش از دستور ۱۳۶۰.



تقدیم لایحه بودجه توسط نخست وزیر

لایحه دیوان عدالت اداری^۱ اصلاح شد و مقداری از طرح دیوان محاسبات پیش رفت. ظهر در دفترم با چند نفر ملاقات داشتم.

مهندس امهدی چمران آمد و راجع به بی توجهی سپاه به او گفت. علمای ساری برای شکایت از یکی از مسئولان اجرایی آمدند. بعد از ظهر نتوانستم در شورای مرکزی حزب شرکت کنم. آقای صیاد شیرازی آمد و از برنامه جنگ گفت. عازم جبهه است؛ به خاطر زخم گلوله با عصا راه می رود. آقای اعلی اکبرناطق نوری اوزیر کشور آمد. درباره استانداران، شهربانی، ژاندارمری و انتخابات و تقسیمات کشوری مشورت کرد.

شب در جلسه رسیدگی به وضع زندانیان شرکت کردم. سران کشور و شورای عالی قضائی بودند. برای بهتر کردن وضع زندانها و بازجوییها، تصمیمات مهمی اتخاذ شد؛ و ایجاد اردوی کار برای قاچاقچیان مواد مخدر. دیر وقت به خانه آمدم و ساعت دوازده خوابیدم.

دوشنبه ۵ بهمن

۲۹ ربیع الاول - ۲۵ ذیحجه

صبح به مجلس رفتم. فاطمی هم که می خواست به حزب برود، با من آمد. جزوه ای درباره بحرین داشتم، به او دادم؛ حزب از آنها خواسته که درباره آن، مطلب جمع کنند. گزارشها را خواندم و کارهای اداری را انجام دادم.

آقای دکتر عبدالله جاسبی رئیس سازمان امور اداری و استخدامی کشور آمد و درباره طرح جدید اداری توضیحاتی داد. کارهایی کرده اند که کم کم دارد به نتیجه می رسد. درباره قانونی که اخیراً کمیسیون استخدامی مجلس، درباره کارکنان مجلس گذرانده و امتیازاتی به کارکنان سطح پائین داده، بحث کردیم؛ با کراهت موافقت کرد. ایرادشان این است که یک باره، هزینه های جاری را بالا می برد و در سطح کشور قابل اجرا نیست و قبول دارند که روزی باید به

۱. طبق اصل ۷۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی، می باید به منظور رسیدگی به شکایات، نظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مأمورین یا واحدها و یا آئین نامه های دولتی و احقاق حقوق آنها، دیوانی به نام دیوان عدالت اداری زیر نظر شورای عالی قضائی تأسیس می گردید. مجلس شورای اسلامی به منظور اجرای قانون اساسی و احقاق حقوق حقه مردم در تاریخ ۴ بهمن ۱۳۶۰ قانون تشکیل دیوان عدالت اداری را از تصویب گذراند.

اینجا برسیم.

بعد از ظهر، از طرف اداره سیاسی دادستانی انقلاب آمدند و مصاحبه‌ای برای مجله جدید الاحداث خود کردند^۱. اول شب با رئیس جمهور، شورای نگهبان، شورای عالی قضائی و نخست وزیر در دفتر من قرار داشتیم؛ به علت بی اطلاعی شورای نگهبان از وقت، جلسه تشکیل نشد.

ولی آقای اعلی اکبر ولایتی وزیر خارجه، امیرحسین موسوی نخست وزیر و آقای خامنه‌ای آمدند. راجع به سفر وزیر خارجه به سازمان ملل موافقت کردیم، برای حمایت از سوریه راهنمائیهای شد. شام را نخست وزیر و رئیس دیوان عالی کشور در مجلس خوردند. برای اولین بار شام خوبی درست کرده بودند.

خبر رسید که در کردستان یک ستون نظامی ما، در کمین ضد انقلاب افتاده و ۳۳ خودروی نظامی منهدم شده و ۱۴ نفر شهید و جمعی مجروح و اسیر شده‌اند و مقداری مهمات منهدم شده و مقداری را برده‌اند.

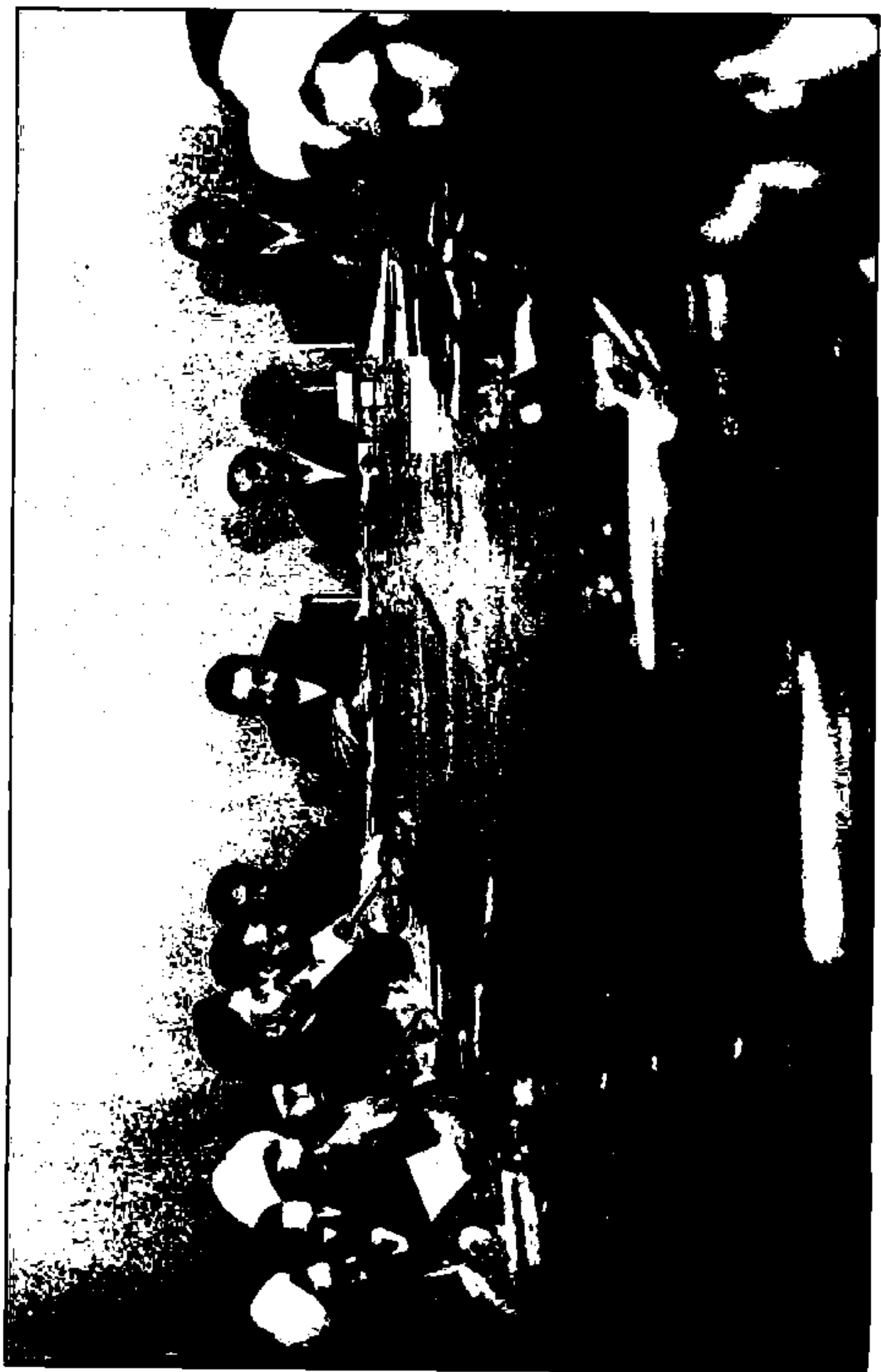
سه شنبه ۶ بهمن

۳۰ ربیع الاول - ۲۶ ذی‌حجه

بعد از نماز، مقداری ورزش و مطالعه کردم. ساعت هشت و نیم، جلسه علنی شروع شد. بحث در طرح دیوان محاسبات بود. تمام نشد. ظهر گروهی از افراد سپاه بندر عباس آمدند و از فرمانده سپاه منطقه شکایت داشتند که به نفع مجاهدین انقلاب، نیروهای خط امامی دیگر را تصنیف می‌کند.

عصر برای پاسخگویی وزرا به سئوالات نمایندگان جلسه داشتیم. آقای محمد یزدی اداره کردند. به خاطر کثرت سئوالات، قرار شده عصرهای سه شنبه جلسه باشد تا عقب افتادگی جبران شود؛ البته بعضی از نمایندگان اعتراض دارند و این را بی اعتنائی به سئوالات می‌دانند، ولی چاره‌ای نیست. اگر غیر از این عمل شود، وقت زیادی را می‌گیرد و کارها بیشتر عقب

۱ - کتاب هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۰.



نمائی از جلسه مشترک نمایندگان مجلس و وزراء

می ماند.

صبح زود خبر رسید که ضدانقلاب در شهر آمل از نیمه شب دیشب، به قصد تصرف شهر، حمله وسیعی در چند نقطه شهر آغاز کرده؛ تا عصر قضیه را تعقیب کردیم، بالاخره با کمک مردم، سرکوب شدند. ۳۲ نفر از مردم و مأموران شهید، بیش از ۱۵۰ نفر مجروح، ۳۰ نفر از ضد انقلاب کشته و ۳۰ نفر بازداشت شده‌اند و بقیه فرار کردند. گویا یک صد و پنجاه نفر بوده‌اند. در آستانه سالگرد انقلاب، خواسته‌اند با این انتحار احمقانه، اظهار وجود کنند.

جمعی از مسئولان ستاد نماز جمعه آمدند و درباره نماز و خطبه‌ها مطالبی داشتند. شب جلسه‌ای که قرار بود دیشب تشکیل شود، در دفترم تشکیل شد. شورای نگهبان در چهار مورد با مسئولان دیگر سه قوه مطالبی داشت: ۱- ترس از چپ گرایی ۲- افراط دادگاههای انقلاب ۳- زیادی روابط با شوروی، لیبی، سوریه و احتمال مخدوش شدن سیاست نه شرقی. ۴- انتخابات خبرگان؛ جواب داده شد و از آنها به خاطر جلوگیری از تصویب لوایح مهم، مثل طرح اراضی شهری^۱ انتقاد شد. شام را مهمان ما بودند. بعد از شام آقای ری شهری درباره ضدانقلاب راست‌گرا مطالبی گفت؛ جالب بود.

۱- یکی از اقدامات بسیار مهم مجلس شورای اسلامی در جهت تأمین مصالح عمومی کشور در بعد اجتماعی - اقتصادی و حل مشکل مکن برای مستضعفان جامعه و جلوگیری از بورس بازی زمین که به صورت کالایی در دست دلالت و واسطه‌ها در آمده بود تدوین و تنظیم طرح قانون اراضی شهری می‌باشد که در تاریخ ۲۷ اسفند ۱۳۶۰ از تصویب مجلس گذشت. در قسمتی از این قانون آمده است: برای نیل به اهداف مذکور در اصول ۳۱، ۴۳، ۴۵ و ۴۷ قانون اساسی که تأمین نیازهای عموم به مکن و تأسیسات عمومی شهری را وظیفه دولت قرار داده و به منظور جلوگیری از بورس بازی زمین به صورت کالا و حرکت در جهت مصالح کلی اقتصادی کشور که سوق سرمایه‌ها به بخشهای تولیدی ریزبانی (کشاورزی و صنعتی) می‌باشد، با استفاده از احازه مورخ ۶۰/۷/۱۹ حضرت امام مدظله‌العالی که در آن، مجلس شورای اسلامی را صاحب صلاحیت برای تشخیص موارد ضرورت و فساد و اختلال نظام اجتماعی و قانونگذاری لازم در این موارد دانسته‌اند، اجرای مواد این قانون موقتاً برای مدت ۵ سال در سراسر کشور ضروری تشخیص داده می‌شود.

ماده ۵ این قانون به این شرح است:

«کلیه زمینهای موات شهری در اختیار دولت جمهوری اسلامی است و اسناد و مدارک مالکیت گذشته ارزش قانونی ندارد مگر آنکه از تاریخ ۵۷/۱۱/۲۲ توسط دولت واگذار شده باشد.

چهارشنبه ۷ بهمن

۱ ربیع الاخر - ۲۷ ذی قعدة

پیش از ظهر، گزارشها را مطالعه کردم. گزارشی بود که وزارت بازرگانی در معاملات خارجی کم کاری دارد. با توجه به نیازهای زمان جنگ با وزارت بازرگانی و بانک مرکزی تماس گرفتم که کارشان را تسریع کنند.

استولان شرکت مکاپ، که پیمانکار ۶ هزار واحد ساختمانی برای وزارت دفاع بوده و کارش بعد از انقلاب تعطیل شده، تقاضای اجازه اتمام کار می خواستند که آنها را به وزارت دفاع فرستادم.

هیأت نظامی کره شمالی که از ایران دیدن می کند، به ملاقات آمدند و همان حرفهای همیشگی درباره خطر آمریکا و پیشرفت کره و تعریف انقلاب ایران و لزوم همکاری ردوبدل شد.

آقای ناظم زاده قاضی شرع دادگاه صنفی آمد و از بازرسی کل کشورگله داشت و می گفت سرعت انقلابی ندارد؛ و این وضع مقداری هم به خاطر بی نظمیها در نهادهای انقلابی است که بازرسی باید رسیدگی کند.

آقای دکتر محمد تقی بانکی و دکتر مشایخی از سازمان برنامه و بودجه آمدند و درباره طرح برنامه ریزی از پائین توضیحاتی دادند. اقدام مهم و زیربنایی جالبی است. یکی از نواقص مهم کشور، فقدان برنامه و آمار است. از آقای عبدالله انوری گله داشتند.

عصر هیأت رئیسه جلسه داشت. برای برنامه هفته آینده و اجرای قانون جدید استخدامی کارکنان مجلس و مطالب اداری دیگر، منجمله اخراج کارمندی که به سفارت لیبی اطلاعات می داده، تصمیماتی گرفتیم.

اول شب آقا رضا مرعشی آمد، برای دکتر فریده طباطبائی که اخیراً به اتهام همکاری با چریکهای فدائی اقلیت بازداشت شده، کمک می خواست.

شب در مجلس ماندم. صیاد شیرازی از جبهه تلفن کرد و جریان بوکان را گفت.

پنجشنبه ۸ بهمن

۲ ربیع الاخر - ۲۸ آبان

پس از نماز، برای درس مواضع دربارهٔ "عصمت انبیاء" مطالعه کردم. جلسه علنی داشتیم؛ ا کلیات | طرح دیوان محاسبات تصویب شد^۱. لایحهٔ نظام پزشکی تقدیم مجلس گردید. طرح نظام بانکی بدون ربا، به کمیسیون ویژه احاله شده و قرار داد شیلات با کره شمالی در خصوص تحویل شصت هزار تن ماهی تصویب شد.

ظهر در دفتر کارم ملاقاتی نپذیرفتم و مطالعه کردم. عصر درس مواضع را در نبوت و عصمت انبیاء^۲ دادم^۳. تا شب گزارشها را خواندم، منجمه جزوه‌ای از وزارت خارجه، در خصوص وضعیت سه جزیرهٔ ابوموسی و دو تنب و سابقه تاریخی و ادعاهای شیخ نشینها.

پس از استماع اخبار که خبر مهمی نداشت، به خانه آمدم. در پائین شهر، باران می‌بارید و در شمال، برف. بچه‌ها در خانه نبودند. پاسداران آنها را آوردند. شام آنها مهمان بودند و من شام شیر خوردم. فیلمی از جبههٔ هویزه و سوسنگرد در تلویزیون می‌دادند، تماشا کردم؛ خیلی با حال بود. حالات جالب اسلامی نیروهای پاسدار را نشان می‌داد.

حمید مرعشی شکایت از سخت‌گیریهای مسئولان دربارهٔ دانشگاه آزاد^۴ [ایران] داشت که متهم به کمونیستی هستند. این دانشگاه قبل از انقلاب تأسیس شده و جمعی از نیروهای چپ در این حضور داشته‌اند. آخر شب مقداری مطالعه کردم، برای خطبه‌های فردا. چون تلفن اصلی خانه، به خاطر دیر کرد پرداخت پول، قطع شده، مراجعه تلفنی نداشتیم.

۱. طبق اصل ۵۴ قانون اساسی، مجلس شورای اسلامی موظف است دیوان محاسبات کشور را که مستقیماً تحت نظر مجلس اداره خواهد شد، ایجاد نماید. دیوان محاسبات به کلیه مسائل وزارتخانه‌ها، مؤسسات و شرکتهای دولتی و سایر دستگاههایی که به نحوی از انحاء از بودجه کل کشور استفاده می‌کنند، به ترتیبی که قانون مقرر می‌دارد، رسیدگی و حسابرسی می‌نماید تا اینکه هیچ هزینه‌ای از اعتبارات مصوب تجاوز نکرده و هر وجهی در محل خود به مصرف رسیده باشد. دیوان محاسبات، حسابها، اسناد و مدارک مربوطه را برابر قانون جمع‌آوری و گزارش تفریح بودجه هر سال را به انضمام نظرات خود به مجلس شورای اسلامی تسلیم می‌نماید. ۲. کتاب "هاشمی رفسنجانی - درس مواضع حزب جمهوری اسلامی ۱۳۶۰".

۳. دانشگاه آزاد ایران پس از پیروزی انقلاب منحل شد و کلیه دانشگاههای غیر دولتی از جمله مدرسه عالی رازرگانی، مدرسه عالی ترجمه، مدرسه عالی ارتباطات و غیره در مجموعه "مجمع علوم انسانی" ادغام گردید و زیر نظر وزارت فرهنگ و آموزش عالی قرار گرفت. این مجمع بعدها به "دانشگاه علامه طباطبائی" تغییر نام داد و اکنون بزرگترین دانشگاه علوم انسانی کشور محسوب می‌گردد.

جمعه ۹ بهمن

۳ ربیع الاخر - ۲۹ ژانویه

پس از نماز، مشغول کار شدم. دیشب برف سنگینی آمده و زمین و درختها و دیوارها پوشیده از برف است. منظره جماران بسیار جالب و زیبا است. چهارروز عقب ماندگی خاطرات را نوشتم. مقداری برای خطبه‌های نماز جمعه مطالعه نمودم. ساعت یازده صبح به دانشگاه رفتم. پس از اقامه نماز جمعه^۱ به منزل برگشتم. آقای اسدالله لاجوردی دادستان انقلاب تهران، سخنران قبل از نماز بود.

عصر آقای فتیهی کاشانی همسایه منزل قبلی آمد و کسی همراه او بود و مدعی گنجی و دینه‌ای در کاشان. ایشان را به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی کردم. چندی پیش نماینده زابل هم چنین ادعایی داشت که به وزارت معرفی شده و هنوز به نتیجه‌ای نرسیده. نقطه جالب این است که در جمهوری اسلامی، این کار را به ظاهر برای انجام وظیفه دینی می‌کنند. خانمی گردن‌بند گرانمایی به نماز جمعه فرستاده بود که خرج جنگ زده‌ها بشود و نوشته بود، دعا کنید که شوهر من از بی تفاوتی به در آید. آن را توسط استاد نماز جمعه به بانک مرکزی فرستادم.

خانواده آقا کمال طباطبائی آمدند و برای نجات فریده کمک می‌خواستند. قبلاً آقای طباطبائی به ملاقات امام رفته بودند. امام از پیش ایشان را می‌شناختند. نوه آیت‌الله سید محمد کاظم یزدی صاحب عروة الوثقی هستند و امام ایشان را پیش من فرستاده‌اند، برای رسیدگی^۲.

شنبه ۱۰ بهمن

۴ ربیع الاخر - ۳۰ ژانویه

صبح در خانه مطالعه کردم. آمار بانک مرکزی را درباره وضع ارزی کشور مطالعه کردم. وضع ارزی خوب نیست. نفت کم صادر می‌شود. صادرات دیگر هم کم شده، از همین ناحیه

۱ - کتاب هاشمی رفسنجانی - خطبه‌های جمعه - جلد اول -

۲ - آیت‌الله العظمی سید محمد کاظم طباطبائی پدر بزرگ بانو عفت مرعشی همسر آقای هاشمی رفسنجانی، از فقهای پرآوازه شیعه محسوب می‌گردد که اثر فقهی او با نام «عروة الوثقی» جایگاه معتبری در همه حوزه‌ها از جمله نجف و قم دارد. آقای کمال طباطبائی دایی بانو عفت مرعشی هستند.

تهدید می شویم.

در مجلس به قرائت گزارشها و انجام ملاقاتها پرداختم و با تلفن در رفع مشکلات اقداماتی کردم. بعد از ظهر چند ملاقات داشتم. شب جلسه شورای عالی دفاع بود. آقای [محسن] رضائی گزارش حادثه آمل را داد. یک صد نفر از اتحادیه کمونیستها به شیر حمله کرده اند. پایگاهشان در جنگل است و تقریباً تارومار شده اند. تیمسار ظهیرنژاد حادثه راه بوکان را گفت که ضد انقلاب پنجاه و شش اتومبیل و چهارده نظامی و مقداری اسلحه و مهمات را در یک کمین نابود کرده و یا برده اند. گویا فرمانده ستون مسامحه کرده و در ساعت ممنوعه در راه ناامن حرکت کرده؛ و تصمیماتی در شورا اتخاذ شد. من مصاحبه کردم^۱.

شب را در مجلس خوابیدم. نامه ای از آقای [احمد] غضنفرپور [نماینده مردم لنجان] از زندان رسید که توبه کرده، گذشته خودش و همراهانش را محکوم کرده، اعتراف به گناه نموده و نواری پر کرده به زبان فرانسه در همین مضمون که برای بین المجالس بفرستیم. بین المجالس درباره سرنوشت او، خطیبی و قاسمی توضیح خواسته.

یکشنبه ۱۱ بهمن

۵ ربیع الاخر - ۲۱ ذی قعدة

بعد از نماز صبح مطالعه کردم. به جلسه علنی رفتم. دستورات مهمی نداشتیم. تا نزدیک ظهر تمام شد. پیش از دستور، درباره اعلان شاه اردن در خصوص تشکیل نیروی داوطلب برای حمایت از عراق به فرماندهی خودش، صحبت کردم و نشان ضعف و انهدام جبهه دشمن به حساب آوردم^۲.

در جلسه کمیسیون دفاع شرکت کردم. اساسنامه سپاه مطرح بود و درباره اختیارات و وظایف سپاه با من مشورت نمودند، بر سر اینکه اطلاعات باید داشته باشند یا خیر؟ و اینکه چگونه با دولت و مجلس مربوط شوند و اینکه کار فرهنگی هم می خواهند، یا فقط نهاد نظامی اند و اینکه واحد نهضت‌های آزادیبخش، آیا باید در اختیار سپاه باشد یا خیر و ... بحث و

۱. کتاب هاشمی رفسنجانی - معاذبه های ۱۳۶۰ . ۲. کتاب هاشمی رفسنجانی - سلفهای پیش از دستور ۱۳۶۰ .

اختلاف نظر است. ظهر در دفترم پس از اقامه نماز، چند ملاقات داشتم. پس از استراحت، به مقرر ریاست جمهوری رفتم و شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی داشتیم. آقای عبدالله جاسبی گزارشهایی درباره اقداماتش و موفقیت‌هایش در سازمان امور اداری و استخدامی داد. اخوی محمد گزارشی از عملکردش در رادیو تلویزیون؛ و هر دو راضی بودند. آقای خامنه‌ای به خاطر درد دست در جلسه شرکت نداشتند. شب به منزل آمدم. آقای امحسن رضائی از اهواز تلفن کرد. خبر مهمی نداریم.

دوشنبه ۱۲ بهمن

۶ ربیع‌الآخر - ۱ محرمه

به مجلس رفتم. گزارشها را خواندم. ملاقاتهایی داشتم. عصر، گروهی از کارگران عضو انجمنهای اسلامی کارخانجات گیلان آمدند و از آرامش محیط کار و رفع مزاحمت گروههای چپ گفتند. خواهان تعویض بعضی از مدیران غیرمکتبی بودند. دو تابلو هدیه آورده بودند که به مجلس دادم.

گروهی از فضلاء حوزه علمیه قم آمدند و از بی نظمی حوزه شکایت داشتند. می‌گفتند هیأت مدیره منصوب از طرف امام و آقای گلپایگانی کاری از پیش نبرده‌اند. خواستار هیأت مدیره‌ای بودند که انتخاب طلاب در آن دخالت داشته باشد. از من خواستند که موافقت امام را جلب نمایم.

ظهر آقای محمد اغرضی آمد و نگران فروش نرفتن نفت است. در این ماه معدل فروش، روزانه ۳۰۰ هزار بشکه است. ماه گذشته معدل، یک میلیون و دویست هزار بشکه بوده است. علت، ارزان فروختن کشورهای دیگر و توطئه غربیهاست. می‌خواهند با فشار اقتصادی ما را تضعیف کنند و در جنگ مشکل ایجاد کنند.

سه شنبه ۱۳ بهمن

۷ ربیع‌الآخر - ۲ محرمه

پس از نماز به مطالعه پرداختم. در جلسه علنی سالروز ورود امام را تبریک گفتم. چند لایحه

از تصویب گذشت. بعد از تنفس اداره جلسه را به عهده آقای موسوی خوئینی ها گذاشتم و در دفتر کارم به کارهای اداری پرداختم. عصر دومصاحبه تلویزیونی در حدود دو ساعت ونیم درباره جنگ و امور اقتصادی و فرهنگی و... داشتم.

در جلسه ای در دفتر آقای موسوی اردبیلی با حضور شورای عالی قضائی، نخست وزیر، رئیس جمهور و احمد آقا شرکت کردم. درباره اجرای دستور امام در خصوص مراعات حال زندانیان، گزارشهای مختلف در چند مورد، اظهارات آقای لاجوردی در نماز جمعه در خصوص لیبرالیسم مذهبی و در رابطه با بازرسی کل کشور و... رسیدگی شد. شب آنجا مهمان بودیم. من در طبقه دوم که بناست، منزل نخست وزیر شود و موقتاً می توانیم استناده کنیم، خوابیدم. در جبهه ها و سیاست، تحول مهمی نداشتیم. وزیر خارجه در سازمان ملل است، برای رسیدگی به تقاضای تنبیه اسرائیل در مورد الحاق بلندیهای جولان به اسرائیل در پارلمانشان.

چهارشنبه ۱۴ بهمن

۸ ربیع الاخر - ۳ فوریه

پس از نماز، مشغول مطالعه شدم. جزوه ای از وزارت خارجه درباره تاریخچه جزیره ابوموسی و دو تنب و ادعاهای شارجه در رأس الخیمه و انگلیسیها و ادله ایران را مطالعه کردم. حق با ایران است. به مجلس رفتم.

آقای [علی محمد] بشارتی آمد. مذاکراتش را با آیت الله [العظمی] گلپایگانی، گله های ایشان، اعتراضاتی که به دولت و مجلس دارند و تندی بعضی از اطرافیان ایشان را نقل کرد. درباره خریدن خانه های اطراف مجلس گزارش داد.

در کمیسیون امور داخله برای کمک در مورد طرح اطلاعات شرکت کردم. پیشنهاد وزارت مستقل امنیت و انتظامات را دادم، مورد استقبال قرار گرفت. هم می تواند مشکل سپاه را حل کند و هم مشکل اطلاعات؛ هم رابطه با مجلس و دولت را.

ظهر ائمه جمعه استان مازندران که دوازده روز از جبهه دیدار کرده بودند، آمدند و گزارشی دادند. سپس ائمه جمعه خوزستان خواسته هایی داشتند. عصر کارهای اداری را انجام دادم و

ملاقاتهایی داشتم. به نخست وزیری رفتم. آقایان شیرازی و مروی آمدند و از رئیس بازرسی کل کشور شکایت داشتند. بازرسی، پیگیر اجرای قانون است و نهادهای انقلابی از این جهت مشکل دارند و لذا این گونه مراعات زیاد است. آقای نظران آمد و از شورای عالی دفاع می‌گفت. همان جا خوابیدم. خوب نخوابیدم و صبح خسته و کوفته بودم.

پنجشنبه ۱۵ بهمن

۹ ربیع‌الآخر - ۲ فوریه

با خستگی به مجلس آمدم. صبحانه را قبلاً با آقای موسوی اردبیلی، مهمان پاسدارن بودیم. بعد از شروع جلسه، مجلس را به آقای موسوی خوئینی‌ها سپردم و به دفترم آمدم. مقداری برای درس کلاس مواضع مطالعه کردم، ویژگیهای انبیاء؛ کمی تب داشتم. مسکن خوردم و خوابیدم.

آقای اسماعیل معزی نماینده ملایر که استعفا داده بود، امروز استعفایش را پس گرفت، ولی تردید است که مهلت دارد یا خیر. چون دو هفته پیش داده و پانزده روز بیشتر مهلت ندارد. ظهر گروهی از نیروی هوایی آمدند و درباره نواقص بیانیه الجزایر و اشتباهات عملکرد آنها حرفهایی داشتند؛ منجمله اینکه ادعاهای دولت ایران بر اتباع آمریکا که بیشتر قرارداد ما چنین بوده است، در بیانیه نیست و اینکه حدود ششصد قرار داد نیروی هوایی و ارتش که با شرکتهای آمریکائی بوده و اکنون معلق است، به مشکل برخورد کرده است، و چون طرف ایران، معتقد است روح بیانیه اینها را هم در برمی‌گیرد، آنها را در دیوان لاهه ثبت کرده و از طرفی، چون ادعاها در لاهه ثبت شده و این ثبت، ممکن است در نهایت قبول هم نشود، مانع از این است که به مراجع دیگر منجمله داوری که در خود قراردادها آمده، ارجاع شود و ممکن است شامل مرور زمان بشود.

آقای کاشانی هم از طرف آقای بهزاد نبوی آمد و جوابهایی داد که تا حدی قانع کننده بود. گفت همین تعقیب، قاطع مرور زمان است و از طرفی ایران در تلاش است که اینها را هم در مفاد بیانیه بقبولاند.

عصر کلاس درس مواضع حزب داشتم. "ویژگی انبیاء، اعجاز و وحی و..." را گفتم^۱. از جنوب دو نفر آمدند و از ضعف سپاه و مسئولان بندرعباس و لزوم توجه بیشتر به آنجا گفتند و حوادثی از قبیل سوختن بیست تن کاغذ در چند روز اخیر را شاهد آوردند. شب در جلسه شورای اقتصاد شرکت کردم. مسأله عدم فروش نفت و لزوم ریاضت و برنامه جدید مطرح بود. گویا امکان فروش با کمی تخفیف هست و نهایتاً^۲ هم ممکن است. شب جلسه عقد اخوی زاده بود، نتوانستم شرکت کنم. به خانه آمدم، برف می بارید.

جمعه ۱۶ بهمن

۱۰ ربیع الاخر - ۵ فوریه

بعد از نماز، مقداری مطالعه کردم. احمد آقا آمد؛ درباره گنجاندن عضو زندانیان در بیانیه ۲۲ بهمن امام مشورت داشت. ناهار خانواده آقای حسین مرعشی مهمان ما بودند. مقداری از نشریه آمار که اخیراً سازمان برنامه بودجه فرستاده، مطالعه کردم. بعد از ظهر، عقد ازدواج پاسداری را داشتم.

آقای احمد صدرا حاج سید جوادی و خانم تولیت آمدند و برای رفع توقیف اموال شرکت طاهر چاره جویی می کردند. دادگاه انقلاب قم، به اتهام کمک به منافقین از این شرکت و هم به خاطر ماندن مبلغ هنگفتی پول آقای ابوالفضل تولیت در انگلستان، (به ادعای خانم تولیت، نزدیک چهار میلیون پوند و به ادعای دیگران در حدود سیصد میلیون تومان)، شرکت را توقیف کرده است.

احمد آقا آمد و برای تکمیل مشورت صبح، مشورت کردیم. امام اگر بخواهد اعلان عضو کنند، باید از طرف دیوان عالی کشور پیشنهاد شود؛ طبق ماده ۱۱۰ قانون اساسی. امروز نماز جمعه را به عهده آقای محمد یزدی نایب رئیس مجلس شورای اسلامی گذاشتم.

۱ - کتاب هاشمی رفسنجانی - درس مواضع حزب جمهوری اسلامی ۱۳۶۰.

۲ - تهاتر (به فتح تـای اول و ضم تـای دوم): پایاپای. در اصطلاح اقتصادی عمل دو دولت که طلبها و وامها را به یکدیگر دارند، برابر و پایه پاکند و پول نقدی به هم ندهند و دادوستد جنسی و معاوضه جنس با جنس بین دو کشور به صورت برابر که پولی به یکدیگر ندهند.

شنبه ۱۷ بهمن

۱۱ ربیع الاخر - ۶ فوریه

پیش از ظهر به مجلس رفتم. کارهای اداری را انجام دادم. بعد از ظهر با آقای کفتارو مفتی سوریه و همراهان که به مناسبت سالگرد انقلاب به ایران آمده‌اند، ملاقات داشتم. پیشنهاد می‌کرد: مجلس مشورتی از علمای اسلامی در ایران تشکیل شود، تعبیر صدور انقلاب، به دعوت به نشر معارف تغییر یابد، اعلان حذف عناوین فرقه‌ای از همه مذاهب اسلامی بشود و وحدت اسلامی.

شب شورای عالی دفاع داشتیم. راجع به تنبیه مسئولان نابودی گردان نظامی در راه بوکان، پوشش دفاع هوایی خارک، ماهشهر و آبادان، ساخت قطعات حساس هواپیما، مسافرت خانواده‌های اسرا به ایران و عراق و برنامه آینده جنگ بحث کردیم و تصمیماتی اتخاذ شد. مصاحبه کردم^۱ و اخبار را گفتم. چون سخنگوی شورای عالی دفاع هستم، معمولاً بعد از هر جلسه مصاحبه‌ای انجام می‌دهم. شب در مجلس خوابیدم. خبر مهمی در جبهه‌ها و ضدانقلاب نداشتیم.

یکشنبه ۱۸ بهمن

۱۲ ربیع الاخر - ۷ فوریه

جلسه علنی داشتیم. چندین لایحه از تصویب گذشت. جمعی از مهمانان سالگرد انقلاب به مجلس آمده بودند. به آنها خیر مقدم گفتم و درباره اهمیت مجلس صحبت کردم. عصر در شورای مرکزی حزب جمهوری شرکت کردم. آقای دکتر اعلی اکبر اولایتی گزارش سفر خود به سازمان ملل، آلمان و یوگسلاوی را داد. آقای زورق گزارش خدمات مدیریت جدید در صداوسیما و مشکلات کار را داد. سپس در جلسه‌ای با حضور آقایان محسن رضائی، رئیس جمهور و موسوی اردبیلی، وضع جبهه‌ها را بررسی کردیم. شب به خانه آمدم.

دوشنبه ۱۹ بهمن

۱۳ ربیع الاخر - ۸ فوریه

نمایندگان مجلس با امام ملاقات داشتیم. روز نیروی هوایی بود. نیروی هوایی هم ملاقات داشتند، با اشتباه احمد آقا وقت ملاقات تداخل کرده بود. به زحمت افتادیم، بالاخره حل شد. اول نمایندگان ملاقات کردند، با محافظان؛ من و امام صحبت کردیم. سپس امام به استراحت رفتند.

خبر رسید که یکی از خانه‌های کادر مرکزی مجاهدین فتح شده^۱ و موسی خیابانی، همسرش، همسر رجوی و عده‌ای دیگر کشته و دستگیر شده‌اند. مسئول اطلاعات سپاه به امام گزارش داد که موسی زنده بازداشت شده.

با آقای خامنه‌ای و احمد آقا در خدمت امام، چند عکس و فیلم یادگیری گرفتیم. نیروی هوایی آمدند. فرمانده نیرو، آقای خامنه‌ای و امام صحبت کردند. ظهر به خانه آمدم. عصر احمد آقا آمد راجع به ضعف اقتصادی و فروش نفت نگران بود، حق دارد. آقای غرضی تلفن کرد و گفت وضع بهتر است، آقای موسوی نخست وزیر تلفن کرد و گزارش جلسه‌ای را در همین موضوع داد.

شب، آقایان محسن رضائی و محسن رفیق دوست آمدند. گزارش عملکرد، در رابطه با کادر مرکزی منافقین دادند. در سه خانه ۲۳ نفر از آنها کشته و چند نفر دستگیر شده‌اند. برخلاف خبر سابق، معلوم شد موسی خیابانی جزو کشته شدگان است.

سه شنبه ۲۰ بهمن

۱۴ ربیع الاخر - ۹ فوریه

صبح زود به مجلس رفتیم. جلسه علنی داشتیم؛ چند لایحه تصویب شد. یک ساعت زودتر، بدون تنفس ختم کردیم. ظهر جلسه هیأت رئیسه تشکیل دادیم. برنامه هفته آینده را تعیین

۱- این خانه نیمی که در رعفرانیه واقع در شمال تهران قرار داشت در ساعت ۶/۵ صبح پس از یک ساعت درگیری مسلحانه فتح شد. در این درگیری ۱۱ نفر از اعضای سازمان مجاهدین خلق از جمله موسی خیابانی مرد شماره ۲ سازمان مجاهدین خلق، آذر رمضانی همسر موسی و اشرف ربیعی همسر مسعود رجوی رهبر مجاهدین کشته شدند و پسر خردسال مسعود رجوی نیز در این حادثه زنده ماند و تحویل پاسداران شد.



کردیم؛ چیزی نداشتیم که در برنامه بگذاریم. سئوالات نمایندگان، وقت را خواهد گرفت. بعد از ظهر، بیشتر به مطالعه گزارشها پرداختم. اول شب در جلسه شورای اقتصاد در نخست وزیری شرکت کردم. بحث بر سر کمبود ارز به خاطر فروش نرفتن نفت بود. قرار گذاشتند در فروش سخت گیری نشود، حداقل تا روزی یک میلیون ونیم بشکه.

می خواستند راجع به برنامه ریاضت در صورت نرسیدن ارز بحث کنند و چیزی تهیه کرده بودند، که نوبت نرسید. من تأکید داشتم که باید با تلاش برای فروش و تهاتر و گرفتن وام، ارز تهیه کنیم و فشار بیشتر به مردم وارد نیاید.

بحثی از فروش سکه های طلای بهار آزادی کردیم. تصمیم گرفته اند، دویست و پنجاه هزار سکه که تقریباً دو تن طلا می شود، بفروشند، گفتند: طلا زیاد داریم پول را از دست مردم بیرون می آوریم و مشکلات ریالی هم حل می شود و نرخ طلا هم تعدیل می شود؛ فشار زیاد مردم برای خرید، مانع کار است. شب در مجلس خوابیدم.

چهارشنبه ۲۱ بهمن

۱۵ ربیع الاخر - ۱۰ فوریه

پس از نماز مطالعه کردم و کارهای عقب مانده را انجام دادم. پیش از ظهر چند ملاقات داشتم. امام جمعه بندرانزلی آمد و از وضع بد ژاندارمری گفت و پیشنهاداتی داشت، در رابطه با حفظ امنیت طوالتش که خطر آشوب دارد.

آقای اسید محمد اکیاوش از خرابی وضع سفارت ما در آلمان غربی گفت و دوسه نفر دانشجو هم از اتحادیه انجمنهای اسلامی اروپا آمدند و از خرابی وضع سفارت آلمان گفتند. آنها را به آقای دکتر ولایتی معرفی کردم.

بعد از ظهر سفیر فلسطین و نماینده عرفات - آقای خطاب - آمدند و از تیرگی روابط ما با الفتح نگران بودند و چاره جویی می کردند. گفتند موضع واقعی ما در رابطه با طرح سعودی، مثل ایران است. از ملاقات هانی الحسن با بنی صدر و رجوی عذرخواهی داشتند و ملاقات را کاری خصوصی معرفی کردند، نه رسمی؛ و گفتند او رفته که آنها را از ترور امام که آن روزها محتمل

بوده، منع کند. می خواستند ما با شیوخ خلیج فارس مدارا کنیم و در بهتر کردن روابط ما با آنها، عرفات واسطه باشد؛ پذیرفتم. از صلح با عراق صحبت کردند. گفتم موضع، همان موضع سابق است و شرایط همان.

سپس منیر شفیق با جمعی از لبنانیها آمدند و از استحکام انقلاب و حضور مردم و مواضع ایران ابراز رضایت کردند. بعد از نماز، برای ملاقات با مهمانهای سالگرد انقلاب به هتل استقلال رفتم. ولی چون از ملاقات رئیس جمهور دیربرگشتند، برنامه را فسخ کردم. آنجا با ستاد انقلاب فرهنگی که به ملاقات مهمانها آمده بودند، در رابطه با گشایش دانشگاهها و پذیرفتن دانشجویان و استادان بحثها داشتیم. جوانان انقلابی می خواهند، اساتید وابسته به گروههای چپ را اخراج کنند.

پنجشنبه ۲۲ بهمن

۱۶ ربیع الاخر - ۱۱ فوریه

امروز تمام وقت در خانه ماندم. مطالعه کردم. وزیر دفاع پیش از ظهر آمد و از موفقیتهای گروه فنی، در راه انداختن کارخانههای مهم و ساختن قطعات و تولید مهمات توپهای ۱۳۰ و ۱۵۵ و خمپارههای ۶۰ و ۸۱ و باطری و تعمیر موشک فونیکس^۱ گفت و توقع داشت تشویق کنم. پذیرفتم.

بعد از ظهر، دکتر ولایتی وزیر خارجه آمد و از اینکه واحد نهضتیا و مجلات عربی و خارجی و برنامه برون مرزی، گاهی با اصول سیاست خارجی تناقض پیدا می کند و برنامهها را به هم می زند، گله داشت. بنا شد فکری برای این مشکل بشود. به نظر می رسد، راه حل این است که اینها نظر وزرات خارجه را مراعات کنند و از تمایل بعضی از شیوخ عرب، به گرمی روابطشان با ما مطالبی گفت. قرار شد، تعقیب کنم. به ایشان گفتم از اظهار تمایل آنها نسبت به پرداخت

۱ - این موشک دارای سیستم کنترل ویژه آتش است و مخصص هواپیمای شکاری - بمب افکن اف - ۱۴ ساخته شده است. برد این موشک ۲۰۶ کیلومتر بوده و ساخت مجتمع هوا - فضائی هیوز آمریکا است. سایر مشخصات آن عبارتند از: طول ۳۹۶ سانتی متر، عرض ۹۱/۴ سانتی متر، قطر ۳۸ سانتی متر، وزن ۴۴۳ کیلوگرم، مواد منفجره ۶۰ کیلوگرم، سرعت ۵ برابر صوت.

بعضی از خسارات جنگ، استقبال شود. چون خیلی خیلی نیاز داریم، بناست یکشنبه به الجزایر برود. قرار شد، فردا در دفتر رئیس جمهور درباره برنامه سفرش صحبت کنیم. احمد آقا تلفن کرد و گفت سپاه امروز بناست، علیه منافقین عملیاتی داشته باشد و خبر حمله عراق به تنگه جزایر، و شکست او و کشته شدن جمعی زیادی از عراقیها و شهادت حدود دویست نفر از ما را داد. اعلان شد که ضربه کاری بر پیکر کادر مرکزی سازمان پیکار وارد آمده است.

جمعه ۲۳ بهمن

۱۷ ربیع الاخر - ۱۲ فوریه

پس از نماز صبح، مقداری پیاده روی در حیاط کردم و قدری مطالعه. ساعت ده صبح در دفتر آقای رئیس جمهوری، جلسه ای با حضور نخست وزیر و وزیر خارجه داشتم. دکتر ولایتی در آستانه مسافرت به الجزایر و لیبی، مایل بود، درباره سیاست مذاکرات مشورت نماید. تصمیماتی در کیفیت برخورد، راجع به مسائل جنگ و نفت گرفتیم. قرار شد اگر بتواند وامی از لیبی بگیرد.

ساعت یازده ونیم، برای اقامه نماز جمعه به دانشگاه رفتم. راجع به دست آوردهای انقلاب و اعلان اردن در خصوص اعزام داوطلب به حمایت عراق، صحبت کردم. عصر در منزل بودم. مطالعه می کردم و استراحت. فاطمی در منزل جدیدش، دوستان خود را به شام دعوت کرده بود، حدود شصت نفر. عفت سرگرم تهیه شام و وسایل پذیرایی بود.

اول شب، احمد آقا آمد و راجع به حوزه علمی قم و روحانیت و جامعه مدرسین و رهبری بعد از امام، تذکرات مفیدی داد. افرادی را اسم برد و گفت، اینها اگر بتوانند، مانع رهبری آقای [حسینعلی] منتظری می شوند. در مورد مدیریت ارتش هم توصیه های خوبی داشت. شام را با من صرف کرد.

آقای [محسن] رضائی از اهواز تلفن کرد و پیشنهاد کرد، من سری به جبهه ها بزنم. حادثه

مهمی نداشتیم. عراق در جنوب نisan حمله‌ای کرده که سرکوب شده. مرکزیت پیکار کشف و عده‌ای از رهبران گروهک محارب دستگیر شده‌اند.

شنبه ۲۴ بهمن

۱۸ ربیع‌الآخر - ۱۳ فوریه

تا نزدیک ظهر در خانه ماندم و درباره‌ی جامعه و تاریخ مطالعه کردم. به مجلس رفتم. گروهی از دانش آموزان انجمنهای اسلامی کردستان آمدند. با آنها ملاقات کردم و تشویقشان نمودم. عصر هم ملاقات با انجمنهای اسلامی کارخانجات و ادارات خراسان و امام جماعت‌های سازمانها داشتم. حدود چهار صد نفر بودند. درباره‌ی وظایف و نقش انجمنها با آنها صحبت کردم و آنها قطعنامه‌ای خواندند.

آقای شرعی، آقای زند و آقای منیرالدین حسینی آمدند و از کمی بودجه شکایت داشتند. با مهندس موسوی صحبت کردم. قرار شد تأمین شود. هیأت نظامی لیبی با وزیر دفاع و دیگران آمدند. پیشنهاد ادامه جنگ تا سقوط صدام و اقدامی برای جلوگیری از حکومت عربستان برای صدور زیاد نفت داشتند.

شب شورای عالی دفاع در وزارت خارجه منعقد شد. در جبهه جزابه و نisan دشمن حمله کرده و تلفات تحمل کرده و ما هم تلفات داده‌ایم، ولی موفقیتی ندارد. درباره‌ی آمدن و رفتن بستگان اسرای ایران یا عراق، مسافرت آقای دکتر ولایتی، دفاع هوایی آبادان و آمدن کسانی که تقاضای میانجیگری کرده‌اند، مثل رومانی و سری لانکا و... بحث کردیم. قرار شد، من به جبهه‌های جنوب بروم؛ برای دیدن پیشرفت طرح عملیات جنوب و تقویت روحیه رزمندگان و بررسی نیازهای جبهه از نزدیک. شب در مجلس شام خوردم و خوابیدم.

یکشنبه ۲۵ بهمن

۱۹ ربیع‌الآخر - ۱۴ فوریه

بعد از نماز تا ساعت هشت صبح مطالعه کردم و گزارشها را خواندم. جلسه‌ی علنی تشکیل شد، اصلاحاتی در بودجه و سئوالاتی از وزرا. شهادت رحمت‌الله علیپور، روحانی مبارز اهل سنت

را به علمای اهل سنت تسلیم گفتم. در دفترم تا ساعت دو بعد از ظهر، مراجعاتی از نمایندگان داشتم.

از بچه‌های دانشجویی که در حزب کار می‌کنند، به خاطر باز شدن دانشگاه این سوال پیش آمده بود که در حزب خدمت کنند یا به دانشگاه بروند. گفتم حتی الامکان جمع بین دو وظیفه کنند. آقای (اسماعیل معزی با آقای (علیرضا یارمحمدی نزاعشان شده بود. شکایت نمود. در حضور من به آقای یارمحمدی اهانت کرد و حجت خود را باطل کرد که از اهانت یارمحمدی شکایت داشت.

وزیر راه به دفترم آمد. گزارش داد که ظرفیت تخلیه بنادر را بالا برده و کشتی‌های خلیج در بنادر معطل نمی‌شوند. معتقد بود اگر برنامه ریزی درست بشود، در بنادر کمبود نداریم. مشکل موجود در کمبود کامیون‌ها برای حمل بارهاست.

عصر در شورای مرکزی حزب شرکت کردم. گزارش کار، مشکلات حزب و حوزه‌ها را گفتند و بحث‌های دیگری هم داشتیم. اخبار را در راه خانه، از برنامه دوم تلویزیون شنیدم. تازه مهمی نداشتیم.

دوشنبه ۲۶ بهمن

۲۰ ربیع‌الآخر - ۱۵ فوریه

بعد از نماز، مشغول نوشتن خاطرات عقب افتاده شدم. مقداری هم مطالعه کردم. صبح به مجلس رفتم. در کمیسیون اصل ۹۰ شرکت کردم. گزارش کارشان را دادند. خواستار عرضه شدن کارشان از طریق صداوسیما با تریبون مجلس بودند. با هر دو موافقت کردم. قانون اساسی می‌گوید، باید نتیجه اقدامات اصل ۹۰ در مجلس مطرح شود. ساعت دوازده آقای (علی اکبر ناطق نوری وزیر کشور آمدند. راجع به فرمانده ژاندارمری و معاونان وزارت کشور مشورت داشتند و از برخورد افراد بیت آقای منتظری گله داشتند. خواسته بودند ایشان را هنگام ورود تفتیش بدنی کنند، ایشان امتناع کرده و برگشته بودند.



علی اکبر ناطق نوری

بعد از ظهر، طبق فرار قبلی به فرودگاه رفتیم. هواپیمای شاهین - اختصاصی شاه حاضر بود، به طرف اهواز پرواز کردیم. یک فانتوم و یک اف - ۱۴ امنیت فضا را تأمین کردند. با اسکورت به خاطر جنگ به اهواز رسیدیم. آقای رضائی فرمانده سپاه و عده‌ای از سپاهیان در فرودگاه منتظر بودند. بلافاصله به قرارگاه سپاه - گلف سابق - رفتیم. مشغول مذاکره با مسئولان سپاه خوزستان و فرماندهان عملیات شدیم. نماز مغرب و عشا را با سپاهیان قرارگاه خواندم و برای آنها سخنرانی کردم^۱.

سپس به بررسی وضع جبهه ادامه دادیم. آخر شب آقای صیاد شیرازی هم آمد و مذاکراتی شد و تصمیماتی اتخاذ گردید و فیلمها و عکسهای فراوان دسته‌جمعی گرفته و فیلمهایی از داخل خرمشهر گرفته بودند، نمایش دادند. عراقیها، خانه‌ها را خراب می‌کنند. مذاکره با فرماندهان عملیاتی، اطلاعاتم را خیلی زیاد کرد و با واقعتهای میدان جنگ آشنا تر شدم. در تنگه جزابه، حدود ۳۵۰ شهید و بیش از هزار مجروح داده‌ایم. شانزده گردان سپاه شرکت داشته. ارتش چندان فعالیت نداشته و نظر آنها این بود که به منظور جلوگیری از عملیات وسیع ما در دزفول، عراق دست به آن حمله‌ها زده‌است. ساعت دوازده شب خوابیدیم؛ در همان اتاق عملیات جنگ.

سه شنبه ۲۷ بهمن

۲۱ ربیع‌الآخر - ۱۶ فوریه

ساعت پنج و نیم بیدار شدیم. پس از نماز صبح، عازم بستان شدیم. احساس بسیار خوبی دست داد، از ورود به شهری که ماهها در اشغال دشمن بوده و با جهاد نیروهای اسلام آزاد شده. در مسیر با گروههایی از مردم و عشایر برخورد کردیم که با دامها و اثاث خانه‌ها حرکت می‌کردند. گفتند به جاهای امن یا اردوگاهها می‌روند؛ می‌دانند که در این منطقه در آینده، برخوردهای وسیع‌نظامی خواهد بود. با جمعی از آنها صحبت کردم و از وضع زندگی و

۱ - من از این سخنرانی در دسترس نمی‌باشد. از افرادی که نوار یا متن آن را در اختیار دارند درخواست می‌شود، با دفتر نشر معارف انقلاب مدوق پستی ۱۹۳۹۵/۲۶۴۸ مکاتبه نمایند.

مشکلات و امیدهای آنها، سئوالات زیادی کردم.

بعضیها، روحیه‌های خوب و امیدوار دارند و برخی ناراحتند و مأیوس. بسیاری از آنها عربی صحبت می‌کردند و آنها را در اداره قافله و امور زندگی، فعال یافتم.

ابتدا به مقر سپاه رفتیم. دو سه عرب را بازداشت کرده بودند، به اتهام جاسوسی برای عراق. در مسجد در اجتماع آنها صحبت کردم^۱ و مصاحبه‌ای با مخبر تلویزیون، به محل شهربانی و ژاندارمری رفتم. با آنها هم مذاکره نمودم. برای صبحانه به سپاه رفتیم. پس از صبحانه برای رزمندگان که در خیابان جمع شده بودند صحبت کردیم.

به یکی از مراکز توپخانه^{۱۳۰} رفتیم. یک گلوله شلیک کردند و توضیحاتی دادند. به جاده نزدیک چزابه رفتیم. و به محل پل سابله، آنجا که گردان تانک قتیبه عراق در جریان حمله بستان (عملیات طریق القدس) نابود شده بود، رفتیم و لاشه‌های منهدم شده تانکها را تماشا کردیم. از آنجا به محل انفجار مینهای عراق که منجر به شهادت هفتاد پاسدار شده بود، رفتیم. این منطقه از اوایل جنگ تا کنون در اشغال عراقیها بود و صدام برای آنجا فرماندار تعیین نموده بود. و برنامه الحاق کامل منطقه را به خاک عراق داشته‌اند و تابلوها و علامات براساس این فکر ساخته بودند و اسم گذاری‌ها و آموزشها در این مسیر بوده و بخشی از اعراب هم با آنها همکاری کرده‌اند.

آقای صیاد شیرازی، با گروهی از نظامیان هم آنجا به ما ملحق شدند و از آنجا به اهواز برگشتیم. در بین راه از روستای مخروبه دهلاویه و شهر سوسنگرد که عراقیها نیمه ویران کرده‌اند، عبور کردیم. گله‌های گاو و گاو میش را که از مناطق جنگی مهاجرت می‌کردند، در راه دیدیم.

نماز ظهر را به جماعت در مسجد قرارگاه ارتش خواندیم و برای سربازان سخنرانی کردم^۲.

۱- متن این سخنرانی در دسترس نمی‌باشد. از افرادی که نوار یا متن آن را در اختیار دارند درخواست می‌شود، با دفتر نشر معارف انقلاب صندوق پستی ۱۹۳۹۵/۴۶۴۸ مکاتبه نمایند.

۲- متن این سخنرانیها در دسترس نمی‌باشد. از افرادی که نوار یا متن آن را در اختیار دارند درخواست می‌شود، با دفتر نشر معارف انقلاب صندوق پستی ۱۹۳۹۵/۴۶۴۸ مکاتبه نمایند.

فرماندهان ارتش توضیحاتی راجع به جبهه‌ها دادند. آقای ظهیرنژاد هم رسید و صیاد برای شرکت در سمینار به تهران رفت.

عصر با هلیکوپتر به محل کشت و صنعت کارون رفتم. کارگران اجتماع کردند و برای آنها صحبت کردم. از کارخانه نیشکر دیدن کردم. توضیحاتی نسبت به طرح دادند. عده‌ای با مدیریت مخالف بودند و شعار مرگ بر لیبرال می‌دادند.

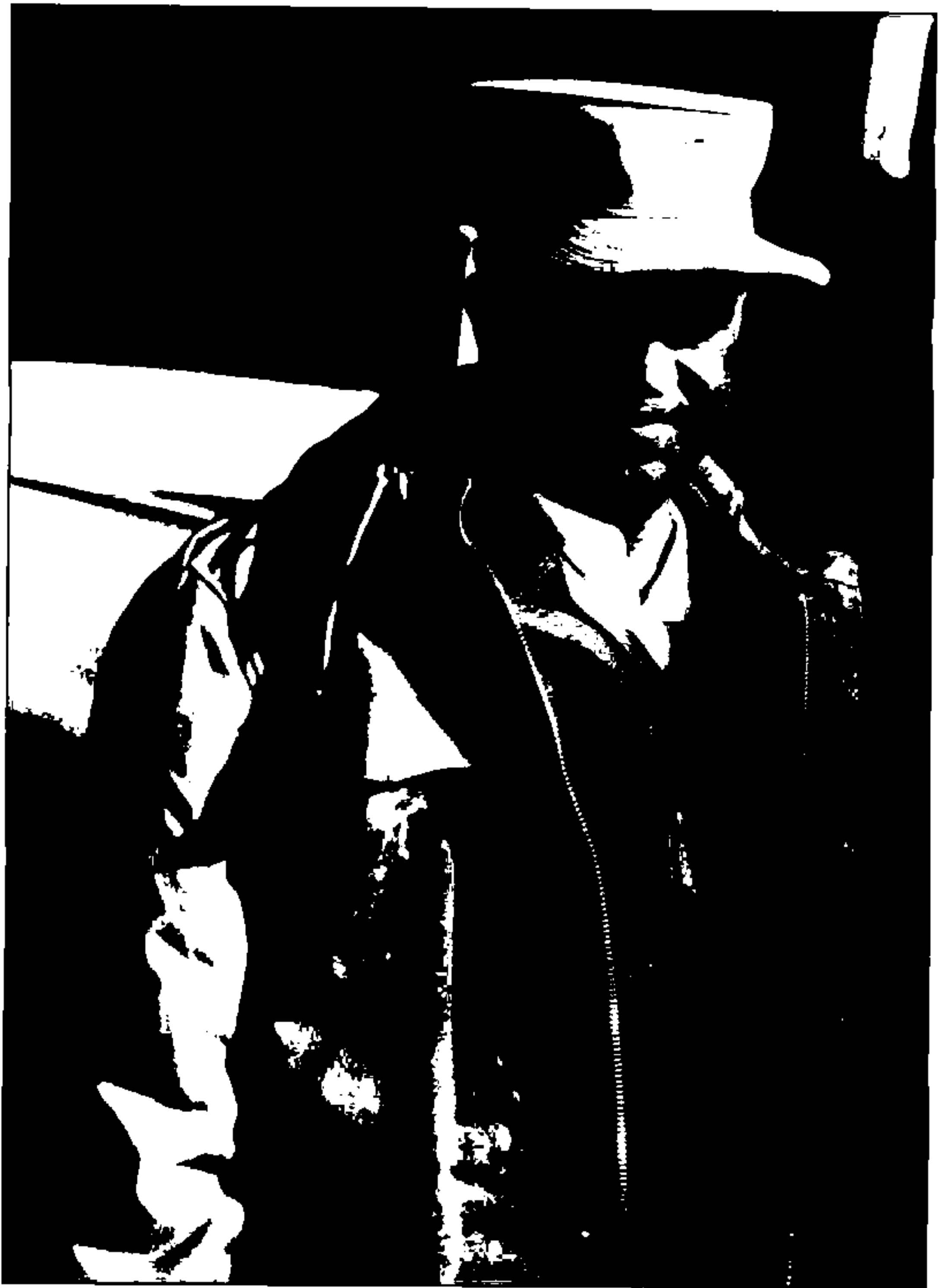
از آنجا به هفت تپه رفتیم. ازدحام مردم دور میدان چمن مانع شد که به کارخانه برویم. به قرارگاه لشکر ۷۷ رفتیم. عده از سران شهر و کارخانه آمدند و مطالبشان را گفتند. نماز جماعت را با نظامیان خواندیم و برایشان سخنرانی کردم. توضیحاتی درباره جبهه دادند.

انجمن اسلامی در مخالفت با مهندس قلی زاده حرفهایی داشت. خیلی منطقی نبود. خواستند شبانه ما را به دیدن کارخانه تصفیه شکر و کاغذسازی ببرند، دیروقت بود؛ شام را مهمان لشکر ۷۷ بودیم. فرماندهان ارتش از حضور ما در بین خودشان، اظهار شادمانی فراوان کردند و از اینکه بعد از حذف بنی صدر، روابطشان با نیروهای سپاه و مردمی صمیمانه شده، شکر گزارند و گفتند دیگر از آن بحثهای تفرقه انگیز در داخل ارتش و در رابطه با سپاه، خبری نیست. برای خواب به اهواز رفتیم.

چهارشنبه ۲۸ بهمن

۲۲ ربیع‌الآخر - ۱۷ فوریه

شب را در اتاق جنگ مقر سپاه خوابیدیم. صبح حلیم داشتند. آقای ظهیرنژاد هم رسید، بعد از صبحانه از راه دارخوین به سوی آبادان حرکت کردیم. میدان عملیات شرق کارون را تماشا کردیم. تمام تیرهای برق را عراقیها انداخته بودند و بیابان مملو از خاکریز و سنگر و لاشه تانک و خودروهای عراقی است. در چند نقطه از میدان عملیات ثامن‌الائمه و دارخوین توقف کردم و به توضیحات فرماندهان میدان در نحوه پیشرفت نیروها و شکستن خطوط دشمن و تصرف نقاط کلیدی و حساس و مقاومتهای دشمن و نیز نحوه محاصره و اسیر گرفتن دشمن و مخازن سلاح و مهمات در خط و ... گوش می‌کردم؛ دیدن آن منطقه وسیع آزاد شده، اطمینانم را



به نیرومندی سپاه اسلام و امیدم را برای آینده تقویت کرد.

دیدن آبادان بعد از رفع حصر از راه زمین، برایم سرور انگیز بود. در سفر قبلی که آبادان در محاصره بود، هلیکوپتر از مسیر دریا رفته بود. روحیه نیروها و مردمی که مانده بودند، خیلی بهتر از گذشته است.

در آبادان به مقر سپاه پاسداران و پاسداران خرمشهر و مرکز ارتش رفتیم. توضیحات نظامی را دادند. آقایان جمی و طرفی هم آمدند. قرار شد موقتاً توپها شهر بصره را نکوبند. یک هفته است که آبادان نسبتاً آرام است. گاهی صدای انفجار گلوله‌های توپ به گوش می‌رسید.

این بار وضع امنیت بهتر از سفر یازده ماه پیش است و لذا توانستم نقاط بیشتری از شهر را ببینم؛ قبل از انقلاب و بعد از انقلاب، قبل از جنگ و در حین جنگ به آبادان زیاد سفر کرده‌ام و شهر را خوب می‌شناسم. از ویران شدن آن‌همه آبادی و صنعت و ساختمان، خیلی متأثر شدم و دیدن منظره خلوت و مخروبه‌ها و مقایسه آن با دوران نشاط و رونق و شلوغی آبادان، قلبم را فشرد.

به مقر تیپ ۳۷ شیراز در راه ماهشهر رفتیم که قرار است، عملیات محدودی در روزهای آینده با هماهنگی تیپ توحید در خرمشهر داشته باشند. وضع دفاع زمینی شهر خوب است، اما وضع دفاع هوایی بد است. در سپاه برای سپاهیان و بسیج سخنرانی کردم. در بیابان برای ارتشها نماز جماعت خواندم و ناهار را با تیپ ۳۷ خوردیم و مصاحبه‌ای کردم و به اهواز برگشتیم.

ساعت چهار در قرارگاه نیروی زمینی در اهواز، فرماندهان تازه تیپها جمع بودند، برای آنها صحبت کردم و ضرورت عمل کردن سریع را به خاطر شرایط سیاسی، اقتصادی، نظامی و انسانی توضیح دادم و از آنها خواستم در کار تسریع نمایند^۱.

ساعت پنج و نیم از فرودگاه اهواز با هواپیمای شاهین و اسکورت به سوی تهران حرکت

۱. متن این سخنرانی در دسترس نمی‌باشد. از افرادی که نوار یا متن آن را در اختیار دارند درخواست می‌شود، با دفتر نشر معارف انقلاب صندوق پستی ۱۹۳۹۵/۴۶۴۸ مکاتبه نمایند.

کردیم. به مجلس رفتیم برای انجام کارها. عفت تلفن کرد و از به خانه نرفتن من گله داشت. گفتم این روزها جای گله نیست؛ با این همه کار. مقداری گزارشها را خواندم و شام را خوردم؛ عدسی. و خوابیدم. خیلی خسته بودم.

در مسیر برگشت، جمع‌بندی از مشاهدات و شنیده‌ها را داشتم. به نظر می‌رسد، بعد از چند پیروزی در جبهه‌ها و استقرار وضع سیاسی و تأمین امنیت نسبی در کشور، نیروها علاقه‌مند به جنگیدن هستند و مشکلات ناهماهنگی ارتش و سپاه کم شده و امید به پیروزیها بزرگتر و فتح نهائی قوی است، اما برای عملیات بزرگ احتیاج به نیروهای فراوان احتیاط و سلاح و مهمات زیاد است که احتیاج به زمان و پول دارد و شرایط سیاسی و مالی کشور، اجازه تأمین نظرات نیروها را نمی‌دهند؛ فشارهای منطقه‌ای و بین‌المللی هم اجازه صبر زیاد را نخواهد داد و ممکن است فرصت را از ما بگیرند.

روحیه‌های قوی نیروهایمان و روحیه ضعیف نیروهای دشمن و به هم خوردن تعادلی در طرف دشمن، ایجاب می‌کند که از فرصت سریعتر و بهتر استفاده کنیم. این نکات را تا حدودی برای نظامیان توضیح داده‌ام.

پنجشنبه ۲۹ بهمن

۲۳ ربیع‌الآخر - ۱۸ فوریه

بعد از نماز، برای رفع خستگی دوش گرفتم. در جلسه علنی قبل از دستور، جنایت صدام در خصوص بمباران شهر اسلام آباد غرب را که منجر به شهادت ۲۰ نفر و جراحت ۳۰ نفر شده بود، محکوم کردم^۱.

اساسنامهٔ جهاد سازندگی مطرح بود. عده‌ای به خاطر تداخل وظایف جهاد با وزارتخانه‌ها مخالفت کردند، ولی بالاخره تصویب شد. آقای [عبدالمجید] معادینخواه [وزیر ارشاد اسلامی] جواب دو سؤال را در مورد سرقت اشیاء از موزه [رضا عباسی] سید خندان و بدآموزی فیلمها داد.

۱. کتاب «هاشمی رفسنجانی - نطقهای پیش از دستور ۱۳۶۰».

ظهر در دفترم بعد از نماز چند ملاقات داشتم. آقای معزالدین محلاتی آمد و برای اجازه سفر به خارج برای معالجه و معرفی معامله کنندگان تهارتری دولت و نفت کمک می خواست. آقای امهدی [طیب آمد و از سایتهای باقیمانده آمریکایی و کیفیت اداره آن مطالبی داشت. بعد از ظهر در سمینار دایره سیاسی ایدئولوژیک ارتش و فرماندهان ارتش در دانشکده افسری شرکت کردم و برای آنها صحبت نمودم. تا ساعت هفت بعد از ظهر، کارهای عقب مانده را انجام دادم و در جلسه ای در دفتر آقای خامنه ای شرکت کردم. آقای طبسی که از سفر پاکستان برگشته بودند، از اهمیت حضور شیعیان در پاکستان و هندوستان و علاقه آنها به جمهوری اسلامی و لزوم تعیین نماینده امام در آنجا می گفتند. آقای امیرحسین موسوی نخست وزیر، گزارشی از وضع ارز دادند و نیاز به ارز در فروردین و راجع به راه چاره بحث شد. گزارش وضع جبهه ها را دادم.

شب به خانه آمدم. برف سنگین در دو سه روز گذشته، جماران را خیلی سرد کرده و گازوئیل منزل تمام شده بود. منزل سرد است. یک بخاری برقی از خانه امام عاریه گرفتیم، ولی سرما شدید است و بخاری نا کافی؛ تلویزیون فیلم سفر من به بستان و آبادان را گذاشت. برای جواب به تبلیغات صدام سند خوبی است.

جمعه ۳۰ بهمن

۲۴ ربیع الاخر - ۱۹ فوریه

تا نزدیک ظهر در خانه ماندم. شوقاژ خاموش و خانه سرد بود. برای اقامه نماز جمعه به دانشگاه رفتم. خطبه ای در عدالت اجتماعی و خطبه ای درباره جنگ ابراد کردم^۱. هوا سرد بود. نهار را به خانه بچه های اخوی مرحوم حاج قاسم رفتم، به مناسبت ازدواج محمد با دوشیزه مریم ظاهری مهمانی بود. خانواده های ظاهری و فیاض بخش بودند. مراسم آشنایی به عمل آمد و بحثهایی درباره مشکلات اجرای تجارت خارجی.

عصر به خانه آمدم و مقداری مطالعه کردم. اول شب، همشیره زاده ها آمدند. از احوال

۱. کتاب هاشمی رفسنجانی - خطبه های نماز جمعه - جلد اول ۱۳۶۰.

بستگان نوقی مخصوصاً والده و همشیره‌ها مطلع شدم. خانه سرد است، زودتر خوابیدم. خبر مهمی از جهان و کشور نشنیدم. برق سراسر تهران خاموش شد. از وزیر نیرو پرسیدم، گفت خط انتقال نیرو در اثر صاعقه یا عامل دیگری از کار افتاده و خط رزرو تحت تعمیر است.



اسفند ۱۳۶۰



شنبه ۱ اسفند

۲۵ ربیع الاخر - ۲۰ فوریه

بعد از نماز، صبحانه و مطالعه به منزل امام رفتم که ایشان را زیارت کنم و برای مصاحبه‌ای با ذکر خبر ملاقات با ایشان، شایعه کسالت ایشان را بی اثر کنم. به خاطر اعلان دو هفته قطع ملاقاتها که معمول هم بوده، تبلیغات شدیدی شروع شده که ایشان مریض و... هستند. آقای سید صادق لواسانی هم آنجا بود. امام سرحال و با نشاط بودند. گزارش جبهه‌ها را خدمتشان دادم و توضیحاتی درباره عملیات بزرگی که در پیش داریم و نتیجه بررسیهایی که در سفر خوزستان درباره اهداف و نیازها و عواقب این عملیات انجام شد، ارائه کردم؛ دعا کردند. سپس به عبادت آیت‌الله صدوقی^۱ به بیمارستان قلب رفتم. به خاطر قند خون بستری هستند و یک چشمشان آب مروارید آورده و نابینا شده، قرار است عمل کنند. آقای ثقفی و آقای اعلمی حاکم شرع همدان و آقای مکرری سفیر سابق ایران در شوروی را نیز عبادت کردم. شوفر به خاطر بی‌گازوئیلی خاموش است، امروز قرار است گازوئیل تأمین شود.

ظهر سرهنگ صیاد شیرازی، تلنی از اهواز اطلاع داد که نیروهای ما در تنگه چزابه حمله‌ای کرده‌اند و پیروزمند به همه هدفهای خود رسیده‌اند؛ ولی تا عصر معلوم شد در ضد حمله عراق، دوباره عقب نشینی کرده‌اند.

بعد از ظهر سید منیرالدین شیرازی آمد که محصول مطالعات اقتصادی را بامن در میان بگذارد. مطلب تازه‌ای نداشت، یک ساعت وقت برد. ابوهشام از مسئولان حرکت امل لبنان آمد و تقاضای کمک مالی و تلاش برای معلوم شدن سرنوشت آقای امام موسی صدر داشت که قول مساعد دادم.

مغرب در سمینار استانداران شرکت کردم، نماز جماعت خواندم و برایشان صحبت کردم. شب در شورای عالی دفاع شرکت کردم. درباره خطر توطئه دشمنان از غرب و شرق کشور و لزوم تقویت نیروهای مسلح و حفظ سایت‌ها بحث کردیم؛ گزارش سفر به جبهه و برنامه آینده و

۱- آیت‌الله محمد صدوقی امام جمعه و نماینده امام در یزد از علمای پرهیزگار و روحانیون متدین و انقلابی بود. این عالم بزرگوار در سال ۱۳۶۱ در معررات عبادت توسط تروریستهای وابسته به سازمان مجاهدین خلق به ملکوت اعلی پیوست.

نیازها و شرایط کار مطرح شد. مصاحبه کردم. اخبار و ملاقات با امام را گفتم. تا نیمه شب بیدار ماندم. اخبار ساعت دوازده را گرفتم.

یکشنبه ۲ اسفند

۲۶ ربیع الاخر - ۲۱ فوریه

بعد از نماز به مطالعه پرداختم. آقای یارمحمدی آمد و از اختلاف نهادها درجیرفت گفت و برای آقای فهیم اجازه رفتن خواست که دادم. آقای فهیم هم آمد و مذاکره کردیم. کمی دیر به مجلس رفتم. آقای موسوی خوئینی‌ها مجلس را شروع نموده بودند. به دفترم برگشتم، چون با حضور رئیس نمی‌شود نایب رئیس مجلس را اداره کند.

اعتبارنامه خسروناقی نماینده اقلیت کلیمی مطرح بود که معترضین و خودش صحبت کردند و تصویب شد. نیمه دوم کار مجلس آمدم. چند لایحه تصویب شد. ظهر گروهی از نمایندگان مراجعه کردند. عصر آقای [عبدالمجید] معادیخواه آمد و راجع به مسائل خودشان با ایشان بحث کردم.

سپس آقای فاخر آمد که از سفر در رأس هیأت تبلیغی به کشورهای آفریقا برگشته بود و گزارشی داد و توصیه‌هایی مبنی بر فعال کردن سیاست خارجی داشت و گفت در خیلی کشورها منزوی هستیم و حضور فعال لازم است. در جلسه شورای مرکزی حزب شرکت کردم. بحث درباره اشتباهات روزنامه بود. قرار شد گروهی از دفتر سیاسی اشتباهات را اصلاح نماید.

شب در دفتر آقای خامنه‌ای مشورت در مسائل جاری داشتیم. قرار شد فردا به اتفاق نخست وزیر به دیدن امام برویم. دو جعبه گز از هدایای آقای خامنه‌ای به خانه آوردم. آقای [حبیب‌الله] عسکراولادی [وزیر بازرگانی] خبر شروع قراردادهای تهاتری را داد و اصلاح وضع سازمان توزیع گوشت. ساعت ده شب به خانه آمدم. بچه‌ها در منزل فاطمی بودند. شام از آنجا برای من آوردند. آخر شب با محسن در بلژیک تلفنی صحبت کردم. بچه‌های خارج، از شایعه مریضی امام‌نگران بودند، تکذیب کردم. شوفاژ نامرتب است و منزل سرد است. ساعت دوازده خوابیدیم.

دوشنبه ۳ اسفند

۲۷ ربیع‌الآخر - ۲۲ فوریه

دیشب چند بار برای روشن کردن شوفاژ بیدار شده بودم و بد خوابیدم. صبح به اتفاق آقایان خامنه‌ای، اموسوی اردبیلی، امیرحسین اموسوی و احمد آقا خدمت امام رسیدیم، برای اینکه فیلم ملاقات منتشر شود، برای رفع شایعه کسالت امام و به همین منظور امام صحبت کردند. مسأله اراضی شهری و مخالفت شورای نگهبان هم مطرح شد. امام فرمودند تشخیص ضرورت که به مجلس داده‌اند، با نظر اهل خبره معتبر است و شورای نگهبان در این تشخیص حق اظهار نظر ندارد. قرار شد، من این را اعلان کنم.

امام بر آزاد کردن تعداد زیادی از زندانیان کم خطر تأکید کردند. من مصاحبه کردم و گفتم^۱. صبح امروز بمبی در میدان عشرت‌آباد کنار پارکینگ شرکت واحد منفجر شد که صدایش را در جماران شنیدیم^۲. گفتند ۱۱ نفر کشته و ۶۰ نفر زخمی داشته و به خانه‌های اطراف تا شعاع هزار متری آسیب رسانده.

ظهر در مجلس با استاندار همدان ملاقات کردم. از مزاحمت‌های عده‌ای منجمله امام جمعه همدان گله داشت؛ و از منتشر نشدن نظر بازرسان دیوان محاسبات که ایشان را از اتهامات تبرئه کرده‌اند. به ایشان کمک کردم. عصر با سفیر سوریه ملاقات کردم. می‌خواستند با طالبانها بسازیم و اسرای آنها را آزاد کنیم.

از شاخه خواهران حزب هم به ملاقات آمدند. دکتر مگری هم آمد. مطالبی از شیطنت شورویها گفتم. شب در مجلس خوابیدم. آخر شب آقای منتظری تلقین کردند و راجع به مطالبی بحث کردیم و تذکراتی داشتند. پیشنهاد کردم که احمد منتظری فرزندشان در بیت ایشان باشند، برای نظارت بر حسن اجرای امور.

۱ - کتاب هاشمی رفسنجانی - مصاحبه‌های ۱۳۶۰.

۲ - محل انفجار بمب (میدان عشرت‌آباد) در شرق تهران و جماران در منتهی‌الیه شمال تهران فاصله بسیار زیادی دارد و شنیدن صدای انفجار بمب در جماران نشان دهنده شدت انفجار است. در این انفجار که در محل نداشت زباله کار گذاشته شده بود، چند نفر از کارگران رفتگر شهرداری و چند کودک دانش آموز شهید شدند.

سه شنبه ۴ اسفند

۲۸ ربیع الاخر - ۲۳ فوریه

بعد از نماز تا شروع جلسه علنی مجلس مطالعه کردم. پیش از دستور، راجع به جنایت انفجار بمب در عشرت آباد صحبت کردم^۱. چند لایحه از تصویب گذشت. ظهر گروهی از بازاریها آمدند. از جوضد بازاری کشور گله داشتند و راجع به تصمیمات ستاد بسیج اقتصادی حرف داشتند.

آقای اسقف کاپوچی آمد و برای میانجی شدن برای پایان دادن به جنگ، می خواست اقدام کند. گفتم شرایط ما همانهاست که اعلان کرده ایم؛ و تسهیلاتی برای مدارس مسیحیان می خواست. وزیر صنایع، مهندس هاشمی اطبا با معاونان آمدند و گزارش موفقیتها و برنامه های صنعتی را گفتند و مدعی بودند هر جا که محیط کارخانه ها اسلامی شده، پیشرفت کارها و بازده بیشتر است.

بعد از نماز مغرب، هیأت مؤتلفه آمدند. نگران بودند در تعقیب فرمان امام، عده ای خطرناک آزاد شوند. آقای توسلی گزارشی از ژاپن داد و اقداماتی که برای آوردن ژاپنی ها برای معامله با یا پای به ایران کرده.

مشاور فرهنگی نخست وزیر، قرار بود مصاحبه ای با من درباره شیخ فضل الله نوری داشته باشد که به خاطر نقاط ابهام به تأخیر انداختم. آخر شب به خانه آمدم. احمد آقا آمد و راجع به موضوعات جاری منجمله جنگ، بحثهایی داشتیم و اظهار تمایل کرد که در حزب وارد شود. یک بخاری آورد برای جبران خرابی شوقاز.

چهارشنبه ۵ اسفند

۲۹ ربیع الاخر - ۲۴ فوریه

در منزل مقداری مطالعه کردم، ساعت ده به مجلس رفتم. در کمیسیون آئین نامه شرکت کردم. آخرین جلسه بود و اصلاحاتی شد. بعد از ظهر جلسه هیأت رئیسه داشتم. طرحی که در کمیسیون استخدامی در مورد کارکنان مجلس گذشته بود و حقوق آنها را بی حساب بالا برده

۱. کتاب هاشمی رفسنجانی - نطفهای پسر از دستور ۱۳۶۰.

بود، به خاطر اینکه منبع تأمین این خرج اضافی را تعیین نکرده بود، ناقص دانستیم و موقوف الاجرا گذاشتیم.

اول شب در جلسه‌ای با حضور ستاد انقلاب فرهنگی و وزرای علوم و آموزش و پرورش و... شرکت کردم. تربیت معلم و دبیر مطرح بود که ستاد می‌خواهد آن را یکپارچه کند و در اختیار وزارت علوم بگذارد. معلوم شد اکثر امکانات از وزارت آموزش و پرورش است. بحث زیاد شد و به این نتیجه رسیدیم که هیچ‌یک از دو وزارتخانه مستقلاً و به تنهایی نمی‌توانند آن را اداره کنند. باید دو امکانات ترکیب شود. پیشنهاد شد کمافی السابق دبیر را دانشگاهها تربیت کنند، ولی جدا از محیط دانشگاههای متفرقه، و بقیه را آموزش و پرورش؛ و تصمیم نهایی به جلسه بعد موکول شد. شام را مهمان آقای خامنه‌ای بودیم. با نخست‌وزیر و احمد آقا مطالب فراوانی در مورد سیاست خارجی و اقتصادی و نظامی مورد رسیدگی قرار گرفت.

ساعت دوازده شب به مجلس آمدم، اخبار را گرفتم و خوابیدم. گفتند عفت منتظر تلفن من است. بعداً معلوم شد، از سرنوشت محمود محی‌الدینی که عصر امروز با دیدن منظره ترور و شهادت یک کاسب حزب‌اللهی با افسر شهربانی مشاجره کرده و پیدا نبوده، نگران شده‌اند. به قم رفته بوده.

پنجشنبه ۶ اسفند

۳۰ ربیع‌الآخر - ۲۵ فوریه

پس از نماز و صبحانه و مقداری مطالعه برای کلاس مواضع به جلسه علنی رفتم. طرح شوراها مطرح بود. اداره مجلس را به آقای محمد ایزدی سپردم و برای مطالعه به دفترم آمدم. نوشته‌ای از آقای مطهری شهید، درباره تاریخ و فلسفه تاریخ مطالعه کردم. کارهای اداری را انجام دادم.

ظهر با گروهی از رؤسای شوراهای روستاهای عربی خوزستان ملاقات کردم. خواهان طرد رؤسای عشایر بودند. در جلسه‌ای برای برگزیدن اعضای کمیسیون ویژه شرکت کردم. عصر

در کلاس مواضع، درس تاریخ و تأثیر انسان در تاریخ را دادم.^۱

از طرف سپاه برای تعویض بعضی از پاسدارانم آمده بودند، من راضی نیستم و آنها اصرار دارند. آقای سعیدی مسئول روابط عمومی مجلس آمد و پیشنهاداتی دربارهٔ فعالیت کردن اداره [روابط عمومی] داشت.

به خانه آمدم. خسته بودم. خانم شهید عراقی^۲ و امیر فرزندش، مهمان ما بودند. از بد رفتاری بعضی از مسئولان شکایت داشتند. اخیراً برادر خانم عراقی را به خاطر شرکت در گروهکهای محارب اعدام کرده‌اند؛ ناراحت است و در عین حال وفادار به انقلابند و بیست هزار تومان خمس و سهم امام آوردند.

شب، مراسم دعای کمیل را که دو هفته پیش در قتلگاه ۷۴ تن از سران حزب جمهوری اسلامی برگزار شده بود، تماشا کردم، در حالی که برف و باران روی سر مردم می‌ریخت و مهمانهای دهه فجر هم شرکت کرده بودند، خیلی با حال و پرشور انجام شد.

جمعه ۷ اسفند

۱ جمادی الاول - ۲۶ فوریه

به نماز جمعه رفتم. آقای امامی کاشانی را به جای خودم فرستادم. تعدادی از جزوه‌های سیاسی و اقتصادی و گزارش مذاکرات سفیر ایران در کویت با رئیس جمهور یمن جنوبی را در خانه خواندم. از ایران حمایت کرده و منتظر شکست عراق است؛ برخلاف انتظار. گزارشی خواندم از وضع سایت‌های مهم آمریکایی که پس از انقلاب به دست ما افتاده

۱. کتاب هاشمی رفسنجانی - درس مواضع حزب جمهوری اسلامی ۱۳۶۰.

۲. شهید مهدی عراقی از انقلابیون ملزمان و متعهدی بود که نقش ارزنده‌ای در پیشبرد نهضت اسلامی ایفا کرد. این شهید از اعضای هیأت‌های مؤتلفه اسلامی بود و در جهت جلب حمایت بازار از نهضت اسلامی و برگزاری جلسات مذهبی و حمایت مالی از روحانیون انقلابی نقش عمده‌ای داشت و سالهای زیادی را در زندانهای ستعشاهی سپری کرد و در نهایت در سال ۵۸ به همراه فرزندش حاتم توسط گروهک تروریستی فرقان شریعت شهادت نوشید.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در خاطرات دوران مبارزه، بارها از شهید عراقی به نیکی یاد کرده است. برای مطالعه می‌توانید به کتاب هاشمی رفسنجانی - دوران مبارزه - دفتر نشر معارف انقلاب - ۱۳۷۶ - صفحات ۱۸۶، ۱۹۸، ۲۰۷، ۲۸۵، ۳۱۶ مراجعه نمایید.

ولی بلااستفاده مانده و اکنون در صدد راه انداختن آنها هستیم، مثل سایت‌های بهشهر، خجیر، کبکان و ناهار مهمان مهندس غرضی بودم و بچه‌ها مهمان اخوی محمد در جمع فامیل. آقایان نخست وزیر و سران دیگر بودند. از بحثهایی که داشتیم، رسیدگی به انتخابات مجلس خبرگان و انتخاب رهبر یا شورای رهبری بود که بیشتر توافق روی شخص آقای احسینعلی‌ا منتظری بود. به تصمیماتی رسیدیم.

عصر عفت و فاطمی به جشن عروسی دختر شهید مطهری با برادر شهید عباسپور رفتند. من در خانه ماندم. مطالعه کردم و به تلویزیون گوش دادم. آقای خامنه‌ای تلفن کردند و گفتند با اولاف پالمر فردا شب درباره صلح با عراق بحث دارند و پیشنهاد کرد که قبل از مذاکره ایشان، مذاکره داشته باشیم. آقای محسن ارضائی هم از اهواز تلفن کرد و خواهان همکاری بیشتر جهاد برای تأمین امکانات اجرای طرح آینده بود. چند روز عقب افتادگی خاطرات را جبران کردم.

شنبه ۸ اسفند

۲ جمادی الاول - ۲۷ فوریه

تا بعد از ظهر در خانه بودم، با مطالعه و قدم زدن در حیاط. کارها با تلفن انجام شد. عصر به مرکز حزب جمهوری اسلامی در خیابان ویلا رفتم. می‌خواستم به حزب مرکزی بروم، چون فاطمی همراه من شد و آنجا کار داشت به ویلا رفتم. از واحدهای دانش آموزی و دانشجویی و کارمندی بازدید کردم. برای جمعشان مقداری صحبت کردم. سپس به مجلس رفتم. پس از مطالعه گزارشها و امضای نامه‌ها به دفتر رئیس جمهور رفتم تا درباره جواب به اولاف پالمر که طرحی برای صلح با عراق ارائه کرده، مشورت کنیم. با حضور نخست وزیر و وزیر امور خارجه مشورت کردیم و روی جواب تصمیم گرفتیم. نتیجه این شد که هنوز برای صلح زود است، باید ضربه‌ای کاری وارد کنیم که صدام کاملاً در موضع ضعف باشد و معترف به شکست، ولی رد کلی میانجیگری هم صلاح نیست. روی سه شرط خیلی تأکید کردیم. ۱- خروج بی قید و شرط ۲- پرداخت خسارات. ۳- کیفر متجاوز.

سیاستهای مربوط به جنگ را با نظر امام منطبق می‌کنیم و ایشان هم با دقت مسأله را زیر

نظر دارند؛ نظرات ما در حد مشورت دادن است.

شب در جلسه شورای عالی دفاع شرکت کردم. گزارش جبهه‌ها و بحث درباره تهیه مهمات ضروری و پیشنهادات پالمه بود. پالمه خروج عراقیها را پذیرفته. مذاکره درباره مرزها منجمله «اروند رود» می‌خواهد و حضور نیروهای ناظران بین‌المللی در مرزها و پرداخت غرایم جنگ به دو طرف از طرف دولتهای داوطلب. سپس مصاحبه کردم^۱. آقای سرهنگ سلیمی آمد و از عدم همکاری صیاد اشیرازی اگله داشت؛ می‌گفت نیرو به ما نمی‌دهند.

یکشنبه ۹ اسفند

۳ جمادی الاول - ۲۸ تیریه

پس از نماز مشغول مطالعه شدم. در جلسه علنی شرکت کردم. چند لایحه ساده تصویب شد. قبل از جلسه و هنگام تنفس و بعد از جلسه به طور معمول به مراجعات و کارهای نمایندگان پاسخ دادم. ظهر در دفترم مقدار زیادی از وقت صرف مراجعه اقلیت مجلس شد که معمولاً دچار مشکلاتند^۲.

بعد از ظهر آقایان [محسن] رفیق دوست و دکتر [علی اکبر] ولایتی آمدند. درباره مسافرت رفیق دوست به لیبی و گرفتن مهمات و طرح لیبی در خصوص منافع نفتی آنهایی که در خدمت آمریکا و استعمار قرار گرفته‌اند، مذاکره کردیم.

عصر در جلسه شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی شرکت کردیم. درباره انتخابات میان دوره‌ای مجلس و خبرگان، مراقبت از رهبری آقای منتظری و موضوع اهانت روزنامه‌ها به یکی از نمایندگان مجلس، «آقای [مهدی] طیب»، بحث کردیم. جزئیات دیگری مورد بحث قرار گرفت. شب به منزل آمدم و خوابیدم. خبر مهمی در سطح کشور و جهان نداشتیم.

۱. کتاب هاشمی رفسنجانی - مصاحبه‌های ۱۳۶۰.

۲. اقلیت مجلس دور اول، مهدس مهدی بازرگان و همفکران ایشان بودند. این افراد در دیدگاههای خود اختلافات متعددی با خط امام داشتند. یکی از مسائل اختلافی بحث ولایت فقیه بود. نمایندگان فراکسیون اقلیت مجلس از سوی خط امام به سازشکاری و وابستگی به امپریالیسم آمریکا و عدم حمایت از جنگ مهم می‌شدند. این افراد در حال و هوای انقلابی سالهای نخست انقلاب اسلامی مشکلات زیادی داشتند از جمله در ورود و خروج به مجلس، برخورد ارگانه‌های متعدد انقلابی و

دوشنبه ۱۰ اسفند

۲ جمادی الاول - ۱ مارس

در خانه مطالعه کردم. ساعت ده به مجلس رفتم. بعد از ظهر چند ملاقات داشتم. عصر گروهی از اعضای سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی آمدند و خبر از اختلاف شدید در درون سازمان و احتمال انحلال یا انشعاب می دادند. عده‌ای من جمله آقای بهزاد نبوی متهمند که ولایت فقیه را قبول ندارند و در اقتصاد مواضع تند غیر فقه‌ای دارند؛ نصیحت‌شان کردم برای اتحاد و حفظ نیروها.

سه شنبه ۱۱ اسفند

۵ جمادی الاول - ۲ مارس

به جلسه علنی رفتم. جلسه تا ظهر ادامه داشت. اصلاحات ارضی مطرح بود. وقت مخالف و موافق را یک بار تمدید کردیم، بالاخره کلیات تصویب شد. تا بعد از ظهر مراجعات داشتیم. شب جلسه مشورتی داشتیم با شورای عالی قضائی، رئیس جمهور و نخست وزیر در مجلس، درباره شرایط زندانیانی که به دستور امام باید مورد عفو قرار گیرند. عفت و بچه‌ها به مجلس آمدند و شب را در مجلس خوابیدند.

چهارشنبه ۱۲ اسفند

۶ جمادی الاول - ۳ مارس

تا ساعت نه مطالعه کردم. سپس در کمیسیون امور داخلی، برای بحث در طرح اطلاعات شرکت کردم. نخست وزیر هم بود و از سپاه و اطلاعات نخست وزیر هم آمده بودند. دو سه ساعت بحث شد. نتیجه کاملی نگرفتیم، ولی پیشرفت کردیم. قرار شد هفته آینده جلسه تکرار شود. ظهر و عصر چند ملاقات داشتم. جلسه هیأت رئیسه هم داشتیم. خبر رسید که آقای آیت الله العظمی محمد رضا گلپایگانی در جلسه درس، انتقاداتی علیه مجلس در خصوص لایحه اراضی داشته‌اند. تصمیم گرفتیم جواب بدهیم. آقای موسوی خوئینی‌ها قرار شد جواب تهیه کند. (بعداً با شنیدن نوار صحبت‌های ایشان معلوم شد که اعتراض نبوده، بلکه تأیید هم کرده‌اند. از جواب منصرف شدیم. قرار شد در خطبه نماز جمعه من تشکر

کنم). شب در مجلس ماندم. آقای بهزاد نبوی آمد و خبر از اختلافات شدید دو خط در سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی داد که نزدیک به انفجار سازمان است. گروهی می‌خواهند آقای راستی [کاشانی] به عنوان نماینده امام مطاع مطلق باشد و گروهی این زعامت را قبول ندارند. منجمه بهزاد؛ و خیلی نگران بود.

آقای [احمد] جنتی عضو شورای نگهبان آمد و درباره طرح تبلیغات و اختیارات شورای عالی تبلیغات نظرانی داشت و معتقد به تبلیغات مردمی بود نه دولتی و بعضی بر عکس طرفدار تمرکز تبلیغات در اختیار دولت‌اند؛ غیر از تبلیغات دینی و روزنامه‌ها و سایر مراکز فرهنگی معمول.

پنجشنبه ۱۳ اسفند

۷ جمادی الاول - ۴ مارس

پس از نماز و صبحانه، برای کلاس درس مواضع مطالعه کردم. در جلسه علنی شرکت کردم. آئین نامه داخلی مطرح بود و ۳۳ ماده از ۹۵ ماده تصویب شد. ظهر رؤسای نهادها و ادارات زنجان آمدند و برای ابقای استاندار زنجان، آقای صامت، که اخیراً در هیأت دولت تصویب نشده، کمک می‌خواستند.

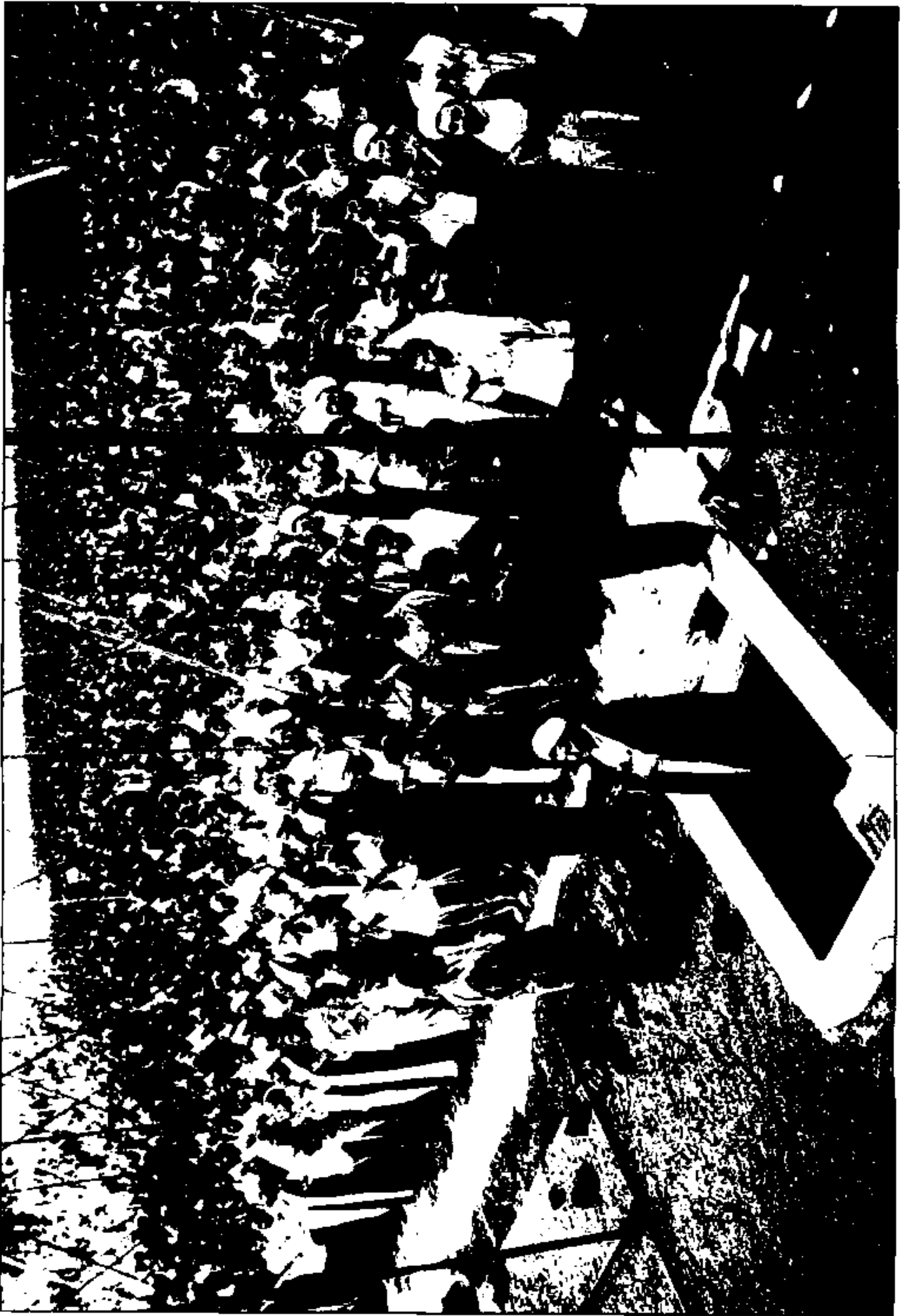
عصر، علما و رؤسای نهادها و ارگانهای ساوه آمدند و با آنها ملاقات کردم. سپس در کلاس مواضع حزب شرکت کردم و درس فلسفه تاریخ دادم.^۱ آقای هنردوست از وزارت نفت آمد و توضیحاتی درباره فروش نفت داد. چهار دلار ارزان کرده‌اند و فروش را به یک میلیون ونیم می‌توانیم برسانیم. رقابت تولیدکنندگان نفت در عرضه وضع بدی در قیمت‌ها پیش آورده. شب به خانه آمدم. خبر مهمی نداشتیم.

جمعه ۱۴ اسفند

۸ جمادی الاول - ۵ مارس

در خانه ماندم و مطالعه کردم و استحمام. برای اقامه نماز جمعه به دانشگاه رفتم. خطبه‌ای

۱ - کتاب هاشمی رفسنجانی - درس مواضع حزب جمهوری اسلامی - ۱۳۶۰.



در عدالت اجتماعی اسلام و خطبه‌ای درباره سفر [فرانسوا] میتران رئیس جمهور فرانسه به اسرائیل و آواره کردن نزدیک دو هزار عراقی به وسیله صدام و محاکمه چند ایرانی در فرانسه به جرم اقدام به ترور بختیار ایراد کردم^۱. ناهار به خانه برگشتم.

عصر احمد آقا آمد و نوار سخنان آقای آیت الله العظمی محمد رضا گلپایگانی را آورد و گوش دادیم. به شعار 'مرگ بر ضد ولایت فقیه' اعتراض دارند و از مجلس می‌خواهد که در تشخیص ضرورت و موضوعات احکام ثانویه، دقت و وسواس داشته باشد، ولی با خضوع و احترام صحبت کرده‌اند. من هم در نماز جمعه از ایشان تشکر کردم. قرار شد با مشورت با امام سخنان ایشان پخش شود. احمد آقا اطلاع داد که امام موافقت می‌کند.

شنبه ۱۵ اسفند

۹ جمادی الاول - ۶ مارس

در منزل مطالعه می‌کردم. ساعت ده به مجلس رسیدم. در کمیسیون مشترک امور داخلی و دفاع برای بحث درباره طرح اطلاعات شرکت کردم. نخست وزیر و سپاهیان هم بودند. اکثریت، نظرشان این بود که سپاه، ارتش و شهربانی هم در کنار اطلاعات مرکزی، اطلاعات در محدوده کار خودشان داشته باشند.

ظهر و عصر ملاقاتهایی داشتم. ناخداافضلی آمد و راجع به مین‌گذاری و مین‌روبی توضیحاتی داد. اطلاع داد که وابسته نظامی ایتالیا گفته: کشورهای نفت‌خیز منطقه مایلند شصت میلیارد دلار خسارت جنگ را از طرف صدام به ایران بدهند و ایران از شرط سوم که کیفر صدام است، منصرف شود. خبر داد که چهل کانتینر از اجناسی که ما در آمریکا از پیش از انقلاب داشته‌ایم وارد بنادر ایران شده و گفت: غریبها از تحویل اسلحه توسط شوروی به ایران نگرانند. به صرف خیال و وهم.

شب آقای دکتر ولایتی آمد و از اخبار پیشرفتهای سیاست خارجی گفت. کشورهای کوچک خلیج فارس از سیاست دوستی ما استقبال کرده‌اند. هیأت صد نفری اقتصادی ترکیه که

۱. کتاب 'هاشمی رفسنجانی - خطبه‌های جمعه - جلد اول'.

این روزها از کشور ما دیدن می‌کنند، مفید و کارگشاست. ضیاءالحق پیغام دار خودمان در مورد آتش بس را بگوئیم که از نظر ما دفاع کنند. سوریها هم این روزها بزرگی به ایران می‌فرستند. شب در مجلس ماندم، به اخبار گوش دادم و مطالعه کردم.

یکشنبه ۱۶ اسفند

۱۰ جمادی الاول - ۷ مارس

تا ساعت هشت مطالعه کردم. جلسه علنی داشتیم و تمامش درباره طرح آئین نامه بود که تا ماده ۸۰ تصویب شد. ظهر عده‌ای از سران نهادهای انقلابی از ناآمدند. از آموزش و پرورش گله داشتند. بعد از استراحت، عده‌ای از افسران شهربانی و رؤسای سیاسی ایدئولوژیک شهربانی آمدند و برای آنها صحبت کردم^۱.

در جلسه شورای مرکزی حزب شرکت کردم. مبادله اخبار و ارزیابی نتایج سفر هیأتها و دعوت مهمانها در مراسم سالگرد انقلاب و وضع انفجار آمیز سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی مطرح بود. معلوم شد، مجموعاً ۲۰ هیأت اعزامی ماحدود چهار میلیون تومان خرجشان شده و مهمانها مجموعاً نه میلیون تومان و نتایج خوبی داشته.

سپس در جلسه مشورتی با رئیس جمهور، نخست وزیر و وزیر خارجه شرکت کردیم. درباره کیفیت برخورد با هیأت اعزامی کنفرانس اسلامی برای میانجیگری در جنگ با عراق مشورت کردیم. قرار شد شرایط گذشته را تأکید کنیم. شام را مهمان آقای خامنه‌ای بودیم. عده‌ای از اسلحه فروشها از اروپایی خواهند بیایند و ویزا می‌خواهند. امروز چند بمب‌گذاری در شهر تهران کشف شده؛ مثل اینکه تروریستها به بمب‌گذاری بیشتر توجه کرده‌اند.

دوشنبه ۱۷ اسفند

۱۱ جمادی الاول - ۸ مارس

تا بعد از ظهر در منزل ماندم؛ با استراحت و مطالعه. در اثناء پیاده روی به داخل استخر که در حیاط است افتادم، کمی مجروح شدم ولی بحمدالله به خیر گذشت. عصر به مجلس رفتم.



استقبال از هیئت میانه‌جی جنک توسط رئیس جمهور آیت الله خامنه‌ای

گروهی از مردم و مسئولان دماوند و فیروز کوه آمدند، برای آنها صحبت کردم. عبدالحمید معادیخواه آمد و راجع به انتخابات سرپرستان حوزه علمیه قم از طرف طلاب کمک می‌خواست. می‌گفت: آیت‌الله گلپایگانی مخالف‌اند. گفتم: با امام صحبت کردم، موافقت ولی نمی‌خواهند متسبب به ایشان باشد.

در نخست وزیری در جلسه مذاکره با نمایندگان کنفرانس اسلامی که برای میانجیگری در جنگ با عراق آمده‌اند، شرکت کردم. آقایان سکوت‌نوره رئیس‌جمهور گینه، ضیاء‌الحق رئیس‌جمهور پاکستان، عبدالستار رئیس‌جمهوری بنگلادش، ایلنداولوسو نخست‌وزیر ترکیه، حبیب شطی دبیرکل اتحادیه عرب و وزرای خارجه آنها بودند. دو ساعتی در جلسه رسمی و دو ساعتی هم در جلسه غیر رسمی بحث کردیم. پیشنهاد قابل قبولی نداشتند. می‌گفتند: آتش بس را بپذیرید و با مذاکره دربارهٔ ابروندرو، موافقت کنید. مرزهای زمینی همان باشد که در قرارداد الجزایر است. صدام می‌گوید که پس از آتش بس، مذاکره و سپس خروج نیروهای عراق. ما روی شرطهای قبلی پافشاری کردیم: خروج بی قید و شرط، پرداخت خسارات و کیفر متجاوز و برگشت آوارگان عراقی. شام را مهمان ما بودند و آخر شب با بدرقه رسمی به جده رفتند. من مصاحبه کردم؛^۱ برای توضیح نتایج مذاکرات. شب در مجلس خوابیدم.

سه شنبه ۱۸ اسفند

۱۲ جمادی الاول - ۹ مارس

جلسه علنی داشتیم. لایحه بودجه در دستور بود. بحث در کلیات است، نوعاً موافق و مخالف، حرفهای کم ارتباط می‌زدند. بحث مهندس عزت‌الله اسحایی^۲ که در جلسه غیر رسمی کرد، مفید بود. از نمایندگان خواست، زیاد هنگام مخالفت روی تورم زایی بودجه که به خاطر بعضی مالیاتهای جدید مورداعاست، صحبت نکنند که التاء تورم است. بعد از ظهر مجلس

۱. رکیات آهانهی رفیجانی، معادیه‌های ۱۳۶۰.

۲. مهندس عزت‌الله اسحایی در دور اول مجلس شورای اسلامی، ریاست کمیسیون برده و بوده را عهده‌دار بود. وی فرزند دکتر بدالله اسحایی از جمله سران ملو گریبان هستند.

ادامه داشت ولی من شرکت نکردم.

خبر مرگ آقای ربانی شیرازی در اثر تصادف اتومبیلش نزدیک دلیجان، دیروز و امروز از مسائل روز بود. امروز صبح قبل از دستور در مجلس در آن باره و حق ایشان بر انقلاب، صحبت کردم^۱. احمد آقا تلفن کرد. قرار شد فاتحه‌ای از طرف دفتر امام گرفته شود. شدیداً متأثریم. هم‌رزم تمام دوران مبارزه بودند^۲.

چند ملاقات داشتم؛ منجمله سفیر کره شمالی که خواستار توسعه روابط و وام نفتی بود و یک قطعه روتختی ابریشمی از طرف همسر رئیس مجلس کره آورد، در جواب هدیه عفت که مقداری پسته برده بود. شب، جلسه شورای مرکزی روحانیت مبارز در مجلس در دفتر من تشکیل شد. غیر از کارهای معمولی، درباره مجلس خبرگان و رهبری آقای حسینعلی منتظری تصمیم گرفتیم و برای کاندیداهای عضویت خبرگان برای تمام کشور افرادی را در نظر گرفتیم. نزدیک ساعت دوازده جلسه ختم شد. شام را هم همان جا خوردند. شب در مجلس خوابیدم. خبر مهمی نداشتیم.

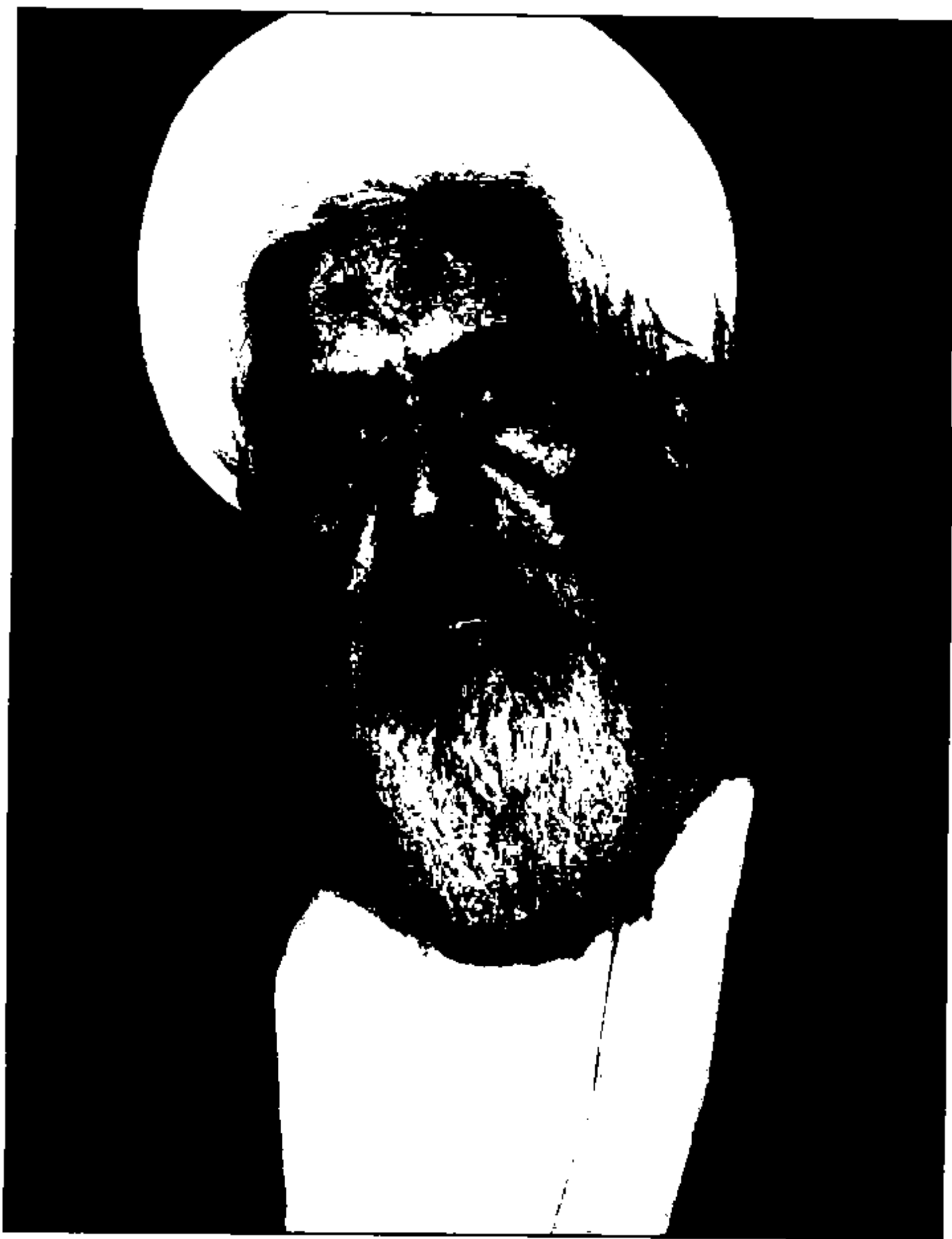
چهارشنبه ۱۹ اسفند

۱۳ جمادی الاول - ۱۰ مارس

جلسه علنی درباره بودجه بود. اداره نصف وقت جلسه را به عهده آقای خوئینی‌ها گذاشتم. سرماخوردگی دارم. برای استراحت و انجام کارهای اداری مجلس به دفترم آمدم. بعد از ظهر جلسه هیأت رئیسه داشتیم. عصر چند ملاقات داشتم و شب به خانه آمدم. کسالت دارم. با کمی تب در اثر سرماخوردگی خوابیدم. مطلب مهمی نداشتیم. روزانه دو سه ترور کم اهمیت در گوشه و کنار شهر تهران، معمولاً این روزها از طرف منافقان و ضدانقلاب انجام

۱. کتاب هاشمی رفسنجانی، نسخه‌های پیش از دستور، ۱۳۶۰.

۲. آیت‌الله عبدالرحیم ربانی شیرازی عضو فقهای شورای نگهبان و نماینده امام (ره) در استان فارس از روحانیون انقلابی بود که سالها در زندانهای ستمشاهی زاملاجات ریادی را تحمل کرد. ایشان فروردین ۶۰ توسط تروریستها در شیراز ترور شد اما از این ترور جان سالم به در برد. آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در دوران زندان غزل قلعه مدتها با این عالم جلیل‌القدر هم سئول بودند و در خاطرات دوران مبارزه بارها از ایشان یاد کرده‌اند.



آیت الله عبدالرحیم ربانی شیرازی

می شود وعده‌ای هر روز دستگیر می شوند و محاکمه و کیفر هم هست. ظهر شهردار تهران آمد و راجع به برنامه‌های شهرداری و مسائل ساختمان و ضوابط ساختمان مشورت نمود. شب وزیر مسکن، معاونانش و دکتر هادی آمدند و راجع به لایحه اراضی شهری و قیمت مشورت کردند. قرار شد قیمت زمین بین صد تومان تا پانصد تومان تعیین شود و یا همان قیمت منطقه‌ای سال. نمایندگان جبهه آزادیبخش بحرین امروز در مقابل مجلس تظاهرات داشتند. به خاطر جلب حمایت عمومی در خصوص محاکمه ۷۳ نفر بحرینی که به اتهام کودتا در بحرین محاکمه می شوند.

پنجشنبه ۲۰ اسفند

۱۴ جمادی الاول - ۱۱ مارس

صبح زود به مجلس رفتم. جلسه علنی در ادامه بررسی لایحه بودجه داشتیم. هنوز مخالف و موافق در کلیات صحبت می کنند؛ خسته کننده، کم محتوا. ساعت ده جلسه را به آقای خوئینی‌ها نایب رئیس سپردم و به دفترم رفتم. آقای خامنه‌ای تلفن کردند و از عدم مراعات سیاست خارجی در تبلیغات رادیوتلوویزیون گله داشتند. برای پاسدارانشان از من خانه‌ای اطراف مجلس خواستند. ما خانه‌های اطراف مجلس را می خریم. گفتم اینها برای نمایندگان است. قرار شد در جای دیگری نزدیک خودشان که در اختیار مجلس است، داده شود. ظهر چند ملاقات داشتم. عصر کلاس مواضع حزب جمهوری بود که درباره فلسفه تاریخ درس دادم. بعد از جلسه، گروهی از سبزوار آمدند و راجع به آقای علوی عالم شهر حرفهایی داشتند. منظورشان این بود که حمایت ما را برای مبارزه با او جلب کنند. آقای نظران برنامه جلسه آینده شورای عالی دفاع را آورد و آمار تلفات انسانی از اول جنگ تا کنون. رقم، آن مقدار که مبالغه آمیز گفته می شود، نیست.

جمعه ۲۱ اسفند

۱۵ جمادی الاول - ۱۲ مارس

امروز در خانه ماندم. نماز جمعه را هم آقای امامی کاشانی اقامه کردند. احمد آقا ظهر آمد و راجع به مسائل جاری مشورتی انجام شد. شب جلسه شورای عالی دفاع بود، ولی من شرکت نکردم. در خانه استراحت نمودم.

شنبه ۲۲ اسفند

۱۶ جمادی الاول - ۱۳ مارس

صبح زود به مجلس رفتم. لایحه بودجه مطرح بود و بحث در کلیات بود. بعد از ظهر چند ملاقات داشتم. شب را در مجلس ماندم. خبر مهمی نداشتیم. گزارشهای زیادی جمع شده بود، مطالعه کردم. مخالفان بودجه بیشتر با سیاستهای جدید مخالفت می کنند. بعضی ها هم خواهان ریاضت بیشترند.

بودجه امسال، از طرف دولت نسبتاً خوب تدوین شده ولی در کمیسیون بودجه مقداری از اتکاء به نفت کاسته شده و اتکاء بر مالیاتها زیاد شده که بعضی نگرانند، باعث تورم شود و عده ای از نمایندگان خیال می کنند، سوء نیت در کار بوده. رئیس کمیسیون برنامه و بودجه آقای مهندس [عزت الله] سعابی مقداری تلاش کرد که نمایندگان از تورم زایی بودجه چیزی نگویند، ولی نمایندگان پذیرفتند.

یکشنبه ۲۳ اسفند

۱۷ جمادی الاول - ۱۴ مارس

بحث جلسه علنی که از ساعت هفت و نیم تا یک بعد از ظهر جریان داشت، درباره بودجه بود و مثل دیروز مقداری از وقت جلسه را آقای خوشینی ها اداره کرد. در دفترم چند ملاقات انجام دادم. عصر در شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی شرکت کردم. آقای [عبدالله] جاسبی گزارش کار واحد تحقیقاتی را داد. جزوهای فراوان تحقیقاتی آورده بود. بنا شد بررسی شود و در روزنامه منتشر شود.

جلسه ای با نخست وزیر و رئیس جمهور و وزیر خارجه داشتیم. درباره مواد قرار داد با

هیأت سوری که آمده‌اند، بحث کردیم. مطرح است که یک میلیون تن نفت خام مجانی به سوریه بدهیم به عنوان شرکت در هزینه جهاد با اسرائیل و بقیه را تا نه میلیون تن به قیمت عادلانه بفروشیم و از آنها جنس بخریم. شام را همان‌جا خوردیم. این روزها هیأت سوری در کشور است و اثر خوبی دارد. قراردادش با یک کشور انقلابی عرب در کنار ما در جنگ با عراق خیلی مفید است و مانع جا افتادن فکر جنگ عرب با عجم است. و قطع خط لوله انتقال نفت عراق به مدیترانه از خاک سوریه و نیز قطع دسترسی عراق به بنادر سوریه در مدیترانه، تأثیر خوبی به نفع ما در جنگ دارد.

دوشنبه ۲۴ اسفند

۱۸ جمادی الاول - ۱۵ مارس

ساعت هفت و نیم جلسه علنی تشکیل شد و قرار شد صبح و عصر جلسه داشته باشیم. امروز هم تمام وقت را بحث در کلیات گرفت. من هم به عنوان موافق صحبت کردم. و به شیوه مخالفت و مطالب مخالفان انتقاد کردم. مؤثر واقع شد و فکر می‌کنم بودجه را از رد شدن نجات داد. مخالفتها وسیع است، اگر لایحه رد شود به بودجه‌های بی ثبات ماهانه می‌افتیم و در شرایط جنگی مضر است.

چند ملاقات در دفترم داشتم. سفیر زلاند جدید و کاردار پاکستان آمدند. کاردار پاکستان دعوت کرد که در جلسه جشن سالگرد استقلال پاکستان شرکت کنم. سفیر زلاندنو خواستار توسعه روابط بود. آنها به ما گوسفند می‌دهند. اخیراً به آنها گفته‌ایم که باید در مقابل نفت بگیرند. شب وزیر خارجه سوریه با همراهان آمدند. از نتیجه مذاکرات و پیمانهای منعقد شده راضی بودند. بیش از دو میلیارد دلار قرار داد مبادله نفت و کالا بسته‌اند. در هر بشکه ۳ دلار تخفیف گرفته‌اند، چون قبلاً نفت را با لوله از عراق در خاک خودشان تحویل می‌گرفته‌اند و اینک باید در خاک از ما بگیرند؛ البته ما مایل بودیم مقداری مجانی بدهیم، نه تخفیف؛ به اسم کمک به جهاد فلسطین.

بیشتر بحثها درباره مسائل عراق پس از صدام - اگر سقوط کرد - بود. شب در دفتر من آقایان

خامنه‌ای، مهدوی اکنی، اموسوی اردبیلی، امامی اکاشانی، و موحدی کرمانی آمدند و راجع به کاندیداهای مجلس خبرگان مشورت کردیم.

سه شنبه ۲۵ اسفند

۱۹ جمادی الاول - ۱۶ مارس

پس از نماز و صبحانه به جلسه رفتم. رئیس سازمان برنامه و بودجه، آقای دکتر محمد تقی بانکی از بودجه دفاع کرد. کلیات تصویب شد و وارد تبصره‌ها شدیم. صبح و عصر جلسه داشتیم، پیشرفت خوب بود. حدود ۳۰ تبصره از ۹۴ تبصره را گذراندیم. شب در مجلس ماندم و چندین ملاقات داشتم. مقداری گزارشها را خواندم.

نامه‌ای از آیت الله گلپایگانی خطاب به نمایندگان رسید که در لایحه‌های اراضی شهری و اراضی کشاورزی و به طور کلی لوایح در جهت محدودیت ثروت، اعتراض داشته و خطر نفوذ سوسیالیسم را گوشزد کرده‌اند. اکثر نمایندگان را عصبانی کرده. نامه را که هفت صفحه است به دیوار چسباندیم. قرار شد جواب نامه را بدهیم.

مهندس اعزت الله اسحابی که قرار بود از بودجه دفاع کند و اسم نوشته بود، از زیر بار در رفت؛ نمی‌دانم چرا؟ به من نوشته که استخاره کرده است، مکرراً بدآمده و این عجیب است؛ با اینکه رئیس کمیسیون برنامه و بودجه است.

چهارشنبه ۲۶ اسفند

۲۰ جمادی الاول - ۱۷ مارس

امروز هم صبح و عصر جلسه علنی داشتیم. بحث درباره بودجه بود و بالاخره آخر وقت کار لایحه را تمام کردیم و با اکثریت قاطع با اصلاحات تبصره‌های مربوط به مالیاتهای جدید تصویب گردید. شب را در مجلس ماندم، مطالعه کردم و چند ملاقات داشتم. خبری داشتیم که در غرب اهواز، پاسداران حمله محدودی کرده‌اند. جمعی اسیر گرفته‌اند و عده‌ای را کشته‌اند.

از طرف دولت گفتند چون آقای عطاری نماینده اراک ضمن بحث در مخالفت با بودجه

گفته اسکناسهای بزرگ را بگیری و به جای آن رسید بدهید، باعث شده پولدارها بترسند و حدود دو میلیارد تومان پول خود را از بانکها بگیرند. این نشان کم اعتمادی پولداران و حساسیت مسائل اقتصادی است که لازم است، فکری کرد و مردم را مطمئن کرد. یا خبر شدم که رئیس مجلس مالزی سید نصیر اسماعیل که در مالزی مهمان ایشان بودم، با سکه فوت کرده است، به نمایندگان مجلس مالزی تسلیت گفتم.

پنجشنبه ۲۷ اسفند

۲۱ جمادی الاول - ۱۸ مارس

بعد از نماز تا ساعت هشت صبح مطالعه کردم و سپس جلسه علنی تشکیل شد. سخنرانی رئیس جمهور و لایحه اراضی شهری مطرح بود. نامه‌ای از رئیس اتحادیه بین‌المجالس اعراب، آقای کامل اسد رسیده که برای مخالفت با آمدن پارلمان اروپا به اسرائیل استمداد کرده. نامه را قبل از دستور در مجلس خواندم و در این رابطه صحبت‌هایی هم کردم^۱. از عربها خواستم مبارزه جدیتری بکنند و به غریبها در مسأله فلسطین اعتماد نکنند.

عده‌ای خواستار تشکیل جلسه رسمی غیر علنی شدند که در رابطه با لایحه اراضی شهری صحبت‌های محرمانه بشود. آقای [محمد] یزدی نایب رئیس و بعضی دیگر از خطر اختلاف با آیت الله گلپایگانی و... گفتند. من لزوم ادامه کار را گفتم و تذکر دادم که بر حقیق و امام و حجت با ماست چرا کوتاه بیاییم، بالاخره تصویب شد و قیمت اراضی را همان قیمت منطقه‌ای رسمی اعلان کردیم.

آقای خامنه‌ای رئیس جمهور، نزدیک ظهر صحبت را شروع کردند و تا ساعت یک بعد از ظهر صحبت کردند. نامه جواب آیت‌الله گلپایگانی هم تهیه شد و در مجلس غیر رسمی خوانده شد و عده‌ای که حضور داشتند، امضاء کردند. عصر هیأت رئیسه داشتیم. چند عقد ازدواج را برای پاسداران اجرا کردم.

شب جلسه شورای عالی دفاع داشتیم. طرح عملیات کربلای ۲ را بررسی کردیم. سپس

۱. کتاب هاشمی رفسنجانی - نطق‌های پیش از دستور ۱۳۶۰.

بررسی ستادی برای توسعه ارتش مطرح شد که آماری از وضع ارتشهای مجاور و منطقه دادند؛ سپس جلسه خصوصی با آقای خامنه‌ای و آقای نخست وزیر داشتیم. قرار شد فردا آقای خامنه‌ای نماز جمعه بخوانند. بعد از سوء قصد به ایشان به دستور امام من اقامه جمعه را به عهده گرفتم و امام جمعه‌های موقت دیگری را با اجازه امام برگزیدم. باعث خوشحالی مردم خواهد شد که سلامتی ایشان در حد قابل اطمینان است.

جمعه ۲۸ اسفند

۲۲ جمادی الاول - ۱۹ مارس

در خانه ماندم. آقای درویش با آقای باقری صبح آمدند و برای ما حلیم آوردند و آقای باقری از نایب‌امانیهای دانشکده افسری بعد از شهادت سرهنگ نامجو گفت. نماز جمعه را امروز آقای خامنه‌ای - امام جمعه اصلی - اقامه کردند. سخنران قبل از نماز، آقای [یوسف] صانعی عضو شورای نگهبان بودند.

مردم احساسات فراوانی برای آقای خامنه‌ای ابراز کردند. ایشان خطبه‌ها را ایراد و نماز جمعه را اقامه کردند و نماز عصر را به آقای جنتی واگذار نمودند، برای اینکه بعد از نماز هجوم مردم مانع عبور نشود، در بین نماز دانشگاه را ترک کردند. عصر در منزل استراحت و پیاده روی و مطالعه داشتم.

از جبهه تماس گرفتند و گفتند، دشمن از ناحیه جنوب کرخه کور حمله کرده و شکست خورده و اسیر داده است. عصر حمید، سعید، فاطمی و فائزه هم آمدند و به همه آنها هر نفر پانصد تومان عیدی دادم و به تمام پاسدارها و ۲۳ نفر اعضای دفترم در مجلس به هر یک هزار تومان عیدی دادم که مجموعاً نزدیک سی هزار تومان شد. عفت هم پنج هزار تومان عیدی گرفت.

شنبه ۲۹ اسفند

۲۳ جمادی الاول - ۲۰ مارس

امروز تعطیل بود و در خانه ماندم. مطالعه می‌کردم. پیش از ظهر احمد آقا آمد. یک جفت

کفش که برای امام عیدی آورده بودند، به من داد. نامه‌ای از اتحادیه انجمن اسلامی دانشجویان اروپا به امام را به ایشان دادم، خواسته‌اند که امام پیامی برای سمینارشان بفرستند. در مورد نامه نمایندگان مجلس به آقای گلپایگانی هم نظر احمدآقا این بود که امام مخالف نیستند ولی درست نیست که منتسب به کسب اجازه از ایشان بشود.

از طرف تلویزیون آمدند و پیامی به مناسبت لحظه تحویل سال از من ضبط کردند. دوسه بار فیلم خراب شد و مقداری از وقتم را تلف کردند. با اخوی محمد، تلفنی صحبت کردم و تذکراتی در مورد برنامه‌های تلویزیون دادم.

ظهر آقای [محسن] رضایی از دزفول تلفن کرد و گفت عراق در ناحیه شوش از دیشب حمله کرده و از من می‌خواست که به جنوب بروم؛ برای مطلب مهمی که دارند. گفتم ایشان به تهران بیاید که بتوانیم با امام و دیگران هم مشورت کنیم. ایشان با یک جت اف ۵ آمد. ساعت چهار بعد از ظهر به اینجا رسید. نیم ساعت در راه بوده است، معلوم شد حمله عراق موفق نبوده و حدود صد اسیر از عراقیها گرفته‌اند. صدها نفر از آنها را کشته‌اند و آنها را متوقف کرده‌اند، ولی جنگ ادامه دارد و ممکن است نیروهای ما را مشغول کنند و مانع انجام طرح بزرگ کربلای ۲ بشوند. مشورت داشت که از محورهای دیگر حمله کنیم، پذیرفتیم. امام را هم زیارت کردند. [استخاره] می‌خواست که امام گفتند مورد استخاره نیست، به امید خدا با معیارهای عقلانی عمل کنید. عصر آقای [علی اکبر] محتشمی سفیر ما در سوریه آمد و درباره مشکلاتش در رابطه با سفر سوریه‌ها به ایران از من کمک خواست. آخر شب آقای [محسن] رضایی اطلاع داد که امشب عملیات نداریم.

کتابخانه شخصی حضرت آیت الله العظمی بروجردی
 در تهران

- ۸ اردو نظر برود در فتنه نامه مطالع مطهرم به سزاظر بعد از آن
- ۹ آید یک صفت گفتند از امام عبیر ادره برنده بمن دار و نامه از
- ۱۰ انگاره دکن دست در انگور اردو به امام را به اکت دارم فزاد است
- ۱۱ که نامه بسیار از استعارت کتب است در مورد نامه گان بجز به
- ۱۲ ملک بکریه نظر بعد از نام خود امام مخالف رفته ولی در است
- ۱۳
- ۱۴ از طرف موزون آمده در بیای می است کلمات در کتب
- ۱۵ از من ضبط کرده در سر بار بیخ فوات در بعد از از وضع تلف
- ۱۶
- ۱۷ با غیر خود تلفی است کردیم و نه زانی در مورد نامه
- ۱۸ نظر در ضمن از زنون تلفن در وقت عوار و تان فزاد
- ۱۹ در وقت کلمه کرده دامن بخورد که به خوب ادرم
- ۲۰ نامه که خوانده نصیح است به هر آن بیاید که بر او با امام

باجتاهت کتب کتب ... لفظ ملی شدن صنعت نفت این است
 Note
 آمد ساعت ... بعد از ظهر به اینباره ...
 علم عراق رونق ببرد ...
 آنها داشته اند ...
 نبرد که ...
 که از خود ...

کتابخانه شخصی حضرت آیت الله العظمی بروجردی در تهران

شکر خدای را که توفیق تدوین بخش تاریخ سال ۱۳۶۰ را عطا فرمود

شکر خدای را که توفیق تدوین بخشی از تاریخ سال ۱۳۶۰ را عطا فرمود

روایت هجران



به سخت جانی خود اینقدر نبود امیدم که ...

روزنامه جمهوری اسلامی با دعوت عامی خواسته است که هر کس می خواهد، می تواند برای شهدای فاجعه انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی مقاله بنویسد.

و من که فرصتم از خیلی ها کمتر است، این دعوت را بیش از همه، متوجه خودم می بینم و شما هم انصاف بدهید که امروز در پشت کره زمین، کسی نیست که به اندازه من فکر و کار و احساس و شغل و سابقه و آینده و بالاخره موجودیتش به آن فاجعه عظیم و قهرمانان شهیدش بسته باشد.

مطمئنم که قلمم قدرت ترسیم حال و احساس و ادراکات و تصورات آن لحظاتم را ندارد و شاید اگر آن شب چیزی می نوشتم، صورت گویاتری را در تاریخ ثبت می کردم؛ اما بالاخره هنوز هم شبی از آن حالات را در خود دارم و اگر میسور را با معسور از دست ندهم، بهتر است.

شنبه

به یک روز قبل از حادثه برگردید: روزشنبه ۶ تیر ۱۳۶۰ دو ساعت و اندی بعد از ظهر از چاه سیصد و پنجاه متری معادن ذغال سنگ باب میزوی زرند کرمان، پس از دو ساعت گشت و گذار در تونلهای سیاه و تاریک و مرطوب ذغال سنگ بیرون آمدم و داشتم به حال کارگران زحمتکش و مظلوم معادن ذغال فکر می کردم. فرمانده ژاندارمری منطقه، رشته فکرم را برید و گفت: «به جان آیت الله خامنه‌ای امام جمعه تهران سوء قصد شده و ایشان را به بیمارستان برده‌اند» و عقل به خرج داد و اضافه کرد جراحی سطحی است و ایشان را خطری تهدید نمی کند. اگر این را نمی گفت نمی دانم در آن حالت چه بر سرم می آمد؛ اما همین اضافه توانست خاطرتم را کمی آرام کند.

فقط چنین خبر موحشی می توانست فکرم را از زندگی مشکل معدن کاران جدا کند؛ که کرد. فوراً لباس معدنچیان را در آوردم و خودم را شستم و لباس خودم را پوشیدم به شهر زرند آمدم،

سخنرانی کوتاهی برای مردم نجیب و منتظر زرنند در مسجد جامعه نمودم و عذرم را گفتم و لابد پذیرفتند و یکسره به فرودگاه کرمان رفتم و با اینکه هواپیما را کمی معیوب می‌دیدند، اول شب خود را به تهران رساندم و تا در بیمارستان قلب، ایشان را زنده ندیدم، آرام نگرفتم. گرچه در فرودگاه کرمان هم به وسیله تلفن، چنین اطمینانی داده بودند، ولی «شنیدن کی بود مانند دیدن».

چند ساعت - از سر معدن باب میزو تا اتاق سی، سی، یو، - تمام فکرم در فضای معطر زندگی هم‌رزم و همراه دوران مبارزات و یار و حلال مشکلات فراوان امروز و آینده انقلاب می‌گشت.

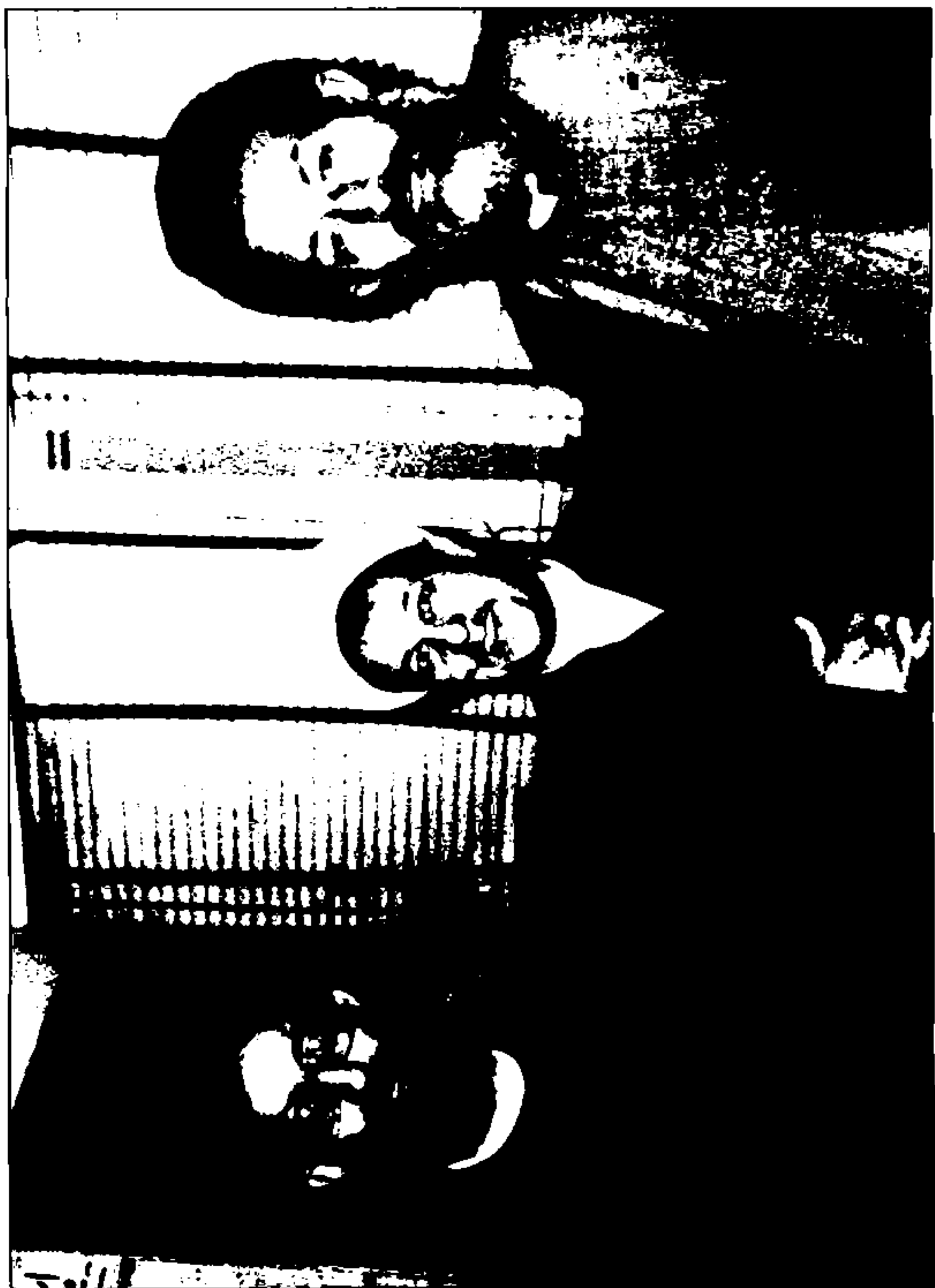
نقش امام جمعه تهران را در مبارزات زمان شاه از اول تا آخر، زندانهایش، شکنجه‌هایش، تبعیدهایش، سخنرانیهایش، فکر دادن‌هایش و نوشته‌هایش و ... را.

و آثار حضورش در شورای انقلاب، در حزب جمهوری اسلامی، در دولت موقت، در ارتش، در جنگ و در سپاه پاسداران انقلاب و در نهادهای دیگر انقلاب، در بیج توده مردم و در مجلس شورای اسلامی.

صدای گیرا و نیروبخشش را در خطبه‌های جمعه تهران و لحن گرم و حال‌آورش را در قرائت سوره‌های قرآن نماز جمعه و بیشتر از همه کمک‌هایش به امام امت در امور کشور و ارتش و جنگ را که مهمترین مسأله کشور بود.

یکشنبه

روز یکشنبه هفتم تیر صبح زود به بیمارستان رفتم؛ حال ایشان را به روبه بهبودی توصیف کردند. علاوه برگفته آنان نقطه روشن‌ترین بود که ایشان من را شناخت و کمی خوشحال‌تر شدم. به مجلس رفتم قبل از دستور، در رابطه با سوء قصد نافرجام مطالبی تحلیل‌گونه گفتم. بالاخره هر طور بود تا آخر جلسه تاب آوردم و پس از جلسه تلفنی از بیمارستان قلب خبر



آیت الله محمد حسین بهشتی. آیت الله اکبر هاشمی رفسنجانی. آیت الله سید علی خامنه ای

گرفتم. دکترها حاضر نبودند، کاملاً ما را مطمئن کنند؛ اما و اگر می گذاشتند. بعد از ظهر مطابق معمول در جلسه شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی در همان دفتر مرکزی شرکت کردم و ساده لوحانه با همان شرایط حفاظتی گذشته؛ مهمترین بحث شورای مرکزی بعد از تحلیلی از مسائل جنگ، مساله وزیر خارجه بود. پس از مدت‌ها کارشکنی بنی صدر حالا که دیگر او خلع شده بود، آقای رجائی با موافقت شورای ریاست جمهوری، آقای مهندس میرحسین موسوی را به عنوان وزیر خارجه به مجلس معرفی کرده بود و قرار بود مجلس نظر بدهد.

خوب یادم است که آن روز احساس جدیدی بر جلسه حاکم بود، به خاطر سوء قصد به جان یکی از مؤسسان و امیدهای حزب و هم به خاطر نجات معجزه آسایشان. و نمی دانم چرا آن روز شهید مظلوممان در جلسه خیلی انس و محبت از وجودش و کلماتش و برخوردهایش تراوش می کرد: شاید الهام و شاید هم قصد دلنداری دادن به دیگران، جواب این چرا باشد. نزدیک مغرب، جلسه ختم شد. طبق معمول بایستی خودمان را آماده کنیم برای جلسه دیگری که پس از نماز مغرب با ترکیبی از نمایندگان مجلس و وزراء و معاونان و مسئولان اجرائی و قضائی کشور - که عضو یا هوادار حزب بودند - و افراد مؤثر حزب تشکیل می شد و درباره مسائل مهم کشور و انقلاب، بحث و بررسی آزاد داشت و تقریباً همه می دانستند که چهره های مؤثر خط امام در این مجلس شرکت دارند.

من چون با پزشکان معالج امام جمعه مصدوم در بیمارستان و هم با حاج احمد آقا فرزند امام در منزل قرار داشتم، برای جلسه دوم نماندم و با کمی تاخیر به بیمارستان رسیدم. هم آقای خامنه ای را زیارت کردم و هم درباره حال ایشان با دکترها صحبت کردم. آنها گفتند حداقل چند ماهی ایشان قادر به اقامه نماز جمعه نخواهند بود، گرچه این بار اطمینان به رفع خطر پیدا کرده بودند.

حدود ساعت ۹ شب به خانه رسیدم. یادم نیست که احمد آقا آمده بودند یا نه. و بهر حال چه بودند و چه آمدند، مشغول مذاکره شدیم. - گرچه اهل خانه می گویند یک ربع ساعت قبل از من

رسیده‌اند. آقای موسوی خوئینی‌ها هم با ایشان بودند. درباره ریاست جمهوری بعد از عزل بنی‌صدر حرف می‌زدیم که تلفن زنگ زد، بچه‌ها گفتند آقای شیخ حسن اصانعی از دفتر امام می‌خواهند تلفنی با من صحبت کنند. فکر کردم با حاج سید احمد کار دارند، ولی خیلی زود فهمیدم خودم را می‌خواهد. می‌خواست هم از حالم مطلع شود و هم از «انفجار حزب» بگوید و یا بپرسد.

مثل اکثر موارد مهم دیگر، قبل از همه بیت امام از فاجعه اطلاع یافته بود و طبیعی هم همین است. مردم اگر گرفتار شوند یا خوشحال یا متحیر شوند، قبل از هر جا به مرکز انقلاب توجه می‌کنند.

آقای صانعی بزرگ، با لحنی آرام و معلو از نگرانی و اضطراب گفت: می‌گویند انفجار عظیمی که جنوب تهران را لرزاند، در دفتر مرکزی حزب رخ داده و بخشی از ساختمان را ویران کرده و صدای آژیر آمبولانس‌ها و آتش‌نشان‌ها و ضجه مردم همه چیز را تحت‌الشعاع گرفته و دود و غبار از سرچشمه به آسمان می‌رود.

هرکس دیگر هم جای من بود، با این مقدار خبر فاجعه را به بزرگی خودش در آن لحظه تصور نمی‌کرد، هر چند بدین و سواسی تا چه رسد به من که اصولاً آدم خوشبینی هستم و تا در قعر حادثه قرار نگیرم، مصیبت را همیشه کوچک و نعمت را بزرگ می‌بینم.

البته خیلی ناراحت شدم؛ اما نه به اندازه وسعت فاجعه و حجم مصیبت. فوراً خبر را به احمد آقا منتقل کردم و بحثمان عوض شد و اولین تصمیم این شد که احمد آقا زودتر به منزل برود که امام در خانه تنها نباشند و بر کیفیت انتقال خبر به امام و تماس مردم با بیت و برخورد بیت کنترل داشته باشند، از مهمترین نگرانیها وضع قلب امام بود که در صورت وسعت و عمق فاجعه حداکثر ظرافت در کیفیت نقل خبر به محضر امام لازم بود. گرچه بعداً یکبار دیگر معلوم شد روح امام بزرگ‌تر و روحیه ایشان قوی‌تر از حد تصور ما است؛ حتی بعد از ناراحتی قلبی اخیر.

احمد آقا رفت و من کنار تلفن نشستم، همان دو سه تماس اول به کلی روحیه‌ام را افسرده

کرد و اهل خانه پی به اضطرابم بردند و دورم جمع شدند. معلوم شد انتحار در همان سالن جلسه بوده و آن هم در حالی که جلسه شکل گرفته و تقریباً همه جمع شده‌اند. روشن است که توقع نداشتم به آسانی افرادی را پیدا کنم که به طور طبیعی در آن جلسه نباشند و بتوانند طرف صحبتهای لازم آن لحظه من باشند، هر کس را به خاطر می‌آوردم، می‌دیدم عضو جلسه است.

در شب حادثه، از منزل با اینجا و آنجا تماس می‌گرفتم تا خبری بگیرم. یک لحظه گوشی تلفن را روی تلفن گذاشتم، ولی دستم را جدا نکرده بودم که به محض خطور یک آدم مناسب به ذهنم نمره‌اش را بگیرم. تلفن زنگ زد و زنگ تلفن مثل حالت برق گرفتگی مرا لرزاند و نمی‌دانم چرا؟ صدائی از آن طرف می‌آمد که خیلی برایم زیبا بود و لذت بخش و باور نکردنی که یک لحظه همه غصه‌ها را از خاطر برد، صدای دکتر باهنر بود؛ بم، گیرا، گرفته و مضطرب. باور نکردنی، چون ایشان را در آخرین لحظه در حزب دیده بودم و بنا داشت بماند و در جلسه شرکت کند. گیرا مثل همیشه و لذت بخش برای اینکه سالم بودن ایشان می‌توانست دلیل خوبی بر سالم بودن خیلی‌ها منجمله آقای بهشتی باشد.

گرفتگی و اضطراب هم که برای شما معلوم است، چرا. گرچه ماجرا تا آن لحظه به خوبی هنوز معلوم نبود، حتی ایشان هم هنوز نمی‌دانست که کار به کجا می‌کشد و کی می‌ماند و کی نمی‌ماند. می‌دانست عجله دارم بفهمم و ایشان هم مثل من خوشحال شد که من زنده‌ام. مطمئن نبود که من در جلسه نبوده‌ام، از دربان شنیده بود که من خارج شده‌ام و به امید اینکه همدردی و همدلی پیدا کند، تلفن مرا گرفته بود. فوراً شروع کرد به گفتن و گفت:

داشتم می‌رفتم داخل جلسه، بیرون سالن به درخشان (شهید) برخوردم. دو سه کلمه با هم حرف زدیم. دید خیلی خسته‌ام. - دکتر باهنر وقتی که خسته می‌شد قیافه و چشماییش خیلی روشن، خستگی را نشان می‌داد؛ معمولاً آن قدر کار می‌کرد که به این حال می‌افتاد - اصرار کرد



که به جلسه نیا و برو استراحت کن.

آمدم نزدیک درب بزرگ. همان لحظه که می خواستم سوار ماشین شوم، انفجار رخ داد. شعله آتش تا کنار در خروجی رسید و شیشه های ساختمان وسط شکست. دیوارهای سالن عقب رفت و سقف یکپارچه پائین آمد و تمام حضار را زیر گرفت. برق خاموش، صدای ضجه و استغاثه و ذکر و دعا از زیر آوار به گوش می رسید. با وسایل دستی، ممکن نیست سقف را از روی عزیزانمان برداریم. آتش نشانی آمده و جرثقیل حاضر شده که سقف را یکپارچه بردارد. با سرعت دارند کاری می کنند، از کنار ساختمان چند نفر را بیرون آورده اند. زخمی، شهید، بیهوش و ... انبوه جمعیت مانع حرکت ابزار است و نظم را برهم می زند و کسی نمانده که بتواند کنترل و اداره کند. شهربانی، شهرداری، بهداری، حزیبها، مردم، هر یک به نحوی دست درکارند. در عین حال خطر ضدانقلاب هم وجود دارد و مردم نمی گذارند چهره های سرشناس در محوطه بمانند، با زور و التماس آنها را از صحنه بیرون می برند.

تصمیم گرفته بودم به حزب بروم؛ ایشان به شدت منعم کرد و تلفن های دیگر منجمله وزیر بهداری دکتر منافی و آقای بادمچیان وصل شد و همین مطالب را با کمی اختلاف گفتند و در خانه ماندم، مثل یک زندانی که دائم خبرهای بد می شنود. ستادهائی در نزدیکی دفتر حزب برای اداره کار اخراج عزیزان از زیر آوار و انتقال مجروحان به بیمارستان و سایر کارهای لازم تشکیل شده بود.

ستادها و افراد متفرقه لحظه به لحظه اخبار و پیشرفت کار را به من می داند؛ ولی اخبار مختلف و متضاد بود.

مصدومان را شناسائی می کردند و وضع حال آنها را می گفتند؛ در بسیاری از موارد گزارشها یکدیگر را نقض می کرد، خبر سلامت، شهادت، جراحت، در مورد اکثر افراد می رسید و نمی شد به هیچ یک مطمئن شد.

مثل اینکه تعمدی در کار بود که خبر شهادت شخصیت های حساس چون شهید بهشتی را به من نگویند و با اینکه ادعای رؤیت جسد یا سالم می شد، به خاطر تضاد اخبار قابل اطمینان

نبود؛ حتی یکبار گفتند ایشان را سالم بیرون آورده‌اند و در جایی مطمئن حفاظت می‌کنند و به من پیشنهاد شد به ملاقات ایشان بروم، ولی خیلی زود نسخ این خبر رسید.

شاید هم تعمدی در کار نبوده و ممکن است تاریکی، شلوغی، عدم مدیریت واحد، اخلاص ضدانقلاب و شایعه سازی‌ها چنین وضعی را پیش آورده باشد.

بالاخره نزدیک ساعت ۲ بعد از نصف شب، خبر مطمئنی از شهادت آقای بهشتی آمد؛ شاید از ناحیه شهید رجایی نخست وزیر که راستی کمرم را شکست و برای چند لحظه دنیا را سیاه می‌دیدم و خیال می‌کردم، دارم دور خود می‌چرخم.

برخودم مسلط شدم؛ به اطرافم توجه کردم. دیدم دخترم فاطمه به شدت می‌گریه و همسرم عفت هم نمی‌تواند خودش را کنترل کند. آن شب، فاطمه به من خیلی کمک کرد و از آن لحظه به بعد او مسئول تلفن شد.

بایستی خودم را برای کنترل اوضاع مملکت و دفع خطر احتمالی که بزرگ می‌نمود، آماده کنم.

کمی دراز کشیدم؛ چشمهایم را بستم که برای تصمیمهای مهم و فوری فکر کنم. خواب زودتر از تصمیم، مغزم را تصرف کرد و پس از بیداری، آیه شریف *ثُمَّ أَنْزَلَ عَلَيْكُم مِّن بَعْدِ الْغَمِّ أَمْنًا نَّعَسًا يَغْشَى طَائِفَةً مِّنْكُمْ* که پس از فاجعه احد نازل شده، برایم معنای روشنی پیدا کرد و پی به عظمت آن نعمت برای مسلمانان بعد از احد بردم. نمی‌دانم چقدر خوابیدم؛ حتماً کمتر از یک ساعت. چون اول طلوع فجر آماده خواندن نماز شده بودم. نمازم را خواندم و حرفهای لازم را به اهل خانه زدم و دلداریشان دادم و قبل از طلوع آفتاب، خودم را به نخست وزیر رساندم که با همفکری دوستان و همراهان باقی مانده کارها را روبه راه کنیم.

دوشنبه

اولین برخورد من پس از فاجعه با دیگران در نخست وزیر بود؛ در راهروها و سالنها و اتاقها همه جا به چهره‌های ماتم زده و اندوهناکی برخورد می‌کردم که تا دیشب تحت تأثیر

تحولات کشور و عزل بنی صدر و سرکوبی لیبرالها، سخت شاداب و با نشاط بودند. به کسانی برخورد می‌کردم که خبرهای تلفنی شب، شهادتشان را اعلام کرده بود و طبعاً خوشحال می‌شدم، ولی این خوشحالی دیرپا نبود؛ زیرا بلافاصله خبر شهادت افرادی را می‌دادند که اخبار گذشته حاکی از سلامتی‌شان بود و یا اصلاً اسمشان نیامده بود. سرنوشت بعضیها هم روشن نبود که در جلسه بوده‌اند، ولی نه خودشان پیدا بودند و نه جنازه‌شان بدست آمده بود مثل شهید عضدی که بعداً روشن شد.

در اتاقی که همان روزهای نزدیک بارها و بارها با حضور شهید مظلوم و شهدای دیگر جلسات مشورتی داشتیم، وارد شدم. با آقایان دکتر باهنر، رجائی، مهدوی کنی، موسوی اردبیلی، بهزاد نبوی - این اسامی را از دفتر خاطراتم در می‌آوردم، نه خاطره‌ام - جلسه‌ای تشکیل دادیم که به ابعاد فاجعه و اقدامات فوری که باید بشود، برسیم.

گزارشهای اولیه مطمئن نشان می‌داد، بیش از شصت نفر شهید داریم و دهها مجروح و احتمال شهدای بیشتری هم می‌رفت. هر لحظه کسی را که خود جنازه شهیدی را تحویل گرفته، می‌آوردند که لیست اعلامی با اطمینان کافی تهیه شود.

هر وقت که تلفن زنگ می‌زد و یا در باز می‌شد، قلب من به شدت می‌زد و شاید در چهره‌ام هم علامت می‌داد؛ خودم نمی‌دانم. لابد دیگران هم مثل من بودند. در آن یکی دو ساعت، خبر خوش کم داشتیم؛ اغلب اسامی مجروحان و یا شهدا اعلام می‌شد.

خیلی ضرورت نمی‌بینم که حال خودم و دیگران را برایتان بیان کنم. شما خودتان می‌توانید حدس بزنید که چه وضعی داشته‌ام وضع دیروز را گفته‌ام؛ دیشبم را هم که می‌دانید چگونه گذشت، با این سابقه فکر کنید، با رگبار اخبار متعدد روبرو شدن و شهدا و مجروحان که هر لحظه به مغز من می‌بارید و تجسم قیافه‌ها و چهره‌های نورانی دوستان و هم‌زمانی که دیگر نمی‌دیدمشان و جای خالی‌شان و مهمتر از همه ضرورت انجام مسئولیتهای سنگینشان که هر یک به اندازه کوه البرز بزرگ و به قدر اقیانوس آرام وسیع بودند، برفکر و اندیشه و احساس و مغز و قلب من چه اثری داشته‌اند.

مجلس شورای اسلامی، این لنگر و محور نظام، در مرز سقوط از عدد قانونی قرار گرفته و به خصوص که جمعی لیبرال هم داشتیم که دستشان در توطئه‌ها دیده می‌شد و می‌توانستند با عدم حضور، کار را مختل کنند.

شورای ریاست جمهوری، مهمترین عضو ش را از دست داده بود؛ شهید بهشتی را می‌گویم. شورای عالی قضائی رأسش را نداشت. کابینه دولت که در اثر کار شکنیهای بنی‌صدر، قبل از فاجعه هم می‌لنگید؛ چهار عضو فعال و چندین معاون وزیرش را از دست داده بود و حزب جمهوری اسلامی - که محور تنظیم امور بود - هفت عضو شورای مرکزی و دبیر کل و تعدادی از اعضای پرتلاشش را در یک لحظه گم کرده بود. شورای عالی دفاع هم با شهادت دکتر چمران و وضع آقای خامنه‌ای و شهادت آقای بهشتی - که به جای بنی‌صدر معزول شرکت می‌کردند - وضعیت معلوم است و این همه در حال جنگ؛ و من ضعیف هم بایستی به مجلس برسم و هم به حزب و هم شورای عالی دفاع و هم شورای ریاست جمهوری و در مورد شورای عالی قضائی و کابینه هم توقع زیادی از من بود.

براینها اضافه کنید که سنگر نماز جمعه هم - که پشتوانه روحی و بسیج‌کننده عمده نیروها بود - بسیج‌گر و قهرمانش در بیمارستان در مرز شهادت و بقاء در دنیا می‌زیست که رسیدگی و حفاظت ایشان هم خود داستان دیگری دارد؛ و اضافه کنید رسیدگی به مجروحان فاجعه و حفاظت آنها و خانواده‌های عزادار را.

فقط لطف و توفیقات الهی است که به انسان ضعیفی چون من در چنین وضعی، قدرت روحی لازم را عطا می‌کند که خودش را نبازد و با توکل بر خدا وظایفش را انجام دهد. خیلی سریع درباره کیفیت اعلان فاجعه و اقدامات فوری دیگر تصمیم گرفتیم. قرار شد پیامی هم با صدای خودمان به امت شهید پرور بدهیم.

ضبط صوت را حاضر کردند، من، شهید رجائی و آقای موسوی اردبیلی پیامی پر کردیم. لابد لحن و آهنگ و صدا و موسیقی‌اش که بیشتر چیزها را باید از آنها فهمید، در روی کاغذ نخواهد آمد. خدا کند، اصل نوار محفوظ باشد که خودم یکبار دیگر گوش بدهم. شاید چیزهای

جدیدی از آن بفهمم و با قلم ترسیم کنم^۱. البته من فقط حق دارم از خودم بگویم. شهید رجائی و شهید باهنر متأسفانه نیستند که بگویند با بنویسند و دیگران هم خود از ترسیم حالاتشان خودداری نکنند که در تاریخ بماند. به نظر من آن لحظه‌ها در تاریخ انقلاب بسیار مهم و ارزشمند است و حیف است که همراه با حیاتش دفن شود و حداقل زمینه‌ای برای هنرمندان امروز و فردا نماند که آنها را باز کنند و به زبان آورند و تاریخ را غنی کنند و آیندگان را روشن و بیدار.

این را بگویم که حضور رهبر و سلامتی امام امت بود که به ما روح می‌داد و نشاط و امیدمان را پشوانه بود؛ زیرا می‌دانستیم که اگر همه ما هم نباشیم، امام به خوبی از عهده تنظیم امور و کارها برمی‌آیند.

این امام و آن امت عظیم را هر کس داشته باشد، حق ندارد که احساس ضعف کند و ظلم است که در فاجعه‌ای هر چند به اندازه انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی و شهادت هفتاد و سه تن، خودش را بیازد و وظایفش را انجام ندهد.

۱. متن پیام رادیویی مورد اشاره به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم

امت مسلمان و انقلابی ایران! بارها روی این نکته تأکید کرده‌ایم که مجلس شورای اسلامی بفرموده امام اخیل‌ترین ارگان تصمیم گیرند، کشور مورد بغض و عداوت شدید دشمنان انقلاب است. دیشب در تهران ما شاهد یکی از صحنه‌های فوق‌العاده جنایت بار دشمنان انقلاب بودیم که اسفندبارترین جنایت را در تاریخ بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران مرتکب شدند. در مجلسی که جمعی از برادران نمایندگان مجلس شورای اسلامی نمایندگان شما مردم انقلابی و مسلمان کشور با گروهی از مسئولان اجرائی کشور نشسته و درباره سرنوشت کشور و پیشبرد انقلاب بررسی و مطالعه و تبادل نظر می‌کردند، دست جنایتکار دشمنان انقلاب شمال سرسپرده آمریکا با همکاریان قسم خورده، مدام و ستون پنجم حزب مغرور بعث، گروهکهای خود فروخته و بی‌هویت، مدعی طرفداری از خلق با انتحار یک بمب زبرومند گروهی از نمایندگان شما را به خاک و خون کشیدند عده‌ای از بهترین هم‌زمان و تلاش‌گران راه منافع مستضعفین شربت شهادت نوشیدند و به لقاء خدا رفتند و گروهی مجروح در بیمارستانها بستری هستند. مجلس شورای اسلامی که ما کمان راه خود را برای ادامه انقلاب و پیاده کردن حکومت اسلامی و حمایت از حقوق مستضعفان ادامه خواهد داد. با این جنایتها و با این کینه‌توزیها و خیانتها این ارگان عظیم را که اکثریت نزدیک به تمام اعضای آن آماده تحمل هرگونه مصیبت و آماده ایثار فداکاری هستند از راهی که در پیش گرفته‌اند باز نمی‌دارد مطمئناً شما مردم با تداوم حضور در صحنه و حمایت از مجلس و دولت مکتبی و نهادهای انقلابی و سایر ارگانهای این جمهوری عزیز و نوپا، ما را در راهی که در پیش داریم پشتیبانی خواهید کرد. من شهادت این برادران عزیز را به پیشگاه امام زمان و به پیشگاه امام امت و به شما مردم رزمنده و مسلمان تسلیم عرض می‌کنم و یک بار دیگر از زبان همه هم‌سنگران خود با شهادت تجدید بیعت می‌کنم که این راه مقدس را تا سرحد امکان که فاصله‌ای از پیروزی نهائی ندارد ادامه دهیم.

در همان جلسه، تصمیم گرفتم به خدمت امام برویم و اخبار را بگوئیم و تصمیمات را عرضه کنیم و با هدایت ایشان تکمیل و یا اصلاح نمائیم و از انفاس قدسیه «روح الله» روحها و جانهای پژمرده را نشاط جدیدی بخشیم که همیشه وضعمان چنین بوده است که در مشکلات، پناه به رهبر عزیزمان برده‌ایم. تماس گرفتیم، وقتی معین شد؛ تا وقت مقرر فرصتی داشتم و لازم بود به مجلس بروم.

از نخست وزیری به مجلس رفتم. در بین راه و در آستانه مجلس و در خود مجلس به دیگران که چشمم می افتاد و روبرو می شدیم بغضش می ترکید و بی پروا صدای گریه را بلند می کرد. البته همه نه، ولی خیلیها - اکثر آنها انتظار نداشتند من را زنده ببینند و با دیدن من و یاد عزیزان از دست رفته، چنین حالت طبیعی است.

درست نبود که من هم در مواجهه با هر یک، همان حالت را نشان بدهم. سعی می کردم که بر خودم مسلط باشم و از خداوند توفیق چنین موهبتی را خواستم و خداوند هم دعایم را مستجاب کرد. خیلی ها به حق انتظار داشتند که مثل مادر بچه مرده، شیون بکشیم.

حالم را در لحظات اول ورود به سالن مجلس اکنون نمی توانم توصیف کنم؛ شاید اگر آن ساعت می نوشتم، تراژدی قابل توجهی در تاریخ می ماند. یقیناً اگر سالن و گنبد مجلس را به اضافه نمایندگان و تماشاچیان با همه سنگینی اش بر سرم می گذاشتند، فشارش به اندازه تصور آن وضع نبود.

آخر، بیست و هفت تن از بهترین نمایندگان مجلسی که من رئیس آن بودم، زیر آوار شهید شده بودند و ده نفر از نمایندگان هم در بیمارستانها بودند که نمی دانستم می مانند یا می روند. نگاههای نمایندگان بدون اینکه خودشان چیزی بگویند، با من حرف می زد و مثل اینکه همه آنها حزن آورترین موسیقی را در گوشم بخوانند، از من می خواستند که همراه آنها فریاد بکشم، نمی خواستم ناله سر دهم ولی هیچ هم که نمی شد، ممکن بود منفجر شوم؛ فقط کمک چشمها از تنگنا نجاتم داد، اشکها خودش می آمد و کمکی بود. دستمال کاملاً خیس شد، اگر ساکت نمی گریستم، نمی دانم چه می شد.



دکتر امیرحسین زایدی



دکتر امیرحسین زایدی



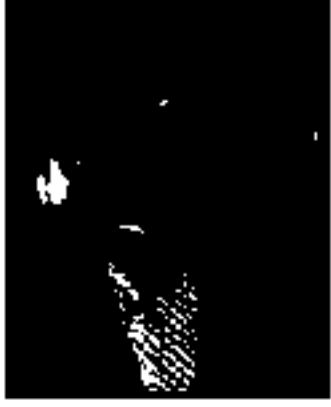
دکتر امیرحسین زایدی



دکتر امیرحسین زایدی



دکتر امیرحسین زایدی



دکتر امیرحسین زایدی



دکتر امیرحسین زایدی



دکتر امیرحسین زایدی



دکتر امیرحسین زایدی



دکتر امیرحسین زایدی



دکتر امیرحسین زایدی



دکتر امیرحسین زایدی



دکتر امیرحسین زایدی



دکتر امیرحسین زایدی



دکتر امیرحسین زایدی



دکتر امیرحسین زایدی



دکتر امیرحسین زایدی



دکتر امیرحسین زایدی



دکتر امیرحسین زایدی



دکتر امیرحسین زایدی



دکتر امیرحسین زایدی



دکتر امیرحسین زایدی



دکتر امیرحسین زایدی



دکتر امیرحسین زایدی



دکتر امیرحسین زایدی



دکتر امیرحسین زایدی



دکتر امیرحسین زایدی

« شهدای مجلس در فاجعه هفتم تیر »

دکتر امیرحسین زایدی

با زحمت کمی با هم حرف زدیم، دوستان را دلداری دادم و خودم را هم به لطف خدا و کمک آنان؛ در مشورتهای اولیه فکر کردیم دو روز تعطیل رسمی و یک هفته عزای عمومی اعلان کنیم؛ البته مشروط به تصویب امام.

در آن شرایط نمی‌شد بیش از دو روز کشور را تعطیل کرد و کمتر از یک هفته هم برای عزاداری مردم که مثل ما احتیاج به گریه کردن و اشک ریختن داشتند، بی‌انصافی بود. نمایندگان را به حال خود گذاشتم و برای زیارت امام به نخست وزیری برگشتم که با دوستان به جماران برویم. در حرکت جدید آقای اکبرپورورش به جمع ما پیوست. تا آن لحظه به حیاتشان مطمئن نبودم. و آقای بهزاد نبوی در نخست وزیری ماند که کار تحویل و تحول شهدا و کمک به مجروحان را اداره کند.

به طرف جماران حرکت کردیم. طفلک‌ها پاسدارهایمان که شب را نخوابیده بودند و نگران حوادث جدید از طرف ضدانقلاب بودند و با نگرانی و اضطراب ما را همراهی می‌کردند و دائماً ما را به احتیاط و تحفظ می‌خواندند و از اینکه می‌دیدند ما هنوز از ضربه و فاجعه درسی نگرفته‌ایم و بی‌پروا در خیابانها حرکت می‌کنیم و ساده‌لوحانه خودمان را در معرض خطر جدی دشمنان مسلح که مثل مور و ملخ همه جا منتشر بودند، قرار می‌دهیم، کلافه بودند. تعدادشان خیلی کم بود و ماشینهایمان غیر مسلح و بی‌حفاظ. حق هم با آنها بود. کم‌کم فهمیدیم و ایمان آوردیم، ولی دیر و پس از تحمل خسارتها.

ساعت ۸/۵ صبح ۸ تیرماه در اتاق کوچک بیرونی امام به محضرشان مشرف شدیم. حال و هوا و منظره این جلسه را هم الساعة نمی‌توانم توصیف کنم. پیرمردی هشتاد و چند ساله را در نظر بیاورید که از عارضه قلبی رنج می‌برد و تحت محافظت شدید اطباء است. و گفته‌اند که کوچکترین ناراحتی و شوک روحی ممکن است، قلبش را از کار باز دارد. قلبی که اگر از کار بیفتد به دنبالش هزاران قلب دیگر از کار خواهد افتاد. میلیونها مستضعف از غصه دق خواهند کرد و میلیونها مستکبر هم از شادی خواهند رقصید. آینده انقلابی عظیم تهدید می‌شود و ثمره خون هزاران شهید به خطر می‌افتد.



با این ملاحظات، ما برای انتقال خبر شهادت کسانی که بی شک در قلب و دل رؤف امام، جایشان کمتر از فرزندان صلیبی اش نیست، مشکل داشتیم.

این یک سوی سکه است و سوی دیگر آن این است که همه امید ما هم همین جا است. اگر مشکلات را اینجا حل نکنیم، جای دیگری نداریم. نگوئید خدا و خدا همین امام را وسیله قرار داده است و غیر از همین رهبر، کس دیگری را نداریم که درد دلمان را به او بگوئیم و غیر از همین اتاقک جای دیگری نبود که به آن پناه ببریم. خود ایشان هم از پیش خیلی چیزها را مطلع شده بودند و می دانستند که ما از ایشان بیشتر احتیاج به دلداری و تسلیت و تقویت و هدایت داریم و به همین دلیل خیلی زود ما را پذیرفتند.

نگاههای مهربانانه و توجهات عطوفانه از چشمان نافذ و پرفروغشان که در سیمای نورانی و چهره زرد و تکیده شان به ما می افکندند، روحبخش و امید آفرین بود، تا چه رسد به کلمات محکم و پرمعنا و لحن گیرایشان که از میان لبهای خشک شده ولی زیبایشان می گرفتیم. ما تسلیت گفتیم و ایشان ما را دلداری دادند و با ذکر حادثه و لطیفه ای از تاریخ قدیم حوزه نجف اشرف در یک بلیه عمومی و اشاره به سرنوشت انبیاء و اولیاء و الطاف و هدایت های الهی، به ما آرامش و اعتماد به نفس بیشتری دادند.

از طرفی دکترها موافق نبودند که ایشان را در جلسات خسته کنیم؛ مخصوصاً در آن شرایط و از طرف دیگر تصمیمات مهمی با نظر ایشان بایستی گرفته شود. کارهای فوری و فوری داشتیم. و بالاخره به سرعت تصمیمات لازم اخذ شد.

شورای عالی قضائی را با تعیین ریاست دیوان عالی کشور - و تعیین دادستان کل کشور به سمت ریاست دیوان عالی کشور - ترمیم کردند و به این ترتیب شورای ریاست جمهوری هم ترمیم گردید و مشکل عمده ای حل شد؛ زیرا برای انجام انتخابات ریاست جمهوری فقط چهل و دو سه روز وقت داشتیم - پنجاه روز بعد از عزل بنی صدر فرصت بود که چند روز آن سپری شده بود..

البته با استفسار از شورای نگهبان، نظر بر این بود که شورای ریاست جمهوری با دو نفر هم

اعتبار و رسمیت دارد ولی با شورای کامل، هم کارها صحیح‌تر انجام می‌شد و هم میدان اظهار وجود از نق زنها، گرفته می‌شد.

به امر امام قرار شد کابینه به سرعت ترمیم شود و انتخابات میان دوره‌ای مجلس برای پر شدن جاهای خالی، هر چه زودتر انجام گیرد و ما هم بلافاصله دست به کار شدیم.

برای فعال شدن شورای عالی دفاع هم تصمیم گرفته شد، سرهنگ نامجو به جای دکتر چمران نماینده امام در شورای عالی دفاع - که هفته قبل در جبهه به شهادت رسیده بود - تعیین شود و چند ساعت بعد هم شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی با انتخاب دکتر باهنر، دبیر کل حزب را معین کرد. و بدین ترتیب با گزینشهای سریع و به موقع، همه نهادهای تصمیم گیرنده و سرنوشت ساز ترمیم شد و راه برای ادامه کار تمام ارگانهای کشور به طور قانونی و رسمی هموار گردید.

و این هم یکی از ویژگیهای امام است که در تمامی مواردی که در دو سه سال گذشته با حذف چهره‌ها و شخصیتها و مسئولان مؤثر انقلاب مواجه شده‌ایم، ایشان ضربتی و بدون فوت وقت شکستگی‌ها را ترمیم کرده‌اند و انصاف این است که در این مورد همکاری و تیزهوشی حاج سید احمد آقا فرزند امام، نقش مهمی ایفا کرده است.

و همین سرعت عمل برای دشمنان خارجی و ضدانقلاب داخلی گیج کننده و یأس آور است، زیرا آنها تاکنون هر وقت به خیال خودشان با گرفتن افراد و شخصیتهای مهم و مؤثر، خواسته‌اند. خلاء ایجاد کنند و اخلال در امور کنند، برخلاف انتظار دیده‌اند نیروی جایگزین آمد، گاهی بهتر و گاهی مساوی و احياناً ضعیفتر. (ما نسخ من آیه او تنسھانات بخیر منها او مثلها) سوره بقره آیه ۱۰۶.

نمونه‌های دیگرش را در مورد ائمه جمعه بزرگ شهدای محراب، دادستان کل انقلاب (شهید قدوسی) و ... دیده‌اید. این درست برخلاف خیال آنها است که با حربه ترور، فکر می‌کردند جامعه ما از نیروهای مدیر و مدبر خالی می‌شود و به افلاس^۱ و شکست می‌انجامد.

بنی صدر بعد از فرارش گفته بود اگر پنج نفر دیگر از بین بروند، حکومت ساقط می شود و خط امام از میدان به در می رود و صحنه برای آلترناتیوهای جانی خالی می گردد!!!
و لابد ابرقدرتها هم با همین تحلیلهای پوچ، خودشان را با تروریسم و گانگستریسم در ایران آلوده کردند. و بعد مهار این بحرانها معلوم شد که با حضور ملت و سلامت امام امت، اینها سرایی بیش نیست.

بشکست اگر دل من به فدای چشم مستات

سرخم می سلامت، شکند اگر سبونی
به نخست وزیری برگشتیم. در جلسه ستاد امنیت کشور شرکت کردیم. با وضعی که پیش آمده بود، لازم بود سریعاً برای امنیت فکری بشود. درباره کیفیت برخورد با آشوبگران و ضدانقلاب - که تصور می رفت حرکتهاشی داشته باشند - تصمیماتی اتخاذ گردید. شورای عالی قضائی هم آمدند و در تصمیم گیریها شرکت نمودند.

درباره عامل انفجار و کیفیت انفجار و جای انفجار و قدرت انفجار هم بحثهاشی شد. تا آن ساعت اطلاعاتمان از محدوده حدسها و محاسبات فراتر نمی رفت و بحث هم طبعاً در همین حدود بود. ما هنوز خود را برای برخورد با حرکات ضدانقلابی در این سطح و با این کیفیت آماده نکرده بودیم.

می گفتند لحظه ای قبل از انفجار، در حیاط چراغها یک بار خاموش و روشن شده و این را دلیل بر علامت دادن به بیرون می گرفتند که کار انفجار از بیرون هدایت می شده و از اینجا نتیجه می گرفتند که قاعدتاً از مدرسه مجاور بوده و در دیوار سالن یا جای دیگر از بیرون بمب کار گذاشته شده و یا اینکه از راه دور با امواج بمب را هر جا بوده منفجر کرده اند.

از گفته ها و شنیده ها و شایعات که تا آن لحظه جمع شده بود، به دست می آید که ضدانقلاب دیروز برای کشاندن افراد به آن جلسه خیلی تلاش کرده؛ مثلاً شهید محمد منتظری را تلفنی دعوت کرده و تأکید بر ضرورت حضور نموده بودند یا اول شب در حیاط دفتر حزب کسانی بوده اند که افراد را تشویق به شرکت در جلسه می کردند و یا مانع خروج آنها می شدند و حتی

نقطه انفجار را نمی دانستیم. از مشاهدات حضاری که نجات یافته بودند، برای پیدا کردن سرنخ استمداد می کردیم. کارشناسان هم هنوز نظرات روشنی اظهار نکرده بودند. در مورد دنباله اقدامات دشمنان هم هرگونه احتمالی قابل قبول بود.

البته آن روز درباره قدرت و برنامه ریزی و حساب منظم دشمنان، اظهاراتی می شد و حدسها و قرائن هم به طور اغراق آمیز تأییدشان می کرد، ولی پیش آمدهای بعدی چیزهای دیگری را ثابت کرد.

بعداً معلوم شد که دشمنان ضدانقلاب با همه امکاناتشان آن روز دچار سردرگمی و بی برنامه گی بوده اند و یا خداوند گیج و گنگشان کرده که نتوانسته اند از فاجعه بهره گیری کنند. می شود پذیرفت، ضربه عزل بنی صدر و ضربه کاری که حزب الله در سی ام خرداد بر پیکر منافقان وارد کردند، مقاومتشان را به هم زده و به جای حرکت با برنامه، دچار حرکات عکس العملی و انفعالی شده باشند.

می دانیم که در همان تاریخ، آنها در نخست وزیری و بیت امام و دادستانی انقلاب و کاخ دادگستری و مجلس و خیلی جاهای دیگر عوامل نفوذی داشتند - که بعدها بعضی ها جنایت کردند و بعضی قبل از جنایت فرار کردند - و می دانیم که نیروهای آماده جنایت حتی با انتحار هم در اختیارشان بود و معلوم است که همه ما هم آن روزها درست حفاظت نمی شدیم و خودشان هم اعتراف کرده اند که استراتژی آنها از میدان در کردن افراد مؤثر و بسیج کننده نظام بوده است و می دانیم که قساوت و کینه لازم را هم داشتند.

با توجه به نقاط فوق الذکر، اگر برنامه و طرح روشن داشتند، می توانستند با توالی جنایات، نگذارند کارها سامان بگیرد و مشولان تعادلشان را حفظ کنند و بر کارها مسلط شوند.

مگر نه این است که باقیمانده نیروهای تصمیم گیرنده، همان روز در نخست وزیری اجتماع داشتند. بیخ گوش مسعود کشمیری جنایتکار که اگر آماده بود و برنامه داشتند، با انفجاری دیگر کار فاجعه دفتر حزب را تکمیل می کردند و بدتر از آن در بیت امام و مجلس امکان جنایتشان وجود داشت.

اگر نکردند نه از آن جهت است که نخواستند یا ملاحظه داشتند، بلکه مطمئناً برای این است که محاسبات و برنامه‌درستی نداشتند و در اثر گناهانشان خداوند از هر جهت گمراهیشان را خواسته بود. و من یضلل الله فماله من هاد. سوره غافر آیه ۳۳

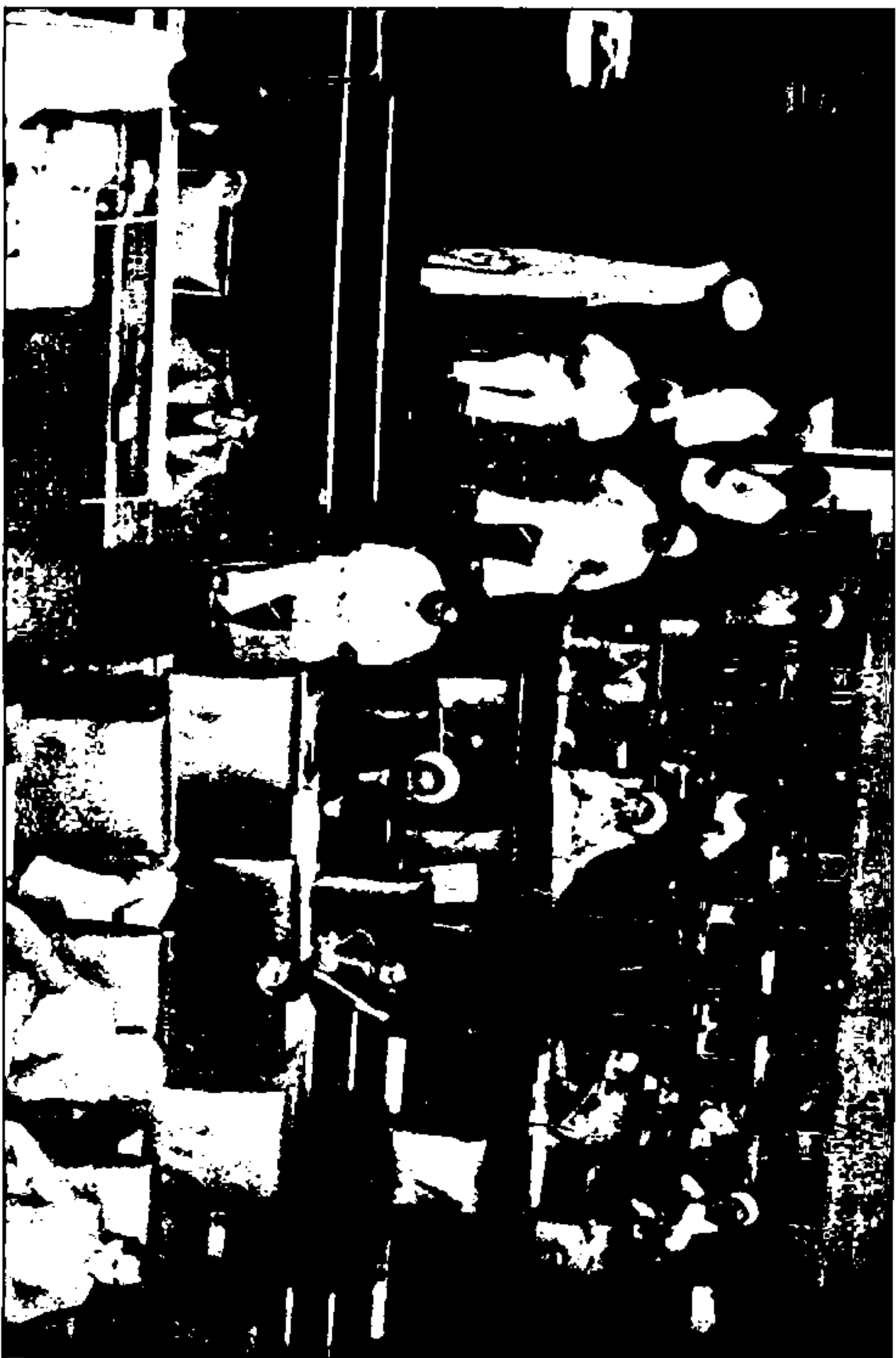
و در تحلیل و جمع بندی نهائی خواهیم دید که اگر ما خسارت دیدیم، ضدانقلاب از همین رهگذر چگونه به نابودی و سقوط نهائی افتاد.

این از نظر عملیات و از نظر تبلیغات؛ وضعشان از این هم بدتر شد. حرکت وسیع مردم و امواج خروشان نفرت توده‌های میلیونی حزب‌الله، اما نشان را گرفت و اجازه نداد کمترین حرکتی از خود نشان دهند و حتی نتوانستند از خودشان دفاع کنند و تاکنون هم جرأت اظهار و ادعای صریحی در این مورد به خود راه نداده‌اند. خسرالدنیا و الاخره ذلک هو الخسران المبین. سوره حج آیه ۱۱

کمی استراحت کردم و به مجلس رفتم. در اجتماع حزن انگیز نمایندگان در مورد مراسم عزاداری و تشییع جنازه‌های پاک شهدا و محل دفن هر یک و مرکز اجتماع مردم و ساعات و تاریخ برنامه‌ها و خانواده‌های شهدا و مراقبت از مجروحان و نمایندگان باقیمانده و برخورد با همراهان و دوستان مجلسی بنی‌صدر، بحث و تصمیم‌گیری به عمل آمد.

بقایای شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی هم خودشان را به مجلس رساندند. جلسه شورا را تشکیل دادیم اندوه و غم جلسه را قبضه کرده بود. به زحمت خودمان را کنترل می‌کردیم. بحثهای جلسات قبل در نخست وزیری و محضر امام مطرح شد و جمع بندی کردیم و دکتر باهنر به عنوان دبیرکل حزب انتخاب شدند و کسی چه می‌دانست که عمر دبیرکل عزیز این اندازه کوتاه خواهد بود.

قرار شد فردا سه‌شنبه اجساد شهدا را به مجلس بیاورند و از مقابل مجلس تشییع آغاز شود. خود می‌دانید آن روز چقدر کار به سرم ریخته بود. حُسن قضیه این بود که روحیه‌های قوی و قیافه‌های آرام دکتر باهنر و شهید رجائی از مایه‌های قوت قلب و اطمینان خاطر را همیشه با خود داشتیم و کمتر از آنها جدا می‌شدیم.



مجلس شورای اسلامی ، این لشکر و محور نظام ، در رمز سقوط از عدل قانونی قرار گرفته...

آن شب من و شهید باهنر در مجلس ماندیم؛ هم به دلایل امنیتی و هم به دلایل مسئولیت‌های سنگین، درست نبود به منزل برویم. تلفنی از بیمارستان قلب، حال آقای خامنه‌ای را پرسیدیم. گفتند رو به خوبی است. خیلی خوشحال شدیم. حالا دیگر ارزش وجود و حضور برادران هم‌رزم و هم‌فکر و همدل را بیشتر حس می‌کردیم. نگران حال ایشان و احتمال سوء قصد مجدد در بیمارستان هم بودیم. معلوم است که درجه حفاظت در بیمارستان هر چه باشد به اندازه محیط‌های حفاظت شده‌ای مثل مجلس نیست.

آن شب با دکتر باهنر خیلی حرف برای زدن داشتیم و خیلی موضوع برای بررسی و پیش‌بینی، و خیلی مراجعه از اطراف و اکناف و اشخاص و ارگانها.

اگر به خاطرم خطور کرده بود که ممکن است به زودی دکتر باهنر و رجائی هم به ملاقات خدا می‌روند و ما از نعمت وجود و همکاری‌هایشان محروم می‌گردیم، آن شب و روزها و شبهای بعد خیلی بیشتر از ایشان استفاده می‌کردیم و از افکار بلندشان بهره می‌گرفتیم، ولی نمی‌دانم چرا به فکر نیفتادم با اینکه خطر همه ما را تهدید می‌کرد و هیچ‌کسی اطمینان به حیات، حتی یک روز بعد را هم نداشت؛ شاید به این جهت که کارها و مسئولیتها آن قدر متراکم و سنگین و پشت سرهم بودند که جای این فکرها نبود.

لازم بود خیلی زود وضع حزب و مجلس و دولت و خیلی چیزهای دیگر را استحکام بخشیم. الان یادم نیست که شب را چگونه به صبح رسانده‌ام. روحیه‌ام چنین است که در چنین مواقعی احساس ضعف و نگرانی، روال عادی زندگی را به هم نمی‌زند و اضطراب نمی‌تواند عنان را از دستم بگیرد و به همین جهت به اندازه لازم خوابیدم و لابد دکتر باهنر هم فقط یادم است که نیمه‌های شب بیدار شدم، به فکر مجروحانمان در بیمارستانها افتادم. با تلفن از کشیکهای بیمارستانها احوالشان را گرفتم و تأکید بر حفاظت و مراقبت کردم.

سه شنبه

بعد از نماز صبح، تمشیت^۱ امور را دادیم. توانستم لحظاتی خلوت کنم. دعا کردم. از خدا خواستم که به ما قدرت تحمل مشکلات و انجام مسئولیتهای مهم تاریخی و اداره امور را عطا کند و سایه امام را - که در آن مقطع فوق العاده و بیش از همیشه مهم و سرنوشت ساز بود - برسرمان نگه دارد.

خداوند منان به قلبم انداخت، آیات قرآن را که پس از جنگ اُحد و ضربه شهادت ۷۱ تن یاران پیغمبر (ﷺ) نازل شده، تلاوت کنم.

همین را از امدادهای غیبی می دانم. هیچ چیز به اندازه آن آیات نمی توانست در آن ساعت برای من و ما و مردم سازنده و راهنما باشد.

قرآن را برداشتم و سوره آل عمران را آوردم و از آیه ۱۱۸: یا ایها الذین آمنوا لاتتخذوا ابطانه من دونکم تا آیه ۱۷۹: ما کان الله لیذر المومنین علی ما انتم علیه حتی یمیز الخبیث من الطیب - را فرائت کردم.

درست مثل این بود که خدا دارد با ما درباره فاجعه انفجار دفتر مرکزی حزب حرف می زند، علل فاجعه را می گوید، نواقصمان را تذکر می دهد. اشتباهات را، وضع دشمن و دوست و مردم و رهبری را، آثار فاجعه را، امکان بهره برداری را و امکان نتیجه معکوس برای دشمن را، اختلاط صفوف کفر و ایمان و نفاق را که به خاطر مشخص نشدنشان چنین فاجعه آفریده اند.

نمی دانم چرا آن روز بهتر از همیشه می فهمیدم و آیات و کلمات قرآن و آهنگ و اوزان جملات و کوتاهی و بزرگی آیات و جملات به من درس می داد و مرا می ساخت.

دلم می خواست همه مردم در آن روز همین آیات را بخوانند و همان چیزهایی که من می فهمیدم، بفهمند. اگر خودتان چنان حالی را در زندگی نداشته باشید، نمی توانید بفهمید که چه می گویم و به طریق اولی نمی توانید حال و احساسم را درک کنید.

۱ - تمشیت: به راه انداختن، روان ساختن

یادم آمد که امروز بناست برای مردمی که در مقابل مجلس جهت شرکت در تشییع جنازه جمع می‌شوند سخنرانی کنم. خوشحال شدم. زیرا فرصتی استثنائی برای انتقال ادراکات و احساساتم که از تابش انوار آن ۶۱ آیه شریفه بدست آمده بود به چشم می‌خورد. اما همین جا باید اعتراف کنم موقع صحبت، یک هزارم آنچه فکر می‌کردم می‌توان گفتم، نشد بگویم و برایم ثابت شد خیلی چیزها فهمیدنی هست ولی گفتمی نیست و فهمیدم قدرت فهم انسان خیلی بیشتر از قدرت توصیف اوست. لاف‌ها ما انسانهای معمولی یا کمتر از معمولی چنینیم.

وقتی که برنامه و وقت تشییع جنازه‌ها را اعلام می‌کردیم فکر نمی‌کردیم، که مردم تا آن حد استقبال کنند. در حوادث گذشته موارد زیادی پیش آمده بود که وفاداری امت را به خط امام و اسلام فقاهتی که همان اسلام راستین است ثابت کرده بود و منجمله همان روزهای طرح عدم کفایت سیاسی بنی‌صدر در مجلس و روز سی خرداد ولی اولاً درجات آنها به این اندازه که این بار بالا رفت نبود و ثانیاً اوضاع تفاوت داشت.

آخر، بعد از انفجار دفتر مرکزی و شهادت آن همه از شخصیتها و نیروهای سطح بالا، بهترین وسیله به دست بوقهای تبلیغاتی مثلث شوم، استعمار - صهیونیسم - ارتجاع و سه رکن استکبار جهانی افتاده بود که وضع را آن طور که میل دارند ترسیم و با بزرگ نشان دادن قدرت دشمنان و ضعیف و حقیر جلوه دادن قدرت انقلاب و اسلام تو دل مردم را خالی کنند و لاف‌ها مردم را مردود و دو دل نگه‌دارند.

تو نگو که این نوطه‌ها و تلاشیها اثر معکوس داشته و برعکس مردم را جدی‌تر و مصمم‌تر کرده بود؛ البته این اثر معکوس انتظار دشمنان بی‌خود و بی‌دلیل نیست، دلیلش هم قابل فهم و هم قابل توضیح است.

تحلیل این است که: مردم مسلمان به اسلام و انقلاب اسلامی بیشتر از هر چیز علاقه‌مندند و خط امام را تبلور اسلام و انقلاب می‌دانند. اگر خط امام را در خطر جدی ببینند برای دفاع از انقلاب لحظه‌ای به خود تردید راه نمی‌دهند و از بذل هیچ چیز دریغ نمی‌کنند.

درجه حضورشان در صحنه، بستگی به درجه احساس خطر برای انقلاب دارد. خودشان با فطرت پاکشان این درجات را تشخیص می‌دهند و به طور کلی اگر جامعه سالم باشد «وجدان جمعی» خیلی خوب می‌فهمد و کمتر دچار اشتباه می‌شود.

امت حزب‌الله تا کنون هیچ وقت این گونه خطر را احساس نکرده بود. حق هم داشت. اگر دشمنان را خدا گنج و گم نکرده بود، با توجه به جنگ و با توجه به محاصره اقتصادی و با توجه به عوامل نفوذی که داشتند و با توجه به کمک‌هایی که از خارج (شرق و غرب) دریافت می‌کردند، ممکن بود بتوانند ضربه‌های کاری تری پشت سرهم وارد کنند. البته بدون محاسبه امدادهای غیبی و نصرتهای الهی که از این محاسبه‌های معمولی فراتر است.

هنوز صبح زود بود و من در خودم فرو رفته بودم و انتظار نداشتم به این زودی خبر بدهند که ازدحام مردم از حد گذشته و کنترل را از دست برده است.

صدای شیون مردم آن چنان فضا را پر کرده بود که همه چیز تحت‌الشعاع گرفته بود. لحظه‌ای صدا و فریادها قطع نمی‌شد و از دور نمی‌شد فهمید که مردم چه می‌گویند، تنها کلماتی که مفهوم می‌شد لفظ «بهشتی» بود و الفاظ مأنوس دیگر.

محمد رضا فرزند شهید بهشتی هم به مجلس آمده بود که درباره محل دفن پدرش مشورت کند و سه نظر مطرح بود. عده‌ای می‌خواستند این منبع نور در اصفهان باشد و جمعی قم را سزاوارتر می‌دانستند و اکثریتی هم همین تهران و بهشت‌زهرا و قطعه شهدا را - ما آن روز هنوز این همه قطعه مخصوص شهدا نداشتیم - ما هم ترجیح دادیم که در تهران بماند. بالاخره تهران مرکز است و سرنوشت ساز. تازه اگر می‌خواستیم از تهران ببریم مگر آن مردم می‌گذاشتند؟ مگر نبود که تا شب، نشد جنازه را از دست مردم بگیرند و مجبور شدند برای دفن، شب جنازه را به جای دیگری ببرند و روز بعد دور از چشم مردم که اجازه نمی‌دادند خاک روی آن بدن سوخته و قطعه قطعه شده بریزند، به خاک بپارند؟

آمدند و گفتند: تراکم جمعیت و بی‌تابی مردم، اجازه صبر نمی‌دهد، هر چه زودتر باید با مردم صحبت کرد و جنازه‌ها راه بیفتند. عده زیادی از مردم در اثر فشار اندوه و تراکم جمعیت

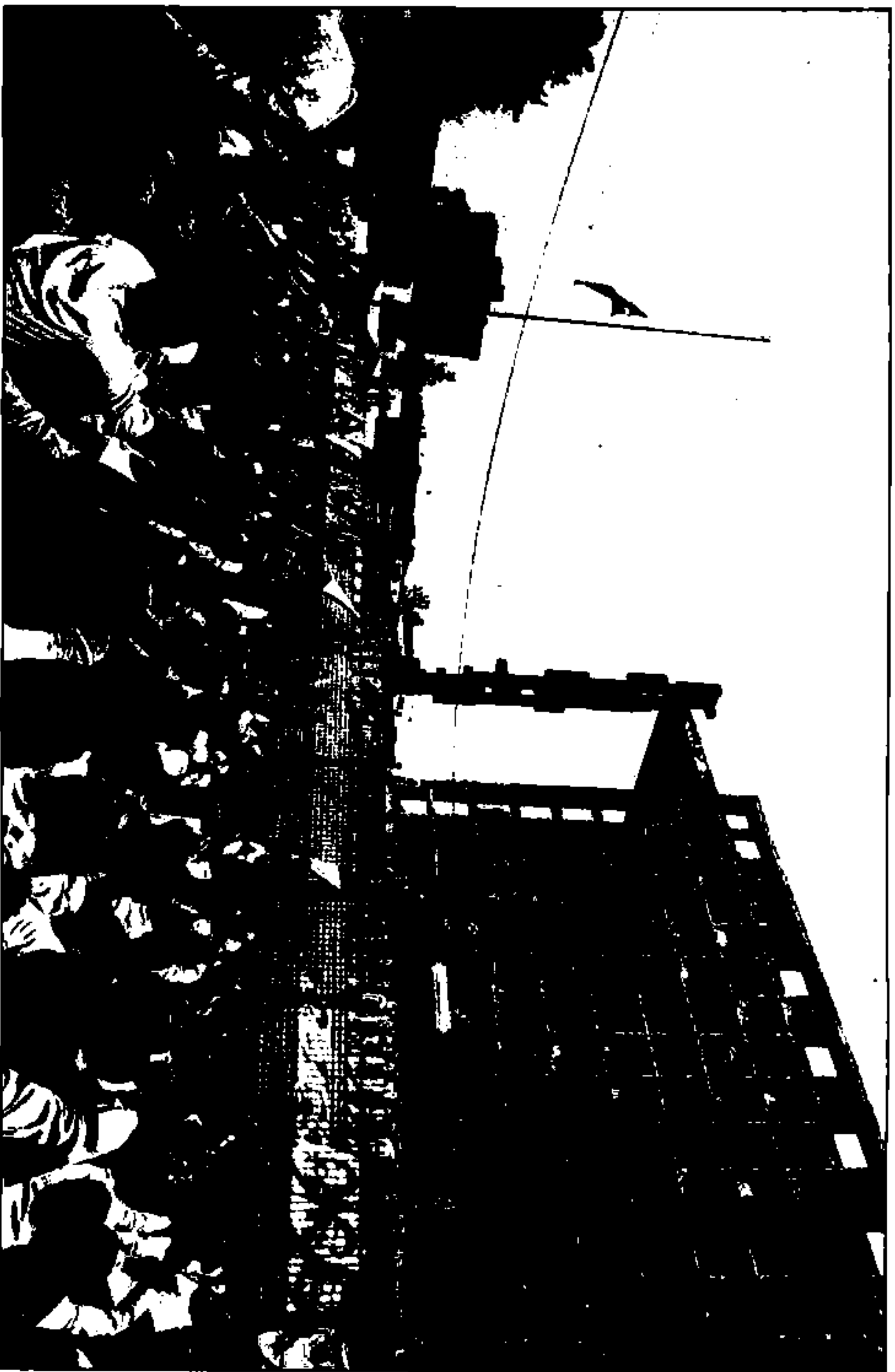


دکتر بهشتی در میان خانواده



مقبره شهدای هفتم تیر

اجتماع مردم در مقابل مجلس شورای اسلامی



هاشمی جاسمی بهشتی ات کو ...

و گرما، از هوش رفته‌اند و راه انتقال آنها را از میان مردم نمی‌شود شکافت؛ زودتر بیا. رفتیم طبقه اول، روی بالکن ساختمان مجلس، مشرف بر خیابان و فضای باز مقابل درب جنوبی. به محض اینکه با مردم روبرو شدم، آن چنان ضجه مردم بلند شد که من در تمام عمرم چنان صحنه پرشور و اندوهبار و هیجان‌انگیزی ندیده‌ام و شاید در آینده هم نبینم. دستهای مردم آن چنان در فضا حرکت می‌کرد که گوئی طوفانی سهمگین مزرعه‌گندم رسیده‌ای را به موج انداخته و مثل اینکه می‌خواستند خودشان به دنبال فریادهای رعدگونه‌شان به بالا بیایند، فاصله وصف نامنظم دستها نمی‌گذاشت صورتها را درست بینم ولی هر صورتی را که دیدم از اشک خیس بود و بیشترین جمله‌ای که به گوشم می‌خورد این بود که: هاشمی بهشتی ات کو؟ هاشمی هاشمی بهشتی ات کو؟

ابتدا و در آن حالت جز آنکه به همراه مردم بگریم چه کاری می‌توانستم بکنم. ولی توجه داشتم که من برای گریه به آنجا نرفته بودم. خوب شد که مثل آنها شیون به راه نینداختم؛ فقط اشک ریختم و به احترامشان دست بلند کردم.

یک دفعه دیدم نمایندگان مجلس که در بالکن با من بودند، بدتر از مردم ناراحتی می‌کردند و جیغ می‌کشیدند.

از آنها تقاضا کردم که مثل من آهسته بگریند و دوباره به جمعیت توجه کردم، این بار دیدم عده زیادی بدن روی دستهای مردم بلند است و دست به دست به طرف دانشکده افسری می‌فرستند. اول خیال کردم که جنازه‌ها است؛ ولی زود یادم آمد که جنازه‌های شهیدانمان این گونه سالم نیستند، آنها سوخته‌اند و خیلی‌هایشان قطعه قطعه یا له شده‌اند و علاوه آنها در تابوتها هستند و حدس زدم که اینها مردمی هستند که از شدت و فشار اندوه و احساسات بیهوش می‌شوند و اطرافها حدسم را تایید کردند و گفتند: وضع در سراسر خیابان امام خمینی و خیابانهای اطراف مجلس همین است و به حق نگران بودند که تلفات تراکم و فشردگی و اوج احساسات، به مراتب بیش از عدد شهدای انفجار دفتر حزب بشود.

خودم می‌دانستم که وظیفه سنگینی به عهده دارم و مطمئن بودم حرفهای من در آن صحنه و

آن لحظه سرنوشت ساز است. بی شک همه مراکز خبری دنیا و همه ناظران امور بین‌المللی و مخصوصاً ناظران داخلی خودمان روی حرفهای آن روز من حساب باز می‌کردند و گذشته از همه آنها، توده مردم و امت حزب‌الله در آن وضع، احتیاج به توضیح و تحلیل و تصمیم و ارشاد و خط حرکت داشتند.

به لطف خدا من به اندازه کافی از آیات قرآنی مربوط به اُخْد خط و ربط گرفته بودم و هنوز نشئه تعلیمات قرآن کریم را با خود داشتم؛ ولی حیف که نتوانستم بیشتر دریافتهایم را منتقل کنم. نمی‌دانم. شاید مردم به خاطر استعداد و آمادگی خودشان بیشتر از خود من از همان اشاره‌ها و گنگ‌بازی‌هایم مطلب گرفته باشند. قرائن و آثار نشان می‌دهد که وجدان جمعی مردم مسلمان، جلوتر از ما و بهتر از ما می‌فهمد و خوب‌تر از ما عمل می‌کند.

بعضی از نکات متخذ از قرآن درباره حادّه اُخْد را با وضع خودمان تطبیق دادم و طبق معمول امید خودم را به آینده خوب انقلاب و به سرنوشت شوم دشمنان خدا و انقلاب و مردم تأکید کردم و پیش‌بینی وضع امروز انقلاب را و ضد انقلاب را تحلیل نمودم.^۱

بعداً دوستان و ناظران گفتند، حرفها بجا و به موقع و لازم بوده ولی من خودم معترفم که حرفهای من نبود، بلکه قطره‌ای از اقیانوس قرآن بود و بلکه ضعف من باعث شد که خیلی از حرفهای بهتر که می‌شد آن روز گفت، ناگفته ماند.

۱. کتاب هاشمی رفسنجانی - سخنرانیهای ۱۳۶۰ - دفتر نشر معارف انقلاب - ۱۳۷۷.

نمایه

آب، ۳۶، ۱۱۱، ۱۹۹، ۲۰۱، ۲۰۸، ۲۱۴، ۲۳۹	آب، ۳۶، ۱۱۱، ۱۹۹، ۲۰۱، ۲۰۸، ۲۱۴، ۲۳۹
آب، ۲۸۹، ۲۸۳، ۳۰۰، ۳۲۱، ۳۶۵، ۳۸۱	آب، ۲۸۹، ۲۸۳، ۳۰۰، ۳۲۱، ۳۶۵، ۳۸۱
آب-آدان، ۴۱، ۶۰، ۱۷۱، ۲۰۸، ۲۱۷، ۲۴۹، ۳۰۲	آب-آدان، ۴۱، ۶۰، ۱۷۱، ۲۰۸، ۲۱۷، ۲۴۹، ۳۰۲
آب، ۳۴۸، ۳۳۲، ۳۰۵، ۳۶۷، ۳۸۷، ۳۶۹، ۳۷۵، ۳۸۲، ۳۸۲	آب، ۳۴۸، ۳۳۲، ۳۰۵، ۳۶۷، ۳۸۷، ۳۶۹، ۳۷۵، ۳۸۲، ۳۸۲
امام جمعه، ۳۳، ۱۳۵، ۳۷۲، ۳۹۱	امام جمعه، ۳۳، ۱۳۵، ۳۷۲، ۳۹۱
پالایشگاه، ۴۳۰	پالایشگاه، ۴۳۰
تانک فارم، ۳۳	تانک فارم، ۳۳
جبهه، ۴۸، ۹۴، ۲۰۷	جبهه، ۴۸، ۹۴، ۲۰۷
سپاه، ۳۳، ۱۱۷	سپاه، ۳۳، ۱۱۷
مهاجر، ۷۱	مهاجر، ۷۱
نخلستان، ۳۳	نخلستان، ۳۳
نماینده، ۴۸، ۹۳، ۱۱۳، ۳۰۵، ۳۱۳	نماینده، ۴۸، ۹۳، ۱۱۳، ۳۰۵، ۳۱۳
هتل، ۳۵	هتل، ۳۵
آبادیه نماینده، ۳۵۴	آبادیه نماینده، ۳۵۴
آب مروارید چشم، ۳۸۹	آب مروارید چشم، ۳۸۹
آبیاری، ۲۸۵	آبیاری، ۲۸۵
آتش، ۱۶۶، ۲۴۶، ۲۵۹، ۳۰۴، ۳۳۲	آتش، ۱۶۶، ۲۴۶، ۲۵۹، ۳۰۴، ۳۳۲
آتش بار، ۳۵، ۲۴۶	آتش بار، ۳۵، ۲۴۶
آتش بس، ۱۸۷، ۳۳۱، ۵۰۱، ۵۰۳	آتش بس، ۱۸۷، ۳۳۱، ۵۰۱، ۵۰۳
آتش سوزی، ۳۷	آتش سوزی، ۳۷
آتش نشانی، ۳۵۹	آتش نشانی، ۳۵۹
آجین اوار تشبید، ۲۸۳	آجین اوار تشبید، ۲۸۳
آخوندی، ۴۳۱	آخوندی، ۴۳۱
۷ آذر، ۳۸۶	۷ آذر، ۳۸۶
آذربایجان، ۷۵، ۳۶۱	آذربایجان، ۷۵، ۳۶۱
آذربایجان غربی، ۱۶۰	آذربایجان غربی، ۱۶۰
استاندار، ۳۳۱، ۳۹۸	استاندار، ۳۳۱، ۳۹۸
آذری، ۲۹۲	آذری، ۲۹۲
آراه، ۲۱۴، ۲۲۸، ۲۴۳، ۲۹۲، ۳۱۱، ۳۳۴	آراه، ۲۱۴، ۲۲۸، ۲۴۳، ۲۹۲، ۳۱۱، ۳۳۴
آرپی - جی، ۳۳۷، ۳۳۳	آرپی - جی، ۳۳۷، ۳۳۳
آرمان ملت روزنامه، ۱۳۰	آرمان ملت روزنامه، ۱۳۰
آزاد، ۸۰، ۱۰۵، ۱۰۸، ۱۶۴، ۱۹۲، ۲۰۸، ۲۱۵، ۲۵۰	آزاد، ۸۰، ۱۰۵، ۱۰۸، ۱۶۴، ۱۹۲، ۲۰۸، ۲۱۵، ۲۵۰
آزادگان، ۳۱۲، ۳۳۸، ۳۵۶، ۳۹۶، ۳۷۰، ۳۹۱، ۳۹۲	آزادگان، ۳۱۲، ۳۳۸، ۳۵۶، ۳۹۶، ۳۷۰، ۳۹۱، ۳۹۲
آزادگان روزنامه، ۵۸، ۱۴۷، ۱۵۳	آزادگان روزنامه، ۵۸، ۱۴۷، ۱۵۳
آزادی، ۱۰۱، ۱۱۷، ۱۷۸، ۲۰۹، ۳۹۸، ۴۰۴، ۴۳۵	آزادی، ۱۰۱، ۱۱۷، ۱۷۸، ۲۰۹، ۳۹۸، ۴۰۴، ۴۳۵
آزرین سروان، ۱۶۳	آزرین سروان، ۱۶۳
آزمایش، ۱۰۳، ۱۲۷، ۱۹۶، ۲۰۵	آزمایش، ۱۰۳، ۱۲۷، ۱۹۶، ۲۰۵
آستارا، ۱۹۷	آستارا، ۱۹۷
آستان قدس، ۱۶۹	آستان قدس، ۱۶۹
آستانه اشرفیه، ۳۰۳	آستانه اشرفیه، ۳۰۳
آسمان شرکت، ۴۳۹	آسمان شرکت، ۴۳۹
آسیب، ۲۵، ۳۸، ۱۵۱، ۱۹۱، ۲۰۵، ۲۳۵، ۲۵۴، ۲۷۱، ۳۰۵	آسیب، ۲۵، ۳۸، ۱۵۱، ۱۹۱، ۲۰۵، ۲۳۵، ۲۵۴، ۲۷۱، ۳۰۵
۳۳۳، ۳۹۳، ۳۹۱	۳۳۳، ۳۹۳، ۳۹۱
آشوب، ۸۷، ۱۰۲، ۱۳۶، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۶، ۱۸۱، ۲۲۱	آشوب، ۸۷، ۱۰۲، ۱۳۶، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۶، ۱۸۱، ۲۲۱
۲۳۵، ۳۱۰، ۳۷۲	۲۳۵، ۳۱۰، ۳۷۲
آقازاده، ۸۴	آقازاده، ۸۴
آل عمران سوره، ۱۸۳	آل عمران سوره، ۱۸۳
آلمان، ۴۸، ۱۹۱، ۲۵۷، ۳۶۹	آلمان، ۴۸، ۱۹۱، ۲۵۷، ۳۶۹
خبرگزاری، ۱۸۷	خبرگزاری، ۱۸۷
سفیر، ۳۷۲	سفیر، ۳۷۲
آلمان شرقی سفیر، ۲۱۵	آلمان شرقی سفیر، ۲۱۵
آلمان غربی، ۳۳۷، ۳۶۷	آلمان غربی، ۳۳۷، ۳۶۷
رئیس جمهور، ۲۹۳	رئیس جمهور، ۲۹۳
سفارت، ۳۷۲	سفارت، ۳۷۲
صدراعظم، ۲۹۳	صدراعظم، ۲۹۳
آماده باش، ۱۴۵، ۲۳۵، ۳۸۹	آماده باش، ۱۴۵، ۲۳۵، ۳۸۹
آمار، ۹۶، ۲۸۹، ۳۰۵، ۳۸۲، ۳۸۹، ۳۹۶، ۴۱۵، ۴۶۱، ۴۶۳	آمار، ۹۶، ۲۸۹، ۳۰۵، ۳۸۲، ۳۸۹، ۳۹۶، ۴۱۵، ۴۶۱، ۴۶۳
۳۶۸، ۵۰۶، ۵۱۱	۳۶۸، ۵۰۶، ۵۱۱
آمارگیری، ۳۲۶	آمارگیری، ۳۲۶
آمریکا، ۴۷، ۷۰، ۱۰۸، ۱۲۶، ۱۳۹، ۱۶۱، ۲۲۱، ۲۸۵، ۲۸۸	آمریکا، ۴۷، ۷۰، ۱۰۸، ۱۲۶، ۱۳۹، ۱۶۱، ۲۲۱، ۲۸۵، ۲۸۸
۳۱۱، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۳۴، ۳۷۳، ۳۸۷، ۴۲۰، ۴۲۹، ۴۳۲، ۴۴۳	۳۱۱، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۳۴، ۳۷۳، ۳۸۷، ۴۲۰، ۴۲۹، ۴۳۲، ۴۴۳
۴۶۱، ۴۸۲، ۴۹۴، ۴۹۶، ۵۰۰	۴۶۱، ۴۸۲، ۴۹۴، ۴۹۶، ۵۰۰
اتباع، ۴۶۷	اتباع، ۴۶۷
برندگان سیاهپوست، ۳۵۳	برندگان سیاهپوست، ۳۵۳
پسته، ۳۳۵	پسته، ۳۳۵
تجاوز، ۲۵۶	تجاوز، ۲۵۶
توطئه، ۳۳۰	توطئه، ۳۳۰
جنگ افروز، ۲۸۴	جنگ افروز، ۲۸۴
حق و توتو، ۴۵۴، ۴۵۵	حق و توتو، ۴۵۴، ۴۵۵
حمله، ۲۷۰	حمله، ۲۷۰
خبرنگار، ۳۵۷	خبرنگار، ۳۵۷

ابوذر پادگان، ۱۶۳	رئیس جمهور، ۴۹
ابوشریف، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۷۳	سفارت، ۴۰۳
ابوموسی جزیره، ۴۶۲، ۴۶۶	سیاست، ۲۸۴
ابوهشام، ۴۸۹	شرکت، ۴۶۷، ۸۵
ابوی مرحوم، ۳۸۲	ضدیت، ۳۲۹
ابهر نماینده، ۶۱	عمال، ۳۸۵
اتحادیه بین المجالس، ۷۳، ۲۱۵، ۵۱۰	کارشناسان، ۴۲۷
اتریش، ۲۸۴	لانه جاسوسی، ۳۵۶
اتم، ۲۸۴	مرگ بر، ۳۲۳
اتمام حجت، ۱۰۵، ۱۵۲، ۳۹۱	نماینده شورای اسلامی پزشکان، ۱۷۲
اتوبوس، ۳۳۲، ۳۰۴	نیروهای واکنش سریع، ۳۶۷
اتیوپی، ۴۸۰	هواپیما، ۲۵۶
اجاره دار حسن، ۳۶۵	آمل، ۳۶۸، ۴۶۰، ۴۶۴
اجساد، ۱۸۱، ۴۰۱	آموزش، ۲۷۵، ۲۸۸، ۳۵۴، ۴۲۸، ۴۴۷
احتیاط، ۱۰۱، ۱۳۱، ۱۴۵، ۱۹۰، ۲۰۲، ۲۴۱، ۲۴۵، ۲۶۳	آموزش نظامی، ۳۸۲
۴۰۷، ۴۰۱، ۳۶۴، ۳۸۱، ۳۷۸	آموزش و پرورش، ۶۱، ۶۹، ۱۰۳، ۱۰۵، ۳۱۶، ۳۵۷
احد جنگ، ۱۸۳، ۲۰۲	۵۰۱
احزاب، ۶۹، ۱۷۸، ۱۹۰، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۵، ۴۰۶، ۴۲۶	وزارت، ۲۰۹، ۴۹۳
احزاب طرح، ۱۷۸، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۵، ۲۰۱	وزیر، ۳۷۲
احضار، ۱۶۳، ۱۹۱، ۴۱۲، ۴۲۷	آموزنده، ۳۱۳
احکام اولیه و ثانویه، ۳۴۱، ۵۰۰	آواره، ۳۳، ۴۳، ۵۸، ۵۹، ۱۱۲، ۲۰۱، ۵۰۰، ۵۰۳
احکام شرعی، ۹۵	آواره جنگی، ۱۱۲
احمد اخوی، ۳۸۲	آواکس، ۲۸۴
احیا، ۲۱۵	آیات، ۸۷، ۱۸۳، ۲۰۲، ۳۷۴
اخبار، ۴۹، ۵۹، ۱۰۴، ۱۰۷، ۱۱۹، ۱۲۲، ۱۴۶، ۱۴۹، ۱۷۱	آیت، ۸۴، ۱۳۰، ۱۳۵، ۱۳۹، ۱۹۰، ۲۳۰، ۲۳۲
۲۰۴، ۲۰۶، ۲۴۵، ۲۵۶، ۲۵۹، ۲۶۵، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۹۲، ۳۰۰	دکتر، ۲۲۸
۳۰۴، ۳۰۷، ۳۱۵، ۳۶۰، ۳۷۷، ۳۸۵، ۳۸۹، ۳۹۱، ۳۹۴، ۴۰۱	فرزند شهید، ۲۳۱
۴۰۶، ۴۰۸، ۴۱۰، ۴۱۴، ۴۲۲، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۳۶، ۴۴۰، ۴۴۶	آیت الهی رضا، ۵۲
۴۴۹، ۴۵۲، ۴۵۵، ۴۶۲، ۴۶۵، ۴۶۹، ۴۷۶، ۴۹۳، ۵۰۰، ۵۰۱	آید خسرو، ۱۲۴
اخبار خارجی، ۳۱۶	آینده سازان مجله، ۷۹، ۳۷۰، ۴۴۲
اختلاف داخلی، ۱۱۷، ۱۳۹	ا... اکبر، ۱۳۴، ۳۱۵، ۳۲۵
اخراج، ۳۷، ۸۷، ۱۶۰، ۱۹۶، ۲۰۷، ۲۲۴، ۲۲۸، ۲۳۳، ۳۲۵	ابراهیمی، ۱۳۳
۳۴۸، ۴۱۰، ۴۶۱، ۴۷۳	ابرقدرت، ۲۸۳
اخطار، ۸۱، ۸۷، ۲۳۲، ۳۰۵، ۳۹۱، ۴۱۴	ابریشمی، ۱۰۲
اخلاق، ۶۴، ۷۰، ۷۱، ۱۳۱، ۳۵۲، ۳۶۴، ۳۷۱، ۴۴۶	ابزار جنگی، ۳۷۷
اخلال، ۴۸، ۲۰۹، ۲۰۶، ۴۳۰	ابطحی، ۲۹۲

ستاد، ۹۳، ۱۴۹، ۱۸۷، ۲۰۵، ۲۱۴، ۲۷۰، ۳۷۲، ۳۷۴	۴۰۱	اخوان المسلمین، ۱۳۳، ۳۹۴	۳۹۴، ۱۳۳
ستاد مشترک، ۲۳۱		اخوی زاده، ۴۶۸	۴۶۸
سران، ۳۰۹		اداره، ۳۳، ۳۵، ۴۸، ۶۱، ۶۴، ۷۰، ۸۰، ۸۴، ۹۳، ۹۴، ۹۵	۹۵، ۹۴، ۹۳، ۸۴، ۸۰، ۷۰، ۶۴، ۶۱، ۴۸، ۳۵، ۳۳
سیاسی ایدئولوژی، ۸۰، ۱۲۴، ۲۰۶، ۳۷۱، ۳۰۷		۱۱۱، ۱۱۷، ۱۲۳، ۱۲۵، ۱۳۱، ۱۳۴، ۱۳۷، ۱۵۲، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۷۶	۱۱۱، ۱۱۷، ۱۲۳، ۱۲۵، ۱۳۱، ۱۳۴، ۱۳۷، ۱۵۲، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۷۶
۴۸۳، ۴۱۰		۱۹۷، ۱۹۸، ۲۰۶، ۲۲۳، ۲۲۵، ۲۳۷، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۵۹	۱۹۷، ۱۹۸، ۲۰۶، ۲۲۳، ۲۲۵، ۲۳۷، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۵۹
فرمانده، ۸۹، ۱۰۳، ۱۲۷، ۱۴۵، ۲۲۴، ۳۱۲، ۳۸۰	۴۸۳	۳۱۳، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۶۷، ۳۷۲، ۳۷۷، ۳۸۲، ۳۸۵، ۳۹۲، ۳۹۳	۳۱۳، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۶۷، ۳۷۲، ۳۷۷، ۳۸۲، ۳۸۵، ۳۹۲، ۳۹۳
کارمند، ۷۰		۴۰۰، ۴۲۸، ۴۳۱، ۴۳۶، ۴۴۷، ۴۵۸، ۴۶۶، ۴۸۲، ۴۹۰، ۴۹۳	۴۰۰، ۴۲۸، ۴۳۱، ۴۳۶، ۴۴۷، ۴۵۸، ۴۶۶، ۴۸۲، ۴۹۰، ۴۹۳
لجستیکی، ۲۴۹		۵۰۷، ۵۰۴	۵۰۷، ۵۰۴
مدیریت، ۲۴۵، ۴۷۴		ادعا نامه، ۴۴۲	۴۴۲
مسجد قرارگاه، ۴۷۹		ادغام، ۷۰، ۳۶۵، ۴۱۹، ۴۳۹، ۴۳۹	۷۰، ۳۶۵، ۴۱۹، ۴۳۹، ۴۳۹
ارثیه، ۳۸۲		اذان، ۷۰، ۳۹۸، ۳۲۶	۷۰، ۳۹۸، ۳۲۶
اردبیلی، ۹۱، ۱۸۵، ۲۱۸، ۲۳۶، ۲۴۵، ۲۴۷، ۲۶۲، ۲۶۵		اراضی، ۱۰۴، ۱۱۹، ۱۶۹، ۲۱۹، ۲۸۵، ۳۸۱، ۳۹۶، ۴۹۷	۱۰۴، ۱۱۹، ۱۶۹، ۲۱۹، ۲۸۵، ۳۸۱، ۳۹۶، ۴۹۷
۲۳۴، ۲۷۵، ۲۷۷، ۲۸۵، ۳۰۲، ۳۰۹، ۳۱۷، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۳۰		۵۱۰	۵۱۰
۳۴۲، ۳۴۸، ۴۲۹، ۴۴۰، ۴۶۷، ۴۹۱		اراضی شهری، ۱۹۷، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۲۱، ۲۲۶، ۲۲۷	۱۹۷، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۲۱، ۲۲۶، ۲۲۷
اردستان، ۳۴۵		۳۳۰، ۳۳۲، ۳۹۹، ۳۹۷، ۴۱۴، ۴۶۰، ۴۹۱، ۵۰۶، ۵۰۹، ۵۱۰	۳۳۰، ۳۳۲، ۳۹۹، ۳۹۷، ۴۱۴، ۴۶۰، ۴۹۱، ۵۰۶، ۵۰۹، ۵۱۰
اردکان نماینده، ۳۳۵		اراضی موات شهر، ۳۸۱	۳۸۱
اردلان علی خانواده، ۳۱۲		اراک	
اردن، ۱۲۳، ۲۷۴		دادگاه انقلاب، ۲۳۲	۲۳۲
شاه، ۴۶۴		نماینده، ۵۰۹	۵۰۹
اردن، ۳۹، ۴۷، ۴۸، ۸۳، ۲۲۷، ۲۳۲، ۲۵۷، ۳۳۱، ۳۵۷		اراکي آیت الله فرزند، ۳۴۶	۳۴۶
ارز، ۲۰۶، ۲۵۹، ۳۰۲، ۳۲۴، ۳۳۱، ۳۶۴، ۴۱۰، ۴۶۳، ۴۷۲		اربعین، ۴۱۱	۴۱۱
۴۸۳		ارتجاع، ۴۲، ۴۹، ۳۱۷	۴۲، ۴۹، ۳۱۷
ارز ترجیعی، ۲۳۵		ارتش، ۳۶، ۳۹، ۴۱، ۶۰، ۶۶، ۷۰، ۸۰، ۸۹، ۹۳، ۹۴، ۹۷	۳۶، ۳۹، ۴۱، ۶۰، ۶۶، ۷۰، ۸۰، ۸۹، ۹۳، ۹۴، ۹۷
ارزش، ۳۷، ۱۳۱، ۱۸۶، ۲۳۲، ۳۶۴، ۳۷۱، ۴۵۳		۱۰۳، ۱۱۱، ۱۲۴، ۱۳۴، ۱۳۷، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۹	۱۰۳، ۱۱۱، ۱۲۴، ۱۳۴، ۱۳۷، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۹
ارشاد، ۲۵۹، ۳۲۴		۱۵۷، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۸۴، ۱۸۷، ۱۹۶، ۱۹۷، ۲۰۵، ۲۱۴، ۲۲۳	۱۵۷، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۸۴، ۱۸۷، ۱۹۶، ۱۹۷، ۲۰۵، ۲۱۴، ۲۲۳
حسینیه، ۳۵۶، ۳۶۰		۲۳۴، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۸، ۲۴۵، ۲۴۹، ۲۵۴، ۲۶۴، ۲۷۰، ۲۷۶	۲۳۴، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۸، ۲۴۵، ۲۴۹، ۲۵۴، ۲۶۴، ۲۷۰، ۲۷۶
وزیر، ۳۳۴، ۳۵۹، ۳۸۹		۲۷۷، ۲۹۳، ۲۹۹، ۳۰۵، ۳۰۹، ۳۲۱، ۳۲۴، ۳۲۷، ۳۵۷، ۳۶۳	۲۷۷، ۲۹۳، ۲۹۹، ۳۰۵، ۳۰۹، ۳۲۱، ۳۲۴، ۳۲۷، ۳۵۷، ۳۶۳
ارشاد اسلامی وزیر سابق، ۳۵۵		۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۷، ۴۰۱، ۴۰۷، ۴۱۴، ۴۲۰، ۴۲۹، ۴۳۱، ۴۳۵	۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۷، ۴۰۱، ۴۰۷، ۴۱۴، ۴۲۰، ۴۲۹، ۴۳۱، ۴۳۵
ارگانهای انقلاب، ۳۱۷		۴۳۷، ۴۶۷، ۴۷۴، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۲، ۵۰۰، ۵۱۱	۴۳۷، ۴۶۷، ۴۷۴، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۲، ۵۰۰، ۵۱۱
ارگانهای خط امام، ۳۰۰		آینده، ۱۳۷	۱۳۷
ارگانهای دولتی، ۵۸		پادگان، ۱۳۲	۱۳۲
ارگانهای قانونی، ۴۲		پلاژ مخصوص، ۱۹۷	۱۹۷
ارگانهای قضائی، ۴۴۲		دادستان، ۳۰۰	۳۰۰
ارم پارک (خرم سابق)، ۱۳۲		دادگاه، ۱۳۷	۱۳۷
		دادگاه انقلاب، ۳۳۷، ۳۱۹	۳۳۷، ۳۱۹
		روز، ۷۱	۷۱

استعمار، ۴۹۶	اروپا، ۶۴، ۹۴، ۱۶۹، ۳۵۷، ۴۰۸، ۵۰۱
زدائی، ۲۴۹	انجمن اسلامی، ۴۷۲، ۵۱۲
استعمارگر، ۲۸۳	پارلمان، ۵۱۰
استقامت، ۴۲۸، ۴۹	ارومیه، ۵۲، ۶۰، ۲۴۶
استقبال، ۱۴۵، ۱۵۱، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۶، ۲۷۶، ۲۸۲، ۲۸۹	استاندار، ۸۳، ۲۱۷
۲۹۱، ۳۶۷، ۴۰۸، ۴۲۹، ۴۶۶، ۴۷۴، ۵۰۰	سپاه، ۳۳، ۸۳
استقلال، ۲۸۴، ۳۳۵، ۵۰۸	فرماندار، ۸۳
استگی، ۴۲۳	نماینده، ۲۲۷، ۲۷۱
استیضاح، ۱۵۱	اروند
اسدی، ۹۹، ۱۰۳	جبهه، ۲۳
اسرا، ۱۷۲، ۲۱۷، ۳۰۵، ۳۰۷، ۴۰۰، ۴۰۳، ۴۰۸، ۴۱۱، ۴۱۵	فرمانده، ۱۳۵
۴۳۳، ۴۵۵، ۴۶۹، ۴۷۵، ۴۹۱	اریتره، ۴۸، ۳۹۴
اسرائیل، ۴۷، ۹۵، ۱۳۵، ۲۰۶، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۹۱، ۴۰۸	اریک رولو، ۱۷۱
۴۱۱، ۴۵۴، ۴۶۶، ۵۰۰	ازدحام، ۸۲، ۱۳۴، ۱۸۳، ۲۶۲، ۳۶۰، ۴۸۰
بیانیه، ۴۶۶	ازدواج، ۷۵، ۱۱۶، ۲۰۶، ۲۰۸، ۲۳۰، ۲۳۵، ۲۵۶، ۴۲۸
پارلمان، ۴۰۷	۴۴۶، ۴۶۸، ۴۸۲، ۵۱۰
رادیو، ۳۳۱	اژه‌ای، ۱۰۸
شناسانی، ۳۷۴	اساتید، ۲۹۱، ۴۰۰، ۴۷۳
اسراف، ۴۱۹	اسپانیا، ۱۳۱، ۳۲۳، ۳۳۲
اسفراین، ۳۶۲	آبهای ساحلی، ۲۳۹
طرح، ۱۹۵	تلویزیون، ۲۲۴
اسکله، ۳۳۳، ۴۲۳	سفیر، ۱۰۷
اسکناس، ۳۵۳، ۵۱۰	مسئول حفاظت، ۳۳۹
اسکورت، ۲۰۵، ۲۰۷، ۲۸۱، ۳۰۱، ۳۴۴، ۳۸۵، ۴۷۸	استاد، ۳۶۵، ۴۷۳
۴۸۲	استاندار، ۸۳، ۱۱۳، ۲۵۳، ۳۴۱، ۳۹۸، ۴۰۷، ۴۵۷، ۴۸۹
اسلام، ۳۵، ۴۲، ۶۰، ۱۱۰، ۱۳۷، ۱۴۰، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۵۴	استبداد زدائی، ۲۴۹
۲۸۴، ۳۱۰، ۳۷۰، ۳۹۲، ۴۲۱، ۴۲۶، ۴۲۸، ۴۴۶، ۵۰۰	امتخاره، ۱۰۷، ۱۹۸، ۵۰۹، ۵۱۲
اسلام آباد غرب، ۴۸۲	استخدام، ۳۸، ۹۴، ۹۹، ۱۰۶، ۱۲۷، ۱۳۵، ۱۳۳، ۳۲۶
فرماندار، ۴۱۹	۴۱۴، ۴۵۷، ۴۶۱، ۴۶۵، ۴۹۲
نماینده، ۶۹، ۱۳۳	استخدام پزشکان خارجی، ۳۲۶
اسلام شناسی، ۱۱۰، ۲۳۱	استخدام کشوری، ۴۵۷
اسلام صدر، ۴۲۱	استخر، ۸۳، ۲۳۲، ۲۷۶، ۵۰۱
اسلام فقهاتی، ۶۰	استعفا، ۶۲، ۷۱، ۷۹، ۸۳، ۹۱، ۹۶، ۱۰۵، ۱۱۰، ۱۲۴، ۱۸۹
اسلامی احکام، ۱۲۶	۲۰۱، ۲۱۶، ۲۳۶، ۲۶۹، ۳۲۶، ۳۳۷، ۳۵۴، ۳۶۷، ۳۷۲، ۳۹۳
اسلاید، ۲۹۱	۳۰۶، ۴۵۳، ۴۶۷
اسلحه، ۱۵۳، ۱۸۴، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۱، ۲۲۶، ۲۵۷، ۲۷۰	استعفای رئیس جمهور، ۱۲۳

اصلاحات، ۲۴۶، ۲۹۹، ۳۹۷، ۴۱۹، ۴۲۰، ۴۷۵، ۴۹۲، ۵۰۹

اصلاحات ارضی، ۴۹۷

اصول دین، ۲۰۶

اطاق جنگ، ۴۸۰

اطباء، ۲۱۳، ۳۳۵

اطلاعات، ۶۲، ۸۴، ۹۳، ۹۴، ۱۰۸، ۱۱۱، ۱۱۷، ۱۵۱، ۱۶۱، ۱۸۵، ۱۹۵، ۲۱۰، ۲۲۲، ۲۲۷، ۲۳۸، ۲۵۵، ۲۷۱، ۲۷۵، ۲۹۲، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۵، ۳۲۵، ۳۳۱، ۳۶۳، ۳۸۵، ۳۹۱، ۴۲۵، ۴۴۷، ۴۶۴، ۴۷۰

دفتر روابط، ۲۲۳

سازمان، ۴۱

سپاه، ۴۷۰

طرح، ۴۶۶، ۴۹۷، ۵۰۰

نخست وزیر، ۲۸۵

نخست وزیری، ۳۳۴، ۳۴۲، ۴۹۷

اطلاعات روزنامه، ۸۴، ۸۵، ۲۱۶، ۳۳۱، ۴۴۷

اطلاعات مرکز، ۲۵۵، ۲۹۲، ۳۰۹، ۳۱۵، ۳۳۴، ۳۴۲، ۵۰۰

اطلاعات مسئول، ۱۱۷

اعتبار نامه، ۶۷، ۱۰۴، ۱۱۰، ۱۶۹، ۱۷۱، ۱۹۵، ۲۰۲، ۲۱۶، ۲۱۹، ۲۲۸، ۲۳۷، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۵۳، ۲۶۴، ۳۱۳، ۳۳۲، ۳۳۵، ۳۳۵، ۳۴۴، ۳۴۷، ۳۶۴، ۳۹۰

اعتدال، ۳۲۵

اعتراض، ۴۷، ۵۴، ۶۰، ۷۰، ۷۱، ۸۱، ۸۴، ۸۹، ۹۷، ۱۲۷، ۱۳۵، ۱۴۴، ۱۴۹، ۱۵۵، ۱۹۵، ۲۱۴، ۲۲۱، ۲۲۶، ۲۵۳، ۲۵۵، ۲۸۲، ۲۸۴، ۳۱۶، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۷، ۳۸۴، ۳۹۲، ۳۹۷، ۴۰۲، ۴۱۴، ۴۲۷، ۴۲۹، ۴۳۹، ۴۴۲، ۴۵۳، ۴۵۸، ۴۶۶، ۴۶۸، ۴۹۷، ۵۰۰، ۵۰۹، ۵۱۰

اعتراف، ۸۲، ۳۴۴، ۳۹۲، ۴۶۴

اعتصاب، ۱۰۴

اعتماد، ۶۳، ۱۰۶، ۱۰۸، ۱۱۳، ۱۴۹، ۱۶۰، ۱۶۹، ۱۸۹، ۲۱۵، ۲۷۹، ۳۲۵، ۳۵۹، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۱۳، ۴۳۹، ۵۱۰

اعجاز، ۴۶۸

اعداد، ۱۰۶، ۱۵۷، ۱۶۰، ۱۶۶، ۱۶۹، ۱۹۸، ۲۰۶، ۲۱۸، ۲۴۲، ۲۴۷، ۲۵۲، ۲۵۶، ۳۰۲، ۳۰۶، ۳۱۵، ۳۳۳، ۳۶۱

۲۷۴، ۳۵۷، ۳۹۰، ۳۹۴، ۴۲۰، ۴۶۴، ۵۰۰

خرید، ۶۸، ۸۹، ۹۴، ۱۰۶، ۱۲۴، ۱۹۳، ۲۳۱، ۲۹۱

۴۲۱، ۴۲۶، ۴۳۵

فروش، ۵۰۱

معامله، ۳۲۹

اسماعیل آباد، ۱۷۴

اسناد، ۲۷، ۸۷، ۱۱۷، ۳۵۷، ۳۹۶

اسناد اسلامی، ۴۱، ۳۴۴

اسناد اسلامی مرکز، ۳۵۳

اسناد سری، ۱۱۰، ۱۱۳

اسناد لانه جاسوسی، ۱۶۳

اسیر، ۶۲، ۲۷۰، ۳۰۴، ۳۸۹، ۳۹۵، ۴۰۱، ۴۲۰، ۴۳۵، ۴۵۸

۵۰۹، ۵۱۱، ۵۱۲

اشتایر، ۳۸۴

اشترن سازمان، ۴۳۷

اشتغال، ۲۰۸

اشرار، ۱۹۸، ۲۹۱

اشرافی، ۵۲، ۶۲، ۲۱۵، ۲۱۷، ۲۲۳، ۲۷۹، ۳۸۱، ۳۳۵

اشرف، ۲۷۶، ۳۷۰، ۴۰۸

اشکنه، ۲۷۴

اصطهبانات حاکم شرع، ۲۳۲

اصغری پناهی، ۳۵۳

اصفهان، ۱۸۳، ۳۳۲

استاندار، ۹۵، ۱۱۳

امام جمعه، ۳۰۹، ۳۳۲، ۳۷۲

امام جمعه نایب، ۲۱۳

انتخابات، ۸۲

پایگاه خاتم، ۳۸۷

حزب جمهوری، ۴۲۶

خط امام، ۳۰۹

دانشگاه، ۳۰۰، ۴۱۹

سپاه، ۳۳۲

قاضی شرع، ۳۳۳

کارخانه، ۱۵۱

نماینده، ۱۳۴

نیرو جهاد، ۴۱۹

حکم، ۸۰	امجدیه، ۱۶۱
خانم، ۸۲، ۱۴۴، ۱۵۷، ۲۷۸، ۳۳۱، ۳۵۷	امداد شماره ۲ بیمارستان، ۳۹
خانواده، ۳۳۱، ۳۴۱	امکانات پزشکی، ۲۴۴
خط، ۳۶، ۴۸، ۶۰، ۶۶، ۶۷، ۷۱، ۷۹، ۸۲، ۹۵، ۱۰۱	املاک، ۲۴۲
۱۰۴، ۱۲۳، ۱۲۹، ۱۳۱، ۱۳۷، ۱۳۹، ۱۵۳، ۱۵۹، ۱۷۴، ۱۹۲	امل، ۱۸۶، ۲۴۷، ۲۹۲، ۳۳۱، ۳۳۷، ۳۹۷، ۴۳۲، ۴۸۹
۲۲۳، ۲۵۴، ۲۶۹، ۳۰۰، ۳۰۹، ۳۹۸، ۴۲۲، ۴۵۸، ۴۶۱، ۴۶۷	امنیت، ۷۱، ۷۳، ۱۲۵، ۱۸۴، ۱۹۹، ۲۰۶، ۲۲۶، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۵، ۲۳۷، ۲۴۱، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۵۶، ۲۶۴، ۲۶۵
۴۷۴	۲۶۹، ۲۷۱، ۲۷۴، ۲۷۹، ۲۹۲، ۲۹۹، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۲۵
داماد، ۵۲، ۲۱۵، ۲۷۹، ۳۳۱	۳۲۶، ۳۳۱، ۳۳۵، ۳۵۱، ۳۵۹، ۳۷۲، ۳۸۴، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳
دختر، ۹۳، ۱۵۷، ۳۵۷	۳۴۵، ۳۴۸، ۳۶۶، ۳۷۸، ۳۷۲
دست بوسی، ۲۱۰	تامین، ۷۰، ۱۸۵، ۲۳۰، ۳۲۲، ۳۲۶
دفتر، ۴۱، ۴۹، ۵۵، ۵۹، ۹۳، ۹۵، ۱۲۳، ۱۲۳، ۱۶۶	تصمیمات، ۲۳۰
۱۷۹، ۲۰۲، ۲۷۵، ۲۷۷، ۳۱۸، ۳۳۰، ۳۸۱، ۴۰۱، ۴۰۶، ۴۲۹	ستاد، ۱۶۴، ۱۷۲، ۱۸۱، ۱۹۷
۴۳۹، ۵۰۴	سلب، ۲۱۵
سالگرد تبعید، ۳۵۶	شورا، ۲۲۲، ۲۲۷، ۲۵۹
سهم، ۲۱۰، ۳۵۳، ۴۳۳، ۴۳۵، ۴۴۲، ۴۹۴	شورای عالی، ۲۱۰
عروس، ۱۵۷	عدم، ۸۳
عکس، ۵۵	کارشناس، ۲۰۵
قتل، ۱۵۵، ۳۹۲	کنترل، ۲۳۰
کسالت، ۴۹۱	اموال، ۳۷، ۴۶، ۴۸، ۹۵، ۹۷، ۲۱۰، ۲۳۳، ۳۸۶، ۴۶۸
منزل، ۳۹، ۴۳، ۱۱۱، ۱۲۹، ۲۲۴، ۲۳۷، ۲۷۸، ۲۹۹	امور استخدام سازمان، ۱۲۹
۳۱۷، ۳۳۱، ۳۴۳، ۴۳۸، ۴۸۹	امید انقلاب مجله، ۱۳۲، ۳۶۱
نماینده، ۳۷۷، ۴۳۱، ۴۹۸	امیرانتظام، ۸۷
نوه، ۹۵، ۳۶۵	امین محمدعلی دکتر، ۶۳
ورود، ۴۶۵	امینیان، ۱۹۳، ۵۰۱، ۵۰۷
امام زمان، ۳۶۶	امینی دکتر، ۱۶۱
امام مهر، ۵۵	انبار، ۶۰، ۱۷۳، ۳۵۲، ۳۶۷، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۴، ۴۲۷
امامی، ۹۱، ۳۵۴، ۴۲۸	انبیاء، ۴۶۷
امامی حسام الدین، ۸۴	عصمت، ۴۶۲
امامی کاشانی، ۷۰، ۷۴، ۱۰۴، ۱۱۰، ۳۳۱، ۳۵۱، ۳۵۳	انتحار، ۴۶۰
۳۹۷، ۴۲۸، ۴۹۴، ۵۰۷، ۵۰۹	انتخابات، ۳۷، ۴۱، ۴۷، ۴۸، ۵۳، ۵۹، ۶۷، ۶۸، ۹۱، ۹۱، ۱۳۳
امپریالیسم، ۵۵، ۲۸۵	۱۴۰، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۹۰، ۱۹۳، ۱۹۸، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۵
امت، ۶۳	۲۰۷، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۷، ۲۵۴، ۲۷۴، ۲۹۲، ۲۹۹
امت نشریه، ۳۲۳	۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۶، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۳۵، ۳۵۴، ۳۵۷، ۳۶۰، ۳۹۵
امتی، ۳۳۸، ۳۱۷، ۴۳۰	۴۹۶، ۵۰۳
امتیاز، ۶۸، ۹۱، ۱۶۰، ۱۶۳، ۱۶۶، ۲۷۹، ۳۷۱، ۳۹۶، ۴۱۹	انتخاب ریاست جمهوری، ۱۵۸، ۱۷۲، ۳۵۲
۴۳۹، ۴۵۷	

سوم، ۲۲۷	انتشار، ۳۷۱، ۳۹۲
طرح، ۱۰۵، ۸۰	انتشارات، ۳۴۶
کمیسیون طرح، ۱۰۵، ۸۰	انتصاب، ۷۱، ۸۰، ۳۱۱، ۳۵۱، ۳۸۵
نمایشگاه، ۶۹	انتقاد، ۶۱، ۶۲، ۶۷، ۷۳، ۸۴، ۸۷، ۹۴، ۱۰۱، ۱۲۲، ۱۲۳
انقلاب اسلامی، ۸۵، ۱۲۶، ۱۲۱، ۱۲۳، ۱۲۶، ۱۳۰	۱۲۶، ۱۳۱، ۱۳۷، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۳، ۲۲۲، ۳۱۳، ۳۱۵، ۳۴۹
۲۵۷، ۲۷۴، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۹۱، ۲۹۲، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۷، ۳۵۲	۳۲۳، ۳۴۰، ۴۶۰، ۴۹۷، ۵۰۸
۳۶۸، ۳۸۵، ۳۹۱، ۳۹۸، ۴۰۶، ۴۰۸، ۴۱۴، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۳۱	انتقال، ۳۷۴
۵۰۱، ۴۹۷	انتقال نیرو، ۳۶۱، ۳۸۴
انقلاب اسلامی روزنامه، ۵۲، ۷۳، ۱۴۰	انتقام، ۱۲۴، ۱۲۵، ۳۵۶، ۴۲۷
انقلاب فرهنگی، ۶۲، ۶۶، ۶۷، ۹۴، ۱۲۹، ۱۳۶، ۱۵۱	انجمن اسلامی، ۳۹، ۴۵، ۶۷، ۹۴، ۱۰۴، ۱۳۷، ۱۴۵
۱۵۸، ۲۲۶، ۲۷۵، ۳۶۵، ۳۹۲، ۴۴۹، ۴۷۲، ۴۹۳	۱۹۵، ۲۱۵، ۲۱۹، ۲۳۵، ۲۵۳، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۳، ۴۰۸، ۴۲۸
انقلابیون، ۱۸۵	۳۴۰، ۴۴۲، ۴۷۲، ۴۷۵، ۴۸۰
عرب، ۱۹۲	اتحادیه، ۴۷۲، ۵۱۲
انگشتر، ۲۰۸	انجمن اسلامی بانک، ۲۲۴
انگلستان، ۸۰، ۴۲۷، ۴۴۳، ۴۶۸	انجمن اسلامی دانشگاه، ۱۹۰
شورش، ۲۰۶	انجمن اسلامی صنایع نظامی، ۲۲۴
کاردار سفارت، ۸۴	انجمنی، ۱۳۹، ۲۵۳
کارکنان قدیم سفارت، ۲۵۵	انحراف، ۳۶، ۵۲، ۸۰، ۱۱۲، ۱۲۳، ۳۹۶
انگلیس، ۲۱۸، ۲۵۵، ۴۶۶	انحصار طلبی، ۹۴، ۳۴۳
پلیس، ۳۳۰	انحصاری، ۳۵۲، ۳۳۹
خبرنگار، ۳۶۱	انحلال، ۳۷، ۲۲۶، ۴۹۷
زبان، ۴۰۶	انزوا، ۴۳۸
انواری، ۲۱۸	انسان، ۲۷۶، ۲۸۲، ۳۵۲، ۳۸۵، ۳۸۷، ۴۳۳، ۴۸۲، ۴۹۴
انهدام، ۵۹، ۳۰۲، ۴۶۴	۵۰۶
اوپیک، ۲۴۹، ۳۲۴	انشعاب، ۲۲۶، ۳۳۷، ۴۹۷
کنفرانس، ۲۴۹، ۴۰۶	انصاری، ۴۲، ۶۸، ۱۳۰، ۱۴۴، ۱۸۶، ۱۸۹، ۱۹۲، ۲۱۹
اورلیکن، ۳۹۲، ۴۰۳، ۴۵۵	انصاری مهندس، ۱۹۱
اوقاف، ۳۹، ۲۵۵	انفجار، ۳۳، ۳۷، ۱۵۷، ۱۸۱، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۹۰، ۱۹۱
اویسی، ۱۶۱	۲۰۵، ۲۰۸، ۲۱۰، ۲۱۴، ۲۳۲، ۲۵۹، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۷۱، ۲۷۸
اوبین	۲۸۱، ۲۹۳، ۳۰۹، ۳۱۳، ۳۶۷، ۴۰۱، ۴۲۵، ۴۷۹، ۴۸۲، ۴۹۲
زندانی، ۱۵۱، ۳۰۰، ۳۳۳، ۳۶۰، ۴۶۶، ۴۱۵	۵۰۱، ۴۹۸
اهانت، ۵۲، ۵۹، ۶۹، ۹۱، ۱۲۶، ۱۴۹، ۱۹۲، ۱۹۷، ۲۰۹	انفصال، ۵۸، ۱۳۴، ۳۰۵
۲۱۶، ۲۷۸، ۳۱۷، ۳۳۵، ۳۵۴، ۳۷۴، ۴۷۶، ۴۹۶	انفورماتیک شورای، ۱۹۵
اهل خبره، ۴۹۱	انقلاب
اهل سنت، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۳۳، ۳۵۷، ۳۶۸، ۴۲۰، ۴۲۱	سالگرد، ۴۳۰، ۴۶۰، ۴۶۹، ۴۷۲، ۵۰۱
۴۳۳، ۴۷۶	سرمایه، ۳۰۶

علمای اسلامی، ۴۶۹	علماء، ۱۲۷، ۴۲۳، ۴۷۶
لانه جاسوسی، ۳۵۶	اهواز، ۵۴، ۸۳، ۲۴۴، ۲۹۵، ۳۰۲، ۳۰۵، ۳۵۷، ۳۵۹، ۳۹۲
ایران ناسیونال، ۸۰	۲۹۳، ۴۶۵، ۴۷۴، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۲، ۴۸۹، ۴۹۵، ۵۰۹
ایرلند رئیس جمهور، ۲۹۳	پرستار، ۱۴۴
ایرلند شمالی نهضت، ۳۹۳	تلویزیون، ۳۲، ۳۶
ایروانی، ۴۷، ۸۳	سپاه، ۳۸۵، ۳۹۱
ایزیران مسئول شرکت، ۱۹۵	غذا، ۳۶
ایگون صهیونیستی، ۴۳۷	فرودگاه، ۴۸۲
ایلام، ۳۹۳، ۴۰۰	قاضی شرع، ۴۳۰
استاندار، ۴۱	نماینده، ۳۶۷
ایمان، ۳۳، ۸۰، ۱۰۳، ۱۲۳، ۱۸۷، ۲۵۷، ۲۹۱، ۲۹۲	نیروی زمینی، ۳۶۷، ۴۸۲
بابانی سرهنگ، ۳۸۷	ایاد سعید ثابت، ۱۰۶
بابل نماینده، ۲۰۸	ایتالیا، ۳۲، ۸۰، ۱۴۰، ۱۹۷، ۳۸۴
باب نیزو معادن، ۱۷۶	تلویزیون، ۲۰۴
بادامچی، ۹۱	سفیر، ۶۳
بادامچیان، ۳۷۰	سکرتر، ۹۴
باران، ۴۹، ۲۸۹، ۳۸۹، ۴۶۲، ۴۹۴	فیات، ۳۲، ۸۰
بارزانی، ۱۰۱، ۱۳۳، ۲۷۴، ۳۰۱، ۳۱۸	مجله، ۲۴۷
بازار، ۵۲، ۱۴۴، ۱۹۶، ۲۸۸، ۲۹۱، ۴۲۶، ۴۹۲	وابسته نظامی، ۵۰۰
بازاریان، ۳۱۶	ایتالیائی سائی، ۱۱۶
بازجویی، ۳۰۰، ۴۵۷	ایتالیائی شرکت، ۶۲، ۱۱۳
بازخرید، ۳۰۵	ایدنولوژی، ۸۰، ۸۵، ۱۰۵، ۱۲۴، ۱۳۷، ۲۰۶، ۲۱۹، ۲۸۳
بازداشت، ۶۷، ۷۱، ۹۵، ۱۰۳، ۱۰۷، ۱۱۱، ۱۱۳، ۱۲۴	۳۶۶، ۳۷۱، ۳۹۰، ۴۰۷، ۴۱۰، ۴۴۶، ۴۸۳، ۵۰۱
۱۳۴، ۱۴۶، ۱۶۴، ۱۸۴، ۱۸۷، ۱۸۹، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۵، ۱۹۷	ایدنولوژی اسلامی، ۴۲۱
۱۹۸، ۱۹۹، ۲۱۲، ۲۱۸، ۲۳۲، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۷	ایذاء، ۴۲۸
۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۴، ۲۷۱، ۲۷۸، ۲۷۹، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۷، ۳۱۲	ایران، ۴۷، ۵۹، ۶۰، ۶۲، ۶۹، ۷۰، ۸۰، ۸۳، ۸۵، ۹۹، ۱۰۱
۳۱۶، ۳۲۳، ۳۴۳، ۳۴۸، ۳۵۶، ۳۶۲، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۳، ۳۸۱	۱۰۶، ۱۱۱، ۱۱۳، ۱۱۷، ۱۳۳، ۱۳۹، ۱۵۳، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۵
۳۸۴، ۳۹۶، ۴۰۷، ۴۲۵، ۴۶۰، ۴۶۱، ۴۷۰، ۴۷۹	۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۱، ۲۱۵، ۲۱۸، ۲۲۱، ۲۲۶، ۲۳۲، ۲۳۹، ۲۴۷
بازرس، ۹۹، ۳۵۶	۲۴۹، ۲۵۷، ۲۷۴، ۲۷۶، ۲۷۹، ۲۸۱، ۲۸۳، ۲۸۵، ۲۹۱، ۲۹۵
بازرس کشاورزی، ۴۱	۳۰۱، ۳۰۹، ۳۲۲، ۳۲۶، ۳۳۲، ۳۳۷، ۳۴۴، ۳۵۲، ۳۵۴، ۳۶۲
بازرس کل کشور، ۳۱۳، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۲۲، ۳۸۷، ۳۸۱	۳۶۳، ۳۶۶، ۳۷۴، ۳۸۶، ۳۹۳، ۳۹۶، ۳۹۷، ۴۰۲، ۴۰۸، ۴۱۱
۳۴۰، ۳۴۲، ۳۶۱، ۳۶۶، ۳۶۷	۴۱۵، ۴۲۲، ۴۲۷، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۲، ۴۳۳، ۴۴۳، ۴۶۱، ۴۶۶
بازرگان مهندس، ۵۸، ۷۱، ۸۴، ۸۷، ۸۹، ۹۱، ۹۴، ۱۲۷	۴۶۷، ۴۷۲، ۴۹۲، ۵۰۰، ۵۱۲
۱۵۵، ۱۸۴، ۱۸۹، ۲۰۸، ۲۱۸، ۲۵۰، ۲۷۴، ۳۰۵، ۳۱۲، ۳۱۵	اسرا، ۱۷۲، ۴۵۵، ۴۷۵
۳۱۷، ۳۲۳، ۳۲۹، ۳۵۶	اعدام، ۳۶۷
بازرگانی، ۵۸، ۶۶، ۶۷، ۱۰۵، ۳۲۵، ۴۱۴، ۴۶۱	سفیر، ۲۵۱، ۳۷۳، ۴۲۰، ۴۲۸، ۴۸۹، ۴۹۴

برنامه و بودجه	کلید واژه	بازسازی
باهر برادر، ۲۶۴	اطاق، ۶۷	
باهر پسر، ۲۶۴	خارجی، ۶۶، ۶۷، ۱۰۵	
باهر دکتر، ۱۰۵، ۱۹۳، ۲۱۳، ۲۲۷، ۲۷۵	معاون، ۳۲۵	
بجنوردی، ۹۴	وزارت، ۵۸، ۳۲۵، ۴۱۴، ۴۶۱	
بچه ها، ۳۸، ۷۰، ۷۴، ۸۲، ۱۰۳، ۱۲۳، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴	وزیر، ۶۶، ۱۳۳، ۲۵۲، ۲۵۳	
۱۳۹، ۱۶۱، ۱۹۶، ۲۱۵، ۲۸۸، ۲۹۱، ۳۱۱، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۸۱	بازسازی، ۵۲، ۵۸، ۶۹، ۲۱۷، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۵۴	
۲۸۵، ۳۰۶، ۳۰۸، ۳۱۰، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۱، ۳۳۳	۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۹، ۲۶۴، ۲۶۵، ۳۰۵، ۴۲۶	
۳۶۲، ۳۹۰، ۳۹۵، ۳۹۷	بازنشستگی، ۱۵۹، ۳۰۵	
بحث آزاد، ۱۰۱، ۲۹۱	بازی دراز، ۹۰، ۲۳۵	
بحران، ۱۷۹، ۴۲۶	باطری، ۴۷۳	
بحرین، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۵۷، ۵۰۶	باغ، ۳۸، ۴۷، ۶۳، ۸۳، ۱۱۹، ۱۲۳، ۱۵۱، ۲۳۲، ۲۸۴، ۲۸۵	
کودتا، ۵۰۶	۴۲۱، ۴۶۵	
نماینده جبهه آزادیبخش، ۵۰۶	باغانی، ۱۲۵، ۱۸۴، ۴۴۷	
نهضت آزادیبخش، ۴۱۰	باقری، ۸۵، ۲۵۶، ۵۱۱	
بخاری، ۴۸۳، ۴۹۲	باقری داماد، ۸۵	
بختیار، ۱۵۰، ۱۶۱، ۲۱۰	باقری سرتیپ، ۲۷۰	
ترور، ۵۰۰	باقری سرلشکر برادر، ۲۵۶	
بختیاری ها، ۶۹	بانک، ۳۷، ۶۸، ۱۰۲، ۲۲۴، ۳۳۰، ۴۲۶، ۴۵۴، ۵۱۰	
بخش خصوصی، ۳۵۹، ۳۶۳	اروپا، ۶۴	
بداخلاق، ۶۴، ۳۵۲، ۳۷۱	پارس، ۹۴	
بدرقه، ۲۸۸، ۲۹۲، ۵۰۳	رئیس بانک، ۲۵۳	
برازجان، ۱۹۷	رئیس مرکزی، ۳۴۳، ۳۶۴	
برج مراقبت، ۱۷۶	صادرات، ۲۳۲، ۴۳۵	
برخوردار، ۱۰۶	مرکزی، ۱۰۸، ۱۱۲، ۱۱۶، ۱۲۴، ۱۲۵، ۳۴۲، ۴۶۱	
بردگان، ۳۵۴	۴۶۳	
برزخ، ۴۲۸، ۴۳۳	مسئول، ۴۳۵	
برف، ۵۳، ۳۲۸، ۴۶۲، ۴۶۸، ۴۹۴	ملی پاریس، ۱۰۷	
برف سنگین، ۴۶۳، ۴۸۳	بانک مرکزی متهم جعل سند، ۱۲۴	
برق، ۳۷، ۱۹۱، ۲۰۵، ۲۵۷، ۲۵۹، ۲۸۵، ۳۲۱، ۳۸۰، ۴۸۴	بانکی دکتر، ۳۵۷، ۴۶۱	
برق اضطراری، ۳۲۶	بانکی دکتر محمد تقی، ۵۰۹	
برنامه اتمی شاه، ۴۱۰	باهر، ۴۸، ۶۱، ۶۷، ۷۰، ۸۴، ۹۶، ۹۹، ۱۰۷، ۱۱۰، ۱۲۷	
برنامه ارتباط مستقیم با مسئولان، ۱۳۵	۱۲۹، ۱۴۰، ۱۴۶، ۱۷۲، ۱۷۹، ۱۸۱، ۱۹۵، ۱۹۶، ۲۰۱، ۲۰۲	
برنامه برون مرزی، ۴۷۳	۲۰۶، ۲۰۷، ۲۱۸، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۳، ۲۴۱، ۲۴۴	
برنامه ریزی، ۳۵۷، ۳۵۹، ۴۶۱، ۴۷۶	۲۴۵، ۲۴۷، ۲۵۰، ۲۵۳، ۲۵۷، ۲۵۹، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۹، ۲۷۵	
برنامه و بودجه، ۵۵، ۱۲۹، ۳۵۳، ۳۵۷، ۳۶۴، ۴۶۱	۳۳۲، ۳۹۳	
۵۰۷، ۵۰۹، ۴۶۸	خانم، ۹۳، ۲۴۱، ۳۳۲، ۳۶۳	

سرپرست، ۳۵۷	هرب، ۴۵
سرپرست سازمان، ۱۲۵	بلوچستان، ۶۹، ۱۰۴، ۳۵۷، ۴۳۰
برنج، ۵۸، ۲۸۴، ۳۵۲، ۳۸۵، ۴۱۰، ۴۲۱	اشرار، ۱۳۳
بروجردی محمود، ۹۰، ۱۱۶	بمب، ۲۷، ۱۷۶، ۱۷۹، ۱۸۱، ۱۸۳، ۱۸۵، ۱۸۶، ۲۰۵، ۲۰۸
بروجردی مدرسه، ۹۴	۲۱۴، ۲۲۷، ۲۷۱، ۳۰۱، ۳۱۴، ۳۹۱، ۳۹۲، ۵۰۱
بریتانیا، ۲۰۶	بمب اتم، ۲۸۴
بزرگ حاج آقا پدر، ۲۳۶	بمباران، ۱۵۱، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۸، ۳۳۳، ۳۴۸، ۳۶۰، ۳۷۲
بزرگمه، ۳۶۱، ۴۲۰	۳۸۷، ۴۰۰، ۴۸۲
بستان، ۲۶۹، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۴، ۳۹۶، ۴۷۸	بمب گذاری، ۳۷، ۵۰۱
۳۸۳	بنادر، ۴۷۶، ۵۰۰
جبهه، ۲۷۰، ۳۸۹، ۳۹۵	بند ج، ۵۵، ۹۴
حمله، ۴۷۹	بندراتزلی
عملیات، ۲۷۰	امام جمعه، ۴۷۲
فتح، ۴۰۰	نماینده، ۳۳۷
نماینده، ۳۶۴	بندرعباس، ۱۳۲، ۲۱۸، ۲۳۹
بستان ایران شرکت، ۵۹	سپاه، ۱۶۲، ۴۵۸، ۴۶۸
بستگان، ۳۲، ۳۷، ۴۱، ۵۹، ۷۰، ۱۵۱، ۱۷۴، ۱۹۳، ۲۰۶	قاضی شرع، ۳۲
۲۵۵، ۲۳۰، ۳۹۷، ۴۰۸، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۷۵، ۴۸۴، ۵۰۷	مسئول، ۴۶۸
بستگان اسرای ایران، ۳۷۵	نماینده، ۳۱۲، ۳۹۰
بستگان اسرای عراق، ۳۷۵	بندرلنگه، ۳۷
بسیج، ۴۷، ۶۴، ۳۰۲، ۳۸۲، ۴۴۹، ۴۸۲	بنز، ۲۸۳، ۳۳۷، ۴۳۰
بسیج اقتصادی، ۶۱، ۳۵۲، ۴۳۰، ۴۹۲	بنزین، ۲۸۸
بسیج عشایر، ۲۳۳	بنگلادش
بسیج مستضعفین، ۳۸۵	جمهوری اسلامی نماینده حزب، ۹۹
بشارت، ۴۲۳، ۴۲۵	رئیس جمهور، ۱۰۸، ۵۰۳
بشارتی، ۲۳۴، ۴۶۶	بنیاد، ۴۸، ۵۲، ۹۳، ۱۰۴، ۱۴۷، ۳۰۱، ۳۶۲، ۳۶۷
بصره، ۲۱۳، ۴۸۲	جنگ زدگان، ۴۵، ۹۷، ۱۰۱، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۳۳، ۱۳۶
بعثی، ۱۰۶، ۱۹۱، ۳۲۶	۳۵۵، ۳۶۱، ۳۶۳
بقائی دکتر، ۸۳	شهید، ۴۸، ۵۲، ۹۳، ۳۶۷
بلژیک، ۸۴، ۱۹۸، ۳۲۹، ۴۰۶، ۴۲۶، ۴۳۲، ۴۹۰، ۵۰۱	مستضعفان، ۳۶، ۵۸، ۵۹، ۱۰۳، ۱۱۱، ۲۱۰، ۳۰۶
انجمن اسلامی، ۴۵، ۴۰۸	۳۱۷، ۳۲۶، ۳۸۲، ۳۸۴، ۳۸۶
خبرنگار، ۳۲۹	بنیاد جنگ زدگان
دانشجویان، ۴۵، ۴۰۸	مسئول، ۴۵
سفارت، ۴۵	بنیاد مستضعفان
سفیر، ۳۰۵	رئیس، ۵۸
ضدانقلاب، ۴۵، ۱۹۳، ۴۰۸	سرپرست، ۵۹

بوشهر	مسنول، ۲۶
آوارگان، ۵۹	مسنول مستغلات، ۳۰۶
اردوگاه، ۵۹	بنی صدر، ۲۲، ۲۶، ۳۷، ۳۹، ۴۲، ۴۳، ۵۲، ۵۴، ۶۰، ۶۲
پایگاه هوایی، ۳۳۱	۸۰، ۸۴، ۸۷، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۶، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۶، ۱۰۸، ۱۰۹
نماینده، ۶۲	۱۱۰، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۶، ۱۱۹، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۷، ۱۳۴، ۱۳۵
بوشهری مهندس، ۶۲	۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۹، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۵۱، ۱۵۷، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳
بوکان، ۳۱۱، ۳۶۱، ۳۶۴، ۳۶۹	۱۷۴، ۱۸۶، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۳، ۱۹۹، ۲۰۶، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۲۴
بولدوزر، ۲۴۹	۲۳۱، ۲۵۴، ۲۹۱، ۳۰۲، ۳۰۵، ۳۱۶، ۳۷۲
بهاینها، ۳۹۶، ۳۶۶	اطرافیان، ۱۳۰، ۱۵۹، ۱۹۷، ۲۴۴
بهادران، ۲۵۱، ۵۸	پسر، ۲۵۰
بهداری، ۱۲۶	پیام، ۳۱
بهار آزادی سکه طلا، ۳۷۲	خانم، ۱۶۴، ۲۵۰
بهداری	خواهر، ۹۹
انجمن اسلامی وزارت، ۲۳۵، ۲۵۵	ریاست جمهوری، ۸۲
پست وزارت، ۲۳۵	سلب کفایت سیاسی، ۱۵۵، ۱۵۷
مراکز، ۳۸۹	عدم کفایت سیاسی، ۱۶۳
معاون بهداشتی وزارت، ۳۹۳	هزل، ۱۴۷، ۱۴۹، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۶۰، ۱۶۲، ۱۶۶، ۱۶۹
وزارت، ۳۶۵، ۴۱۹، ۴۳۷	۱۷۱، ۱۹۷
وزیر، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۴۱، ۲۴۷، ۲۵۵، ۲۹۳	فرار، ۱۵۸، ۲۱۹، ۲۲۱، ۲۳۵، ۲۴۹، ۲۸۶
بهرامی حمید، ۳۹۰	مشاور فرهنگی، ۱۹۷، ۲۸۶
بهرمان، ۱۷۴	عمر فرار، ۲۵۰
بهرزیه، ۶۷، ۱۰۴، ۱۷۱	بنی صدر فتح الله، ۲۵۰
بهرزیه حسن، ۱۱۰	بنی صدری، ۴۳
بهره، ۲۱۹	بنی صدریان، ۱۴۶
بهره برداری، ۴۲۹	بوئین زهرا، ۴۱، ۱۳۳
بهریستی سازمان، ۲۲۱	انتخابات، ۱۳۳
انجمن اسلامی، ۱۳۷	کاندید مجلس، ۴۱
بهشت زهرا، ۱۸۳	بودجه، ۵۵، ۵۹، ۶۱، ۹۶، ۱۱۱، ۱۲۵، ۱۲۷، ۱۳۰، ۱۳۲
بهشتی، ۳۹، ۴۵، ۴۸، ۵۵، ۶۱، ۶۳، ۶۶، ۶۷، ۶۹، ۷۰، ۷۳	۱۳۳، ۱۳۵، ۱۴۵، ۱۹۳، ۱۹۵، ۱۹۷، ۱۹۸، ۲۰۴، ۲۵۳، ۲۵۷
۷۹، ۸۰، ۸۳، ۸۹، ۹۶، ۹۹، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۵، ۱۰۷، ۱۲۳	۳۶۴، ۳۹۰، ۴۰۶، ۴۱۰، ۴۱۹، ۴۲۸، ۴۳۲، ۴۶۱، ۴۶۸، ۴۷۵
۱۲۴، ۱۲۷، ۱۳۶، ۱۳۴، ۱۳۶، ۱۴۷، ۱۵۰، ۱۵۲، ۱۵۸، ۱۶۰	۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۰۹
۱۶۴، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۹، ۱۸۱، ۱۸۳، ۱۸۷، ۱۸۹، ۱۹۱، ۲۲۷	سری ریاست جمهور، ۶۰
۲۴۵، ۲۵۶، ۳۱۷، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۶۱، ۳۶۷، ۳۳۵	کاخ ریاست جمهور، ۶۰
پیام، ۳۱	لایحه، ۷۵، ۷۹، ۸۴، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۲، ۲۱۹، ۴۵۵
خانم، ۱۹۳، ۱۹۹، ۳۲۲، ۳۷۳	۵۰۶، ۵۰۷
محمد رضا، ۱۸۳، ۳۳۵	بوستان حسن، ۳۷۳

بین المجالس، ۲۷۵، ۲۷۹، ۴۴۴	بهشتی احمد، ۱۹۵
بینش، ۲۵۲	بهشتی حجه الاسلام، ۲۱۳
بی نظمی، ۱۰۲، ۳۰۰، ۳۱۵، ۳۳۳، ۳۶۷، ۴۶۱، ۴۶۵	بهشتی دکتر، ۱۷۹
بی نظیر، ۴۲۸	بهشهر
بیهوش، ۸۹، ۲۱۵	دانش آموز، ۸۲
پارس خبرگزاری، ۳۹، ۶۶، ۷۴، ۲۱۷، ۲۲۴، ۲۵۴، ۳۱۱، ۳۷۰	سایت، ۴۹۵
پاریس، ۶۶، ۷۰، ۲۱۹، ۲۲۳، ۲۵۰، ۳۹۲، ۴۵۴	نماینده، ۳۲۶
دانشجویان اسلامی، ۴۵۵	۲۲ بهمن، ۴۶۸، ۴۲۰
رئیس بانک ملی، ۱۰۷	بهمن شیر، ۳۳
پاسدار، ۳۲، ۳۳، ۵۵، ۶۳، ۶۴، ۷۰، ۷۵، ۷۹، ۸۱، ۸۳، ۸۵	بهنام، ۱۰۷
۱۰۲، ۱۰۴، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۶، ۱۳۰، ۱۳۲، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۶	بیابان، ۴۸۰
۱۵۸، ۱۶۳، ۱۷۳، ۱۹۶، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۸، ۲۱۰، ۲۱۴	بیات، ۵۸، ۷۵، ۲۲۸، ۲۸۱، ۳۲۶، ۴۰۰
۲۲۴، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۳۲، ۲۳۶، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۹، ۲۸۲	بیاره، ۲۰۹
۲۹۹، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۶، ۳۱۵، ۳۲۱، ۳۲۶، ۳۶۷، ۳۸۴، ۳۸۶	بیانی، ۱۶۶
۳۹۱، ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۳۲، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۴۰، ۴۵۳، ۴۶۲، ۴۶۷	بیانیه، ۷۱، ۱۰۶، ۲۱۰، ۲۷۹، ۳۰۰، ۳۰۷، ۳۹۳، ۳۹۶، ۳۹۷
۴۶۸، ۴۷۹، ۴۸۲، ۴۹۴، ۵۰۶، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۱	۴۰۳، ۴۴۲، ۴۴۶، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۶۸
پاکسازی، ۸۹، ۹۶، ۱۱۷، ۳۱۱، ۳۹۶، ۴۰۸	بیت المقدس، ۲۱۵
پاکستان، ۲۰۸، ۲۸۱، ۲۹۲، ۳۲۶، ۳۷۳، ۴۳۰، ۴۸۳	بیجارانجمن اسلامی، ۱۴۵
استقلال، ۵۰۸	بی رویه، ۳۵۶
اوضاع، ۲۱۸	بیژن، ۳۹
دانشجو (امامیه)، ۲۵۷	بی سیم، ۳۹۴
رئیس جمهور، ۵۰۳	بیعت، ۲۱۳
سمینار انجمن امامیه، ۴۴۲	بیمارستان
کاردار، ۵۰۸	اختر، ۲۰۵
کاردار سفارت، ۲۰۴	امداد شماره ۲، ۳۹
پالایشگاه، ۳۳، ۶۶، ۲۲۹، ۳۶۱، ۴۳۰	ایرانمهر، ۱۶۳
پالمه، ۱۸۷، ۴۹۵	پارس، ۴۲۷
پالمه اولاف، ۱۶۶	سوم شعبان، ۲۰۷
پانزده خرداد، ۱۳۲	شرکت نفت، ۳۵
پاوه	شوروی، ۳۴۵
امام جمعه، ۱۲۶	طرفه، ۱۸۴
شهرداری، ۱۲۶	قلب، ۱۷۸، ۱۸۷، ۱۹۶، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۱۵، ۲۱۹، ۲۲۴
نماینده، ۱۲۶	۲۳۱، ۳۴۹، ۴۴۶، ۴۸۹
پایتخت، ۲۸۱	مهدی رضانی، ۲۱۷
پایگاه، ۵۹، ۱۴۵، ۱۵۳، ۱۷۶، ۲۱۹، ۲۸۴، ۲۸۸، ۳۵۶	ولی عصر، ۶۴
	بیمه، ۴۴۵

پیکار	کلید واژه	پایگاه مقاومت مسجد
افسر، ۲۰۷		۴۶۴، ۴۳۱، ۳۸۷
رئیس، ۳۹		پایگاه مقاومت مسجد، ۳۸۲
قضائی، ۳۶۸		پایگاه هوائی
معاون، ۳۹		فرمانده، ۴۳۱
پناهگاه، ۲۴۶		پای مصنوعی، ۱۳۳
پناهندگی سیاسی، ۲۱۹		پتروشیمی، ۱۰۴، ۳۳۳
پورگل، ۳۳۷		پدافند، ۳۶۰، ۳۹۳
پورمحمدی، ۱۲۶		پرچم، ۳۸۲
پوستین، ۳۳۱		پرستار، ۳۹، ۶۴، ۱۴۴، ۱۴۵
پول، ۶۸، ۷۹، ۱۰۶، ۱۲۶، ۱۳۶، ۱۷۳، ۲۵۵، ۳۳۰، ۳۵۳		پرواز، ۱۷۶، ۱۷۹، ۲۸۱، ۲۸۹، ۳۹۲، ۴۳۲
۳۵۶، ۴۲۰، ۴۲۶، ۴۴۲، ۴۶۲، ۴۶۸، ۴۷۲، ۵۱۰		پرورش، ۸۷، ۱۵۲، ۱۵۸، ۱۷۹، ۱۹۷، ۱۹۸، ۲۰۲، ۲۱۴
پولدار، ۶۳، ۹۷، ۵۱۰		۲۶۴، ۲۶۶، ۲۷۴، ۲۷۷، ۳۱۲، ۳۲۶، ۳۳۰، ۳۳۳، ۳۳۵، ۳۴۱
پولیساریو، ۳۲۴		۳۷۲، ۴۲۱، ۴۲۲
پهلوی، ۱۵۰، ۳۶۶		پرورش سید علی، ۳۲۳
پهلوی اسلامی علی، ۶۹		پروژه، ۲۸۹
پهلوی اشرف، ۱۶۱		پزشک، ۱۲۶، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۸۶، ۲۳۰، ۲۴۴، ۲۷۵، ۳۶۵
پهلوی خانواده، ۹۵		۴۰۸، ۴۱۹، ۴۲۳، ۴۴۷، ۴۶۲
پهلوی رضا، ۱۶۱		پزشکپور، ۱۶۱
پهلوی شاهپور غلامرضا، ۶۳، ۶۹		پزشک چشم، ۱۱۲
پهلوی فرح، ۱۶۱		پزشک خارجی، ۳۲۶
پهلوی محمد رضا، ۱۴۵		پزشک قانونی، ۳۳۹
پهلوی نیم سکه، ۲۲۶		پژوهش‌های علمی و اختراعات سازمان، ۱۸۶
پیام (آقای هاشمی)، ۳۱، ۴۷، ۹۶، ۱۷۹، ۲۶۱، ۲۸۱		پست و تلگراف وزیر، ۷۵
۲۹۲، ۳۹۳، ۳۴۵، ۴۲۸، ۴۴۲، ۵۱۲		پسته، ۷۰، ۴۰۸، ۴۱۴، ۵۰۴
پیام انقلاب مجله، ۱۵۷، ۲۴۵		خرید، ۴۶۱
پیام پاسداران انقلاب مجله، ۳۹۱		صدور، ۷۰، ۲۳۵
پیام رئیس جمهور نشریه، ۱۴۴		پسندیده، ۶۶
پیام نوروز، ۳۱		پشیمان، ۱۳۵، ۳۱۳، ۳۹۴
پیروز، ۳۸۱، ۳۹۵		پلاژ، ۱۹۸
پیروزی، ۶۸، ۸۷، ۹۷، ۱۱۹، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۵۹، ۲۱۰		پل، ۳۳، ۳۰۲، ۳۸۹، ۳۹۰، ۴۷۹
۲۵۷، ۲۶۵، ۲۷۶، ۲۸۵، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۷، ۳۱۰، ۳۵۹، ۳۹۱		پلو عدس، ۴۱۲
۳۹۵، ۳۹۶، ۴۰۳، ۴۱۱، ۴۲۸، ۴۸۹		پلو قیحه، ۳۹۵، ۴۳۰
انقلاب، ۸۵، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۳۹، ۱۸۳، ۳۳۱		پلو کشمش، ۴۲۶
پیکار، ۱۶۳، ۱۹۸، ۲۱۰، ۲۴۷، ۳۵۶، ۳۲۵		پلو ماهی، ۴۳۱، ۴۳۵
کادر مرکزی، ۴۷۳		پلیس، ۳۷، ۱۰۲، ۳۳۰، ۴۵۴، ۴۵۵
مرکزیت، ۴۷۵		

تبریک، ۵۹، ۱۲۳، ۱۳۴، ۱۶۰، ۲۱۶، ۲۳۹، ۴۶۵	پیمان، ۸۴، ۱۲۷، ۲۸۲
تبعید، ۲۵۶	گروه، ۲۵۱
تبعیض، ۴۵، ۴۱۹	پیمان دکتر، ۶۴، ۱۵۰، ۱۹۲، ۲۰۲، ۲۲۳
تبعیضات اقتصادی، ۴۵	پیام، ۲۲۳
تبلیغ، ۶۸، ۱۳۱، ۱۳۶، ۱۷۳، ۲۰۲، ۲۸۸، ۲۹۱، ۳۳۴، ۳۴۵، ۳۹۰	پیمانکار، ۴۶۱، ۴۷۰
تبلیغات، ۶۹، ۷۰، ۸۳، ۸۴، ۸۹، ۱۰۴، ۱۵۷، ۲۰۱، ۲۰۲	پینگ پنگ، ۷۰، ۱۱۱، ۱۱۶، ۱۳۹، ۱۶۳
۲۴۶، ۲۵۹، ۲۹۲، ۳۲۲، ۳۳۴، ۳۶۲، ۳۷۳، ۳۹۱، ۳۹۶، ۴۰۰	پیونگ یانگ، ۲۸۴، ۲۸۱
۳۰۶، ۳۱۱، ۳۲۱، ۳۳۰، ۳۸۲، ۳۸۹، ۴۹۸، ۵۰۶	تابلو، ۲۸۸، ۴۶۵
اسلامی، ۹۹، ۳۰۶	تاثیر، ۲۱۳، ۳۱۵
خارجی، ۲۳۱	تاجر، ۳۵۲، ۴۲۳
تبلیغات دینی، ۲۱۵	تاج گردون مهندس، ۲۴۴
تبلیغات غرب، ۲۹۲	تاریخ، ۹۹، ۱۲۹، ۱۳۴، ۳۱۰، ۳۶۲، ۳۶۵، ۳۶۲، ۴۷۵، ۴۹۳
تبلیغات متمرکز، ۴۲۲	امام علی (ع)، ۲۱۳
تجار، ۱۱۳، ۳۲۵	انقلاب، ۲۸۵
تجارب خارجی، ۴۸۳	ایران، ۱۵۳
تجارت، ۴۲، ۲۵۲، ۳۳۹، ۴۸۲	پیغمبر، ۳۲۱، ۴۲۳
خارجی، ۷۳، ۱۳۳، ۳۸۵	مجلس، ۲۶۹
دولتی، ۲۲۷، ۳۲۱	تاریخ انقلاب، ۲۶۵
تجاری، ۲۵۹، ۴۰۰	تالار، ۱۴۷، ۲۵۹، ۳۱۷
تجاوز، ۱۳۹، ۲۲۳، ۲۵۶، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۹، ۳۳۳، ۳۶۷، ۴۴۰، ۴۹۳	تالار رودکی، ۴۳۳، ۴۳۵
تجربشی اسدالله، ۲۲۸	تالار فیروزه، ۹۳
تجسم اعمال، ۳۹۲	تالیف، ۳۶۵
تجویز، ۸۲، ۲۸۷	تانک، ۳۳، ۱۳۴، ۲۴۹، ۲۸۸، ۳۱۵، ۳۲۹، ۳۳۷، ۳۹۲، ۴۹۵
تحرک، ۴۱، ۶۸، ۱۹۹، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۵، ۲۵۴، ۲۵۷، ۲۶۵	۴۴۵، ۴۷۹، ۴۸۰
۳۳۱، ۳۶۴، ۳۹۰، ۴۰۸، ۴۵۵	تانک تی، ۶۲، ۳۹۲
تحریر وسیله، ۱۸۶	تایلند، ۵۴
تحریر بیان، ۱۸۷، ۲۲۱	کودتا، ۵۵
تحریم، ۳۱۰	تب، ۱۵۸، ۲۱۳، ۲۵۶، ۳۲۱، ۳۳۶، ۳۶۷، ۴۰۴
تحصیل، ۲۸، ۴۵، ۶۸، ۸۵، ۱۱۰، ۱۳۰، ۲۹۱، ۳۰۰، ۴۲۳	تبدیر، ۴۱۹
تحقیقات، ۴۱، ۱۱۳، ۲۳۴، ۲۳۱، ۲۳۵، ۲۴۹، ۳۰۷، ۴۲۹	تبریز، ۲۶۹، ۲۷۹
۵۰۷	امام جمعه، ۱۰۷
تحکیم، ۲۷۵، ۴۰۲، ۴۲۷، ۴۳۵	دادگاه، ۲۷۸
تحکیم دفتر وحدت، ۳۷۳	طلاب، ۵۸
تحلیف، ۱۸۵، ۲۲۶، ۳۲۵	کارخانه تراکتورسازی، ۸۰
	نماز جمعه، ۲۷۸
	نماینده، ۲۵۳

تخریب	کلید واژه	تعطیل
تخریب، ۶۸، ۱۶۴، ۱۹۶، ۲۱۳، ۲۲۴، ۲۲۷، ۲۷۰، ۲۴۷	تربیت بدنی، ۸۱، ۴۳۱	تربیلی، ۳۳۷
تخم مرغ، ۱۸۵، ۴۴۹	سازمان، ۱۲۳	تزریقات، ۲۸۴
تدارکات، ۱۱۷، ۱۲۹، ۳۹۵، ۴۱۴	تربیت معلم، ۳۶۵، ۴۹۳	تسخیر لانه جاسوسی، ۲۰۲
تدریس، ۹۱، ۱۲۷، ۲۲۱، ۳۱۱، ۳۲۰	دانشکده، ۲۹۱	تسلیت، ۴۷، ۱۷۱، ۱۸۵، ۱۹۲، ۲۱۶، ۲۶۳، ۲۶۹، ۲۷۵
تدوین استراتژی کلی انقلاب اسلامی، ۲۸۵	مرکز، ۴۷	۲۹۳، ۳۲۳، ۳۵۷، ۳۵۹، ۴۷۶، ۵۱۰
تدوین استراتژی ملی، ۴۲۹	تربیت معلم مرکز، ۴۲۲	تشریفات، ۱۹۸، ۲۸۲، ۲۸۵، ۲۹۲
ترابی سرگرد، ۴۳۱	ترجمه، ۹۴، ۲۰۱، ۲۴۷، ۲۵۷، ۳۰۰، ۳۲۱، ۳۳۵، ۳۶۵	تشکیلات، ۷۳، ۱۷۴، ۲۹۹، ۳۵۱، ۴۲۲
ترافیک، ۲۸۹	ترجمیم، ۲۷۹، ۳۷۰	تشنج اعصاب، ۱۳۲
تراکتور، ۱۱۳، ۱۱۶، ۱۳۰، ۲۸۴	تردید، ۹۰، ۱۰۳، ۲۳۶، ۲۳۶، ۲۷۸، ۳۱۴، ۳۲۷، ۳۶۷	تشیع، ۱۶۹، ۱۷۱، ۱۸۱، ۱۸۳، ۲۱۳، ۲۳۰، ۲۶۳، ۲۷۴
تراکتور سازی کارخانه، ۲۸۴	ترمس، ۱۴۹، ۱۸۹، ۲۱۹، ۲۷۹، ۳۲۸، ۳۱۲، ۳۲۰	۲۷۹، ۲۸۱، ۳۰۷، ۳۰۹، ۳۴۹، ۳۷۰
تراموا، ۲۸۲	ترشی، ۳۶۱	تصادف، ۳۸، ۶۲، ۹۱، ۹۱، ۱۹۱، ۲۰۸، ۲۲۲، ۳۰۶، ۳۵۲
تربیت بدنی، ۸۱، ۴۳۱	ترکش، ۳۰۷	۳۵۶، ۳۸۵، ۵۰۴
سازمان، ۱۲۳	ترکمن صحرا، ۷۰	تصرف، ۹۴، ۲۰۹، ۳۰۲، ۳۰۷، ۳۳۱، ۳۹۰، ۴۰۳، ۴۱۱
تربیت معلم، ۳۶۵، ۴۹۳	ترکمن علما اهل سنت، ۱۲۷	۴۲۰، ۴۶۰
دانشکده، ۲۹۱	ترکیه، ۶۰، ۲۱۸، ۲۲۶، ۳۴۱، ۳۵۶، ۳۳۰، ۳۳۶، ۵۰۰	تصفیه، ۵۲، ۵۲، ۱۳۰، ۱۳۷، ۱۶۱، ۲۰۶، ۲۰۸، ۲۱۹، ۲۲۴
مرکز، ۴۷	نخست وزیر، ۵۰۳	۲۲۹، ۲۳۹، ۲۵۴، ۲۶۵، ۲۶۹، ۲۷۱، ۳۱۶، ۳۶۱، ۳۷۳، ۴۰۳
تربیت معلم مرکز، ۴۲۲	هیئت تجاری، ۴۰۰	۴۲۵، ۴۵۸، ۴۸۰
ترجمه، ۹۴، ۲۰۱، ۲۴۷، ۲۵۷، ۳۰۰، ۳۲۱، ۳۳۵، ۳۶۵	ترمینال، ۲۳۹	تضاد، ۱۳۹، ۱۵۰، ۲۱۵
ترجمیم، ۲۷۹، ۳۷۰	ترور، ۳۹، ۶۲، ۸۴، ۱۲۲، ۱۶۳، ۱۷۲، ۱۸۴، ۱۹۱، ۱۹۲	تظاهرات، ۱۳۹، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۶۶، ۱۸۳
تردید، ۹۰، ۱۰۳، ۲۳۶، ۲۳۶، ۲۷۸، ۳۱۴، ۳۲۷، ۳۶۷	۲۰۴، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۹، ۲۲۳، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۳۰، ۲۳۱	۱۸۶، ۱۸۹، ۲۹۹، ۳۲۲، ۳۵۲، ۳۷۳، ۳۸۱، ۳۳۱، ۴۰۶، ۵۰۶
ترمس، ۱۴۹، ۱۸۹، ۲۱۹، ۲۷۹، ۳۲۸، ۳۱۲، ۳۲۰	۲۲۲، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۸، ۲۳۷، ۲۵۰، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۷۰	مساحانه، ۲۷۸
ترشی، ۳۶۱	۲۳۲، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۸، ۲۴۷، ۲۹۹، ۳۰۲، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۱۰، ۳۱۵	تعديل ثروت، ۴۵
ترکش، ۳۰۷	۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۷، ۲۳۹، ۳۲۳، ۳۲۵، ۳۲۹، ۳۳۲، ۳۴۵، ۳۵۷، ۳۶۷، ۳۷۷، ۴۱۰	تعزیر، ۳۳۰
ترکمن صحرا، ۷۰	۳۱۷، ۳۲۵، ۳۲۹، ۳۳۲، ۳۳۵، ۳۴۵، ۳۵۷، ۳۶۷، ۳۷۷، ۴۰۷، ۴۱۰	تعصب، ۳۶۲
ترکمن علما اهل سنت، ۱۲۷	۳۲۳، ۳۲۶، ۳۲۸، ۳۴۰، ۳۷۲، ۳۹۳، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۳	تعطیل
ترکیه، ۶۰، ۲۱۸، ۲۲۶، ۳۴۱، ۳۵۶، ۳۳۰، ۳۳۶، ۵۰۰	تریاک، ۱۱۱	پالایشگاه آبادان، ۳۳۰
نخست وزیر، ۵۰۳		تربیت بدنی، ۸۱
هیئت تجاری، ۴۰۰		جلسه، ۱۷۲، ۱۵۸، ۲۲۱
ترمینال، ۲۳۹		دانشگاه، ۳۶۵
ترور، ۳۹، ۶۲، ۸۴، ۱۲۲، ۱۶۳، ۱۷۲، ۱۸۴، ۱۹۱، ۱۹۲		روزنامه، ۱۳۰، ۱۴۰، ۱۴۴
۲۰۴، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۹، ۲۲۳، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۳۰، ۲۳۱		روزنامه آزادگان، ۵۸
۲۲۲، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۸، ۲۳۷، ۲۵۰، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۷۰		سفارتخانه، ۵۵
۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۷، ۲۳۹، ۳۰۲، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۱۰، ۳۱۵		عمومی، ۱۷۹
۳۱۷، ۳۲۵، ۳۲۹، ۳۳۲، ۳۳۵، ۳۴۵، ۳۵۷، ۳۶۷، ۳۷۷، ۴۰۷، ۴۱۰		کار، ۱۰۴
۳۲۳، ۳۲۶، ۳۲۸، ۳۴۰، ۳۷۲، ۳۹۳، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۳		مجلس، ۲۵۰، ۲۵۹، ۲۶۵، ۳۰۴، ۳۰۴، ۳۱۶، ۳۵۴
تریاک، ۱۱۱		مدرسه، ۱۴۷

تنبیه، ۲۱۷، ۲۵۰، ۳۶۰، ۳۹۶، ۴۶۹	نشریه امت، ۳۲۳
تند	وزارت دفاع، ۴۶۱
برخورد، ۸۱، ۸۹، ۱۲۵، ۱۵۹	تعلیم، ۱۱۹، ۴۱۲، ۴۵۴
سخنرانی، ۱۴۵	تعلیمات دینی، ۳۵۷
شعار، ۱۵۷، ۱۵۸، ۳۱۶، ۳۷۴	تعمیر، ۶۱، ۱۹۱، ۲۲۶، ۴۱۵، ۴۲۰، ۴۷۳، ۴۸۴
کم محتوی، ۱۷۳	تعمیر گاه، ۲۸۴
مواضع، ۴۹۷	تفتیش، ۱۸۴، ۲۳۷، ۲۶۹، ۲۷۱، ۳۲۲، ۳۴۸
نطق، ۳۱۷	بدنی، ۴۷۶
تندروی، ۳۱۶	تفرقه، ۲۷۴
تندگویان، ۶۲	انگیز، ۲۸۱
تنفر، ۲۱۳	تفسیر، ۲۰۲، ۲۴۱، ۲۵۵، ۳۰۱، ۳۰۵، ۳۷۰، ۴۱۵، ۴۴۷
تنفس مصنوعی، ۱۸۶	۲۵۳
تنفیذ، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۴، ۳۱۸	تفکیک، ۲۰۷
توبه، ۱۹۵، ۲۲۳، ۲۵۶، ۲۷۹، ۳۰۲، ۳۷۰، ۴۲۸، ۴۴۴	تفنگ، ۲۰۴
توپ ۱۷۵، ۴۱، ۶۳، ۶۰	تقسیمات کشوری، ۴۵۷
توپ، ۶۷، ۲۸۸، ۳۷۳، ۳۹۳، ۴۰۲، ۴۵۵، ۴۸۲	تقصیر، ۸۱، ۹۶، ۱۰۴، ۱۳۹، ۲۱۷، ۲۲۴، ۳۳۳، ۳۶۰
توپخانه ۱۳۰، ۴۷۹	تقلب، ۶۷، ۳۲۹
توپ مهمات ۱۵۵، ۱۹۹، ۴۷۳	تقی زاده دکتر، ۴۳
توپ مهمات ۱۳۰، ۴۷۳	تکالیف، ۴۰۰، ۴۴۲
توده، ۹۴، ۱۰۳، ۱۲۷، ۴۰۳	تکذیب، ۱۲۶، ۱۴۶، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۳۱، ۴۹۰
توده حزب، ۹۶، ۱۰۱، ۱۰۸، ۱۰۶، ۲۰۶، ۲۲۶، ۲۷۳، ۲۸۱، ۳۷۱	تلفات، ۱۹۱، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۷۰، ۳۹۳، ۴۹۵، ۴۰۸، ۴۲۲
تورات، ۲۵۶	۴۳۵، ۴۴۲، ۴۷۵
توربین، ۲۸۵	انسانی، ۵۰۶
تورم، ۲۲۱	تلفن سیاسی، ۳۳۱
جهانی، ۳۶۳	تلكس، ۱۳۴، ۱۵۲، ۲۷۸، ۳۱۵، ۴۲۹
زانی، ۵۰۳، ۵۰۷	تلویزیون، ۳۲، ۳۶، ۴۷، ۶۲، ۸۵، ۹۱، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۹
توزیع، ۳۰۰، ۳۵۲، ۳۵۷، ۳۹۰	۱۰۱، ۱۰۳، ۱۱۰، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۲۴، ۱۲۷، ۱۳۲، ۱۳۵، ۱۴۴
توسعه، ۶۲، ۷۱، ۸۴، ۱۱۹، ۱۶۰، ۲۰۳، ۲۱۵، ۲۲۱، ۲۷۵	۱۶۰، ۱۶۱، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۸۴، ۱۹۷، ۲۰۱، ۲۰۴، ۲۰۹، ۲۲۴
۲۸۲، ۲۹۹، ۳۰۹، ۳۲۳، ۳۶۳، ۳۶۵، ۴۰۱، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۲۳	۲۲۷، ۲۳۵، ۲۵۷، ۲۶۴، ۲۷۷، ۲۹۲، ۳۰۰، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۲۹
۳۳۱، ۳۳۹، ۵۰۴، ۵۰۸، ۵۱۱	۳۳۷، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۵۲، ۳۵۴، ۳۵۶، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۴، ۳۶۶
توسلی، ۱۰۷، ۱۳۲، ۳۹۲	۳۷۱، ۳۷۴، ۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۴، ۴۰۰، ۴۱۱، ۴۱۴، ۴۲۰، ۴۲۱
توسیرکان نماینده، ۳۳۳	۴۲۸، ۴۳۶، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۵۵، ۴۶۲
توصیه، ۹۰، ۹۵، ۱۰۳، ۱۰۶، ۱۱۱، ۱۱۶، ۱۲۷، ۱۸۴	۴۶۵، ۴۶۶، ۴۷۶، ۴۷۹، ۴۸۳، ۴۹۵، ۵۰۶، ۵۱۲
۲۰۶، ۲۶۲، ۲۸۱، ۲۹۲، ۳۲۵، ۳۲۵، ۳۳۹، ۳۷۴، ۳۹۰	تلویزیون شبکه دو، ۱۱۷، ۳۱۰
توطئه، ۶۴، ۷۱، ۸۰، ۸۳، ۱۰۴، ۱۱۹، ۱۲۴، ۱۵۸، ۱۵۹	۷۲ تن، ۲۲۷، ۲۵۷
	تنب، ۴۶۲، ۴۶۶

نماز جمعه، ۱۸۵	۲۸۵، ۳۱۰، ۲۹۳، ۲۷۱، ۲۶۵، ۲۴۶، ۲۴۵، ۲۲۳، ۲۲۱، ۲۰۹
نماینده، ۱۳۶	۴۸۹، ۳۶۵، ۴۳۰، ۴۲۰، ۴۰۰، ۳۹۶
رهاظ، ۱۲۶	توطئه گران، ۶۶
تهران تایمز، ۳۰۹	توقعات، ۲۵۶، ۲۳۰، ۲۲۳، ۷۳
تهرانی، ۳۸۵، ۳۵۹، ۳۵۷، ۳۴۵	توقیف، ۳۳۵، ۳۳۰، ۲۳۹، ۲۱۰، ۱۵۲، ۹۷، ۷۹، ۶۸، ۴۷
تهرانی خسرو، ۳۶۳، ۳۱۵	۴۶۸، ۴۱۹
تهرانی شیخ علی، ۳۳۳، ۲۱۸	توکلی، ۳۹۶، ۳۲۶، ۳۰۶، ۳۰۵، ۲۸۱، ۱۱۱
تهمت، ۳۴۳، ۲۹۱، ۲۷۶	توکلی احمد، ۱۰۳، ۹۶
تیپ، ۴۲۰، ۳۸۹، ۳۲۴، ۹۷	تولیت، ۴۶۸، ۲۳۳
۲۲۷، ۸۲	تولیت خانم، ۴۶۸
۴۸۲، ۳۷	تولید، ۴۷۲، ۴۳۹، ۳۶۳، ۳۸۵، ۲۴۹، ۲۴۵، ۹۹، ۸۲، ۳۲
توحید، ۴۸۲	داخلی، ۱۰۳
تیراژ، ۳۵۷	تویله، ۴۳۰، ۴۲۹
تیراندازی، ۲۸۸، ۲۷۰، ۲۰۸، ۱۶۴، ۱۳۴، ۱۳۲، ۹۳	تویله عراق
تیربار، ۳۹۴	عملیات، ۴۳۰
تیرخوردن، ۱۴۰	تهاتر، ۴۹۰، ۴۸۲، ۳۷۲، ۴۶۸، ۴۲۹، ۴۰۰، ۳۷۲
تیموری خانم، ۲۲۱	تهدید، ۲۶۹، ۲۱۴، ۱۶۶، ۱۴۵، ۱۰۳، ۸۵، ۸۴، ۵۵، ۳۲
ثبات، ۳۲۷	۴۶۲، ۳۳۶، ۳۳۷
ثروت، ۵۰۹، ۸۷، ۴۵، ۳۳	تهران، ۱۳۲، ۱۲۳، ۱۱۷، ۱۰۱، ۸۷، ۶۹، ۶۷، ۳۷، ۳۶
ثروتمند، ۴۲۷	۱۴۵، ۱۴۶، ۱۳۹، ۱۳۴، ۱۵۲، ۱۶۴، ۱۷۸، ۱۹۰، ۱۹۶، ۱۹۷، ۲۱۰
ثقفی، ۴۸۹	۲۲۱، ۲۲۷، ۲۳۱، ۲۳۶، ۲۵۶، ۲۶۳، ۲۸۱، ۲۸۵، ۲۹۲، ۳۰۵
ثلاثی مجرد ابواب، ۳۸۶	۳۰۶، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۲۵، ۳۷۱، ۳۸۶، ۴۰۶، ۴۸۰، ۴۸۲، ۵۰۱
ثلاثی مزید فیه، ۳۸۶	۵۱۲
جاسبی، ۵۰۷، ۳۶۵	آب شهر، ۲۰۱
جاسبی دکتر، ۴۵۷، ۱۲۹	امام جمعه، ۲۰۴
جاسوس، ۴۱۵، ۴۰۳، ۳۵۶، ۲۷۵، ۲۰۱، ۱۶۱، ۱۱۶	برق، ۴۸۴، ۲۵۷
۴۲۰، ۴۶۱، ۴۷۹	پالایشگاه، ۶۶
جالب، ۸۱، ۷۹، ۷۰، ۶۱، ۴۹، ۳۷، ۳۹، ۳۷، ۳۶، ۳۳، ۳۲	حاکم شرع دادگاه انقلاب، ۱۷۳
۸۲، ۸۵، ۹۹، ۱۰۷، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۳۳، ۱۳۶، ۱۴۰، ۱۴۵	دادستان، ۱۷۳
۱۵۷، ۱۷۳، ۱۹۹، ۲۰۶، ۲۱۸، ۲۲۶، ۲۳۵، ۲۵۶، ۲۷۳، ۲۷۸	دادستان انقلاب، ۱۴۰، ۱۲۵، ۴۶۳، ۳۴۹
۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۸، ۲۹۱، ۳۰۴، ۳۱۱، ۳۱۳، ۳۲۱، ۳۹۰، ۳۹۱	روحانیت، ۲۳۲
۳۹۴، ۴۲۲، ۴۲۸، ۴۳۲، ۴۳۳، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۵۳، ۴۶۰، ۴۶۱، ۴۶۲	ریاست پلیس، ۳۷
۴۶۳	سپاه، ۲۷۷
جاما حزب، ۳۰۸	شهرداری، ۵۰۶، ۳۸۷
جانباز، ۹۳	فرمانده سپاه، ۱۰۲
جاویدان، ۳۸۵	فرودگاه، ۲۷۰، ۲۱۸

جلیقه ضد گلوله، ۲۷۸	جایز، ۱۰۵، ۲۸۷
جماران، ۲۲۲، ۲۴۶، ۲۹۹، ۳۷۷، ۳۹۲، ۴۲۸، ۴۶۲، ۴۸۲	جبروتی، ۷۹
۴۹۱	جبهه، ۲۲، ۲۳، ۲۵، ۲۹، ۳۱، ۳۸، ۴۵، ۵۵، ۹۳، ۱۰۱، ۱۰۲،
حسینیه، ۳۱۸	۱۲۳، ۱۴۰، ۱۴۶، ۱۶۶، ۱۷۲، ۱۹۱، ۲۰۸، ۲۱۰، ۲۱۴، ۲۱۷،
جماعت العلماء، ۱۰۱	۲۲۲، ۲۲۶، ۲۳۵، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۹، ۲۵۶، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۹،
جمعیت، ۵۵، ۱۲۷، ۱۵۱، ۱۵۷، ۱۶۲، ۱۷۱، ۱۷۳، ۱۷۶،	۲۷۶، ۲۷۸، ۲۹۲، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۷، ۳۰۹، ۳۱۸،
۱۸۲، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۹۰، ۲۲۱، ۲۵۷، ۲۶۲، ۲۸۲، ۳۱۶، ۳۲۲،	۳۲۹، ۳۳۱، ۳۵۱، ۳۶۰، ۳۶۴، ۳۶۶، ۳۷۳، ۳۷۷، ۳۸۶، ۳۸۷،
جمهوری اسلامی، ۶۹، ۸۵، ۹۵، ۹۹، ۱۰۸، ۱۱۳، ۱۲۳،	۳۹۰، ۳۹۲، ۳۹۴، ۳۹۵، ۳۹۶، ۴۰۲، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۱۱، ۴۱۲،
۱۲۶، ۱۶۶، ۱۸۶، ۲۱۴، ۲۵۲، ۲۶۲، ۳۶۸، ۳۶۶، ۳۶۲، ۳۸۲،	۴۱۵، ۴۲۶، ۴۲۵، ۴۵۵، ۴۵۷، ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۶۴، ۴۶۶، ۴۶۹،
جمهوری اسلامی حزب، ۶۲، ۷۳، ۸۲، ۱۰۲، ۱۲۲،	۴۷۵، ۴۸۰، ۴۸۲، ۴۹۶، ۵۰۶، ۵۱۱
۱۳۶، ۱۴۰، ۱۴۷، ۱۵۲، ۱۷۳، ۱۸۳، ۱۹۱، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۳،	بستان، ۲۷۰
۲۲۴، ۲۳۰، ۲۵۴، ۲۵۷، ۲۶۲، ۲۷۸، ۲۸۱، ۲۸۹، ۳۰۶، ۳۰۵،	جنوب، ۱۰۵، ۱۴۵، ۱۹۹، ۳۳۳، ۳۸۹
۳۲۴، ۳۲۲، ۳۲۵، ۳۲۴، ۳۵۱، ۳۵۴، ۳۵۹، ۳۶۲، ۳۶۷، ۳۷۰،	دزفول، ۱۱۹، ۳۳۱
۳۷۲، ۳۹۸، ۳۲۶، ۳۳۸، ۳۴۲، ۳۴۷، ۳۵۷، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۴،	شرق، ۸۰
۴۹۵	شمال، ۳۸۹، ۳۹۰
انحصار طلبی، ۸۷	غرب، ۱۹۶، ۲۵۴، ۳۷۰، ۳۸۹
ایدئولوژی، ۳۶۶	جبهه آزادیبخش نماینده، ۵۰۶
بخش آموزش، ۳۲۸	جبهه اسلامی، ۱۰۱
بخش ایدئولوژی، ۱۰۵	جبهه پایداری، ۲۸۶
تشکیلات، ۲۹۹	جبهه ملی، ۱۴۰، ۱۵۷، ۱۹۸، ۲۱۰، ۳۱۲، ۳۷۳
تعلیم مواضع، ۱۱۹	جبهه ملی روزنامه، ۱۴۰
توضیح مواضع، ۳۲۲	جت
حساب بانک، ۴۵۴	اف ۴، ۳۴۸
درس مواضع، ۳۳۲، ۳۷۱، ۳۸۵، ۳۹۸، ۴۱۹، ۴۳۳،	اف ۵، ۵۱۲
۴۶۸، ۴۵۳	یونینگ ۷۰۷، ۲۸۱
دفتر، ۱۷۹	شکاری، ۲۸۱
دفتر سیاسی، ۴۸، ۶۷، ۷۹، ۸۹، ۹۷، ۱۰۷، ۱۱۶، ۱۲۶،	فالکن، ۳۲
دفتر مرکزی، ۱۸۶، ۲۰۵، ۲۰۸، ۲۲۵	جلده، ۵۰۳
شاخه روحانیت، ۸۴، ۱۰۴	جراح، ۱۴۰، ۱۶۲، ۱۷۲، ۲۰۵، ۳۶۸
شورا، ۷۳، ۳۳۱، ۳۹۵	جریمه، ۷۳، ۱۱۰، ۳۲۵، ۳۳۴، ۳۷۲، ۳۸۴، ۴۲۶
شورای مرکزی، ۴۵، ۴۸، ۸۱، ۸۴، ۹۶، ۹۹، ۱۰۵،	جزای اعمال، ۳۹۲
۱۰۸، ۱۱۳، ۱۲۶، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۵۵، ۱۷۸، ۱۸۱، ۱۸۵، ۱۹۰،	جعفرزاده، ۴۲۳
۱۹۲، ۱۹۸، ۲۰۲، ۲۰۷، ۲۱۶، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۵۲، ۲۵۶، ۲۷۴،	جعفری، ۵۸، ۳۳۵، ۳۸۱، ۴۰۶، ۴۰۷
۲۷۵، ۲۷۷، ۲۷۹، ۲۹۹، ۳۰۴، ۳۱۲، ۳۲۲، ۳۳۱، ۳۳۳، ۳۵۲،	جمل، ۶۴، ۱۱۷، ۱۲۴، ۱۲۵، ۲۷۳
۳۶۱، ۳۶۸، ۳۸۱، ۳۸۹، ۴۰۶، ۴۱۴، ۴۲۲، ۴۳۰، ۴۳۶، ۴۴۵،	جلال، ۱۰۴، ۱۰۶، ۲۰۴، ۳۳۱، ۳۷۱، ۴۲۶، ۴۳۱
۴۵۷، ۴۶۵، ۴۶۹، ۴۷۶، ۴۹۰، ۴۹۶، ۵۰۱، ۵۰۷	جلب، ۱۱۳، ۲۰۷، ۳۷۹

آینده، ۲۳۹، ۳۰۹، ۴۴۰	فراکسیون مجلس، ۸۴
اداره مرکز، ۳۵	کادر، ۱۹۸
اطاق عملیات، ۴۷۸	کلاس مواضع، ۳۹۲، ۴۹۸، ۵۰۶
برنامه آینده، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۸، ۳۵۱، ۳۶۹	گروه پارلمان، ۴۱۵، ۴۲۳
خسارت، ۴۷۴	مجریان هوادار، ۱۲۶، ۱۴۴
داخلی، ۹۰، ۲۹۱، ۳۰۴	مسئول، ۲۵۶
ستاد عملیات، ۲۳	مسئول اجرایی، ۵۹، ۶۶، ۷۳، ۹۶، ۱۷۹
فهراتم، ۴۵۵	مسئول اجرایی هوادار، ۱۳۳، ۱۵۵
مجروح، ۳۵، ۳۹، ۶۴، ۷۰، ۱۴۴، ۲۰۵	مواضع، ۳۷۳
معلول و آسیب دیدگان، ۱۵۱	نماینده، ۷۳، ۱۲۶
موزه، ۲۸۸	واحد دانشجو، ۹۷
هفته، ۳۰۱	واحد روحانیت، ۶۹
جنگ روانی، ۳۱۸	واحد کارگر، ۱۳۷
جنگ زدگان، ۳۹، ۴۵، ۶۶، ۹۷، ۱۰۱، ۱۰۴، ۱۱۳، ۱۳۳، ۱۳۶، ۱۳۷، ۲۱۷، ۲۵۵، ۳۰۶، ۳۱۳، ۳۶۱، ۳۶۲	جمهوری اسلامی روزنامه، ۱۲۴، ۲۱۸، ۲۹۹، ۳۱۲، ۴۲۵
جنگل، ۲۸۳، ۳۶۸، ۴۰۷، ۴۱۰، ۴۲۱، ۴۴۴	جمهوری اسلامی سردبیر روزنامه، ۱۹۰
جنگ معلول، ۹۳، ۱۱۱، ۱۲۴	جمعی، ۳۳، ۱۲۵، ۳۷۲، ۴۸۲
جنوب، ۳۹۰	جنازه، ۱۶۹، ۱۷۱، ۱۸۱، ۱۸۳، ۲۱۳، ۲۱۹، ۲۳۰، ۲۶۳
جوادی آملی، ۱۱۰، ۲۱۴، ۲۳۱، ۳۷۴	۲۷۳، ۲۷۹، ۲۸۱، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۹، ۳۴۹، ۳۷۰
جوادی حاج سید، ۳۶۸	جنایت، ۳۷۸، ۳۰۶، ۴۸۲، ۴۹۲
جوادی سرهنگ، ۳۳، ۱۳۵	جنایتکار، ۳۲۴
جوادی صدر حاج سید، ۷۴	جنبش، ۳۳۷، ۳۴۱
جوانان، ۳۹، ۸۱، ۳۶۲، ۳۶۶، ۴۲۱، ۴۷۳	جنبش مسلمانان مبارز، ۶۳
جوآنرود نماینده، ۳۶۸	جنبشی، ۳۳۷، ۳۵۳
جوینده، ۳۳	جنتی، ۳۹، ۱۱۱، ۱۱۶، ۱۹۲، ۲۹۹، ۵۱۱
جوچه ایدئولوژی، ۲۸۳	جنتی احمد، ۴۹۸
جولان	جنتی علی، ۱۱۲
بلندی ها، ۴۰۷، ۴۱۱، ۴۵۴، ۴۶۶	جنگ، ۴۲، ۴۳، ۴۸، ۵۲، ۵۴، ۶۱، ۶۶، ۶۸، ۷۱، ۸۱، ۸۳
تپه، ۴۰۸	۹۳، ۹۵، ۹۷، ۱۰۱، ۱۰۴، ۱۰۸، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۹، ۱۳۳
جهاد، ۵۵، ۱۳۳، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۶۹، ۳۶۵، ۳۹۰، ۴۱۵، ۴۱۹	۱۳۴، ۱۳۶، ۱۶۶، ۱۸۳، ۱۸۹، ۱۹۶، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۹، ۲۱۳
۴۲۱، ۴۲۳، ۴۳۵، ۴۵۲، ۴۵۵، ۴۸۲، ۴۹۵	۲۱۷، ۲۲۴، ۲۲۶، ۲۳۵، ۲۳۸، ۲۵۵، ۲۷۱، ۲۸۲، ۲۸۵، ۲۸۹
استان، ۱۲۹	۳۰۶، ۳۱۰، ۳۱۲، ۳۳۴، ۳۳۴، ۳۵۷، ۳۶۱، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۶، ۳۷۳
سمینار، ۴۴۲	۳۸۴، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۴، ۳۹۷، ۳۹۸، ۴۰۱، ۴۱۲، ۴۱۵
شورا، ۱۷۶	۴۲۰، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۲۲، ۴۲۸، ۴۳۰، ۴۴۰، ۴۴۲، ۴۵۷، ۴۶۳
فرهنگی، ۲۵۴	۴۶۶، ۴۷۳، ۴۷۵، ۴۸۰، ۴۸۳، ۴۹۲، ۴۹۶، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۳
مرکز، ۴۳۱	۵۱۲، ۵۰۶

- جهاد دانشگاه مجله. ۲۵۴
 جهاد سازندگی. ۵۵، ۶۲، ۲۵۴، ۲۹۰، ۳۱۵، ۳۵۵
 اساننامه. ۳۸۲
 جهاد نماینده. ۶۳
 جهان. ۱۹۲، ۲۵۴، ۲۶۹، ۳۲۲، ۳۸۴، ۳۹۶
 جهان اسلام. ۲۲۱
 جهیزیه. ۳۲۲
 جیب. ۲۴۹
 جیرفت. ۱۷۶، ۳۹۰
 چاپ. ۳۲، ۵۸، ۲۰۹، ۲۸۵، ۳۵۲، ۳۵۷، ۴۴۶
 چادر. ۱۳۲، ۱۷۳
 چاره. ۳۷، ۶۶، ۷۳، ۷۵، ۱۰۲، ۱۱۱، ۱۴۷، ۱۵۲، ۱۸۷، ۱۹۲، ۲۳۷، ۳۰۱، ۳۰۴، ۳۵۶، ۴۵۸، ۴۸۳
 چاره جوئی. ۱۲۳، ۱۵۰، ۱۶۰، ۱۸۷، ۱۸۹، ۱۹۲، ۲۱۵، ۲۲۱، ۲۳۳، ۳۵۷، ۳۶۴، ۴۵۴، ۴۶۸، ۴۷۲
 چاشنی بمب. ۴۱۴
 چالوس سایت. ۶۶
 چاه بهار. ۲۳۹
 نماینده. ۲۳۰
 چپ. ۳۶۵، ۴۷۳
 رو. ۳۲۵
 گرا. ۳۲۵، ۴۶۰
 چدن. ۳۶۲
 چراغزاده دزفولی خانم. ۱۹۲
 جزابه. ۴۷۹
 تنگه. ۴۷۴، ۴۷۸، ۴۸۹
 جبهه. ۴۷۵
 چشم. ۳۸، ۳۹، ۱۳۱، ۱۹۸، ۲۷۱، ۳۶۸، ۴۱۲، ۴۱۴
 پیوند. ۳۸۷
 چشمگیر. ۲۱۳، ۲۲۷، ۲۷۶، ۲۹۳
 چلوکباب. ۹۳، ۳۶۴، ۳۷۲، ۴۲۰، ۵۰۱
 چمدان. ۲۸۱
 چمران. ۱۳۷، ۱۷۱
 چمران جنگ نامنظم. ۲۱۵
 چمران دکتر. ۱۶۶، ۱۶۹، ۱۸۱
 چمران مهندس. ۴۵۷
 چمران مهندس مهدی. ۳۱۴، ۳۱۳
 چمن. ۳۶۵، ۴۸۰
 چهره. ۱۲۶، ۱۹۸، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۷
 چهلیم. ۲۱۶، ۲۳۸، ۳۳۵، ۳۶۱
 چین. ۱۳۹، ۲۸۱، ۳۸۸، ۳۹۱، ۴۰۰
 سفارت. ۴۰۰
 حائری شیرازی. ۱۹۵، ۱۹۶
 حاتمی. ۸۲
 حاتمی سرهنگ. ۳۴۶، ۵۱۱
 حاتمی سید محمد. ۱۱۶
 حاتمی مهندس. ۸۲
 حاج طرخانی. ۲۲۱
 حاج طرخانی کاظم. ۵۹
 حاجیه بی بی. ۴۰۸
 حادثه. ۳۱، ۳۷، ۴۹، ۷۴، ۸۵، ۱۵۳، ۱۷۱، ۱۸۱، ۲۰۵، ۲۲۸، ۳۰۷، ۳۱۲، ۳۲۳، ۳۳۲، ۳۹۲، ۴۶۴، ۴۷۴
 حاضر. ۴۷۸
 حافظ. ۱۷۱
 حافظ اسد. ۳۳۴
 حافظیان. ۲۰۸
 حافظیان مهندس. ۵۸
 حبشی یعقوب سرهنگ. ۱۹۶
 حبیب شطی. ۵۰۳
 حبیبی. ۲۷۴
 حبیبی دکتر. ۱۳۹، ۳۶۵، ۳۹۲
 حج. ۳۳۵
 حجاب. ۵۵، ۱۹۸، ۳۴۴
 حجاج. ۱۱۱، ۲۳۸
 حجازی. ۴۲، ۸۷، ۲۵۷
 حجازی سرهنگ. ۳۷
 حجازی فخرالدین. ۱۶۳، ۲۰۵، ۲۶۳
 حجتی. ۲۵۴، ۳۶۶
 حجتی کرمانی. ۱۱۶، ۱۱۹، ۱۴۷، ۲۱۹، ۲۵۳، ۲۵۴
 حجتی کرمانی محمد جواد. ۳۸۲
 حجتیه انجمن. ۲۷۷، ۳۶۶، ۳۹۶، ۳۹۷، ۴۴۰
 حججی. ۷۵، ۱۰۷

حد، ۵۲، ۵۸، ۶۸، ۹۴، ۱۸۴، ۲۴۱، ۲۸۸، ۳۱۲، ۳۱۷، ۳۴۰، ۴۶۷	ایران، ۴۰۳
حداد عادل، ۲۰۱، ۳۵۷	شهری، ۱۱۳
حداد عادل مجید، ۳۰۷	مردم، ۲۴۶
حذف، ۶۱، ۸۰، ۱۰۵، ۱۱۲، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۹، ۱۲۳، ۱۲۵	مشاورت، ۹۴
حذف، ۱۳، ۱۳۱، ۱۳۶، ۲۲۱، ۲۸۵، ۳۰۹، ۳۱۹، ۳۴۲، ۴۶۹	مشروعیت، ۸۵
حذف لقب آیت الله، ۱۲۳	حقوقدان، ۸۰، ۲۴۶
حذف نیرو مسلمان ولی غیر مکتبی، ۱۲۳	خارجی، ۴۰۳
حریری مهندس، ۲۳۳	حکام شرع، ۳۴۰
حزب ا...، ۷۱، ۱۴۹، ۲۰۹، ۳۲۲، ۳۵۴	حکم، ۱۰۲، ۱۲۳
حزب الله، ۸۵، ۹۱، ۱۳۴، ۱۴۰، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۵۷، ۱۵۸	اجرای، ۶۷، ۹۵، ۱۲۵
حزب، ۱۶۲، ۱۶۶، ۱۹۷، ۲۱۳، ۲۱۶، ۳۰۴، ۳۲۳، ۳۲۹، ۳۳۱، ۳۴۸	احمد، ۳۱۸
حزب، ۲۵۶، ۲۶۰، ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۸۱، ۳۳۶، ۴۵۴، ۴۹۳	استخدامی، ۲۸
حزبی، ۱۲، ۱۰۶، ۲۳۳، ۲۵۳، ۳۴۱، ۳۴۳، ۳۶۲، ۳۷۰	امام، ۳۰۹
حزبی، ۳۳۳، ۳۷۳	دادگاه، ۹۷، ۳۷۱
حساس، ۱۰۱، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۹۸، ۲۸۱، ۳۳۱، ۳۵۷، ۳۶۹	ریاست جمهوری، ۲۲۴
۵۱۰	فرمان همایونی، ۱۰۸
حسن امام (ع)، ۳۲۱	ماموریت، ۳۲۸
حسن نیت، ۳۰۴، ۵۰۷	نماینده، ۴۰۷
حسینی، ۳۲۷، ۳۸، ۸۳	ولایت، ۲۳۸
حسین آقاخوی زاده، ۶۶	هیئت، ۵۴
حسین امام، ۴۱۱	یزدی، ۶۷
حسین بر، ۱۳۳	حکومت، ۲۸، ۳۸، ۷۱، ۱۰۲، ۱۵۷، ۲۳۷، ۳۲۸، ۳۷۵
حسین شیخ، ۲۳۵	حکومت اسلامی، ۶۰، ۱۲۶، ۲۲۷، ۳۲۹، ۳۶۶
حسینی، ۸۹، ۶۰	حکومت اسلامی شیعه، ۱۲۶
حسینی شیرازی میرالدین، ۲۷۱	حکیم محمد باقر، ۲۲۶، ۲۷۶، ۳۰۱، ۳۹۸
حسینی منیرالدین، ۳۷۵، ۳۷۴	حکیم مهدی، ۱۰۱
حسینی یوسفی، ۲۲۶	حلیم، ۴۴۰، ۴۸۰، ۵۱۱
حسینی یوسفی دختر، ۲۲۶	حمام، ۳۳۰
حشمتیه پادگان، ۹۳	حمر الاسد، ۲۰۲
حفاظت، ۷۹، ۱۳۹، ۱۷۲، ۱۹۲، ۲۰۸، ۲۲۴، ۲۳۰، ۲۳۱	حمزه، ۱۱۲، ۱۸۳
حقی، ۲۳۲، ۲۳۹، ۲۴۵، ۲۵۵، ۲۶۵، ۲۷۵، ۳۱۰، ۳۱۴، ۳۳۵، ۳۳۸	حمل، ۳۵۲
حقانی، ۷۰، ۸۴، ۹۱، ۱۱۰	حمله، ۴۱، ۴۷، ۵۹، ۶۷، ۹۰، ۹۵، ۱۱۲، ۱۴۵، ۱۴۷، ۱۵۰
حق پناه، ۱۲۴	حمله، ۲۰۶، ۲۰۹، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۷، ۲۲۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۴۶، ۲۵۴
حقوق، ۳۷، ۳۸، ۶۸، ۷۹، ۱۳۵، ۱۶۳، ۱۹۳، ۲۷۶، ۲۸۸	حمله، ۲۵۵، ۲۶۴، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۰، ۳۰۲، ۳۱۵، ۳۳۳، ۳۴۳، ۳۵۷، ۳۵۹
۳۶۳، ۳۴۳، ۳۹۲	حمله، ۳۶۱، ۳۶۴، ۳۷۴، ۳۸۷، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۵، ۴۰۰
	حمله، ۴۰۱، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۲۶، ۴۲۷، ۴۴۰، ۴۵۵، ۴۶۰، ۴۶۴، ۴۷۴

۲۹۲، ۳۰۰، ۳۰۲، ۳۰۵، ۳۲۴، ۳۳۰، ۳۴۱، ۳۴۸، ۳۵۶، ۳۶۲	۴۷۵، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۹، ۵۰۹، ۵۱۱، ۵۱۲
۳۷۳، ۳۹۰، ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۲۶، ۴۲۸، ۴۴۲، ۴۴۵، ۴۶۲، ۴۷۶	حمله هوائی، ۳۴۳، ۳۹۲
۴۹۵	حمید، ۹۲، ۱۱۱، ۲۵۵، ۳۵۷، ۳۵۹، ۴۰۱، ۵۱۱
خاطره نویسی، ۱۳۳	حمید زاده، ۸۴
خاف نماینده، ۱۶۶	حمید (وهاب زاده) پسرش، ۱۹۲
خاکریز، ۴۸۰	حمیدیه پادگان، ۳۶
خالاتیان، ۲۷۱	حوادث، ۱۰۵، ۱۴۴، ۱۵۲، ۱۶۴، ۲۴۱، ۲۴۵، ۲۹۲، ۳۱۶
خالدی شیخ، ۱۵۳	۴۶۸
خالصی زاده فرزند، ۲۰۴	حوزه، ۱۰۵، ۳۱۱، ۳۲۲، ۳۵۴، ۳۶۲، ۳۸۱، ۴۱۲، ۴۶۵
خامنه‌ای، ۳۱، ۳۲، ۴۱، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۶، ۶۷، ۷۰، ۸۲	۴۷۳، ۴۷۶، ۵۰۳
۸۴، ۹۱، ۹۴، ۹۹، ۱۰۷، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۲۹، ۱۳۶، ۱۴۰، ۱۴۵	حیدری، ۶۲، ۸۹
۱۴۶، ۱۴۷، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۶۱، ۱۶۹، ۱۷۲، ۱۷۶، ۱۷۸، ۱۸۱	حیدری ابوالفضل، ۴۱۵
۱۸۳، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۹، ۱۹۱، ۱۹۳، ۱۹۶، ۱۹۹، ۲۰۴	حیدری نهاوندی، ۱۵۵
۲۰۵، ۲۰۷، ۲۱۲، ۲۱۵، ۲۱۷، ۲۱۹، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۶، ۲۳۱	خائوک، ۱۷۶
۲۳۵، ۲۳۸، ۲۴۴، ۲۴۶، ۲۵۷، ۲۵۹، ۲۶۳، ۲۷۴، ۲۷۷، ۲۷۸	خاتمی، ۷۴، ۳۸۶، ۳۹۲، ۴۲۵
۲۷۸، ۲۷۹، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۲، ۳۰۷، ۳۰۹، ۳۱۲	خاتمی سرهنگ، ۳۷۰، ۳۸۲
۳۱۲، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۲۲، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۳، ۳۳۵	خاچاطوریان، ۸۷
۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۵، ۳۴۹، ۳۵۱، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۵	خارج، ۶۴، ۸۵، ۱۰۸، ۱۲۶، ۱۶۰، ۱۶۹، ۱۷۲، ۱۹۳، ۲۰۶
۳۶۷، ۳۷۲، ۳۷۴، ۳۸۷، ۳۹۳، ۳۹۵، ۴۱۰، ۴۱۲، ۴۱۴، ۴۲۰	۲۱۹، ۲۲۴، ۲۳۱، ۲۵۲، ۲۵۴، ۲۵۶، ۲۶۸، ۳۱۴، ۳۲۲، ۳۴۵
۴۲۲، ۴۲۵، ۴۲۷، ۴۳۹، ۴۴۲، ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۵۸، ۴۶۵	۴۸۲، ۴۹۰
۴۶۹، ۴۷۰، ۴۷۳، ۴۸۲، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۳، ۴۹۵، ۵۰۱، ۵۰۶	خارج، ۱۱۷
۵۱۱، ۵۰۹	کاخ وزارت، ۲۱۶
پدر، ۴۳۶	معاون وزارت، ۲۰۸، ۹۰
خانم، ۳۳۲	وزارت، ۳۲، ۵۵، ۹۰، ۱۱۳، ۱۶۰، ۲۰۱، ۲۰۸، ۲۱۶
علی، ۱۶۲، ۲۴۴	۲۲۲، ۲۵۰، ۲۸۱، ۳۵۶، ۴۰۷، ۴۱۴، ۴۶۲، ۴۶۶، ۴۷۳، ۴۷۵
مادر، ۴۳۶	وزارت معاون، ۲۰۸
خامنه‌ای محمد، ۴۲۶، ۴۲۷	وزرا، ۵۰۳
خامنه‌ای هادی، ۱۹۵	وزیر، ۱۹۰، ۲۲۱، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۹۲، ۳۳۳، ۳۵۲، ۴۱۱
خانواده، ۲۸۵، ۲۸۳	۴۲۷، ۴۲۹، ۴۳۲، ۴۵۸، ۴۶۶، ۴۷۳، ۴۹۵، ۵۰۱، ۵۰۷، ۵۰۸
خانه تیمی، ۲۱۳، ۲۲۵، ۳۰۷، ۳۹۰	خارجی، ۱۰۳
خانه فرهنگ، ۱۹۱	متخصص، ۴۱۴
خانه مردم، ۲۸۲، ۴۷۰	خارجیان، ۸۷
خانیان، ۲۰۷	خارجی عربی، ۴۷۳
خاور دور، ۲۸۱	خارک، ۶۲، ۱۹۱، ۳۷۷، ۴۲۳، ۴۶۹، ۵۰۸
خاورشناس، ۳۳۲	خاطرات، ۲۸، ۴۷، ۹۰، ۹۶، ۱۰۴، ۱۷۳، ۱۷۸، ۱۸۶
خاور میانه، ۲۸۴	۱۹۰، ۱۹۹، ۲۰۲، ۲۱۶، ۲۲۱، ۲۵۷، ۲۷۶، ۲۷۹، ۲۸۹، ۲۹۱

خلیج	کلید واژه	خبرگان
۲۰۷، ۲۱۷، ۲۳۱، ۲۳۹، ۲۷۰، ۲۸۸، ۲۹۱، ۳۱۷، ۳۲۶		خبرگان، ۴۶۰، ۴۹۶
۳۲۰، ۳۲۷، ۳۵۲، ۳۵۷، ۳۷۷، ۳۸۶، ۴۰۲، ۴۱۰، ۴۱۴، ۴۲۰		مجلس، ۲۷۴، ۳۰۵، ۳۹۵، ۵۰۴، ۵۰۹
۴۲۱، ۴۲۶، ۴۲۸، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۳۵، ۴۳۷، ۴۴۲، ۴۵۵		خبرگزاری، ۱۹۷، ۲۵۰
۴۶۱، ۴۶۶		خبرنگاران، ۲۹۱، ۳۲۹، ۳۵۷، ۳۶۱
خریدار، ۲۷۶، ۲۸۸، ۳۵۲		خبرنگار خارجی، ۲۸۴
خزاعی، ۱۶۹		خجیر سایت، ۳۹۵
خزر، ۲۷۹		خدمات، ۵۵، ۹۰، ۱۱۳، ۱۶۶، ۲۶۵، ۳۹۶، ۴۱۵، ۴۲۷
خزعلی، ۱۱۶، ۲۳۱، ۲۷۷		۴۶۹
خز علی شیخ پل، ۳۹۰		خدمات روستا، ۳۹۰
خسارات، ۴۴۲، ۴۷۴، ۴۹۵، ۵۰۳		خرابکار، ۷۵، ۱۲۵، ۱۸۴، ۲۱۴، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۴۴، ۲۵۷
خسارت، ۴۷، ۱۲۶، ۱۴۷، ۱۶۰، ۳۰۶، ۳۲۲، ۳۳۴، ۳۹۵		۳۰۱، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۷
۴۳۹، ۵۰۰		خراسان، ۳۶۲
خستگی، ۵۹، ۶۴، ۸۱، ۱۳۲، ۱۵۹، ۱۷۲، ۴۶۷، ۴۸۲		استاندار، ۴۳
خسروی مدرسه، ۸۳		امام جماعت، ۳۷۵
خشونت، ۱۰۵، ۳۲۲، ۳۰۴، ۳۳۳		انجمن اسلامی، ۳۷۵
خطاب، ۴۷۲		جنوب، ۲۱۸
خط استوا، ۲۸۹		جنوب زلزله، ۲۱۸
خطبیا، ۱۳۶		جهاد، ۴۳
خطبه عربی، ۲۰۱، ۲۰۵، ۲۴۷، ۳۰۰، ۳۲۵، ۳۲۱، ۳۳۲		حزب، ۴۳
خط چپ گرا، ۳۸۲		دادگاه، ۴۳
خطر، ۳۶، ۴۷، ۶۶، ۸۲، ۸۹، ۹۵، ۱۲۷، ۱۷۸، ۱۸۶، ۲۱۵		سپاه، ۴۳
۳۴۵، ۳۵۲، ۳۶۱، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۳۲، ۳۳۶، ۳۶۱، ۳۶۷، ۳۷۲		کارخانجات، ۳۷۵
۴۸۹، ۴۹۱، ۵۰۹، ۵۱۰		لشکر، ۷۷، ۳۳، ۱۳۵، ۲۱۷
خطرناک، ۲۱۷، ۳۷۴، ۴۹۲		خرامه شیراز، ۳۰۷
خط سوم، ۶۶		خربزه، ۲۹۳
خطیبی، ۴۶۴		۱۵ خرداد، ۱۳۷
خلبان، ۸۹، ۹۱، ۱۲۴، ۱۳۵، ۱۷۶، ۲۱۵، ۲۱۸، ۲۳۱، ۲۳۹		خرم آباد، ۲۸۴
۲۷۵، ۳۰۷، ۳۹۲، ۳۹۵، ۴۳۹، ۴۵۳		امام جمعه، ۳۸۱
مریی فنی، ۱۳۵		تیپ، ۸۲، ۲۲۷
خلبان کمک، ۳۰۷		فرماندار، ۹۱
خلخالی، ۱۳۰، ۲۶۳، ۳۵۴، ۳۳۳		خرم پارک، ۱۶۱
خلخالی یعقوب، ۴۱		خرمشهر، ۳۳، ۳۵، ۴۲، ۴۷۸، ۴۸۲
خلع، ۳۵۲		تیپ توحید، ۴۸۲
خلق مسلمان، ۴۳۵		سپاه، ۳۵
خلق مسلمان حزب، ۶۳، ۷۵		نماینده، ۴۳
خلیج، ۴۵۳		خرید، ۶۸، ۶۸، ۸۳، ۸۹، ۹۴، ۱۰۶، ۱۲۴، ۱۳۵، ۱۸۱، ۱۹۳

خورموسی، ۲۴۸
 خوزستان، ۳۶، ۳۸، ۴۱، ۵۲، ۷۱، ۱۴۵، ۲۱۴، ۳۰۲، ۳۰۱، ۳۰۲
 ۳۹۴، ۲۸۷، ۳۶۱، ۳۶۰، ۳۱۰
 آواره، ۵۸
 ائمه جمعه، ۴۶۶
 استاندار، ۴۲۶
 سپاه، ۱۶۰، ۲۷۸
 شورای روستاهای عربی، ۳۹۳
 عرب، ۱۳۶
 هشایر، ۱۶۶
 فرودگاه، ۳۲
 مسئولان اجرائی، ۳۲۵
 خوشحال، ۳۲، ۳۹، ۴۳، ۶۴، ۷۹، ۱۱۱، ۱۲۳، ۱۳۱، ۱۵۹، ۱۶۶، ۱۸۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۲۲۱، ۲۲۵، ۳۱۵، ۳۲۴، ۳۳۵، ۳۶۵
 ۳۸۱، ۳۹۴، ۴۰۶، ۴۰۸، ۴۳۵، ۴۷۰
 خوشروئی، ۳۱۷
 خوش صولتان دختر، ۱۱۶
 خوش گذران، ۷۱
 خون، ۱۸۶، ۲۰۴، ۲۰۵، ۳۰۱، ۳۰۱، ۳۱۱
 خون تزریق، ۱۸۶
 خونریزی، ۱۷۸
 خون سرد، ۳۶۱
 خوی نماینده، ۶۰
 خیابانی موسی، ۳۷۰، ۳۷۲
 خیابانی موسی همسر، ۳۷۰
 خیانت، ۸۹، ۳۱۸، ۳۵۶
 خیر، ۱۲۵
 خیراندیش، ۱۱۲
 خیرخواه خلبان، ۲۱۵
 دادرسی، ۹۰، ۴۰۳
 داستان، ۶۷، ۶۸، ۹۶، ۱۰۳، ۱۱۰، ۱۲۳، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۴۰، ۱۷۳، ۱۷۹، ۲۰۸، ۲۲۹، ۲۵۴، ۲۶۵، ۲۷۱، ۲۷۵، ۳۰۰
 ۳۳۹، ۳۴۸، ۳۵۶، ۳۵۹، ۳۶۵، ۳۷۱، ۳۷۳، ۳۰۷، ۳۱۹، ۳۴۰
 ۴۵۸
 داستان انقلاب، ۹۶، ۱۰۳، ۱۱۰، ۱۲۳، ۱۲۵، ۱۴۰، ۱۹۵، ۲۲۷، ۲۷۱، ۲۷۵، ۳۱۶، ۳۳۸، ۳۳۹، ۳۵۹، ۳۷۳، ۴۰۷

کشور عربی، ۲۲۲
 خلیج فارس
 امنیت، ۲۳۱
 جزایر، ۳۱۹، ۴۴۲
 جنوب، ۱۳۹
 حکام، ۴۱۲
 دولت، ۴۲۰
 شیخ نشین، ۴۲۰
 شیوخ، ۴۷۳
 کشور، ۲۱۵
 کشور کوچک، ۵۰۰
 خلیلی، ۶۳
 خلیلی عزت ا...، ۱۹۲
 خمپاره، ۳۷۳، ۳۰۷، ۳۳
 خمس، ۳۲۲، ۳۳۵، ۳۹۴
 خمین قاضی شرع، ۷۹
 خمینی احمد، ۴۲، ۴۹، ۵۵، ۵۹، ۶۶، ۶۷، ۹۰، ۹۳، ۹۵، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۷، ۱۱۶، ۱۲۲، ۱۳۰، ۱۳۳، ۱۳۷، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۳۷، ۱۴۰، ۱۴۵، ۱۷۸، ۱۷۱، ۱۶۲، ۱۶۰، ۱۵۷، ۱۵۰، ۱۳۷، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۶، ۲۰۹، ۲۱۵، ۲۱۸، ۲۲۱، ۲۲۳، ۲۲۸، ۲۳۰، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۵۵، ۲۶۱، ۲۶۴، ۲۶۴، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۸۱، ۲۸۵، ۲۹۲، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۲، ۳۰۷، ۳۰۹، ۳۱۳، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۲۱، ۳۲۳، ۳۲۵، ۳۲۰، ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۳۵، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۴۸، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۶، ۳۶۰، ۳۶۴، ۳۷۰، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۸۶، ۳۸۹، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۵، ۴۰۱، ۴۰۶، ۴۰۸، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۹، ۴۲۶، ۴۲۸، ۴۲۹، ۴۲۹، ۴۳۲، ۴۳۵، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۲، ۴۴۴، ۴۵۴، ۴۶۶، ۴۶۸، ۴۷۰، ۴۷۴، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۳، ۵۰۰، ۵۰۴، ۵۰۷، ۵۱۱
 خمینی حسین، ۹۵، ۱۰۳، ۱۶۰
 خنثی، ۸۰، ۹۱، ۱۱۶، ۲۵۵، ۲۵۹، ۲۶۹، ۲۹۲، ۲۹۶
 خوئی، ۳۵۴
 خوئینیها، ۲۳۳، ۲۳۶، ۲۴۵، ۲۴۵، ۲۶۵، ۳۱۳، ۳۳۹، ۴۰۰
 ۴۳۱، ۴۳۶، ۴۳۷، ۵۰۴، ۵۰۶، ۵۰۷
 خواجوی، ۵۸، ۹۴
 خودرو، ۴۸۰
 خودرو نظامی، ۴۵۸

۴۶۲، ۴۵۸	
دادستان کل انقلاب، ۳۴۸، ۳۶۵، ۴۴۰	۳۲۹، ۳۴۱، ۳۵۹، ۳۶۵، ۳۷۴، ۳۸۶، ۴۰۰، ۴۱۱، ۴۱۴، ۴۱۹، ۴۲۱، ۴۲۶، ۴۳۳، ۴۵۳، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۷۲، ۴۷۴، ۴۷۶، ۴۸۳، ۴۹۳، ۳۹۸، ۵۱۱
دادستان کل کشور، ۲۰۸، ۵۲، ۲۵۴، ۲۶۵، ۴۱۹	۱۴ اسفند، ۳۱، ۳۸، ۹۱
دادگاه، ۳۷، ۴۳، ۶۳، ۶۶، ۷۹، ۹۷، ۱۳۰، ۱۳۴، ۱۴۹، ۱۵۸	اقتصاد، ۲۸۸
۲۳۵، ۲۳۶، ۲۵۳، ۲۹۳، ۲۹۹، ۳۴۲، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۹۸، ۴۶۰	امام صادق، ۲۱۵
۴۷۰	تهران، ۶۷، ۱۳۲، ۱۹۶، ۲۱۴، ۲۲۱، ۲۳۱، ۲۵۶، ۲۶۳، ۲۸۶
دادگاه انقلاب، ۶۳، ۷۹، ۸۳، ۱۴۹، ۱۵۵، ۱۵۸، ۱۶۱	جهاد، ۶۳، ۱۵۸، ۳۶۵
۱۶۶، ۱۷۳، ۱۹۸، ۲۰۸، ۲۱۵، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۳۰، ۲۳۲، ۲۳۳	دانشگاه آزاد، ۳۶۲
۲۳۵، ۲۳۶، ۲۵۳، ۳۱۵، ۳۹۸، ۴۳۷، ۴۶۰، ۴۶۸، ۴۷۰	دانشگاه اسلامی، ۲۲۶
دادگاه صنفی، ۳۶۱	دانشگاه تهران انجمن اسلامی دانشجویان، ۶۷
دادگستری، ۹۰، ۱۵۵، ۱۵۸، ۲۲۵، ۲۳۶، ۲۹۳، ۳۷۴	دانشگاه جنگ، ۳۱۰
بازپرس، ۹۶	دانشگاه نشنال، ۲۹۱
دادمان، ۲۵۳	داودی، ۱۱۳، ۲۱۷، ۳۳۱
دارائی، ۱۱۰	داودی علی، ۱۱۶، ۴۰۸
اقتصاد، ۱۱۳	داوری، ۳۳۱، ۴۶۷
بازرس، ۶۳	داودی، ۱۲۴
مدیر کل، ۱۱۳	دبیر، ۴۹۳
وزیر، ۱۱۰، ۳۷۳	دبیر کل، ۱۸۱، ۲۴۴، ۲۶۳، ۲۷۵، ۲۵۳، ۳۶۴، ۵۰۳
داراب نماینده، ۳۱۳	قائم مقام، ۲۷۴
دارخوین، ۴۸۰	معاون سازمان ملل، ۱۶۶
دارو، ۳۹، ۲۱۳، ۳۴۹	درخت، ۵۴، ۶۳، ۸۳، ۱۷۳، ۲۸۲، ۲۸۹، ۲۹۱، ۳۲۸، ۴۶۳
دام، ۱۳۳، ۲۳۲، ۳۱۸	درس، ۵۸، ۷۰، ۲۹۱، ۳۲۲، ۳۴۲، ۳۵۷، ۳۶۶، ۳۷۱، ۳۷۳، ۳۸۱، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۸، ۴۰۶، ۴۱۹، ۴۲۵، ۴۳۳، ۴۴۵، ۴۵۳، ۴۶۲، ۴۶۷، ۴۹۴، ۴۹۸
دانش، ۴۳۳	۵۰۶
دانش آموز، ۴۸، ۶۲، ۸۲، ۲۲۷، ۲۵۳، ۳۰۰، ۳۵۶، ۳۷۰	درس مواضع، ۳۷۳، ۳۸۵، ۳۹۰، ۳۹۲، ۴۰۰، ۴۱۹، ۴۲۵، ۴۳۳، ۴۴۵، ۴۵۳، ۴۶۲، ۴۶۷، ۴۹۸
۴۲۰، ۴۴۰، ۴۷۵، ۴۹۵	درگیری
دانشجو، ۳۵، ۳۷، ۶۲، ۶۷، ۸۵، ۹۷، ۱۰۶، ۱۱۲، ۱۳۵	جدی، ۱۲۷
۱۹۱، ۲۱۴، ۲۵۴، ۲۵۷، ۲۹۱، ۳۶۱، ۳۶۵، ۳۷۳، ۳۸۱، ۳۹۱	داخلی، ۳۰۴
۴۰۶، ۴۰۸، ۴۱۴، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۳۸، ۴۵۴، ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۶	دروغ، ۲۱۵، ۲۵۰، ۳۱۱، ۳۳۱، ۳۵۷
۴۹۵	درویش، ۸۵، ۵۱۱
دانشجو اسلامی خارج از کشور، ۴۲	درویش محمد، ۸۵
دانشکده افسری، ۳۰۹، ۳۶۱، ۳۷۰، ۳۸۲، ۴۳۶، ۴۵۴	
۵۱۱، ۴۸۳	
دانشکده پزشکی، ۳۶۵، ۴۱۹، ۴۴۹	
دانشگاه، ۳۱، ۳۷، ۴۸، ۶۳، ۶۶، ۶۷، ۹۱، ۹۶، ۱۳۲، ۱۴۶	
۱۵۸، ۱۶۱، ۱۸۷، ۱۹۶، ۲۰۴، ۲۲۱، ۲۲۳، ۲۳۱، ۲۳۸، ۲۵۶	
۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۹، ۲۷۵، ۲۷۸، ۲۸۸، ۲۹۱، ۳۰۱، ۳۰۶، ۳۱۰	

دلار، ۶۰، ۸۹، ۹۴، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۱۹، ۱۲۴، ۱۲۸، ۱۳۹، ۱۴۴، ۱۵۲،
 ۲۵۲، ۲۶۴، ۳۰۷، ۳۳۳، ۳۳۵، ۳۳۷، ۳۹۸، ۵۰۰، ۵۰۸،
 دلمه، ۴۷۲
 دلیجان، ۵۰۴
 دماوند، ۱۱۹، ۱۲۳، ۱۲۷
 دمکرات، ۱۶۰، ۲۲۳، ۲۲۶، ۳۲۵
 دندان، ۲۶۳، ۳۹۲
 دنیا، ۹۴، ۱۹۶، ۲۹۱، ۳۷۳، ۳۳۳، ۴۳۶
 دویی، ۷۹، ۱۵۳
 دودونگ رودخانه، ۲۸۵
 دوزدوزانی عباس، ۱۵۳، ۲۵۵
 دوستان، ۸۵، ۱۰۱، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۳۳، ۱۴۰، ۱۵۲،
 ۱۸۴، ۱۸۷، ۱۹۲، ۲۰۷، ۲۱۹، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۳۰، ۲۵۴،
 ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۸۱، ۲۸۳، ۲۸۹، ۳۰۷، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۱۸،
 ۳۲۱، ۳۲۵، ۳۳۲، ۳۵۱، ۳۵۴، ۳۵۶، ۳۶۵، ۳۷۱، ۴۱۱، ۴۱۵،
 ۴۲۲، ۴۷۳
 دولت، ۳۷، ۵۴، ۵۸، ۶۲، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۷۰، ۷۱، ۷۳، ۷۹،
 ۸۷، ۹۴، ۹۵، ۹۹، ۱۰۳، ۱۰۵، ۱۰۷، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۶، ۱۱۹،
 ۱۲۵، ۱۳۳، ۱۵۱، ۱۸۱، ۱۸۲، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۱۷، ۲۱۹، ۲۲۱،
 ۲۳۲، ۲۳۷، ۲۴۶، ۲۵۰، ۲۵۳، ۲۷۴، ۲۷۶، ۲۸۳، ۳۱۰، ۳۱۱،
 ۳۳۳، ۳۴۴، ۳۵۲، ۳۵۷، ۳۶۳، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۸، ۳۸۵، ۳۹۸،
 ۴۰۳، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۴، ۴۲۶، ۴۲۹، ۴۳۵، ۴۳۹، ۴۶۴، ۴۶۶،
 ۴۶۷، ۴۸۳، ۴۹۸، ۵۰۷، ۵۰۹
 خلیج فارس، ۴۲۰
 عرب، ۲۰۶
 کارکنان، ۱۱۷
 مرتجع، ۴۱۰
 هینت، ۱۲۷، ۲۵۹، ۲۶۴، ۳۷۵، ۳۳۳، ۳۶۷،
 ۳۹۸، ۴۳۹
 دولت مشاور اقتصاد، ۱۲۹
 دولتو زندان، ۱۵۱
 دهقان، ۳۳۷
 دهقان سرهنگ، ۲۱۷
 دهلاویه، ۱۵۹، ۱۶۶، ۳۷۹
 دهلیز، ۲۲۷
 دهه فجر، ۳۹۴

دریا، ۱۹۱، ۱۹۸، ۳۰۳، ۳۸۲
 دریاچه مصنوعی، ۲۸۵
 دریای زرد، ۲۸۵
 دریای سیاه، ۲۷۹
 درّی نجف آبادی قربانعلی، ۴۳۳
 دزد، ۲۲۹، ۳۳۰
 دزفول، ۱۳۴، ۳۲۹، ۳۷۸، ۵۱۲
 لشکر، ۲۱۷، ۲۱
 نماینده، ۳۱۳
 دژساز شرکت، ۸۳
 دستغیب، ۳۲۸، ۳۸۵
 دستغیب آیت الله، ۴۰۱
 دستگیر، ۸۷، ۱۲۴، ۱۳۳، ۱۵۷، ۱۹۹، ۲۰۷، ۲۴۷، ۲۵۰،
 ۳۰۶، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۷۰، ۳۷۵، ۵۰۶
 دشت آزادگان، ۶۶
 نماینده، ۶۶
 دشت عباس، ۳۲۸
 دشمن، ۳۳، ۳۷، ۹۰، ۹۵، ۱۳۹، ۱۶۹، ۲۰۸، ۲۱۴، ۲۱۴،
 ۲۱۷، ۲۳۸، ۲۴۱، ۲۴۵، ۲۶۵، ۲۷۰، ۳۰۲، ۳۱۱، ۳۳۱، ۳۳۳،
 ۳۸۵، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۳، ۳۹۵، ۴۰۱، ۴۰۲، ۴۰۸، ۴۱۱، ۴۲۰،
 ۴۶۴، ۴۷۵، ۴۸۹، ۵۱۱
 دعائی، ۲۰۴، ۳۲
 دعائی سید محمود، ۱۱۶
 دعاگو، ۷۴، ۷۹، ۸۲، ۱۰۵، ۲۲۴، ۳۶۶، ۳۳۸
 دعاوی، ۴۴۳
 دفاتر هماهنگی، ۱۵۰
 دفاع
 معاون وزارت، ۳۵۶
 وزارت، ۶۸، ۸۹، ۱۹۳، ۱۹۵، ۲۴۹، ۲۷۶، ۳۵۶، ۳۶۱
 وزیر، ۶۸، ۱۹۳، ۲۸۱، ۲۹۳، ۳۰۶، ۳۰۹، ۳۵۲، ۳۶۳
 ۳۷۲، ۴۰۱، ۴۷۳، ۴۷۵
 دفتر تحکیم، ۳۷۳، ۳۵۱
 دفتر مشاورت، ۳۶۳، ۳۷۴، ۳۹۳، ۴۰۰، ۴۲۷، ۴۳۱
 دفتر هماهنگی، ۳۸، ۹۵، ۱۰۴، ۱۱۶، ۱۲۴، ۱۳۶
 دفتر هماهنگی تبلیغات، ۶۹
 دقینه، ۳۴۵، ۴۶۲

۵۰۶، ۴۶۵، ۴۵۵، ۴۲۹، ۴۲۶، ۴۲۸
 رادیو خارجی، ۲۵۹
 راستی، ۴۹۸، ۲۹۲
 راه آهن، ۳۸۴، ۳۳۳
 راهپیمائی، ۳۷۴، ۳۰۰، ۱۵۷، ۱۴۶، ۴۹
 راه زینب مجله، ۶۹، ۳۹
 راه سازی، ۳۹۵
 راهنمائی، ۴۲، ۸۲، ۱۲۹، ۱۹۱، ۳۲۰، ۳۲۳، ۳۳۱، ۳۵۱، ۴۵۸
 راه وزیر، ۴۷۶، ۲۶۵، ۲۵۳
 رای گیری، ۳۸۴، ۳۳۵، ۳۱۰، ۱۸۹، ۱۷۳
 رأس الخیمه، ۴۶۶
 رأی، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۶۶، ۱۸۱، ۲۰۲، ۲۱۴، ۲۲۱، ۲۲۸، ۲۴۴
 ۲۵۴، ۲۶۴، ۲۶۹، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۲، ۳۲۶، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۴۳
 ۳۴۵، ۳۴۹، ۳۵۲، ۳۵۴، ۳۶۲، ۴۰۷، ۴۰۸
 ربا طرح نظام بانکی (بدون)، ۴۶۲
 ربانی، ۱۳۰، ۱۵۲، ۳۲۷
 ربانی املشی، ۲۰۸، ۲۵۴، ۳۳۳، ۴۱۹
 ربانی شیرازی، ۴۳، ۸۲، ۸۲، ۳۲۷، ۵۰۴
 ربایندگان، ۲۳۹، ۲۴۹، ۲۵۷، ۳۹۷
 رجائی، ۳۱، ۳۹، ۴۵، ۴۸، ۵۴، ۵۵، ۵۹، ۶۱، ۶۲، ۷۵، ۷۹
 ۸۷، ۸۹، ۹۰، ۹۴، ۹۶، ۹۹، ۱۰۲، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۱۱
 ۱۱۲، ۱۱۶، ۱۱۴، ۱۲۷، ۱۲۷، ۱۴۷، ۱۵۸، ۱۶۴، ۱۷۲، ۱۷۹، ۱۸۱
 ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۹۰، ۱۹۶، ۱۹۸، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۶، ۲۰۸، ۲۱۰
 ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۱، ۲۲۴، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸
 ۲۳۳، ۲۳۸، ۲۴۱، ۲۴۵، ۲۴۷، ۲۵۰، ۲۵۳، ۲۵۷، ۲۵۹، ۲۶۳
 ۲۷۰، ۲۷۵، ۲۹۳
 پسر، ۲۶۹
 پیام، ۳۱
 خانم، ۳۲، ۲۶۴، ۲۶۹، ۳۳۵
 دختر، ۲۶۹
 رجائیان، ۱۹۷
 رجوی، ۲۲۱، ۲۳۱، ۲۳۵، ۲۴۹، ۳۷۲
 رجوی مسعود، ۹۹، ۲۱۹
 رجوی همسر، ۳۷۰
 رحلت پیغمبر، ۳۲۱

دیالکتیک، ۱۳۹
 دیالمه، ۱۳۵، ۱۳۹
 دیانتی سرهنگ، ۲۳۲
 دیپلماسی، ۲۲۸
 دی سایت روزنامه، ۴۸
 دیکتاتور، ۱۱۷، ۱۴۵
 دینامیک، ۳۳۵
 دینی، ۲۱۵، ۲۴۵، ۲۷۷، ۲۹۱، ۴۶۳
 دیوان عالی رئیس، ۱۷۹، ۲۲۶، ۳۲۹، ۳۶۵، ۳۸۴
 ۳۹۸، ۴۱۹، ۴۴۶، ۴۵۸
 دیوان محاسبات، ۳۶۳، ۳۹۸، ۴۵۲، ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۶۳، ۴۹۱
 دیون، ۳۷۲
 ذکیانی، ۸۲
 ذوالفقار جبهه، ۳۵
 ذوب آهن، ۵۸، ۱۱۲
 ذوق، ۳۷۴
 ذهاب جبهه، ۳۲
 رئیس جمهور، ۲۷، ۳۲، ۳۹، ۴۲، ۵۴، ۶۱، ۹۰، ۹۱، ۹۹
 ۱۰۵، ۱۰۸، ۱۱۷، ۱۲۳، ۱۴۰، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۷، ۱۴۹، ۱۵۲
 ۱۵۳، ۱۶۴، ۱۷۱، ۲۶۱، ۲۷۴، ۲۷۷، ۲۷۹، ۲۸۴، ۳۱۲، ۳۱۳
 ۳۱۸، ۳۲۲، ۳۲۵، ۳۲۹، ۳۳۲، ۳۳۴، ۳۴۱، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۵۲
 ۳۵۴، ۳۶۴، ۳۶۷، ۳۷۲، ۳۷۴، ۳۸۴، ۳۹۲، ۳۹۸، ۴۱۹، ۴۲۱
 ۴۲۷، ۴۲۸، ۴۲۹، ۴۳۶، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۲، ۴۵۸، ۴۶۶، ۴۷۴
 ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۷، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۳، ۵۰۷، ۵۱۰
 دفتر ممانگی، ۱۰۴، ۱۳۴
 صلاحیت سیاسی، ۱۵۹
 کفایت سیاسی، ۱۵۸، ۱۶۴
 مشاور، ۱۳۴
 مشاور فرهنگی، ۱۱۲
 رابع بیطاط رئیس مجلس الجزایر، ۳۵
 راحت طلبان، ۷۱
 رادار، ۳۳، ۳۸۹، ۳۹۳، ۴۲۷
 رادیو، ۴۷، ۴۹، ۹۱، ۹۷، ۱۲۴، ۱۳۴، ۱۵۳، ۱۶۳، ۱۷۸
 ۱۷۹، ۲۰۱، ۲۰۶، ۲۰۹، ۲۲۷، ۲۴۵، ۲۵۴، ۲۵۹، ۲۶۴، ۲۷۷
 ۲۸۴، ۲۹۲، ۳۱۶، ۳۳۱، ۳۵۲، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۶، ۳۹۱، ۴۲۲

۶۸. رضائی
 رنج، ۶۱، ۱۵۰، ۲۲۶، ۲۴۴، ۲۸۲، ۳۶۸، ۴۵۲
 رنجبران، ۱۴۶، ۱۶۲، ۱۹۸، ۳۲۵، ۴۴۶
 روانی، ۳۰۵، ۳۱۸، ۳۶۲
 روتختی ابریشمی، ۵۰۴
 روحانی، ۴۷، ۵۸، ۹۹، ۱۲۵، ۱۳۳، ۱۳۶، ۱۷۴، ۱۸۱، ۱۹۲، ۲۱۵، ۲۲۷، ۲۴۴، ۲۷۷، ۲۷۹، ۲۹۲، ۳۲۹، ۳۷۳، ۳۹۶، ۴۷۶
 روحانیت، ۳۷، ۶۲، ۶۹، ۷۳، ۸۱، ۸۲، ۸۴، ۱۰۳، ۱۲۹، ۱۳۶، ۱۹۳، ۲۰۹، ۲۲۲، ۲۵۶، ۲۷۶، ۲۹۱، ۲۹۲، ۳۴۵، ۳۵۲، ۳۶۸، ۳۷۱، ۴۲۶، ۴۷۴، ۵۰۴
 دبیر کل جامعه، ۳۶۴
 روحانیت مبارز، ۸۴، ۱۲۶، ۱۹۳، ۲۱۵، ۳۲۲، ۳۵۶، ۳۹۲، ۴۴۵
 شاخه حزب، ۱۰۴
 شورای مرکزی، ۳۷۱، ۳۵۳، ۲۷۶، ۵۰۴
 روحانی حسین، ۴۷۵
 روحانی دکتر، ۱۱۲، ۱۳۶، ۱۴۴، ۲۰۸، ۳۶۰، ۴۰۰، ۴۳۵
 روحانی دکتر محمود، ۱۸۷
 روحانی صادق، ۲۵۴
 روحانی ناصالح، ۶۰، ۴۰۶
 ارتجاع، ۶۹
 روحیه، ۳۲، ۳۳، ۳۵، ۳۹، ۴۱، ۴۲، ۴۴، ۴۶، ۷۴، ۱۰۲، ۱۰۴، ۱۳۹، ۱۶۰، ۱۹۷، ۳۶۸، ۴۲۷، ۴۳۸
 رودخانه، ۲۱۴، ۲۸۳، ۲۸۵
 رودسر نماینده، ۲۱۶
 روزنامه، ۴۲، ۴۸، ۵۲، ۵۸، ۵۹، ۷۳، ۸۰، ۸۴، ۸۵، ۱۱۲، ۱۲۴، ۱۲۷، ۱۳۰، ۱۳۶، ۱۴۰، ۱۴۴، ۱۴۷، ۱۵۲، ۱۹۰، ۲۰۸، ۲۱۶، ۲۱۸، ۲۲۳، ۲۸۵، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۲۴، ۳۲۶، ۳۳۱، ۳۸۶، ۳۹۰، ۳۹۶
 روزه، ۶۴، ۱۰۶، ۱۲۵، ۱۲۵، ۱۴۰، ۱۴۰، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۹۳، ۲۰۲، ۲۹۹
 روس، ۴۳۸
 روستا، ۵۵، ۷۰، ۷۴، ۱۷۴، ۱۷۶، ۲۸۴، ۲۸۸، ۲۹۱، ۳۵۴، ۳۹۳، ۴۷۹، ۴۹۰

۲۵۳، ۲۳۵، ۱۳۲، ۱۳۲، ۲۳۵، ۲۵۳
 رژه، ۲۸۳، ۳۱۵
 رژیم، ۴۸، ۹۴، ۴۴۲، ۴۴۴، ۴۴۷، ۴۳۱
 پهلوی، ۳۶۶
 شاه، ۱۲۳، ۲۳۹، ۳۶۲
 رسولی، ۱۰۳
 رشت، ۲۱۳
 رئیس اوقاف، ۲۵۵
 نماینده، ۱۶۹
 رضائی، ۴۱، ۹۳، ۱۳۳، ۱۳۵، ۱۵۰، ۱۶۱، ۲۲۱، ۲۳۲، ۲۳۸، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۵۷، ۲۷۵، ۳۵۷، ۳۷۴، ۳۹۳، ۴۰۷، ۴۲۰، ۴۶۴، ۴۶۵، ۴۷۴، ۴۷۸، ۴۹۵، ۵۱۲
 رضائی سرهنگ، ۲۵۹
 رضائی محسن، ۱۰۴، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۹۰، ۱۹۷، ۲۵۳، ۲۵۵، ۲۵۷، ۲۶۵، ۳۵۹، ۳۹۲، ۳۹۴، ۴۰۱، ۴۱۲، ۴۲۶، ۴۳۰، ۴۶۹، ۴۷۰
 رضائی مرتضی، ۱۰۵
 رضا امام (ع)، ۴۲۱
 رضا همشیره زاده، ۱۱۰
 رضوانی، ۳۱۷
 رفاه، ۱۲۷، ۱۷۶، ۱۹۸، ۲۵۷، ۳۳۳، ۳۸۴، ۳۹۱، ۳۹۸
 باغ اردو، ۸۳، ۲۳۲
 مدرسه، ۱۱۰، ۲۵۷
 رفرا اندم، ۱۲۳
 رفسنجان، ۵۸، ۶۱، ۶۲، ۶۶، ۹۹، ۱۱۱، ۱۵۱، ۱۷۴، ۲۲۴، ۲۲۸، ۲۳۵، ۲۳۹، ۴۳۸
 پسته کار، ۷۰
 دادستان انقلاب، ۱۹۵
 رفقا، ۸۴، ۹۴، ۲۰۱، ۲۲۸، ۴۲۲
 رفیعی، ۲۲۱، ۳۹۶، ۴۴۷
 رفیق دوست، ۹۴، ۲۳۳، ۲۸۴، ۳۲۶، ۳۹۶
 رفیق دوست محسن، ۱۱۷، ۲۶۵، ۴۷۰
 رقابیه، ۳۴۱
 رقص، ۲۸۴
 رمالی، ۳۴۵
 رمضان، ۱۸۷، ۲۰۲، ۳۳۱

زاهدان، ۳۹۰	روسی ماز، ۳۳۷
زبان، ۱۳۷، ۲۱۸، ۳۰۵، ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۶۴	رومانی، ۴۷۵
زحمت، ۸۳، ۱۳۶، ۱۴۴، ۱۵۹، ۳۹۷، ۴۷۰	معاون نخست وزیر، ۳۰۹
زخم، ۵۵، ۷۱، ۲۰۷، ۲۱۳، ۲۲۷، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۸، ۳۰۶	رویه، ۴۰۱، ۴۲۲
۳۱۵، ۳۸۵، ۳۸۹، ۴۰۰، ۴۲۸، ۴۹۱	رهبر، ۳۸، ۵۲، ۹۷، ۱۰۸، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۳۳، ۱۳۶، ۲۰۶
زدو خورد، ۳۸۱	۲۰۹، ۲۸۵، ۲۸۸، ۳۴۴، ۳۴۸، ۳۷۱، ۳۹۶، ۳۹۸، ۴۲۶، ۴۴۵
زرتشتیان نماینده، ۱۲۵، ۳۳۲، ۴۲۸	۴۷۳، ۴۹۵، ۴۹۶، ۵۰۴
زرتشتی دختر، ۱۳۵، ۴۲۸	رهنما، ۱۴۰، ۳۳۷
زرگر دکتر، ۳۷۵، ۴۲۳	رهنما ابوالفضل، ۹۶
زرگر دکتر موسی، ۳۴۷	رهنما مهدی، ۹۰، ۱۱۳، ۱۱۶، ۳۷۰
زرنده، ۳۸	رهنورد زهرا، ۳۳۸
زغال سنگ، ۳۸	ریاست جمهور
مسجد جامع، ۱۷۶	انتخاب، ۸۲، ۱۷۲، ۱۹۳، ۲۰۷، ۲۱۴، ۲۷۴، ۲۹۲
معادن زغال، ۱۷۶	۳۱۰، ۳۰۱، ۳۹۹
زرنده، ۱۴۴	ریاست جمهوری، ۱۰۲، ۱۱۰، ۱۱۷، ۱۲۳، ۱۴۴
زرنگی، ۳۳۰	۱۵۱، ۱۵۸، ۱۷۸، ۱۸۶، ۱۹۰، ۱۹۳، ۳۲۶، ۳۷۷، ۳۸۳، ۳۹۹
زرهانی، ۳۱۳	۳۱۸، ۳۲۲، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۷، ۴۲۸، ۴۶۵
زرین شهر فرماندار، ۵۸	تنفیذ، ۳۱۸، ۳۱۹
زرینی، ۲۱۰	تنفیذ حکم، ۲۲۴
زشت، ۱۲۶، ۳۳۲	دفتر، ۳۲۷
زعامت، ۳۹۸	شورا، ۱۶۳، ۱۷۲، ۲۰۹، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۹، ۲۷۹، ۳۰۹
زلاند جدید سفیر، ۵۰۸	شورای موقت، ۱۷۲، ۱۸۵، ۲۰۱، ۲۶۱، ۲۷۷، ۲۹۵
زلزله، ۲۱۸، ۲۱۹، ۱۵۰	عدم تجویز، ۸۲
زلزله زدگان، ۱۵۹، ۱۷۳	کاندید، ۱۸۱، ۲۰۲، ۳۰۷، ۳۰۹
زمانی، ۳۸، ۱۹۱	نامزد، ۱۹۸، ۲۸۱، ۲۹۵
زمانی برادر شهید، ۱۹۱	ریاضت، ۴۲۹، ۴۶۸، ۴۷۲، ۵۰۷
زمین، ۳۳، ۴۲، ۷۰، ۱۴۰، ۱۵۳، ۱۷۶، ۱۹۷، ۳۳۷، ۳۳۷	ریاضی، ۲۷۵
۲۸۱، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۹، ۳۰۱، ۳۲۱، ۳۹۴، ۳۹۶، ۴۰۱، ۴۳۲	ریشهری، ۱۲۵، ۱۳۷، ۳۰۰، ۳۱۱، ۳۲۰، ۴۳۷، ۴۶۰
۳۴۷، ۴۶۳، ۵۰۶	ریگان، ۴۹
سازمان عمران، ۱۹۷	زابل
زن، ۴۷، ۶۳، ۷۰، ۷۱، ۱۳۹، ۱۹۲، ۱۹۸، ۲۸۳، ۲۸۴، ۳۲۹	اهل سنت، ۱۳۳
زنجان، ۵۸، ۲۶۹، ۴۰۰	نماینده، ۱۵۵، ۳۴۵، ۳۸۱، ۴۶۳
استاندار، ۳۲۶، ۴۰۰، ۴۹۸	زابل جبهه، ۳۵
امام جمعه، ۵۸، ۳۲۶، ۴۰۰	زابلی حسینی طباطبائی، ۱۰۴
روحانی، ۵۸	زابلی قاضی، ۳۲
ضد انقلاب، ۵۸	زادگاه، ۲۸۴

علماء، ۳۵۷	نماینده، ۵۸، ۱۹۷، ۲۱۶
نماینده، ۳۵۷، ۳۶۶	نهاد، ۳۹۸
سازگار نژاد، ۳۱۷، ۳۱۶	زند، ۴۷۵
سازمان ملل، ۱۶۶، ۴۰۸، ۴۵۵، ۴۵۸، ۴۶۶، ۴۶۹	زندان، ۷۴، ۹۴، ۱۲۳، ۱۳۴، ۱۵۱، ۱۷۲، ۱۷۸، ۲۱۸، ۲۴۷
مجمع عمومی، ۴۵۵	زندگی، ۲۵۶، ۲۵۷، ۳۰۰، ۳۰۲، ۳۳۳، ۳۳۷، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۶، ۳۵۹
سازندگی، ۱۷۳، ۳۱۱، ۳۱۲	زندگی، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۶، ۳۷۱، ۳۸۴، ۳۹۸، ۳۱۵، ۳۲۰، ۳۲۸
سالاری مهندس حسین، ۶۴	زندگی، ۴۲۰، ۴۲۷، ۴۵۷، ۴۶۴، ۴۶۶، ۴۶۸، ۴۹۱، ۴۹۷
سالور مهندس، ۳۸، ۱۱۲	زندان قرنطینه، ۳۰۲
سامی دکتر، ۸۳، ۱۴۹، ۱۵۵، ۱۸۹، ۲۰۸	زندان گوهردشت، ۱۲۳
سان، ۳۱۵	زندگی، ۷۰، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۱۱۱، ۱۲۳، ۱۹۳، ۲۴۵
ساندویچ الویه، ۴۰۰	زندگی، ۲۸۸، ۳۸۶، ۴۰۰
ساواک، ۲۷، ۹۴، ۹۹، ۱۵۲، ۲۷۶، ۳۲۷	زنگنه، ۳۸۵
ساجی بهرامی، ۹۶	زوار، ۳۲۲
ساوه، ۱۵۸	زواره‌های، ۱۳۴، ۱۶۴، ۲۴۴، ۲۵۰، ۲۷۱، ۲۹۳، ۳۲۷، ۴۱۹
ارگانها، ۴۹۸	زواره‌های سید رضا، ۴۰۷
علماء، ۴۹۸	زورق، ۳۹۱، ۴۶۹
نهادها، ۴۹۸	زیارت، ۴۱، ۵۴، ۵۵، ۱۱۱، ۲۰۲، ۲۰۵، ۲۱۰، ۳۱۹، ۳۷۵
سایت، ۶۶، ۳۸۳، ۴۸۹	زیارت، ۳۳۰، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۷، ۴۰۶، ۴۳۹، ۴۸۹، ۵۱۲
سبزوار، ۴۴۷، ۵۰۶	زیر بنائی، ۴۶۱
نماینده، ۱۸۴، ۳۲۴، ۴۱۴	زینب، ۴۱۱
سبزواری مهندس، ۲۶	ژاپن، ۴۰۰، ۴۹۲
سپاسی، ۴۷۵	سفیر، ۱۰۴
سپاه، ۴۲، ۴۸، ۵۲، ۶۴، ۸۰، ۸۳، ۹۳، ۹۴، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۷	شرکت، ۱۰۴
۱۱۷، ۱۲۴، ۱۳۵، ۱۴۵، ۱۴۹، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۷، ۱۶۰، ۱۶۴	ژاندارمری، ۷۰، ۱۳۳، ۱۷۶، ۲۴۹، ۳۶۸، ۴۵۷، ۴۷۲
۱۸۴، ۱۹۶، ۲۰۴، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۱۰، ۲۱۹، ۲۳۰، ۲۳۵، ۲۴۵	فرمانده، ۱۷۶، ۴۷۶
۲۵۲، ۲۵۹، ۲۷۸، ۲۸۱، ۳۰۶، ۳۱۱، ۳۱۵، ۳۱۸، ۳۲۶، ۳۳۴	معارن، ۲۵۹
۳۴۲، ۳۴۴، ۳۵۶، ۳۶۱، ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۷۳، ۳۷۴، ۳۹۱، ۳۹۷، ۴۰۱	ژنو، ۱۸۷، ۲۴۹
۴۰۶، ۴۰۸، ۴۱۲، ۴۲۶، ۴۲۸، ۴۲۹، ۴۳۲، ۴۳۳، ۴۴۰، ۴۴۹	سابقه، ۱۸۳، ۲۱۳، ۲۲۲، ۳۳۵، ۳۳۸، ۳۶۲، ۴۱۴، ۴۶۲
۴۵۳، ۴۵۷، ۴۶۶، ۴۶۸، ۴۷۴، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۹۴، ۴۹۷، ۵۰۰	سابله پل، ۳۷۹
اساسنامه، ۴۰۰، ۴۶۴	سابله و الوان پل، ۳۹۰
اساسنامه اطلاعات، ۲۵۵	سادات، ۱۰۴، ۳۱۶
اطلاعات، ۴۱، ۹۳، ۱۵۱، ۱۶۱، ۲۳۲، ۲۳۷، ۲۳۸	سادات انور، ۳۱۳
۲۷۰، ۳۲۵، ۳۷۵، ۳۷۱، ۳۵۵	ساداتیان، ۱۹۱، ۴۵۴
تحقیقات، ۱۱۳، ۲۲۴	ساری
رئیس واحد حفاظت، ۱۳۹	
فرمانده، ۶۲، ۸۳، ۱۰۲، ۱۰۴، ۱۵۸، ۳۱۴، ۳۵۵، ۳۶۰	

سفر	کلید واژه	سپاه پاسداران مجله
سرچشمه مس، ۲۸۲		۴۷۸، ۴۵۸، ۳۳۵، ۳۹۴، ۳۸۵، ۳۶۰، ۳۵۹، ۳۵۷
سرحدی زاده ابوالقاسم، ۲۰۷		فرمانده عملیات، ۳۶۰، ۳۱۰
سرد، ۵۳، ۳۳۱، ۳۱۰، ۳۸۳، ۴۹۰		فرمانده منطقه، ۴۵۸
سرداری مهندس، ۱۹۹، ۲۳۹		گزینش، ۳۲
سردخانه، ۹۴		مسنول، ۶۸، ۶۲
سردی روابط، ۲۰۱		مسنول اطلاعات، ۹۳، ۱۵۱، ۴۷۰
سرفرازی، ۲۱۵		مسنول حفاظت، ۷۹
سرکوب، ۱۰۵، ۱۶۴، ۱۹۱، ۱۹۹، ۲۳۹، ۳۹۷، ۳۲۶، ۳۶۰، ۳۷۵		واحد نهضت، ۳۹۳، ۳۹۴، ۴۱۰
سرکوبی، ۱۹۷		سپاه پاسداران مجله، ۶۴
سرما، ۵۴، ۲۸۲		ستاد انقلاب فرهنگی، ۶۳، ۶۷، ۹۴، ۱۲۹، ۱۴۶
سرما خوردگی، ۲۵۶، ۳۲۶، ۵۰۴		۱۵۸، ۱۵۱، ۲۲۶، ۲۷۵، ۳۶۵، ۳۹۲، ۳۴۹، ۳۷۳، ۴۹۳
سرمایه، ۱۱۷، ۳۰۶، ۴۳۹		ستاد جنگ نامنظم، ۲۱۴، ۲۱۳
سرمایه دار، ۳۲۱، ۳۵۲		ستاد کمک رسانی، ۱۷۳
سرمایه داری، ۳۲۳		ستاد مشترک، ۱۹۶، ۱۹۸، ۲۰۵، ۲۲۱، ۲۳۹، ۲۵۶، ۳۰۷
سرمایه گذاری، ۳۲، ۳۲۵		۳۰۹، ۳۹۱، ۴۴۲
سرنگون، ۳۹۲		ستایش، ۸۹، ۱۷۳، ۲۲۵، ۲۸۴
سرود، ۳۷، ۱۰۷، ۱۳۶، ۲۲۷، ۳۶۱، ۳۲۸، ۴۳۹		سجادی، ۱۷۶، ۲۲۷، ۳۶۴، ۳۹۶
سروستان نماینده، ۲۱۶		سجادی دکتر، ۳۸۷
سروش مجله، ۲۱۵، ۴۴۲		سجادی غفار، ۴۲۷
سری، ۶۰، ۶۱، ۹۰، ۱۰۶، ۱۱۰، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۲۳، ۱۸۴		سحابی، ۱۳۶
۱۸۷، ۲۲۲، ۲۲۴، ۳۴۹، ۳۴۷، ۳۷۴، ۳۷۵		سحابی دکتر، ۱۳۶، ۱۵۵، ۱۸۴، ۱۸۹، ۲۰۸، ۳۵۶
سری لانکا، ۳۷۵		سحابی دکتر یدالله، ۳۴۵
سعادت محمد رضا، ۲۱۸		سحابی مهندس، ۵۹، ۱۱۰، ۱۶۲، ۱۸۴، ۲۱۸، ۳۳۵
سعد آباد پادگان، ۱۳۴		۳۵۶، ۵۰۳، ۵۰۷
سعد آباد کاخ، ۳۸		سحابی مهندس عزت الله، ۵۰۹
سعدی سرهنگ، ۲۷۶		سحابی مهندس منصور، ۱۱۰
سعودی، ۲۳۹، ۳۳۱، ۳۷۴، ۴۱۱		سحر، ۱۸۶، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۶، ۲۰۱، ۲۱۶، ۲۱۸، ۲۹۹
شاه، ۳۳۴		سد، ۲۸۹، ۳۲۹، ۳۸۱
سعید، ۷۹، ۹۳، ۱۱۲، ۱۵۱، ۲۱۵، ۲۲۴، ۲۲۶، ۲۲۸، ۲۳۱		سران، ۹۹، ۱۵۷، ۱۷۳، ۲۱۰، ۲۱۷، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۹، ۳۲۹
۲۳۳، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۵۵، ۲۸۱، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۷، ۴۰۰، ۴۰۱		۳۲۷، ۳۶۱، ۳۷۳، ۳۸۶، ۳۹۲، ۴۰۶، ۴۱۱، ۴۲۲، ۴۴۶، ۴۵۷
۴۵۴، ۵۱۱		۴۸۰، ۴۹۴، ۴۹۵، ۵۰۱
سعیدی، ۴۹۴		سران جبهه ملی، ۲۱۰
سفارت، ۲۰۱، ۲۲۳، ۲۸۸، ۳۰۸، ۴۳۳		سران کشور، ۴۱۱، ۴۵۷
سفارتخانه، ۵۵، ۲۹۵، ۳۵۶، ۳۶۳، ۴۰۸		سراوان نماینده، ۲۱۶
سفر، ۷۴، ۹۵، ۱۰۳، ۱۰۵، ۱۰۸، ۱۲۲، ۱۵۹، ۱۶۳، ۱۹۷		۴۲۷، ۴۷۹
		سربداران، ۳۶۸

سوئیچینگ، ۱۳۵	۲۰۱، ۲۹۵، ۲۹۲، ۲۸۵، ۲۸۱، ۲۷۷، ۲۷۶، ۲۵۲، ۲۲۱
سوئیس، ۴۰۰، ۴۲۹، ۴۵۵	۴۰۱، ۴۰۰، ۲۸۱، ۲۶۸، ۲۳۳، ۲۳۱، ۲۲۳، ۲۱۲، ۲۰۹، ۲۰۴
اعضای شرکت، ۴۶۱	۵۰۱، ۴۹۰، ۴۸۲، ۴۷۴، ۴۶۹، ۴۵۸، ۴۴۵، ۴۳۱، ۴۲۷، ۴۰۳
سوپ، ۴۴۲	۵۱۲
سوخت، ۴۸	سفر، ۱۵۸، ۵۸، ۴۳۱
سودان، ۳۲۹، ۳۵۶، ۳۶۷	سقوط، ۱۸۹، ۲۰۶، ۲۲۱، ۲۰۶، ۲۲۸، ۲۹۴، ۲۹۵، ۴۰۲
دانشجو، ۱۱۲، ۲۸۱	۵۰۸، ۴۷۵، ۴۵۵
مسلمان، ۴۳۱	سکته، ۲۷۹، ۳۵۶، ۳۵۹، ۵۱۰
نهضت اسلامی، ۱۱۲	قلب، ۳۴۹
سوریه، ۱۰۱، ۱۰۶، ۱۰۱، ۴۰۱، ۴۰۰، ۴۲۶، ۴۲۷، ۴۲۹، ۴۴۵	مغز، ۲۱۵
۲۵۸، ۲۶۰، ۵۰۱، ۵۱۲	سکوتوره، ۵۰۳
پیام، ۳۳۴	سلاح، ۲۲۳
تاجر شیعه، ۳۲۳	خلع، ۱۲۰، ۲۰۷
سفارت، ۲۹۳	سلامت مهدی، ۲۸
سفیر، ۳۲۹، ۴۹۱	سلامتیان، ۱۲۰، ۱۲۳، ۱۲۵، ۱۵۳
شیعه، ۴۲۷	سلامتیان احمد، ۴۴۲
شیعیان، ۴۴۵	سلب کفایت سیاسی، ۱۵۵، ۱۵۷، ۱۵۹
مفتی، ۴۶۹	سلطنت طلب، ۱۵۹، ۲۲۳، ۲۳۵، ۴۰۱، ۴۲۶
نهضت اسلامی، ۴۲۶	سلمانی، ۲۲۳، ۴۲۵
وزیر خارجه، ۵۰۸	سلیمی سرهنگ، ۳۰۹، ۳۶۲، ۴۹۶
هیئت، ۵۰۸	سپات، ۱۱۲، ۲۸۶
سوزاندن، ۲۸۲	سپاش، ۲۰۲، ۴۳۹
سوزن، ۴۴۲، ۴۴۷	سمیرم، ۴۲۳
سوسنگرد، ۳۶، ۳۶۲، ۳۷۹	سمیمی پروفیسور، ۲۵۷، ۳۹۳
سوسیال دموکرات، ۳۶۷	سمینار، ۲۷، ۶۲، ۹۶، ۱۱۳، ۲۷۱، ۲۷۴، ۳۶۷، ۴۴۲، ۴۵۳
سوسیالیست، ۱۰۱، ۵۰۹	۵۱۲، ۴۸۹، ۴۸۲، ۴۸۰
سومالی، ۳۶۷	سندیکا، ۳۶۲
سوه تفاهم، ۲۸۱، ۴۲۲	سنگاپور دانشجو اسلامی، ۳۹۱
سوه نیت، ۲۰۱، ۵۰۷	سندجی، ۲۴۴
سه قریه، ۱۷۴	سنی، ۶۹، ۱۲۷، ۱۵۳، ۱۶۶، ۲۳۴، ۲۵۷، ۳۹۱، ۴۲۰، ۴۲۳
سه قوه، ۱۱۶، ۴۶۰	سوند، ۴۲۸
سران، ۳۹۲	حکام، ۴۲۸
سه گانه قوا، ۱۴۶، ۱۵۷	خبرگزار، ۲۰۶
سه میه بندی کالا، ۴۳۰	رادیو، ۲۰۶
سیا، ۴۲۷	رادیو تلویزیون، ۲۷۷
سیاح، ۲۳۹	سونیج، ۳۳۱

سیمان، ۵۸، ۱۱۰	سیاح شہرام، ۲۱۰
سیمای جمهوری، ۱۶۰، ۲۹۱	سیاست اقتصادی، ۲۳۵، ۲۸۱
سینما، ۱۰۳، ۴۴۷	سیاست خارجی، ۸۷، ۲۲۹، ۲۳۱، ۲۵۷، ۳۹۱، ۴۱۲
شادمہر تیمسار، ۲۷۰	سیاست داخلی، ۳۵۷، ۴۹۰، ۴۹۲، ۵۰۰، ۵۰۶
شارجہ، ۴۶۶	سیاسی، ۵۹، ۸۳، ۹۰، ۹۱، ۹۵، ۱۰۲، ۱۰۵، ۱۱۳، ۱۲۷
شالیزار، ۴۲۱	سیاست، ۱۲۵، ۱۵۵، ۱۵۷، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۷۳، ۲۲۱، ۲۲۶، ۲۳۲
شالیکار، ۴۱۰	سیاست، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۳
شانہ چی، ۲۲۲	حرکت، ۱۵۷، ۱۲۵، ۴۲
شاہ، ۲۷، ۳۹، ۱۲۲، ۲۳۹، ۲۵۵، ۲۳۴، ۳۶۲، ۴۱۰، ۴۶۴	سوابق و مبارزاتی، ۲۲۴
۴۷۸	سیاسی ایدئولوژی، ۸۰، ۸۵، ۲۰۶، ۲۱۹، ۳۷۱، ۴۰۷
اختناق رژیم، ۱۲۲	سیاسی دفتر، ۱۳۵، ۱۴۶
اختیار، ۱۰۲	سیاکو ارتفاعات، ۴۱۱
پسرخالہ، ۹۳	سیاہپوست، ۲۵۴
جنایت، ۸۳	سیاہدشتک، ۱۱۹
خلبان مخصوص، ۲۱۸	سیب، ۶۳، ۲۸۴
زدائی، ۲۴۹	سید خندان موزہ، ۲۸۲
ساواک قدیم، ۹۹	سیرجان نمائندہ، ۲۱۶
شاہ آبادی، ۲۷۷	سیستان، ۱۰۸، ۱۵۳، ۲۵۴، ۲۸۱
شاہچراغی، ۳۶۲	جہاد سازندگی، ۲۵۴
شاہد، ۴۶۸، ۴۱۵	سد، ۲۸۱
شاہرخ، ۳۷۳، ۲۸۱	کشاوری، ۱۵۳
شاہین، ۹۵	سیستان و بلوچستان
امام جمعہ، ۹۵	سیستان و بلوچستان
ہواپیما، ۴۷۸، ۴۸۲	انمہ جمعہ، ۴۲۰
شاہین دشت، ۷۰	اردو، ۴۷
شاہین شہر، ۹۵	انجمن اسلامی، ۴۷
شایستہ، ۲۱۸	جناحت اہل سنت، ۴۲۰
شایع، ۲۷، ۷۰، ۱۰۱، ۱۲۶، ۱۲۶، ۲۴۶، ۳۱۰، ۳۲۵، ۳۹۵، ۴۴۰	حزب، ۳۹۸
۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۱	علماء، ۴۲۰
شایع پرداز، ۲۸۱	سیف، ۲۵۷
شبستری، ۴۱۴	سیف الہی، ۴۱، ۱۳۱، ۱۹۷، ۲۳۸
شبستری محمد، ۱۵۹	سیف الہی، ۲۷۵
شبہ جزیرہ العرب، ۱۹۲	سیف رضا، ۲۵۳
شبہہ شرعی، ۱۰۷	سیلی، ۳۱۷
شجاعی، ۲۱۶	
شجاعی محمد، ۱۹۷	

شمس اردکانی، ۲۲۰	شخصیت، ۶۲، ۱۲۳، ۱۳۵، ۱۹۲، ۲۰۳، ۲۲۳، ۲۴۱
شمس الدین برادر، ۲۷۶	۲۶۹، ۲۸۲، ۳۱۵، ۳۱۸، ۴۰۱، ۴۱۱، ۴۲۰، ۴۲۳، ۴۲۷
شنوک، ۶۲	شرعی، ۲۷۱، ۳۱۳، ۳۷۵
شورا اسناد دبیرخانه، ۳۷	شرفخواه سرهنگ، ۲۵۹
شورای اجرائی، ۳۵۳	شرکت
شورای اقتصاد، ۴۶۸	بزرگ خارجی، ۲۸۹
شورای انقلاب، ۳۸، ۴۱، ۷۱، ۱۱۷، ۲۴۶، ۳۷۷	دولتی، ۱۹۵
شورای دفاع، ۹۴، ۱۱۱، ۱۷۲، ۲۱۷، ۲۲۳، ۲۳۸، ۲۵۶	شرکت واحد، ۱۰۴، ۳۳۲، ۴۹۱
۲۷۰، ۲۷۸، ۳۰۱، ۳۱۰، ۳۴۱، ۳۵۷، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۷، ۳۸۷	انجمن اسلامی، ۱۰۴
۳۹۴، ۴۲۹، ۴۳۲، ۴۳۶، ۴۴۲، ۴۶۷، ۴۶۹، ۴۹۶	شریعتمداری، ۶۲، ۷۵، ۲۵۴، ۲۵۴
دبیر، ۲۹۹	شریعتی، ۴۱
دبیرخانه، ۴۲۷	شریعتی خانم، ۲۰۹
شورای رهبری، ۴۹۵	شریعتی دکتر، ۱۸۷
شورای سرپرستی، ۹۶، ۱۹۲، ۲۰۸، ۳۶۲، ۴۰۰، ۴۳۹	شریف، ۲۱۹، ۲۵۴
شورای سرپرستی رادیو تلویزیون، ۴۳۹	شریف النسب سروان، ۹۵
شورای سرپرستی صدا و سیما	شریف خانی، ۳۰۴
عضو علی البدل، ۳۶۲	شط العرب، ۴۹۶، ۵۰۳
شورای عالی اقتصاد، ۴۰۸، ۴۶۲، ۴۷۲	شطی حبیب، ۱۰۸
شورای عالی تبلیغات، ۷۰	شعار، ۳۶، ۵۲، ۸۲، ۱۰۱، ۱۴۵، ۱۵۱، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۷۳
شورای عالی دفاع، ۳۷، ۳۵، ۱۷۱، ۱۸۱، ۱۸۷، ۱۹۱	۱۷۳، ۲۲۳، ۲۴۴، ۲۷۳، ۳۱۶، ۳۳۳، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۷۴، ۴۳۳
۱۹۲، ۱۹۶، ۱۹۸، ۲۰۵، ۲۰۸، ۲۱۴، ۲۲۶، ۲۳۱، ۲۳۵، ۲۳۸	۴۸۰، ۵۰۰
۲۳۹، ۲۴۶، ۲۴۹، ۳۱۱، ۳۲۹، ۳۵۱، ۳۷۷، ۳۹۲، ۳۹۴، ۴۰۳	شعر، ۱۳۶
۴۲۲، ۴۷۵، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۱۰	شعب، ۴۰۱
شورای عالی قضائی، ۶۰، ۱۲۲، ۱۳۰، ۱۴۰، ۱۴۹	شفا، ۳۱۵
۱۸۱، ۲۱۰، ۲۲۳، ۳۷۴، ۴۹۷	شفاعت، ۲۵۵، ۳۹۲، ۴۳۳
شورای قضائی، ۷۱، ۱۰۵، ۱۲۵، ۱۴۵، ۱۴۹، ۱۵۲	شکوریز سرهنگ، ۳۳، ۶۰
۱۸۴، ۲۰۵، ۳۱۸، ۳۳۳، ۳۴۰، ۴۵۸، ۴۶۶	شکر کارخانه تصفیه، ۳۸۰
شورای مرکزی، ۲۷۶، ۳۷۱، ۳۹۰	شکست، ۵۵، ۸۰، ۱۴۴، ۱۶۰، ۱۶۴، ۱۷۹، ۲۱۷، ۲۷۰
شورای موقت، ۲۵۶	۲۹۹، ۳۰۲، ۳۱۷، ۳۴۳، ۳۸۶، ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۵، ۳۹۶، ۳۷۴
شورای نگهبان، ۶۱، ۹۰، ۱۴۶، ۱۴۰، ۲۱۷، ۲۱۹، ۲۳۴	۴۹۴، ۴۹۵، ۵۱۱
۲۲۶، ۲۳۲، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۶۱، ۲۹۹، ۳۱۶، ۳۲۱، ۳۳۰، ۳۳۲	شکنجه، ۴۴۰
۳۳۳، ۳۶۴، ۳۶۶، ۳۷۰، ۳۹۷، ۴۱۴، ۴۳۱، ۴۵۸، ۴۶۰، ۴۹۱	شلوغ، ۲۸۹، ۳۲۵، ۳۳۰، ۳۳۳، ۳۷۴، ۴۰۸، ۴۴۰
۴۹۸، ۵۱۱	شلیک، ۳۶، ۶۷، ۳۷۹
شورای نگهبان فقها، ۲۳۷	شمالغرب، ۲۴۵
شورای هماهنگی تبلیغات، ۴۲۱	شمخانی، ۳۷۳، ۴۰۱
شوروی، ۱۹۵، ۲۲۳، ۲۷۰، ۲۷۹، ۳۶۲، ۳۶۰، ۴۸۹، ۴۹۱	شمس، ۴۱۲

شیرودی خلیان	کلید واژه	شوش
شهرکرد، ۱۰۵	شهرکرد، ۱۰۵	۵۰۰
شهرکی، ۳۲۰، ۳۸۱، ۱۵۵	شهرکی، ۳۲۰، ۳۸۱، ۱۵۵	پیام، ۳۴۴
شهید، ۳۲، ۳۵، ۴۸، ۵۲، ۵۴، ۵۵، ۶۴، ۷۰، ۷۱، ۷۹، ۸۱	شهید، ۳۲، ۳۵، ۴۸، ۵۲، ۵۴، ۵۵، ۶۴، ۷۰، ۷۱، ۷۹، ۸۱	خاورشناس، ۳۳۲
۹۰، ۹۳، ۱۰۲، ۱۱۰، ۱۱۴، ۱۲۴، ۱۲۶، ۱۳۳، ۱۵۱، ۱۷۱، ۱۷۹	۹۰، ۹۳، ۱۰۲، ۱۱۰، ۱۱۴، ۱۲۴، ۱۲۶، ۱۳۳، ۱۵۱، ۱۷۱، ۱۷۹	رهبر، ۳۴۴
۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۷، ۱۸۹، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۹، ۲۱۳، ۲۱۴	۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۷، ۱۸۹، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۹، ۲۱۳، ۲۱۴	سفارت، ۲۵۷، ۲۲۲، ۸۵
۲۱۶، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۴۴، ۲۴۷	۲۱۶، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۴۴، ۲۴۷	سفیر، ۳۸۹، ۴۳۰، ۳۴۴، ۱۳۹
۲۵۰، ۲۵۵، ۲۵۹، ۲۶۱، ۲۶۳، ۲۶۵، ۲۶۹، ۲۷۱، ۲۷۵، ۲۷۸	۲۵۰، ۲۵۵، ۲۵۹، ۲۶۱، ۲۶۳، ۲۶۵، ۲۶۹، ۲۷۱، ۲۷۵، ۲۷۸	مرگ بر، ۳۳۳
۲۷۹، ۳۰۱، ۳۰۴، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۵، ۳۱۷، ۳۲۲	۲۷۹، ۳۰۱، ۳۰۴، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۵، ۳۱۷، ۳۲۲	نرمش، ۳۲۹
۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۹، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۵، ۳۶۷، ۳۶۸	۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۹، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۵، ۳۶۷، ۳۶۸	شوش، ۵۱۲، ۳۳۱، ۶۸
۳۷۰، ۳۸۶، ۳۸۹، ۳۹۲، ۳۹۵، ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۱۲، ۴۲۳، ۴۲۸	۳۷۰، ۳۸۶، ۳۸۹، ۳۹۲، ۳۹۵، ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۱۲، ۴۲۳، ۴۲۸	شوفاز، ۴۹۲، ۴۹۱، ۴۹۰، ۴۸۹
۴۳۲، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۳۸، ۴۵۸، ۴۶۰، ۴۷۸، ۴۹۲، ۴۹۵	۴۳۲، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۳۸، ۴۵۸، ۴۶۰، ۴۷۸، ۴۹۲، ۴۹۵	شوهر، ۴۶۲، ۴۲۸، ۴۰۸، ۳۹۶، ۳۴۲، ۲۱۰، ۶۶
۷۲ شهید، ۱۸۹، ۲۱۶، ۲۲۸	۷۲ شهید، ۱۸۹، ۲۱۶، ۲۲۸	شهادت، ۱۶۶، ۱۶۴، ۱۴۶، ۱۲۴، ۱۰۳، ۹۱، ۸۹، ۸۵، ۶۹
شهیدی، ۱۰۴	شهیدی، ۱۰۴	۱۶۹، ۱۷۹، ۱۸۴، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۹، ۲۲۷
شیاکوه، ۴۳۳، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۴۳	شیاکوه، ۴۳۳، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۴۳	۲۳۶، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۶۹، ۲۷۱، ۲۷۵، ۲۹۲، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۲۳
شیبانی، ۳۰۱، ۳۱۴، ۱۹۸	شیبانی، ۳۰۱، ۳۱۴، ۱۹۸	۳۳۵، ۳۵۹، ۳۶۱، ۳۹۱، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۷۹، ۴۸۲
شیبانی دکتر، ۸۴، ۹۹، ۲۰۲، ۲۰۷، ۲۰۹، ۲۲۷، ۲۷۳	شیبانی دکتر، ۸۴، ۹۹، ۲۰۲، ۲۰۷، ۲۰۹، ۲۲۷، ۲۷۳	۵۱۱، ۴۹۳
شیبانی دکتر عباس، ۴۴۳	شیبانی دکتر عباس، ۴۴۳	شهادت ۷۲ نفر، ۲۳۱، ۱۸۷، ۱۸۵
شیخ عطار، ۲۳۴	شیخ عطار، ۲۳۴	شهادت ۷۴ نفر، ۳۰۵
شیخ نشین، ۴۶۲، ۴۲۰	شیخ نشین، ۴۶۲، ۴۲۰	شهدا، ۱۸۶، ۱۸۵، ۱۸۳، ۱۸۱، ۱۷۹، ۱۷۱، ۱۵۱، ۵۴، ۵۲
شیر، ۴۶۲، ۳۲۱	شیر، ۴۶۲، ۳۲۱	۱۸۷، ۱۹۲، ۱۹۳، ۲۰۸، ۲۳۷، ۲۵۷، ۲۶۴، ۲۷۵، ۳۰۷، ۳۰۹
شیراز، ۳۳، ۳۳، ۳۳، ۷۱، ۸۵، ۱۴۴، ۲۱۶، ۳۰۷	شیراز، ۳۳، ۳۳، ۳۳، ۷۱، ۸۵، ۱۴۴، ۲۱۶، ۳۰۷	۳۱۰، ۳۲۵، ۳۹۶، ۴۱۲، ۴۲۵
استاندار، ۳۸۵	استاندار، ۳۸۵	شهر بابک، ۷۰
امام جمعه، ۴۰۸، ۴۰۷، ۴۰۱	امام جمعه، ۴۰۸، ۴۰۷، ۴۰۱	شهربانی، ۵۰۰، ۴۷۹، ۴۵۷، ۳۳۰، ۲۲۴، ۱۸۴، ۷۰، ۳۹
تیپ، ۴۸۲، ۳۷	تیپ، ۴۸۲، ۳۷	افسر، ۵۰۱، ۴۹۳، ۳۰۱
خانم طلبه و دانشجو، ۱۴۵	خانم طلبه و دانشجو، ۱۴۵	پرسنل، ۲۷۸، ۶۷
شیرازی، ۴۴۰، ۴۴۷، ۳۳۲	شیرازی، ۴۴۰، ۴۴۷، ۳۳۲	رئیس، ۲۷۱، ۲۵۹، ۱۹۵، ۱۵۰، ۱۳۴، ۱۰۲، ۷۰، ۳۷
شیرازی آیت الله (بیت)، ۲۵۰	شیرازی آیت الله (بیت)، ۲۵۰	۲۷۸
شیرازی صیاد، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۸۹، ۳۹۱	شیرازی صیاد، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۸۹، ۳۹۱	رئیس جدید، ۶۷
۳۹۲، ۳۹۵، ۴۰۸، ۴۵۷، ۴۶۱، ۴۷۸، ۴۷۹	۳۹۲، ۳۹۵، ۴۰۸، ۴۵۷، ۴۶۱، ۴۷۸، ۴۷۹	روسا، ۵۰۱
شیرازی صیاد سرهنگ، ۲۲۶، ۳۱۸، ۳۵۱، ۳۱۲	شیرازی صیاد سرهنگ، ۲۲۶، ۳۱۸، ۳۵۱، ۳۱۲	سیاسی ایدئولوژی، ۵۰۱
۴۳۸، ۴۸۹	۴۳۸، ۴۸۹	کادر، ۲۳۲
شیرازی محمد، ۲۵۰	شیرازی محمد، ۲۵۰	کارمندان، ۳۰۱
شیرازی منیرالدین، ۴۸۹	شیرازی منیرالدین، ۴۸۹	مأموران، ۲۳۲، ۱۰۳
شیروان، ۳۳۲	شیروان، ۳۳۲	شهردار، ۵۰۶، ۲۸۵، ۱۱۹
شیرودی برادر، ۱۲۴	شیرودی برادر، ۱۲۴	شهرداری فرمانداری، ۲۱۴
شیرودی خلیان، ۸۹، ۹۱	شیرودی خلیان، ۸۹، ۹۱	شهرضا نماینده، ۴۱۹، ۳۰۵

۲۵۵، ۲۱۵	شیشه مینا کارخانه، ۲۳۵
مسنول، ۱۰۷، ۴۸	شیطنت، ۳۹۱، ۳۸۱، ۱۰۴، ۶۹
صدر، ۳۸۹، ۳۲۹	شیعه، ۳۸۳، ۳۳۷، ۳۲۵، ۳۲۲، ۳۹۱، ۳۶۸، ۳۳۷، ۳۷۶، ۳۶۹
صدر امام، ۳۹۸	رئیس مجلس اعلا، ۴۰۳
صدر رضا، ۹۳	شیعیان، ۳۳۵، ۳۲۳، ۳۹۸، ۳۷۶، ۱۹۲
صدر محمد باقر، ۶۲	شیلات، ۴۶۲، ۳۹۰
صدری افشار، ۹۴	شیران، ۴۱۰
صدقیانی، ۳۹	صاحب الزمانی، ۳۵۲، ۹۱
صدمه، ۲۶۸، ۲۰۹، ۲۰۸	صادرات، ۴۶۳، ۴۳۳، ۴۰۰
صدوقی، ۳۸۹، ۳۹۳، ۱۳۵	صادقیان، ۶۳
صدوقی آیت الله، ۳۲۸، ۳۹۲	صاعقه، ۳۸۴
صراط مستقیم، ۴۰۸	صالح اخوان المسلمین ابراهیم، ۱۳۳
صفا، ۱۱۰، ۱۳۰، ۲۸۳، ۳۲۸	صالح محمد (برادر)، ۲۵۰
صفائی، ۴۸، ۸۰، ۸۴، ۱۱۳، ۴۰۷، ۳۳۹	صامت، ۴۹۸
صفائی دزفولی، ۲۰۵	صانعی، ۵۱۱، ۳۸۱، ۳۳۶، ۱۷۹، ۱۶۶، ۱۱۶، ۱۰۷، ۹۵، ۹۳
صفائی دزفولی، ۳۱۳	صبائیان، ۲۶۹
صفار شیخ حسن، ۱۹۳	صباغیان، ۳۲۹، ۹۱، ۸۹
صف ارگان مجله، ۲۰۶	صباغیان اصغر، ۳۳۸
صفریان قاسم، ۱۷۳	صباغیان مهندس، ۳۵۶
صفری لطیف، ۱۳۳، ۶۹	صبح آزادگان روزنامه، ۵۹
صفری مهدی، ۱۹۷	صبر، ۴۴۰، ۳۶۴، ۲۱۶
صفوی، ۳۷۳	صحرا، ۳۲۴
صفوی رحیم، ۳۲۶، ۳۶۰، ۳۱۰	صحن مطهر، ۳۳۷
صفین، ۲۱۳	صداقت، ۳۱۸
صلاحمند، ۱۳۹	صدام، ۳۴۱، ۳۲۵، ۳۸۵، ۱۳۳، ۱۰۸، ۱۰۶، ۱۰۱، ۵۴، ۴۷
صلح، ۵۲، ۵۴، ۵۸، ۷۱، ۱۰۶، ۱۰۸، ۲۸۹، ۴۱۱، ۴۲۸	۵۰۸، ۵۰۳، ۵۰۰، ۴۹۵، ۴۸۲، ۴۲۹، ۴۱۱، ۳۹۶
۴۹۵، ۴۷۳، ۴۵۵	تبلیغات، ۳۸۳
صلیب سرخ، ۴۱۵، ۳۳۷	سقوط، ۴۷۵، ۴۵۵، ۱۸۹
صلیب سرخ جهانی رئیس، ۱۷۲	شکت، ۳۹۶
صمدیان، ۲۷۵	صداوسیما، ۲۴۵، ۱۵۳، ۱۵۱، ۱۵۰، ۱۳۲، ۱۳۱، ۵۸
صنایع، ۴۲، ۳۶۵، ۳۸۲، ۵۰۷	۳۷۶، ۳۶۹، ۳۳۹، ۴۰۳، ۳۸۹، ۳۶۴، ۳۱۵، ۲۹۳، ۲۸۱
اریاب، ۳۲۵	صداوسیما
سنگین، ۱۹۵	سرپرست، ۱۷۱
مسنول، ۸۰	شورای سرپرستی، ۳۰۰، ۳۶۲، ۳۰۸، ۹۶، ۷۹
نظامی، ۳۸، ۲۱۷، ۳۲۳، ۳۲۴، ۴۰۳	مدیر، ۲۰۱، ۱۱۲
وزیر، ۳۹۲، ۶۹	مدیرعامل، ۳۹، ۸۰، ۱۰۳، ۱۲۵، ۱۶۰، ۱۹۲، ۲۰۱

پسر مجتبی، ۳۵۶	صندوق، ۳۳۰، ۳۰۶
خانم، ۴۲۲	صنعتی، ۴۹۲
خانواده، ۱۳۷	صهیونیسم، ۳۳۷، ۵۵
داماد، ۳۵۶، ۶۹	صیاد، ۳۷۰، ۳۹۴، ۳۹۵، ۴۲۹، ۴۸۰، ۴۹۶
طالقانی اعظم، ۱۳۷، ۳۳۵، ۳۵۶، ۳۸۱، ۳۹۶	صیغه، ۲۰۸، ۲۳۵
طالقانی خانم، ۱۰۱	ضد اطلاعات، ۳۶۳
طالقانی خانم شمیرانی، ۱۳۷	ضدانقلاب، ۳۷، ۴۱، ۴۵، ۵۴، ۵۸، ۶۴، ۶۸، ۶۹، ۷۵، ۹۰
طاهر شرکت، ۴۶۸، ۴۳۳	۱۰۵، ۱۱۹، ۱۲۶، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۷، ۱۴۶، ۱۶۱، ۱۶۹، ۱۷۳
طاهری، ۳۰۹، ۳۷۲	۱۸۱، ۱۸۴، ۱۸۹، ۱۹۱، ۱۹۳، ۱۹۷، ۱۹۹، ۲۱۹، ۲۲۶، ۲۲۸
طاهری اصفهانی، ۳۷۲	۲۳۲، ۲۵۰، ۲۷۴، ۲۸۱، ۳۰۰، ۳۰۷، ۳۱۰، ۳۱۲، ۳۱۸، ۳۲۹
طاهری حبیب ا...، ۳۰۵	۳۳۲، ۳۳۳، ۳۶۳، ۳۶۸، ۳۷۱، ۳۹۵، ۳۹۷، ۴۰۱، ۴۰۸، ۴۱۱
طاهری خرم آبادی، ۴۴۰	۴۲۰، ۴۲۵، ۴۳۰، ۴۳۶، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۵۸، ۴۶۲، ۴۶۹، ۴۹۱
طاهری خرم آبادی حسن، ۳۷۳	۵۰۴
طاهری مهندس، ۷۳، ۳۳۴	حرکت، ۶۲، ۲۳۶
طاهری میرزا، ۲۷۹	راست گرا، ۴۶۰
طباطبائی، ۱۳۷	کانون، ۱۸۷
طباطبائی برادر، ۴۰۰	کنفرانس سران، ۲۱۷
طباطبائی دائی، ۴۰۰	ضد گلوله، ۲۷۸
طباطبائی صادق، ۹۴، ۳۳۱، ۳۵۶، ۳۷۲، ۴۲۶، ۴۳۵	اتومبیل، ۴۲۶، ۴۲۸
۴۴۵، ۴۴۷	بنز، ۴۳۰
طباطبائی علامه، ۳۶۸، ۳۷۰	شیشه، ۲۰۷
طباطبائی عیسی، ۸۴	ضد هوایی، ۳۵، ۶۷، ۱۷۱، ۲۴۶، ۲۵۶، ۲۷۰، ۳۳۲، ۳۷۳
طباطبائی فریده دکتر، ۴۶۱	۴۵۵، ۳۹۳
طباطبائی کمال، ۲۲، ۷۰، ۴۰۰، ۴۵۴، ۴۶۳	ضرر، ۴۲، ۴۷، ۱۰۱، ۱۰۴، ۱۱۷، ۱۴۷، ۳۸۴، ۳۸۵، ۵۱۰
طباطبائی محسن، ۳۸، ۶۳	ضعف مدیریت، ۳۸، ۷۱، ۳۵۴
طباطبائی نژاد، ۳۴۵	ضعیف، ۷۹، ۱۰۵، ۱۰۷، ۱۲۹، ۱۳۷، ۱۴۵، ۱۵۰، ۱۵۹
طیس، ۲۵۶، ۲۷۰	۱۶۹، ۱۹۳، ۱۹۹، ۲۲۳، ۲۳۵، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۵۶، ۲۸۹، ۳۹۳
طب سوزنی، ۷۰، ۱۹۳، ۴۴۲، ۴۴۷	۳۳۵، ۳۴۳، ۳۶۲، ۳۹۱، ۴۰۰، ۴۲۷، ۴۳۰، ۴۴۲، ۴۵۳
طیبی، ۱۷۱، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۹۳، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۸۳	ضیائی، ۹۷
طیبی، ۶۴، ۴۱۴	ضیاء الرحمان، ۱۰۸
طیبی مهندس، ۳۳۵	ضیاء آباد، ۴۰۰
طیبی، ۲۱۸	ضیاء الحق، ۵۰۱، ۵۰۳
طریق القدس عملیات، ۳۷۹	طائف، ۴۷، ۴۸
طفل، ۷۳، ۳۳۲	طاغوت، ۱۱۰، ۱۹۵، ۳۶۶، ۳۸۲، ۴۴۷
طلا، ۲۶۳، ۳۴۵، ۳۵۳، ۳۶۴، ۴۷۲	طالبانی، ۳۰۱، ۳۱۸، ۴۹۱
طلاب، ۵۸، ۱۲۷، ۱۳۰، ۱۴۰، ۲۲۷، ۲۵۴، ۴۶۵، ۵۰۳	طالقانی، ۶۹، ۳۵۶

عدن، ۳۰۱	طلاچیان، ۹۷
عذر، ۸۱، ۹۰، ۱۳۶، ۱۹۹، ۲۱۴، ۲۵۰، ۲۸۴، ۳۲۸، ۳۷۲	طلوع
عراق، ۴۷، ۵۴، ۵۹، ۸۳، ۱۰۱، ۱۱۲، ۱۶۶، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۲۰۱، ۲۰۹، ۲۲۴، ۲۴۱، ۲۸۳، ۲۸۸، ۲۸۹، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۳، ۳۲۱، ۳۳۱، ۳۴۳، ۳۴۵، ۳۶۰، ۳۶۷، ۳۸۷، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۸، ۴۰۷، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۲۲، ۴۲۶، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۵۴، ۴۶۴، ۴۶۹، ۴۷۲، ۴۷۴، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۹، ۴۹۵، ۵۰۱، ۵۰۳، ۵۰۸، ۵۱۲	افق، ۲۸۱
آواره، ۵۸	فجر، ۱۷۹، ۲۹۳، ۴۰۱
ارتش، ۳۶، ۱۹۶، ۳۵۷، ۴۰۱، ۴۲۰	طوالش، ۲۰۷، ۳۷۲
اسرا، ۱۷۲، ۳۰۵، ۳۰۷، ۴۰۰، ۴۰۳، ۴۱۱، ۴۱۵، ۴۲۳	طوفان، ۳۳۱
۴۵۵، ۴۷۵	طومار، ۲۰۷، ۳۲۳
اسیر، ۶۲	طیب، ۱۹۷، ۳۸۵، ۴۸۲، ۴۹۶
پناهنده، ۱۰۵، ۲۱۸	ظاهری خانواده، ۴۸۳
تبلیغات، ۴۰۰	ظاهری مریم، ۲۸۳
روحانی مبارز، ۳۹۶	ظہیر نژاد، ۹۵، ۱۸۷، ۱۹۶، ۲۰۵، ۲۲۷، ۲۶۴، ۲۷۰، ۲۷۱، ۳۰۵، ۳۰۹، ۳۱۸، ۳۶۱، ۳۷۲، ۳۸۷، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۵، ۴۰۱
سرباز، ۴۲۷	۳۲۶، ۳۴۲، ۳۶۴، ۳۸۰
سفارت، ۴۳	ظہیر نژاد تیمسار، ۱۹۱، ۳۳۸، ۳۴۱، ۳۵۵، ۳۱۸، ۳۰۹
شکت، ۴۹۴	ظہیر نژاد سرتیپ، ۲۰۵، ۲۹۳، ۳۰۰
قراویز ضد حمله، ۲۶۹	عابر، ۲۱۴، ۲۲۷، ۳۸۵
کرد، ۳۰۱	عاجزان، ۳۳۸
کردهای مسلمان، ۱۳۳	عارف اسلامی، ۳۶۸
لشکر ۷ زرهی، ۹۰	عارفی، ۱۴۶
مبارز، ۲۰۳، ۳۹۶	عارفی دکتر، ۹۴، ۱۴۶، ۱۸۶
مجاهدان مسلمان، ۳۵۱	عاریه، ۴۸۳
مرکز امنیت، ۱۴۵	عاشورا، ۳۵۴، ۳۵۹، ۳۶۰
مهاجر، ۳۰۱	عالی‌بور، ۱۹۷
نفت تکریت، ۲۲۷	عالی دکتر، ۲۳۲، ۲۳۹
نیرو، ۳۰۲	عباس آقا، ۷۰
واحد کماندونی، ۳۹۲	عباسپور برادر شهید، ۳۹۵
عراقی، ۴۷، ۵۸، ۱۰۶، ۱۱۹، ۳۲۹، ۳۵۹، ۳۷۲، ۳۸۷، ۳۸۹، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۴، ۴۰۰، ۴۲۲، ۴۲۴، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۹۶	عباسپور دکتر، ۸۴
۵۰۰، ۵۱۲	عبدالستار، ۵۰۳
آواره، ۵۰۳	عبدالکریم دکتر، ۲۸۹
عراقی امیر، ۱۹۳، ۴۹۳	عبدخدائی محمد هادی، ۳۴۵
عراقی برادر خانم، ۳۹۴	عبدی، ۴۲۳
عراقی بهاء‌الدین، ۲۳۶	عثمان عراقی محمود، ۵۸
	عدالت اجتماعی، ۴۵۳، ۴۸۳، ۵۰۰
	عدل الهی، ۳۷۴، ۳۹۲
	عدم کفایت سیاسی، ۱۳۹، ۱۵۱، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۳
	۱۸۹، ۱۶۴

عشرت آباد، ۴۹۲	عراقی خانم، ۱۹۳، ۴۹۴
عشرت آباد میدان، ۴۹۱	عراقی مجتبی، ۱۳۱
عصبانی، ۱۰۱، ۱۲۵، ۱۲۵، ۱۳۷، ۱۴۷، ۱۵۹، ۲۲۸، ۲۷۵،	مدرسه، ۱۳۱
۳۳۱، ۳۵۲، ۳۶۱، ۵۰۹	عراقی مهدی، ۲۵۵
عطاری، ۵۰۹	عراقی نادر، ۸۱، ۱۲۴
عظیمی، ۲۸۹	عرب، ۴۵، ۱۳۳، ۱۳۶، ۱۹۳، ۴۷۹، ۵۰۸، ۵۱۰
عفت، ۲۲، ۳۹، ۵۴، ۶۱، ۶۴، ۷۹، ۸۲، ۸۹، ۹۳، ۹۹، ۱۰۳،	اتحادیه، ۵۰۳
۱۰۴، ۱۰۶، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۹، ۱۲۳، ۱۳۰، ۱۳۲، ۱۳۷،	جنگ، ۵۰۸
۱۳۹، ۱۴۴، ۱۵۱، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۱، ۱۶۳، ۱۷۲، ۱۷۸،	دول، ۴۲۱
۱۷۹، ۱۸۵، ۱۹۳، ۱۹۷، ۱۹۸، ۲۰۳، ۲۱۵، ۲۲۴، ۲۲۶، ۲۲۸،	سران، ۳۸۶
۲۳۵، ۲۳۹، ۲۴۷، ۲۵۵، ۲۵۷، ۲۷۴، ۲۷۸، ۲۸۱، ۲۸۸، ۲۹۱،	شیوخ، ۴۷۳
۳۱۵، ۳۲۳، ۳۲۲، ۳۳۵، ۳۴۲، ۳۴۴، ۳۴۹، ۳۵۲، ۳۵۷، ۳۵۹،	مبارز، ۲۹۵
۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۳، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۷۱، ۳۸۱، ۳۸۵، ۳۸۶،	عرب زاده خانم، ۳۸۶
۳۸۷، ۳۹۰، ۳۹۳، ۳۹۸، ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۰۸، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۲۰،	عربستان، ۱۱۱، ۱۹۶، ۳۲۹، ۴۱۲
۴۲۸، ۴۲۹، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۳۳، ۴۳۵، ۴۳۸، ۴۴۲، ۴۷۲،	حکومت، ۴۷۵
۴۸۲، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۵، ۵۰۴، ۵۱۱	عربستان سعودی، ۸۳، ۱۱۱، ۱۳۳، ۲۳۸، ۲۴۹، ۲۵۹،
بستگان، ۲۷، ۵۹، ۳۰، ۳۹۷، ۵۰۷	۳۰۱، ۴۰۷
خواهر، ۲۷۶	صدر نفت، ۱۹۶
عفو، ۳۶۲، ۴۶۸، ۴۹۷	منابع نفت، ۴۹۶
عقب افتادگی، ۴۴۲، ۴۵۸، ۴۹۵	نماینده نهضت شیعیان، ۱۹۲
عقب ماندگی، ۲۰۲، ۲۷۶، ۲۷۹، ۳۲۴، ۳۴۱، ۳۵۶، ۳۶۲،	عربی، ۱۹۶، ۲۰۱، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۴۷، ۲۹۱، ۳۰۰، ۳۳۵،
۳۷۳، ۴۰۰، ۴۶۳	۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۷، ۳۴۲، ۳۹۳
عقب مانده، ۹۷، ۱۸۶، ۲۱۶، ۲۳۶، ۲۳۸، ۲۴۴، ۲۴۷،	عربی مجله، ۴۷۳
۲۷۵، ۲۸۱، ۲۹۲، ۳۰۰، ۳۳۸، ۳۸۵، ۴۴۵، ۴۷۲، ۴۸۳،	عرفات، ۴۷، ۴۷۴، ۴۷۲
عقب نشینی، ۱۴۴، ۱۴۵، ۲۷۰، ۲۸۹، ۴۲۵، ۴۸۹،	عرفات یاسر، ۳۴۱
عقد، ۷۵، ۸۱، ۱۱۶، ۲۰۶، ۲۰۸، ۲۳۰، ۲۳۵، ۲۵۶، ۳۱۲،	عروسی، ۹۳، ۱۳۳، ۲۴۱، ۲۵۷، ۴۹۵
۴۶۸، ۵۱۰	عروه الوثقی مجله، ۱۴۷، ۳۶۵
عقد ازدواج، ۱۱۰	عروه الوثقی، ۴۶۳
عکاس، ۲۷۵، ۲۸۴	عزاداری، ۱۸۳، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۲
عکس، ۳۳۵، ۳۳، ۳۸، ۳۹، ۵۵، ۲۸۵، ۳۶۲، ۳۷۰، ۳۷۸،	عزل، ۴۲، ۱۴۷، ۱۴۹، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۶۰، ۱۶۳، ۱۶۶، ۱۶۹،
۴۹۸	۱۷۱، ۱۸۶، ۱۹۵، ۱۹۷، ۲۰۵، ۲۱۶، ۳۳۱
علما، ۵۵، ۹۰، ۹۴، ۱۰۱، ۱۱۰، ۱۲۷، ۱۵۵، ۱۷۸، ۳۳۲،	عسکراولادی، ۱۸۷، ۱۹۸، ۲۰۲، ۲۰۷، ۲۰۹، ۲۱۴،
۳۵۴، ۳۷۰، ۳۸۵، ۴۰۷، ۴۲۰، ۴۲۳، ۴۳۵، ۴۵۴، ۴۵۷، ۴۶۹،	۳۵۳، ۳۷۳، ۳۷۷، ۳۵۲، ۳۵۳، ۴۱۵، ۴۹۰
۴۹۸، ۴۷۶	عشایر، ۱۴۶، ۱۶۶
علم الهدی، ۳۳	روسا، ۴۹۳
خانواده، ۵۴	غرب، ۲۳۳

عیدی، ۵۱۲، ۵۱۱، ۳۲	علماء بلاد، ۳۳۲
عیسیٰ حضرت، ۳۷۴	علمی پژوهش، ۱۸۶، ۱۱۷
عین خوش، ۲۲۷	علوم
غارت، ۱۶۴، ۱۱۷	وزارت، ۳۹۳، ۲۲۶، ۱۵۸
غافلگیر، ۴۵۴	وزرا، ۴۹۳
غرب، ۵۰۰، ۴۶۵، ۴۳۱، ۲۹۲، ۲۸۵، ۲۸۳، ۲۱۷، ۸۵	وزیر، ۴۰۰، ۱۴۶
غرب گرا، ۳۹۴، ۲۹۲	علوم دینی، ۴۴۷
غرضی، ۳۲۰، ۳۲۶، ۳۲۳، ۳۱۲، ۲۷۷، ۲۷۶، ۲۶۴، ۲۶۲	علوی، ۵۰۶، ۴۲۷
۳۳۱، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۰	علی آقا دائی زادہ (حبیب فرزند)، ۱۳۴
غرضی محمد، ۳۶۲، ۳۲۳	علی اخوی زادہ، ۳۲، ۱۹۶، ۲۱۰، ۴۲۹
غرضی مهندس، ۴۰۶، ۳۴۵، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۲۶، ۳۲۹، ۴۹۵، ۴۲۹، ۴۱۹	علی امام (ع)، ۲۱۳، ۲۱۲، ۱۱۶
غرضی مهندس محمد، ۳۳۳، ۱۹۹	علی بابائی، ۳۳۹، ۳۳۳
غرق، ۳۴۸، ۳۳۱، ۲۰۵، ۱۹۱	علیپور رحمت اللہ، ۴۷۵
غضنفرپور، ۴۶۴، ۱۵۳	علیپور رحمت اللہ، ۴۷۶
غضنفرپور احمد، ۴۴۵، ۴۳۳	علیخان، ۱۳۳
غفاری حسین، ۱۱۲	عمادی، ۱۰۴
غفاری ہادی، ۱۱۷، ۱۰۴	عمان، ۳۶۷
غفوری، ۳۷۰، ۱۳۷، ۱۱۹، ۱۰۱، ۸۲	عمران، ۳۹۸، ۳۹۱، ۳۶۵
غفوری رفسنجانی، ۱۱۱	عمر مختار، ۳۵۹
غفوری رفسنجانی خانم، ۱۱۱	عمل جراحی، ۳۶۸، ۱۷۲، ۱۶۳، ۱۴۰
غفوری رفسنجانی دختر، ۱۱۱	عملیات، ۳۰۰، ۲۷۸، ۲۷۰، ۲۵۴، ۲۴۹، ۲۳۲، ۲۳۱، ۳۳
غفوری علی گلزادہ، ۳۴۵	۳۰۳، ۳۰۰، ۲۸۷، ۲۸۵، ۲۸۴، ۳۶۰، ۳۵۱، ۳۱۰، ۳۰۵، ۳۰۲
غلامعلی شہرکی، ۳۴۵	۳۸۰، ۴۷۹، ۴۷۸، ۳۷۵، ۴۷۴، ۴۵۵، ۴۳۰، ۴۲۹، ۴۲۷، ۴۰۸
غنائم، ۴۹۶، ۳۸۹، ۳۰۵، ۳۰۴، ۳۱۷	۵۱۲، ۵۱۰، ۴۸۲
غنی، ۳۸۹، ۱۳۱	ٹامن الانمہ، ۴۸۰
غنیمت، ۳۲۹، ۱۳۴	عملیات ترور، ۲۵۴
غیبت، ۴۵۵، ۴۴۵، ۳۶۷، ۳۸۱، ۱۶۴، ۱۵۹، ۱۴۷، ۱۳۹	عملیات کربلا، ۳۲۷، ۱۰
غیر نقاہتی، ۴۹۷	عملیات نظامی، ۳۳۹
غیر متعهد، ۲۹۱، ۲۲۴، ۱۰۶	عمو، ۴۱۰
کفرانس، ۲۹۱	عموئی، ۲۷۴، ۲۲۶، ۲۰۶، ۱۰۸
غیر مسلمین، ۴۳۵	عمہ، ۳۳۱
غیوران، ۱۱۰، ۳۸	عناوین ثانویہ، ۳۳۲، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۷
فائزہ، ۳۵۷، ۳۴۲، ۲۵۵، ۲۲۶، ۱۸۵، ۱۱۱، ۱۱۰، ۹۳، ۸۰	عیادت، ۳۰۵، ۱۹۶، ۱۹۱، ۱۸۴، ۱۷۸، ۱۶۱، ۹۳، ۳۹
۵۱۱، ۴۲۹، ۳۵۹	۳۸۹، ۳۴۴، ۳۰۰، ۲۳۱، ۲۲۳، ۲۱۷، ۲۱۵، ۲۰۷
	عید، ۳۱۸، ۲۲۴، ۱۳۳
	عید نوروز، ۵۹

فدائیان، ۳۵، ۸۵، ۱۰۱	فاتح، ۶۲
فدائیان اسلام، ۳۵، ۴۲۵	فاتحه، ۱۶۹، ۱۸۶، ۱۸۹، ۲۰۹، ۲۶۴، ۳۱۰، ۳۵۲، ۵۰۴
فدائیان امام زمان، ۶۲	جلسه، ۱۷۲، ۱۸۶، ۱۸۹، ۲۰۹، ۲۶۴
فدائی خلق، ۴۲۵	مجلس، ۱۶۹، ۳۰۶
فدائی خلق اقلیت، ۱۹۸	فاجعه، ۱۷۹، ۱۸۵، ۱۹۰، ۱۹۱، ۲۰۶، ۲۰۸، ۲۶۴
فداکار، ۳۹۵	فارسی، ۲۲۳، ۲۴۷، ۳۰۰، ۳۳۵، ۴۳۹
فرار، ۷۱، ۸۷، ۹۲، ۱۰۶، ۱۳۳، ۱۳۹، ۱۵۸، ۱۹۰، ۲۱۳، ۲۱۵، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۱، ۲۳۵، ۲۳۹، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۴، ۲۵۶، ۳۸۶، ۳۸۹، ۴۶۰	فارسی جلال الدین، ۵۲، ۲۶۹
فرانسه، ۲۱۹، ۴۵۴، ۴۶۴	فارغ التحصیلان، ۲۹۱، ۴۳۸
پلیس، ۴۵۵	فاسد، ۷۱، ۴۱۹
تلویزیون، ۲۵۶	فاس کنفرانس، ۳۸۶
رئیس جمهور، ۵۰۰	فاضل، ۲۰۸
ناوچه توپدار، ۲۳۹، ۲۴۹	فاضل خانم دکتر، ۲۴۷
فراورده نفتی، ۴۳۰	فاضل دکتر، ۳۹۲
فرح بخش مسعود، ۴۳۹، ۴۵۲	فاضلی دکتر، ۹۷
فرحسین پور، ۱۹۷	فاطمه خانم، ۴۲۹
فرخ، ۱۲۳	فاطمی، ۳۲، ۵۲، ۷۹، ۹۳، ۱۱۲، ۱۱۹، ۱۵۱، ۱۷۳، ۱۷۹
فرخنده، ۳۴۴	۱۸۴، ۱۸۵، ۲۱۵، ۲۲۴، ۲۲۶، ۲۲۸، ۲۳۱، ۲۳۳، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۴۸
فردوسی، ۱۷۴	۲۵۵، ۲۵۷، ۲۷۴، ۲۷۸، ۲۸۱، ۳۳۲، ۳۴۹، ۳۵۷، ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۲۰، ۴۲۸، ۴۲۹، ۴۳۳، ۴۳۸، ۴۵۴، ۴۵۷، ۴۷۴، ۴۹۰، ۴۹۲
فرش، ۳۱۵، ۴۱۴	۴۹۵، ۵۱۱
فرضی پور، ۶۸	فاکر، ۴۹۰
فرقان، ۸۲، ۸۴	فالانژیست، ۳۳۲
فرقه، ۴۶۹	فاتوم، ۴۷۸
فرمان	فتاحی رضا، ۳۸
آرامش، ۵۲	فتاوا، ۱۵۵، ۳۹۲
امام، ۱۲۳، ۴۹۲	فتح، ۱۱۹، ۱۲۴، ۱۷۱، ۲۱۷، ۳۰۷، ۳۱۰، ۳۸۶، ۳۹۰، ۳۹۵
همایونی، ۱۰۸، ۱۱۲، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۹، ۱۲۵، ۱۳۶	۴۰۰، ۴۰۱، ۴۷۰
فرمانده پایگاه، ۳۱۹، ۳۸۷	فتوا، ۵۵، ۱۰۷، ۱۶۰
فرمانده پایگاه هوایی، ۴۳۱	فتوحی، ۳۷، ۱۵۱، ۲۰۶، ۲۱۰، ۲۳۹، ۲۷۶
فرمانده کل قوا، ۴۱، ۱۲۳، ۱۴۷، ۱۷۱، ۲۱۸	فتوی، ۴۳۹
جانشین، ۲۴۶	فجر اسلام، ۳۱۷
شورا، ۱۵۸، ۱۷۱	فجر اسلام سازمان، ۲۷۵، ۴۲۶
معاون، ۵۴	فجر دکتر، ۲۳۸
فرمانده لشکر پایگاه هوایی، ۱۵۳	فحاش، ۸۹، ۳۶۴
فرندشیپ، ۲۳۹	فدائی، ۱۳۷، ۲۵۳
	فدائی اقلیت، ۱۶۳، ۴۶۱، ۴۶۵

فقہ، ۶۰، ۱۲۶، ۲۳۷، ۲۹۹، ۳۴۱، ۴۲۰	فرودگاہ، ۳۲، ۳۶، ۴۷، ۶۰، ۱۷۳، ۱۷۶، ۱۷۶، ۲۰۶، ۲۱۸، ۲۳۹، ۲۵۰، ۲۷۰، ۲۷۵، ۲۸۱، ۲۸۸، ۲۹۱، ۳۳۵، ۳۰۸، ۳۳۲، ۳۷۸، ۳۸۲
فقہ اسلام، ۱۲۶	فرودگاہ کرایہ، ۲۸۸
فقہ حنفی، ۴۲۰	فرودگاہ مہرآباد، ۲۹۲، ۲۹۸
فقیر، ۲۸۹	۱۲ فروردین، ۵۸، ۴۵۳
فقیہ، ۳۶۸	فروزان سرہنگ، ۳۳
فقیہی، ۱۹۰	فروشگاہ، ۲۸۸
فقیہی کاشانی، ۴۶۳	فروشندہ، ۲۸۸
فکوری، ۶۸، ۱۶۰، ۱۹۹، ۲۱۴، ۲۱۹، ۳۰۷	فروہر، ۱۵۱
فکوری سرہنگ، ۱۵۸، ۲۰۱، ۲۱۵، ۲۱۹، ۲۶۴، ۲۷۱، ۳۰۶، ۳۷۸	فرہنگ، ۱۰۳، ۱۱۲، ۲۴۵، ۲۷۳، ۳۶۶، ۳۹۸، ۴۴۹، ۴۶۴
فلاحی، ۳۷، ۱۶۰، ۱۷۲، ۱۸۷، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۹، ۲۰۵، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۷، ۳۰۷، ۳۷۰	فرہنگ و ہنر وزیر، ۳۳۵
فلاحی تیمسار، ۱۹۶، ۲۱۵، ۳۳۸، ۳۴۹، ۳۷۱، ۳۰۲، ۳۰۶	فریب، ۹۴، ۲۱۵، ۳۱۸، ۳۲۹
فلاحی سرتیپ، ۲۷۰	فریدہ، ۴۶۳
فلج، ۹۳، ۲۷۹، ۳۰۹، ۳۹۳	فریمان نمایندہ، ۱۹۵
فلسطین، ۲۱۶، ۲۱۷، ۳۷۴	فریور، ۸۹، ۱۰۷
دولت کوچک، ۲۳۸	فسا
سفیر، ۴۲، ۹۵، ۳۳۷، ۳۷۲	اردو، ۴۸
مبارز مسلمان، ۱۳۷	اردوگاہ، ۷۱
نمایندہ، ۱۷۲	نمایندہ، ۱۸۹، ۱۹۵
فلسفہ، ۷۰، ۲۳۱، ۳۵۹، ۳۹۳، ۴۹۸، ۵۰۶	فساد، ۹۱، ۹۵، ۱۰۴، ۱۳۴، ۱۹۵، ۳۶۴، ۴۲۰
فلسفہ تاریخ، ۷۰، ۲۳۱، ۳۹۳، ۴۹۸، ۵۰۶	فساد اخلاقی، ۳۶۴
فلسفی، ۳۱۰	فساد زدائی، ۳۴۹
فن کوئیل، ۴۱۰	فشار، ۳۷، ۹۰، ۹۱، ۱۰۳، ۱۱۲، ۱۳۴، ۱۷۸، ۱۸۹، ۱۹۲، ۱۹۷، ۱۹۸، ۲۰۷، ۲۱۰، ۲۳۹، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۵، ۲۸۴، ۲۹۹، ۳۰۴، ۳۲۳، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۵۷، ۳۸۱، ۳۸۷، ۳۹۶، ۴۱۴، ۴۷۲، ۵۰۳
فنون، ۲۸۴	فشار خون، ۳۸۷
فنی، ۸۰، ۹۴، ۱۲۶، ۱۳۵، ۳۸۲، ۳۲۷، ۳۲۹، ۳۷۲	فشنگ، ۳۷، ۳۹۴
فوت، ۲۷۹، ۳۳۵، ۳۴۹، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۹، ۳۶۸، ۵۱۰	فضا، ۳۸، ۳۴۶، ۲۸۱، ۲۸۸، ۲۹۲
فوری، ۸۰، ۱۴۷، ۱۷۹، ۲۱۹، ۲۲۳، ۲۳۹، ۲۵۹، ۲۷۳، ۳۹۳، ۳۷۴، ۳۷۰	امنیت، ۴۷۸
فولاد، ۳۶۲	فضل اللہ محمد، ۴۵۳
فولاد شہر، ۹۵	فضلی نژاد، ۱۱۳، ۱۱۷
فہد طرح، ۳۷۴، ۳۸۶، ۳۷۲	فطریہ، ۲۲۴
فہیم، ۱۰۶، ۱۷۶، ۱۷۶، ۲۵۳، ۳۴۰، ۳۹۰	فقر، ۱۳۷، ۳۲۰
فہیم کرمانی، ۲۱۹، ۲۵۳، ۲۵۴، ۳۳۳	
فہیم مرتضیٰ، ۱۷۳	

۲۱۷، ۲۲۳، ۲۴۹، ۲۷۲، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۹۶، ۳۲۰، ۳۲۷، ۳۳۸، ۳۴۲، ۳۴۷، ۳۵۲، ۳۵۷، ۳۶۱، ۳۹۲	فہمی، ۲۵۲
اراضی شہری، ۲۱۷	قیات، ۸۰
مراعات، ۳۹۶	فیاض بخش خانوادہ، ۴۸۲
قانون اساسی، ۳۷، ۴۲، ۸۱، ۹۱، ۱۰۲، ۱۲۶، ۱۵۸، ۲۰۱، ۲۰۹، ۳۰۰، ۳۲۶، ۳۸۲، ۴۱۰، ۴۱۴، ۴۶۸، ۴۷۶	فیاض مهندس، ۲۵۲
قانون انتخابات، ۵۹، ۶۷، ۱۸۶	فیاضی مجید مادر، ۳۰۱
قانون حاکمیت، ۳۷۲، ۳۸۶	فیروزہ کوه مسئول، ۵۰۳
قایق، ۲۴۹	فیش، ۳۸، ۷۴، ۱۹۶، ۲۲۴، ۳۳۵، ۴۳۸
قبرستان، ۱۸۲، ۲۶۳، ۳۴۹	فیضیہ، ۱۲۰، ۴۱۱
قتل، ۷۵، ۱۶۴، ۳۹۲، ۳۹۸	فیلسوف، ۳۶۸
قتل عام، ۳۹۲	فیلم، ۳۷، ۳۹، ۷۰، ۸۱، ۸۳، ۱۰۳، ۱۳۱، ۱۳۵، ۱۴۰، ۱۶۰، ۱۶۳، ۲۳۱، ۲۳۵، ۲۵۶، ۲۵۹، ۲۷۵، ۲۸۵، ۲۸۸، ۲۸۹، ۳۱۲، ۳۲۳، ۳۵۲، ۳۵۴، ۳۵۹، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۷۳، ۳۹۱، ۳۹۴، ۴۰۱، ۴۲۹، ۴۳۹، ۴۶۲، ۴۷۰، ۴۷۸، ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۹۱، ۵۱۲
قتلگاہ ۷۴ تن، ۳۹۴	فیلم بردار، ۳۹، ۱۰۲، ۱۰۳، ۳۷۳
قدرت فنی، ۴۲۹	فیلم شاہ دزد، ۳۷، ۳۹
قدس، ۲۰۴، ۲۱۶، ۲۲۱	فیلیپین
روز جهانی، ۲۲۱	انجمن اسلامی فارغ التحصیلان، ۴۳۸
قدس روز، ۲۰۴، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۲۱	نہضت مسلمان، ۳۹۳
قدسی، ۱۹۳، ۳۷۶	نہضت مورو، ۳۰۱
قدم، ۶۸، ۴۱۰	قاچاق، ۳۵۶
قدوسی، ۶۷، ۹۰، ۱۵۲، ۱۹۵، ۲۵۷، ۳۷۱، ۳۷۴	قاچاقچیان، ۴۵۷
قذافی، ۹۵، ۳۹۸	قاسم
قرآن، ۲۵۶، ۲۵۷، ۴۲۰	بتول، ۸۲
تفسیر، ۲۴۱، ۳۰۵	بچہ ما، ۶۴، ۲۰۴، ۴۸۳
تلاوت، ۳۷۲	خانوادہ، ۸۲، ۳۶۵
فہرست موضوعی، ۱۲۵	قاسم آباد، ۱۷۴
فیش، ۱۹۶، ۲۲۴	قاسم اخوی، ۶۴
کلید، ۷۳، ۱۰۵، ۳۶۶، ۴۳۸	قاسملو، ۲۲۱
گروہ، ۷۹	قاسمی، ۶۶، ۸۹، ۴۶۴
مسابقہ قرآنت، ۳۴۵	قاضی، ۳۲، ۶۹، ۷۰، ۷۹، ۱۰۷، ۱۲۴، ۱۲۷، ۱۷۳، ۳۳۳، ۴۶۱، ۴۳۰
موضوعات، ۷۴	قاطعیت، ۶۸، ۱۶۶، ۳۲۱
قرآنی، ۳۳۳	قانع، ۴۲، ۹۵، ۱۰۵، ۱۳۱، ۱۵۳، ۱۹۵، ۲۴۹، ۲۷۹، ۲۸۹، ۳۲۰، ۳۳۵، ۳۵۲، ۳۷۰، ۴۲۹، ۴۶۷
قرض، ۱۴۰، ۳۵۳، ۳۸۶	قانون، ۴۲، ۵۸، ۵۹، ۶۷، ۷۰، ۸۱، ۸۳، ۸۷، ۱۰۵، ۱۱۲، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۲۰، ۱۲۰، ۱۴۵، ۱۴۹، ۱۵۲، ۱۶۰، ۱۸۶، ۲۰۸
قرعہ کشی، ۲۳۷	
قرنیہ، ۳۸۷	
قزوین، ۳۶، ۵۴، ۷۴، ۱۵۱	
قراردگاہ لشکر، ۱۶، ۳۶	

قوامی، ۷۹	قشقائی، ۲۳۳، ۲۱۰
قوانین، ۱۳۱، ۱۴۵، ۱۵۲، ۳۲۱، ۳۲۹، ۳۴۴، ۳۹۳	قصاص، ۱۵۵
قوچان نماینده، ۱۷۱	قصر شیرین نماینده، ۳۳۳
قوه قضائیه، ۱۳۱، ۱۳۳، ۳۶۵، ۴۴۰	قصور، ۱۰۳، ۳۶۰، ۳۹۱
قهر، ۱۵۲، ۱۵۹، ۱۸۴، ۳۸۱، ۳۸۶، ۳۶۲	قضائی، ۶۰، ۶۸، ۷۱، ۱۰۵، ۱۲۴، ۱۲۶، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۳
قیامت، ۴۲۰	۱۴۰، ۱۴۵، ۱۴۹، ۱۵۲، ۱۸۱، ۱۸۴، ۲۱۰، ۲۲۴، ۳۰۵، ۳۱۸
قیصر، ۱۵۹	۳۲۳، ۳۶۸، ۳۷۴، ۴۲۵، ۴۳۰، ۴۴۲، ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۶۶، ۴۹۷
کائوچو، ۲۹۱	مستول، ۴۴۰
کابل، ۴۸۰	قضاوت، ۶۶، ۲۵۲
کابینه، ۱۷۹، ۱۹۳، ۲۰۹، ۲۱۳، ۲۱۶، ۲۱۸، ۲۲۶، ۲۲۷	قطب زاده، ۵۵
۲۲۸، ۲۳۰، ۲۳۳، ۲۴۱، ۲۴۴، ۲۶۵، ۲۶۹، ۳۰۵، ۳۲۵، ۳۴۹	قطعنامه، ۴۹، ۳۵۹، ۳۷۴، ۴۲۱، ۴۷۵
۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۰۷	قفسه، ۳۲۱
کابینه کامل، ۲۶۵	قلب، ۱۶۹، ۳۴۹، ۳۵۷، ۳۹۵
کاپوچی اسقف، ۴۹۲	قلهک رئیس کلانتری، ۱۰۳، ۲۳۲
کاخ، ۳۸، ۲۱۶، ۲۸۳، ۲۸۴	قلی زاده، ۴۸۰
رئیس جمهور، ۶۰، ۶۱، ۲۷۶، ۲۷۷، ۴۱۴	قلی زاده مهندس، ۴۸۰
کودک، ۲۸۴	قم، ۶۸، ۶۹، ۹۳، ۹۹، ۱۰۵، ۱۳۲، ۱۳۷، ۱۸۳، ۲۸۱، ۳۲۳
مسکن بنی صدر، ۱۵۷	۳۳۵، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۷۰، ۳۹۳، ۴۲۱، ۴۵۴، ۴۹۳
نخست وزیر، ۲۵۳، ۲۶۵	آستانه، ۳۴۲
نیاوران، ۲۷۱، ۲۸۵	جامعه مدرسین، ۲۹۲، ۳۴۸، ۳۵۷، ۴۷۴
کادو، ۲۸۸	حوزه علمیه، ۴۶۵، ۴۷۴، ۵۰۳
کارپرداز، ۸۰، ۲۰۲، ۴۲۳	دادستان، ۶۷
کارخانه، ۵۸، ۸۰، ۱۱۰، ۱۵۱، ۱۷۶، ۲۸۴، ۳۶۲، ۴۶۵	دادگاه انقلاب، ۴۶۸
۴۷۳، ۴۸۰، ۴۹۲	روحانیت، ۴۷۳
اسلحه سازی، ۲۵۷	رهبری، ۴۷۴
ساخت ماشین سنگین، ۲۸۵	طلاب، ۱۴۰، ۲۲۷
ضد هوائی، ۳۷۰	علما، ۳۵۴
مدیر عامل حزب اللہی، ۴۲۶	کتابخانه، ۱۳۱
کارشکنی، ۶۷، ۱۳۷، ۲۴۵، ۲۴۹، ۳۸۲، ۴۴۶	مدرسه فیضیه، ۱۳۰
کارکنان، ۳۷، ۳۸، ۷۰، ۷۵، ۱۱۷، ۱۵۲، ۲۳۹، ۲۵۵، ۲۶۵	مدرسین، ۲۹۳، ۳۴۲، ۳۴۸، ۳۵۷
۳۸۴، ۳۰۵، ۳۲۲، ۳۲۶، ۳۱۹، ۴۳۳، ۴۳۸، ۴۵۷، ۴۶۱، ۴۹۲	نماز جمعہ، ۳۶۶، ۴۱۱
کارگر حزب، ۲۸۵	قمی، ۳۵۴
کارمند، ۱۳۹، ۱۸۶، ۲۲۴، ۲۶۹، ۲۹۱، ۳۶۳، ۳۹۸، ۴۶۱	قمی محمود، ۲۰۸
۴۹۵	قند خون، ۴۸۹
کاروان اسرا، ۴۱۱	قندی دکتر، ۷۵
کار وزیر، ۳۹۶، ۴۵۴	قواعد، ۳۴۱

ضاله، ۳۵۷	کارون، ۳۰۲، ۳۰۵، ۳۸۰
کتیرایی، ۱۳۵، ۸۰	کازرون، ۲۲۷، ۲۸۱
کثیرالغیبه نماینده، ۳۲۵، ۳۴۸، ۳۶۴، ۳۶۷	اردو، ۴۸
کجروی، ۳۲۳	امام جمعه، ۲۲۷
کرایه، ۲۰۸	نماینده، ۳۸۱
کرباسچی، ۹۷	کاسب، ۴۹۳
کربلا، ۱۸۶، ۳۵۹	کاشان، ۳۹، ۱۵۱، ۴۶۳
کربلای ۱۰، ۳۲۷، ۴۲۹	علما، ۵۵
کربلای ۲، ۵۱۰، ۵۱۲	کاشانی، ۴۶۷
کرج، ۴۷، ۸۳، ۲۲۲، ۳۸۵	کاشانی آیت ا...، ۵۴
آموزشگاه، ۷۰	کاشانی احمد، ۱۹۰
اردو، ۱۲۳	کاشانی گلبرخی، ۶۳
امام جمعه، ۳۹۰	کاشمر نماینده، ۲۱۶
روحانیون، ۳۹۰	کاظم پور اردبیلی، ۶۶
شهربانی، ۷۰	کاغذ سازی، ۴۸۰
فرماندار، ۶۳، ۳۹۰	کافه، ۳۶۷، ۴۱۲، ۵۰۱
نهاد انقلاب، ۳۹۰	کااوند سرهنگ، ۳۳۱
کرخه، ۳۶	کالاهای مصرفی خانگی، ۲۸۸
کرخه کور، ۲۱۷، ۲۶۴، ۲۶۵، ۵۱۱	کامپیوتر، ۱۹۵، ۲۸۹
کرد، ۵۸، ۶۲، ۱۲۳، ۱۹۰، ۲۷۴، ۳۰۱، ۳۱۸، ۳۲۹، ۳۴۱	کامران، ۲۰۸
۳۹۸	کامل اسد، ۵۱۰
کرد داخلی، ۳۱۸	کامیاب حجة الاسلام سید رضا، ۲۱۹
کردستان، ۶۰، ۹۹، ۳۵۷، ۴۲۸	کامیون، ۲۸۲، ۴۷۶
اردو، ۳۹	کانال، ۲۸۵
اطلاعات سپاه، ۱۵۱	کانال دوم، ۴۱۴
انشعاییون، ۲۲۶	کاندیدا توری، ۲۹۲، ۳۵۷
جوانرود، ۳۶۸	کباب، ۴۲۸، ۴۳۱، ۴۷۳
دانش آموزان انجمن اسلامی، ۴۷۵	کبد، ۳۲۲
زندادان دولتو، ۱۵۱	کبکان سایت، ۴۹۵
ضدانقلاب، ۶۸، ۲۱۷، ۳۱۲، ۴۵۸	کتاب، ۵۵، ۹۵
علما، ۱۷۸	کتاب، ۸۴، ۱۲۶، ۱۳۱، ۱۳۹، ۱۵۳، ۲۸۸، ۲۸۹، ۳۲۱، ۳۷۱
کرد محارب، ۱۹۰	۳۹۲، ۳۷۴
کرمان، ۳۸، ۱۵۹، ۱۷۳، ۳۶۲، ۴۵۳	کتابخانه، ۱۳۱، ۱۳۹، ۱۴۵، ۲۷۱، ۲۷۷، ۳۲۱، ۴۶۳
استاندار، ۲۱۸، ۳۹۰	کتب
استانداری، ۱۷۳	خطی، ۱۳۱
امام جمعه، ۱۷۴، ۳۸۱، ۴۰۶	درسی، ۳۵۷

پابنتخت، ۲۸۱	انجمن اسلامی، ۱۱۲
رئیس مجلس، ۲۸۱	تلویزیون، ۱۷۳
سفارت، ۲۹۵	حزب، ۱۷۴، ۴۵۳
سفیر، ۸۰، ۲۲۱، ۳۱۰، ۴۲۲، ۵۰۴	دادگاہ انقلاب، ۲۵۳
فرماندہ نیروی گارد، ۲۸۱	دانش آموز، ۶۲، ۴۸
گلولہ آرپی جی، ۲۳۳، ۷	دانشجو، ۶۲، ۴۸
ہیئت نظامی، ۴۶۱	ذوب آهن، ۱۱۲
کریمی، ۳۶، ۵۸، ۵۹، ۶۶، ۸۱، ۲۹۲، ۳۰۷	رادیو، ۱۷۸
کریمی عمادالدین، ۸۱، ۱۰۵	زلزلہ، ۱۵۰، ۲۱۸، ۲۱۹
کریمی فواد، ۵۹، ۱۳۵	طلبہ، ۱۳۱
کسالت، ۹۶، ۲۱۶، ۲۷۸، ۳۳۱، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۸۹، ۴۹۱، ۵۰۴	علما، ۴۰۷
کسبہ، ۴۲۶	فرودگاہ، ۱۷۳
کشاورز، ۷۰، ۱۵۳، ۱۶۶، ۲۸۴، ۳۵۲	مشول جہاد، ۴۵۳
کشاورزی، ۲۸۸، ۳۲۱	نہاد، ۴۰۷
اراضی، ۵۰۹	کرمانشاہ، ۱۴۹، ۲۲۷، ۲۳۶، ۲۶۹، ۳۹۴، ۴۰۱
وزارت، ۴۱، ۵۵، ۱۱۶، ۳۸۴، ۳۹۰	استاندار، ۳۰۷، ۹۰
وزیر، ۶۷، ۱۱۶، ۳۱۳، ۳۹۰	پالایشگاہ، ۳۳۰
کشت و صنعت کارون، ۴۸۰	خانوادہ شہید، ۸۱
کشتہ، ۵۵، ۱۰۶، ۱۶۴، ۱۷۱، ۲۰۷، ۲۲۷، ۲۴۷، ۲۵۳، ۲۷۸	عشایر سنجایی، ۱۴۶
۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۱۵، ۳۲۱، ۳۹۵، ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۰۳، ۴۶۰	علما، ۹۴
۴۷۰، ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۹۱، ۵۰۹، ۵۱۳	کرمانی شیخ حسین، ۲۵۴
کشتی، ۲۷۹، ۳۲۰، ۳۲۲، ۳۴۸، ۴۱۹، ۴۴۳، ۴۷۶	کریمی، ۶۶
کشتی خاور، ۴۴۳	کریمی محمد مہدی، ۴۴۵، ۴۴۳
کشف، ۹۰، ۱۰۴، ۱۱۷، ۱۲۵، ۱۳۲، ۱۹۷، ۲۱۳، ۲۳۵	کروبی خانم، ۹۳
۲۴۷، ۲۶۵، ۲۸۸، ۳۹۰، ۳۹۴، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۴۶، ۴۷۵، ۵۰۱	کروپ آلمان، ۳۷۲
کشف المراد، ۳۹۲	کرہ، ۲۰۱، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۸۴، ۲۸۸، ۲۹۱، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۱
کشک، ۴۲۰	۴۶۱، ۴۴۳، ۴۰۰
کشمیری، ۳۰۹، ۳۸۲	رئیس مجلس، ۲۸۸، ۸۰
کشمیری مسعود، ۲۶۳	سران، ۴۲۲
کشور	ہمسر رئیس مجلس، ۵۰۴
معاونت وزارت، ۲۵۰	کرہ جنوبی، ۷۰، ۲۲۱، ۲۸۴، ۲۸۸، ۴۴۷
وزارت، ۶۸، ۱۰۵، ۲۵۳، ۲۵۰، ۳۶۱، ۳۸۴، ۴۰۷، ۴۷۶	رئیس مجلس، ۱۹۹، ۹۷
وزیر، ۵۹، ۹۱، ۹۳، ۱۸۶، ۱۹۵، ۴۱۰، ۴۴۱، ۴۶۵	سفارت، ۲۰۱، ۱۹۳
۳۷۷، ۴۱۱، ۴۷۶	سفیر، ۱۹۹، ۹۷
وزیر جدید، ۲۶۹	کرہ شمالی، ۶۷، ۸۵، ۹۷، ۲۴۹، ۲۷۷، ۲۷۹، ۲۸۱، ۲۸۳
	۲۸۸، ۲۹۱، ۲۹۲، ۳۲۵، ۴۶۲

کشور اسلامی، ۴۸	کنفرانس اسلامی
کشور خارجی، ۲۶۴	نماینده، ۵۰۳
کشور عرب، ۱۲۲، ۱۲۶، ۲۲۲، ۲۲۷	ہیئت اعزازی، ۵۰۱
کفتار، ۴۶۹	کنگاور امام جمعہ، ۲۳۶
کفر، ۱۸۷، ۲۲۸، ۲۹۲، ۴۰۶، ۴۲۱	کنگرلو، ۲۷۵
کفر منکر معاد، ۳۹۲	کوالا لامپور، ۲۸۹
کلاس، ۸۰، ۱۱۰، ۱۱۹، ۱۲۲، ۲۳۱، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۷۱	کویا، ۲۷۶، ۲۷۸، ۳۰۹، ۳۱۲
کلاہ، ۸۹	اتحادیہ بین المجالس، ۲۱۵
کلاہ بردار، ۶۸	بین المجالس، ۳۰۷
کلاہدوز، ۲۱۴، ۲۱۷، ۲۲۱، ۲۵۷، ۲۵۹، ۳۰۶، ۳۰۷	سفیر، ۲۱۵
کلاہدوز خانم، ۳۱۰	کنفرانس بین المجالس، ۲۳۶
کلاہدوز فرزند، ۳۱۰	کوپن، ۴۳۰
کلاہ گزاری، ۱۰۶، ۶۸	کوچصفهان، ۷۴
کلاہی، ۱۱۱، ۱۹۰، ۳۲۴، ۳۸۲	کوچک دھقان، ۴۲۰
کلیر نمایندہ، ۱۱۰، ۱۶۹، ۱۷۱	کودتا، ۳۱، ۵۴، ۵۵، ۱۲۷، ۱۵۹، ۲۱۵، ۲۴۵، ۳۴۴، ۳۴۵
کلفت، ۲۶۱	۴۲۸، ۴۳۳، ۵۰۶
کلہ پاچہ، ۳۶۳، ۳۹۳	کودک، ۱۱۶، ۲۱۳، ۲۸۴
کلیمی اقلیت، ۳۹۰	کودک کاخ، ۲۸۴
کم ارزش گزارش، ۳۷۱	کوکتل، ۳۰۲
کمال نیا، ۱۷۱	کوکتل مولوتف، ۱۹۸
کمالی نیا، ۱۷۱	کوکوی سیب زمینی، ۳۲۲
کماندو، ۳۹۲	کوملہ، ۲۲۳، ۴۲۵
کمونیسٹ، ۴۸، ۱۰۱، ۱۳۱، ۲۸۳، ۲۸۵، ۳۰۷، ۴۴۶، ۴۶۲	کوهیار دکتور، ۲۵۶
اتحادیہ، ۲۲۶، ۴۶۴	کویت، ۶۶، ۳۱۰، ۳۵۱، ۴۰۷، ۴۱۱، ۴۲۰، ۴۹۴
حزب، ۱۴۶، ۲۸۸	بمباران، ۳۱۸
کمیٹہ، ۳۵، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۹۳، ۱۰۲، ۱۴۵، ۱۶۴، ۲۰۸، ۲۲۸	سفیر، ۴۱۲
۳۵۹، ۳۱۸	مرکز نفتی، ۲۱۱
کمیٹہ حکمیت دربارہ اختلافات، ۴۹	کھتری سرہنگ، ۳۳
کمیسیون اصل، ۹۰، ۴۷۶	کھکیلویہ، ۴۰۸
کمیسیون پزشکی، ۱۸۶	کھنوج، ۱۷۶
کنٹرل، ۳۸، ۱۱۳، ۱۴۷، ۱۵۸، ۲۲۱، ۲۳۰، ۳۱۷، ۳۵۵	نماینده، ۲۵۳
۳۴۹، ۳۵۷، ۳۶۳، ۴۱۰، ۴۱۲، ۴۲۷، ۴۴۵	کیانوری، ۱۰۸، ۱۲۷، ۲۰۶، ۲۲۶، ۲۷۴
کنٹرل الکترونیکی، ۲۵۵	کیانی دکتور، ۴۳۳
کنتیناتال هتل، ۲۴۱	کیاوش، ۹۹، ۱۵۹، ۴۷۲
	کیاوش سید محمد، ۳۶۷
	کیابی، ۷۹

گست هوس، ۲۸۹	کیش جزیره، ۸۵
گلابی، ۲۸۴	کیفر، ۵۰۶، ۵۰۳، ۵۰۰، ۴۹۵، ۴۱۴، ۱۵۵، ۱۰۲، ۹۵
گل، ۲۸۳	کیفر اخروی، ۳۹۲
گلبافت کرمان	کیم ایل سونگ، ۲۸۸، ۲۸۵، ۲۸۴
زلزله زدهگان، ۱۷۳، ۱۵۹	کیهان، ۴۴۷، ۱۳۲، ۸۴، ۷۱
گلپایگان	انقلاب، ۳۸۶
نماینده، ۳۱۷، ۱۶۹	روزنامه، ۳۸۶، ۳۳۴، ۲۰۸، ۱۲۷
گلپایگانی، ۲۳۷، ۳۱۷، ۴۵۳، ۴۶۵، ۴۶۶، ۵۰۰، ۵۱۰	مسئول، ۱۱۷
۵۱۲	ورزشی، ۶۹
گلپایگانی آیت الله، ۵۱۱، ۵۱۰، ۵۰۹، ۵۰۳، ۱۳۱	گاراژ، ۲۳۹
گلپایگانی آیت الله العظمی محمد رضا، ۴۹۷	گارد، ۲۸۳، ۹۱
گلزاده غفوری، ۴۵۵، ۱۲۷، ۸۳، ۸۱	گاز، ۳۶۱، ۲۷۹، ۲۱۴
گلشنی دکتر، ۲۲۶	گاز مایع، ۳۶۱
گلف، ۴۷۸	گازوئیل، ۴۸۹، ۴۸۳
گلگیر ساز مجتبی، ۶۱	گاو، ۴۷۹
گلناری، ۱۶۳	گاو میش، ۴۷۹
گلوله، ۴۲۸، ۴۲۶، ۳۳۳، ۲۷۸، ۳۳۷، ۲۱۳، ۲۰۷، ۶۰، ۳۲	گران، ۴۲۷، ۴۱۰، ۳۵۷، ۱۵۹، ۱۳۴، ۱۱۷
۴۸۲، ۴۷۹، ۴۵۷، ۴۳۰	گردان، ۴۷۹، ۴۷۸، ۴۶۹، ۴۳۵، ۳۹۳، ۳۹۲
گمرک، ۳۷۳، ۲۷۵، ۱۰۶	گردنبند، ۴۶۳
گمیشان تپه، ۱۲۴	گرگان، ۳۰۵
گناه، ۳۶۴، ۲۳۸	امام جمعه، ۱۱۰
گنبد، ۱۰۴، ۷۹	حزب الله، ۳۲۳
امام جمعه، ۱۰۴	علماء، ۱۱۰
نماینده، ۷۹	نماینده، ۱۹۲
گنجی، ۴۶۲	گروگان، ۴۰۳، ۳۹۵، ۱۰۶، ۹۶، ۷۳
گواهی، ۴۳۸	گروه
گوسفند، ۵۰۸	بین المجالس، ۲۳۵
گوشت، ۳۹۰، ۳۳۸، ۳۳۱، ۴۲۰، ۴۰۱، ۲۶۳	گروهک، ۱۱۰، ۱۶۹، ۱۶۴، ۱۶۳، ۱۵۷، ۱۱۲، ۸۵، ۸۱
گوشت سازمان، ۴۹۰	۴۹۴، ۴۷۵، ۳۸۲، ۳۶۲، ۲۱۴، ۲۱۰، ۲۰۱، ۱۹۸
گیلان، ۴۶۵، ۳۸۵، ۱۹۱	گروهک محارب، ۴۹۴، ۴۷۵، ۲۰۱
استاندار، ۱۹۱، ۶۸	گروه گرا، ۲۳۰
انجمن اسلامی، ۴۶۵	گروه محارب، ۲۰۹، ۱۵۷، ۱۵۵، ۱۱۲
دادستان انقلاب، ۶۸	گروه ملی، ۷۳
علماء، ۳۸۵	گریه، ۴۳۹، ۴۰۸، ۳۷۱، ۳۳۹، ۲۵۴، ۲۰۷، ۱۹۷، ۱۷۹، ۱۲۳
کارخانه، ۴۶۵	گز، ۴۹۰
مسئول سپاه، ۶۸	گزینش، ۱۰۳، ۳۲

لیبان، ۵۵، ۸۴، ۹۱، ۲۰۴، ۲۰۶، ۲۳۲، ۲۷۲	نمایندگان، ۶۸
امل، ۱۸۶، ۲۳۷، ۲۹۳، ۳۳۷، ۳۴۱، ۳۳۳، ۳۸۹	گیلان غرب، ۴۰۱، ۴۰۷، ۴۱۲
جنوب، ۴۲، ۴۷	گینه رئیس جمهور، ۵۰۳
حکومت نظامی، ۴۰۸	لاتین، ۴۰۶
رئیس مجلس، ۲۷۶	لاجوردی، ۱۲۵، ۱۲۴، ۱۴۴، ۱۹۵، ۲۱۷، ۲۴۸، ۲۴۹
شیعه، ۴۳۵	۳۶۱، ۳۴۰، ۴۴۲، ۴۶۶
شیعیان، ۲۷۶، ۳۹۸، ۴۳۳، ۴۳۵	لاریجانی، ۳۹، ۸۰، ۱۰۲، ۱۶۱، ۲۰۱
علما، ۴۵۴	لاریجانی علی، ۱۲۵، ۱۹۲
لجستیکی، ۲۴۹، ۴۲۰، ۴۲۷	لانه جاسوسی، ۱۶۱، ۲۵۶، ۴۰۳
لرستان، ۳۸۷	لاوان جزیره، ۳۷۷
دانش آموز دختر و پسر، ۲۲۷	لاهوئی، ۶۶، ۷۴، ۱۰۳، ۱۵۱، ۲۵۵، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۱
مسئول آموزش استان، ۳۵۴	۳۵۲، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۵۹، ۳۷۱، ۳۹۳
لشکر ۷۷، ۳۳، ۱۳۵، ۱۹۹، ۲۱۷، ۳۸۰	لاهوئی بچه ها، ۳۹۳
لشکر ۸۱، ۱۹۹	لاهوئی برادر، ۲۵۵
لشکر ۹۲، ۱۹۹	لاهوئی حمید، ۴۰۸، ۴۲۲
لشکر ۱۶، ۱۹۹، ۳۱۷	لاهوئی خانم، ۳۵۷
لشکر ۲۱، ۱۹۹، ۲۰۵، ۳۱۷	لاهوئی وحید، ۳۴۸
لنجان، ۵۸	لايه، ۴۰۳، ۴۴۶، ۴۶۷
ذوب آهن، ۵۸	لایحه، ۷۵، ۷۹، ۸۴، ۹۵، ۹۷، ۱۰۸، ۱۱۲، ۱۱۶، ۱۱۷
کارخانه، ۵۸	۱۱۹، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۳۳، ۱۳۶، ۱۴۹، ۱۵۳، ۱۸۵، ۱۹۰
نماینده، ۱۵۳	۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۲، ۲۱۶، ۲۱۹، ۲۳۵، ۲۶۵، ۳۰۰، ۳۰۵، ۳۱۳
لنج، ۳۳۱	۳۱۶، ۳۱۷، ۳۲۲، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۲، ۳۳۵، ۳۳۲، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۵
لندن، ۴۲، ۳۲۹	۳۵۳، ۳۶۵، ۳۷۰، ۳۸۱، ۳۸۲، ۴۰۳، ۴۱۴، ۴۱۹، ۴۲۵، ۴۳۰
لنگرود، ۳۱۷	۴۳۳، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۴۶، ۴۵۳، ۴۶۲، ۴۶۵، ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۹۰
لوازم یدکی، ۳۵۷	۴۹۲، ۴۹۶، ۴۹۷، ۵۰۳، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۰۹
لواسانی صادق، ۳۸۹	اراضی شهری، ۱۹۷، ۲۱۶، ۳۹۷، ۴۱۴، ۵۰۶، ۵۰۹
لولاچیان، ۱۱۱	۵۱۰
لومپن، ۷۱	بازسازی، ۵۲، ۵۸، ۶۹، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۵۴، ۲۵۶
لوموند، ۱۷۱	۲۵۷، ۲۶۴، ۲۵۹
لهستان، ۴۲۲	تمدید قانون انتخابات، ۵۹
لیبرال، ۶۰، ۶۴، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۷۰، ۷۱، ۷۹، ۸۱، ۹۵	دولتی کردن تجارت خارجی، ۳۸۵
۹۶، ۱۰۳، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۱۱، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۹، ۱۲۷، ۱۲۹	دیوان عدالت اداری، ۳۸۹، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۴، ۳۵۷
۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۵، ۱۴۰، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۷، ۱۵۳، ۱۵۹	زمین شهری، ۳۳۰
۱۸۹، ۱۹۵، ۱۹۷، ۲۲۸، ۲۳۷، ۲۷۹، ۳۰۴، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۲۳	شرایط قضات، ۳۱۹
۳۴۸، ۳۵۶، ۳۶۰، ۳۶۲، ۳۹۲، ۴۰۰، ۴۶۶، ۴۹۶	معاملات اماکن مسکونی، ۱۴۰
مرگ بر، ۴۸۰	لایحه بازسازی، ۲۶۵

مالکی، ۲۲۴	لیبی، ۱۰۶، ۱۳۱، ۲۴۳، ۲۵۳، ۲۷۰، ۳۰۱، ۳۰۴، ۳۲۱، ۳۲۴
مالکیت، ۲۲، ۲۵۴، ۲۶۳، ۲۸۱	۳۲۹، ۳۳۳، ۳۶۰، ۳۷۳، ۳۹۶
مالکین، ۳۹۶	خبرگزاری، ۱۴۰
مالکی همسر، ۲۲۴	رهبر، ۳۹۸
مالی، ۳۲، ۵۵، ۱۱۳، ۱۱۷، ۱۵۳، ۱۸۵، ۱۸۶، ۲۷۳، ۳۸۱	سفارت، ۳۶۱
۳۸۹، ۴۳۲، ۴۱۹، ۳۸۶	سفیر، ۳۲، ۹۵، ۱۸۹، ۳۹۷
مالیات، ۳۸، ۶۳، ۱۱۰، ۱۱۳، ۱۳۷، ۵۰۳، ۵۰۷، ۵۰۹	سیاست دوستانه، ۱۲۹
مانور، ۳۶۷	هواپیما، ۳۹۷
مانیان، ۳۷۳	هیت نظامی، ۳۷۵
مانیل، ۷۳، ۷۴، ۷۹	لیبیائی، ۲۵۹
بین المجالس، ۷۴، ۷۹	لی دکتر، ۷۰، ۱۹۳، ۳۴۳، ۳۴۷
شواری بین المجالس، ۷۳	مارکسیست، ۳۸، ۲۸۴، ۳۸۵، ۳۵۶
ماهشهر، ۳۳، ۳۶، ۱۷۱، ۲۰۲، ۳۴۱، ۳۶۹، ۳۸۲	مارکسیسم، ۲۲۳، ۲۹۲
بندر، ۳۶۰، ۳۲۳	مازندران، ۱۰۴، ۱۱۰، ۱۵۵، ۳۲۱
ستاد عملیات مرکز جنگ، ۳۳	ائمه جمعه استان، ۳۶۶
گاز مایع پالایشگاه، ۳۶۱	استاندار، ۷۳
ماهواره، ۴۲۹	روحانیت، ۷۳
ماهی، ۶۳، ۴۶۲	روحانیون، ۷۳
ماهیت، ۵۳، ۱۳۳، ۱۷۴، ۲۸۵، ۲۹۱	علماء، ۱۱۰، ۱۵۵
مبارز، ۴۷، ۵۸، ۶۳، ۸۴، ۱۰۴، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۹۳، ۲۰۴	کارکنان ماکروویو، ۷۵
۲۱۳، ۲۱۵، ۲۳۲، ۲۵۶، ۲۷۶، ۲۹۵، ۳۵۳، ۳۷۱، ۳۸۲، ۳۹۶	مستولان نهاد، ۳۲۱
۵۰۴، ۲۷۶	منول، ۱۰۴
مبارزات، ۳۳۴، ۳۶۶	نمایندگان استان، ۷۹
مبارزه، ۳۸، ۶۹، ۹۹، ۱۰۲، ۱۲۳، ۱۲۷، ۱۶۳، ۱۷۳، ۱۹۰	ماشالله، ۳۲۱
۲۰۱، ۲۰۴، ۲۲۷، ۲۳۲، ۲۳۸، ۲۵۷، ۲۷۵، ۲۷۹، ۲۹۳، ۳۲۴	ماشین، ۳۳، ۷۳، ۱۰۴، ۱۶۴، ۲۰۵، ۲۰۸، ۳۸۵، ۳۳۴، ۳۹۱
۳۲۵، ۳۳۵، ۳۴۲، ۳۴۵، ۳۴۸، ۳۶۵، ۳۶۸، ۳۹۶، ۴۱۰، ۴۱۵	۳۹۵، ۴۱۵
۴۳۰، ۵۰۶، ۵۱۰	ماشین آلات، ۱۳۹، ۲۸۴، ۲۸۸
مبارزه مسلحانه، ۹۹، ۱۶۳	مافیا، ۳۲۷
مبعث، ۱۳۳	ماکت، ۲۸۸
مستأثر، ۱۴۶، ۱۷۱، ۱۷۹، ۲۰۷، ۲۲۸، ۲۵۷، ۲۶۳، ۲۷۱	مالزی، ۲۹۱، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۱۲، ۳۲۶
۲۷۶، ۳۳۵، ۳۶۳، ۳۲۲، ۴۲۶	دانشجو اسلامی، ۳۹۱
متجاوز، ۱۹۱، ۴۵۵، ۴۹۵، ۵۰۳	رئیس مجلس، ۵۱۰
متخصص، ۱۸۴، ۳۸۷، ۳۱۴	سفارت، ۲۹۵
متخلف، ۵۲، ۷۹، ۳۹۶	کاتوچو، ۲۹۱
متدین، ۴۰۱	نماینده، ۵۱۰
مترو، ۲۸۴	نهضت اسلامی، ۴۲۶

۲۱۰، ۲۱۳، ۲۱۶، ۲۲۱، ۲۲۳، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۳۰، ۲۳۲	متشج ۸۷، ۱۵۵، ۳۱۶
۲۳۳، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷	متعه، ۳۴۶
۲۵۰، ۲۵۲، ۲۵۴، ۲۵۶، ۲۵۹، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۹	متهم، ۶۷، ۸۷، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۹۰، ۲۳۲، ۲۴۵، ۲۴۹، ۲۵۶
۲۷۰، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۹، ۲۹۱	۲۸۱، ۳۱۷، ۳۵۷، ۳۶۴، ۳۷۰، ۳۹۲، ۳۹۸، ۴۶۲، ۴۹۷
۲۹۲، ۲۹۳، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۹، ۳۱۰	مجازات، ۴۵۴، ۴۳۰
۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۵، ۳۱۷، ۳۲۱، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۹، ۳۳۰	مجاهدان عراق، ۲۲۶
۳۳۱، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۴۸	مجاهدین، ۹۵، ۱۱۲، ۱۹۷، ۲۳۲، ۲۳۵، ۲۳۹، ۲۴۷، ۳۰۱
۳۴۹، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۷، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۴، ۳۶۷	۳۸۶، ۴۲۵، ۴۷۰
۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۴، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۸۷، ۳۸۹	خانه تیمی، ۲۳۵
۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۵، ۳۹۸، ۴۰۰، ۴۰۲، ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۰۸	مجاهدین انقلاب، ۲۹۲، ۳۰۵، ۳۵۴، ۳۶۸، ۳۸۱، ۳۹۸
۴۱۲، ۴۱۴، ۴۱۹، ۴۲۰، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۲۸، ۴۲۹	۴۵۸
۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۳۶، ۴۳۸، ۴۴۲، ۴۴۵، ۴۴۷، ۴۵۲، ۴۵۴	مجاهدین انقلاب اسلامی، ۲۰۹، ۲۳۰، ۲۸۱، ۳۳۲
۴۵۷، ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۶۴، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۷۵	۳۳۴، ۳۴۲، ۳۵۳، ۳۹۸، ۴۰۶، ۴۱۴، ۴۲۲، ۴۹۷، ۴۹۸، ۵۰۱
۴۷۶، ۴۸۲، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۶، ۴۹۷، ۵۰۰	کادر رهبری، ۲۰۹
۵۰۱، ۵۰۴، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۱	کادر مرکزی، ۳۳۴، ۴۲۲
استاد سری، ۱۱۰	مجاهدین خلق، ۶۸، ۸۷، ۹۱، ۱۲۴، ۱۴۶، ۱۴۹، ۱۹۰
پاسدار، ۷۹	۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۵، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۷، ۲۲۱، ۲۲۷، ۲۳۳، ۲۴۷
تربیون، ۱۵۳، ۱۸۴، ۳۷۶	۲۵۴، ۲۵۶، ۲۷۷، ۲۷۸، ۳۰۴، ۳۱۲، ۳۲۲، ۳۲۷، ۳۴۸، ۳۵۶
تعطیل، ۱۱۲، ۲۵۴	۳۶۲، ۳۷۰، ۳۹۴
جلسه سری، ۹۰	انشاییون، ۳۳۷
حرکت، ۷۹	فرمانده، ۱۶۴
رئیس، ۴۵، ۸۰، ۹۷، ۱۲۶، ۲۷۹، ۲۸۳، ۲۸۸، ۲۹۱	کادر عملیات، ۲۳۲
۳۲۹، ۴۰۳، ۴۶۸، ۴۲۲، ۵۰۴، ۵۱۰	کادر مرکزی، ۲۱۸، ۴۷۰
روابط عمومی، ۳۴۹، ۳۵۲، ۴۹۴	مجتبی، ۳۵۶
قانون سلب صلاحیت نماینده، ۵۸	مجتهد، ۴۰۱
قدیم، ۳۷، ۱۲۹، ۲۸۴	مجتهدی شبستری محمد، ۶۰
کادر اداری اداره قوانین، ۱۵۲	مجروح، ۳۵، ۳۹، ۶۴، ۷۰، ۱۰۲، ۱۲۴، ۱۴۴، ۱۶۴، ۱۷۹
کادر اداری تلکس، ۱۵۲	۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۷، ۱۹۱، ۲۰۵، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۲۸، ۲۳۷
کارکنان، ۳۰۵، ۴۲۸، ۴۶۱، ۴۹۲	۲۴۷، ۲۵۹، ۲۷۱، ۳۰۴، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۲۲، ۳۸۹، ۳۹۵، ۴۳۵
کارمند، ۱۲۹، ۱۵۹، ۲۰۶، ۴۰۸	۴۳۶، ۴۵۳، ۴۵۸، ۴۶۰، ۴۷۸، ۵۰۱
کتابخانه، ۱۳۹، ۱۴۵، ۲۷۷	مجریان، ۳۸، ۱۲۶، ۱۴۴، ۲۴۶، ۴۲۰
محافظ، ۸۵، ۱۰۲، ۲۷۱	مجلس، ۳۲، ۴۱، ۴۲، ۴۵، ۴۸، ۵۸، ۵۹، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴
مسئول سپاه، ۱۰۲	۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۵، ۸۱، ۸۳، ۸۴، ۸۹، ۹۱، ۹۴، ۹۹، ۱۰۳
مصوبات، ۱۴۰، ۱۴۵، ۱۴۷، ۲۱۸، ۳۳۷، ۴۱۲	۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۱۲، ۱۱۶، ۱۱۹، ۱۲۵، ۱۲۷، ۱۳۱
نایب رئیس، ۲۵۳، ۲۷۶، ۳۶۲، ۳۷۰، ۳۹۰	۱۳۵، ۱۴۴، ۱۴۹، ۱۵۱، ۱۵۵، ۱۵۸، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۹، ۱۷۱
نماینده، ۵۸، ۵۹، ۷۱، ۸۴، ۹۶، ۱۱۳، ۱۱۷، ۱۲۹	۱۷۳، ۱۸۳، ۱۸۶، ۱۹۰، ۱۹۳، ۱۹۸، ۲۰۱، ۲۰۴، ۲۰۶، ۲۰۸

محمد دوست، ۲۰۸	۱۳۲، ۱۸۱، ۱۹۰، ۲۰۸، ۲۱۴، ۲۲۴، ۲۰۵، ۲۰۷، ۲۱۸، ۲۲۸
محمد رسول الله فیلم، ۴۳۹	۳۵۲، ۳۵۶، ۳۶۸، ۳۸۴، ۳۰۸، ۴۱۴، ۴۲۲، ۴۷۰، ۴۹۶، ۵۱۲
محمدزاده، ۸۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۳۲، ۱۳۵، ۱۵۰، ۱۶۰	هیت، ۷۹
۴۳۹، ۳۵۹، ۲۴۵	هیت رئیس، ۲۹۹
محمد صادق خانواده، ۲۵۰	مجلل، ۹۳، ۲۴۱، ۲۸۲، ۲۸۵
محمد همشیره زاده (امیر)، ۲۷۶	محارب، ۸۷، ۱۰۷، ۱۱۲، ۱۵۵، ۱۵۷، ۱۹۰، ۲۰۱، ۲۰۹
محمد همشیره زاده (بچه ها)، ۱۲۳	۲۳۳، ۲۳۹، ۳۰۲، ۳۱۰، ۳۷۵، ۴۹۴
محمدیان، ۷۰	محاصره، ۹۳، ۱۳۴، ۲۴۷، ۳۰۲، ۳۹۲
محمدی خمینی، ۶۹	محاصره اقتصادی، ۷۰، ۳۶۲، ۳۶۷، ۴۴۲
محمدی قاضی، ۱۲۴	محافظ، ۸۵، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۱۴، ۱۸۹، ۲۰۹، ۲۲۵، ۲۷۱
محمدی گرگانی، ۱۹۲، ۳۲۳	۳۲۵، ۳۸۵، ۴۲۳، ۴۳۹، ۴۷۰
محمود آقا، ۳۳۱	محافظة، ۵۵، ۱۰۴، ۱۹۱، ۲۰۲، ۲۰۸، ۲۱۵، ۲۲۲، ۲۴۶
محمود اخوی، ۳۸۲	۲۹۹، ۳۱۰
محمودی، ۱۰۴، ۳۱۷، ۴۳۳	محافظه کار، ۷۱، ۴۰۷، ۴۲۷، ۵۱۰
محمودیان، ۱۲۴	محاكمه، ۳۱، ۸۷، ۱۵۷، ۱۶۶، ۲۸۴، ۴۲۰، ۴۵۵، ۵۰۰
محي الدين محمود، ۵۲، ۴۹۳	۵۰۶
مخالف، ۶۸، ۷۳، ۸۱، ۹۰، ۹۴، ۱۲۷، ۱۲۹، ۱۳۶، ۱۴۵	محبوب، ۹۶، ۲۱۳، ۲۳۷
۱۵۰، ۱۵۷، ۱۵۹، ۱۶۳، ۱۶۶، ۱۶۹، ۲۰۲، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۲۸	محتشمی، ۹۰، ۵۱۲
۲۴۱، ۲۴۵، ۲۵۵، ۲۶۹، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۳۴، ۳۳۸، ۳۵۴، ۴۰۶	محرّم، ۳۴۵
۴۲۵، ۵۰۷، ۵۰۸	محرروم، ۴۱، ۶۳، ۱۱۱، ۱۲۵
مخالفت، ۵۴، ۷۴، ۸۱، ۱۰۸، ۱۳۴، ۱۳۷، ۱۴۴، ۱۴۵	محررومان، ۲۵۴، ۴۱۹، ۵۰۹
۱۵۰، ۱۹۰، ۱۹۵، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۳، ۲۲۸، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۴۴	محسن، ۴۵، ۸۴، ۱۸۵، ۱۹۸، ۱۹۹، ۳۰۶، ۳۰۸، ۳۱۰
۲۶۹، ۲۷۷، ۳۱۵، ۳۲۶، ۳۳۲، ۳۳۴، ۳۳۶، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۸، ۳۶۲	۴۱۱، ۴۲۲، ۴۲۶، ۴۲۸، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۹۰
۳۶۶، ۳۷۰، ۳۷۴، ۳۸۶، ۳۹۷، ۳۹۸، ۴۳۳، ۴۸۰، ۴۸۲، ۴۹۱	محقّر، ۲۸۴
۴۹۷، ۵۰۳، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۰	محقق داماد، ۴۴۰، ۴۶۱
مخفی، ۳۳، ۱۶۴، ۳۸۶	محكومیت، ۹۱، ۳۹۳، ۴۱۰
مخلصی، ۶۹، ۳۵۶، ۳۹۶	محلّاتی، ۱۰۴، ۱۳۶، ۲۰۸، ۲۱۵، ۲۵۵، ۲۹۳، ۳۴۵، ۳۶۴
مدرّس، ۳۹۱	۳۷۲، ۴۳۳
مدرسه، ۷۰، ۷۳، ۸۳، ۹۱، ۹۴، ۱۱۰، ۱۳۰، ۱۴۷، ۱۶۳	محلّاتی معزالدين، ۳۸۳
۲۵۷، ۳۶۲، ۳۷۰، ۳۹۳، ۴۲۰، ۴۴۲	محمد، ۲۰۴، ۳۸۳
مدرسی، ۲۳۱	خانم، ۳۲
مدرسی زاده، ۲۱۰	خانواده، ۲۰۶، ۳۶۶
مدنی، ۱۰۷، ۱۵۰، ۲۵۴، ۲۶۹، ۲۷۹، ۲۸۱، ۳۳۵	محمد اخوی، ۳۲، ۷۰، ۸۹، ۱۰۵، ۱۲۹، ۲۰۶، ۲۰۷
مدنی آیت الله، ۲۷۸، ۲۷۹	۲۵۵، ۲۶۴، ۳۶۶، ۳۸۲، ۳۹۱، ۴۲۳، ۴۳۹، ۴۶۵، ۴۹۵، ۵۱۲
مدیترانه، ۵۰۸	محمد اخوی زاده، ۴۵۲
مدیریت، ۳۸، ۷۱، ۱۰۵، ۲۴۵، ۲۵۶، ۲۹۹، ۳۵۴، ۳۶۵	محمد حضرت (ص) فیلم، ۱۶۰

مدینه	کلید واژه	مستکبر
۴۸۰، ۴۷۴، ۴۶۹، ۴۲۸	۵۰۳	
مدینه، ۳۲۲	مرض، ۸۳، ۳۲۲، ۳۳۱	
مذاکرات، ۵۹، ۸۵، ۱۰۵، ۱۰۷، ۱۲۷، ۱۹۲، ۲۵۵، ۲۸۴	مرعشی احمد، ۱۰۶، ۷۰، ۱۵۰	
۲۸۹، ۲۹۱، ۲۷۱، ۳۷۲، ۳۲۹، ۴۴۷، ۴۶۶، ۴۷۴، ۴۷۸، ۴۹۴	مرعشی اقدس، ۱۵۱	
۵۰۸	مرعشی حسین، ۱۱۶، ۱۲۴، ۱۳۲، ۱۵۰، ۱۷۶، ۳۵۳	
مذاکره، ۵۹، ۶۲، ۷۱، ۸۰، ۸۹، ۱۲۶، ۱۳۳، ۱۳۶، ۱۴۷	۴۶۸	
۱۵۲، ۱۶۶، ۱۹۵، ۲۰۱، ۲۰۸، ۲۱۰، ۲۱۵، ۲۲۱، ۲۲۴، ۲۴۴	مرعشی حمید، ۹۴، ۴۶۲	
۲۶۴، ۲۷۷، ۲۸۲، ۲۸۵، ۲۸۸، ۲۹۲، ۳۰۵، ۳۰۹، ۳۱۱، ۳۲۴	مرعشی رضا، ۷۰، ۴۶۱	
۳۲۵، ۳۲۸، ۳۰۳، ۳۰۶، ۳۱۲، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۲۰، ۳۲۶، ۳۲۸	مرعشی علی، ۹۹، ۱۰۳	
۳۴۲، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۹۰، ۳۹۵، ۴۹۶، ۵۰۳	خانم، ۹۹	
مذاهب، ۳۶۹	مرعشی کاظم، ۱۳۵	
مذهبی، ۸۳، ۱۰۲، ۳۲۶، ۴۶۶	مرفین، ۳۵۶	
مراجع، ۳۶، ۳۸، ۴۲، ۶۶، ۶۷، ۷۹، ۸۴، ۱۱۶، ۱۳۷، ۱۳۹	مرکز اسناد اسلامی، ۴۱، ۲۴۴، ۲۵۳، ۳۲۷	
۱۸۷، ۱۹۲، ۱۹۶، ۲۰۶، ۲۰۸، ۲۱۳، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۲۳، ۲۳۵	مرگ، ۱۰۱، ۱۶۴، ۲۲۷، ۲۷۶، ۲۷۹، ۳۱۵، ۳۲۲، ۳۸۷	
۲۲۸، ۲۹۲، ۳۲۲، ۳۴۲، ۳۴۴، ۳۶۲، ۳۶۴، ۳۸۱، ۴۱۲	۴۸۰، ۵۰۰، ۵۰۴	
۴۱۴، ۴۱۹، ۴۲۶، ۴۲۹، ۴۳۲، ۴۳۳، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۴۵، ۴۴۶	مروارید، ۲۱۸	
۴۳۷، ۴۵۴، ۴۶۲، ۴۶۷، ۴۷۶، ۴۹۰، ۴۹۶، ۴۹۷	مروت مهندس، ۳۰۵، ۳۴۸	
مرادی، ۱۹۵	مروی، ۱۸۴، ۴۳۰	
مراقبت، ۱۵۱، ۱۷۱، ۱۷۶، ۱۸۴، ۲۱۰، ۲۳۹، ۳۲۹، ۳۵۷	مریض، ۳۹، ۶۴، ۸۳، ۲۷۹، ۳۲۶، ۳۸۹، ۳۹۰	
۴۹۶	مزاح، ۳۳۰	
مراکش، ۳۲۹، ۳۲۳، ۳۲۹	مزاحم، ۳۶۶، ۴۶۵	
فاس، ۳۸۶	مزارع، ۲۹۱	
مرتجع، ۴۱۰	مزرعه، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۹، ۲۹۱	
مرد، ۴۷، ۷۴، ۱۳۹، ۱۹۸، ۲۸۴	مسئول اجرائی نماینده مجلس، ۴۳، ۴۸، ۵۲، ۵۸	
۲۸ مرداد کوتاه، ۴۴۳	۸۵، ۷۳، ۸۴، ۸۵	
مردم، ۳۷، ۴۹، ۵۴، ۵۵، ۷۱، ۸۱، ۸۲، ۸۷، ۹۱، ۹۵، ۹۷	مسئول اجرائی هوادار حزب، ۴۵	
۱۰۴، ۱۰۵، ۱۱۳، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷	مسئولیت، ۴۱، ۲۳۸، ۳۵۵	
۱۳۴، ۱۳۶، ۱۵۱، ۱۵۳، ۱۵۷، ۱۶۴، ۱۶۹، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۶	مسائل روز، ۴۵، ۷۳، ۱۱۹، ۱۵۷، ۲۵۶، ۳۶۶، ۳۸۶، ۵۰۴	
۱۸۳، ۱۸۶، ۱۸۹، ۱۹۲، ۱۹۵، ۱۹۷، ۲۱۰، ۲۱۴، ۲۱۶، ۲۲۳	مساجد، ۴۲۰	
۲۲۴، ۲۲۸، ۲۳۰، ۲۳۵، ۲۴۶، ۲۶۹، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۸، ۲۸۳	مسافرت، ۶۷، ۸۵، ۱۶۹، ۱۹۵، ۲۷۶، ۳۸۱، ۳۹۱، ۳۹۳	
۲۸۹، ۲۹۱، ۲۹۲، ۳۰۶، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۵، ۳۱۷، ۳۲۳، ۳۲۴	۳۰۲، ۳۴۵، ۳۵۶، ۳۶۹، ۳۷۴، ۳۷۵، ۴۹۶	
۳۲۵، ۳۲۲، ۳۵۴، ۳۶۲، ۳۶۸، ۳۷۴، ۳۸۵، ۳۹۵، ۳۹۸، ۴۰۶	مسافر خارجی، ۱۹۵	
۴۰۸، ۴۱۹، ۴۲۵، ۴۳۰، ۴۳۵، ۴۳۹، ۴۶۰، ۴۶۰، ۴۷۰، ۴۷۲، ۴۷۳	مسامحه، ۳۸، ۸۷، ۱۲۵، ۳۲۴، ۳۸۹، ۴۰۷، ۴۶۴	
۴۸۰، ۴۹۴، ۴۹۸، ۵۰۳، ۵۱۰، ۵۱۱	مستخدم، ۳۶۵	
مردم روزنامه، ۱۴۰	مستغفی، ۴۴۵، ۴۵۵	
مرز، ۶۰، ۶۸، ۶۸، ۲۰۹، ۲۲۶، ۲۸۱، ۴۱۲، ۴۳۶، ۴۷۳، ۴۹۶	مستکبر، ۹۷، ۲۸۹	

مشروبات الکلی، ۲۸۳	مسجد، ۲۸۹، ۲۹۱، ۳۱۷، ۳۸۲، ۳۷۹
مشروعیت سیاسی، ۱۰۵	اباذر، ۱۷۶
مشکوک، ۶۰، ۱۲۴، ۱۷۱، ۲۱۶، ۲۷۰، ۳۳۰	پادگان، ۲۶
مشکینی، ۷۰	جامع زرند، ۱۷۶
مشکینی آیت الله، ۲۷۸	قرارگاه، ۳۷۹
مشورت، ۵۸، ۶۱، ۶۷، ۸۱، ۸۴، ۸۵، ۸۹، ۹۶، ۹۹، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۶، ۱۲۶، ۱۳۲، ۱۳۷، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۹، ۱۵۲، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۳، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۹، ۱۸۴، ۱۸۵، ۲۰۲، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۱۳، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۳، ۲۲۷، ۲۳۰، ۲۳۶، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۵۳، ۲۵۵، ۲۵۷، ۲۵۹، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۷۱، ۲۷۳، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۹۹، ۳۰۵، ۳۰۷، ۳۱۱، ۳۱۳، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۲۰، ۳۲۳، ۳۲۵، ۳۳۳، ۳۳۵، ۳۴۲، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۶۴، ۳۷۷، ۳۸۱، ۳۸۷، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۸، ۴۰۸، ۴۱۲، ۴۱۹، ۴۲۱، ۴۲۷، ۴۳۰، ۴۳۵، ۴۵۴، ۴۵۷، ۴۶۴، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۴، ۴۹۰، ۴۹۵، ۴۹۷، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۰۹، ۵۱۲	کارخانه، ۱۷۶
مشهد، ۹۵، ۱۶۹، ۲۱۸، ۳۴۲، ۳۹۳، ۴۲۶، ۴۴۷	محمدی، ۱۳۹
استاندار، ۱۳۷	مطهری، ۱۲۶، ۱۷۲، ۱۸۹
امام جمعه، ۳۲۲	مسجد جامع، ۱۷۶
دفتر جمهوری اسلامی حزب، ۲۰۶	مسجد سلیمان
نماینده، ۱۸۴، ۲۱۹	دادستان، ۱۲۶
مصاحبه، ۴۹۰	کاندید، ۱۲۶
مصادره، ۲۷، ۳۶، ۹۷، ۱۱۱، ۲۱۰، ۳۸۶	مس سرچشمه، ۳۸۲
مصحفی سرهنگ، ۳۹	مسعودی منوچهر، ۱۳۴
مصدق، ۵۲	مسقط، ۲۳۹
مصدق بازی، ۱۳۳	فرودگاه، ۲۳۹
مصدق گرا، ۳۴۸	مسقط الراس، ۱۷۳
مصر، ۲۱۵، ۲۳۱، ۲۹۱، ۳۲۹، ۳۶۷، ۴۲۷	مسکن، ۱۱۱، ۱۱۷، ۱۲۶، ۱۳۷، ۱۳۱، ۱۴۹، ۱۵۳، ۱۵۷، ۱۸۵، ۲۲۷، ۲۸۸، ۳۲۶، ۳۸۷، ۴۶۷، ۵۰۶
حوادث، ۳۱۶	وزیر، ۵۰۶
رئیس جمهور، ۳۱۳	مسکو، ۹۱، ۹۵، ۳۴۱
ریاینده هواپیما، ۲۵۷	مسلسل، ۲۵۴، ۲۷۰، ۳۵۶
مصطفی حاج آقا، ۳۳۵	مسلمان، ۴۸، ۶۳، ۶۹، ۷۱، ۸۰، ۸۵، ۱۰۱، ۱۰۶، ۱۱۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۳۳، ۱۳۵، ۱۳۷، ۱۷۲، ۱۸۵، ۲۹۱، ۳۲۹، ۳۵۱، ۳۶۶، ۳۸۲، ۳۸۷، ۳۹۳، ۴۰۶، ۴۲۸، ۴۳۱
مصلحی، ۲۳۳	مسلمان مبارز، ۳۸۲، ۶۳
مصلحی دکتر، ۴۴۶	مسلمین روزنامه انگلیسی زبان، ۲۱۸
مصوبه، ۹۱، ۳۰۳، ۳۴۴، ۳۷۱، ۴۲۷	مسیحیان مدارس، ۳۹۲
مصیبت، ۴۵۲	مشاع، ۲۰۷، ۳۸۲
مطالعات، ۴۸۹	مشاور، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۲۹، ۱۳۳، ۲۷۸، ۳۱۷، ۳۵۷، ۳۸۶، ۴۱۰، ۴۹۲
	مشاورت هفتگی سران، ۴۴۶
	مشاوره، ۱۲۹، ۱۳۴، ۲۱۵، ۲۲۶، ۲۳۰، ۲۶۴، ۲۹۳، ۳۳۳، ۴۱۰، ۴۲۹
	مشایخی دکتر، ۴۶۱
	مشایعین، ۳۴۹

مطالعہ	کلید واژه	مقصودی
مطالعہ، ۳۸، ۴۵، ۴۸، ۵۸، ۶۲، ۸۰، ۹۹، ۱۰۳، ۱۰۷، ۱۱۱، ۱۲۲، ۱۴۷، ۱۵۲، ۱۶۴، ۱۸۳، ۱۸۶، ۱۹۵، ۱۹۶، ۲۰۲، ۲۰۴، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۲۱، ۲۲۸، ۲۴۱، ۲۵۵، ۲۵۷، ۲۷۰، ۲۸۴، ۲۹۳، ۳۰۰، ۳۰۵، ۳۰۷، ۳۱۰، ۳۲۲، ۳۲۶، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۵، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۹، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۴، ۳۸۵، ۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۵، ۳۹۸، ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۹، ۴۲۱، ۴۲۵، ۴۲۷، ۴۲۸، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۳۸، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۵۵، ۴۵۸، ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۸۲، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۵، ۴۹۶، ۴۹۷، ۴۹۸، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۴، ۵۰۷، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۱	معاملات، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۴۰، ۱۴۹، ۱۵۳، ۱۸۵، ۲۷۲، ۳۲۹ معاویہ، ۴۲۱ معاہدہ خارجی، ۳۸۲ معتمدی دکترو، ۳۹۳ معتمدی مهندس، ۱۰۸ معروف، ۲۶۶ معزی، ۳۷۰، ۴۵۳، ۴۶۷ معزی اسماعیل، ۳۷۶ معزی سرہنگ، ۲۱۸ معزی فرزند، ۳۷۰ معلم ناحیہ، ۱۳، ۱۱۲ معلول، ۸۴، ۹۳، ۹۹، ۱۱۱، ۱۳۴، ۱۵۱، ۲۹۱، ۳۲۵، ۳۲۹ مقیم، ۲۷۸ معین، ۴۹، ۶۸، ۳۰۹، ۳۱۱، ۳۱۷، ۳۹۸، ۴۱۹ معین پور سرہنگ، ۲۲۵ معین فر، ۵۲، ۸۹، ۱۳۰، ۱۵۵ معین فر علی اکبر، ۳۴۵ معین فر مهندس، ۶۲ معینی پور سرہنگ، ۲۷۸ معینی سرہنگ، ۲۱۹ مغز، ۳۰۱ مغزی ضربہ، ۲۷۱ مفضوب، ۳۹۰ مفتوح خانم، ۹۳ مفتی زادہ، ۵۹، ۶۹، ۱۰۴ مفسر، ۸۴، ۲۶۸ مفقود، ۱۵۹، ۱۸۱، ۲۴۹، ۲۷۰، ۳۲۹ مفقود الاثر، ۱۵۹، ۱۶۰ مفیدی خانم، ۸۴ مقدسیان، ۱۲۵ مقدسین، ۴۳۹ مقدم، ۹۴، ۲۳۰ مقررات، ۹۴، ۲۲۳ مقروض، ۲۸۶ مقصر، ۳۴۳ مقصودی، ۳۹۷	
مطبوعات، ۳۷، ۴۶، ۶۶، ۶۷، ۸۴، ۹۵، ۹۷، ۱۱۶، ۲۱۶، ۲۹۱، ۳۲۵، ۳۳۷، ۴۴۵، ۴۴۶	مطہری، ۵۵، ۶۳، ۷۱، ۷۹، ۸۱، ۸۵، ۹۱، ۹۶، ۱۳۳، ۲۱۶، ۳۰۱، ۳۶۱، ۳۷۱، ۳۹۲، ۳۹۳	
پسر، ۱۳۳		
خانوادہ، ۳۲، ۹۳		
دختر، ۱۱۹، ۳۹۵		
مدرسہ، ۷۰، ۱۰۵، ۱۱۰، ۳۶۳، ۳۸۶		
ہمسر، ۸۱، ۹۰، ۱۱۹، ۲۳۱، ۲۴۱، ۲۴۳، ۳۶۳، ۳۷۰		
مطہری جعفری، ۵۲		
مطہری خانم، ۱۸۷		
مطہری شہادت، ۶۹		
مظفر، ۱۳۰		
مظلومی، ۱۱۳		
معاد، ۲۷۱، ۲۷۳، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۸، ۴۰۶، ۴۲۸		
معادن و فلزات وزارت، ۸۴		
معادینخواہ، ۷۰، ۸۴، ۹۱، ۱۱۰، ۱۳۶، ۲۳۱، ۲۵۳، ۲۶۳، ۳۳۱، ۳۳۴، ۳۵۹، ۳۸۹، ۳۹۷، ۴۲۳، ۴۸۲، ۴۹۰		
خانم، ۹۳، ۲۴۱		
معادینخواہ عبدالحمید، ۵۰۳		
معارف، ۷۰، ۹۱		
معارف اسلامی، ۹۱		
معالجہ، ۱۰۳، ۱۳۱، ۱۶۹، ۲۵۷، ۳۴۹، ۳۹۳، ۴۴۲، ۴۴۷، ۴۸۳		

پیام، ۲۲۳	مقصودی دختر، ۲۵۷
منتظری آیت الله، ۳۸۶، ۳۰۰	مقیمی، ۴۱۰
منتظری احمد، ۴۹۱	مکانیک، ۴۰۶
منتظری خانم، ۳۲۳	مکتب زدائی، ۹۷
منتظری فرزند محمد، ۳۲۳	مکتب غیر، ۱۲۳
منتظری محمد، ۸۷، ۲۲۶	مکتبی، ۳۷۲، ۳۳۵، ۱۵۷، ۱۲۵، ۱۲۳، ۹۷، ۹۴، ۸۹
منحرف، ۲۱۴	مکتبی غیر، ۴۶۵، ۳۳۷، ۱۳۷
منزوی، ۴۸، ۲۱۲، ۳۰۲، ۳۲۰، ۴۹۰	مکری، ۴۸۹
منشی، ۲۰۲	مکری دکتر، ۳۷۹، ۴۹۱
منصوری، ۱۱۳، ۲۵۶	مکه، ۱۱۱، ۳۰۶، ۳۲۲، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۵۲
منصوریان خانم دکتر، ۶۶، ۱۶۱، ۲۱۰	ملایر نماینده، ۳۷۰، ۳۵۳، ۴۶۷
منفجر، ۲۷، ۴۷، ۱۷۹، ۲۲۷، ۲۷۱، ۳۰۶، ۳۲۴، ۳۶۷، ۴۹۱	ملت، ۵۴، ۱۹۲، ۲۲۳، ۴۱۱، ۳۳۷
منکر، ۳۴۵، ۳۹۲، ۴۰۶، ۴۱۵	ملک پور، ۱۱۲، ۱۳۵، ۲۳۲، ۴۳۸
منکرات مبارزه، ۳۴۸	ملک خالد نامه، ۳۲۲
منوچهری، ۱۳۰	ملی گرا، ۵۲، ۹۵، ۱۵۵، ۱۵۹، ۳۴۸
منیر شفیق، ۴۷۳	ممتنع، ۱۵۹، ۱۶۶، ۲۰۲، ۲۲۸، ۲۴۴، ۲۶۹، ۳۳۵، ۳۴۵
مواد غذایی، ۲۸۸	۴۰۸
مواد مخدر، ۲۳۸، ۴۱۵، ۴۵۷	ممکن دکتر، ۳۸۶
مواد منفجره، ۳۲۹، ۳۹۴	مملکت، ۱۷۹، ۳۳۲
موافق، ۵۴، ۵۹، ۷۳، ۸۲، ۸۵، ۹۵، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۴، ۱۰۸، ۱۳۰، ۱۳۶، ۱۳۴، ۱۴۵، ۱۵۷، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۹۸، ۲۰۷، ۲۱۰، ۲۱۹، ۲۲۳، ۲۲۸، ۲۳۶، ۲۴۴، ۲۴۹، ۲۵۴، ۲۶۲، ۲۶۹، ۲۷۷، ۲۸۱، ۲۹۹، ۳۱۹، ۳۲۴، ۳۳۵، ۳۳۲، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۴، ۳۵۷، ۳۹۷، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۴۵، ۴۴۹، ۴۵۲، ۴۵۵، ۴۵۷، ۴۶۵، ۴۷۶، ۴۹۷، ۵۰۰، ۵۰۳، ۵۰۶، ۵۰۸	سیاست، ۱۶۰
موتور، ۳۲۶، ۳۸۵	صلاح، ۲۴۱
موتور سیکلت، ۹۴، ۲۵۴	ممنوع الخروج، ۱۰۳
موج، ۲۷۷، ۲۷۲، ۳۰۰، ۳۳۲، ۳۳۲، ۳۳۳، ۴۱۰	ممنوع الورود، ۱۱۶
موحدی، ۹۴، ۳۶۴	مناطق جنگی، ۳۴۱، ۴۷۹
موحدی پور، ۲۵۰	مناظره، ۵، ۸۴، ۸۵، ۹۶، ۱۰۱، ۱۰۵، ۱۲۷، ۱۳۷، ۱۴۵
موحدی ساوجی، ۳۲۷	مناقق، ۹۰، ۱۱۰، ۱۸۹، ۲۱۳، ۲۴۹، ۲۷۸، ۳۰۵، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۲۲، ۳۶۱، ۳۹۰، ۳۹۲، ۳۹۴، ۴۰۸، ۴۲۲، ۴۳۷، ۴۵۲، ۴۵۵، ۴۶۸، ۴۷۰، ۴۷۴، ۵۰۴
موحدی کرمانی، ۶۰، ۵۰۹	عملیات، ۳۰۵
موحدینی، ۳۹۶	مناقق زدائی، ۲۴۹
مورو، ۴۲۸	منافی دکتر، ۳۳۱، ۳۳۵، ۳۴۱، ۳۴۷
موریتانی، ۳۲۴	مناقصه، ۷۰
موزه، ۲۸۸، ۳۸۲، ۴۸۲	منتجب، ۴۲۸
	منتظری، ۷۴، ۷۹، ۹۴، ۱۳۱، ۱۳۳، ۱۸۵، ۳۱۷، ۳۲۳
	۳۴۸، ۳۷۲، ۳۷۴، ۳۷۳، ۴۷۲، ۴۷۶، ۴۹۱، ۴۹۵، ۴۹۶، ۵۰۴
	بیت، ۳۷۶، ۴۹۱

۲۰۷، ۳۱۲، ۳۱۷، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۴۳، ۳۴۵، ۳۵۲
 مهلوی کنی، ۵۹، ۷۰، ۹۳، ۲۳۱، ۲۵۰، ۲۵۲، ۲۵۴، ۲۵۷،
 ۲۶۲، ۲۶۴، ۲۷۷، ۲۹۲، ۳۰۵، ۳۰۹، ۳۲۳، ۳۲۶، ۳۲۸، ۳۵۲،
 ۳۵۹، ۳۶۴، ۳۹۲، ۵۰۹
 دختر، ۹۳
 مهلی، ۳۲، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۶، ۱۲۳، ۱۳۰، ۱۳۷، ۱۶۳،
 ۱۷۳، ۱۸۵، ۲۲۴، ۲۲۶، ۲۳۹، ۲۷۴، ۲۸۱، ۳۶۵، ۴۰۰، ۴۲۰،
 ۴۲۲، ۴۲۹، ۴۴۲، ۴۲۸
 مهلیان، ۲۲، ۲۸۶
 مهر، ۵۵، ۳۵۶
 مهمات، ۱۹۱، ۱۹۶، ۱۹۹، ۲۱۴، ۲۱۷، ۲۲۳، ۲۷۰، ۲۷۶،
 ۳۶۷، ۳۹۰، ۳۹۴، ۳۹۵، ۴۲۱، ۴۵۸، ۴۶۴، ۴۷۳، ۴۹۶
 مهمان، ۳۱، ۳۷، ۵۴، ۵۹، ۶۳، ۷۴، ۸۲، ۸۴، ۸۹، ۹۵،
 ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۷، ۱۱۰، ۱۱۶، ۱۱۹، ۱۲۵، ۱۲۷، ۱۳۳، ۱۵۷،
 ۱۷۳، ۱۸۷، ۱۹۰، ۱۹۳، ۲۰۱، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۱۵،
 ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۹، ۲۹۳، ۳۱۸، ۳۳۰، ۳۵۷، ۳۶۵، ۳۷۲، ۳۸۵،
 ۳۹۳، ۳۹۷، ۴۰۸، ۴۱۰، ۴۱۲، ۴۱۴، ۴۲۰، ۴۲۳، ۴۲۷، ۴۲۹،
 ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۵، ۴۳۸، ۴۴۰، ۴۶۰، ۴۶۲، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۶۸،
 ۴۶۹، ۴۷۳، ۴۸۰، ۴۸۳، ۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۵، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۷،
 ۵۱۰
 مهمان خارجی، ۴۳۵
 مهمانرا، ۲۸۲، ۲۸۵، ۲۸۹، ۲۹۱
 میانجی، ۴۹۲
 میانجیگری، ۳۳۲، ۴۰۳، ۴۵۵، ۴۷۵، ۴۹۵، ۵۰۱، ۵۰۳
 میانه، ۷۵، ۱۰۳، ۲۴۷
 نماینده، ۷۵
 عیت، ۳۸۷
 میتران، ۵۰۰
 میدان آزادی، ۴۹، ۲۲۷
 میراز، ۳۹۳
 میرخانی، ۳۵۱
 میرخانی مصطفی، ۶۳، ۱۵۰، ۱۹۲
 میرزائی خلیبان، ۱۲۴
 میرسلیم، ۳۵، ۱۰۵، ۳۱۲، ۳۲۶، ۳۳۰، ۳۶۱
 میرسلیم مصطفی، ۲۱۷، ۳۲۳
 میرسلیم مهندس، ۳۱۳

موزه رضا عباسی، ۲۸۲
 موسوی، ۳۱، ۳۱، ۳۴، ۹۱، ۱۹۵، ۲۳۷، ۲۵۳، ۲۶۵، ۲۶۹، ۲۷۶،
 ۲۹۵، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۴۴، ۳۵۲، ۳۶۰، ۳۹۳، ۴۱۰، ۴۳۱، ۴۴۰،
 ۴۶۶، ۴۷۰، ۴۸۳، ۴۹۱
 موسوی اردبیلی، ۳۱، ۵۴، ۱۷۹، ۲۰۱، ۲۱۵، ۲۱۹،
 ۲۲۱، ۲۳۰، ۲۳۶، ۲۴۹، ۲۵۹، ۲۶۳، ۲۶۳، ۲۹۳، ۳۰۲، ۳۰۷، ۳۴۹،
 ۳۶۱، ۳۶۵، ۳۹۳، ۳۹۷، ۴۱۰، ۴۱۲، ۴۳۹، ۴۶۶، ۴۶۹، ۵۰۹
 موسوی تبریزی، ۱۰۷
 موسوی تبریزی سید حسین، ۳۴۸
 موسوی حسن، ۳۳۲
 موسوی خانواده، ۵۸
 موسوی خوئینها، ۱۳۵، ۱۶۴، ۱۷۸، ۱۹۵، ۲۲۵،
 ۲۴۶، ۲۵۹، ۲۹۲، ۳۶۲، ۳۶۷، ۳۷۲، ۳۸۵، ۳۹۴، ۴۲۷، ۴۶۷،
 ۴۹۰، ۴۹۷
 موسوی شیرازی صادق، ۸۴
 موسوی صادق، ۹۱
 موسوی صادق (شیرازی)، ۲۰۴
 موسوی گرمارودی، ۱۹۷
 موسوی مهندس، ۲۰۸، ۲۱۴، ۲۲۱، ۲۲۷، ۲۳۸، ۲۹۵،
 ۳۰۱، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۳۳، ۳۴۵، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۷۵
 موسوی مهندس حسین، ۱۹۰
 موسوی مهندس میرحسین، ۱۸۱
 موسوی میرحسین، ۳۲۳
 موسی صدر، ۳۹۷
 موسیقی، ۲۸۴، ۴۳۹
 موسیقی آهنگ، ۱۰۷
 موشک، ۳۵۱، ۴۷۳
 موشک فنیکس، ۳۷۲
 موکت، ۲۲۷
 موکت شور، ۲۳۷
 مهاباد، ۱۴۶
 فرمانداری، ۳۹۸
 مهاجری، ۸۴
 مهاجم، ۲۰۷، ۲۴۸
 مهلوی، ۹۱، ۱۷۹، ۱۸۴، ۱۸۶، ۱۹۵، ۲۴۱، ۲۵۰، ۲۵۹،
 ۲۶۲، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۱، ۲۹۵، ۳۰۲

۲۱۷، ۲۶۳، ۲۸۴، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۷۰، ۵۱۱
 نامه، ۳۷، ۳۵، ۴۸، ۶۸، ۸۰، ۸۲، ۸۷، ۹۰، ۹۶، ۱۰۳، ۱۱۰،
 ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۳۴، ۱۳۷، ۱۵۵، ۱۶۹، ۱۸۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۹،
 ۲۱۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۶۵، ۲۶۹، ۲۷۶، ۲۹۹، ۳۱۲، ۳۲۱،
 ۳۲۲، ۳۲۲، ۳۴۲، ۳۴۴، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۶، ۳۶۰، ۳۹۵، ۴۰۸،
 ۴۲۶، ۴۳۲، ۴۳۷، ۴۵۵، ۴۶۴، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۲
 نامه (آقای هاشمی)، ۱۰۳
 نان، ۲۹۳
 ناو، ۱۹۱، ۲۰۵
 ناوچه، ۲۳۹، ۲۴۴، ۲۵۷
 توپدار، ۲۴۹
 ریودن، ۲۳۹، ۲۴۵، ۲۴۹
 ناو میلانیا، ۲۰۵، ۲۲۶، ۲۸۷
 نبوت، ۴۵۳، ۴۶۲
 نبوی، ۶۱، ۶۹، ۱۰۷، ۱۱۰، ۱۱۳، ۱۱۶، ۱۲۹، ۲۱۸،
 ۲۴۵، ۲۴۷، ۲۶۴، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۵۲
 نبوی بهزاد، ۴۸، ۹۰، ۱۰۶، ۱۷۲، ۱۷۹، ۲۰۱، ۲۰۹، ۲۳۰،
 ۲۴۴، ۲۵۲، ۲۵۷، ۲۵۹، ۲۶۵، ۲۷۳، ۲۸۱، ۳۰۵، ۳۳۴، ۳۴۲،
 ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۶۲، ۴۳۰، ۴۳۹، ۴۴۲، ۴۴۶، ۴۶۷، ۴۹۸،
 فرزند، ۳۳۹
 نجف آباد نماینده، ۳۰۰
 نجفی، ۲۰۵، ۲۰۹، ۴۱۹
 نجفی مرعشی، ۱۳۱
 نخست وزیر، ۴۸، ۵۴، ۵۵، ۶۱، ۶۷، ۷۵، ۷۹، ۸۷، ۱۰۵،
 ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۲۹، ۱۳۷، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۹، ۱۵۸، ۱۷۱، ۱۷۲،
 ۱۷۹، ۱۸۱، ۱۹۳، ۱۹۵، ۱۹۶، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸،
 ۲۱۰، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۲۳، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸،
 ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۵۳، ۲۵۹، ۲۶۱، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۷۱، ۲۸۱، ۲۸۹،
 ۲۹۳، ۲۰۹، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۲۲، ۳۲۴، ۳۲۶، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۲،
 ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۴۹، ۳۵۲،
 ۳۵۳، ۳۵۷، ۳۶۰، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۸۴، ۳۹۴، ۳۹۸، ۴۰۷،
 ۴۱۰، ۴۱۹، ۴۲۸، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۲،
 ۴۴۶، ۴۵۵، ۴۵۸، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۷۰، ۴۷۲، ۴۷۴، ۴۸۳،
 ۴۹۰، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۵، ۴۹۷، ۴۹۸، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۷،
 ۵۱۱
 کاندید، ۲۱۳

میزان روزنامه، ۵۲، ۸۰، ۱۴۰، ۲۰۸، ۲۳۳
 میلاد پیغمبر، ۲۸۶
 میلانی دکتر، ۲۶۹
 میمک جبهه، ۳۹۳
 مین، ۴۷۹
 میناب نماینده، ۳۱۲
 میناچی، ۱۸۷، ۲۲۱، ۲۸۶
 میناچی برادرزاده، ۱۰۷
 میناچی کریم، ۱۰۷
 مین رویی، ۵۰۰
 مین گذاری، ۵۰۰
 مینودشت نماینده، ۶۰، ۶۹
 مؤلفان، ۱۶۰
 نائین، ۱۹۷، ۳۳۱
 عیای، ۳۳۱
 نماینده، ۸۹
 ناامن، ۲۶، ۴۶۴
 ناپینا، ۴۸۹
 نادی، ۳۰۰
 نارنجک، ۱۸۳، ۱۹۸، ۲۵۴، ۲۷۸، ۳۰۶، ۳۹۳
 ناسیونالیست، ۱۰۱
 ناصر اخوی زاده، ۴۲۹
 ناصر محمد احمد رهبر نهضت آریتره، ۴۸
 ناصری، ۶۸
 ناصری امین، ۲۰۴
 ناطق نوری، ۶۲، ۸۴، ۱۱۱، ۱۳۰، ۱۹۳، ۲۰۸، ۲۱۵،
 ۲۳۰، ۲۴۴، ۲۶۳، ۳۰۷، ۳۱۱، ۳۳۱، ۳۵۷، ۴۷۶
 ناطق نوری احمد، ۲۵۵
 ناطقی، ۱۱۳
 ناظران بین الملل، ۴۹۶
 ناظم زاده، ۴۶۱
 ناقلی خسرو، ۴۹۰
 نامپور، ۲۸۵
 نامجو، ۲۲۱، ۲۴۶، ۳۰۷، ۳۱۰
 نامجو سرتیپ، ۳۶۱
 نامجو سرهنگ، ۸۵، ۱۳۹، ۱۵۸، ۱۸۱، ۱۹۱، ۱۹۳

نماز	کلید واژه	ندامت
نظری زاده، ۳۷	مشاور فرهنگی، ۴۹۲	ندامت، ۲۶۲
نظری زاده کرمانی، ۱۵۳، ۳۷	نرخ آزاد، ۶۰	نروژ تلویزیون، ۲۲۴
نعمت، ۴۲۱، ۴۲۰، ۳۶۲	نزاع، ۳۱۷، ۴۷۶	نزیه، ۱۶۱
نعمت آباد، ۱۷۳	نژاد، ۱۳۷	نشاسته پور، ۱۱۱
نعمت زاده مهندس، ۵۹	نشاط، ۳۳۰	نشر معارف، ۴۶۹
نفاق، ۱۸۷، ۱۹۶، ۲۰۵	نشریات، ۲۵۷، ۱۹۲	نصر اسماعیل سید، ۵۱۰
نفت، ۱۱۱، ۱۹۶، ۲۰۶، ۲۴۷، ۲۵۹، ۳۰۲، ۳۲۴، ۳۷۲، ۴۰۷	نصراللهی، ۹۴، ۷۱	نصرت، ۵۲
۳۱۱، ۴۲۵، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۶۳، ۴۶۵، ۴۷۰، ۴۷۲، ۴۷۴، ۴۷۵	نصری، ۱۳۳	نصیحت، ۱۱۱، ۲۳۸، ۳۷۲، ۳۹۵، ۴۳۹
۴۸۲، ۴۹۶، ۵۰۰، ۵۰۴، ۵۰۸	نصیری لاری، ۱۴۹	نصیری ورزشگاه، ۱۷۱
اتکاء، ۵۰۷	نظارت، ۴۲، ۳۲۰، ۳۶۲، ۳۷۷، ۴۹۱	نظام اقتصادی، ۳۳۸
تأسیسات، ۱۹۶، ۲۲۶	نظام پزشکی، ۴۶۲	نظام کیفری اسلام، ۳۱۰
صادر کنندگان، ۱۹۶	نظامی، ۳۵، ۳۸، ۱۰۶، ۱۲۳، ۱۲۷، ۱۵۰، ۱۵۷، ۱۵۸، ۲۱۷	۲۱۸، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۶، ۲۳۹، ۲۴۹، ۲۵۷، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۸۴
فروش، ۳۰۲، ۳۵۹، ۳۲۴، ۳۷۲، ۳۹۸	۲۸۸، ۲۹۲، ۲۹۳، ۳۰۴، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۱۰، ۳۲۴، ۳۴۸، ۳۸۲	۳۹۱، ۳۹۵، ۳۹۸، ۴۰۳، ۴۰۸، ۴۲۲، ۴۵۸، ۴۶۱، ۴۶۴، ۴۶۹
قیمت، ۲۳۹، ۲۲۴، ۳۲۱، ۳۶۴، ۴۰۷، ۴۱۱، ۴۷۵	۴۷۵، ۴۷۹، ۴۸۲، ۴۹۳، ۵۰۰	پایگاه، ۲۸۸
مجتمع، ۳۱۰	تسلط، ۳۹۸	دادگاه، ۲۹۳
مستول وزارت، ۴۲۹	فرمانده، ۱۳۷، ۱۵۰، ۲۳۹، ۳۰۷	گردان، ۴۶۹
معاون وزارت، ۱۰۴	مراکز، ۲۸۴، ۲۸۸، ۳۰۶	هیئت، ۴۶۱، ۴۷۵
نماینده انجمن اسلامی وزارت، ۱۹۵	نظران، ۲۳۹، ۲۹۹، ۳۹۲، ۴۰۰، ۴۳۲، ۴۶۷، ۵۰۶	نظری، ۳۷
وزارت، ۶۲، ۶۴، ۹۶، ۱۰۴، ۱۱۷، ۱۹۵، ۲۷۶، ۳۳۱		
۳۳۸، ۴۰۶، ۴۱۹، ۴۲۹، ۴۹۸، ۵۰۸		
وزیر، ۲۷۶، ۳۳۱، ۳۶۱، ۳۶۴، ۴۰۶، ۴۳۰		
نفت خام مجانی، ۵۰۸		
نفت شرکت، ۳۵، ۵۲، ۶۲، ۹۰، ۴۲۳		
۷۲ نفر، ۱۸۵، ۱۸۷		
نفرین، ۳۹۵		
نفوذ، ۳۲، ۳۷، ۴۵، ۹۵، ۱۰۱، ۱۳۹، ۱۸۱، ۱۹۵، ۳۰۲، ۳۸۲		
۴۰۸، ۴۳۰، ۵۰۹		
نقده فرمانداری، ۳۹۸		
نقدی شعبان علی، ۱۱۳		
نقشه، ۳۳، ۲۰۸، ۲۱۰، ۲۴۸، ۴۳۰		
نقیب سرتیپ، ۱۰۱		
نقیلو، ۳۹		
نکاء امام جمعه، ۳۵۹		
نگهبان، ۳۳۱		
نماز		
جماعت، ۴۸، ۵۴، ۵۵، ۸۲، ۱۷۴، ۱۸۷، ۳۸۰، ۳۸۹		

نهضت، ۳۸، ۱۱۲، ۱۹۲، ۲۰۶، ۲۲۶، ۲۲۱، ۲۵۴، ۲۰۱،
 ۳۹۳، ۳۹۴، ۴۱۰، ۴۱۲، ۴۲۱، ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۴۴، ۴۷۳
 نهضت آزادی، ۶۰، ۶۲، ۶۸، ۷۱، ۸۷، ۱۲۳، ۱۲۹، ۱۶۹،
 ۱۸۳، ۱۹۰، ۲۳۲، ۲۹۵، ۳۱۷، ۳۲۵، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۵۴
 سران، ۳۲۹
 نهضت آزادی بخش، ۲۰۶، ۲۳۱
 نهضت آزادی بخش، ۲۲۶، ۲۵۴، ۳۷۳، ۴۱۰، ۴۱۲،
 ۴۶۴
 نهضت سواد آموزی، ۴۲۵
 نیازهای جنگ، ۳۰۱، ۳۶۶
 نیجریه، ۴۰۶
 سفیر، ۴۰۶
 طلبه، ۶۸
 مسلمانان، ۴۰۶
 نهضت اسلامی، ۴۲۶
 نیرو، ۴۱، ۶۷، ۷۱، ۸۰، ۸۲، ۸۷، ۹۰، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۵،
 ۱۱۶، ۱۱۹، ۱۲۳، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۴۵، ۱۴۹، ۱۶۰، ۱۶۴،
 ۱۶۶، ۱۸۱، ۱۸۷، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۶، ۱۹۹، ۲۰۱، ۲۰۵، ۲۰۹،
 ۲۱۷، ۲۱۹، ۲۲۸، ۲۳۹، ۲۴۱، ۲۴۷، ۲۴۹، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۹،
 ۲۶۴، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۸۳، ۳۰۲، ۳۰۹، ۳۱۱،
 ۳۱۸، ۳۲۳، ۳۴۱، ۳۴۸، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۶۲، ۳۶۵، ۳۶۷،
 ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۱،
 ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۵، ۳۹۸، ۴۰۱، ۴۰۳، ۴۱۵، ۴۱۹، ۴۲۲،
 ۴۲۶، ۴۲۷، ۴۳۰، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۴۰، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۵۸،
 ۴۶۲، ۴۶۴، ۴۶۷، ۴۷۰، ۴۸۲، ۴۸۹، ۴۹۶، ۵۰۰، ۵۰۳، ۵۱۲
 ستاد، ۳۰۱، ۳۰۹، ۳۹۵
 سیاسی ایدئولوژی، ۲۱۹
 فرمانده، ۲۶۴
 وزارت، ۱۱۱
 وزیر، ۳۸۱، ۴۸۴
 نیرو مسلح، ۴۱۵، ۴۸۹
 فرمانده، ۱۲۳، ۱۴۹، ۱۶۰، ۲۸۳
 نیروی انسانی، ۳۵۲
 نیروی دریایی، ۸۰، ۱۹۱، ۲۰۵، ۲۳۹، ۲۴۹، ۳۵۱، ۳۷۲،
 ۳۸۷، ۴۱۹، ۴۳۱، ۴۳۶، ۴۴۲، ۵۰۰
 فرمانده، ۸۰، ۸۵، ۲۳۹، ۳۵۱، ۳۷۲، ۴۸۷، ۴۴۳

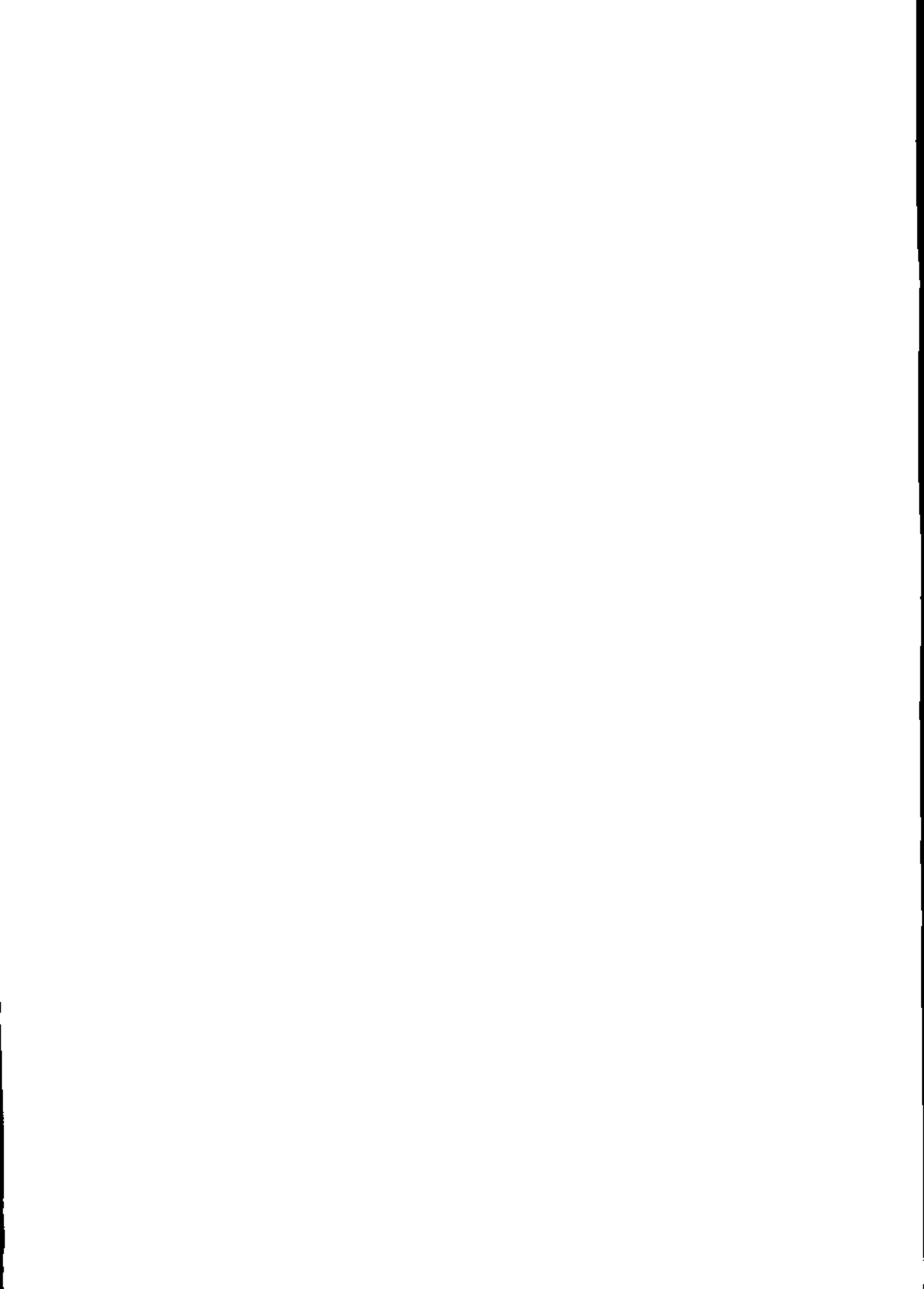
عید، ۲۲۴
 نماز جمعه ستاد، ۳۹، ۱۸۶، ۲۰۴، ۳۰۰، ۳۲۵، ۳۹۷،
 ۴۶۰
 نماز شب، ۲۴۶
 نماز عید قربان، ۳۱۸
 نمازی بیمارستان، ۴۳
 نمایشگاه ماشین آلات کشاورزی، ۲۸۸
 نمایشنامه، ۱۲۳
 نمایندگان انجمن اسلامی دانشجو، ۶۷، ۳۷۳
 نماینده
 نهاد انقلابی، ۳۳
 نوار، ۳۸، ۸۴، ۱۱۰، ۱۱۳، ۱۳۲، ۱۶۴، ۲۸۹، ۲۹۲، ۳۶۵،
 ۴۲۸، ۴۵۵، ۴۶۴، ۴۹۷، ۵۰۰
 نورائی مهندس، ۱۹۱
 نور بخش، ۲۳۳
 نوربخش دکتر، ۳۴۲
 نورمفیدی، ۷۹، ۱۱۰
 نوروزی، ۷۹، ۱۱۶
 برادر، ۱۱۶
 نوری، ۱۳۱، ۲۰۸
 نوری حسین، ۹۱، ۴۶۱
 نوری شیخ فضل، ۴۹۲
 نوری عبدالله، ۲۱۲، ۴۳۱
 نوسود، ۴۳۰
 نوشهر، ۶۶، ۸۱، ۱۰۵، ۱۹۷
 نماینده، ۶۶، ۸۱، ۱۰۵
 نوق، ۱۷۴، ۲۷۶، ۳۶۱، ۳۸۲، ۴۰۸، ۴۸۴
 نوق بهرمان، ۱۷۴
 نوید، ۲۲۱
 نهاد انقلابی، ۳۳، ۵۸، ۷۱، ۱۳۱، ۳۸۱، ۳۹۰، ۴۰۶، ۴۲۶،
 ۴۲۷، ۴۴۰، ۴۶۱، ۵۰۱
 نهاوند مسئول، ۵۰۳
 نهج البلاغه، ۳۸، ۴۱، ۴۵، ۵۵، ۲۵۵
 سیاست، ۳۸، ۴۵، ۵۵
 سیاست و حکومت، ۳۸
 نهران، ۲۱۳

ولایتی	کلید واژه	نیروی زمینی
وحدت، ۱۴۷، ۲۸۴، ۲۷۲، ۴۱۱، ۴۲۲، ۴۲۷، ۴۲۹	اسلامی، ۴۶۹	هواپیما فرندشیپ، ۲۳۹
مسلمین، ۱۳۷	مسلمین، ۱۳۷	نیروی زمینی، ۲۵۵، ۲۶۴، ۳۱۸، ۳۶۱، ۴۰۲، ۴۴۲
هفته، ۲۸۶، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۳۷، ۴۳۹	وحید، ۲۵۶	ستاد، ۱۹۶، ۳۹۵
وحید دکتر، ۸۲، ۸۳، ۱۰۲، ۲۷۲	وحید سرهنگ، ۳۷، ۶۷، ۶۸، ۷۰، ۱۰۲، ۱۳۳، ۱۵۰	فرمانده، ۱۸۷، ۱۹۶، ۱۹۹، ۲۳۸، ۲۴۱، ۲۷۰، ۳۰۹
وحید سرهنگ، ۲۷۲، ۲۷۱، ۲۵۹	وحیده، ۳۹۶	۳۱۱، ۳۴۱، ۳۴۸، ۳۵۱، ۳۶۷، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۸۵، ۳۹۱، ۳۹۴
ورزش، ۶۹، ۳۰۰، ۴۴۲، ۴۴۴، ۴۵۸	ورزشی سرهنگ، ۲۰۵	۴۳۶، ۴۳۷، ۴۳۶
وزارتخانه، ۴۱، ۱۲۹، ۲۶۲، ۳۱۲، ۳۷۴، ۴۸۲، ۴۹۲	وزارت راه نامزد، ۲۴۴	قرارگاه، ۴۸۲
وزارت فرهنگ و هنر، ۴۶۲	وزرا، ۷۵، ۸۱، ۸۹، ۹۰، ۱۵۸، ۲۰۷، ۲۲۴، ۲۵۲، ۲۵۹، ۲۶۲	معاون، ۲۵۹
وزرا، ۲۶۴، ۲۹۹، ۳۴۴، ۳۴۹، ۳۵۴، ۳۷۰، ۴۲۱، ۴۲۹، ۴۳۹، ۴۴۹، ۴۵۸	وزرا هیئت، ۲۲۶	نیروی مکتبی، ۲۷۶
۵۰۲، ۴۷۵	وزیر، ۶۲، ۱۸۲، ۲۲۱، ۲۲۱، ۲۲۹، ۲۳۶، ۲۵۵، ۳۱۸، ۳۳۱	نیروی هوائی، ۲۰۱، ۲۱۷، ۲۱۹، ۲۵۶، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۶
مشارر، ۴۱۰، ۳۵۷	مشاور، ۴۱۰، ۳۵۷	۳۱۱، ۳۵۱، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۸۷، ۳۹۲، ۳۹۴، ۴۰۲، ۴۳۷، ۴۶۷
وسائل، ۲۵۵	وسائل، ۲۵۵	۴۷۰
وسوسه، ۴۱۱	وصیت نامه، ۷۹، ۲۱۸	ستاد، ۳۹۵
وصیت نامه، ۷۹، ۲۱۸	وضعیت قرمز، ۶۹	فرمانده، ۲۱۹، ۲۷۸، ۳۱۱، ۳۴۸، ۳۵۱
وفاداری، ۱۹۷، ۳۱۰، ۳۶۸، ۴۲۶	وفاداری، ۱۹۷، ۳۱۰، ۳۶۸، ۴۲۶	فرمانده سابق، ۲۵۶
ولایت، ۲۳۸، ۳۳۰	ولایت، ۲۳۸، ۳۳۰	نیسان، ۳۷۵
ولایت اعمال، ۳۳۰	ولایت فقیه، ۱۰۴، ۱۲۶، ۲۳۷، ۲۴۶، ۲۹۹، ۳۲۱، ۳۲۲	جنوب، ۳۷۵
ولایت فقیه، ۱۰۴، ۱۲۶، ۲۳۷، ۲۴۶، ۲۹۹، ۳۲۱، ۳۲۲	۳۲۵، ۳۳۰، ۳۳۲، ۳۳۷، ۳۴۱، ۳۴۶، ۳۹۶، ۳۹۷، ۵۰۰	رود، ۳۸۹، ۴۲۰
مرگ بر ضد، ۵۰۰	مرگ بر ضد، ۵۰۰	نیشابور، ۱۹۷
واگذاری حق، ۳۲۴	واگذاری حق، ۳۲۴	قاضی شرع، ۷۱
واگذاری حق اعمال، ۳۲۲، ۳۲۵	واگذاری حق اعمال، ۳۲۲، ۳۲۵	نماینده، ۴۲، ۷۱، ۱۸۶، ۱۸۹
ولایت فقیه اعمال، ۲۳۷، ۲۴۶، ۲۹۹، ۳۲۵، ۳۳۰، ۳۳۲	ولایت فقیه اعمال، ۲۳۷، ۲۴۶، ۲۹۹، ۳۲۵، ۳۳۰، ۳۳۲	نیشکر کارخانه، ۴۸۰
۳۳۱، ۳۳۷	۳۳۱، ۳۳۷	نیکان مدرسه، ۱۶۲
ولایتی، ۳۲۶، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۲، ۴۰۷، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۲۶	ولایتی، ۳۲۶، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۲، ۴۰۷، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۲۶	نیک روش دکتر، ۲۶۹
		واحد خط، ۳۶۲
		وارادات، ۴۰۰
		واعظ طبسی، ۱۶۹
		واعظی دکتر، ۳۷۲
		واعظی فرج الله، ۶۱
		والده، ۱۷۲، ۳۸۴
		وام، ۳۷، ۱۱۷، ۱۵۳، ۲۲۴، ۲۳۴، ۳۰۶، ۴۰۷، ۴۲۶، ۴۷۲
		۵۰۴، ۴۷۲
		وام نفتی، ۵۰۴
		وتو، ۲۲۲، ۳۵۴، ۴۵۵
		وجوه اشتراک صدر اسلام، ۴۲۱
		وجوه شرعی، ۲۷۸، ۳۱۶

هدف، ۶۹، ۸۱، ۸۱، ۱۰۲، ۱۳۲، ۱۳۶، ۲۶۵، ۲۶۲، ۴۱۲،
 ۴۲۷، ۴۳۰، ۴۵۵، ۴۸۹
 هدیه، ۱۰۴، ۲۸۹، ۴۶۵، ۵۰۴
 هراتی، ۲۲۶، ۴۴۷
 هرمز جزیره، ۲۳۱
 هرمزگان
 ائمه جمعه، ۲۹۱
 استاندار، ۱۵۳
 محرومان، ۴۱۹
 نماینده، ۱۵۳
 هزیمت، ۱۹۹، ۲۸۹
 هشترود نماینده، ۳۳۲
 هفت تپه، ۴۸۰
 هلال احمر، ۴۲۳، ۴۲۵
 هلند، ۴۲۳
 تلویزیون، ۱۱۷
 هلیجر د، ۸۳
 هلیکوپتر، ۳۳، ۱۷۳، ۱۷۶، ۲۷۰، ۲۴۸، ۴۸۰، ۴۸۲
 هلیکوپتر سازی انجمن اسلامی، ۹۴
 همافر، ۱۷۶، ۲۱۹، ۲۲۶، ۲۸۹
 هماهنگی، ۶۶، ۱۵۰، ۲۳۸، ۲۴۶، ۲۶۵، ۳۶۸، ۳۹۱، ۴۲۱،
 ۴۸۲
 همایونی فرمان حذف، ۱۱۲، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۹، ۱۲۵،
 ۱۳۶
 همدان، ۵۹، ۱۴۴، ۱۴۵، ۲۷۹، ۴۴۰، ۴۵۳، ۴۸۹، ۴۹۱
 آوارگان، ۵۹
 اردوگاه، ۵۹
 استاندار، ۴۱، ۴۹۱
 امام جمعه، ۹۱، ۴۹۱
 امام جمعه سابق، ۱۳۵
 انجمن اسلامی دانش آموزان، ۴۳۰
 جهاد، ۴۵۳
 حاکم شرع، ۴۸۹
 حزب جمهوری، ۴۵۳
 همسایه، ۳۷، ۱۰۲، ۱۵۱، ۱۹۰، ۲۱۰، ۲۳۷، ۲۳۹، ۲۷۶،
 ۴۶۳

ولایتی دکتر، ۴۷، ۸۰، ۹۶، ۹۹، ۱۳۵، ۱۸۶، ۲۰۸، ۲۷۱،
 ۲۷۷، ۳۲۶، ۳۲۹، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۵، ۳۵۷، ۳۶۲، ۴۰۷، ۴۲۳،
 ۴۲۷، ۴۳۵، ۴۶۹، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۹۶، ۵۰۰
 ولگا، ۲۷۹
 ولی فقیه، ۲۳۰
 ونزوئلا، ۳۹۷
 وهاب زاده مهندس، ۱۹۳
 ویران، ۱۷۳، ۱۷۹، ۳۳۳، ۴۷۹
 ویزا، ۵۰۱
 ویژه نامه خبرگزاری پارس، ۳۷۰
 ویلا خیابان، ۴۹۵
 هادی، ۸۷
 هادی دکتر، ۲۲، ۶۶، ۲۴۴، ۵۰۶
 هاشمی، ۱۲۶
 هاشمیان آشیش محمد، ۶۶، ۱۷۴
 هاشمیان رضا، ۲۷۹
 هاشمیان شیخ حسین، ۴۱۴
 هاشمیان شیخ محمد، ۴۲۹
 هاشمی سید مهدی، ۲۲۶
 هاشمی علی، ۱۲۹
 هاشمی محمد، ۵۸
 هاشمی مهدی، ۲۰۶، ۳۷۳
 هاشمی مهندس، ۴۹۲
 هاشمی نژاد، ۳۰۷، ۳۱۰، ۳۳۳
 هاشمی نژاد برادر، ۳۱۰
 هاشمی نژاد عبدالکریم، ۳۰۶
 هانی الحسن، ۴۷، ۴۷۲
 هاوانا، ۲۲۷
 بین المجالس، ۲۴۷
 هتل، ۳۵، ۳۷، ۵۲، ۵۴، ۹۹، ۱۰۸، ۲۴۱، ۲۸۳، ۲۸۹، ۳۳۳،
 ۴۷۳
 استقلال، ۵۲، ۵۴، ۴۷۳
 پارک، ۱۳۳، ۳۲۶
 قدس، ۹۹
 مילتون، ۲۸۹
 هدایت خلیل، ۱۱۰

- همشیره، ۴۸۴
 همشیره زاده، ۴۸۳
 هند، ۱۲۶، ۱۶۳، ۱۹۱، ۲۹۲، ۳۲۶، ۳۳۵، ۴۰۰
 کمپانی، ۳۵۹
 هند اقیانوس، ۲۹۲
 هندوستان، ۳۵۹
 هندوستان، ۱۱۰، ۱۹۱، ۴۸۳
 خانه فرهنگ ایران، ۱۹۱
 سفیر، ۲۲۴
 نماینده انجمن اسلامی دانشجویان، ۲۷۲
 هنر، ۲۸۴
 هنر دوست، ۴۹۸
 هوا، ۵۴، ۱۲۱، ۱۷۶، ۲۸۹، ۳۳۱، ۴۱۰، ۴۸۳
 هوایی پایگاه، ۱۵۳، ۵۹
 هواپیما، ۲۲، ۳۶، ۵۹، ۶۰، ۷۹، ۹۴، ۱۵۰، ۱۷۳، ۱۷۶،
 ۲۱۵، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۳۱، ۲۳۵، ۲۳۹، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۷۵، ۲۷۹،
 ۲۸۱، ۲۸۹، ۲۹۲، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۳۳، ۳۷۲، ۳۹۲،
 ۳۹۴، ۳۹۵، ۳۹۷، ۳۹۸، ۴۰۳، ۴۲۹، ۴۶۹، ۴۷۸، ۴۸۲
 ریودن، ۲۳۱
 هواپیمائی کشوری رئیس، ۲۷۹، ۲۷۵
 هوانیروز
 فرمانده، ۲۷۶، ۹۷
 هوانیروز پادگان، ۱۷۶
 هویزه جبهه، ۴۶۲
 هیئت اجرایی، ۳۳۵
 هیئت اختلاف، ۵۸
 هیئت امنا، ۳۹۳
 هیئت بررسی اختلافات، ۷۰، ۷۳، ۷۹
 هیئت تحقیق، ۲۸۷
 هیئت حکمیت، ۵۴
 هیئت سه نفر، ۱۳۰
 هیئت صلح، ۵۴، ۵۸، ۱۰۶
 هیئت صلح غیر متعهد، ۱۰۶
 هیئت فنی، ۴۲۷
 هیئت مدیره، ۹۴، ۳۹۳، ۴۶۵
 هیئت مؤتلفه، ۳۵۹، ۴۱۵، ۴۲۶، ۴۳۳، ۴۹۲
- هیئت میانجی، ۴۵، ۴۷، ۵۲
 هیئت میانجی کنفرانس اسلامی طائف، ۴۷
 هیئت هفت نفری تقسیم زمین، ۳۹۶
 هیئتی تجاری، ۴۰۰
 هیرمند، ۳۸۱
 رود، ۲۰۸
 رودخانه، ۳۱۴
 یار محمدی، ۱۰۲، ۱۱۳، ۱۵۲، ۲۰۸، ۲۷۱، ۳۱۷، ۳۸۱، ۴۷۶، ۴۹۰
 یاسر، ۲۲، ۹۳، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۲۱، ۱۳۰، ۱۵۱، ۱۷۳، ۱۸۵،
 ۱۹۷، ۲۲۴، ۲۲۶، ۲۲۸، ۲۳۹، ۲۷۴، ۲۸۱، ۳۶۵، ۴۰۰، ۴۲۰،
 ۴۲۸، ۴۳۳، ۴۳۹، ۴۴۲
 یتیم خانه، ۲۹۱
 یحیوی، ۲۲
 یزد، ۶۲، ۱۱۳، ۱۲۵، ۲۱۸، ۲۷۴، ۲۹۲، ۴۲۸
 زلزله، ۲۱۸
 نماینده، ۴۲۸
 یزدی، ۵۴، ۷۹، ۹۱، ۲۹۲، ۳۱۸، ۳۲۹، ۳۷۰، ۳۸۹، ۳۹۲،
 ۴۰۸، ۴۳۱، ۴۵۸، ۴۹۲، ۵۱۰
 یزدی آیت الله سید محمد کاظم، ۴۶۲
 یزدی دکتر، ۴۱، ۸۹، ۱۴۴
 یزدی محمد، ۵۴، ۶۷، ۷۳، ۲۵۳، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۳، ۴۶۸
 یمن جنوبی، ۲۵۰
 رئیس جمهور، ۴۹۴
 یوسفی، ۶۸
 یوگسلاوی، ۱۳۹، ۳۸۲، ۴۰۰، ۴۶۹
 سفیر، ۲۱۵
 یونان خبرنگار، ۳۲۹









10
11